

فروغ مسجد (۵)

- ٤٣ -

فـــروغ مسجـــد

(۵)

مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات برگزیده

چهارهمین همایش بین‌المللی هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد

▣ ▣ ▣

(۳۰ مرداد ماه ۱۳۸۵ ـ ۲۶ رجب ۱٤۲۷ ـ ۲۱ آگوست ۲۰۰٦)

مرکز رسیدگی به امور مساجد

همایش بین‌المللی هفته‌جهانی گرامی‌داشت مساجد (چهارمین: ۱۴۲۷ ق. = ۱۳۸۵ : تهران)
فروغ مسجد (۵): مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات برگزیده چهارمین همایش بین‌المللی هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد (۳۰ مرداد ۱۳۸۵، ۲۶ رجب ۱۴۲۷، ۲۱ آگوست ۲۰۰۶) / مرکز رسیدگی به‌امور مساجد. تهران؛ قم انتشارات ثقلین، ۱۳۸۵ .
964 - 9960 - 09 - 0
۵۶۸ ص: مصور. ـ (انتشارات ثقلین ؛ ۴۳)
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا
کتابنامه.
۱. مسجدها ـ کنگره‌ها. ۲ . مسجدها ـ ایران ـ کنگره‌ها. ۳ . مسجدها ـ مقاله‌ها و خطابه‌ها. ۴ . مسجدها ـ ایران ـ مقاله‌ها و خطابه‌ها. ۵ . مسجدالاقصی، بیت‌المقدس ـ مقاله‌ها و خطابه‌ها.
الف . عنوان. ب . عنوان: مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات برگزیده چهارمین همایش بین‌المللی هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد (مرداد ۱۳۸۵ ـ رجب ۱۴۲۷ ـ آگوست ۲۰۰۶).
۸ هـ / BP ۲۶۱ ۲۹۷/۷۵
۱۳۸۵

▣ فروغ مسجد (۵) ▣

ناشر: انتشارات ثقلین
دبیر کمیته علمی همایش: علی رضایی‌بیرجندی
ویرایش: ایرج تبریزی
صفحه‌بندی و ناظر چاپ: عباس رحیمی
لیتوگرافی و چاپ: نینوا
قطع: وزیری ـ ۵۶۸ صفحه
تیراژ: چاپ اوّل ـ ۵۰۰۰ نسخه
تاریخ: تیرماه ۱۳۸۶

▣ ▣ ▣

نشانی :
مرکز انتشارات ثقلین: قم ـ خیابان انقلاب ـ چهارراه سجادیه ـ کوچه شماره ۳۳ ـ پلاک ۱۳
تلفن ۷۷۳۴۴۶۷ ـ دورنویس ۷۷۳۲۸۶۴
دفتر مرکزی مؤسسه فرهنگی ثقلین: تهران ـ تهرانپارس ـ بین فلکه دوم و سوم خیابان ۱۸۲ غربی ـ پلاک ۶ ▣ تلفن ۷۷۷۰۲۳۱۲ ـ دورنویس ۷۷۸۸۱۴۵۲

شماره شابک ۰ ـ ۰۹ ـ ۹۹۶۰ـ۹۶۴

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

سخن ناشر ۲۱
پیش‌گفتار..... ۲۳

بخش اوّل: سخنرانی‌ها

گزیده‌ای از سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین ابراهیمی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران. ۲۹
گزیده‌ای از سخنان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در مراسم افتتاحیه هفته جهانی مساجد..... ۳۳
گزیده‌ای‌ازسخنان‌حجت‌الاسلام‌والمسلمین‌ابراهیمی‌درمراسم‌گرامی‌داشت‌هفتهٔ جهانی‌مساجد... ۳۷
گزیده‌ای‌ازسخنان آیت‌الله تسخیری در مراسم افتتاحیه هفته جهانی مساجد و کنفرانس اسلامی. ۳۹
سخنان‌حجت‌الاسلام‌والمسلمین‌محسن‌اژه‌ای‌وزیراطلاعات‌درجمع‌ائمه‌جماعات‌جنوب‌تهران .. ۴۱
سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین ابراهیمی در مراسم افتتاح چند مسجد در تهران..... ۴۷
گزیده‌ای‌از سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین رضایی بیرجندی معاون فرهنگی مرکز رسیدگی. ۴۹
گزیده‌ای از سخنان حضرت آیت‌الله خزعلی در کمیسیون مساجد، چالش‌ها و راهکارها..... ۵۱
گزیده‌ای از بیانیهٔ پایانی کنفرانس وحدت اسلامی و اجلاس گرامی‌داشت هفته جهانی مساجد.. ۵۳
سخنرانی آیت‌الله هاشمی شاهرودی در گردهمایی روحانیون غرب استان تهران و کرج..... ۵۷
گزیده‌ای از سخنان خانم زعفرانی معاون امور زنان مرکز رسیدگی به امور مساجد..... ۷۱
سخنان دکتر علی‌اکبر ولایتی مشاور مقام معظم رهبری در همایش هفته جهانی هفته مساجد... ۷۳
سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی در جمع ائمه جماعات شرق استان تهران. ۷۷

بخش دوّم: مقالات برگزیده

فصل اول: پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و مسجد

▣ **پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و مسجد / دکتر علی محمدی آشنانی** ۸۵
چکیده ۸۵
پیش‌گفتار ۹۰
۱ ـ مسجد نقطه آغاز و سنگ بنای کادرسازی و تشکیل حاکمیت و حکومت اسلامی ... ۸۶
۲ ـ مسجد کانون مرکزی جامعه‌سازی اسلامی ۸۷
۳ ـ مسجد پایگاه وحدت و جایگاه حل اختلاف ۹۱
ضرورت پیروی از سیره در دوران معاصر ۹۱

▣ **مساجد در سیره‌ی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله / عالیهٔ جعفری** ۹۵
پیش‌گفتار ۹۵
خاطره از نخستین منبر مسجد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ۹۶
مسجد، کانون اصلی تبلیغ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ۹۷
بحثی تاریخی، در بارهٔ مسجد ۹۸
نخستین مسجد در اسلام ۹۸
نقش فرهنگی مسجد در دوران پیش از هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ۹۹
نقش فرهنگی مسجدالحرام پیش از هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ۱۰۰
نقش فرهنگی ـ آموزشی مسجد پس از هجرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ۱۰۱
سخنرانی‌های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در مسجد ۱۰۲
محتوای سخنرانی‌های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در مسجد ۱۰۳
جایگاه موعظه در تبلیغ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ۱۰۴
مراعات حال حاضران در مسجد ۱۰۵
جاذبه‌های معنوی در تبلیغ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ۱۰۵
اهتمام پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در بارهٔ امور مساجد ۱۰۶
ترجیح جلسات علمی بر جلسات دعا در مسجد، در زمان رسول خدا ۱۰۶
پی‌گفتار ۱۰۷
پی‌نوشت‌ها ۱۰۸

▣ **بررسی جایگاه مساجد در سیره پیامبر اعظمﷺ / کریم کوهائی‌زاده** ۱۱۱
چکیده ۱۱۱
مقدمه ۱۱۲
۱ ـ مسجد به عنوان دانشگاه پیامبرﷺ ۱۱۳
الف) جلسه‌های آموزشی پیامبر اسلام در مسجد ۱۱۳
ب) برگزاری جلسات پرسش و پاسخ در مسجد ۱۱۵
ج) انجام فعالیت‌های فرهنگی در مساجد و آغاز آن از مسجدالحرام ۱۱۶
د) معلمان مسائل دینی ۱۱۸
۲ ـ مسجد بعنوان ستاد فرماندهی پیامبر اعظمﷺ ۱۲۰
۳ ـ مسجد، و گفت‌وگوی پیامبر اعظمﷺ با نمایندگان سایر ادیان ۱۲۱
۴ ـ اعتکاف پیامبرﷺ در مسجد ۱۲۴
۵ ـ ویژگی‌های مسجد پیامبرﷺ و شیوه برگزاری نماز جماعت در سیره نبویﷺ ۱۲۵
نتیجه‌گیری ۱۲۸
مسجد در عصر مدرنیته ۱۲۹

▣ **اعتکاف پیامبر اعظمﷺ در مسجد / رضا مفاخری** ۱۳۵
اعتکاف چیست؟ معتکف کیست؟ ۱۳۵
پیشینهٔ تاریخی اعتکاف ۱۳۶
همگانی و ضروری بودن اعتکاف ۱۴۰
شروط و احکام اعتکاف ۱۴۲
راه‌های گسترش اعتکاف ۱۴۳
نتیجه ۱۴۴
فهرست منابع و مأخذ ۱۴۵

▣ **مسجد و گفت‌وگوی پیامبر اعظمﷺ با نمایندگان ادیان / محمد رضایی** ۱۴۷
مقدمه ۱۴۷
جایگاه مسجد در سخنان خداوند و گفتار ائمه اطهارعلیهم‌السلام ۱۴۸
علت نام‌گذاری مسجد ۱۴۹

اهمیت مسجد نزد خداوند منان ۱۵۰
۱ ـ مذاکره با نمایندگان بنی‌تمیم ۱۵۱
۲ ـ گفت‌وگو با نمایندگان ثقیف ۱۵۲
۳ ـ گفت‌وگو با هیئت نمایندگان مسیحیان نجران ۱۵۵

▣ بررسی تاریخی و فقهی حضور زن در مسجد در صدر اسلام / علی‌اکبر گندمکار ۱۵۷
حضور زنان در مسجد در روزگار پیامبرﷺ ۱۶۰
الف) خانهٔ زن مسجد اوست ۱۶۰
ب) روایات عام ۱۶۲
ج) حضور زنان در نمازهای جماعت پیامبر۹ و روایات دال بر جواز حضور ۱۶۴
د) گواه تاریخ بر حضور زنان در مساجد در صدر اسلام برای اموری غیر از اقامه نماز .. ۱۶۷
هـ) بررسی فقهی حضور زن در مسجد ۱۷۱
و) شرایط حضور زنان در مساجد ۱۷۴
۱ ـ استفاده نکردن از بوی خوش ۱۷۴
۲ ـ عدم اختلاط زن و مرد در مسجد ۱۷۵
۳ ـ پرهیز از سخنان بلند و بیهوده ۱۷۵
۴ ـ اجازهٔ شوهر ۱۷۶
۵ ـ توقف بیجا نکردن در مسیر مسجد ۱۷۷
ز) آثار حضور زنان در مسجد ۱۷۷
منابع و مأخذ ۱۷۹

فصل دوم: کارکردهای مساجد

▣ آثار، برکات و کارکردهای فردی و اجتماعی مسجد / سید حمید حسینی ۱۸۵
چکیده ۱۸۵
مقدمه ۱۸۶
ماهیت مسجد ۱۸۸
آثار سیاسی، اجتماعی مسجد ۱۹۰

پیش‌گیری از جرائم ۱۹۱
مبارزه با ظلم ۱۹۲
وحدت و تعاون ۱۹۲
تعهد برابر سایر انسان‌ها (رعایت حقوق بشر) ۱۹۵
هم‌دردی و هم‌دلی ۱۹۵
دوستی‌های سالم ۱۹۸
کسب و تجارت ۲۰۰
حفظ حدود و ثغور بلاد اسلامی ۲۰۱
آثار تربیتی ۲۰۲
ایثار و انفاق ۲۰۳
آثار روحی و اخلاقی ۲۰۴
بهره و پاداش الهی ۲۰۴
نتیجه ۲۰۶
پیشنهاد ۲۰۷
فهرست منابع و مآخذ ۲۰۸

▣ نقش مسجد در سلامت روانی جامعه / کبری حیدری ۲۰۹
پیش‌گفتار ۲۰۹
اهمیت مسجد در اسلام ۲۱۰
آرامش گمشدهٔ بشر در جهان امروز! ۲۱۰
عوامل نگرانی و پریشانی ۲۱۱
ارزش یاد خدا (ذکر) ۲۱۴
نماز بهترین وسیله برای یاد خدا ۲۱۶
نماز و آرامش روان ۲۱۷

▣ مساجد ملجأ مردم / ناصر شکریان ۲۲۱
مقدمه ۲۱۱

جایگاه مسجد ۲۲۲
کارکردهای مسجد ۲۲۶
مسجدالحرام ملجأ مردم ۲۲۸
مسجدالحرام مأمن مردم ۲۲۹
مسجدالحرام خانهٔ مردم ۲۳۱
تذکر ۲۳۱
ویژگی‌های دهگانه ۲۳۲
۱ ـ امنیت تکوینی ۲۳۲
۲ ـ امنیت تشریفی ۲۳۳
۳ ـ امنیت روحی و معنوی ۲۳۳
۴ ـ امنیت از جهت جنگ و خونریزی ۲۳۳
۵ ـ امنیت از جهت حضور مفسد و ظالم ۲۳۴
۶ ـ امنیت از جهت تبعیض و نابرابری ۲۳۴
۷ ـ امنیت از جهت ورود مشرکین ۲۳۵
۸ ـ امنیت لقطه ۲۳۵
۹ ـ امنیت گیاهان و درختان ۲۳۵
۱۰ ـ اختیاری بودن نماز ۲۳۶
آثار اجتماعی و تربیتی این پناهگاه امن ۲۳۶
مساجد ملجأ مردم ۲۳۷
مساجد و انقلاب اسلامی ۲۴۱
فهرست منابع ۲۴۴

▣ پایگاه نمونهٔ بسیج مسجد / ابوالفضل نجادی ۲۴۵
پیش‌گفتار ۲۴۵
کارکرد نظامی پایگاه مقاومت بسیج در مسجد ۲۴۶
فعالیت‌های نظامی پایگاه بسیج نمونه در زمان جنگ ۲۴۷
۱ ـ سازمان‌دهی و اعزام نیروها به سوی جبهه‌های جنگ ۲۴۷

۲ـ آموزش نظامی ۲۴۸
۳ـ نگهبانی و پاس‌داری از کیان مسلمانان و حفظ امنیت ۲۴۹
۴ـ مسجد و فعالیت‌های اضطراری مربوط به جنگ ۲۵۰
نقش مسجد در جبهه‌ها و میادین جنگ ۲۵۱
فعالیت‌های نظامی پایگاه بسیج در زمان صلح ۲۵۱
الف) حفظ و ارتقای آمادگی رزمی بسیجیان ۲۵۲
ب) جذب نیرو و تکمیل ارتش بیست میلیونی ۲۵۲
ج) اجرای برنامه‌های امنیتی ۲۵۲
کارکرد آموزشی پایگاه بسیج ۲۵۳
الف) تشکیل کلاس‌های آموزشی ۲۵۴
ب) برگزاری جلسات پرسش و پاسخ ۲۵۵
ج) برگزاری مناظرات علمی در مسجد ۲۵۶
کتاب‌خانه پایگاه بسیج مسجد ۲۵۷
نوارخانهٔ بسیج ۲۵۸
فعالیت‌های فرهنگی پایگاه مقاومت بسیج مسجد ۲۵۸
۱ـ ترویج فرهنگ جهاد و شهادت ۲۵۹
۲ـ برگزاری جلسات مذهبی ۲۶۱
۳ـ اجرای برمانه‌های اردویی ۲۶۱
۴ـ برگزاری کلاس‌های هنری ۲۶۲
۵ـ فعالیت‌های ورزشی ۲۶۳
فعالیت‌های اجتماعی عام‌المنفعه پایگاه مقاومت بسیج مسجد ۲۶۳
۱ـ تأسیس صندوق قرض‌الحسنه ۲۶۴
۲ـ مشارکت در امر سازندگی و آبادانی کشور ۲۶۴
بسیج و امر به معروف و نهی از منکر ۲۶۵
بسیج و فعالیت‌های سیاسی ۲۶۶
رابطهٔ پایگاه مقاومت بسیج با امام جماعت ۲۶۷
رابطه و همکاری بسیج و هیأت امنای مسجد ۲۶۷

رابطهٔ پایگاه بسیج با اهل محل ۲۶۹
رابطهٔ پایگاه مقاومت بسیج با دیگر نهاد و سازمان‌های دولتی ۲۷۰
آسیب‌شناسی پایگاه‌های مقاومت بسیج مساجد ۲۷۱
۱ـ اختلاف با دیگر مجموعه‌ها و ارکان مسجد ۲۷۱
۲ـ فاصله گرفتن از اصول و آرمان‌های مقدس بسیج ۲۷۲
۳ـ بی‌برنامگی و ائتلاف وقت ۲۷۲
۴ـ سوء مدیریت ۲۷۲
۵ـ انحصار پایگاه مقاومت بسیج در فعالیت‌های نظامی ۲۷۳
۶ـ استفاده نکردن از بزرگان و افراد با تجربه ۲۷۳
۷ـ برخوردهای غیرعلمی و سلیقه‌ای با افراد ۲۷۴
۸ـ امتیازگرایی ۲۷۴
۹ـ نفوذ افراد فرصت‌طلب ۲۷۴
دیدگاه‌های حضرت امام خمینی﵀ و مقام معظم رهبری «مدظله‌العالی» در بارهٔ مقاومت بسیج ۲۷۵
۱ـ مساجد پایگاه‌های اصلی و همیشگی بسیج ۲۷۵
۲ـ حفظ توان نظامی و رزمی بسیج ۲۷۶
۳ـ جهانی شدن بسیج ۲۷۶
۴ـ بسیجی بودن؛ افتخار همیشگی ۲۷۷
۵ـ نگهبانی از امنیت ملی ۲۷۷
۶ـ تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی ۲۷۸
۷ـ بسیج؛ رمز بقای انقلاب اسلامی ۲۷۸
۸ـ همه جانبه بودن فعالیت‌های بسیج ۲۷۹
منابع و مآخذ ۲۸۰

فصل سوم: نقش مسجد در توسعه و مدیریت شهر اسلامی

▣ نقش مسجد در توسعهٔ فضایی و کالبدی محله‌ای / دکتر خسرو کی‌منش ۲۸۳
چکیده ۲۸۳
مساجد هویت مشترک شهرهای اسلامی ۲۸۴
مساجد و ساخت اکولوژیک شهرها و محلات اسلامی ۲۸۴
دیدگاه کل نگرایانه نسبت به مساجد در ساختار شهرها و محلات ۲۸۵

پیوند ساختاری مساجد با ساختار کلی شهرها و محلات ۲۸۶
مساجد و تغییر شکل و رشد شهرهای مسلمان‌نشین ۲۸۷
مساجد و بهینه‌سازی توسعهٔ شهری و محله‌ای ۲۸۸
مساجد و رشد بعد معنوی و فکری شهرها و محلات ۲۸۹
مساجد و آرام‌سازی سیمای ساختاری محلات ۲۹۲
مساجد و ساختار منظم خانه‌های مستقر در محلات ۲۹۳
آسیب‌شناسی ساخت مساجد در شهرها و محلات ۲۹۳
منابع و مأخذ ۲۹۵

▣ نقش مسجد در مدیریت توسعهٔ محله‌ای / دکتر سعید اسدی ۲۹۷
چکیده ۲۹۷
نقش مدیریت در زندگی اجتماعی ۲۹۸
مدیریت در سطح کلان شهری ۳۰۰
دین و جایگاه آن در ورود به مدنیت ۳۰۲
مدیریت و اسلام ۳۰۳
مسجد به عنوان نقطهٔ عطف مدیریت ۳۰۵
نقش مسجد در مدیریت اقتصادی ۳۰۹
مسجد و مدیریت توسعه ۳۱۰
نقش مدیریتی مساجد در توسعهٔ محله‌ای ۳۱۲

▣ نقش مسجد در سازمان و اجتماع محله‌ای / دکتر مسعود مظاهری ۳۱۵
چکیده ۳۱۵
حوزه‌های اجتماعی شهرها ۳۱۶
محلات به عنوان حوزه‌های خرد اجتماعی ۳۱۷
دین به عنوان یک نیاز اجتماعی ۳۱۹
مسجد، مهم‌ترین نهاد در ساختار زندگی اجتماعی ۳۲۰
نقش تعاونی و اجتماعی مسجد ۳۲۲
مسجد، کانون اجتماعات محلی ۳۲۴
آسیب‌شناسی نقش اجتماعی محلات ۳۲۴

▣ **نقش مسجد در امنیت اجتماع محله‌ای / دکتر محمد عارفی** **۳۲۷**
چکیده ۳۲۷
کارکرد اجتماعی مساجد ۳۲۸
مساجد و تعاون اجتماعی ۳۳۰
مساجد و برقراری عدالت اجتماعی ۳۳۰
ستادهای حفاظت اجتماعی مساجد و برقراری امنیت اجتماعی ۳۳۱
نقش دین و مساجد در کاهش آسیب پذیری اجتماعی ۳۳۲
نقش مساجد در کنترل کنش‌های نابهنجار محلات شهری ۳۳۴
مساجد و عدم تضییع حقوق شهروندان ۳۳۶
نقش امنیتی مساجد در شناخت فقرآلود ۳۳۷
نقش تربیتی مساجد و اصل ابشار و انذار ۳۳۷
منابع و مأخذ ۳۳۸

▣ **نقش مسجد در ایمنی و مسائل محیط زیست محله‌ای / دکتر اسدالله اسدی** **۳۳۹**
چکیده ۳۳۹
دیدگاه جزءگرایانهٔ انسان به طبیعت ۳۴۰
دیدگاه علم گرایانه به طبیعت ۳۴۱
تسلط و کنترل انسان بر طبیعت ۳۴۲
تأثیر انسان محوری بر سیاست‌های محیطی ۳۴۳
دین و محیط زیست ۳۴۴
توجیهات مذهبی در سیاست‌های محیطی ۳۴۴
اسلام و محیط زیست ۳۴۶
تفکر دربارهٔ طبیعت ۳۴۶
مسئولیت انسان در برابر طبیعت ۳۴۷
کمال بخشی به طبیعت ۳۴۸
توسعهٔ پایدار ۳۴۹
ارتباط با طبیعت ۳۵۰

امنیت و ایمنی ۳۵۱
اصلاح و عمران ۳۵۱
دانش و آگاهی ۳۵۲
همکاری و همیاری ۳۵۲
قانون‌گرایی و قانون‌مندی ۳۵۲
نتیجه‌گیری ۳۵۳
منابع و مأخذ ۳۵۴

▣ نقش مسجد در اقتصاد محله / دکتر علی‌محمد احمدی ۳۵۵
چکیده ۳۵۵
دین و توسعهٔ انسانی ۳۵۶
رابطهٔ دین و اقتصاد ۳۵۷
نقش دین در توسعه و رفاه اقتصادی ۳۵۸
معنای برکت ۳۶۰
الف) تقوی ۳۶۲
ب) حسن نیت ۳۶۳
ج) راست‌گویی ۳۶۴
د) سخاوت ۳۶۴
الف) استغفار ۳۶۵
اقامهٔ نماز و نماز شب ۳۶۶
ب) دعا ۳۶۷
د) حج و عمره ۳۶۷
الف) انفاق ۳۶۸
ب) صلهٔ رحم ۳۶۹
ج) میانه‌روی ۳۶۹
د) ازدواج ۳۶۹
هـ) آسان‌گیری در معامله ۳۷۰

نقش مساجد در توسعه و رفاه اقتصادی ۳۷۱
نقش مساجد در اقتصاد محله‌ای ۳۷۴
منابع و مأخذ ۳۷۶

▣ نقش مسجد در فرهنگ و هویت محله‌ای / دکتر ابراهیم عباسی ۳۷۷
چکیده ۳۷۷
فرهنگ و ساختارهای تشکیل دهندهٔ آن ۳۷۸
جنبهٔ معنوی فرهنگ ۳۸۱
کارکرد فرهنگی مساجد ۳۸۲
مساجد و شکل‌گیری فرهنگ و هویت اسلامی محلات شهری ۳۸۳
ضرورت حضور پررنگ مساجد در فرهنگ شهرها و محلات ۳۸۵
تأثیر مساجد بر الگوهای فرهنگی شهروندان ۳۸۶
تعامل مساجد با فرهنگ‌سراها و خانه‌های فرهنگ ۳۸۶
توسعه و حفظ مساجد به عنوان کانون‌های فرهنگی منطقه‌ای ۳۸۷
آسیب‌شناسی و چالش‌های فراروی فرهنگ دینی ۳۸۸
منابع و مأخذ ۳۸۹

▣ نقش مسجد در توسعهٔ محله‌ای / دکتر بابک نگهداری ۳۹۱
چکیده ۳۹۱
رابطه دین و نهادهای اجتماعی ۳۹۲
توسعه و رابطهٔ آن با زندگی اجتماعی ۳۹۴
رویکردهای توسعه ۳۹۵
مساجد و هویت توسعهٔ شهرهای اسلامی ۳۹۶
نقش مراکز مذهبی و مساجد در نیل به توسعه ۳۹۸
مساجد، محوریت ایجاد و توسعهٔ شهری و محله‌ای ۴۰۳
۱ ـ فضیلت وقف و باقیات الصالحات در فرهنگ اسلامی ۴۰۳
۲ ـ عدم پیش بینی فضای توسعه در بنای مسجد ۴۰۴

۳ ـ روحیه راحت‌طلبی ۴۰۴
۴ ـ اختلافات قومی و منطقه‌ای ۴۰۴
آسیب‌شناسی عدم توزیع مناسب مساجد در شهرها و محلات ۴۰۴
نتیجه‌گیری ۴۰۶
منابع و مأخذ ۴۰۸

فصل چهارم: مسجد، کانون مبارزه با استکبار

▣ نقش جهانی مساجد در ایجاد وحدت و پشتیبانی از حرکت‌های انقلابی جهان اسلام ۴۱۱
پیش‌گفتار ۴۱۱
افق چشم‌انداز بیست ساله و برنامه چهارم توسعه ۴۱۵
نگاهی به برخی از فرازهای سند چشم انداز و برنامه چهارم ۴۱۶
سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه در امور فرهنگی، علمی و فن‌آوری ۴۱۷
امور اجتماعی، سیاسی دفاعی و امنیتی ۴۱۹
امنیت انسانی و عدالت اجتماعی ۴۲۲
الف) چالش‌های موجود در مساجد ایران ۴۲۴
ب) آسیب و چالش‌های فیزیکی و سخت‌افزاری ۴۲۶
ج) آسیب و چالش‌های مربوط به نیروی انسانی و کارگزاران ۴۲۶
د) آسیب و چالش‌های محتوایی و برنامه‌ای ۴۲۷
راه‌کارهای توسعه و تعمیق جایگاه و نقش آفرینی مساجد و جذب جوانان ۴۲۷
راه‌کارهای توسعه کمی و کیفی و جذب جوانان به مسجد ۴۲۹
الف) توسعه کمی ۴۳۰
ب) توسعه کیفی ۴۳۳

▣ مسجدکانون حماسه‌های اسلامی (از آغاز تاکنون) / غلامرضا گلی‌زواره ۴۳۵
چکیده ۴۳۵
پایگاه عبادی و سیاسی ۴۳۶
مسجد خار چشم دشمنان ۴۳۹

مسجد کوفه ۴۳۹
جامع دمشق ۴۴۰
قیام‌های علویان ۴۴۲
قیام سربداران ۴۴۳
خشم مقدس ۴۴۶
قیام گوهر شاد ۴۴۷
فریاد اعتراض ۴۴۹
مسجد و انقلاب اسلامی ۴۵۲
اوج‌گیری نهضت ۴۵۵

▣ انتفاضه مسجدالاقصی در مقطع کنونی / موسی‌الرضا حیدری ۴۵۹
ماهیت پروتکلها ۴۶۲
این هدف ۴۶۳
کانون زرسالاران یهودی ۴۷۲
الیگارشی خاخامی ۴۷۳
زرسالاران یهودی و تمدن جدید غرب ۴۷۵
اسطوره‌سازی صهیونیسم ۴۷۸
اسطوره پوگروم‌ها ۴۷۸
اسطوره هولوکاست و سیطره بر آمریکا ۴۸۳
پدیده‌ای بنام صهیونیسم مسیحی ۴۸۹
سرویس خارجی ۴۸۹
حماسه یاران قدس ۴۹۵
مقدمه فصل دوم ۴۹۵
انتفاضه فلسطین ۴۹۷
عوامل مؤثر در پیدایی انتفاضه ۴۹۹
۱ ـ عوامل فلسطینی ۴۹۹
۲ ـ عوامل منطقه‌ای ۵۰۱

۳ـ سرکوب و شکنجه فلسطینیان ۵۰۴
۴ـ عوامل جهانی و بین‌المللی ۵۰۵
اقدامات سرکوبگرانه اسرائیل در انتفاضه ۵۰۷
نیروهای شرکت‌کننده در انتفاضه ۵۰۹
دست‌آوردها و پیامدهای انتفاضه ۵۱۱
منابع ۵۲۱

▣ هولوکاست افسانه یا حقیقت؟! / عصمت‌الله بهاروند ۵۲۳
مقدمه ۵۲۳
نتیجه ۵۳۱

فصل پنجم: مسجد و جهانی شدن

▣ جایگاه «مساجد» در: عصر «جهانی شدن» / سیدمحمدرضا طالبیان ۵۳۵
مقدمه ۵۳۵
● بخش اول: جهانی شدن: مبانی، مؤلفه‌ها و پیامدها ۵۳۶
جهانی شدن ۵۳۶
جهانی شدن یک برنامه یا یک پدیدهٔ طبیعی؟ ۵۳۷
عناصر اساسی مدرنیسم ۵۳۹
۱ـ عقل‌گرایی (Rationalism) ۵۳۹
۲ـ اومانیسم (انسان‌گروی) (Humanism) ۵۴۰
۳ـ سکولاریسم (جداانگاری دین و دنیا) ۵۴۰
۴ـ آزادی ۵۴۰
بحران‌های دامنگیر جوامع مدرن ۵۴۱
● بخش دوم: کارکردهای مساجد و نقش آنها در عصر جهانی شدن ۵۴۲
مسجد و تکثیر اندیشه دینی ۵۴۲
مسجد و زدودن شبهات فکری ۵۴۳
مسجد و بهداشت‌روانی ۵۴۳

مسجد و اندیشه «مهدویت» ۵۴۵
مسجد و مسئله بازیابی هویت ۵۴۵

▣ تأملی در احیای نقش مساجد به اقتضای تحولات عصر جدید / دکتر علی معموری ۵۴۷
۱ ـ تنوع حاضران ۵۴۹
۲ ـ حضور غیرمسلمانان ۵۵۰
۳ ـ حضور بانوان ۵۵۰
۴ ـ تنوع فعالیت‌ها ۵۵۱
۵ ـ امام جماعت ۵۵۱
۶ ـ اداره شورایی ۵۵۲

▣ نقش و جایگاه مساجد در فرآیند توسعه وجهانی شدن / دکتر سید حمید حسینی ۵۵۳
چکیده ۵۵۳
توسعه ۵۵۴
«جهانی شدن» ۵۵۶
مقدمه ۵۵۷
نظریه‌ی «جهانی شدن» ۵۵۹
مساجد، توسعه وجهانی شدن ۵۶۱
مساجد و دولت کریمه ی جهانی ۵۶۳
نتیجه ۵۶۶
منابع و مآخذ ۵۶۸

سخن ناشر

بدون تردید مسجد مقدس‌ترین مکان برای عبادت، نیایش و یاد خداوند متعال و همواره مشعل هدایت و سمبل توجه به ارزش‌های والای انسانی و طرد آلایش‌های مادی و نشانگر هویت فرهنگ و هنر اسلامی و مرکز پیش‌گیری و کاهش بزهکاری‌های اجتماعی است. بدینسان مسجد قلب تپنده‌ای است که در آن آسمان با زمین باهم پیوند می‌خورند و انسان به‌عنوان گل سرسبد نظام هستی در آن رشد و تکامل می‌یابد.

مؤسسه فرهنگی ثقلین در راستای اشاعه فرهنگ اسلام و اهل‌بیت پیامبر علیهم‌السلام و نشر حقایق ناب دینی جهت احیای کامل مساجد کشور و حل مشکلات این پایگاه‌های دین و اخلاق و معنویت و برترین مکان تقویت ایمان و عالی‌ترین مرکز کسب آگاهی و بصیرت و زیباترین جایگاه تربیت و پرورش انسان‌های وارسته و مهم‌ترین مکان گسترش فعالیت‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جلد پنجم فرغ مسجد که مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات اجلاس هفته گرامی‌داشت مساجد در سال ۱۳۸۵ می‌باشد منتشر نماید.

امید است با احیای کامل و جامع مساجد جامعه‌ای مسجد محور داشته باشیم.

در پایان خداوند را می‌خوانیم که توفیق خدمتگذاری به ساحت مقدس قرآن، اهل‌بیت علیهم‌السلام و مساجد به ما عنایت فرماید.

مؤسسه فرهنگی ثقلین

پیش‌گفتار

عصر ما، عصر بازنگری و بازگشت به دین می‌باشد. دو قائمه بزرگ مادی‌گری و مادی‌نگری یعنی یوزیتویسم در زمینه اندیشه و علم و مارکسیسم /کمونیسم در زمینه عمل و اقتصاد و جامعه‌گردانی شکست خورد، و برای بشریت رنج دیده امروز مجال تأمل در معنویات و بازگشت به سنت معنوی که جامع‌ترین مصداق آن دین است فراهم آمده است از سده‌های نخستین ظهور اسلام در عامهٔ مجامع اسلامی مساجد به عنوان شاخص‌ترین و بارزترین نهادهای اسلامیت تجلی داشته و آنچه در منظر ابتدایی مایه‌های فرهنگ اسلام را بروز داده است همانا وجود مناره‌های بلند و زیبای مساجد در پیشانی شهرهای اسلامی بوده است در حقیقت آموزش عملی بنیانگذار مکتب اسلام بر رهروان راهش نیز بر این مدار پایه‌گذاری شده است در طراحی و برنامه‌ریزی اساسی حکومت اسلامی مسجد نخستین پروژه‌ای است که معمار نهضت اسلامی در آستانه ورود به یثرب در محله قبا آن را به مورد اجراگذارد. وی با ورود به یثرب نام مدینه را برآن برگزید و مسجد دیگری را در مرکز شهر بنا می‌نهد.

بدین ترتیب می‌نمایاند که برای ورود به مدنیت صحیح و توسعه آن جهت برخورداری از جامعه سالم از قالب مسجد باید گذر کرد و رنگ و بوی مسجدی که همانا صبغةالله است برخود گرفت و آنگاه در مدینه حکومت اسلامی و در مساجد آن ستاد حکومتی و مدیریتی تشکیل داد و دین و آیین سیاست و مدیریت را آموخت و یاد داد که اسلام دین بهزیستی فرد و اجتماع و عامل اصلی مدیریت توسعه اسلامی است در مسجد شکاف طبقاتی حذف و نظام‌برادری برآن حاکم است آنچه که مورد نظر است تعمیم روح حاکم بر مساجد در سایر بخش‌های جامعه است کارکردهای نمونه یک امت بدون تمایز ظاهری حتی در روش نشستن مسلمانان در مساجد بوضوح مشهود است.

مساجد در ایران اسلامی در همهٔ مراحل انقلاب همواره ملجأ و مأمن و مرجع مردم و مسئولان بوده است. خدمات شایان مساجد در قبل و در آستانه انقلاب که به عنوان پایگاه‌های عظیم انقلاب در ساماندهی و سازماندهی نیروهای انقلاب و روشنگری ائمه جماعات و اطلاع‌رسانی به موقع برکسی پوشیده نیست.

بعد از پیروزی انقلاب تقریباً همهٔ کارها در مساجد انجام می‌گرفت وکمیته‌های انقلاب از دل مساجد جوشید و آرامش را به کشور بازگرداند در زمان هشت سال دفاع مقدس و سپس دوران سازندگی و زمان امدادرسانی این مساجداند که به فریاد ملت و کشور رسیدند.

سئوال این است که آیا انقلاب و مسئولان که از مساجد برخواسته‌اند چه میزان به مساجد خدمت کرده‌اند آیا پس از ربع قرن پیروزی انقلاب اسلامی و توسعه و پیشرفت در محورهای گوناگون کشور چنین احساس نمی‌شود که پایگاه اصلی انقلاب یعنی مساجد مورد غفلت و فراموشی قرارگرفته است مسئولان نظام چه میزان حق مساجد را اداء کرده‌اند.

راستی رسالت نظام مقدس جمهوری اسلامی با توجه به مکتبی بودن نظام در قبال مساجد و مسجدی‌ها و تعمیق باورهای دین و تربیت کارگزاران مساجد و پشتیبانی از مساجد چیس؟ برخورداری از حدود ۶۰/۰۰۰ مسجد از جمله سرمایه‌های ملی و اسلامی ایران است که متأسفانه استفاده مطلوب از آنها صورت نمی‌گیرد آیا جای تأسف نیست که ترکیه لائیک که نصف وسعت ایران وسعت وکمتر از جمعیت ایران جمعیت دارد در مسجدسازی حرف آخر را بزند و ۹۰/۰۰۰ مسجد داشته باشد. اما مساجد جمهوری اسلامی ایران هم از جهت کمی و هم‌کیفی پائین تر از آن کشور باشد. حال آن‌که ایران اسلامی به‌عنوان ام‌القرای جهان اسلام علاوه بر ساماندهی مساجد در داخل باید از وجود امکان بالقوه سازماندهی مساجد جهان اسلام به عنوان ساختار جهانی امت اسلامی استفاده کند و با بهره‌برداری از امکانات مادی و معنوی مساجد جهان اسلام برای ایجاد وحدت بیشتر مسلمین کوشش نماید.

مرکز رسیدگی به امور مساجد از دولت و مجلس مکتبی انتظار دارد که ضمن جبران کاستی‌های گذشته دین خود را به مساجد ادا نمایند.

باید توجه داشت با عنایت به این‌که تکریم مساجد وظیفه همهٔ مسلمانان و حق‌جویان است و خوشبختانه در همین راستا سازمان کنفرانس اسلامی ۲۱ آگوست سالروز آتش‌زدن مسجدالاقصی از سوی اسرائیل غاصب را روز آغازین هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد برگزیده است.

مرکز رسیدگی به امور مساجد ضمن ارج نهادن به این اقدام مقدس برای چهارمین سال با همکاری نهادها و سازمان‌های مرتبط با تشکیل ستاد بزرگداشت هفته جهانی مساجد برگزاری هرچه با شکوه‌تر این هفته را با هدف بهبود وضع مساجد داخل و خارج کشور و ساماندهی و توسعه و شکوفایی روزافزون آنها در دستورکار خویش قرار داده و با فراخوان آثار و مقالات ضمن برپایی اجلاس‌های گوناگون گرامی‌داشت. هفته جهانی مساجد با حضور مسئولین نظام عالمان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه ائمه جماعات اهل قلم و فعالان فرهنگی مساجد به این مهم اقدام نموده است ائمه جماعات هیئت امنا و فعالان فرهنگی مساجد در روز نخست با حضور در حرم مطهر امام خمینی بر لزوم تحقق منویات والا و آرمان‌های بلند و الهی آن قافله سالار سفرکرده بویژه در مورد احیای مساجد تأکید کردند علما و دانشمندان در اجلاس‌های گوناگون وکمیسیون‌های تخصصی با تکیه بر جایگاه بی‌بدیل مساجد در فرهنگ اسلامی و لزوم استفاده از توانمندی‌های آنها بر توسعه و گسترش هرچه بیشتر کارکردهای مساجد با توجه به شرایط زمان و نیز رفع موانع و مشکلات مساجد تأکید نمودند.

در پایان از همه کسانی که در برگزاری اجلاس‌های گوناگون و نیز کمیسیون‌ها در تهران و اجلاس‌ها در مراکز استان‌ها و سراسر کشور صادقانه همکاری نموده‌اند بویژه اعضای محترم ستاد عالی هفته گرامی داشت مساجد تشکر و قدردانی نموده و توجه خوانندگان گرانقدر را به گزارشی از سخنرانی‌ها و مقالات ارائه شد، جلب می‌نمایم.

دبیر کمیته‌ی علمی ستاد گرامی داشت هفته‌ی جهانی مساجد

علی رضایی بیرجندی

بخش اوّل

سخنرانی‌ها

گزیده‌ای از سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین ابراهیمی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران به مناسبت هفته‌جهانی گرامی‌داشت مساجد

بسم الله الرحمن الرحیم

مساجد در طول تاریخ بشر و تاریخ اسلام، پایگاه مبارزه با ستم‌گران و زیاده‌طلبان بوده است و امروزه مصداق بارز ظلم و زیاده‌خواهی در دنیا، رژیم غاصب اسرائیل و صهیونیست‌ها هستند. صهیونیست‌ها همواره دشمن مسجد بوده‌اند از جمله و در اقدامی سبعانه مسجد الاقصی را آتش زدند. در هر جا هم قدرت یابند، این کار را تکرار خواهند کرد؛ اما فرزندان مسجد در لبنان اجازه ندادند آنان در این کشور به هدف شوم خود دست یابند. شکی نیست که مسجد خانهٔ خدا، محل تجمع یکتاپرستان، کانون توجه همه انسان‌ها و مرکز هدایت امت اسلام است که نخستین فلسفهٔ تشریع جهاد برضدّ کفار، صیانت از حریم این مکان مقدس بود. در عظمت مسجد همین بس که محل استقرار نبی مکرم اسلام ﷺ و عروج پیامبر بزرگ به ملکوت اعلی بود و اگر محلی وجیه‌تر و بااهمیت‌تر و با عظمت‌تر و برتر از آن بود، پیامبر در آنجا به تربیت یاران خود وفرماندهی جنگ‌ها می‌پرداخت. باید توجه داشت مسجد ملاک آزمایش بزرگان ومعیار سنجش و میزان توان صاحبان امکان در جامعه اسلامی است. اگر امروز حزب‌الله با قدرت و عزت، موجب افتخار جهان اسلام و مستضعفان و مظلومان است، به علت تربیت یافتن نیروهای این حزب در مساجد است و هر جا انسانی لایق و توانمند، شایسته و والا، قدرتمند و بلندی‌طلب

و خداجو حضور دارد، بدون تردید فرزند مسجد است. به همین علت اجازهٔ احداث و آبادی مساجد فقط به افرادی مؤمن و مخلص واگذار شده است، یعنی کسانی که مامور عمران و آبادانی مساجد می‌شوند، باید از ایمان به خدا و قیامت برخوردار باشند و به اقامهٔ نماز بپردازند و اهل پرداخت زکات باشند و از دشمنان دین خدا ترسی نداشته باشند و جز صاحبان این ویژگی‌ها، حق مداخله در این کار ندارند. اگر مساجد آباد باشند، همهٔ بخش‌های جامعه رو به آبادانی می‌گذارد. زیرا مساجد اسوهٔ طهارت و پاکی در نظام آفرینش است و اساس خانهٔ خدا بر تقوا استوار است. مسجد کانون تربیت انسان‌های با تقوا، دانشمند و فرهیخته و مرکزی برای وحدت مسلمین و بسیج فکری آنهاست، رازی در آن نهفته که می‌تواند در جامعه تحول ایجاد کند؛ هرگز نباید این نقش‌ها را فراموش کرد. مسئلهٔ اعتکاف در کشور ما نهادینه شده و امسال ما در مرکز رسیدگی به امور مساجد هرچه تلاش کردیم مساجد به اندازه معتکفان آماده کنیم، نتوانستیم. این امر نشان دهندهٔ آن است که مردم از مسجدیان سبقت گرفتند و جوانان ما در این مسئله معجزه آفریدند. باید محبت به مسجد را در ردیف محبت به قرآن، عترت، رسول الله ﷺ و در ردیف محبت به ذات احدیت دانست. به هرحال، در فضیلت و جایگاه و عظمت مساجد، جای هیچ تردید نیست. همه باید با احترام به این مکان مقدس و برای ارتقای روز افزون جایگاه آن تلاش کنند. ظرفیت مسجد در ابعاد گوناگون پیش از این است و از این‌که امروز این مکان مقدس در سراسر جهان اسلام در شأن اسلام نیست و به علت برخی کوتاهی‌ها از ایفای نقش و کارکرد خود ناتوان شده است، متأسفیم، در عین حال گرچه از همهٔ ظرفیت‌های مسجد استفاده نمی‌شود، اما این مکان مقدس در قیاس به سایر اماکن ازکارآمدترین جایگاه در جامعه برخوردار است، باید تلاش کرد تا ظرفیت آن به جایی برسد که اسلام مشخص کرده است. از طرفی در مقابله با کفر، ظلم و ستم‌گری پایگاهی بهتر از مسجد نمی‌توان سراغ کرد. ما امروز شاهد آن هستیم که در همهٔ دنیا در کشورهای اسلامی و حتی غیر اسلامی، خیزش مسلمانان از مساجد است. امام خمینی ﷺ انقلاب اسلامی را از مساجد آغاز کرد و امروز مقاومت لبنان عزیز که مسیر نهضت آن حضرت را می‌پیماید، از مساجد می‌درخشد و مجاهدان تربیت یافته در خانه‌های خدا، براساس آموزه‌های دینی، اسرائیل را خوار و ذلیل کرده و پوزه

آمریکا را به خاک مالیده‌اند. همین آموزه‌ها و مساجد اروپای متجاوز را رسوا ساخته و آرمان‌های کفر را به باد داده‌اند. امام جعفر صادق علیه السلام در مسجد، چهار هزار اندیشمند را پرورش داد. این مکان مقدس را پایگاه فعالیت‌های علمی و فرهنگی و اطلاع رسانی مسلمانان معرفی کرد. باید توجه داشت امروز در بین دولتمردان نظام مقدس جمهوری اسلامی که به جامعه خدمت می‌کنند، انسان‌های لایقی هستند که به نحوی در مسجد تربیت شده‌اند، رئیس مجلس شورای اسلامی خود را مفتخر به مکبری در مسجد می‌داند رئیس جمهور خود را مفتخر به عضویت در هیئت امنای مسجد می‌داند، اینان نمونه‌هایی از فرزندان مسجد به‌شمار می‌روند. مرکز رسیدگی به امور مساجد با برنامه‌ریزی و تدوین و اجرای راهکارهای گوناگون تلاش می‌کند تا به مقصد عالی مورد نظر مساجد نایل شویم ما برای رسیدن به این هدف پنج کمیسیون با عناوین آسیب‌شناسی مساجد و نحوهٔ مقابله با آنها، راهکارهای توسعه کمی وکیفی مساجد و نقش جهانی آنها در برقراری وحدت، نحوهٔ جذب مردم و جوانان، چشم‌انداز بیست سالهٔ مساجد براساس سند مذکور و معماری مساجد را فعال کرده‌ایم. ما یقین داریم پیروزی مسلمانان بر جبههٔ کفر، روزی تحقق می‌یابد که میان مساجد مسلمانان در سراسر دنیا ارتباط برقرار شود، و تصویب هفتهٔ جهانی گرامیداشت مساجد به همت سازمان کنفرانس اسلامی ـ در پاسخ به اهانت و جسارت صهیونیست‌ها در به آتش کشیدن مسجد الاقصی ـ صورت گرفت. ما باید این فرصت را مغتنم بشماریم. برنامه‌های هفته جهانی بزرگداشت مساجد که باکمک و همکاری نهادهای مرتبط با امور مساجد نیز برگزار شد و حدود ششصد تن از ائمهٔ جماعت، اعضای هیئت امنا، خادمان مساجد و بسیجیان در هفتهٔ جاری قدردانی شدند.

السلام علیکم و رحمةالله و برکاته

گزیده‌ای از سخنان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در مراسم افتتاحیه هفته جهانی مساجد و کنفرانس وحدت اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

اسلام به آن علت که با ایدهٔ جهانی ظهور کرده و طرحی برای سعادت همهٔ افراد بشر بنا نهاده، راهکار تعامل ملت‌ها را نیز فراهم کرده است، از این‌رو امروز باید از این موج عظیم بیداری در

شماره ۱

جهت همگرایی بیشتر استفاده شود. پیروزی حزب الله لبنان ثابت کرد که دشمنان اسلام هر اندازه مقتدر باشند، خوابی که برای دنیای اسلام دیده‌اند، خوابی آشفته است، چراکه دنیای اسلام بیدار شده است و ملت‌های مسلمان از این پس زیر بار سلطه‌جویی‌ها و زورگویی‌ها سلطه‌گران نخواهند رفت. مقاومت حزب‌الله در لبنان شوکی بسیار نیرومند به محافل غرب و همچنین کشورهای اسلامی واردکرد و آنان همچنان در حال بحث و گفت‌وگو دربارهٔ این اتفاق هستند. این جریان نشان می‌دهد که ما باید بیشتر به مسائل و مشکلات جهان اسلام توجه کنیم. از جمله نیازهای واقعی امروز در جهان اسلام ضرورت زندگی مسالمت‌آمیز مسلمانان با سایر مذاهب در کشورهای اسلامی و همچنین در دیگر کشورهاست. باید راهی پیدا شود که مهاجران از هر مذهب و قومی بتوانند به صورت مسالمت‌آمیز به زندگی خود ادامه دهند و این امر بدون تعامل میسر نمی‌شود. اسلام خوشبختانه زمینهٔ تعامل را در خود دارد و ما مشکلی به این لحاظ نداریم، زیرا اگر بخواهیم با اصول اسلامی زندگی کنیم و اهل تعامل هم باشیم. اسلام خود دینی جهانی است و برای همهٔ بشریت طراحی شده است؛ پیامبر اکرم ﷺ در هستهٔ اولیهٔ مسلمانان به حضور نژادهای گوناگون توجه داشتند، در قرآن آزادی و **لا اکراه فی الدین** مترقی‌ترین اصل در جهان بشری است، چراکه به مردم اجازه می‌دهد که عقیدهٔ خود را داشته باشند و بتوانند براساس آن زندگی کنند. بدیهی است خیزش ملت‌های مسلمان دشمنان را نگران کرده است، و روز به روز هم این نیروی جدید به طرف تجمع و سازماندهی و استفاده از ابزار و دانش جدید حرکت می‌کند. از طرفی مشکلات صدها میلیون مسلمان مهاجر که در کشورهای غیراسلامی به سر می‌برند، ایجاب می‌کند که تجمع اندیشمندان در این کنگره در جهت حل مشکلات مهاجران باشد. کنگره باید شرایط مذاکرهٔ علمای مسیحی، یهودی، هندو، بودایی و سایر ادیان را فراهم کند، چراکه این ادیان وزنه‌ای در جهان محسوب می‌شوند. اگر هسته‌ای کوچک از صاحب‌نظران همهٔ ادیان و فرق متشکل شوند و با هم تعامل سازنده داشته باشند، می‌توانند بسیاری از مشکلات دنیای امروز را حل کنند و صلح و امنیت را در جهان پایدار نمایند. بسیاری از عقلای غرب به دولت‌مردان‌شان پیشنهاد داده‌اند که در پی برخورد با جهان اسلام نباشند، ولی این‌که صاحبان قدرت و دولت‌مردان این سخنان را گوش می‌کنند یا خیر معلوم

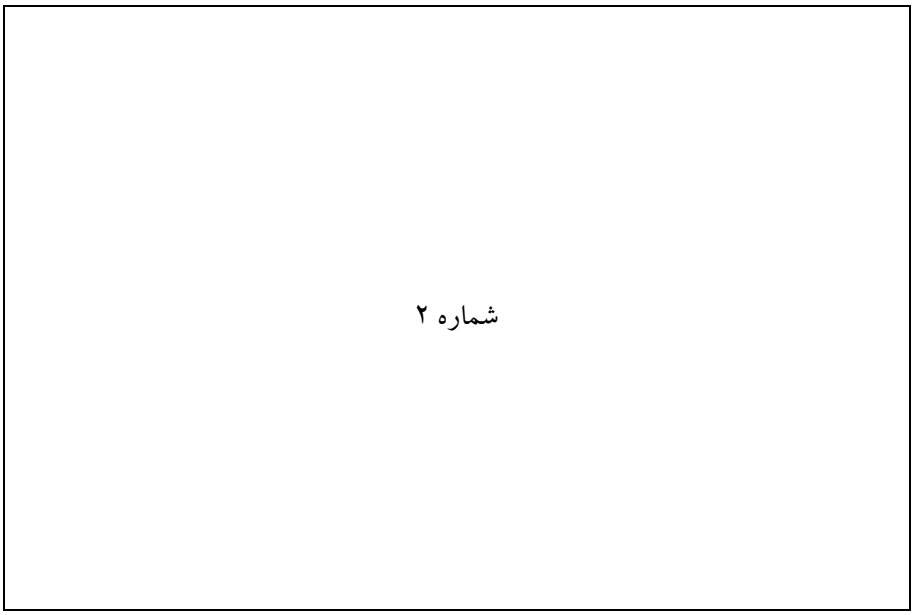
نیست، گاهی به جای این که نرمش نشان دهند، برخوردهای خشن‌تری از خود بروز داده‌اند. موج عظیمی امروز در دنیا پدید آمده و خیزش امت اسلامی محسوس است، و این را نظام سلطهٔ جهانی فهمیده است، اما هیچ مرکزیتی برای آن نمی‌یابد که به آن حمله کند. چون نیروی کاملاً جدیدی است که هر روز بیشتر و بهتر خود را سازماندهی می‌کند. نیروهای این جریان عمدتاً از افراد تحصیل کرده هستند. در این کنگره باید درصدد حل مشکلات صدها میلیون مهاجری باشیم که در کشورهای غربی زندگی می‌کنند شایسته است که کمیته‌ای از همین کنگره تشکیل شود و با علمای مسیحی و یهودی و هندو و سیک و بودایی وارد بحث شوند و با هدف تعامل ـ نه چالش ـ با یکدیگر مذاکره کنند. امروز حقوق اقلیت‌های مسلمان در کشورهای دیگر بسیار تضعیف می‌شود و در همهٔ زمینه‌ها مشکل دارند، شاید بتوان گفت که با شکنجه زندگی می‌کنند. باید برای آنان تدبیری اندیشید. ایران در قالب کشوری اسلامی ـ که می‌خواهد براساس اسلام حکومت کند ـ حاضر است بانی این کار شود و اسباب و امکانات این کار را بر عهده بگیرد.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته

گزیده‌ای از سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین ابراهیمی در مراسم گرامی‌داشت هفتهٔ جهانی مساجد و افتتاح کنفرانس وحدت اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

تبیین جایگاه مساجد با تکیه بر متون اسلامی قرآن، متون نبوی، نقش مساجد در جهان اسلام، ایجاد معنویت و ارتباط با خدا، ارتقای کارایی مساجد، در پیشبرد اهداف اسلامی از طریق



مبادله، راهکارهای مناسب برای جذب مردم و به‌ویژه جوانان به مساجد، تبیین راهکارهای تعامل بین مساجد و دولت‌های اسلامی و غیراسلامی، ارائه الگوی مناسب از مسجد کارآمد و تأثیرگذار براساس آنچه پیامبر اکرمﷺ بنیان گذاشت، بیان تجربیات و نقش مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان اهداف مرکز رسیدگی به امور مساجد در تشکیل شورای بین‌المللی مساجد مطرح است. اگر شورای عالی بین‌المللی مساجد تشکیل شود دستاوردهای ارزنده‌ای از جمله وحدت هرچه بیشتر مسلمانان به‌دست خواهد آمد. این طرح موجب می‌شود تا مساجد درکشورهای اسلامی و غیراسلامی ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با یکدیگر داشته باشند و طرح تشکیل شورای عالی بین‌المللی مساجد در جهان اسلام موجب وحدت هرچه بیشتر مسلمانان درکشورهای اسلامی و غیر اسلامی می‌شود. طرح‌های اجرایی این شورا به همت مرکز رسیدگی به امور مساجد آماده شده است و اگر اجلاس آن را بپذیرد ما خواهیم توانست به یاری خداوند و از طریق مساجد، کشورهای اسلامی را با هم مرتبط نماییم.

گزیده‌ای از سخنان آیت الله تسخیری
در مراسم افتتاحیه گرامی‌داشت هفته جهانی مساجد و کنفرانس اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

مهم‌ترین هدف برگزاری این کنفرانس بررسی نقش و جایگاه مسلمانان مستقر در کشورهای غیراسلامی و رسیدگی به مشکلات آنان تحت عنوان حقوق، وظایف، مشکلات اقلیت‌های مسلمان درکشورهای غیراسلامی می‌باشد تا به حال در این همایش عظیم بیش از هزار تن از

شماره ۳

شخصیت‌های اسلامی از خارج از کشور و ده‌ها هزار تن از برادران و خواهران مسلمان از مذاهب گوناگون از داخل کشور حضور یافته‌اند. انتشار ده‌ها مجلد کتاب از مجموعه بحث‌های عرضه شده در کنفرانس، صدها مقاله، مصاحبه و پژوهش‌های علمی و ارزنده، میراث گران‌بهایی است که به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی تقدیم عالم اسلام شده است. البته نوزدهمین کنفرانس وحدت اسلامی به لحاظ همزمانی با برگزاری کنفرانس عظیم فلسطین در ایام الربیع ولادت با سعادت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با چند ماه تأخیر و در این ایام خجسته برگزار می‌شود که همزمان است با جشن‌های پیروزی امت اسلام، به مناسبت پیروزی عظیم مردم مسلمان لبنان و حزب‌الله سرافراز بر دشمن صهیونیستی، که خود نماد پیروزی حق بر باطل، خون بر شمشیر و ایمان و عقیده بر ماشین جنگی فوق مدرن در عصر کنونی به شمار می‌رود.

سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین محسن اژه‌ای
وزیر اطلاعات در جمع ائمه جماعات و فعالان مساجد جنوب تهران
در هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد

مسجد برای ما یک سنگر است، ولی حقیقت این است که کما کان اهمیت مساجد برای ما چندان شناخته شده نیست، مساجد در زندگی فردی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، ما نقش مهم ایفا می‌کند، ولی این نقش هنوز چندان در سطح جامعه روشن نشده است. مساجد دارای ظرفیت

شماره ۴

مهمی هستند، ولی این نقش هنوز چندان در سطح جامعه روشن نشده است. مساجد دارای ظرفیت و قدرتی بسیار عظیم است که می‌توان بیش از پیش از این ظرفیت برداشت و استفاده کرد، ولی متأسفانه ما آن‌چنان که باید به قدرت و معنویت مساجد به صورت کامل واقف نشده‌ایم. در حال حاضر جریانی که در طول سال‌های قبل در کشور جولان داشته و امروز برکنار و دستش از بسیاری از مناصب کوتاه شده، در بررسی دلایل شکست خود به دوری از مسجد اشاره می‌کند، آنها در درون خودشان علت شکستشان را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده و اعلام کرده‌اند که یکی از علل ناکامی و شکست‌شان دوری از مسجد و برنامه‌های مسجد و مردمی بوده است که به مسجد می‌رفته‌اند. آنان می‌گویند که ما از این مقوله‌ها دور شدیم و به سراغ دیگران رفتیم، به سراغ آموزه‌هایی که مربوط به مسجد و روحانیت نیست و مسجد را کنار گذاشتیم به عبارت دیگر سراغ آموزه‌هایی رفتیم که در دین نبود. آنان در زمان حاضر برای رفع این نقص در حال برنامه‌ریزی هستند و می‌گویند باید برای رفع این نقص به سراغ مسجد، بسیج و مردمی که با مسجد سر و کار دارند، بروند، اگر ایشان براساس تفکر درست به این نتیجه رسیده باشند و در برابر گذشتهٔ خود احساس ندامت داشته باشند و بخواهند از خطاها برگردند، ما خدا را از این بابت شکر و برای آنان طلب توفیق می‌کنیم، ولی اگر نگاه آنها شیطنت‌آمیز باشد، به این معنا که بخواهند در مساجد و بسیج حضور پیدا و با تغییر چهره از این سنگر و محراب در جهت اهداف شیطانی خود استفاده کنند، باید به شدت مراقب بود و اجازه چنین کاری را نداد. امروز در صدر دشمنان ما شیطان بزرگ امریکا قرار دارد که درخصوص انقلاب و روحانیت دشمنی وکینه‌توزی دارد و در پی ایجاد بدبینی بین مردم، مسئولان و روحانیت است، و در این راه از هر ترفندی استفاده می‌کند. وی با بیان اینکه امریکا از ملت ما خشمناک است و در حالت غضب تصمیماتی غیرمنطقی می‌گیرد، در مکتب اسلام به ما تأکید شده است که در حالت غضب و خشم تصمیم نگیرید. وقتی غضب بر یک فرد عاقل معمولی مستولی می‌شود و می‌خواهد در این حالت تصمیم بگیرد، ممکن است تصمیمش خارج از عقل باشد و مقداری جنون بر این تصمیم او سایه بیفکند، حال در نظر بگیرید که یک فرد ظالم و پر از خشم وکینه بخواهد در حالت غضب تصمیمی بگیرد، طبیعی است که چه تصمیم خطرناکی خواهد گرفت. امروز دشمنان ما و در رأس

آن آمریکا که شیطان بزرگ و نوچه‌اش اسرائیل و شیطان پیر انگلیس، براساس شکست‌های پی در پی ظرف ۲۷ سال اخیر از جانب انقلاب اسلامی ناراحت و غضبناک هستند و در تصمیم‌گیری‌های ظالمانه خود انصاف را مراعات نمی‌کنند و تصمیم‌هایی متناقض و خارج از منطق می‌گیرند. البته آنان در تحقق وعده‌های شیطانی خود موفق نخواهند شد، ولی ممکن است برای ما هزینه‌ها و مزاحمت‌هایی تولید کنند. در حال حاضر پرچم اسلام ناب محمدی ﷺ به زعامت مقام معظم رهبری در جهان اسلام و خاورمیانه برافراشته شده و دشمنان برای مقابله با این امر به توطئه‌هایی گرایش پیدا کرده‌اند. آنان ظرف چند سال تصور می‌کردند که ارزش‌ها در ایران کمرنگ شده و نسل سوم انقلاب اسلامی توجهی به این ارزش‌ها ندارد، فکر می‌کردند که در تولید یأس و ناامیدی در بین ملت ایران موفق شده‌اند، از طریق بلندگوهای خود و حتی تریبون‌های رسمی و مراکز فرهنگی نظام و حتی برخی فرهنگ‌سراها شبهه‌هایی در ارتباط با دین و نظام ایجاد می‌کردند و با استفاده از امکانات این مراکز سعی می‌کردند که تاریخ انقلاب، بخصوص دهۀ اول آن را تحریف کنند و زیر سؤال ببرند. افراد جامعه اعم از مسئول و غیرمسئول را به سمت دنیاطلبی و رفاه سوق داده، فساد اجتماعی، اخلاقی و سیاسی را در جامعه رشد و مقوله مواد مخدر و اعتیاد را بین مردم به‌ویژه جوانان گسترش دهند. آنان تصور می‌کردند که ایران در مشت‌شان قرار گرفته و ملت ایران دیگر به ارزش‌های خود توجه ندارد؛ فکر می‌کردند که توانسته‌اند انقلاب را تحت تصرف خود درآورند؛ ولی شما دیدید که جوانان بخصوص جوانان دهۀ سوم انقلاب چگونه به صحنه آمده و از ارزش‌های انقلاب و اسلام دفاع کردند. آنان با حضور خود نقشه‌های شیطانی دشمنان را خنثی و برملا کردند و دشمنان نیز متوجه شدند که در تحقق اهداف شیطانی خود دچار شکست شده‌اند. ایشان متوجه شده‌اند که ایران در منطقه و خاورمیانه جایگاهی بسیار مهم دارد و نمی‌توانند به سهولت ایران را مهار کنند، به همین علت به برنامه‌های وسیع‌تری برای مهار ایران گرایش پیدا کرده‌اند و از تمام امکانات خود برای نابودی انقلاب استفاده می‌کنند. حال آن‌که دیدیم در کمتر از یک هفته شصت میلیون تن به پای صندوق‌های رأی آمدند و نشان دادند که به ارزش‌ها از گذشته توجه بیشتری دارند، آنان با حضور خود از روحانیت و ارزش‌های اسلامی انقلاب دفاع و فتنه‌های دشمنان را ویران

کردند. دشمنان برای جلوگیری از خیزش جهان اسلام، در عراق، ترکیه، افغانستان و ایران به توطئه‌هایی دست زدند و شما دیدید که در عراق دچار مشکلات زیادی شدند و نتوانستند به آنچه می‌خواستند برسند؛ در زمان حاضر عراق مکانی برای تقویت منویات الهی جمهوری اسلامی است و مردم آن، دشمن امریکا هستند. آمریکا در عراق گیر افتاده است و در پی مفرّی می‌گردد که فرار کند، آنان در بارهٔ افغانستان نیز فکر می‌کردند پیروز شده‌اند، ولی در واقع در افغانستان دچار مرگ تدریجی و شکننده شده‌اند و نتوانستند در این کشور نیز به خواسته‌های خود برسند. زمانی ایران و ترکیه بهترین مکان برای اجرای منویات رژیم صهیونیستی و آمریکا بود، اما با وقوع انقلاب اسلامی در ایران کشورمان از دست آمریکایی‌ها خارج و خود یک کشور مستقل شد. همچنین در ترکیه در روزهای اخیر مشاهده کردید که چگونه مردم برای دفاع از حزب الله لبنان به صحنه آمدند، می‌توان گفت مردم ترکیه در قیاس با بسیاری کشورهای عربی منطقه حضوری فعال‌تر و پررنگ‌تر در دفاع از حزب الله و تظاهرات بر ضد اسرائیل داشتند. آمریکایی‌ها وقتی فهمیدند که در افغانستان و عراق نمی‌توانند به منافع‌شان برسند به سراغ حزب‌الله لبنان رفتند. آنان در ابتدا سعی کردند که از طریق استراتژی نرم بر ضدّ حزب‌الله فعالیت و کاری کنند که مردم، سیاسیون و دولت‌مردان لبنان برضدّ حزب‌الله بپاخیزند، ولی فهمیدند که سید حسن نصرالله و حزب‌الله لبنان با چه تدبیر و مدیریتی توانستند توجه بسیاری از گروه‌های سیاسی لبنان را به سوی خود جذب و اعتماد آنها را جلب کنند. حزب الله لبنان توانست کلیهٔ جریان‌های سیاسی اعم از سنی، مسیحی و شیعی را متحد کند، در حالی که استراتژی دوم دشمنان که در رأس آنها آمریکا و صهیونیست‌ها قرار داشتند، ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی بود، امری که در زمان حاضر نیز دشمن در جهان اسلام و ایران به آن چشم دوخته و در صدد است که بین اهل‌سنت و شیعه تولید اختلاف کند، اما دیدیم که در لبنان این نقشه شیطانی محقق نشد و مردم لبنان متوجه شدند که حزب الله در پی حمایت از استقلال و کرامت آنان است و به همین لحاظ نه فقط اهل‌سنت، بلکه مسیحیان نیز از حزب‌الله لبنان حمایت کردند. این‌ها وقتی در فاز دوم موفق نشدند، وارد فاز سوم یعنی کار اطلاعاتی و نظامی شدند و سعی کردند کادرهای حزب‌الله را شناسایی و نیروها و خانه‌های آنها را بشناسند،

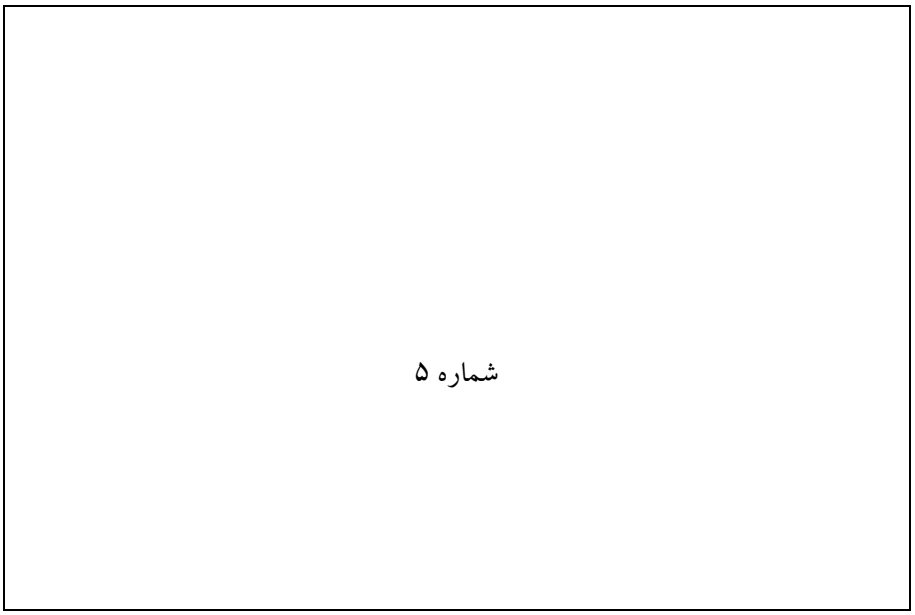
همچنین امکانات حزب الله را برآورد وکلیهٔ امکانات آنان را شناسایی کنند. ایشان با جمع‌آوری این اطلاعات تصور می‌کردند حتماً می‌توانند حزب الله را شکست دهند و در این مسیر به برخی از کشورهای منطقه امتیازاتی دادند و نظر آنان را جلب کردند، تصور می‌کردند در حمله‌ای غافلگیرانه می‌توانند ظرف چند روز توان نظامی حزب الله را از کار بیندازند و آنان را شکست دهند، ولی دیدندکه در این کار نیز توفیق پیدا نکردند. واقعاً این معجزه بود. آنان از همهٔ امکانات خود در این زمینه استفاده کردند و از نظر نظامی هم کم و کاستی نداشتند ولی به هدف خود نرسیدند، چراکه حزب الله لبنان، ذکاوت، تدبیر و هوشیاری به خرج داد و با اتکا به مردم در برابر صهیونیست‌ها ایستاد. سربازان حزب الله نمونه‌هایی از تربیت شدگان اسلام ناب محمدی ﷺ و آموزه‌های امام ﷺ و رهبر معظم انقلاب هستند. امروزه سراسر دنیا با همهٔ پیشرفت اطلاعاتی، نظامی و تبلیغاتی خود در برابر پیروزی حزب الله لبنان متحیر شده و انگشت تعجب به دهان گرفته است. مردم لبنان در عین این‌که در این جنگ خانه‌هایشان خراب و مغازه‌شان ویران شده و عده‌ای از اهالی خانواده‌شان به شهادت رسیده‌اند می‌گویند «سید حسن نصرالله سلامت باد!» این روحیه نشأت گرفته از اسلام ناب محمدی ﷺ است و این روحیه نشان دهندهٔ ظرفیت عظیم اسلام و مساجد است. بعد از انقلاب قدم‌هایی بسیار بلند در ارتقای مساجد برداشته شده است و مسئولان قبلی پیش‌تر از آن و مسئولان فعلی نیز حمایت‌های شایسته‌ای از مساجد کردند، توفیقات بسیاری هم در این زمینه کسب شده است، ولی تا نقطهٔ مطلوب باید باقی ماندهٔ راه را با سرعت بیشتری طی کنیم. جان راجر سالیان بسیاری در ایران حضور داشت و در راستای خدمت به کشور خود، انگلستان در ایران به جمع‌آوری اطلاعات و جاسوسی می‌پرداخت. وی در سال‌های پایانی زندگی خود در ایران بعد از انقلاب، مدتی در زندان بود و بعد از آزادی از زندان صحبت می‌کرد، وی می‌گفت: «من پنج سال تمام در تهران به مساجد رفت و آمد داشتم، در اوقات گوناگون به مسجد می‌رفتم و می‌خواستم فلسفهٔ مساجد در ایران را درک کنم، به صحبت‌های ائمه جماعات گوش می‌دادم، به نماز خواندن مردم نگاه و سعی می‌کردم اطلاعات گوناگونی در ارتباط با مساجد کسب کنم، ولی باز هم نتوانستم به فلسفهٔ مساجد پی ببرم. من به مسئولان آن زمان پیشنهاد کردم که جایی با امکانات بیشتر و برنامه‌های متنوع‌تر از مساجد

فراهم کنند و حتی فرح خود پی‌گیر این مسئله شد که چنین مکان‌هایی را در ایران فراهم کند، ولی باز هم من می‌دیدم که مردم به صورتی چشم‌گیر به مساجد رفت و آمد داشتند. در مساجد طیف‌های گوناگونی اعم از بی‌سواد و با سواد، پیر و جوان تحصیل کرده حضور پیدا می‌کردند، من می‌گفتم اگر اینجا یک مکان زیارتی است، چرا در دیگر مکان‌های زیارتی چنین استقبالی دیده نمی‌شود؟ جان راجر می‌گفت: سال ۵۶ نیز متوجه شدم بسیاری از کسانی که به مسجد می‌رفتند در انقلاب نیز شرکت دارند و بعد از شرکت در نماز به راهپیمایی مشغول می‌شوند. وی می‌گفت من در آن زمان از ۱۷۰۰ تن نظرسنجی کردم و متوجه شدم بین کسانی که به مسجد می‌روند و کسانی که به مسجد نمی‌روند فاصله از زمین تا آسمان است. راجر در یک کلام می‌گفت «من در طول این چند سال فلسفه مساجد را نفهمیدم». شیاطین و دشمنان ما تا امروز فلسفه مساجد را نفهمیده‌اند و نمی‌دانند که در مساجد چه قدرت و معنویتی نهفته است و این مکان چه تأثیر معنوی در زندگی ما دارد. بدون تردید ائمه جماعات و روحانیون و فعالان مساجد در برابر توطئه‌های دشمنان باید بیدار باشند.

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین ابراهیمی
در مراسم افتتاح چند مسجد در تهران
به مناسبت گرامی‌داشت هفته جهانی مساجد

وقتی شهرداری‌ها مسجدساز شوند، مردم باور می‌کنند که در شهرداری تحولی پدید آمده است. ساخت مسجد کار هر کسی نیست و لیاقت و شایستگی می‌خواهد. ذهنیت مردم از زمان‌های گذشته درخصوص ساخت مسجد تغییر کرده است و فکر می‌کنند به اندازهٔ کافی مسجد احداث



شده است. اما ساخت مسجد به هیچ روی کافی نیست، چراکه هرچه ارتباط انسان با خدا بیشتر شود، برکات او نیز بیشتر خواهد شد و هنگامی که شهرداری در این راه پیشگام شود، مردم باور می‌کنند که در شهرداری تحولی پدید آمده است که منشاء بهترین کارهاست. ان‌شاءالله باکمک شهرداری و حمایت شهردار تهران، هرچه سریع‌تر مساجدی مجهزتر، وسیع‌تر و هماهنگ با خواسته‌های شهروندان ساخته شود. امروز شهرداری‌ها در خدمت نظام هستند و به تقویت مساجد کمک می‌کنند. درگذشته شهرداری‌ها برای مساجد ایجاد رقیب می‌کردند و اهدافی معارض با اهداف مساجد داشتند. برخی از شهرداری‌های سابق با مقاصد شومی که در سر داشتند امکانات وسیع و مجهزی را درکنار مسجد بنا می‌کردند و فعالیت‌های مسجد را دچار اخلال می‌کردند. امروز خوشحالیم که شهرداری موجب شده است مساجد مانند گذشته منشأ فعالیت‌های مثبت و خیر باشد و با احداث مسجد و تقویت مسجد محوری و آبادکردن مساجد، نظام را همراهی می‌کنند که این حرکت موجب گسترش و توسعهٔ بهینهٔ شهر و احیای محله محوری خواهد بود.

گزیده‌ای از سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین رضایی بیرجندی معاون فرهنگی مرکز رسیدگی به امور مساجد در کمیسیون مساجد چالش‌ها و راهکارها

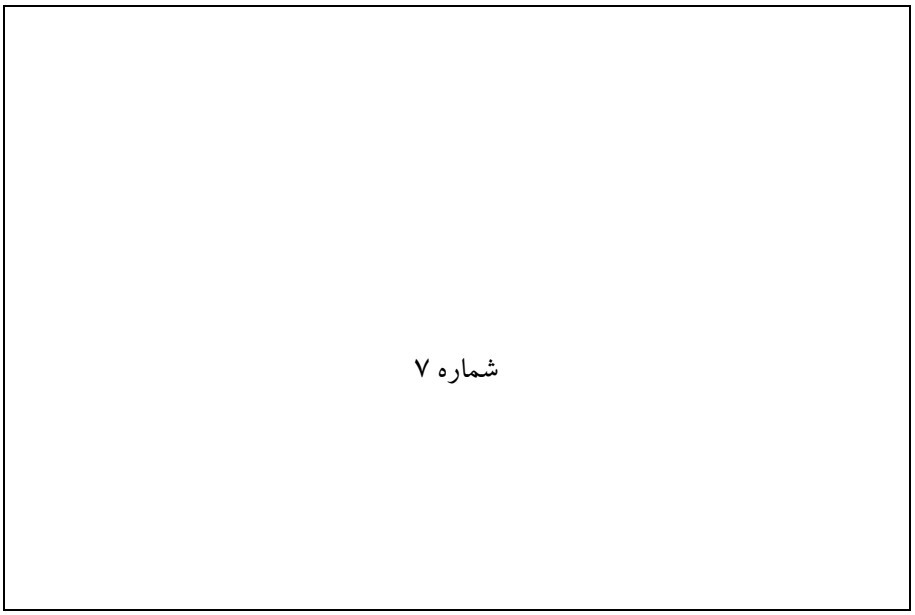
ضمن عرض تسلیت به مناسبت شهادت امام کاظم علیه‌السلام و تبریک به مناسبت فرا رسیدن مبعث پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و هفته گرامی‌داشت مساجد، مجموعه سخنرانی‌ها، کمیسیون‌ها و مقالات هفته جهانی سال گذشته در قالب دو جلد کتاب فروغ سه و چهار عرضه نمودیم و امسال نیز ۱۵۰ اثر

شماره ۶

به کمیتهٔ علمی رسیده که بعد از ارزش‌یابی، بهترین مقالات انتخاب و حدود یکصد مقاله تلخیص و به عنوان خلاصه مقالات به چهارمین اجلاس عرضه شد. عدم تطابق کارکردهای فعلی مساجد با پیشینهٔ تاریخی و فلسفه وجودی آنها، بی‌توجهی به قانونمند کردن این تشکل بزرگ اجتماعی در کشورهای اسلامی و تعریف نشدن جایگاه آن در جوامع، فقدان تحقیقات و پژوهش‌های اساسی و بنیادین در ارتباط با نقش و جایگاه مساجد و نیز عدم شناخت مشکلات و چالش‌های موجود مساجد، بی‌التفاتی دولت‌ها به نقش سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مساجد و به تصویب نرسیدن قوانین و لوایح و عدم تخصیص بودجه و اعتبار برای آنها، بی توجهی به نقش آموزشی و پرورشی مساجد و استفاده نامناسب از فضاهای موجود، بی‌توجهی به نقش مساجد در معرفی و شناساندن اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی ـ با عنایات به آن‌که مساجد آیینه تمام‌نمای حقیقت اسلام هستند ـ کارکردهای مساجد از از جمله مسائلی است که باید به آن التفات و در رفع کاستی‌ها اقبال و اقدام نماییم.

گزیده‌ای از سخنان حضرت آیت‌الله خزعلی در کمیسیون مساجد، چالش‌ها و راهکارها

با توجه به احداث شهرک‌ها و افزایش جمعیت تعداد مساجد باید روند رو به رشد داشته باشد که به تناسب جمعیت این تعداد کم است. مسائل اجتماعی باید در مساجد حل شود، ولی آنچه بیش از همه مهم است ساخت مسجد و گردآوری مردم در آن است. دشمنان اسلام برای ضربه زدن به اسلام از راه‌های گوناگونی وارد میدان می‌شوند از جمله مهم‌ترین حربه‌های آنان پاشیدن



بذر اختلاف میان شیعه و سنی است. آن‌چه مهم است آنست که شیعه و سنی دور هم جمع و با یکدیگر متحد شوند و نگذارند دشمن میان ایشان اختلاف بیندازد. دشمن درصدد است که مردم را از دین و از مسجد جداکند، ائمه جماعات و روحانیت باید با هوشیاری در برابر این توطئه‌های دشمنان بایستند و با راهنمایی و هدایت مردم، آنان را به سوی مساجد جذب نمایند. پیروزی سید حسن نصرالله و حزب‌الله لبنان نشأت گرفته از روش و منش امام راحل بود که اسرائیل را با آن حمایت‌ها و آن همه ابزار آلات مدرن جنگی به خاک ذلت نشاند و این از اثر عبادت آن رهبر بزرگ است. ما مسلمانان همه نوع توانایی داریم، اما خود از آن بی‌خبریم، شیعه و سنی باید دست به دست هم بدهند و با توطئه‌های دشمنان مقابله نمایند. آن‌چه ما را به پیروزی خواهد رساند در وهلهٔ اول اخلاص، ساخت مساجد و گردآوری مردم در مساجد است.

گزیده‌ای از بیانیهٔ پایانی کنفرانس وحدت اسلامی و اجلاس گرامی‌داشت هفته جهانی مساجد

علما، اندیشمندان و شخصیت‌های علمی و فرهنگی کشورهای گوناگون جهان که در روزهای ۲۹ تا ۳۱ مرداد ماه برای حضور در نوزدهمین همایش بین‌المللی وحدت اسلامی و گرامی‌داشت هفته جهانی مساجد به تهران سفر کرده بودند، با صدور بیانیه‌ای به کار خود پایان دادند. شرکت‌کنندگان در این همایش که ظرف مدت سه روز در چهارده جلسهٔ کاری حقوق، مشکلات و راه حل‌های اقلیت مسلمانان در کشورهای غیر اسلامی را مورد بحث قرار دادند و ابعاد گوناگون آن را در کنار دو جلسهٔ ویژه، که یکی به مسئله فلسطین، لبنان و عراق و دیگری به جلسه مشترک شورای عالی و هیئت ریاست مجمع عمومی و کمیته‌های وابسته بررسی کردند. در پرتو استراتژی‌های تصویب شده در همایش‌های پیشین، شرکت‌کنندگان در این همایش نیز اظهار داشتند: حفظ حقوق اقلیت‌های اسلامی نیازمند توجه به نقش کلی مساجد، خانواده و فعالیت‌های اجتماعی مختلف در چارچوب پای‌بندی به اصول اسلامی و فرهنگ آن است. این همایش هم‌چنین از مسلمانان ساکن در کشورهای غیراسلامی خواست تا به مأموریت بزرگ خود که احیای تمدن اسلامی بوده، توجه کنند و بر لزوم هماهنگی کامل میان بخش‌های گوناگون اقلیت‌های اسلامی ساکن در دیگر کشورها تأکید ورزند. تلاش برای تصحیح چهرهٔ اسلام و مسلمانان در برنامه‌های درسی کشورهای غیراسلامی توسط یک کمیته تخصص جهت شناسایی توهین‌ها، طرح مفاهیم نادرست و تهیهٔ طرحی به منظور مخاطب قرار دادن طرف‌های

مسئول در آن کشورها جهت تصحیح چنین مفاهیمی از جمله مواردی بود که بیانیهٔ این همایش به آن التفات کرد. از سوی دیگر شرکت‌کنندگان این همایش توجه جوانان مسلمان در کشورهای غیراسلامی و تهیه برنامه‌های درسی مطالعه شده جهت حمایت و راهنمائی آنان را خواستار شده و برخورداری زنان از حقوق طبیعی خود و تلاش برای سرپرستی و هدایت آنها را به عنوان عاملی اثرگذار در توان اقلیت‌ها، مورد تأکید قرار دادند. علمای اسلامی کشورهای سراسر جهان بر اهمیت مراکز صدور فتوا در کشورهای غیراسلامی همچون شورای فتوا و تحقیقات اروپا و نظر هماهنگی میان آنان در حل مشکلات فقهی و اجتماعی بامراعات دستور فقه اولویت‌ها و ضرورت‌های زمانی و مکانی تأکید ورزیدند و از کشورهای غیراسلامی خواستند که به اعتقادات و ویژگی‌های مسلمانان کشور خود به عنوان شهروند، همچون سایر شهروندان احترام بگذارند. در این بیانیه آمده است که به‌کارگیری استراتژی تقریب در زمینهٔ اندیشه‌ها و مذاهب اسلامی و پشتیبانی از قطعنامه‌ها و فتواهای گروهی از جمله درخواست‌های این همایش بود، چراکه مذاهب عمدهٔ اسلامی به ارکان و اصول عقیدتی اسلامی ایمان دارند و بخش‌های این امت با تکیه بر کتاب و سنت و پیروی از شریعت اسلامی و تلاش برای داشتن وحدت در موضع‌های عملی درخصوص چالش‌های بزرگی که با آن روبرو می‌شوند و در اجرای شریعت اسلامی در همهٔ امور زندگی خود همبستگی دارند و اختلاف‌های اجتهادی خود را به زمینه‌های عملی جهت ایجاد چند دستگی در موضع‌گیری امت منتقل نمی‌نمایند و سرانجام این همایش ضمن اعلام پشتیبانی خود از مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، پذیرش کامل آن را از سوی علما و اندیشمندان و مسؤولان و توده‌های مسلمان در همه جا آرزو دارد و خواستار نشر فرهنگ تقریبی میان ایشان است. در بارهٔ مسئلهٔ فلسطین همایش وحدت اسلامی اعلام کرد که سراسر سرزمین فلسطین سرزمین اسلامی و برای همهٔ مسلمانان عزیز است و رژیم صهیونیستی، غاصب آن، به عنوان سرنیزهٔ استعمار غربی محسوب می‌شود. نوزدهمین همایش وحدت اسلامی به قهرمانان مقاومت فلسطینی و لبنان درود می‌فرستد و بر این باور است که این رزمندگان در راه صیانت از شرف امت و غیرت امت در دفاع از کیان آن مبارزه می‌نمایند. فتنهٔ فرقه‌گرایی جنایات اشغالگران امریکایی در عراق به خواست شرکت‌کنندگان همایش

محکوم شد و از علمای شیعه و سنی عراق خواسته شد که میان خود عهدنامهٔ شرف را که بر اصول مشترک تأکید کرده امضا نمایند. همایش وحدت اسلامی موضع‌های غربی را که در برگیرندهٔ معیارهای دوگانه است محکوم کرده است، این معیارهای دوگانه از یک سو به رژیم صهیونیست اجازهٔ توسعهٔ زرادخانه هسته‌ای نظامی می‌دهد و از سوی دیگر تحول دانش اتمی ایران را در زمینه‌های صلح‌آمیز ـ که در چارچوب کنوانسیون‌های بین‌المللی و زیر نظر آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای انجام می‌شود ـ ممانعت به عمل می‌آورد. شرکت‌کنندگان این همایش در بیانیهٔ نهایی نوزدهمین همایش وحدت اسلامی از جمهوری اسلامی ایران به سبب اعلام سال جاری به عنوان سال آشنایی بیشتر مردم با سیرت حضرت رسول اعظم ﷺ سپاسگزاری کردند و خواستار بهره‌گیری از این سوژه در تعیین موضوع بیستمین نشست وحدت اسلامی شدند. این بیانیه تصریح کرده است که اعضای نوزدهمین همایش وحدت اسلامی از رهبر جمهوری اسلامی به لحاظ سرپرستی وی با رهنمودهای حکیمانهٔ ایشان برای فعالیت جدی کنفرانس جهت تثبیت نشانه‌های وحدت اسلامی و حمایت معظم له از مقاومت اسلامی سپاسگزار است.

سخنرانی آیت الله هاشمی شاهرودی
ریاست محترم قوه قضائیه
در گردهمایی روحانیون غرب استان تهران و کرج

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿إِنَّا أَنزَلْنَا التَّوْرَاةَ فِيهَا هُدىً وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوْا النَّاسَ وَاخْشَوْنِي﴾.

بنده هم این ایام مبارکه مبعث پیامبر عظیم الشأن اسلام و همچنین ایام مبارکه ماه رجب و اعیادی که در ماه مبارک شعبان در پیش رو داریم را به همه عزیزان تبریک عرض می‌کنم و از همه عزیزان و برادران گرامی مخصوصاً روحانیون عزیز که در این جلسه بسیار صمیمی جمع شده‌اید تشکر می‌کنم، بنده امیدوارم خداوند توفیق خدمتگزاری را به ما و شما عنایت فرمایند.

این آیه‌ای را که تلاوت کردم یکی از آیات بسیار جالب قرآنی است که یاد دارم مرحوم شهید صدر در بحث‌های قرآنی‌شان برای اثبات نقش خط روحانیت، علما و مرجعیت در جهان و در تاریخ به این آیه تمسک می‌کردند و از جمله آیاتی که ایشان سعی می‌کردند بحث بسیار مهم و اساسی ولایت فقیه که سنگ بنای انقلاب اسلامی ما و سنگ بنای این نظام مقدس را هم از این آیه استفاده کنند و حالا در این جمع علما و روحانیون عزیز جا دارد آیه مورد توجه قرار بگیرد ان‌شاء الله با کار، کنکاش و تحقیق بیشتر در پیرامون این آیه خود عزیزان به معانی و ابعاد بیشتری و فرازهای بهتر و گسترده‌تری هم دست پیدا کنند، آیه در رابطه با خط انبیاست

شماره ۸

و در حقیقت نمی‌خواهد خط نبوت را که خط شهادت یا شاهدیت انبیا در تاریخ و وظیفه و نقش آنهاست، مشخص کند. می‌فرماید: «انا انزلنا التوریه» که بزرگترین کتاب شریعت الهی است و مسبوط‌ترین دستورات شرعی در کتاب تورات و الواحی که بر حضرت موسی علی نبینا و علیه‌الصلوة والسلام وارد شده در این کتاب بوده و هست. حتی شاید احکامی که در این کتاب آمده، از احکامی که در اسلام آمده بیشتر و مبسوط‌تر باشد. ﴿إِنَّا أَنزَلْنَا التَّوْرَاةَ فِيهَا هُدىً وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ﴾ ذکر تورات در اینجا بعنوان یکی از مهمترین و اولین شریعت مبسوط الهی است و الا تورات خصوصیتی ندارد، مخصوصاً که شریعت تورات در شریعت مسیحیت و حضرت عیسی علیه‌السلام هم محفوظ ماند و خیلی از احکامش هم در اسلام تثبیت شده است و همه شرایع الهی این چنینی است که از طرف پروردگار عالم تنزیل شده است به جهت اینکه به آنها حکم شود تا در جامعه بشری احیا شوند «یحکم بها النبیون» به این‌ها حکم کنند؛ نه تنها در باب قضاوت و حکم قضایی بلکه این اطلاقی هم که دارد در همه امور باید احکام الهی در جامعه احیا شود و حاکمیت،

حاکمیت تورات، نور و هدایت الهی باشد. کسانی که اسلام بیاورند، به انبیا ایمان بیاورند و هدایت شوند. انزال شرایع الهی و کتب آسمانی به این جهت است که این‌ها در جامعه مدنی انسان‌ها حاکمیت پیداکنند و احیاگر این نور هدایت و تعالیم آسمانی در روی زمین باشند و هم ربانیون. ربانیون هم معنای لغوی‌اش کسانی هستند که تربیت‌های ویژه شدند نصب ویژه به‌عنوان وصی یا ولی و بدست خود انبیا تربیت شدند و هم در روایات اهل‌بیت عصمت و طهارت تفسیر شده که این مقطع ربانیون در این آیه شریفه به معنای ائمه اطهار و اوصیای انبیا یعنی کسانی‌که بطورمستقیم به دست انبیا الهی هم تربیت شدند و تقویت یافتند و هم تربیت ویژه شدند و در روایات ما ائمه اطهار علیهم‌السلام این‌گونه بعنوان وصی یا ولی و جانشین نسبت به شریعت و پیامبر اکرم منصوب شدند. معنای آیه هم با این تناسب دارد، ربانیون آن تربیت شدگان ویژه و مخصوص می‌باشد.

«**والاحبار**»؛ دسته سوم احبار، جمع حبر. حبر به معنای عالم. عبدالله بن عباس معروف بود به حبر الامه، چون یکی از علما و دانشمندان بزرگ اسلامی در صدر اول و از شاگردان امیرالمؤمنین علیه‌السلام بود. اینجا علما در کنار انبیا و ربانیون بعنوان مقطع سوم آمده است که پس حاکمین به شریعت الهی در این سه دسته قرارگرفته شدن اند. اول انبیا بعد ائمه و اوصیاء ویژه آنان و پس از آن علما و احبارکه مرحوم شهید صدر از این ذکر «احبار» در این آیه بحث ولایت فقیه را هم استفاده می‌کردند که ما در قرآن به شکل صریح آیه‌ای دال بر ولایت فقیه نداریم. این آیه با این کلمه احبارکه در اینجا آمده است. برداشتی که این شهید بزرگوار از این آیه داشتند و برداشت تازه و بسیار جالبی هم هست و این در حقیقت همان خط انبیا و حاکمیت شرایع الهی بر روی زمین را اول توسط انبیا بعد ائمه اطهار و اوصیای خاص و منصوبین خاص آنان و پس از آن علما و دانشمندان به دین «احبار»، عالمانی که بر اساس آن مکتب الهی تربیت شدند و هم وظیفه دارند و مکلف و موظفند که «**بحکم بها**» به تورات و شریعت الهی حکم کنند. در هر زمان آن شریعتی که آنها وظیفه دارند آن را در جامعه احیاکنند و حاکمیت آن شریعت را بدست بگیردند و ذیل آیه چنین مشخصه را بیان می‌کند «**بما استحفظوا من کتاب الله و کانوا علیه شهداء**» اینها حاکمیت‌شان، وظیفه در احیای شریعت اسلامی و الهی و شریعت آسمانی، نور

و هدایتی که از طرف خداوند بر بشریت نازل می‌شود را براساس ملاک «**بما استحفظوا من کتاب الله**» دارند، این‌ها آگاهان به کتاب خدا هستند این همان بحث اشراف و تعلم کامل و تربیت شدن در آن مکتب آسمانی است، حافظ کتاب باشند این حفظ به معنای حفظ همه جانبه در مقابل شبهات و تحریفات و دشمنی‌هایی است که از مکتب‌های الحادی و شیطانی در همه دوران علیه حکومت ارزش‌های الهی و انبیایی از طرف دشمنان و شیاطین آن زمان صورت می‌گیرد این‌ها حافظند و از تحریف و شبهات فتنه‌انگیز و ترفندهایی که موجب تزلزل مؤمنان و مسلمانان می‌شود دفاع کرده و کتاب خدا را همه جانبه حفظ می‌کنند. هم اشراف علمی و هم اشراف معنوی دارند و شریعت الهی را از همه آسیب‌هایی که دشمنان و شیاطین دنبال می‌کنند حفظ می‌کنند و این جنگ و جدال میان این مکتب حق و باطل از ابتدای خلقت انسان بوده و تا آخر هم هست و یک امر قهری می‌باشد. که این بعد علمی ـ فکری به اصطلاح امروز بعد ایدئولوژی مسئله هست «**بما استحفظوا من کتاب الله**» اینها باید واقعاً حافظ باشند و با آگاه و روشن بودن به همه تعالیم کتاب و شریعت الهی آن را از مصدر ناب بگیرند و استفاده کنند. «**و کانوا علیه شهدا**» که این همان خط شاهدیت و شهادت است. «**لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیداً**» شهید در این آیات به معنای کشته شده در راه خدا نیست، اصلاً شهید در قرآن شاید به آن معنی استعمال نشده باشد. شهید به معنای شاهد و گواه، کسیکه در راه خدا کشته می‌شود به این مناسبت به او شهید می‌گویند چون، بر آن امت هم در دنیا و هم در آخرت گواه خواهد بود.

«**و یکون الرسول علیکم شهیداً**»، «**بما استحفظوا من کتاب الله و کانوا علیه شهیداً**» این سه طایفه انبیا، ربانیون و احبار که این‌ها در عرصه تاریخ بر امت هایشان شاهد هستند. و «**ان یکون الرسول علیکم شهیداً**»، «**تکون شهدا علی الناس**». شاهد بودن معنای ظریف و گسترده و توسعه یافته‌ای دارد و آن اینکه باید هم در خودشان آن تعالیم و ارزش‌های الهی را پیاده کنند و هم در جامعه شاهد بر آن باشند و این‌ها معیار و شاهد هستند که چه چیزی حق و چه چیزی باطل است. این‌ها اسوه و الگو هستند، این‌ها قدوه مردم هستند الگوهایی که مردم به آنها اقتدا می‌کنند. این‌ها مردم را بدنبال خود می‌کشند و مردم را به جهت برپایی آن شریعت الهی و احیای

آن ارزش‌ها و حاکمیت تورات و انجیل و قرآن به صحنه می‌کشند. شاهد در اینجا به این معناست. این دو خصلت که در ذیل این آیه ذکر شده است، خصلت سوم «**فلا تخشوا الناس و اخشون**» این هم یک سیاست و راهکار است در حقیقت یعنی به الگو رسیدن‌ها و کشیدن مردم به صحنه حاکمیت الهی و هدایت‌های آسمانی و شرایع پیامبران. شرطش این است «**لا تخشوا الناس و اخشون**» این همان شجاعتی است که در رهبران و انبیاء و اولیاء یک شرط اساسی است، خوف از مردم بایستی نداشته باشی «**لا تخشوا الناس**» فقط از خدا بترسی «**واخشون**» که واقعاً یک خصیصه و راهکار بسیار اساسی است شرط بسیار مهمی است و ما برکات و ثمراتش را می‌بینیم که چگونه وقتی که رهبران صالح و مؤمن اسلامی و الهی با شجاعت و نداشتن هیچ‌گونه خوفی از دشمنان اسلام جامعه‌ای را رهبری می‌کنند، برکات الهی چگونه باز می‌شود و واقعاً امدادهای الهی و غیبی شروع می‌شود. ممکن است بر حسب ظاهر و حسب یک مقطع محدودی یک شکست شکلی و صوری هم شکل بگیرد ولی این شکست مقدمه یک پیروزی بسیار عظیم و یک تحول است و بر حسب ظاهر که آن حاکمیت آن شکست هم هست. در حقیقت آن شکست، شکست شکلی است نه شکست محتوایی؛ از نظر محتوا غالب شده است عین نهضت عاشورا و کربلا.

امام حسین علیه‌السلام در آن نهضت بر دشمن خود پیروز شد و دودمان خلافت بنی‌امیه و خلافت کفر را از بین برد که اگر آن قیام و آن شهادت و آن ایثار بی‌نظیر و جانسوز در تاریخ نبود، اسلام از بین رفته بود قطعاً، این یک تحلیل روشنی است چیزی که حافظ اسلام و انوار الهی شد و شریعت الهی را حفظ کرد و بشریت را از آن خطر و هجمه بسیار خطرناک حفظ کرد. دودمان بنی‌امیه به تصریح معاویه ابن ابی‌سفیان دنبال این بود که اسم و یاد و ذکر پیامبر و شهادتین را از دل و جان جامعه و مردم ببرد. این هجمه بسیار وحشیانه و خشن و خطرناک که قطعاً همه جنود ابلیس پشت سر این جریان قرار گرفته بود در تاریخ اسلام بوسیله این شهادت از بین رفت. بعد این شهادت یک آب زلالی شد که همواره نه فقط در زمان خودش و طاغوت زمان خودش در مقابل هر طاغوتی امت اسلامی را بیمه کرده و سرمشق داد و راه را نشان داد که چگونه در مقابل آن طاغوت‌ها قیام کنند و بجز از خدا نترسند و به تکلیف شرعی خودشان عمل کنند

تمام حرکت‌هایی که پس از قیام خونین کربلا انجام شده همه از قیام امام حسین علیه‌السلام سرچشمه گرفته است حتی کسانی که از نظر اعتقادی و خطی در خط اهل بیت علیهم‌السلام نبودند و حتی قیام‌های ابن‌زبیرها هم در تاریخ در مقابل بنی‌امیه از قیام کربلا نیرو گرفت و اصلاح و برگشت دادن اسلام راستین و اسلام ناب و حاکمیت در جامعه برای برگشت دادن ارزش‌ها از این شعار استفاده کرد و هر انقلابی که رخ داد و هر حرکت و قیامی در جهان اسلام، شروع شد همه از این شعار استفاده کرده و از این نیرو گرفتند و حتی خارج از جهان اسلام نیز همین طور است.

شماره ۹

شما در خاطرات گاندی بخوانید چقدر از قیام امام حسین علیه‌السلام و شخص ایشان تجلیل می‌کند و می‌گوید من مقاومت در مقابل استکبار انگلیس را از او درس گرفتم، قیام خود ما همان نهضت انقلاب اسلامی که خیلی مشخص است در نظر بگیرید، همه ادبیات و مفاهیم‌اش برگرفته از قیام کربلا و عاشورا و تاسوعاست. علاوه بر این که این همان خطی است که خود این قیام این خط را تأسیس کرد و در جهان اسلام تثبیت کرد و ائمه بعدی، بعد از امام حسین علیه‌السلام این خط را تأسیس کردند و اصلاً این مولود آنهاست. این امتداد همان خط است به معنای اخصش است که به این عظمت شکل گرفت البته در تاریخ نورانی تشیع و بخصوص مرجعیت، مقطع‌های

زیادی بوده که این مسئله به شکل‌های کوچکتر و مختصرتری رخ داده البته در همان مبارزه‌ای که همیشه بین کفر و اسلام و بین حق و باطل وجود دارد و این سنت الهی است و حکمت الهی ار خلقت انسان بوده و خواهد بود. قیام‌ها و حرکت‌ها و هدایت‌ها، بر پا کردن و احیای دین به شکل‌های مختلفی در تاریخ تشیع بوده که من نمی‌خواهم وارد این فصل‌ها و بخش‌ها بشوم و تاریخ تشیع خودش یک بحث واقعاً ارزنده‌ای است که ما لازم است حرکت شیعه در تاریخ را که حرکت ائمه اطهار علیهم‌السلام بعد از امام حسین علیه‌السلام بوده است را تحلیل کنیم و بعد حرکات علما و احبار که مراجع ما بودند، روات احادیث در زمان ائمه بودند را تحلیل کنیم. بعد علمایی که پس از عصر غیبت صغری و غیبت کبری در تاریخ با نام مرجعیت شکل گرفت نقش این‌ها در همین «**یحکم بها النبیون و الربانیون و الاحبار**» نقش احبار چه بوده است. واقعاً در تاریخ اسلام این یک بحث بسیار مهمی است جای بحث و تحقیق و کنکاش زیادی دارد ما امروز نیازمندیم این تاریخ را توضیح بدهیم و تحلیل بکنیم. یکی از مسائلی که مکتب‌های امروز دنیا خیلی به آن می‌پردازند با اینکه فرصت‌ها و امکاناتش را هم ندارند این است که سعی می‌کنند حرکات خود را به یک ریشه مهم تاریخی متصل کنند. کمونیست‌ها وقتی می‌خواستند کمونیسم خود را ترویج کنند برای آن ماتریالیسم تاریخی تدوین کرده بودند و سعی می‌کردند خودشان مقطعی از یک حرکت ممتد تاریخ بشری بدانند که البته نادرست بود و همانجا نقد می‌شد، ما این تاریخ را داریم ولی متأسفانه دنبال نکردیم مخصوصاً تاریخ تشیع، تاریخ فکر تشیع و فکر شیعی و تاریخ مرجعیت و علما و همین احبار که در این آیه به آن اشاره شده است را دنبال نکردیم. و آن زنجیره‌ها و حلقه‌های وصل این تاریخ به حرکت ائمه اطهار علیهم‌السلام و حرکت کربلا و عاشورا و حرکت صلح امام حسن علیه‌السلام و حرکت حکومت چهار ساله امیرالمؤمنین علیه‌السلام و زمان خود پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و اینکه چگونه این سلسله‌ها و قطعات این زنجیره واحد به این انقلاب با عظمت منتهی شده را بررسی نکردیم. این انقلاب هم قطعاً یک مقطعی است و یک حلقه‌ای است برای رسیدن به یک فتح بزرگ‌تر و تحول بسیار عظیم و توسعه یافته در جهان که شواهدش را امروز می‌بینیم و حتماً به روز موعود بزرگ که خط انبیاء و خط اسلام و هدایت‌ها و انوار الهی در جهت احیای قسط الهی در کل سرزمین‌ها بدست آن انسان صالحی که همه انتظار او را می‌کشند

منتهی خواهد شد. پس بنابراین نقش علما نقش بسیار مهمی است و این نقش هم درگرو این سه خصلت است. تعلیم و تعلم در مکتب الهی در حدی که بتوان حافظ کتاب، حافظ اسلام و حافظ آن مکتب شد. این خیلی مسئله مهمی است. حافظ بودن هم اشراف بر مبانی آن مکتب الهی و اسلام ختم نبوت‌ها و جامع تعالیم الهی است که در تورات و انجیل وارد شده است. بحمدالله قرآن از هر تحریفی محفوظ مانده این هم بحمدالله مقدار زیادی از سنت پیامبر و ائمه اطهار علیهم‌السلام در مذاهب دیگر اسلامی حفظ شده وکاملش در مذهب ما حفظ شده که خیلی نعمت بزرگی است. اشراف، بر همه این‌ها و تعلم و تربیت شدن به این تعالیم بسیار ارزنده وگسترده و غنی از یک طرف برای دفع خطرات علیه این مکتب و حفظ در مقابل تهاجم‌ها، ترفندها، دشمنی‌ها، شبهه افکنی‌ها و در مقابل مکتب‌های دیگری که بوسیله شیاطین انس و جن همواره در آن جدال بین حق و باطل وکفر و اسلام همیشگی وجود دارد و دائمی است اهمیت دارد چون این دشمنی‌ها از بین نمی‌رود و روز به روز این شبهات، اشکالات و آسیب‌ها به شکل‌های گوناگون فکری، اخلاقی عملی، سیاسی و اقتصادی مطرح می‌شوند. لذا کسی که می‌خواهد حافظ کتاب باشد همان حبر، عالم و علمی که می‌خواهد حافظ کتاب باشد بایستی اطلاع بر آن پیدا کنند تا بتوانند دفاع کرده و شریعت را حفظ کنند:«**بما استحفظوا من کتاب الله**» اینجاست که واقعاً توجه به فرهنگ‌ها و مکتب‌های روز در حوزه‌های علمیه بحمدالله تحت عنوان بحث‌های جنبی که خیلی جانبی هم نیست دنبال می‌شود، مخصوصاً برای شما که در حوزه‌های مراکز شهرهای کلان با مسائل فرهنگی و سیاسی و اجتماعی مردم و مسئولان ارتباط نزدیک دارید، اشراف بر این فرهنگ‌ها که امروز از این راه‌ها دشمنان ما و شیاطین انس و جن و شیاطین بزرگ می‌آیند و وارد می‌شوند، اهمیت دارد. این مقوله‌های جدیدی که در مسائل گوناگون سیاسی، اجتماعی، مفهومی، مفاهیم و اعتقادی مطرح می‌شود و این واژه‌های جدیدی که بکارگرفته می‌شود و یا یک واژه می‌خواهند مجموعه‌ای راگمراه کنند اطلاع بر این رشته‌هایی که به‌گونه‌ای که در ارتباط با مسائل قرآنی و الهی قرار می‌گیرد تحت عنوان رشته‌های علمی یا علوم انسانی یکی از شرایط بسیار مهم امروزه ما می‌باشد. این‌ها را بایستی اول مطالعه و درک کنیم حتی اگر لازم باشد برخی از این‌ها در برنامه‌های درسی وارد و الزامی بشود که حوزه‌ها این‌ها

را تدریس کنند و نظرات برتر و عالمانه‌تر و عمیق‌تر اسلامی در مقابل هر رشته‌ای از این رشته‌ها مطرح شود در اقتصاد اسلامی، فلسفه اسلامی و در مسائل اجتماعی و جامعه‌شناسی و مسائل سیاسی ـ حقوقی به‌کارگرفته شود. این مسائل عریض و طویلی که امروزه تحت عنوان آزادی‌ها، حقوق بشر، حقوق زن، حقوق اجتماعی، حقوق شهروندی و حقوق عامه مطرح است قطعاً باید علما و فضلای حوزه‌های علمیه بر این‌ها اشراف پیداکنند. اولاً باید بفهمند این‌ها چه می‌گویند و خود مفهوم را دریابند، بعد در اسلام در مقابل این‌ها چه چیزی مطرح هست را پیداکند که بحمدالله مقدار زیادی از این‌ها در منابع ماکه در رشته‌های حوزوی خود آنها راکنارگذاشتیم وجود دارد. این سری از روایات چون خیلی دخالت در آن فتواهای مربوط به رساله‌های علمیه راکه بیشتر، افراد و آحاد جامعه و تکالیف فردی نه تکالیف اجتماعی را در نظر دارند نداشته است به آنها توجه نشده و آنهاکنارگذاشته شده‌اند چون دخالتی در درس‌های فقهی نداشته است. امروز همه آن میراث عظیم و غنی که در روایات ما شاید از آن به «روایات اخلاقی» یا آداب تعبیرکنیم یا تعبیرات دیگری مانند سنت‌ها یا دیدگاه‌ها یا مفاهیم اجتماعی داشته باشیم با این‌که این‌ها مسائل بسیار عظیم و مهمی است امروز این‌ها باید در داخل کار علمی حوزه‌ها قرار گیرد چون امروز محل ابتلاست و با قیام این نظام مقدس و با این تحولی که در جهان اسلام و درکل جهان شده امروزکفر و اسلام در همه عرصه‌ها با هم صف‌آرایی کرده‌اند، نه فقط در فقه و چند تا فتوای فقهی مربوط به‌کارهای فردی اشخاص یاکارهای اجتماعی آنها بلکه در همه عرصه‌ها با هم مقابله و صف‌آرایی کرده‌اند، آنها جنود شر و باطل خودشان را بسیج کرده‌اند ما هم باید این طرف بسیج کنیم و خوشبختانه همه چیز هم داریم. شما مراجعه‌کنید و ببینید چقدر ما روایات داریم؛ بیش از روایات موجود در رابطه با احکام قضایی فقهی، ما روایتی درباره آداب قضا، سیاست‌های قضایی و راه‌کارهای علاج مشکلات قضایی داریم که متأسفانه به آن توجه نشده است.

این روایات سیاست‌های کلان قضایی را مشخص می‌کند همچنین ما روایات زیادی در خصوص حقوق شهروندی آن هم خیلی بهتر از آنچه غرب تحت عنوان حقوق شهروندی مطرح کرده، داریم. روایات زیادی در خصوص «حق دفاع» و «حق دفاع متهم» قبل از اتهام،

حین اتهام، قبل از دستگیری، حین دستگیری، بعد از دستگیری، قبل از حکم، بعد از حکم، داریم که به این دقت و ظرافت حتی درکنوانسیون‌های سازمان ملل و در حقوق قضا و منشورها وجود ندارد. منشورهای حقوق بشر هم آنها را به دقت ندیده‌اند. این‌ها که من عرض کردم مواردش را پیداکردم و آن‌قدر روایات عجیب و تکان دهنده پر محتوا در مورد عدالت قضایی داریم در خصوص بی طرفی قاضی که در هیچ جای آن قوانین ذکر نشده است. شماکجا دیدید و درکدام قانون قضایی دنیا و درکدام نظام قضایی و دستورات مربوط به محکمه قضایی مانند آن را دیده‌اید. آنچه که ما در رابطه با بی‌طرفی قاضی داریم در روایات بی‌طرفی قاضی آمده است که قاضی حق ندارد یکی از طرفین دعوی را به تنهایی حتی اگر رفیق و مرید او باشد بدون حضور دیگری تا وقتی که پرونده بررسی نشده و تمام نشده در خانه خودش مهمان کند چون این طرفداری تلقی شده و در نظر دیگری شبهه ایجاد می‌کند «**لایستضاف الخصم**» قاضی حق ندارد یکی از دو متشاکی را مهمان خودش قرار بدهد این روایت در این خصوص آمده است که یکی از دوستداران و اصحاب امیرالمؤمنین علیه‌السلام بر ایشان وارد شد. مهمان شد، شب اول مقداری که گذشت،گفتند که من یک پرونده و یک شکوائیه علیه فلان‌کس دارم و آمده‌ام تا شما یا قاضی شما قضاوت کند. تا امام فهمید گفت: باید از منزل من بیرون بروی. گفت: چرا؟ او این روایت را گفت که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «**لا یستضاف الخصم الا و معه خصم**» تو دیگر حق نداری امشب اینجا باشی و او را از خانه خودش بیرون کرد. این قدر تساوی و بی‌طرفی حفظ شده و قاضی حق ندارد در محکمه به یکی از دو طرف بیش از دیگری نگاه کند و مشاوره کند، درگوشی چیزی بگوید بدون اینکه دیگری چیزی بشنود این جایز نیست حالا ممکن است فقها فتوا ندهند که این جایز نیست یا قضاوت باطل است ولی این دستور در روایات ما آمده است این سیاست ذکر شده است این دقت در مساوات بین دو طرف دعوا و بی‌طرفی قاضی که مبنای اعتماد مردم و مبنای عدالت قضایی است به این شکل در اسلام آمده و صدها مسئله دیگر که این‌ها را ما بعنوان این‌که احکام فقهی نیستند درکتب فقهی معترض نمی‌شویم. امروز باید این‌ها را داخل بحث‌های طلبه‌گی‌مان بیاوریم و در بحث‌های سطح و خارج بنظر من باید بیاوریم آن وقت این‌ها را اگر واردکنیم از درون این‌ها آن‌قدر مسائل بسیار ارزنده و ظریف بدست

می‌آید که اگر ما این‌ها را نظریه‌پردازی کنیم «**بما استحفظوا من کتاب الله**» و قانونمند کنیم و سیستم‌سازی کنیم، و بخش‌های حقوق بشر، حقوق زن، حقوق متهم، عدالت قضایی، سیاست‌های قضائی، نظام قضای اسلامی، بحث آزادی، حقوق عامه، حقوق مردم، حقوق شهروندی همه این‌ها وجود دارد. ولی نیاز به کار دارد تا با این قالب‌ها و واژه‌هایی که امروز مطرح می‌شود به مصاف آنها آورد، آن وقت عظمت اسلام، عمق اسلام، تطابق اسلام با فطرت انسان و با آن ارزش‌ها شکل می‌گیرد و مشخص می‌شود. حفاظت از اسلام در برابر تهاجم فرهنگی و تهاجم مکتب‌های باطل امروز دنیا از این راه شکل می‌گیرد. حوزه‌ها بایستی اولاً این مسئولیت و مفاد این آیه را خوب مقابل چشمان خود تجسم داده و ببینند که چه نقش مهم و چه وظیفه سنگینی بر عهده علما و عالمان و احبار در این آیه گذاشته شده و چه نقش تاریخی برای آنها لحاظ شده و چه راهی این آیه شریفه باز کرده و چگونه راه را مشخص کرده و راهکار هم ارائه داده است. «**بما استحفظوا من کتاب الله**» این کار بسیار مهمی است که بحمدالله شروع شده و یکی از برکات این نظام توسعه در این بخش است. البته قبل از این هم بوده و این‌ها متوقف به نظام نیست و خود برپایی حکومت اسلامی یکی از وظایف انبیا و ربانیون و احبار و علما است و این خط، خط خیلی وسیعی است و وظیفه و نقش آن خیلی کلان‌تر از برپایی حکومت اسلامی است. در جایی که حاکم اسلامی و حکومت اسلامی هم نباشد این نقش به وسیله انبیاء و اوصیاء و احبار و علما محفوظ است ولی وقتی که حاکمیت اسلامی برپا می‌شود این نقش خیلی حساس و گسترده‌تر می‌شود امکاناتش بیشتر شده، تقصیر و قصور و کاهلی و بی‌تفاوتی نیز گناه نابخشودنی‌تری خواهد شد. «**بما استحفظوا من کتاب الله و کانوا علیه شهدا**» الگو شدن، مستلزم احیا این امر در خود، بعد کشاندن جامعه و مردم با این الگوسازی‌ها است، این‌که امام توانست یک ملتی و بعد یک جامعه‌ای را به صحنه حکومت انبیاء و صالحان و ارزش‌های انبیا و ارزش‌های الهی بکشاند، به این دلیل است که اول در خودش این‌ها را پیاده کرد و الگوی تمام عیار برای مردم شد و مردم وقتی دیدند این الگو را دنبال کردند و آمدند. اول خودش را فراموش کرد و در طبق اخلاص برای هدف‌های بزرگ و هدف‌های الهی ایثار کرد. مردم هم وقتی این را دیدند، همان جرأت، شجاعت، ایثارگری و از خودگذشتگی را نشان دادند، و با قطع تعلق

به مسائل دنیا و ماده و زن و بچه و مسائل دیگر در میدان آمدند و دیدید چه عظمتی شکل گرفت. امروز هم که دنیا این راه را دنبال می‌کند. «**لا تخشوا الناس**» ناس هر کجا در قرآن ذکر می‌شود به معنی دشمنان است. «**ناس**» ناسالم و فاسد است هیچ وقت خوبان در آیات به ناس تعبیر نمی‌شود «**الذین قال لهم الناس**» عبدالله بن ابی از سرکردگان منافقان مدینه بود، در این آیه هم همین جور است. «**لاتخشوا الناس**» یعنی از مردم بد، از طاغوت‌ها و ترفندهای آنها نهراسید «**واخشونی**» از من بترسید، و این راهکار اثرات خودش را، هم در تاریخ قدیم، هم در تاریخ معاصر ما نشان داد مخصوصاً در تاریخ معاصر این شجاعت امام چقدر و عدم خوف امام از طاغوت و طاغوتیان و فقط به تکلیف عمل کردن و از خدا ترسیدن که همان معنای عمل به تکلیف است برکات خود را نشان داد که امام به آن تکیه می‌کرد. فقط از خدا باید ترسید و به تکلیف او عمل کرد و بس. پیروزی حزب الله لبنان هم که در حقیقت ثمره و شاخه‌ای از غرس مبارک امام است آن هم به همین جهت بود اگر سید حسن نصرالله و حزب‌الله می‌ترسید قطعاً این پیروزی‌ها حاصل نمی‌شد، که جای ترس هم داشت و همه از اسرائیل می‌ترسیدند بخصوص دولت‌های عربی با آن همه امکانات نظامی می‌ترسیدند ولی این مجموعه کم اما با ایمان که واقعاً الگو شدند و شاهد بر این امت‌های اسلامی شدند و امروز می‌بینیم چه عظمتی ایجادکردند و ایجاد می‌کنند. و هنوز این راه هرچه بیشتر طی بشود و آنچه در درون راه انبیا و راه ائمه و اسلام ناب که اسلام ائمه اطهار علیهم‌السلام است. هرچه این تعالیم، این اخلاق فردی و اجتماعی، حقوق اسلامی، دیدگاه‌ها، سیاست‌ها، جهت‌های بلند و ارزش‌ها از منابع غنی اسلامی ما که بحمدالله بیشترین و غنی‌ترین منابع هم در اختیار ماست در اختیار مذهب اهل‌بیت هست بیرون کشیده شوند، برکات زیادی خواهد داشت. آنچه که مذاهب دیگر از این متون غنی اسلامی دارند و در تاریخ ثابت شده که به برکت اهل‌بیت عصمت و طهارت بوده که با تدریس‌هایی که کردند، همه ائمه مذاهب دیگر شاگردان ائمه ما بودند واین در تاریخ ثبت شده است. در مقدمه کتاب دایرة المعارف اشاره شده و در تاریخ این مسئله ذکر شده است که روایات اهل‌سنت را ائمه ما حفظ کردند، حتی روایاتی که از غیر ناحیه ائمه صادر شده بود. اگر حرکت ائمه در حفظ روایات و سنت پیامبر نبود سنت پیامبر در دست برادران اهل‌سنت هم الآن نبود تنها کسی که در

مقابل حرکتی که پس از فوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رابطه با اکتفای به قرآن «**حسبنا کتاب الله**» و حذف سنت پیامبر صلی الله علیه و آله ایجاد شده بود دفاع کرد، امیرالمؤمنین علیه السلام بود و شاگردان امیرالمؤمنین علیه السلام که در اوج آن دشمنی‌ها و حالت خفقانی که نسبت به نقل حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله انجام می‌گرفت. در عصر اول ایشان تدریس کرد و شاگردانی را تربیت کرد. احادیث پیامبر را دستور داد حفظ کنند، منتقل کنند، منتشر کنند، عبدالله ابن عباس‌ها و دیگران را تربیت کرد و سنت پیامبر را حفظ کرد و روایاتی را که حتی از غیر طریق امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه نقل شده است در مذاهب اسلامی دیگر آنها بعد از این استفاده کردند اگر نبود که این‌ها هم از بین می‌رفت و اگر از بین می‌رفت یعنی یک منبع دوم غنی اسلامی پس از قرآن که سنت پیامبر و احادیث معصومین است از بین می‌رفت. بنابراین همه ما کامل‌ترین این‌ها را در تشیع داریم و ثابت شده است. امروز بحمدالله آثار و برکات عملی آن هم در احیای اسلام ناب خودش را نشان می‌دهد که وقتی این تعالیم حفظ شد، چگونه این پیروزی‌ها و این نصرت‌ها در مقابل دشمنان اسلام، این تحول‌ها و انقلاب‌های عظیم، این حاکمیت ارزش‌های اسلامی و الهی در جامعه شکل می‌گیرد، وقتی درست طبق آن نسخه عمل می‌شود «**بما استحفظوا من کتاب الله**» نقش علما و مراجع بزرگ ما در تاریخ خیلی نقش عظیمی بوده «**کانوا علیه شهدا**» این الگو شدن، اسوه شدن، احیاکردن در خود و در جامعه و کشیدن دیگران به عرصه و میدان وقتی درست می‌شود که درست بدان عمل می‌شود که «**فلا تخشوا الناس**» ترس از مردم درکار نباشد و وحشت فقط از خدا باشد، نصرت الهی هم شکل می‌گیرد. امیدواریم که خداوند متعال به برکت این ایام مبارک و به برکت مبعث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ان شاء الله همه ما را به آنچه که وظیفه ماست موفق کند، خوب عمل کنیم مخصوصاً علما و بزرگان و حوزه‌های علمیه من مجدداً از همه تشکر می‌کنم.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

گزیده‌ای از سخنان خانم زعفرانی
معاون امور زنان مرکز رسیدگی به امور مساجد
به مناسبت هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد

امروزه تجاوز به حریم ملت‌ها، اشغال کشورها، کشتار کودکان و زنان بی‌گناه و استفاده از مخرب‌ترین سلاح‌های کشتار جمعی زیر لوای دموکراسی و با ادعای ارمغان دادن آزادی به ملت‌ها صورت می‌گیرد و مقابله با تجاوزکاران و اشغالگران و دفاع از حیثیت و ملیت و مذهب،

شماره ۱۰

تروریسم نامیده می‌شود و در همین راستا هویت‌زدایی از زنان، زیر پا نهادن کرامت، حرمت و عزت آنان، مبارزه با خلقت و طبیعت ایشان و خشونت در حق آنان، دفاع از حقوق زنان نامیده می‌شود. نهضت زنان پس از یک قرن و نیم فعالیت در کشورهای اروپایی و آمریکایی حاصلی جز تنزل زن تا حد ابزاری برای نیل به مقصود سردمداران سرمایه پرست لیبرال و به سود سرشار و تأمین لذت افسارگسیخته مردان هوسباز نداشته است. بیداری زنان جهان اسلام از آن چیزی که امروز شاهد آن هستیم باید بیشتر شود، چون ما فرهنگی غنی داریم، در عمل هم ما اسوهٔ برای زنان عالم داریم، ما حضرت زهرا علیها السلام را داریم که به عنوان یک الگوی نمونه هم برای زنان و هم برای مردان ماست. مساجد را که کانون و مرکزیت همه فعالیت‌های ماست باید به عنوان پایگاهی برای بازیابی هویت زن مسلمان و آشنایی با سیرهٔ معصومین درآوریم.

سخنان دکتر علی‌اکبر ولایتی
مشاور مقام معظم رهبری
در همایش هفته جهانی هفته گرامی‌داشت مساجد

خوشحالی ما از پیروزی لبنان نباید موجب غفلت از آینده شود، زیرا معلوم نیست آینده، پیچیده‌تر از گذشته نباشد، ما به عنوان هدف طرح خاورمیانه جدید باید در همه حال آمادگی مقابله به اجرای این طرح را داشته باشیم. دکتر ولایتی با تشریح سابقه تاریخی اعلام طرح خاورمیانه بزرگ یا جدید از سوی آمریکا اظهار داشت:

اگر تحلیل واقعی از این نام‌گذاری را نداشته باشیم، در ارزش‌یابی اقدامات امریکایی‌ها و متحدان آن در منطقه، با مشکل مواجه خواهیم شد. فاتحان جنگ درصدد برقراری شکل جدیدی از کشورها در دنیا بودند و این خاصیت قرن جدید است، زیرا در گذشته کشورها در حمله به یکدیگر خاک آن کشور را تصرف می‌کردند، اما در عصر جدید، صحنهٔ بین‌الملل معنا پیداکرده و از حیثیت حقوقی مجزا از تک تک کشورها برخوردار است. پس از جنگ سرد نیز رئیس جمهور امریکا با طرح نظم نوین جهانی مشروعیت سازمان ملل متحد را زیر سؤال برد، به‌طوری که نظم نوین جهانی سخنی مترادف با تشکیل سازمانی جدید بود، از همان اعتبار سازمان ملل و دبیرکل آن، روز به روز کاسته شده و مصوبات شورای امنیت نفوذ سابق را ندارد و در زمان حاضر سیستم‌های بین‌المللی جدید به عنوان جایگزین سازمان ملل جای گرفته است. کلمهٔ خاور به افق جغرافیایی انگلیس به دیگر کشورها نام‌گذاری شده و معنای ژئوپولوتیک ایران

شماره ۱۱

و سایر مناطق جهان براساس تصمیم‌گیری انگلیسی‌ها بوده است که از جمله آن باید از خاور دور، نزدیک و خاورمیانه که ما در آن قرار داریم یادکرد. پس از جنگ سرد و شکست اردوگاه کمونیست، امریکایی‌ها فروپاشی کمونیست را در نتیجهٔ تلاش خود دانستند، در اوایل قرن بیست بوش پدر در یکی از سخنرانی‌های خود از نظم نوین جهانی نام برد که امریکایی‌ها خود را سردمدار آن می‌دانستند، همان‌طور که پس از جنگ اول جهانی انگلیسی‌ها برای خاورمیانه طرحی جدید تعریف و نقشهٔ جغرافیایی‌ای مطابق منافع خود ترسیم کردند و کشورهایی از جمله عثمانی و جز آن را تقسیم نمودند. امروز هم اِمریکایی‌ها می‌خواهند در خاورمیانه تعریفی جدید ارائه دهند که این تعریف مستلزم تغییر نقشهٔ خاورمیانه است. آن‌ها قصد دارند خاورمیانه را براساس مذاهب و قومیت‌ها تقسیم کنند برای مثال تأسیس کردستان مستقل در شمال عراق یا جنگ تصنعی شیعه و سنی در عراق از جملهٔ این برنامه‌هاست تا آن کشور را به سه منطقه شیعه‌نشین، سنی‌نشین و کردنشین تقسیم نمایند. آنان چنین خوابی برای ایران هم دیده‌اند، از جمله ناآرامی‌های خوزستان و تحریکات آذربایجان در راستای طرح

مورد نظر آنهاست. به جنگ لبنان به بهانهٔ گروگان‌گیری دو سرباز اسرائیلی نیز از آن جمله است. آنان لبنان را به عنوان نقاط کلیدی در خاورمیانه در نظر گرفته‌اند و این گونه نیست که گروگان‌گیری دو سرباز، علت شروع مانورهای نظامی با جهت‌گیری لبنان در شمال فلسطین باشد. در این میان حزب‌الله ابتکار عمل را در دست گرفت. حزب‌الله مهم‌ترین نقطهٔ مقابلهٔ کشورهایی است که مقابل اِمریکا ایستاده‌اند، به همین علت آنان می‌خواستند که این مانع را از پیش رو بردارند، اما با شکست روبرو شدند. این امر شکستی بزرگ در طرح تشکیل خاورمیانه جدید برای آنان بود. پس از گذشت ده روز از جنگ، اسرائیلی‌ها به برقراری آتش بس تمایل داشتند و وزیر امورخارجه امریکا بود که با برقراری آتش بس مخالفت کرد، رایس اعلام کرد اگر جنگ تمام شود خاورمیانه به همین شکل خواهد ماند، در حالی که ما طالب خاورمیانه جدید هستیم و این یعنی انهدام حزب الله، به عنوان مانعی که از رسیدن آنان به طرح خاورمیانه جدید جلوگیری می‌نمود. آنان می‌دانند تا زمانی که حزب الله در جنوب لبنان است، اسرائیل نمی‌تواند دست از پا خطاکند، بنابراین خواستند این مانع را از میان بردارند، اما شکست خوردند. آثار و تبعات جنگ اول و دوم جهانی دامن ما را هم گرفت، در جنگ سرد نیز با بیان شعار نه شرقی نه غربی همانند قبل اعلام بی‌طرفی کردیم. حال که جنگ سرد تمام شده در طرح خاورمیانه جدید نیز قرار است طرح اِمریکایی‌ها دامن‌گیر ما شود. اشغالگری‌های اِمریکا در عراق و افغانستان و مخالفت و دشمنی مردم آن کشورها با اِمریکا، به نتایج عکس خواسته‌های اِمریکا در این کشورها منجر شده است. بیداری اسلامی که ستون فقرات آن در سایر کشورهای اسلامی، ایران است در زمان حاضر در میان همهٔ کشورهای مسلمان پدید آمده و این بار برخلاف جنگ‌های اول و دوم جهانی با توجه به بیداری اسلامی و این حالت ایستادگی، که کشورهای اسلامی در برابر زیاده‌خواهی اِمریکا دارند، راه نوید بخشی پیش روی جهان اسلام و به ویژه کشورهای مسلمان خاورمیانه قرار داده است. با بیداری اسلامی جهان اسلام و ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی اِمریکایی‌ها، نباید گذاشت که این بار نیز خواب آنان تعبیر شود. خوشحالی ما از پیروزی لبنان نباید باعث غفلت ما در برابر آینده شود، زیرا معلوم نیست آیندهٔ پیچیده‌تر از گذشته نباشد و ما به عنوان هدف‌های طرح خاورمیانه جدید در همه حال باید آمادگی مقابله با این هدف را داشته باشیم و با طرح‌های شوم آنها مقابله نماییم.

سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی
در جمع ائمه جماعات شرق استان تهران
به مناسبت گرامی‌داشت هفته جهانی مساجد

از مسلمات سیرهٔ نبی اکرم ﷺ این است که نخستین اقدام وی ساخت مسجد بود، مسجد قبا و آنگاه مسجد النبی ﷺ و از این مسجد به عنوان پایگاهی برای نشر دین استفاده می‌فرمود، از سیرهٔ نبی اکرم ﷺ در باب مسجد استفاده می‌شود که یک کارکرد مسجد، اقامهٔ نماز جماعت

شماره ۱۲

است، بشارت دادند که سه وقت در بسیاری از مساجد اقامه جماعت می‌شود و این بشارت ارزشمندی است، اما پیامبر اکرم ﷺ بیش از آنکه نگاهش به مسجد فقط اقامهٔ جماعت باشد، نگاهش به مسجد، پایگاه بود. پایگاه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و در عصر حضرت پایگاه اداره حکومت. پیامبر مسجد را پایگاه وحدت دل‌ها می‌دید، لذا مسجدی که کانون تفرقه بود «مسجد ضرار» نامیده شده است که پیامبر دستور تخریب این مسجد را صادر کرد. مسجد از نگاه پیامبر ﷺ پایگاه وحدت بود. ائمهٔ جماعات باید بدانند که مواضع و سلیقه‌های گوناگون در هر جامعهٔ آزادگریز ناپذیر است و ائمهٔ جماعات مساجد باید به گونه‌ای رفتار کنند که مردم مساجد را خانهٔ خود بدانند. باید در مساجد به سلیقه‌های گوناگون اهمیت داده شود؛ البته نه به قیمت تأثیرپذیری در انحراف، پیامبر ﷺ مساجد را پایگاه فرهنگی می‌دید، لذا مسجد پیامبر کانون تلاش‌های فرهنگی بود که گاه خود پیامبر دستور می‌دادند که حضرت علی علیه‌السلام معاذ بن جبل و دیگران کار آموزشی در مساجد انجام دهند. امام جماعت مدیریت دینی مسجد را بر عهده دارد. از این سخن سه منظر به‌نظر می‌رسد: نخست، امام جماعت عالمی است که مردم به او اقتدا می‌کنند و از این منظر روحانی بودن شرط نیست، بلکه عدالت شرط است. منظر دوم این‌که امام جماعت مدیر مسجد است، مسجد هیأت امنا، بسیج و خادم دارد، اما به‌طور طبیعی مدیریت مسجد باید با امام جماعت باشد، منظر سوم این است که امام جماعت یک عالم دینی است و نگاه مردم ما به امام جماعت از این منظر است و به حمدالله این در کشور ما نهادینه شده است و معنای این حرف این است که عالم مدیریت دینی مسجد را دارد و در حقیقت مدیریت مأمومین را و در این مدیریت چند مطلب باید مورد توجه قرار بگیرد؛ نخست این‌که مدیریت او باید جهت‌دار و معلوم باشد، یعنی چه می‌خواهد بکند، باید چشم‌انداز آینده داشته باشد، مثلاً برنامه‌ریزی کند که در چند سال آینده مسجد باید دارای حوزه علمیه باشد و در سال‌های بعد افرادی از همان حوزه در خدمت مسجد باشند و بدانند که برای رسیدن به چشم‌انداز باید چه کنند. دوم این‌که امام جماعت باید در مدیریت خود کادرسازی کند. در هر مسجد عده‌ای را می‌بینیم که زمینهٔ رشد بیشتری دارند. انقلاب ما این‌ها را پدید آورد و اصل جرقه انقلاب ماهم از طریق کسانی بود که به وسیلهٔ علما پرورش یافته بودند، اکنون هم همین گونه است، هر صالحی که

شما می‌پرورید در هر کجا به عنوان چراغ دین به‌شمار می‌رود کادرسازی کردن برای دین از جمله مهم‌ترین کارهایی است که باید در مدیریت مساجد به آن توجه شود. تلاش کنیم موضع اتخاذ کنیم، اما موضع ما جدای از جریان‌های سیاسی باشد موضع ما باید موضع دین باشد، و باید هرجا احساس تکلیف کردیم، حرف‌مان را بزنیم، اگر موضع ما موضعی سیاسی باشد به صورت ابزاری در دست سودجویان و دشمنان قرار خواهیم گرفت. باید مطابق دستورات فلان حزب و فلان شخص حرکت نکنیم، ولی اگر موضع ما موضع دین باشد، آزادانه در راه دفاع از حقانیت دین و بدون نیاز به هیچ کس و حزب، حرف‌مان را خواهیم زد، چنان‌که دیدید در بارهٔ حضور زنان در ورزشگاه‌ها مخالفت مراجع را در پی داشت و مورد نقد قرار گرفت و این همان موضع دینی ائمهٔ جماعت است. نکتهٔ دیگری که در این مدیریت دینی تلاش شود دین دکان نشود، (چراکه وقتی دکان شد می‌شود ضد تبلیغ). اگر دین دکان شود و جوان بفهمد که فلان روحانی و فلان امام جماعت به لحاظ پول به منبر می‌رود و برای پول به تبلیغ دین می‌پردازد، قاعدتاً از او خواهند برید. شما ائمه جماعات باید به‌گونه‌ای رفتار کنید که آن کاسب و آن تاجر و سرمایه‌دار احساس کند که به شما نیاز دارد و هیچ چیز را نباید با عزت و عظمت خود عوض نماییم. در مدیریت دینی آنچه مهم است مسئلهٔ ارائهٔ تصویر درست از دین است. دغدغهٔ ما این است که تبیین دین تخصص لازم دارد. سعی کنیم که در مسئلهٔ تبلیغ دین از صاحب‌نظرانی که دین را می‌شناسند استفاده کنیم. افرادی که در حوزه درس خوانده‌اند و بحمدالله ما در حوزه‌های علمیهٔ خود طلبه‌های بسیار فاضلی داریم که معروف نیستند، ولی شما می‌توانید از آنان دعوت کنید و در صورت لازم بپرورانید. باید بدانید که کسی می‌تواند دین را بیان کند که دین شناس باشد. در زمان حاضر متأسفانه برخی افراد که مایهٔ دینی نداشتند، سخنگوی دین شده‌اند و آنانی که مطالعه‌شان در حد دو یا سه کتاب است، چگونه می‌توانند در بارهٔ دین صحبت کنند؟ کسی که امام جمعه و امام جماعت است و مسئولیت دین در هر نهاد دارد، رفتارش مستقیماً در تبلیغ دین تأثیرگذار است، گاهی عالمی در نهایت زهد است، ولی فرزندش، همسرش، دامادش، آبروی او را می‌برند، یک عالم دینی نمی‌تواند در بارهٔ ایشان بگوید که به من ربطی ندارد دشمن در پی این است که ببیند دختر فلان روحانی بدحجاب است و همسرش خدای ناکرده با وضعی نامناسب

می‌گردد و این برای هر روحانی، محلی از اشکال است. مردم با دیدن این صحنه خواهند گفت که اگر او توانایی داشت فرزندان و خانوادهٔ خود را اصلاح می‌کرد. ضمناً مشخص بودن زمان سخنرانی، نشاط مستمعین در هنگام سخنرانی، خلاصه گویی و اختصار و تنوع در تبلیغ در قالب مدیریت مسجد توسط ائمه جماعات نکات حائز اهمیتی است که باید مدّنظر باشد. آنچه کشور ما را در مواقع اضطراری از خطر می‌رهاند همین مساجد و ائمهٔ جماعات مساجد است که با تلاش‌ها و زحمات مرکز رسیدگی به امور مساجد به مدیریت حجت‌الاسلام والمسلمین ابراهیمی سامان یافته و این شبکهٔ عظیم دین مساجد را در سراسر کشور به هم متصل می‌کند. امیدواریم که این مرکز را هر روز با نشاط‌تر ببینیم و شاهد آن باشیم که این سفیران نور یعنی ائمهٔ جماعات هر روز بهتر از گذشته به رسالت خود عمل می‌کنند.

بخش دوّم

مقالات برگزیده

فصل اول

مساجد و پیامبر اعظم ﷺ

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و مسجد

▣ دکتر علی محمّدی آشنانی

چکیده

این نوشتار با توجه به بنیادگذاری اسلام بر توحید ناب علمی و عملی و معرفی عبودیت و عبادت به‌عنوان هدف آفرینش، سیر تعالی و راه دستیابی انسان به جایگاه گرانسنگ و بی‌بدیل مسجد و مکانت عظیم آن در سیره نبوی، سه محور را در آن برجسته نموده است:

۱ ـ مسجد نقطه آغاز و سنگ بنای کادرسازی و تشکیل حاکمیت و حکومت اسلامی.

۲ ـ مسجد کانون مرکزی جامعه‌سازی اسلامی.

۳ ـ مسجد پایگاه وحدت و جایگاه حل اختلاف.

نگارنده راز نام‌گذاری ستون‌های مختلف مسجد نبوی را ابعاد، جنبه و کارکردهای گوناگون مسجد دانسته، نقطه آغاز و مرکز اصلاح، تعالی و حل مشکلات کنونی امت اسلامی، همچنین مرکز هدایت و نقطه امید و هدایت بشریت معاصر را مسجد معرفی کرده است و در پایان با تأکید بر ضرورت پیروی از سیره نبوی، احیای سنت رسول اعظم در مورد مسجد را تنها راه برون رفت از مشکلات در دوران معاصر و راه چاره حل اساسی آنها شناسانده است.

واژگان کلیدی: مسجد، سیره، رسول اعظم، کادر سازی، جامعه سازی، وحدت.

پیش‌گفتار

الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی اشرف الانبیا والمرسلین سیدنا محمد و علی آله الطیبین الطاهرین.

در سال رسول اعظم و در آستانه سالگشت بعثت فرخنده آن حضرت و با تقارن یافتن هفته وحدت و هفته گرامی‌داشت مساجد، پرداختن به نقطه آغازین و سنگ بنای تحول یافتن یثرب به مدینه النبی، یعنی مسجد، امری بایسته و در خور توجه و راه حل بسیاری از مشکلات امروز امت اسلامی است؛ زیرا در مکتب اسلام که به عنوان آخرین مکتب حیات بخش الهی، براساس توحید ناب نظری و عملی بنا شده[۱] و همه امور معرفتی، اخلاقی و احکام عملی این دین براساس توحید سامان یافته است و هدف از آفرینش آدمی و راه رسیدن انسان به قرب و جایگاه منیع خلافت الهی،[۲] عبادت، عبودیت و بندگی ذات اقدس الهی معرفی شده،[۳] مسجد جایگاهی گرانسنگ و بی‌بدیل داشته و در سنت و سیره مبارک رسول اعظم مکانتی عظیم یافته است.

از آنجا که نمی‌توان به همهٔ ابعاد این موضوع پرداخت، تنها به سه نکتهٔ اساسی یعنی: نقطه آغاز حرکت‌های دینی، جامعه‌سازی اسلامی و وحدت آفرینی مساجد اشاره می‌شود:

۱ ـ مسجد نقطه آغاز و سنگ بنای کادرسازی و تشکیل حاکمیت و حکومت اسلامی

اگرچه در سیره حضرت رسول، تشکیل جلسات آموزش در دوران آغازین بعثت و سال‌های مخفی دعوت در خانه ارقم بن ابی‌ارقم درکنار مسجدالحرام بر دامنه کوه صفا[۴] وبرگزاری نماز جماعت در سال‌های پس از آن در درون مسجدالحرام و در برابر کعبه[۵] و نشستن در

---

۱. ﴿مالکم من اله غیره﴾، اعراف: ۵۹، ۶۵، ۷۳، ۸۵.

۲. ﴿انی جاعل فی الارض خلیفه﴾ بقره: ۳۱.

۳. ﴿ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون﴾ ذاریات: ۵۶.

۴. سیره ابن‌هشام: ج ۱، ص ۲۶۳؛ سیره ابن حلبی: ج ۱، ص ۳۱۹.

۵. اسدالغابه، ابن‌اثیر، الاصابه ابن‌حجر، به نقل از: فرازهایی از زندگی پیامبر اسلام: ص ۹۷.

حجر اسماعیل و قرائت قرآن[۱] نشانگر اهمیت مسجد در کادرسازی است ولی توجه به رویدادهای هجرت آن حضرت از مکه به مدینه و تلاش آن پیامبر بزرگ برای بنیان نهادن یک جامعه ایده‌آل نمونه و آرمانی اسلامی و تغییر جامعه جهل و ظلم و خرافه یثرب به شهر علم و نور و عدالت مدینه النبی نشان می‌دهد که نقطه آغاز همه تلاش‌ها و سنگ بنای جامعه‌سازی اسلامی و زیر ساخت تشکیل حاکمیت و حکومت اسلامی نبوی، تأسیس مسجد، است.

آری! تأسیس مسجد قبا در آن اقامت کوتاه سه روزه و انتخاب مکان برای بنیان نهادن مسجد نبوی به محض ورود به مدینه،[۲] برای همه مسلمانان و بویژه برای اندیشمندانی که در سیره پیامبر اعظم تأمل می‌کنند، پیامی معنادار در بر دارد.[۳] پیامبر در اولین گام به مسجدسازی پرداخت و با این اقدام، مرکز ثقل همه تحولات و اصلاحات لازم را بنیان نهاد و در حقیقت با ساخت مسجد، نخستین گام برای تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی را برداشت. بدینسان زیر ساخت و عامل اصیل و اصلی همه تحولات فردی و اجتماعی در سیره نبوی، مسجد بود.[۴]

۲ ـ مسجد کانون مرکزی جامعه‌سازی اسلامی

اساساً رسالت پیامبر این بود که جامعه بت‌پرست، مشرک خرافی، عقب مانده، جاهل و پر از ظلم و ستم و تباهی و اختناق آن گونه که امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه توصیف می‌کند،[۵] را به جامعه‌ای یکتاپرست، آزاد، عادل، انسانی و معنوی تبدیل نماید[۶] تا همه بشریت از برکات آن

---

۱ . «کان رسول الله یقعد فی الحجر و یقرأ القرآن» بحارالانوار.

۲ . آثار اسلامی مکه و مدینه: ص ۱۹۹ .

۳ . ﴿لیقوم الناس بالقسط و انزلنا معهم الکتاب و المیزان﴾ حدید: ۲۵ .

۴ . صحیح بخاری: ج ۱ ، کتاب علم، ص ۴۲ ؛ فرازهایی از زندگانی: ص ۲۰۹ ـ ۲۱۱ .

۵ . «و اهل الارض یومئذ ملل متفرقه و اهواء منتشره و طوائف متشتته بین مشبه لله بخلقه او ملحد فی اسمه او مشیر الی غیره...». نهج البلاغه: خ اول .

«و انتم معشر العرب علی شر دین و فی شر دار منیخون بین حجاره خشن و حیات صم تشربون الکدر و تأکلون الجشب و تسفکون دماءکم و تقطعون ارحامکم، الاصنام فیکم منصوبه و الاثام بکم معصوبه» نهج البلاغه: خ ۲۶ .

۶ . ﴿و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التی کانت علیهم﴾ اعراف: ۱۵۷ .

برخوردار گردد:

برای این جامعه‌سازی جدید و این تلاش بزرگ الهی که اقامه عدالت در صدر می‌نشیند و باید هر چیز و هر کس در جایگاه خود قرار گیرد به یک مرکزیت مطمئن و کارآمد نیاز بود؛ بدین رو پیامبر با برنامه‌ریزی دقیق و الهی خود، برای جامعه‌سازی نوین قرآنی، به تأسیس کانونی به نام مسجد دست یازید.

بدینسان در سنت و سیره نبوی مسجد تنها یک نقطه آغاز و یک مرکز عبادی فردی نبود؛ بلکه بدون مبالغه مسجد مرکز و کانون هدایت همه تحولات، اصلاحات و همه امور بود.[۱]

آن حضرت در این کانون نورانی، نخست فرهنگ‌سازی قرآنی را در دستور کار قرار داد و این‌گونه بود که مسجد با نقش فرهنگ‌ساز خود، جامعه نمونه‌ای را تحقق بخشید که در آن جامعه، همه امور از معرفت علمی، تا امور سیاسی و اجرایی همه و همه از مسجد الهام می‌گرفت و راز تحول یثرب به مدینه آرمانی پیامبر را باید در نقش آفرینی عالی این محور مقدس، جستجو نمود.

بدون تردید علم مسجد محور، اجتماع مسجد محور، اقتصاد مسجد محور، سیاست مسجد محور، با علم و اجتماع و سیاستی که محورش مسجد نباشد، تفاوت بنیادین دارد.

شاید تقسیم نمودن فضای مسجد میان کارکردهای مختلف و اختصاص هر ستون و اطراف آن به یک امر و آغاز گسترده آموزش‌های علمی و عملی را بتوان در این راستا ارزیابی نمود.

برگزاری نماز جماعت، آموزش قرآن کریم و ارایه خطابه‌های موعظه‌آمیز و اصلاح‌گرایانه، پذیرش نمایندگان مذاهب و مکاتب و قبایل و بحث و گفت‌وگو با آنان، اسکان مهاجرین بر گرد مسجد و... چنان تحول فرهنگی در یثرب به وجود آورد که به تحقق جامعه آرمانی اسلامی انجامید.

تعلیم و تعلم معارف و آموزه‌های قرآن و سنت نبوی، مسجد را به دانشگاهی بدل نمود که در آن علم و اخلاق، آموزش و پرورش، عالم‌پروری و انسان‌سازی در کنار هم و آمیخته

---

۱. صحیفه نور.

با یکدیگر ارائه می‌شد به‌گفته ابن‌مسعود تا به آیاتی که پیامبر به ما آموخته بود، عمل نمی‌کردیم آن حضرت آیات جدیدی به ما ارائه نمی‌کرد.

حضور پیامبر در جلسه آموزشی و ترجیح آن بر حلقه ذکر و عبادت با این بیان‌که «**کلاهما الی خیر ولکن بالتعلیم ارسلت**»[۱] و جدیت در دور باش اصحاب از گناه و **فی ازاله الاثام عنهم مجتهدا**[۲] نشان از آن دارد که حضرتش علم و عمل بر اساس آن را با همدیگر می‌خواست.

به یک نمونه از معرفت آموزی علمی آموزه‌های قرآن در مساجد توجه فرمایید:

مردی بادیه‌نشین به مسجد آمد و از حضرتش تقاضای تعلیم آورده‌های جدید یعنی آیات قرآن را نمود؛ آن حضرت در پاسخ این تقاضا به تلاوت سوره زلزال پرداخت: «**فلما انتهی الی (فمن یعمل مثقال ذره خیراً یره و من یعمل مثقال ذره شراً) قال: اکفینی**» یا محمد مرا بس است که همه پیامت را دریافتم. سپس برخاست و از مسجد آهنگ بیرون رفتن کرد.

پیامبر به اصحاب فرمود: «**انصرف الرجل و هو فقیه**».[۳]

این مورد تنها یک نمونه از هدایت بخشی و معرفت آموزی علمی در مساجد بود که در فرصتی اندک، بادیه‌نشینی را به فقیه‌ای بدل نمود که فقاهتش مورد تأیید پیامبر قرار گرفت و تأثیر بخشی این‌گونه تعلیم در شکل‌گیری جهان بینی جدید و دغدغه آفرینی در مورد مبدأ و معاد را به خوبی نشان داد.

از بیان نمونه‌های دیگر در می‌گذریم که مجال تفصیل و فرصت تکثیر نیست.

در حوزه معرفت‌آموزی عملی نیز مساجد نقش، اثرگذاری و تحول آفرینی بسیار شگفت‌انگیزی ایفا نمودند؛ به عنوان نمونه‌ای از خروار، چون حضور در مسجد، طهارت و نظافت پیشین را طلب می‌کرد، بویژه با استحباب مسواک و به‌کار بردن بوی خوش برای اقامه نماز و با اختصاص دادن ستون مخلقه به گیاه عطرآگین خلوق برای خوشبو ساختن خود،

---

۱. بحارالانوار: ج ۱، ص ۲۰۶؛ منیه المرید، شهید ثانی: ص ۱۰۶.
۲. بحارالانوار: ج ۹، ص ۳۳۲.
۳. میزان الحکمه: ج ۳، ص ۲۴۵۵.

مسجد عملاً لزوم رعایت بهداشت و آراستگی را به مردمان مسلمان می‌آموخت.

برگزاری نماز جماعت در مسجد و قرار دادن افراد در یک صف و کنار هم و منظم ساختن صفوف توسط خود آن حضرت، نه تنها نظام طبقاتی اشراف و بردگان را درهم شکست و همه تفاخرات جاهلی را لگدکوب نمود و نظام نوین اجتماعی دیگری با ارزش‌های جدیدی به وجود آورد، بلکه رعایت نظم و ایجاد صفوفی در هم تنیده و منظم را به همگان آموخت.

تشکیل جلسات مشورتی در مسجد، نه تنها لزوم تفکر و تأمل در امور اجتماعی مسلمانان را به همه افراد یاد می‌داد، بلکه به مسؤولان، رهبران و حاکمان استفاده از نظرات دیگران را آموزش داد.

پذیرفتن هیأت‌های نمایندگی مذهبی و قبیله‌ای و ارایه سخنان مستدل و متقن در برابر پرسش‌های آنان، عملاً مردمان پرورش یافته در دوران تعصب، جنگ و جاهلیت را به روش گفت‌وگوهای برهان مدار و جدال احسن و رعایت انصاف در ارزیابی سخنان ارائه شده رهنمون شد.[۱] در یکی از مناظرات که **فبهت القوم و تحیروا و قالوا: یا محمد اجلنا نتفکر فیما قلته لنا فقال: انظروا فیه بقلوب معتقده للانصاف یهدیکم الله.**[۲] به ما مهلت بده تا در آنچه فرمودی بیندیشیم. فرمود: بیندیشید ولی با قلب‌هایی که انصاف می‌ورزد تا هدایت شوید.[۳]

اسطوانه حرس آن هم درکنار اسطوانه الوفود در مسجد النبی، اگرچه یادآور استفاد از سلاح برای تأمین امنیت جان پیامبر است،[۴] ولی افزون برآن و به دلیل تشکیل شورای نظامی در مسجد، بعد نظامی مسجد در جامعه‌سازی آرمانی اسلام را نشان می‌دهد؛ دین اسلام و مسلمانان واقعی درکنار بحث و گفت‌وگوهای مستدل، سلاح نیز در دست دارند تا تهاجمات دشمن را با شدت تمام پاسخ گویند، چنان که دشمن بهراسد و چندان بیمناک شود که هرگز خیال حمله و غارت و استعمار و استحمار این امت را در سر نپرورانند.[۵]

---

۱. آثار اسلامی مکه و مدینه: ص ۲۲۵.

۲. بحارالانوار: ج ۹، ص ۲۵۹.

۳. تفسیر موضوعی: ج ۸، ص ۸۷.

۴. ان هذا المحرس کان علی ابن ابی‌طالب یجلس فی صفحتها التی تلی القبر مما یلی باب رسول الله یحرس النبی وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۴۴۸.

۵. ﴿و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عوالله و عدوکم﴾ انفال: ۶۰.

۳ ـ مسجد پایگاه وحدت و جایگاه حل اختلاف

از آنجاکه بدون در هم آمیختن نیروها و بدون انسجام یافتن یک اجتماع نمی‌توان تحولی انسانی و عمیق به وجود آورد، پیامبر به امر خداوند در حرکت و تلاش نوین خود، مردمان را به وحدت فراخواند: ﴿**ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاتقون**﴾.[۱] دشمنی‌های دیرین را به دوستی‌های بی‌مانند تبدیل کرد و با عوامل اختلاف آفرین و با هرگونه اختلاف و اختلاف آفرینی خواه میان مهاجر و انصار و خواه میان عرب و عجم و... به شدت مخالفت می‌نمود؛ زیرا خداوند فرمان داده بود: ﴿**انما المؤمنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم**﴾.[۲]

مرکز آموزش علمی و عملی و پایگاه اصلی وحدت و حل اختلاف مسجد بود به همین جهت وقتی مسجد ضرار این جایگاه و نقش وحدت آفرینی را از دست داد و به مرکزی برای اختلاف‌افکنی مبدل شد، تخریب گردید و جایگاه انبوه ساختن زباله شد. ﴿**و الذین اتخذوا مسجداً ضراراً و کفراً و تفریقاً بین المؤمنین... لا تقم فیه ابداً...**﴾.[۳]

این سنت نبوی به مسلمانان نشان دادکه هر مرکز اختلاف آفرین هرکجاکه باشد حتی اگر نام مسجد به خود بگیرد، باید تخریب و به مزبله تبدیل شود.

ضرورت پیروی از سیره در دوران معاصر

اندیشمندان عزیز وگرامی؛ برادران و خواهران! اکنون نباید تنها به ذکر و یادکرد سنت نبوی در مورد مساجد اکتفا نمود؛ بلکه پرسش اساسی آن است که اکنون برای اصلاح امت اسلامی و نجات بشریت ازکجا و چگونه آغاز نمود و ازکدامین مرکز تحول و اصلاحات امت اسلامی را پی گرفت؟ پیام کنونی سنت نبوی در مورد مساجد چیست؟

بدون تردید امروز کلید حل مشکلات بسیار امت بزرگ اسلامی در مسجد یافت می‌شود؛ اقدام و سنت نبوی در تأسیس مسجد، یک حرکت مقطعی یا نمادین و اتفاقی نیست بلکه حساب شده نقطه آغاز را به ما نشان داده است و بدون شک هم اکنون نیز می‌تواند

---

۱. مؤمنون: ۵۲.
۲. حجرات: آیه ۱۰.
۳. توبه: ۱۰۷.

و می‌بایست نقطه آغاز و بهترین و کوتاه‌ترین مسیر اصلاح امت اسلامی قلمداد شود. پس باید به سنت نبوی بازگشت و مسجد را احیا نمود زیرا مشکل امت اسلامی نداشتن محل عبادت نیست که براساس فرموده رسولش: «**جعلت لی الارض مسجداً و طهوراً**»[۱] بلکه مشکل آنان مرکز هدایت و الهام امور مختلف است که سرچشمه آن در مسجد است.

بدینسان رهبران معنوی و فکری مسلمانان هم اکنون بر اساس شرح صدر ﴿**الم نشرح لك صدرك**﴾[۲] احساس مسئولیت ﴿**عزیز علیه ما عنتم**﴾[۳] و مصلحت سنجی امت ﴿**و لا تتبع اهوائهم**﴾[۴] باید دامن پردامنه اختلافات را برچینند و وحدت و یکدلی و یگانگی را که صلاح و اصلاح امت اسلامی در آن است، مورد توجه قرار دهند و آن را در احیای نقش‌ها و کارکرد مساجد جستجو کنند!

آری مسجد مرکز ﴿**یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه**﴾[۵] بوده و باید باشد و رسالت پیغمبر ﴿**لیقوم الناس بالقسط**﴾[۶] و ﴿**یضع عنهم اصرهم و الاغلال التی کانت علیهم**﴾[۷] بوده و باید امروز رسالت دانشمندان مسلمان نیز همان باشد.

به راستی آیا «اسطوانه الوفود» هم اینک نیز برای امت اسلامی پیامی برای برگزاری گفت‌وگوهای برهانی وحدت آفرین در بر ندارد؟

آیا اسطوانه مخلقه مسلمانان را به طهارت و آراستگی و خوشبویی دعوت نمی‌کند؟

آیا اسطوانه توبه و سریر در مسجد نبوی ما را به اعتکاف و استغفار و توبه فرا نمی‌خواند؟

و آیا سکوت امروزین مساجد در شبکه‌های مختلف صدایی، تصویری، اینترانتی و اینترنتی جهان با اسطوانه حنانه سازگار است؟

به راستی آیا بعد جهاد آفرین مساجد قابل احیا نیست؟ اگر مساجد این کارکرد برگرفته

---

۱. شرح لمعه، شهید ثانی: ج ۱، ص ۱۵.
۲. شرح: آیه ۱.
۳. توبه: ۱۲۸.
۴. مائده: ۴۹.
۵. جمعه: ۲.
۶. حدید: ۲۵.
۷. اعراف: ۱۵۷.

از سنت نبوی را ایفا می‌کردند حتی اگر دولت‌های اسلامی به هر دلیل نمی‌توانستند از کیان امت اسلامی دفاع کنند و اسرائیل و آمریکا از لبنان و فلسطین و عراق برانند، آیا اسرائیل و آمریکا جرأت آن را داشت که این همه جنایات فجیع در لبنان و عراق و افغانستان به وجود آورد؟

افزون بر نقش آفرینی مساجد در حل مشکلات امت اسلامی، هم‌اکنون گمشده بشریت را نیز فقط در مساجد می‌توان یافت. به گفته الکسیس کارل دانشمند زیست شناس و برنده دو جایزه نوبل: انسان همچنان که به آب و اکسیژن نیازمند است، به خدا نیز محتاج است و احساس عرفانی، احساس اخلاقی، احساس جمال و نور عقل، به شخصیت بشری، شگفتگی و انبساط پر معنا و کاملی می‌بخشد... .

ملت‌هایی که نیایش از میان آنان رخت بربندد به طور قطعی سقوط می‌کنند.[۱]

مگر نه آن است که دانشگاه‌های صنعتی و تجربی و نظامی بریده از اخلاق و انسانیت و تهذیب که عالمان و متخصصان بی‌تعهد می‌پرورانند و منشأ ساخت تسلیحات شیمیایی، بمب‌ها و کاربرد آنها علیه افراد بی‌گناه هستند و در یک کلام، جدا ساختن علم، صنعت، تربیت و اقتصاد از دین و مسجد و معبد، این مشکلات را به بار آورده است و هم‌اکنون بشریت خسارت جبران‌ناپذیر این جداسازی را تجربه می‌کند؟

براستی انسان مادی امروزی که به مادون انسانیت سقوط یافته و باگرفتار آمدن به نوعی جزمیت و دگماتیسم در مورد محسوسات عقل را از کلی نگری حق جویانه به جزیی نگری منفعت گرایانه معطوف ساخته و رفاه و پیشرفت اقتصادی، او را از تعالی انسانی و اخلاقی باز داشته، از کدامین مرکز جز مسجد می‌تواند انتظار هدایت و یاری داشته باشد؟

پس باید با ایمانی راستین و باوری پولادین سنت نبوی در مورد مساجد را پی گرفت که:

در این بحر جز مرد داعی نرفت — گم آن شد که دنبال راعی نرفت
کسانی کزین راه برگشته‌اند — برفتند بسیار و سرگشته‌اند
خلاف پیامبر کسی ره گزید — که هرگز به منزل نخواهد رسید
مپندار سعدی که راه صفا — توان رفت جز پی مصطفی[۲]

---

۱. نیایش: ص ۴۵ ـ ۳۵.

۲. مقدمه کتاب بوستان، سعدی شیرازی.

مساجد در سیره‌ی پیامبر اعظمﷺ

▣ عالیهٔ جعفری

پیش‌گفتار

«قل امر ربی بالقسط و اقیموا وجوهکم عند کل مسجد و ادعوه مخلصین له الدین».

مسجد سنگر دفاع از حریم دین مقدّس اسلام است، و در طول تاریخ، بزرگانی همچون پیامبر اعظمﷺ و اصحاب با وفایش، سربازان مدافع آن بوده‌اند و همواره تجلی‌گاه عشق و عبادت و خضوع به درگاه پروردگار عالم بوده است، دل مؤمنان صادق، بهترین سنگر در برابر شرک و بی‌دینی است که شبانه روز چند نوبت به سوی خدا می‌ایستد و با حضور در مسجد آن را جلوه و نورانیّت می‌بخشد. تأکید فراوانی که پیامبر اعظمﷺ و ائمهٔ اطهار بر اقامهٔ نماز جماعت داشته‌اند، بر دائمی و همیشگی بودن این دفاع، دلالت دارد. برای این سنگر مهم، می‌توان نقش‌های بسیاری در سراسر تاریخ نام برد که مهم‌ترین نقش آن نقش عبادی و ارتباطی آن است؛ زیرا در میان اقوام و ملل گوناگون مکان‌هایی پیدا می‌شود که از تقدس و اهمیّتی ویژه برخوردار است؛ و مردم با حضور در آن‌جا به نیایش و عبادت می‌پردازند. در نزد ما مسلمانان، مقدّس‌ترین و با اهمیّت‌ترین مکان مسجد است که در فرهنگ دین ما مسجد یادآور خشوع و خضوع و عبادت و بندگی به درگاه خداوند است، زیرا در مسجد، انسان‌ها به سجده می‌افتند که اوج بندگی خداوند است. چنان‌چه فرمودند:

«ألسُّجودُ منتَهی العِبادة مِن بَنی آدم».

یعنی سجده انتها و اوج عبادت انسان است و همچنین روح سجده، تکلّم و سخن گفتن و ذکر پروردگار عالم است که بر اهمیّت آن تأکید فراوانی شده است و فرمودند:

«وَمساجِدُ یُذکَرُفیها اسمُ الله کثیراً».

و جَلی و زیبایی سجده و ذکر، خواندن صادقانه و از روی اخلاص است.

خاطره از نخستین منبر مسجد پیامبر اعظمﷺ

هنگامی که رسول خداﷺ با یاران اندک به مدینه مهاجرت نمودند، در آغاز چون مسلمانان، کم بودند پیامبرﷺ هنگام سخنرانی، بر ستون مسجد (که ستونی از نخل خرما بود) تکیه می‌داد، و به ارشاد مردم می‌پرداخت، ولی وقتی جمعیت مسلمین فزونی یافت، پیامبر اعظمﷺ برای نخستین بار از پله‌های آن منبر بالا رفت. در این هنگام، فریاد ناله از تنهٔ درخت خرما (که ستون مسجد و تکیه گاه قبلی پیامبر اعظمﷺ بود بلند شد، همانند نالهٔ شتری که از بچهٔ خود جدا شده و آه و نالهٔ می‌کند که همهٔ حاضران آن ناله را شنیدند، این نالهٔ فراق بود، پیامبر اعظمﷺ دیگر هنگام سخن گفتن به آن تکیه نمی‌داد. عجیب این‌که: پیامبر اعظمﷺ هنگامی که بالای منبر رفت، سه بار گفت: «آمین» روشن است که کلمه «آمین» در پایان دعا یانفرین، گفته می‌شود؛ در آن‌جا این سؤال در ذهن حاضران آمد که چرا پیامبر اعظمﷺ «آمین» گفت، ولی طولی نکشید که پاسخ این سؤال روشن گردید و آن این بود که پیامبر اعظمﷺ وقتی بالای منبر رفت، از جبرئیل سه نفرین شنید که دیگران این صدا را نمی‌شنیدند. پیامبر اعظمﷺ شنید که جبرئیل می‌گوید: «خدایا لعنت کن بر عاق والدین». فرمود: آمین، سپس شنید، جبرئیل عرض کرد: خدایا لعنت بفرست بر کسی که ماه مبارک رمضان بر او بگذر و او از رحمت و آمرزش الهی محروم گردد». پیامبر اعظمﷺ فرمود «آمین».

از آن پس شنید جبرئیل گفت: خدایا لعنت کن کسی راکه نام رسول تو (= رسول خدا) را بشنود و صلوات نفرستد، پیامبر اعظمﷺ گفت «آمین».

با توجه به این‌که «آمین» پیامبر مورد قبول و استجابت خداست، این حدیث هشدار

خطیری است به ماکه در بارهٔ بی‌احترامی به پدر و مادر، و محرومیت از آن همهٔ برکات سرشار ماه رمضان، و درود نفرستادن به پیامبر اعظمﷺ هنگام شنیدن نام آن حضرت، بیندیشم و به این سه موضوع، توجه کامل داشته باشیم و حق آن را به شایستگی اداکنیم.

مسجد، کانون اصلی تبلیغ پیامبر اعظمﷺ

نهضت‌های فکری و اجتماعی در شیوهٔ آغاز به‌کار و ادامهٔ آن یکسان نیستند. برخی از نهضت‌ها چون تندری بهاری آغاز می‌شوند؛ دقایقی می‌بارند: امواجی توفنده برپا می‌کنند و پس از زمانی کوتاه می‌ایستند. ساعتی بعد، گویی هرگز بارانی نباریده و آبی جاری نشده است. امّا نهضت جاودانه‌ای که پیامبر اعظمﷺ آن را بنا نهاد، چنین نبود. با نزول باران آیه‌های قرآن، در فرمان خواندن و اهمیّت دادن به آموزش و قلم و مبارزه با نادانی آغاز شد، که:

﴿اقرأ باسم ربّك الذی خلق... الذی علّم بالقلم علّم الانسان مالم یعلم﴾.

اسلام همچون رودی آرام ولی سنگین و پر آب در بستر جامعهٔ آن روز که برترین ویژگیش «ندانستن» بود جاری شد. رفته رفته سنگلاخ‌های جهل و خرافه را درهم‌کوبیده و دشت خشک نادانی را به بوستان‌هایی پرگل از آگاهی و بینش و دانش تبدیل کرد.

پیدایش اسلام نه فقط موجی از افکار و اندیشه‌های الهی را در جامعه درانـداخت، که شور و نشاط علمی را نیز برانگیخت. علم و دانش و آموختن و یاد دادن ارزشی دیگر یافت و شمار آنان که خواندن و نوشتن می‌دانستند به‌گونه‌ای چشم‌گیر رو به فزونی گذاشت.

به هر حال، مسلمانان می‌باید کتاب آسمانی خویش را بخوانند و بدانند. حتّی آنان که بنای مخالفت و انکار این پیام آسمانی گذاردند، چاره‌ای نداشتند جز اینکه با محتوای آن آشنا شوند؛ از این رو علم و آموزش رونقی چشم‌گیر یافت.

اسلام، خود با آموزش آغاز می‌شد. آموختن و فراگرفتن اینکه فقط خدای یگانه را باید پرستید. آموزگار مکتب، پیامبر اعظمﷺ بود و موضوع آموزش نیز در آغاز، فراگفتن معنای «ایمان» و دانستن آیه‌های کتاب آسمانی، پیامبر اعظمﷺ به فرمان خداوند نمی‌توانست آنچه بر او نازل می‌شود در سینهٔ خود محبوس نماید؛ بل وظیفه داشته است که آیه‌های کتاب آسمانی را

برای مردم تفسیر و تبیین نماید:

«و انزلنا الیك الّذکر لتبّن للناس ما نزّل علیهم».

او آیات کتاب الهی را بر مردم تلاوت می‌کرد. آنان را تزکیه می‌نمود و کتاب و حکمت را به آنان آموزش می‌داد:

﴿هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکّیهم و یعلّمهم الکتاب و الحکمه...﴾.

این رسالت سنگین، زمان و مکان نمی‌شناخت. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از هر فرصتی برای روشن‌فکری و آموختن اسلام به مردم بهره می‌جست؛ ولی مطالعه در زندگی و سیرهٔ آن حضرت نشان می‌دهد که «مسجد» در مجموعهٔ دوران بیست و سه سالهٔ رسالت، مهم‌ترین سنگر تبلیغ دینی پیامبر صلی الله علیه و آله محسوب شده است. گرچه میزان نقشی که مسجد در طول این دوران در زمینه‌های آموزشی و فرهنگی ایفا نمود، همواره یکسان نبوده است.

بحثی تاریخی، در بارهٔ مسجد

پیش از آن‌که اسلام با بعثت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله تولّد یابد، دو مسجد مهم و با عظمت بر روی زمین احداث شده بود، یکی مسجدالاقصی بود و دیگری مسجدالحرام. مسجدالاقصی در بیت‌المقدس با دست حضرت سلیمان علیه السلام بنا شده بود و دیگر پیامبران بزرگ الهی، آن را تعمیر و تجدید بنا نمودند. مسجدالحرام نیز یادگار دو پیامبر بزرگ حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام بود. بر پایهٔ برخی از روایات، حد و مرز این مسجد به همت این دو پیامبر بزرگ تعیین و ترسیم شده است.

دربارهٔ تاریخ بنای کعبه برخی برآنند که کعبه به‌دست حضرت آدم علیه السلام بنا و بازسازی شده است.

نخستین مسجد در اسلام

با آن‌که دربارهٔ مسجد «قبا» اطلاعات کافی در کتاب‌ها و آثار درج شده است، ولی در منابع

تاریخی کهن، این سخن که مسجد قبا، نخستین مسجد در اسلام است، فقط گفتهٔ پاره‌ای از مورّخان چون اب‌الجوزی است.

موّرخان بزرگی چون طبری و پیش از او سیره‌نویسانی چون ابن‌هشام و واقدی نیز چنین ادعایی نداشته‌اند. امام صادق علیه‌السلام در حدیثی خطاب به عقیقه بن خالد می‌فرماید:

«**ابدأ بقبا فصل فیه و اکثر فانّه اوّل مسجد صلّی فیه رسول الله ﷺ فی هذه العرضه...**».

«براستی سرکشی از مساجد اطراف مدینه، از مسجد قبا شروع کن؛ زیرا مسجد، نخستین مسجد در این منطقه است که رسول خداﷺ در آن نماز گزارده است...».

ابن‌هشام در تشریح رخدادهای آغازین ورود پیامبرﷺ در روز جمعه از محلّهٔ قبا حرکت کرد و نماز جمعه را در میان قبیلهٔ بنی‌سالم بن عوف و در مسجدی که در دل درّهٔ رانوناء بود، به جا آورد و این نخستین نماز جمعه‌ای بود که پیامبر اعظمﷺ در مدینه برپا نمود.

نقش فرهنگی مسجد در دوران پیش از هجرت پیامبر اعظمﷺ

در سال‌های آغاز بعثت به علت جوّ اختناق و شرایط سختی که بر مکّه حاکم بود، اساساً امکان تبلیغ دینی به‌طور عمده، خانهٔ آن حضرت بود. با اسلام آوردن ارقم بن ابی‌ارقم، خانهٔ او به جایگاه آموزش مسلمانان تبدیل شد. پیامبر اعظمﷺ در این خانه که در جنب کوه صفا قرار داشت، مبانی اندیشه‌های اسلامی را به مسلمانان آموزش می‌داد. بسیاری از مردم در همین خانه و در سایهٔ آموزش‌های پیامبر اعظمﷺ مسلمان شدند. در سال چهارم بعثت، یاران پیامبر اعظمﷺ مسلمان بودن خویش را آشکار می‌کردند. با این حال نمی‌توانستند از مسجد در قالب سنگری در تحقق تبلیغ و آموزش بهره‌برداری کنند. مسجدالحرام، کاملاً در چنگال مشرکان قرار داشت و مسجد دیگری که بتوان آزادانه در راستای اهداف فرهنگی از آن استفاده کرد، نیز وجود نداشت.

نقش فرهنگی مسجدالحرام پیش از هجرت پیامبر اعظم ﷺ

کعبه و مسجدالحرام از دیرباز جایگاه گردهمایی مردم بود. مشرکان قریش، بازرگانان و مسافرانی که از اطراف مکّه به این شهر می‌آمدند، پیش از اسلام نیز بر پایهٔ اعتقادات خاص خود برای پرستش بت‌ها و یا طواف خانهٔ خدا، گرد کعبه و در مسجدالحرام حضور می‌یافتند.

پیامبر اعظم ﷺ از این فرصت‌ها برای تبلیغ آیین توحید و یکتاپرستی سود می‌جستند. آن حضرت بارها در کنار حجر اسماعیل به تلاوت آیه‌های روحبخش قرآن برای مردم می‌پرداخت و آنان را به پذیرش اسلام فرا می‌خواند. دامنهٔ فعالیت‌های تبلیغی پیامبر اعظم ﷺ در ایّام ویژه‌ای که موسم طواف و حج فرا می‌رسید، گسترش می‌یافت. اسلام آوردن شمار درخور توجهی از یاران پیامبر اعظم ﷺ در مکه ثمرهٔ چنین کارهای تبلیغی بود. یکی از مسلمانانی که این‌گونه هدایت شد، «طفیل بن عمرو» بود. او تحت تأثیر تبلیغات دروغین مشرکان حاضر شده بود گوش‌های خود را انباشته از پنبه کند تا مبادا آوای قرآنی را بشنود؛ ولی سرانجام در مسجدالحرام مسلمان شد. طفیل پس از اسلام آوردن، مبلّغ شایسته‌ای برای آیین یکتاپرستی در میان خویشان و افراد قبیلهٔ خود شده بود.

بر پایهٔ برخی از شواهد تاریخی، پیامبر اعظم ﷺ در دورانی، یاران خویش را در مسجدالحرام گرد می‌آورد. برای آنان قرآن می‌خواند و واجبات و محرّمات الهی را به آنان آموزش می‌داد. چنین جلساتی در مسجد، گاه به مناظره و گفت‌وگوهای طولانی و علمی با سران قریش می‌انجامید و پیامبر اعظم ﷺ با استناد به آیات نورانی قرآن به شبهه‌های گوناگونی که آنان مطرح می‌کردند، پاسخ می‌گفتند.

ابن‌هشام می‌گوید:

> «هنگامی که رسول خدا ﷺ در مکّه بود، حدود بیست مرد مسیحی از حبشه به این شهر آمدند. اینان اخباری را در بعثت پیامبر اعظم ﷺ شنیده بودند و پرسش‌های خود را مطرح کردند. افرادی از قریش نیز در اطراف کعبه این جلسه را نظاره‌گر بودند.

پیامبر اعظم ﷺ اعضای این هیئت را به توحید و یکتاپرستی دعوت

کرد و آیاتی از کتاب آسمانی را برای آنان تلاوت نمود. چشمان آنان با شنیدن آیه‌های قرآن پر از اشک شد.

آنان به خداوند یکتا و پیامبر او ایمان آوردند و دریافتند که آنچه در کتاب‌های‌شان دربارهٔ پیامبر اعظمﷺ آمده، در آن حضرت آشکار و هویداست.»

نقش فرهنگی ـ آموزشی مسجد پس از هجرت پیامبر اعظمﷺ

پس از هجرت پیامبر اعظمﷺ به مدینه و بنا نمودن مسجدالنّبی فصلی نوین در آموزش و فعالیت‌های فرهنگی مسلمانان آغاز شد. تلاش‌های فرهنگی در مدینه، پیش از هجرت پیامبر اعظمﷺ به آن شهر و قبل از بنای مسجد نیز سابقه داشته است. با این حال، نقش مسجد در فعالیت‌های فرهنگی ـ آموزشی، پس از ورود پیامبر اعظمﷺ به مدینه و بنای مسجد، هرگز با قبل از آن شایان مقایسه نیست. با بنای مسجدالنّبی در واقع نه فقط معبد و پرستشگاهی ساخته شده، که دنشگاهی فعّال و سرشار از شور و نشاط علمی نیز پی‌ریزی شده است.

حضور منظم و پیوستهٔ مسلمانان در این مسجد به منظور برپاداشتن نماز، بهترین فرصت را برای کارهای تبلیغی پیامبر اعظمﷺ فراهم می‌آورده است. آن حضرت با توجه به اوضاع و احوال و رعایت حال حاضران در مسجد از این فرصت‌ها به شایستگی بهره‌برداری می‌کرد و پس از برگزاری نمازها برای مردم سخن می‌گفت.

در آغاز که شمار مسلمانان اندک بود، پیامبر اعظمﷺ با تکیه بر یکی از ستون‌های مسجد که از چوب درخت خرما ساخته شده بود، برای مردم سخن می‌گفت.

بعدها به پیشنهاد برخی از مسلمانان، منبری که دارای سه پایه و از چوب بود، برای آن حضرت ساخته شد، پیامبر اعظمﷺ بر بلندای همین منبر کوتاه که به بلندای همهٔ تاریخ بود، جان‌تشنگان معارف الهی را سیراب می‌ساخت. بسیاری از سخنان و گفته‌های پیامبر اعظمﷺ که اکنون در دسترس ماست، از همان خطبه‌هایی است که بر فراز این منبر ایراد شده است. در حقیقت، منبر محلّ نشستن پیامبر اعظمﷺ در سخنرانی‌های رسمی بوده است.

سخنرانی‌های پیامبر اعظم ﷺ در مسجد

سخنرانی‌های پیامبر اعظم ﷺ برای افراد حاضر در مسجد نه فقط خسته‌کننده و ملال‌آور نبوده؛ که بسیار پر جاذبه بوده است. جلسات موعظه و سخنرانی رسمی همه روزه برگزار نمی‌شد، زیرا یاران پیامبر اعظم ﷺ از این عمل رسول خدا ﷺ چنین برداشت می‌کردند که پیوستگی و مداوم بودن جلسات سخنرانی موجب خستگی و ملال نمازگزاران می‌شود.

«عبدالله بن مسعود» که از چهره‌های علمی در روزگار پیامبر اعظم ﷺ به شمار می‌آید، می‌گوید:

«**کان رسول الله ﷺ: یتخولنا بالموعظة فی الایّام کراهة السامة علینا**».

«رسول خدا ﷺ از آن رو که مبادا ما شنوندگان خسته و ملول شویم، برخی از روزها موعظه می‌کردند».

گرچه عبدالله این سخن را از زبان خود می‌گوید، ولی بی‌گمان او با استناد به سخنی از پیامبر اعظم ﷺ چنین برداشتی را از سیوهٔ کار آن حضرت نموده است.

پیامبر اعظم ﷺ دیگران را نیز به آسان‌گرفتن در تبلیغ و موعظه سفارش می‌کرد. از ایشان نقل شده که در این زمینه فرموده‌اند:

«**یسّروا و لا تعسّروا و بشّرو و لا تنفّروا**».

«آسان بگیرید، سخت‌گیر مباشید، بشارت دهید و مردم را گریزان مسازید».

گاهی زمان سخنرانی‌های پیامبر اعظم ﷺ از پیش با اعلام خود حضرت اعلام می‌شد تا همگان در مسجد حضور یابند. در چنین مواردی یاران پیامبر اعظم ﷺ یکدیگر را به حضور در مسجد در اوّل وقت و ضبط سخنان پیامبر اعظم ﷺ سفارش می‌کردند، تا مبادا کلمه‌ای از سخنان پیامبر اعظم ﷺ از دست آنان بیرون رود.

در مجالس سخنرانی پیامبر اعظم ﷺ زنان نیز حضور داشتند. اگر احساس می‌شد زنان به هر علت سخنان پیامبر اعظم ﷺ را نشنیده‌اند، پیامبر اعظم ﷺ آنان را مجدداً موعظه و نصیحت می‌کرد.

روزی پیامبر اعظمﷺ در حالی که بلال نیز با او همراه بود، دانست که زنان سخنان او را نشنیده‌اند، دوباره آنان را موعظه کرد و ایشان را به صدقه دادن فرمان داد. گاه زنان درخواست می‌کردند که برای آنان مجلس سخنرانی جداگانه‌ای تشکیل شود؛ پیامبر اعظمﷺ با پیشنهاد آنان موافقت می‌نمود و مجلسی مخصوص به زنان برپا می‌شد.

محتوای سخنرانی‌های پیامبر اعظمﷺ در مسجد

خداوند متعال یکی از جنبه‌های مهم رسالت پیامبر اعظمﷺ را تبیین و تفسیر آیه‌های قرآن قرار داده است. بی‌تردید این مهم، در مرتبهٔ اول در مسجد صورت می‌گرفته است. آموزش فقه و احکام دینی به مردم نیز بخش دیگری از سخنرانی پیامبر اعظمﷺ را تشکیل می‌داد.

با این حال، سخنرانی‌های پیامبر اعظمﷺ فقط جنبهٔ آموزشی نداشت، بل از عامل موعظه و تقویت روحیهٔ «تقوا» و پرهیز از گناه در روح و جان شنوندگان نیز برخوردار بود. از همین‌رو اصحاب پیامبر اعظمﷺ از برخی جلسات سخنرانی آن حضرت به عنوان «مجلس موعظه» یاد می‌کردند. این امر به روشنی نشان می‌دهد که «آموزش» و یاد دادن در مسجد باید با وعظ و اندرز دادن که در حقیقت «پرورش» است، همراه باشد. در کتاب «معالم القربة» از بخاری نقل کرده که ابومسعود گفته است:

«مردی به رسول خداﷺ گفت: من به لحاظ ضعف و ناتوانی از حضور در نماز فلان کس خودداری می‌کنم، زیرا او نماز را طولانی برگزار می‌کند. ابومسعود گفته است: پیامبر اعظمﷺ در این‌باره برای مردم سخنرانی کرد. من هرگز پیامبر اعظمﷺ را در سخنرانی این چنین خشمگین ندیده بودم».

آن حضرت خطاب به حاضران فرمود:

«برخی از شما مردم را گریزان می‌سازند. اگر کسی امامت گروهی را برعهده دارد، باید از طولانی کردن نماز پرهیز کند چه، در نماز جماعت افراد ناتوان، بزرگسال و نیز کسانی که کار و پیشه دارند، یافت می‌شوند».

جایگاه موعظه در تبلیغ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

اصولاً عامل «موعظه» و اندرز، در تبلغ از جایگاهی ویژه برخوردار است. قرآن کریم یکی از راه‌های فرا خواندن مردم به سوی خداوند را «موعظه» دانسته است. قرآن مجید در آیاتی چند، خود را موعظه‌ای برای مردم معرفی نموده است.

راغب، موعظه را این گونه معنا کرده است:

«**الوعظ زجر مقترن بالتخویف**».

«موعظه بازداشتن همگان با بیم دادن است».

خلیل بن احمد، یکی از دانشمندان بنام لغت شناس نیز گفته است:

«**الوعظ هوالتذکر بالخیر فیها یرّق له القلب**».

«وعظ، به یاد آوردن نیکی‌هاست، به گونه‌ای که دل‌ها نرم گردد».

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله علاوه بر این‌که خود عملاً از چنین شیوه‌ای برای هدایت مردم استفاده می‌کردند؛ مسلمانان را بر برگزاری مجالس وعظ و اندرز ترغیب می‌نمودند.

در روایاتی که هم در منابع شیعه و هم در منابع سنّی یافت می‌شود، از مجالسی به عنوان «مجالس ذکر» نامی به میان آمده و درخصوص برگزاری آن تشویق و تأکید شده است. یکی از آنها حدیث ذیل است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله خطاب به مسلمانان فرموده‌اند:

«**بادرو الی ریاض الجنّة، قیل یا رسول الله و ریاض الجنة؟ قال: مجالس الذّکر**».

«به سوی باغ‌های بهشت بشتابید؛ گفته شد ای رسول خدا! مقصودتان از باغ‌های بهشت چیست؟ فرمود: مجالس ذکر و یاد خدا».

متأسفانه امروزه مجالس وعظ و اندرز در میان مسلمانان از جایگاه اصیل خود برخوردار نیست. برگزاری مجالس سخنرانی در مسجد به یک رسم و تشریفات تبدیل شده؛ فقط در مرگ افراد، مجالس با عنوان مجلس ترحیم تشکیل می‌شود؛ آن هم نه برای عبرت و موعظه؛ که از سر رسم و تشریفات؛ چندان که اگر کسی نمیرد، هرگز مجلسی برپا نمی‌شود، گویی همگان خود را از وعظ و اندرز دیگران بی‌نیاز می‌دانند، حال آن‌که سخت بدان محتاجند.

مراعات حال حاضران در مسجد

دربارهٔ مدّت زمان سخنرانی‌های پیامبر اعظمﷺ در مسجد با استناد به شواهد روشنی که در این زمینه در دست است، می‌توان گفت: مدت این سخنرانی‌ها معمولاً کوتاه بوده است. آنچه از خطبه‌های پیامبر اعظمﷺ در دست است نشان می‌دهد که مدّت زمان سخنرانی‌های آن از چند دقیقه، تجاوز نمی‌کرده است. مراعات اعتدال، حتی در خطبه‌های نماز جمعه نیز که از سوی آن حضرت ایراد شده مورد توجه قرار می‌گرفته است در سنن ترمذی آمده است که پیامبر اعظمﷺ در نماز جمعه و خطبه‌های آن، جانب اعتدال را مراعات می‌فرموده است.

در کنار این همه، گاه در سخنرانی‌های پیامبر اعظمﷺ مطالب مزاح‌آمیزی نیز بیان می‌شده است. پیامبر اعظمﷺ بر منبر مسجد برای مردم از مردی سخن گفت که شتری را که مال خود پیامبرﷺ بوده برای آن حضرت هدیه آورده است! پیامبر اعظمﷺ سه وقیه نقره به او پاداش داده‌اند، ولی او بازهم راضی نشده است!

جاذبه‌های معنوی در تبلیغ پیامبر اعظمﷺ

تردیدی نیست که کار تبلیغی پیامبر اعظمﷺ در مسجد، سرشار از مایه‌های معنوی و روحانی بوده است. این آمیزه‌های الهی کسانی را که اندک زمینه‌ای برای هدایت داشتند، شیفته و شیدای اسلام می‌نمود. در حقیقت دامنهٔ فعالیت‌های پیامبر اعظمﷺ در مسجد، فقط به برگزاری سخنرانی و تشکیل کلاس‌های آموزشی محدود نمی‌شد؛ بل جلوه‌های رفتاری پیامبر اعظمﷺ بیش از هر چیز، مسجد را به کانون هدایت حق جویان تبدیل ساخته بود. یعنی پرتو نور جذبه‌های معنوی پیامبر اعظمﷺ آن چنان پر فروغ بود که گاه کسانی که به قصد کشتن آن حضرت به مسجد می‌آمدند، نیز خیره می‌ماندند و بذر مهر و محبّت به اسلام در دل آنها کاشته می‌شد.

«عمیر بن وهب»، در پی تحریکات صفوان بن امیّه برای کشتن پیامبر اعظمﷺ با شمشیر زهرآلود از مکّه بازگشت. چنین ماجراهایی به روشنی نشان می‌دهد که پیامبر اعظمﷺ در برخوردهایی کوتاه و جان تازهٔ مسلمان را با اسلام پیوند می‌زد؛ به گونه‌ای که نخستین آرزوی آنان پس از مسلمان شدن، شهادت در راه خدا بود.

اهتمام پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در بارهٔ امور مساجد

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درخصوص بنای مسجد و تعیین امام جماعت برای قبایل گوناگون اهتمامی ویژه داشتند. آن حضرت خود در مواردی در امر ساختن مسجد برای برخی از قبایل شرکت می‌جستند. شخصی به نام «جابر بن اسامه» می‌گوید: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله را همراه باگروهی از یارانش در بازار مشاهده کردم. از آنان پرسیدم: پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به کجا می‌روند گفتند: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای افتتاح مسجدی به میان قبیلهٔ تو می‌روند. وقتی به محل خود بازگشتم، دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله برای ما مکانی را مختص مسجد، مشخص کرده و چوبی را برای تعیین سمت قبلهٔ آن نصب نموده است.

ترجیح جلسات علمی بر جلسات دعا در مسجد، در زمان رسول خدا

شهید ثانی در کتاب گرانقدر «منیة المرید» حدیث ذیل را نقل نموده است:

«روزی رسول خدا به مسجد وارد شدند. در مسجد دو مجلس جداگانه برپا بود. گروهی در حال یاد دادن و فراگرفتن دانش بودند. جمعی نیز به دعا و راز و نیاز با خداوند مشغول بودند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر دو گروه به سوی یک هدف گام برمی‌دارند، دسته‌ای خدا را می‌خوانند و گروهی نیز آموزش می‌بینند و نادانان را تعلیم می‌دهند؛ ولی این گروه کار برتری انجام می‌دهند. من نیز به منظور آموزش به مردم مبعوث شده‌ام. از این‌رو پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله خود در میان گروهی که سرگرم آموزش بودند، نشست».

این‌گونه احادیث، به روشنی نشان می‌دهد که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، باگفتار و کردار خویش، مسلمانان را به اهمیت علم و دانش آگاه می‌کرد و تشکیل جلسات آموزشی در مسجد را مورد تشویق قرار می‌داد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله علاوه بر تشویق عملی درخصوص برگزاری جلسات درس و آموزش در مسجد در حدیثی فرموده‌اند:

«پاداش کسی که صبحگاهان به قصد یاددادن یا فراگرفتن چیز مطلوبی به مسجد می‌آید، همچون پاداش کسی است که یک عمرهٔ کامل را انجام

داده باشد و پاداش کسی که شبانگاهان به قصد یادگرفتن و یاددادن کار خیری به مسجد می‌آید. همچون پاداش کسی است که یک حج کامل، به‌جای آورده باشد».

از این حدیث استفاده می‌شود که لازم نیست گفت‌وگوی علمی در مسجد انجام گیرد و حتماً دانش‌های دینی باشد؛ هر دانش سودمندی را می‌توان در مسجد مورد بحث و بررسی قرار دارد.

پی‌گفتار

سخن پایانی نویسنده با عالمان و اندیشمندان اسلامی و همهٔ آنانی که به مسجد عشق می‌ورزند و به عظمت و شکوه بیش از بیش آن می‌اندیشند این است که:

اگر سالیان دراز درگفتار و نوشتار خود تأکید کنیم که مسجد در زمان پیامبر اعظم ﷺ چنین و چنان بود ولی عوامل گوناگونی را که باعث شده «مساجد» به صورت کنونی درآید، بازنشناسیم و در رفع آنها نکوشیم گامی شایسته در راه خدمت به مسجد و شکوه آن برنداشته‌ایم.

پی‌نوشت‌ها

۱ ـ اعراف: ۲۹ .

۲ ـ بحارالانوار: ج ۸۲ ، ص ۱۶۴ .

۳ ـ حج: ۴۰ .

۴ ـ اقتباس با توضیحی از نگارنده از کتاب منتهی‌الامال: ج ۱ ، پاورقی صفحهٔ ۳۲۳ .

۵ ـ علق: ۱ ، ۴ و ۵ .

۶ ـ تاریخ آموزش در اسلام، احمد شبلی، ترجمهٔ محمّد حسین ساکت، ص ۴۱ .

۷ ـ نحل: ۴۴ .

۸ ـ جمعه: ۲ .

۹ ـ مقدّمه، ابن‌خلدون، ترجمهٔ محمّد.

۱۰ ـ وسائل‌الشیعه، شیخ حرّ عاملی: ج ۳ ، ص ۵۴۱ ، باب ۵۵ از ابواب احکام‌المساجد، روایت ۱ ـ ۴ .

۱۱ ـ همان مأخذ، ص ۶۹۰ و نیز الحجّ فی الکتاب و السنّة، جعفر مرتضی عاملی، ج ۱ ، ص ۵۵ .

۱۲ ـ به نقل از: الصحیح من سیدة النّبی الاعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله، جعفر مرتضی عاملی، ج ۲ ، ص ۵۶ و السیدة الحلّبیه.

۱۳ ـ وسائل‌الشیعه، شیخ حرّ عاملی: ج ۱۰ ، ص ۲۷۶ ، باب ۱۲، از ابواب المزاره روایت ۲ .

۱۴ ـ السیرة النبویّة، ابن‌هشام: ج ۲ ، ص ۱۳۹ .

۱۵ ـ السیدة النبویّة، ابن‌هشام: ج ۱، ص ۲۷۰ .

۱۶ ـ الطبقات الکبری، محمّد بن سعد واقدی: ج ۳ ، ص ۲۴۲ .

۱۷ ـ الصحیح من سیرةالنّبی الاعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله، جعفر مرتضی عاملی: ج ۱ ، ص ۲۵۹ .

۱۸ ـ الفوفاء باحوال المصطفی، ابن‌الجوزی: چاپ مصر، ۱۳۸۶ هـ ق، دارالکتب الحدیثه، ج ۱، ص ۱۸۲، باب ۱۴ و ص ۱۵ ۲، باب ۳۱ .

۱۹ ـ السیدة النبویة، ابن‌هشام: ج۲ ، ص ۲۲ .

۲۰ ـ الاحتجاج، احمد بن علیّ بن ابیطالب طبرسی: ج ۱ ، ص ۲۹ .

۲۱ ـ همان مأخذ، ص ۲۹ ـ ۳۸ .

۲۲ ـ السیدة، ابن‌هشام: ج ۲ ، ص ۳۲ .

۲۳ ـ نظام الحکومة النبویّه، عبدالحّی الکّتانی: ج ۱ ، ص ۶۷ .

۲۴ ـ همان منبع، ج ۲ ، ص ۲۳۲ .

۲۵ ـ همان منبع، ج ۲ ، ص ۲۳۲ .

۲۶ ـ همان مأخذ، ج ۲ ، ص ۲۳۶ .

۲۷ ـ صحیح بخاری: ج ۱، کتاب الصّلاة، باب ۷۵ ، ش ۹۶ .

۲۸ ـ همان منبع، باب ۷۸ ، ش ۹۹ .

۲۹ ـ نحل: ۴۴ .

۳۰ ـ احیاء العلوم الدّین، غزالی: ج ۲ ، ص ۳۹۸ و ۳۹۹ .

۳۱ ـ معالم القربة فی احکام الحسبة، ابن اخوة، باب ۴۷ ، ص ۲۶۶ .

۳۲ ـ نحل: ۱۲۵ .

۳۳ ـ المعزرات فی غیریب القرآن، راغب اصفهانی، کتاب الواو، ص ۵۲۷ .

۳۴ ـ نقل از همان مأخذ.

۳۵ ـ وسائل الشیعه: ج ۴ ، ص ۱۲۳۹ ، باب ۵۰ از ابواب الذکر، روایت ۱ و ۳ .

۳۶ ـ نظام الحکومة النبویه، عبدالحیّ الکّتانی: ج ۲ ، ص ۲۳۶ .

۳۷ ـ مغازی، محمد بن عمر واقدی، ترجمهٔ محمود مهدوی دامغانی، ص ۴۱۵ .

۳۸ ـ همان منبع، ص ۹۲ ـ ۹۵ .

۳۹ ـ تاریخ المدینة المنوّره، ابن شبّه، ج ۱ ، ص ۶۳ .

۴۰ ـ منیة المدید فی آداب المفید و المسفید، زین‌الدین بن علی عاملی (شهید ثانی)، تحقیق و تصیح: رضا مختاری، ص ۱۰۶ .

بررسی جایگاه مساجد در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

▣ کریم کوخائی‌زاده[۱]

چکیده

در جامعه اسلامی مسجد در تمام جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان حضور فعال دارد و نقش محوری ایفا می‌کند. پیامبر بزرگوار صلی الله علیه و آله، در نخستین فرصتی که در راه دعوت به اسلام به دست آورد به تأسیس مسجد پرداخت پس از احداث مسجد از آن به‌عنوان پایگاه و کانون نشر افکار، عقاید و اصول اسلامی استفاده نمود. حساسیت‌هایی که بعضی از دولت‌های اروپایی در برابر ساختن مسجد یا تشکیل اجتماعات اسلامی یا رعایت لباس اسلامی و امثال آن نشان می‌دهند یا در مردم برمی‌انگیزانند، ما را بر آن داشت تا در این نوشتار به بررسی جایگاه مساجد در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بپردازیم. آنچه از بررسی این نقش و جایگاه از متون تاریخی بدست می‌آید، جامعیت مسجد در همه زمینه‌های عبادی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی، نظامی، قضایی و... می‌باشد؛ و محور همه آنها امامت و پیشوایی در مسجد است که به عنوان مهمترین مسئله در ساختار و پیکره این مکان مقدس مطرح است که با توجه به اهمیت این موضوع خود پیامبر در زمان صدر اسلام عهده‌دار آن بودند. ایشان تأکید ویژه‌ای بر سادگی مسجد داشتند. پیامبر به عنوان استاد دانشگاه به تربیت دانشجویان علوم دینی، و به عنوان فرماندهی کل قوا

---

۱. عضو هیئت علمی گروه الهیات دانشگاه ایلام (کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی) دانشکده علوم انسانی و پایه گروه الهیات.

با مشاوره فرماندهان نظامی خود به تدبیر امور جنگ می‌پرداختند، و به عنوان ریاست سیاسی و فرهنگی مدینه با نمایندگان سایر ادیان به گفت‌وگو می‌پرداختند.

مقدمه

در جامعه اسلامی مسجد در تمام جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان حضور فعال دارد و نقش محوری ایفا می‌کند. مسلمانان که برای انجام فرایض دینی هر روز به مسجد رفت‌وآمد می‌کنند ضمن ادای فریضه نماز با قرارگرفتن در این اجتماع، در خلال صحبت با یکدیگر از اخبار جامعه با خبر می‌شوند و در جریان مسائل روز قرار می‌گیرند. پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ، در نخستین فرصتی که در راه دعوت به اسلام به دست آورد به تأسیس مسجد پرداخت پس از احداث مسجد از آن به عنوان یک پایگاه بزرگ تبلیغی، در پرتو تعالیم آسمانی اسلام و از راه تدریس، وعظ، ارشاد و ایراد خطبه‌های نماز جمعه و دیگر سخنرانیها به نشر فرهنگ عظیم اسلامی پرداخت. هرچند ممکن است چنین تلقی شود که با وجود وسائل ارتباط جمعی پیشرفته امروزی، این نقش مساجد اهمیت قبلی خود را از دست داده است، ولی به دلیل پراکندگی مساجد در جوامع اسلامی وگسترش آنها در تمامی نقاط شهری و روستایی از یکسو، و از سوی دیگر حرمت و قداست خاصی که مسجد نزد مسلمانان دارد، سبب شده است تا مساجد نقش مهم و غیرقابل انکار خود را در این کارکرد ایفاکنند. از آنجاکه امسال بنا به فرمایشات مقام معظم رهبری به سال پیامبر اعظم ﷺ نامگذاری شده است در این نوشتار بر آن شدیم که به بررسی فعالیت‌های مساجد در سیره نبوی ﷺ پرداخته و به برخی از سؤالاتی که در ذیل می‌آید در ضمن مباحث پاسخ تفصیلی بدهیم.

۱ ـ نقش آموزشی و تبلیغی مساجد در سیره نبوی ﷺ چگونه بوده است؟

۲ ـ نقش نظامی مساجد به عنوان محلی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های نظامی چگونه بوده است؟

۳ ـ آیا در مسجد با پیروان سایر ادیان یا نمایندگان آنها با پیامبر ﷺ گفت‌وگویی انجام شده است؟

۴ ـ مراسم اعتکاف در سیرهٔ نبوی چگونه برگزار می‌شده است؟

۵ ـ شیوه برگزاری نماز جماعت در مساجد به وسیله پیامبر چگونه بوده است؟

و سؤالات دیگری که امید است در این نوشتار به آنها پاسخ داده شود.

۱ ـ مسجد به عنوان دانشگاه پیامبر صلی الله علیه و آله

ابعاد آموزشی مسجد پس از جنبه عبادی، بیش از هر جنبهٔ دیگری برجسته و نمایان است. این نقش مسجد، توجه همهٔ پژوهش‌گرانی را که درباره مسجد، سخن گفته، یا اثر علمی نگاشته‌اند، به خود جلب کرده است البته با بررسی عملکرد و سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله به این نتیجه نیز می‌توان دست یافت که ابعاد آموزشی کاملاً مورد توجه ایشان بوده است. نقش مسجد در فعالیت‌های آموزشی، پس از ورود پیامبر صلی الله علیه و آله و بنای مسجد آغاز شد بطوری که با بنای مسجدالنبی، در واقع نه تنها پرستشگاهی برای مسلمانان ساخته شد، که دانشگاهی فعال و سرشار از شور و نشاط علمی نیز پی‌ریزی شد. حال در زیر به مهم‌ترین مباحثی که می‌تواند در قالب عنوان بالا بگنجد می‌پردازیم.

الف) جلسه‌های آموزشی پیامبر اسلام در مسجد

علاوه بر جلسات سخنرانی پیامبر صلی الله علیه و آله که معمولاً پس از نماز جماعت برگزار می‌شد کلاس‌های آموزشی نیز در اوقات گوناگون از سوی آن حضرت در مسجد تشکیل می‌یافت. این کلاس‌ها اختصاص به جوانان و نوجوانان نداشت، بزرگسالان و پیرمردان نیز در چنین جلساتی شرکت می‌کردند.[۱] در این جلسات، مسائل گوناگونی به مسلمانان آموزش داده می‌شد مباحث اعتقادی و آموزش مبانی ایمان به خداوند، در شمار اولین مسائل بود که به مسلمانان و بویژه آنان که تازه به آیین اسلام گرویده بودند، آموخته می‌شد. ابوذر می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان را قبل از آموزش قرآن به ما می‌آموخت.[۲] پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار آموزش مباحث دینی، مسلمانان را

---

۱ . کتانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه (التراتیب الاداریه): ج ۲ ، ص ۲۳۳ .

۲ . همان: ج ۲ ، ص ۲۲۱ .

به مسائل تاریخی آشنا می‌کرد. عبدالله بن عمر گفته است: پیامبر شب‌ها، گاه تا دیر وقت پیرامون تاریخ بنی‌اسرائیل برای ما سخن می‌گفت.[۱] استاد و مدرس کلاس‌هایی که در مسجد تشکیل می‌شد، تنها پیامبر اعظم نبود. علی علیه‌السلام نیز گاه به فرمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بر منبر می‌رفت و در حالی که یک پله پایین‌تر از جای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌نشست، برای مردم سخن می‌گفت.[۲] گروه‌های مختلف با اساتید معین در گوشه و کنار مسجد کلاس‌های آموزشی برگزار می‌کردند و علوم و فنون مختلف آموزش داده می‌شد. عبدالله بن رواحه در مسجد جلسات مربوط به توحید و معاد (مسائل اعتقادی) را اداره می‌کرد، او در غیاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز مسائل فقهی و اعتقادی را به مسلمانان آموزش می‌داد. گاه اتفاق می‌افتاد که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خود در چنین جلساتی شرکت می‌کردند.

روزی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در حلقه درسی که عبدالله بن رواحه در آن تدریس می‌کرد، حضور یافتند. با ورود پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین انتظار می‌رفت که ایشان سخنران مجلس باشند، ولی پیامبر فرمودند: بدانچه مشغول بودید ادامه دهید، من نیز برای آموزش و تعلیم مبعوث شده‌ام نظیر همین ماجرا در مورد معاذ بن جبل نیز نقل شده است.[۳]

یکی دیگر از یاران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بنام عباده بن صامت، مأمور آموزش قرآن و نوشتن به اصحاب صفه بود.[۴] اینان که بیشتر در مسجد به سر می‌بردند، بسیاری از اوقات خود را به آموزش و کارهای علمی اختصاص می‌دادند. آنان در شب‌ها نیز به آموزش قرآن می‌پرداختند. شواهد موجود نشان می‌دهد برگزاری جلسات فقهی و آموزشی احکام در مسجد، گرمی و رونق ویژه‌ای داشته است. ابوسعید خدری گفته است: اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله چون گرد می‌آمدند به سخن گفتن می‌پرداختند و گفتار آنان بیشتر پیرامون دانش فقه بود. گاهی هم پس از مباحث فقهی به کسی می‌گفتند تا سوره‌ای از قرآن را در میان جمع تلاوت کند.[۵] این کلاس‌های

---

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار: ج ۴، ص ۴۵.
۲. کتانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه (التراتیب الاداریه): ج ۲، ص ۲۱۸.
۳. همان: ج ۲، ص ۲۲۱.
۴. همان: ج ۱، ص ۴۸.
۵. همان: ج ۲، ص ۴۷۷ و ۲۳۳.

آموزشی، با مایه‌های اخلاقی و پرورشی نیز همراه بوده است.

انس بن مالک از رسول خداﷺ حدیثی این چنین نقل کرده است:

«نزد من، نشستن با گروهی که از آغاز صبح تا طلوع آفتاب خدای را به‌یاد می‌آورند، دوست داشتنی‌تر از آزاد کردن چهار بنده است».[۱]

بنابراین با توجه به بیانات گذشته و شواهد که در کتب مختلف نقل شده می‌توان گفت شور و نشاط علمی خاصی در زمان پیامبرﷺ خصوصاً در سیره نبویﷺ دیده می‌شود بطوری که از شواهد بدست می‌آید گاهی جلسات علمی از آغاز شب تا صبح به طول می‌انجامیده است و مشتاقان معارف اسلامی درباره علوم گوناگون به آموختن و فراگرفتن مشغول می‌شدند.

ب) برگزاری جلسات پرسش و پاسخ در مسجد

با بررسی مستندات تاریخی که وجود دارد می‌توان گفت جلساتی که مسلمانان بتوانند پرسش‌های علمی خود را با پیامبر در میان بگذارند نیز در مسجد تشکیل شده است. از ابن‌عباس نقل شده است: پیامبرﷺ پس از به جای آوردن نماز صبح، تا طلوع آفتاب در جایگاه نماز خویش می‌نشستند.[۲] گر چه از برخی روایات چنین برمی‌آید که آن حضرت در این اوقات به ذکر دعا می‌پرداختند.[۳] ولی شواهدی نشان می‌دهد که بخشی از این فاصله زمانی به‌برگزاری جلسه‌های پرسش و پاسخ اختصاص می‌یافته است. در طبقات ابن‌سعد آمده است که پیامبر پس از به جای آوردن نماز صبح در کنار ستون توبه می‌نشست. پیش از نشستن آن حضرت، ضعیفان، بینوایان، تنگدستان، و میهمانان پیامبرﷺ در آنجا جلسه‌ای بر پا می‌کردند، پیامبرﷺ در جلسهٔ آنان حضور می‌یافت، آیاتی را که شبانگاه بر وی نازل شده بود، بر آنها تلاوت می‌نمود و تا طلوع آفتاب با آنان به بحث و گفت‌وگو می‌پرداخت.[۴] ابوموسی نیز گفته است: چون پیامبرﷺ نماز صبح را به جای می‌آورد، گرد او جمع می‌شدیم، برخی درباره تفسیر

---

۱. غزالی، محمد، احیاء علوم الدین: ج ۱، ص ۴۴.

۲. ابن شبه، عمر، تاریخ المدینه المنوره: ج ۲، ص ۵۶۷.

۳. غزالی، محمد، احیاء العلوم الدین، ج ۱ ص ۳۹۵.

۴. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری: ج ۲، ص ۴۴۵.

آیه‌های قرآن از پیامبرﷺ سؤال می‌کردند، گروهی پرسش‌هایی را پیرامون احکام و واجبات دینی در میان می‌گذاشتند و عده‌ای نیز تعبیر خواب را از آن حضرت می‌پرسیدند.[۱] پیامبر باکسانی که به منظور پرسش و یادگرفتن به حضورشان می‌آمدند، باگشاده‌رویی کامل برخورد می‌کرد و همراه با بیان پاداش و فضیلت دانش آموختن، آنان را تشویق می‌نمودند. سفیان بن غسان گفته است: روزی در مسجد به حضور پیامبرﷺ مشرف شدیم. گفتم ای رسول خدا من به قصد فراگرفتن دانش به حضور شما آمده‌ام. پیامبرﷺ در جوابم فرمودند:

«آفرین بر جوینده دانش، فرشتگان الهی از آن رو که دانش را دوست می‌دارند، با بال‌های خود دانش‌پژوهان را در برمی‌گیرند، و شمار زیادی از آنها گرداگرد جویندگان علم حلقه می‌زنند، آن‌گونه که در اثر کثرت جمعیت به آسمان می‌رسند».[۲]

ج) انجام فعالیت‌های فرهنگی در مساجد و آغاز آن از مسجدالحرام

اهمیت و نقش حساس مساجد دوره پیامبر خصوصاً مسجدالحرام، هرگز از نگاه پیامبر پوشیده نبود. وقتی آن حضرت مساجد کوچک در نقاط دور دست را مورد توجه قرار می‌داد و به بنای مساجد برای قبایل مختلف فرمان می‌داد و کسانی را به امام جماعت آنان می‌گمارد، مسجدالحرام با آن همه اهمیت چگونه می‌توانست از نگاه پیامبر دور باشد؟ در حقیقت، چیرگی مشرکان قریش بر کعبه و مسجدالحرام، اجازه نمی‌داد آن حضرت در پی‌ریزی فعالیت‌های فرهنگی در مسجدالحرام، دست به اقدامی اساسی بزنند. ولی پس از فتح مکه و آنگاه که اداره سیاسی شهر مکه و کعبه و مسجدالحرام در اختیار پیامبرﷺ قرار گرفت، آن حضرت بی‌درنگ در مورد شروع فعالیت‌های فرهنگی در این مرکز مقدس اقدام نمود. عتاب بن اسید به استانداری منصوب شد و معاذ بن جبل و ابوموسی اشعری هم مأموریت یافتند تا به مردم مکه، قرآن، فقه و مسائل دینی را آموزش دهند. پیامبرﷺ در هنگام نصب عتاب به سمت استانداری

---

۱. کتانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه (التراتیب الاداریه): ج ۲، ص ۲۷۸.

۲. شهید ثانی، منیه المرید: ص ۱۰۶.

مکه و امام جماعت مسجدالحرام، بر ضرورت کارهای فرهنگی و آموزشی تأکید فرمود، آن حضرت عتاب را فرمان داد تا چهار نوع معامله ناروا راکه در جامعه آن روز رایج بود به مردم بیاموزد و مردم را از انجام چنین معاملاتی بازدارد.[۱] این امر به روشنی گویای این مطلب است که پیامبر تا چه میزان نسبت به کارهای فرهنگی در جامعه و مسجد اهتمام داشته‌اند شواهدی نشان می‌دهد، حتی آنان که برای جمع آوری زکات به مناطق گوناگون اعزام می‌شدند نیز، به پاداشتن نماز و آموزش قرآن و مسائل دینی به مردم را وظیفه خویش می‌دانستند. پیامبر به پیشنهاد بنی‌مصطلق، عباد بن بشر را برای جمع آوری زکات بسوی این قبیله فرستاد. آنان درباره کارهایی که عباد انجام داد گفته‌اند! او برای ما قرآن می‌خواند و شرایع اسلام را به ما می‌آموخت. ما او را در میان خانه‌های خود فرود آوردیم، نه حقی از کسی ضایع کرد و نه از حق، فراتر رفت. چون پیامبر به او دستور فرموده بود، ده روز پیش ما ماند و سپس خوشحال و راضی به حضور رسول خدا برگشت.[۲] مسجد نباید فقط نمازخانه باشد اگر دانشجویان احساس کنند که در امور درسی، اخلاقی و مالی مسجد به آنان کمک می‌کند، یا اصناف بدانند مسجد علاوه بر راهنمایی‌های فقهی و اخلاقی، در بحران‌های کسبی و مشکلات اقتصادی از آنان حمایت می‌کند، سوق المسلمین که یکی از آثار اخوت اسلامی است به وجود می‌آید. مسجد جهت تحقق آرمان‌های فرهنگی خود باید بخش‌هایی همچون: مدرسه، درمان، صندوق قرض‌الحسنه داشته باشد، تا بتواند به مردم کمک کند و گرفتاری‌هایشان را برطرف کند. امام مسجد هم باید همچون پدری دلسوز در میان جامعه، معروف و زبانزد باشد. مسجد پیامبر این‌گونه بود. آن حضرت توانستند اختلافات مردم را برطرف سازند، بین قبایل وحدت ایجاد کنند، مهاجر و انصار، اوس و خزرج را به هم نزدیک گردانند، درگیری‌های یکصد ساله آنان را به دوستی تبدیل کنند، ارتباطات خانوادگی و دوستی را به شکل بسیار پسندیده‌ای برقرار نمایند، زمینه‌های کینه و عداوت را بخشکانند، روح تعاون و همکاری را براساس علقه و ارتباط دینی بین مسلمانان بوجود آورند، روشن است که همراهی، تبلیغ و ترویج مبانی دینی با کارهایی که به گونه‌ای اداره امور حکومت اسلامی بشمار می‌رود، می‌تواند سازندگی و تأثیری به سزا را در پی‌داشته باشد.

---

۱. واقدی محمد بن عمر، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی: ص ۶۸۰ و ۷۲۹.

۲. همان: ص ۷۴۷.

د) معلمان مسائل دینی

پیامبر اکرم برای آموزش و تعلیم مسلمانان اهمیت بسیار زیادی قائل بودند و از هرگونه امکاناتی برای با سواد کردن ایشان استفاده می‌فرمودند. رسول خدا نخستین کسی بود که مسلمانان را به فراگیری دانش و کسب آگاهی فرا خواند و در پرتو تعالیم وحی شخصاً به تعلیم و تربیت ایشان پرداخت. در سایه تلاش و کوشش پیگیری که آن حضرت در نشر و گسترش علوم و معارف اسلامی مصروف داشت، دانش آموختگان برجسته‌ای در مکتب تربیتی وی پرورش یافتند که از پایه‌گذاران دانش‌های اسلامی در عصر رسول اکرمﷺ به کار تدریس و بحث و بررسی دربارهٔ مسائل دینی پرداختند. از این میان گروهی در مدینه عهده دار این وظیفه شدند وگروهی دیگر به تبلیغ و بیان احکام اسلامی در دیگر بلاد اسلامی پرداختند. همانطوری که گفته شد پیامبر اکرم برای آموزش مسلمانان اهمیت بسیار قائل بودند و از هرگونه امکاناتی برای با سواد کردن ایشان استفاده می‌فرمودند. برای مثال: به زید بن ثابت که پس از جنگ بدر، به وسیله یکی از اسیران خواندن و نوشتن آموخته بود، دستور دادند که خط عبری را نیز بیاموز.[۱] بدین شیوه، شمار یاران با سواد پیامبر رو به فزونی گذاشت، به حدی که تعداد کاتبان و نویسندگان حضرت را تا ۴۲ نفر نوشته‌اند.[۲] نهضت سوادآموزی در مدینه به قدری گسترش یافت که محلی به نام «دارالقراء» را بدین امر اختصاص دادند. آورده‌اند که عبدالله بن مکتوم پس از بازگشت از جنگ بدر به مدینه به همراهی مصعب عمیر در دارالقراء منزل کرد.[۳] بعد از این همه تأکید و اهمیت پیامبر اکرم به سوادآموزی و تعلیم اساتید و گسترش دامنه حکومت اسلامی پیامبر شروع به اعزام اساتیدی به مناطق مختلف نمودند. چنانکه آن حضرت پیش از هجرت به مدینه مصعب بن عمیر و عبدالله بن مکتوم را به‌منظور تعلیم قرآن و مسائل دینی به نومسلمانان این شهر بسوی مدینه فرستاد. پس از هجرت نبوی، باگسترش قلمرو دولت اسلامی و راه یافتن اسلام در بیشتر نقاط جزیرةالعرب، نیاز مردم مسلمان آن نقاط به معلمان قرآن و دانشمندان علوم دینی افزایش یافت. رسول اکرمﷺ برای هریک از این بلاد، فردی از صحابه یاگروهی از ایشان را جهت آموزش آداب و شرایعه اسلامی منصوب کرد. این افرادگاه به عنوان معلمان مسائل دینی

---

۱. آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، به کوشش ابوالقاسم گرجی: ص ۲۵۹.
۲. کتانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه (التراتیب الاداریه): ج ۱، ص ۴۰ ـ ۴۸.
۳. همان: ج ۱، ص ۵۶.

به آن دیار اعزام می‌شدند و تنها همین وظیفه را برعهده داشتند چنان‌که رسول خداﷺ پس از فتح مکه، معاذ بن جبل و ابوموسی اشعری را به عنوان معلمان قرآن و احکام اسلامی در این شهر منصوب کرد و گاه به عنوان عاملان پیامبر در اداره امور سیاسی و اجتماعی این بلاد، رسالت آموزش و وظیفه آموزش نامسلمانان را نیز برعهده می‌گرفتند چنان‌که عتاب بن اسید که از جانب پیامبرﷺ حاکم مکه بود این وظیفه را نیز بر عهده داشت.[۱] رسول اکرمﷺ علاوه برآن‌که عملاً مسجد را جایگاه آموزش معارف اسلامی و پایگاه امور فرهنگی قرار داده بودند، در سخنان فراوانی نیز براین نقش مسجد، تأکید نموده‌اند، بطوری که در سفارش‌های خود به ابوذر می‌فرمایند:

«... ای ابوذر، هرگونه توقفی در مسجد، لغو و بیهوده است مگر برای سه دسته: کسی که پس از نماز به تلاوت قرآن می‌پردازد، آنکه سرگرم ذکر و یاد خداست و کسی که به مباحث علمی اشتغال داشته است».[۲]

از اطلاق جمله «مباحث علمی» چنین برمی‌آید که لازم نیست علومی که در مسجد مورد بحث و گفت‌وگو قرار می‌گیرد، حتماً دانش‌های دینی باشد، بلکه هر دانش سودمندی چنان‌که یاد دادن و آموختن آن، از نظر شرعی با اشکالی روبرو نباشد، می‌تواند در مسجد مورد بحث و بررسی قرارگیرد. شهید ثانی در کتاب گرانقدر منیه‌المرید حدیث ذیل را نقل نموده است:

«روزی رسول خداﷺ به مسجد وارد شدند. در مجلس، دو مجلس جداگانه برپا بود، گروهی در حال یاد دادن و فراگرفتن دانش بودند. جمعی نیز به دعا و راز و نیاز با خداوند مشغول بودند. پیامبرﷺ فرمود: هر دو گروه به سوی نیکی، گام برمی‌دارند. دسته‌ای، خدا را می‌خوانند و گروهی نیز آموزش می‌بینند و نادانان را تعلیم می‌دهند، ولی این گروه کار برتری را انجام می‌دهند. من نیز به منظور آموزش دادن مردم مبعوث شده‌ام. آنگاه پیامبرﷺ خود در میان گروهی که سرگرم آموزش بودند، نشست.».[۳]

---

۱. حکیمی، محمد رضا، الحیاه: ج ۲، ص ۴۱۹.
۲. حر عاملی، وسایل الشیعه: ج ۳، ص ۸۶.
۳. شهید ثانی، منیه المرید: ص ۱۰۶.

۲ ـ مسجد بعنوان ستاد فرماندهی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

پیامبر اسلام در طول حکومت یازده ساله خویش درگیر جنگ‌های بسیاری شدند. این جنگ‌ها با حملهٔ دشمنان اسلام و به قصد براندازی این دین و رسول آن پیش می‌آمد. شمار جنگ‌هایی که خود پیامبر در آن شرکت کردند، ۲۶ یا ۲۷ غزوه و تعداد دفعاتی که حضرت برای جلوگیری از هجوم دشمنان اسلام سپاهی گسیل فرمودند از ۳۶ تا ۶۶ سریه گزارش کرده‌اند.[۱] این حمله‌ها به نقلی چند ماه پس از هجرت پیامبر به مدینه و به نقلی از سال دوم هجرت آغاز شد. اگر فرض کنیم تعداد این جنگ‌ها ۲۶ غزوه و ۳۶ سریه باشد ـ یعنی کمترین مواردی که تاریخ نویسان گزارش کرده‌اند ـ مجموع آنها ۶۲ نبرد می‌شود. بنابراین رسول اکرم و مسلمانان به‌طور متوسط، هر دو ماه یک بار، به یک جنگ یا هر سال به شش جنگ کشانده می‌شدند؛ جنگ‌هایی که در بسیاری از آنها موجودیت و سرنوشت دین اسلام و پیامبر آن در معرض خطر قرار می‌گرفت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همه این غزوه‌ها و سریه‌ها را که بعد از هجرت اتفاق افتاد، در مسجد هدایت کردند. تشکیلات نظامی پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد مستقر بود. بدیهی است، اداره امور جنگ به برنامه‌ریزی و تشکیلات ویژه‌ای نیاز داشت که به‌گواه تاریخ، فقط در مسجد انجام می‌شد؛ بنابراین ستاد ارتش اسلام و مرکز فرماندهی کل قوا در مسجد حضور داشتند. همان‌طوری که از متون تاریخی به دست می‌آید از سال دوم هجرت اولین سریه‌ها و غزوه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله شکل گرفت.[۲] لذا پیامبر جهت حفظ دین اسلام و آحاد ملت مسلمان اقدام به تشکیل شورای نظامی در مسجد نمودند و قبل از هر جنگی در مسجد با مشاوران نظامی خود مشورت می‌نمودند و چگونگی رویارویی با دشمن را مورد بررسی قرار می‌دادند. که می‌توان مهمترین نمونه آن را مشورت پیامبر قبل از جنگ احد با مشاوران نظامی خود و قبل از جنگ خندق نام برد، که در اولی تصمیم بر جنگ در خارج از شهر شد و در دومی تصمیم به جنگ در داخل شهر و کندن خندق در اطراف مدینه النبی بود.[۳] علاوه براین‌که برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری

---

۱ . آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، به کوشش ابوالقاسم گرجی: ص ۲۱۹ ـ ۲۲۷ .

۲ . زرگری نژاد، غلام الحسین، تاریخ تحلیلی اسلام: ص ۴۹ .

۳ . شیرازی، مکارم، پیام قرآن: ج ۱۰ ، ص ۱۲۱ ؛ ر.ک: عبدالملک، بن‌هشام، السیره النبویه، به کوشش محمد محی الدین عبدالحمید: ج ۳ ، ص ۶۶ و واقدی، محمد بن عمر، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ص ۳۳۴ ـ ۳۳۷ .

نظامی بوسیله فرمانده کل قوا در مسجد انجام می‌شد پیامبرﷺ تمام غنائمی که در جنگ‌های مختلف به مدینه سرازیر می‌شدند را جمع کرده و در طول روز در بین جنگجویان و مستحقین آن تقسیم می‌کردند. با توجه به منابع تاریخی تشکیلات بیت‌المال، یعنی تشکیلات مالی بخش عمومی، متمرکز در مسجدالنبی بود.[۱] هرگاه پیامبر در یکی از غزوه‌ها یا سریه‌ها بر یکی از مناطق جزیرةالعرب سیطره پیدا می‌کرد مأمورانی را بعنوان نماینده حکومتی، قضایی، ارشادی و فرهنگی در آن مناطق تعیین می‌نمودند که این افراد از حکومت مرکزی فرمان می‌بردند و رسالتی را که پیامبرﷺ برعهده آنها نهاده بود انجام می‌دادند.[۲] (یعنی علاوه بر حکومت و فیصله‌دادن دعاوی حقوقی و کیفری و امور فرهنگی و ارشادی، جمع‌آوری زکات و خمس و خراج را نیز برعهده داشتند که بعد از جمع‌آوری آن را به بیت‌المال واقع در مسجدالنبی می‌فرستادند و پیامبرﷺ آن را در بین مستحقین تقسیم می‌کردند).

۳ ـ مسجد، و گفت‌وگوی پیامبر اعظمﷺ با نمایندگان سایر ادیان

در کتاب‌های حدیثی در باب جهاد، بابی بعنوان «دعاء العدو» آمده و ضمن آن در این باره مطالبی از سیره رسول خداﷺ نقل شده است.[۳] که پیامبرﷺ می‌فرمود:

«لا تقاتلوهم حتی تحتجوا علیهم بان تدعوهم الی شهاده ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله و الا قرار با جاء من عندالله».[۴]

یعنی پیش از آنکه به فکر جنگ با آنان باشید، از در گفت‌وگوی برهانی، نسبت به معتقدات دینی، با آنان درآیید. پیامبرﷺ و نمایندگان ایشان بنابه توصیهٔ مؤکد ایشان هرگز، پیش از برخودهایی با اقوام و مأیوس شدن از نتیجه مثبت آن، باگروهی به جنگ نمی‌پرداختند. و زمانی که گروهی اسیر به نزد آن بزرگوار آوردند، ایشان، از مسلمانان سؤال فرمود: آیا اسلام را

---

۱ . قاسم بن سلام، ابوعبید، کتاب الاموال، تحقیق محمد خلیل هراس: ص ۳۷۳ ـ ۳۷۶ .

۲ . کتانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه (التراتیب الداریه): ج ۱ ، ص ۱۱۴ ؛ ر.ک: طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم یابنده: ج ۴ ، ص ۳۰۳ و بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش: ص ۳۸۲ ـ ۳۸۵ .

۳ . کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی: ج ۱ ، ص ۳۳۷ ؛ نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسایل: ج ۱۱ ، ص ۳۱ .

۴ . التنمیمی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام: ج ۱ ، ص ۲۷۰ ـ ۲۶۹ .

قبلاً به آنان معرفی و عرضه کرده بودید؟ گفتند: نه. حضرت فرمود: پس آنان را به همان محل امتشان بفرستید. و آن‌گاه این آیه را تلاوت فرمود:

«ای پیامبر! ما تو را فرستادیم تا شاهد و مژده دهنده و بیم دهنده باشی و مردم را به دستور خداوند به سوی او بخوانی و چراغی تابناک باشی».[۱]

گفت‌وگوی علمی و فرهنگی زیادی میان آن حضرت با هیئت‌های اعزامی، که از سوی قبایل گوناگون به مدینه می‌آمدند صورت می‌گرفت.

جایگاه این گفت‌وگوها جایی جز مسجد نبود. گرچه برای سکونت و استراحت این هیئت‌ها، خانه‌ای نیز در نظر گرفته شده بود.[۲] پاره‌ای از آنها نیز با توجه به صلاحدید پیامبر ﷺ در خانه‌های انصار جا داده می‌شدند.[۳] برای برخی از آنها ـ همچون هیئت نمایندگی ثقیف ـ به دلیل طولانی بودن اقامت آنان در مدینه، خیمه‌ای در مسجد برپا می‌شد.[۴] پیامبر ﷺ درکنار یکی از ستونهای مسجد که امروز نیز بنام «اسطوانه الوفود» (ستون هیئت‌ها) شناخته می‌شود، این‌گونه هیئت‌ها را به حضور می‌پذیرفتند و با آنان به مذاکرات دینی و اجتماعی می‌پرداختند. گرچه این از جنبه‌های سیاسی نیز برخوردار بود، ولی از آن‌رو که این هیئت‌ها معمولاً به منظور گرویدن به اسلام به مدینه می‌آمدند بحث و گفت‌وگو پیرامون معارف اسلامی، بخش‌های مهمی از این مذاکرات را به خود اختصاص می‌داد. برخی از این هیئت‌ها در حضور پیامبر ﷺ و در خانه به فخرفروشی و خودستایی می‌پرداختند، گفت‌وگوهای طولانی و سخنان برخلاف ادب به زبان می‌آوردند و گاه درخواست اجرای مسابقات هنری و ادبی با پیامبر ﷺ و یاران آن حضرت می‌کردند. پیامبر با حوصله و بردباری کامل به سخنان آنان گوش فرا می‌دادند. ذکر آنچه که در کتاب‌های سیره پیرامون مذاکرات هیئت نمایندگی (بنی‌تمیم) بیان شده می‌تواند فضای حاکم یکی از این گفت‌وگوها را ترسیم نماید.

واقدی در مغازی در این باره آورده است که: ده نفر از روساء و برگزیدگان بنی‌تمیم

---

۱. الکاندهلوی، شیخ محمد یوسف، حیاة الصحابة: ج ۱، ص ۱۶۶.

۲. کتانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه (التراتیب الاداریه): ج ۱، ص ۴۴۵؛ ابن‌شبه، عمر، تاریخ المدینه المنوره: ج ۲، ص ۲۳۵.

۳. کتانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه (التراتیب الاداریه)، ج ۲ ص ۴۴۹.

۴. همان: ص ۴۴۷.

به مدینه آمدند آنها در صحن مسجد نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و عطارد بن حاجب تمیمی را پیش آوردند که خطابه بخواند. او خطبه‌ای ایراد کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله به ثابت بن قیس فرمود: برخیز و خطبه ایشان را پاسخ گوید. ثابت برخاست و با عدم آمادگی قبلی خطبه‌ای خواند، چون ثابت بن قیس نشست، آنها گفتند: ای رسول خدا اجازه فرمای تا شاعرمان شعری بخواند. چون اجازه فرمود، زبرقان بن بدر را بلند کردند و او ابیاتی را سرود. پیامبر به حسان بن ثابت فرمود: پاسخ‌شان بده و او برخاست و اشعاری سرود. پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان از خطبه ثابت و شعر حسان در آن روز خوشحال بودند. نمایندگانی که آمده بودند، با یکدیگر خلوت کردند. یکی از ایشان گفت به خدا قسم، بدانید که این مرد از طرف خدا تأیید می‌شود و کارهایشان رو به راه می‌گردد؛ خطیب او از خطیب ما فصیح‌تر و شاعرش از شاعر ما بهتر و خودشان به مراتب از ما خردمندترند.[۱] پس از او هیئت بنی تمیم مسلمان شدند و از دیگر هیئت‌هایی که مذاکرات علمی و فرهنگی مفصلی میان آنها با پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفت. هیئت نمایندگی ثقیف بوده است.[۲] پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در حدیث مفصلی که آمده است با راهبی بنام (شمعون بن لاوی بن یهوداً) به بحث و گفت‌وگو پرداخته است.[۳] روایتی است از امام صادق علیه السلام [۴] به نقل از پدرش، امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود: نمایندگان پنج دین در مجلسی گرد آمدند و با پیامبر صلی الله علیه و آله به مباحثه و گفت‌وگوی دینی پرداختند: یهودی، نصاری، دهریه، ثنویه و مشرکان عرب. در این جلسه براساس تفاهم پیشین همگی توافق کردند که حقیقت را پس از اثبات بوسیله برهان و دلیل بپذیرند. ابن‌اسحاق از مناظره جماعتی از یهود مدینه (خیبر) به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر می‌دهد. همچنین از گفت‌وگو با نصاری نجران که در نهایت به مباهله منجر شد و نصاری از آن واهمه کردند و مطیع گردیدند.[۵] با توجه به این متون و متون تاریخی دیگر می‌توان نتیجه گرفت که همه یا اکثر این گفت‌وگوها در مسجد پیامبر صورت گرفته است. بطوری که مسلمانان به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گفتند: ای رسول خدا، آیا ایشان که مشرکند،

---

۱. ر.ک: واقدی، محمد بن عمر، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی: ص ۷۴۲ ـ ۷۴۶.
۲. همان: ص ۷۳۳ ـ ۷۳۶.
۳. الحرانی، ابن‌شعبه، تحف العقول، ترجمه احمد جنتی عطایی: ص ۱۷.
۴. طبرسی، ابو منصور احمد بن علی، الاحتجاج: ج ۱، ص ۲۷ ـ ۴۴.
۵. همدانی، رفیع الدین اسحاق بن محمد، سیرت رسول الله: ج ۱، ص ۵۰۹.

می‌توانند وارد مسجد شوند؟ پیامبرﷺ می‌گفتند: زمین پاک است و چیزی آن را نجس نمی‌کند.[۱]

۴ ـ اعتکاف پیامبرﷺ در مسجد

پیامبرﷺ الگوی مسلمانان می‌باشد و کردار و گفتار ایشان، برای پیروانش حجت است. راز و نیاز با پروردگار و چگونگی این ارتباط می‌تواند سهم بسزای در راهبرد امت به جهت مطلوب باشد. حال باید دید این بزرگوار با مسئله اعتکاف و خلوت با خداوند متعال چگونه برخورد کرده است؛ به تعبیر دیگر جایگاه اعتکاف در سیره ایشان چگونه بوده است؟

آن حضرت حتی قبل از رسالت هم مدتی را در غار حراکه در جبل النور ـ یکی از کوه‌های مکه ـ واقع بود، به عبادت به سر می‌برد. علی‌ؑ در این باره می‌فرماید:

«**ولقد کان یجاور فی کل سنه بحراء (حراء) فأراه و لایراه غیری**».

«پیامبرﷺ در هر سال مدتی را در غار حرا می‌گذراند. پس تنها من او را مشاهده می‌کردم و کسی جز من او را نمی‌دید».[۲]

بعد از رسالت هم آن حضرت به اعتکاف اهمیت می‌دادند. در روایتی از امام صادقؑ می‌خوانیم:

«رسول‌خدا در ده روز آخر ماه رمضان در مسجد معتکف می‌شدند و برای آن حضرت خیمه‌ای معین برپا می‌کردند و ایشان در این ده روز بستر خویش را برمی‌چیدند و به اعتکاف مشغول بودند».[۳]

در روایتی دیگر از امام صادقؑ می‌خوانیم:

«جنگ بدر در ماه مبارک رمضان اتفاق افتاد و آن حضرت فرصت اعتکاف پیدا نکردند؛ از این‌رو سال بعد بیست روز معتکف شدند، ده روز برای همان سال و ده روز برای سال قبل که اعتکاف ایشان فوت شده بود».[۴]

---

۱ . ر.ک: واقدی محمد بن عمر، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی: ص ۷۳۳ ـ ۷۳۶ .

۲ . نهج البلاغه: خطبه ۱۹۲ .

۳ . کلینی، محمد بن یعقوب، کافی: ج ۴ ، ص ۱۷۵ .

۴ . همان.

حتی در تاریخ نقل شده است که آن حضرت محل اعتکافش نزدیک یکی از ستون‌ها به نام «اسطوانه السریر» (ستون تخت) بوده است که هنوز هم معین است. در کنار این ستون، تختی برای استراحت پیامبرﷺ قرار می‌دادند.[۱] اعتکاف تأثیر بسزایی در ریشه کن کردن گناهان دارد بطوری که پیامبر در آثار اعتکاف می‌فرمایند:

«هرکس برای خدا و با ایمان کامل معتکف شود، گناهان گذشته او بخشیده می‌شود».[۲]

و در جایی دیگر می‌فرماید:

«کسی که روزی را برای رضایت خداوند متعال معتکف شود، ذات حق بین او و امتش سه خندق ایجاد می‌کند».[۳]

پس می‌توان از سیره و گفتار پیامبرﷺ به اهمیت اعتکاف پی‌برد و آن را عملی برای تربیت نفس و پرورش روح دانست.

۵ ـ ویژگی‌های مسجد پیامبرﷺ و شیوه برگزاری نماز جماعت در سیره نبویﷺ

با ورود پیامبرﷺ به شهر مدینه و استقبال جانانه مردم تازه مسلمان شده از ایشان، شور و هیجان شهر را فراگرفت، جانی تازه درکالبد مردم دمیده شد و زندگی مسلمانان حیاتی دیگر پیداکرد. شادی و شوق بسیاری، در چشم‌ها دیده می‌شد. خانه‌هایی که ماه‌ها با ذکر اوصاف عالی پیامبرﷺ روشن شده بود، اینک حضور آن بزرگوار آن راکمال می‌بخشید. مردم مدینه که از نزدیک سیمای ملکوتی و دوست داشتنی رسول اللهﷺ را می‌دیدند، گویا حقیقت اسلام و ایمان را مشاهده می‌کردند و از زیارت آن حضرت توشه برمی‌گرفتند. حلاوت کلام، زیبایی سیما و دلنشینی اخلاق و سیره نبوی، همه را شیفته کرده بود. یاران پیامبرﷺ هر روز افزون‌تر می‌شدند. محلی که در آن نماز می‌خواندند، آکنده از جمعیت می‌شد. آنجا، انباری

---

۱ . سمهودی، علی بن احمد، وفاء الوفاء باخبار المصطفی: ج ۲ ، ص ۴۵۲ .

۲ . سیوطی، جلال الدین، الجامع الصغیر: ج ۲ ، ص ۵۷۵ .

۳ . المتقی الهندی، کنز العمال: ج ۸ ، ص ۵۳۱ .

متعلق به دو یتیم، سهل و سهیل، از طایفه خزرج بود، که تحت تربیت اسعد بن زراره بودند. پیامبرﷺ به اسعد فرمودند: که این محل را برای مسجد خریداری کند. دو یتیم محل را به پیامبرﷺ هدیه کردند، ولی ایشان نپذیرفتند و فرمودند: که باید پول آن را بگیرند. سرانجام به ده دینار خریده شد.[۱] مسلمانان مشغول خشت زدن شدند تا مصالح بنای مسجد فراهم شود. به دستور پیامبر، ابتدا زمین مسجد راکندند و ازکوه سنگ آوردند. پیامبر در محل سنگ‌ها خود به مسلمانان کمک می‌کرد. وقتی اسید بن حضیر دید که حضرت خود سنگ‌ها را برای مسجد ازکوه می‌آوردند، پیش رفت و عرض کرد: یا رسول الله! اجازه دهید من عوض شما آنها را ببرم. حضرت فرمودند: خیر، تو خود برو و سنگ دیگری را حمل کن. مردم با علاقه زیاد، سنگ‌ها را بردند تا حفره انباشته و زمین مسطح شد. آنگاه دیوار مسجد را ساختند. در آغاز که جمعیت مسلمانان کم بود، مسجدالنبی با دیواری به قطر یک خشت ـ و به تعبیر امروزی «یک آجر» ـ ساخته شده بود. بعدها که مسلمانان بیشتر شدند، دیوارهای جدید در محیطی وسیع‌تر با یک آجرونیم ساخته شد. پس از آن دیوار مسجد که قهراً مساحت بیشتری را در برمی‌گرفت، «دو آجره» شد. بلندی دیوارها به قد و قامت انسان بود، و انتهای مسجد به اندازه صد ذراع بود.[۲] مسجد پیامبر پس از دیوارکشی اولیه، پر رفت و آمدترین مرکز شهر شد. کثرت رفت و آمد و حضور مردم در آن، نیازهای جدیدی را در پی داشت. گرمای هوا در مدینه و شدت آن، باعث شد که اصحاب از حضرتﷺ درخواست کردند که اگر اجازه دهند، سایبانی در مسجد بزنند. پس از کسب اجازه، ستون‌های چوبی را در جلوی مسجد و سپس تا نزدیکی صحن برافراشتند. آنگاه، با شاخه درخت خرما سایبان زدند تا در پناه آن، از شدت گرما برهند و در آنجا به نماز و شنیدن سخنان رسول خداﷺ بپردازند. پس از مدتی که براین منوال گذشت گاه باران از سایبان به زیر می‌آمد و موجب اشکالاتی می‌شد، دوباره پیشنهاد شد که سایبان تبدیل به سقف شود. پاسخ پیامبرﷺ برخلاف سابق بود. آن حضرتﷺ با این پیشنهاد موافقت نکردند. توجه به این نکته، درس‌آموز است که ارتباط امام و مأموم چگونه باید باشد، مساجد تا چه اندازه از نظر ساختمان و رفاه نمازگزاران باید مورد توجه قرار گیرد،

---

۱ . همدانی رفیع الدین اسحاق بن محمد، سیرت رسول الله: ج ۱ ، ص ۴۷۵ ـ ۴۷۴ .

۲ . مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار: ج ۱۹ ، ص ۱۱۱ .

و امام در چه مواردی باید نظر مردم را بپذیرد؟ آیا باید امام بطور مطلق تسلیم حرف مردم باشد، یا لازم است مصالح و مفاسد را در نظر گیرد؟ احترام به آرای مردم، یک رکن روابط اسلامی است، ولی این احترام نباید اصول دیگر را مورد سؤال قرار دهد، زیرا ممکن است همه خواهش‌های مردم، مطابق با مصالح واقعی آنان نباشند. تشخیص این مصلحت، با شخص رسول الله ﷺ است. پیامبر ﷺ فرمودند:

«**عریش کعریش موسی الامر عجل من ذلك**».

«سقفی مانند سقف خانه موسی علیه السلام (دیگر به سقف نمی‌رسد) زمان کوتاه‌تر از آنست».[۱]

بنابراین پیامبر ﷺ بر سادگی و پویایی مسجد، اصرار می‌ورزیدند، بطوری‌که حاضر نبودند که سایه بان مسجد به سقف تبدیل شود. درخصوص برگزاری نماز جماعت در سیره نبوی باید گفته شود که مسجد پیامبر ﷺ در مدینه نخستین کانونی بود که از بدو تأسیس به منزله مرکز اصلی تمام فعالیت‌های عبادی مسلمانان، مورد استفاده قرار گرفت. یکی از این فعالیت‌ها برپایی آیین‌های جماعت در این مسجد بود. مسلمانان به سبب تعالیم قرآن مجید و رهنمودهای پیامبر ﷺ نسبت به حضور در مسجد و شرکت جستن در نماز جماعت اشتیاق خاصی از خود نشان می‌دادند. آنان در هر شبانه روز، پنج بار از دو رو نزدیک بدین مسجد می‌شتافتند و با تشکیل صفوفی منظم به ادای فرایض دینی به امامت رسول خدا ﷺ می‌پرداختند. از آنجاکه این آیین دسته جمعی در تحکیم روابط، میان مسلمانان و تحقق وحدت در جامعه اسلامی نقش بسزایی داشت، پیامبر ﷺ به هیچ یک از مسلمانان اجازه نمی‌داد بدون عذری از حضور در این فریضه الهی سرباز زنند، چنانکه در روایت اسلامی آمده است چون حضرت کسانی را که از شرکت امتناع می‌کردند به شدت تهدید کرد و خطاب به ایشان فرمود:

«**لتحضرن المسجد او لا حرقن علیکم منازلکم**».

«باید در مسجد حضور یابید و گرنه خانه‌های‌تان را با شما به آتش می‌کشم».

---

۱. دین پرور، سید جمال الدین، مسجد پایگاه اسلام، ماهنامه مسجد: ش ۵۹، ص ۴۸.

چون این خبر در مدینه انتشار یافت مرد نابینایی به نزد پیامبر آمد و عرض کرد: یا رسول الله من مرد نابینایی هستم، و چه بسا صدای اذان را می‌شنوم، اما کسی را نمی‌یابم که مرا برای نماز خواندن با شما به مسجد بیاورد پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«طنابی از منزلت به مسجد ببند و بدین وسیله در جماعت مسلمانان شرکت کن».[۱]

از این روایت چنین برمی‌آید که در عصر رسول الله تمامی مسلمانان حتی افراد ناتوان در نماز جماعت شرکت می‌کردند، و به این ترتیب مساجد آن روزگار بویژه مسجد پیامبر از جهت برگزاری آیین‌های جماعت بسیار فعال بوده است. با توجه به روایاتی که از پیامبر نقل شده است پیامبر صلی الله علیه و آله سعی می‌کرده است که نماز جماعت ایشان طول نکشد که باعث ملال و خستگی افراد نمازگزار شود و حتی از امامان جماعتی که این کار را کرده‌اند هم به شدت اعتراض کرده است. در کتاب معالم القریه از نجاری نقل شده که ابومسعود گفته است: مردی به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: من به خاطر ضعف و ناتوانی، از حضور در نماز فلان کس خودداری می‌کنم، زیرا او نماز را طولانی برگزار می‌کند. پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره برای مردم سخنرانی کرد. من هرگز پیامبر صلی الله علیه و آله را در سخنرانی این چنین خشمگین ندیده بودم. آن حضرت خطاب به حاضران فرمود:

«برخی از شما، مردم را گریزان می‌سازید، کسی که امامت گروهی را برعهده دارد، بایستی از طولانی کردن نماز پرهیز کند. چه، در نماز جماعت افراد ناتوان، بزرگسال و نیز کسانی که کار و مشغله دارند، یافت می‌شوند».[۲]

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی که در بالا آمد می‌توان به این نتیجه رسید که مسجد در عصر پیامبر و در سیره نبوی بعنوان یک نهاد چند نقشی ـ علاوه بر اینکه مرکز عبادت و اعتکاف بود ـ مرکز جهاد علمی و دانشگاهی بشمار می‌رفت زیراکه بسیاری از دانشجویان این دوره در مسجد

---

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه: ج ۵، ص ۳۷۷.

۲. ابن اخوه، معالم القریه: ص ۲۶۶.

پیامبر و در محضر ایشان درس می‌گرفتند و فارغ التحصیل می‌شدند و پیامبر آنها را بعنوان معلمان دینی در مناطق تصرف شده یا تازه به اسلام گرویده اعزام می‌کردند، و نیز مقر فرماندهی کل قوا بود چون پیامبر اکرمﷺ تمام ۶۲ غزوه و سریه خود را با مشاورت فرماندهان نظامی خود از اینجا آغاز می‌کردند و تمام برنامه‌ها و نقشه‌های نظامی در مسجد ریخته می‌شد و مسلمانان را پیامبر برای جهاد با کفار از این محل مقدس بسیج می‌کردند. پیامبرﷺ در مسجد بود که ادیان مختلف را به صورت فردی یا گروهی (وفود) به حضور می‌پذیرفتند و با دلیل و برهان دین خود را به آنها عرضه می‌داشت. همانطوری که از متن برمی‌آید و نتیجه می‌گیریم نماز جماعت در سیره نبوی بسیار به آن اهمیت داده شده است و سعی پیامبر بر برگزاری آن باید طوری عمل شود که باعث ملال و خستگی مؤمنین نشود. البته می‌توان بطور کلی در نتیجه‌گیری این مقاله عرضه داشت که مسجد در عصر پیامبرﷺ مرکز عبادت و جایگاه دانش، مرکز جهاد تبلیغاتی و نهضت، مقر دادرسی و قضاوت، قرارگاه سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی دولت و کانون تعاون اجتماعی بشمار می‌آمده است.

مسجد در عصر مدرنیته

بررسی تاریخ اسلام نشان می‌دهد که مسجد به عنوان مرکزی برای انجام فعالیت‌های مختلف اعم از عبادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیره دارای نقش کاملاً مؤثری در پیشبرد اهداف دین مبین اسلام بوده است. به عبارت دیگر اگر چه در فرهنگ دینی، نام «مسجد» یادآور بندگی و کرنش در پیشگاه خداوند متعال بوده و در لغت به معنای جایگاه سجده تعریف گردیده است و براین اساس در قرآن کریم بر جنبه‌های عبادی مسجد بیش از هر بعد دیگری تکیه شده است. اما پس از هجرت پیامبر عظیم‌الشأن اسلام به مدینه، مسجد به عنوان فعال‌ترین پایگاهی که قادر تأثیرگذاری ژرف بر فضای جامعه در ابعاد مختلف بود، انتخاب و عمده فعالیت‌ها در حول محور آن شکل گرفت. برای تأیید این موضوع در زمان حاضر نیز می‌توان به بررسی شکل‌گیری انقلاب اسلامی و نقش مساجد در این تحول عمیق پرداخت، علاوه بر آن که در طی سال‌های دفاع مقدس نیز مساجد دارای نقش ویژه‌ای در جذب و اعزام رزمندگان، پشتیبانی

جبهه‌ها، پخش اخبار درست در محله، کانون کمک به خانواده‌هایی که به دلایل ناشی از وجود جنگ نیاز به پشتیبانی داشتند، بالا بردن روحیه افراد جامعه و موارد متعدد دیگر بوده‌اند لذا مسجد در تمام طول تاریخ اسلام کانونی جهت بسط ارزش‌های اسلامی و مقابله با ضد ارزش‌ها بوده است.

در بیانی دیگر اگرچه مسجد در نقش اول خود مکانی برای پرستش معبود یگانه و برپایی نماز جماعت به عنوان اولی‌ترین نوع عبادت در نظر گرفته می‌شود، ولی این نقش در واقع چون تنه‌ای است که با رویش خود منجر به جوانه زدن شاخه‌های متعددی شده که از هر کدام میوه‌های مختلفی برای جامعه اسلامی به ارمغان آورده خواهد شد. در جامعه فعلی ایران به دلایل مختلف، جامعه اسلامی از بسیاری از این ثمرات محروم است. این خسران با توجه به انقلابی که برپایه مبانی دینی شکل گرفت. دفاع حقیقتاً مقدسی که با بهره‌گیری از اعتقادات مذهبی پیروزی‌های شگفت‌آوری به همراه داشت و حکومتی که بر مبنای ولایت فقیه که ناب‌ترین شکل حکومت دینی است در جامعه حاکم است، جای شگفتی دارد. اگرچه بسیاری این موضع را عادی قلمداد کرده و امری طبیعی دانسته و علت آن را گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن می‌دانند. به عبارت دیگر آنان معتقدند که در جامعه مدرن باید برای مسجد کارکردهای جدیدی تعریف نمود. در حالی که به اعتقاد مؤلف مطلقاً این‌گونه نیست، بلکه دقیقاً بر عکس این اعتقاد نه تنها کارکردهای مسجد در جامعه مدرن شده عوض نخواهد شد، بلکه بالعکس کارکردها دارای عمل و گستره بیشتری خواهند شد. برای آوردن دلایل جهت تأیید این نکته خوب است شروع بحث از بیان یک سؤال آغاز گردد.

با توجه به تأیید این موضوع توسط متخصصین جامعه‌شناسی که جامعه ما در حال گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن است. سؤالی آن است که در این دوران گذر و نیز در دوره تثبیت مدرنیته، کارکردهای مساجد چه خواهند بود؟

بدون شک اگرچه پاسخ‌گویی به این سؤال بسیار مشکل است و این خطر نیز وجود دارد که در صورت عدم صحت پاسخ، از کارکرد مطلوب مسجدها کاسته شود؛ اما باید توجه داشت عدم پاسخ‌گویی، خطری بزرگ‌تر در پی خواهد داشت چراکه در طی گذر زمان می‌تواند جامعه

اسلامی را از کانونی که در تمام طول تاریخ اسلام به صورت دژی مستحکم از کیان دین اسلام و جامعه شکل گرفته بر مبنای آن حفاظت نموده است، محروم نماید.

ساده‌ترین راهی که برای جواب قابل استفاده بوده و محققین زیادی نیز به آن توجه داشته‌اند، آن است که جوامع مدرن شده در عصر حاضر را مورد بررسی قرار داده، زیرا پرستش معبود در انسان‌ها امری فطری است و در تمام جوامع معبودی برای پرستش وجود دارند. هرچند معمولاً به دلیل وجود انسان‌های منفعت‌طلب در بیشتر موارد معبودانی دروغین که قادر به سرازیر کردن سرمایه‌های به سمت این‌گونه انسان‌ها بوده‌اند، جایگزین خدای متعال شده‌اند، ولی این موضوع هیچ‌گاه منجر به خاموشی امر فطری عبادت معبود نگردیده است. بدین لحاظ می‌توان با بررسی گذشته و حال یک جامعه مدرن شده به تغییرات به وجود آمده در عبادتگاه‌های موجود پی‌برد. از این منظر بررسی جوامع اروپایی که دارای خصوصیات عمومی یک جامعه مدرنیته بوده و در عین حال با داشتن دینی برگرفته از پیامبری اولوالعزم درگذشته و حال و نیز داشتن عبادتگاه‌های مختلف قادر به پاسخ‌گویی صریح به این موضوع هستند، انتخابی صحیح به نظر می‌رسد.

در جوامع اروپایی قبل از دوران رنسانس که جامعه موجود دارای کارکردهای مختلفی بودند. ورای یک مکان عبادی، کلیسا مقری برای قضاوت، مشروعیت بخشیدن به حاکمان سیاسی، آموختن دانش، رسیدگی به امور جوامع از نظر شرعی، اعزام سپاهیان به جنگ‌های مختلف و عملکردهای مختلف دیگر بوده است. به عبارت دیگر کشیشان، اسقف‌ها و در رأس آنها شخص پاپ به عنوان بالاترین حامی کلیساها، قادر به تصمیم‌گیری، اعلام‌نظر و در نهایت فرمان در تمام ابعاد فعالیت اجتماعی بودند. این دخالت می‌توانست حتی در مراتب عالی منجر به تعویض شخص حاکم یک جامعه نیز شود.

بدون بررسی علل به وجود آمدن رنسانس که خود مقوله‌ای دیگر است، از جهت آن‌که پس از آن جوامع اروپایی به سمت مدرن شدن پیش رفتند، می‌توان با پیگیری تاریخی موضوع پس از رنسانس تا عصر حاضر که جوامع فعلی اروپایی جزو مدرن‌ترین جوامع جهانی هستند به نقش کلیساها به عنوان عبادتگاه‌های غالب در فعالیت‌های این‌گونه جوامع پرداخت.

پس از رنسانس از گستره اظهارنظر و دخالت کلیساها در امور اجتماعی کاسته شده و در حال حاضر نیز کلیساها به صورت تقریباً مطلق از دخالت در امور غیر دینی منع شده‌اند، علاوه بر آن که خود امور دینی نیز تا حد زیادی محدود گردیده‌اند. به عبارت دیگر حاکمان این‌گونه جوامع اگر چه تا حد امکان سعی بر آن دارند که دین را از جامعه بزدایند، اما به دلیل آنکه به خوبی ثابت شده است که امر فطری پرستش معبود قابل حذف نیست، سعی نموده‌اند با نگاه داشتن عبادتگاه‌ها این نیاز بشری را پاسخ‌گو باشند، اما برای کنترل آن، کارکرد آن را کاملاً محدود شده و تنها در انجام بعضی مناسک مذهبی تعریف نموده‌اند. تاریخ شاهدان متعددی برای گواهی دادن به عدم امکان حذف پرستش معبود از ذهن جوامع دارد. یکی از بهترین آنها در آخرین تقاضایی یکی از مستبدترین و کوشاترین افراد در جهت حذف دین از جامعه یعنی استالین به خوبی مشهود است که در اواخر عمر فرمان داد که کلیساها و مساجد باز شوند تا مؤمنین در آنجا حضور یافته و برای شفای او دعا نمایند. با توجه به این موضوع، هر چند حاکمان این جوامع در آرزوی زدودن دین از جامعه هستند، اما به دلیل عدم امکان اجرای این خواسته با باز نگاه داشتن عبادتگاه‌هایی چند، تلاش خود را صرف آن می‌کنند تا ضمن کنترل امر فطری پرستش معبود در جوامع خود، از جهت یافتن آن به سمت دین‌های اصیل جلوگیری نمایند.

اگر مطلب بالا مورد قبول واقع شود، براساس این بررسی باید برای مساجد نیز در جامعه مدرن شده اسلامی، کارکردی تک بعدی و تنها مکانی برای پرستش معبود قایل بود. این نسخه‌ای است که در طی چند سال اخیر بارها توسط بعضی از افراد اعلام شده است. در این دیدگاه دیگر نباید نگران تعداد افراد جذب شده به مساجد بود یا از کاهش یافتن کارکردهای مثبت آن نگران بود. همچنین همچون جوامع اروپایی که عمده کلیساها تغییر کاربری یافته و تنها تعداد معدودی باقی مانده‌اند، بخش اعظم مساجد باید تغییر کاربری یافته و تنها تعدادی مساجد که دارای معماری برتری هستند باقی بمانند. ولی واقعیت آن است که آنانی که جوامع اسلامی مدرن شده را در قالب جوامع مدرن شده امروزی می‌بینند، از نکته‌ای مهم غافل هستند و این آن است که در جامعه مدرن شده اسلامی، دین هرگز به حاشیه رانده نمی‌شود، بلکه به دلیل افزایش آگاهی و عقلانیت قشرهای مختلف جامعه، مسجد به عنوان مرکز فعالیت‌های اجتماعی دارای کارکردهای عمیق‌تری خواهد شد. این نقطه افتراق با روشنفکرانی

هست که تصور می‌نمایند برای رسیدن به جامعه‌ای مدرن لازم است دقیقاً از همان راهی عبور نمود که سایر جوامع عبور نموده‌اند، در حالی که عقل سلیم حکم می‌نماید برای عبور از این راه لازم است ابتدا به نتایج ناشی از عبور از این مسیر که در جوامع عبور نموده قابل بررسی است، پی‌برد و سپس با دریافت آنها، مسیری صحیح‌تر را انتخاب نمود. برای واگذاری و درک نتایج حاصل از کنارگذاشتن دین در این جوامع نیاز، به بررسی چندان عمیقی نیست، زیرا تحقیقات انجام شده توسط محققین همین جوامع به صراحت براشتباه بودن به حاشیه راندن دین دلالت می‌نماید. افزون شدن تعداد خودکشی‌ها، افزایش معتاد به مواد مخدر یا مشروبات الکلی که می‌تواند در تسکین موقت خلأهای معنوی مؤثر باشد، از هم پاشیدگی خانواده به عنوان مهم‌ترین رکن هر جامعه و نتایج فوق‌العاده منفی دیگر همگی سر منشأ در سیاستی اشتباه تحت عنوان حذف یا به حاشیه رانده دین در این جوامع دارد. امروزه حتی شاخه‌ای از علم روان‌شناسی تحت عنوان دین درمانی با وجود مخالفت علنی و پیگیرانه سیاستمداران منفعت‌طلبی که سود خود را در کنارگذاردن دین می‌دانند، در حال شکل‌گیری و رواج است. در این نوع درمان، پزشک با احیای امر فطری پرستش و ایجاد ایمان به عالم غیب و خالق متعال سعی در معنا بخشیدن به زندگی بیمار می‌نماید. بدین لحاظ نباید انتظار داشت که هیچ انسان عاقلی تأیید نماید که برای مدرن شدن لازم است که دین به حاشیه رانده شود.

در تفکر دینی، مدرنیته نوعی تحول است که در طی آن انسان با استفاده از ابزارهای مدرنی که قادر به گشودن راه‌های جدید برای شناخت خود هستند، به تفکر خود عمقی ژرف‌تر داده و با بهره گیری از آگاهی‌های افزوده شده، نه تنها از ایمان او کاسته نمی‌شود، بلکه بر اعتقاد او به وجود خالق هستی افزوده می‌شود. به عبارت دیگر اگر درگذشته تنها تعدادی از دانشمندان و محققین به دلیل برخورداری از دانش و آگاهی‌های بیشتر، دارای اعتقادات و ایمانی عمیق‌تر بوده‌اند، در عصر مدرنیته این برخورداری از دانش و آگاهی‌ها به دلیل عمومی شدن در کل جامعه رسوخ یافته و پیامد آن ایمانی قوی‌تر خواهد بود. براین اساس در عصر مدرنیته نه تنها از کارکردهای مسجد نباید کاسته شود، بلکه برای آن باید بر مؤثرتر شدن آن کارکردهای تأکیدی همه جانبه داشت.

اگر مطالب مذکور صحیح در نظرگرفته شوند، این موضوع با آن چه در مساجد در جامعه فعلی ما می‌گذرد، دارای تناقض است. به عبارت دیگر بر اساس آن چه در بالا آورده شده، در جامعه در حال‌گذر ایران لازم است مساجد دارای کارکردهای متعدد بوده و نیز دارای تأثیری فوق‌العاده بیشتری باشند؛ اما واقعیت خلاف این حقیقت است. این موضوع نه تنها سؤال‌برانگیز بوده، بلکه بسیار دغدغه‌انگیز نیز است. زیرا وضعیت مساجد در حال حاضر در واقع تأییدکننده نظر آنانی است که مُصر به صحت این موضوع هستند که در جوامع مدرن، مساجد تنها کانونی برای عبادات معدود پرستش‌کنندگان هستند. معدود شدن مراجعه‌کنندگان به مسجد و در واقع به حاشیه رانده شدن دین که با مقیاس دقیق تعداد پرستش‌کنندگان خالق متعال قابل اندازه‌گیری است، برای جامعه اسلامی بسیار خطرناک است، زیرا به واسطه وجود پایگاهی به نام مسجد بوده است که با وجود همه هجوم‌های متعدد در طول تاریخ هیچ‌گاه کیان جامعه اسلامی از بین نرفته و هر بار نیز توانسته است که اقوام مهاجم را در درون خود هضم‌کرده و ارزش‌های اسلامی را حفظ نماید.

پس چرا این‌گونه است؟ جواب اگر چه سخت و دردناک است، اما پاسخ‌گویی واجب است. جواب را به صورت ساده می‌توان این‌گونه بیان نمود: در جامعه فعلی ما سرعت حرکت به سمت مدرنیته بسیار سریع‌تر از حاکم شدن آموزه‌های دینی است. این موضوع به ویژه در مراکز آموزشی که پرورش دهنده نسل‌های بعدی است دارای تفاوت فاحش‌تری است، لذا به جای حاکم شدن آموزه‌های دینی و در نتیجه رواج ارزش‌های کاملاً منطبق بر جامعه مدرنیته غربی در حال حاکم شدن است. به عبارت دیگر باکمال تأسف باید اعلام نمود که این تصور غلط در حال جا افتادن در جامعه است که برای رسیدن به عصر مدرنیته باید از دینداری کاست و آن را محدود به زمان‌هایی خاص برای پرستش نمود. این تصور بسیار غلط نیز به این دلیل شکل‌گرفته و چون سرطانی کشنده در حال‌گسترش است که مساجد غیرفعال شده و هستند.

اعتکاف پیامبر اعظمﷺ در مسجد

▣ رضا مفاخری

اعتکاف چیست؟ معتکف کیست؟

اعتکاف از نظر لغوی، به معنای اقامت کردن و ماندن درجایی و یا ملازم بودن با چیزی است و در شرع مقدّس اسلام، یعنی: توقّف و اقامت در مسجد. معنای اصطلاحی «اعتکاف» توقّف در مسجد به قصد عبادت و تقرّب جستن به خداوند متعال است.[۱]

مطالعه در سیرهٔ انبیاء، ما را رهنمون می‌سازد به اینکه آنان اوقاتی را برای گسستن از خلق و ایجاد ارتباط خاص با خدای متعال صرف می‌کردند.

پیامبر اکرمﷺ نه تنها خود را بی‌نیاز از این سنّت الهی نمی‌دانست، بلکه اهتمام ویژه‌ای برای آن قایل بود. در روایات آمده است:

«کان رسول الله اذا کان العشرُ الاواخر اعتکاف فی المسجد و ضُربت له قُبّةٌ مِن شَعْرٍ و شمّرَ المئزر و طوی فِراشه».[۲]

در روایات دیگری سخن از قضای اعتکاف به میان آمده است:

«کانت بدر فی شهر رمضان ولم یعتکف رسول اللهﷺ فلما اَن کانَ مِن قابلٍ اعتکف عشرین عشراً لعامه و عشراً قضاءً لمافاته».[۳]

---

۱. تحریرالوسیله: ج ۱، ص ۳۰۴، «خاتمه فی اعتکاف».

۲. اصول کافی: ج ۱، ص ۳۰۴، ب «اعتکاف».

۳. همان، حدیث دوم.

چون حضرت در جنگ بدر، که در ماه رمضان واقع شده بود، موفق به اعتکاف نشد، در ماه رمضان سال بعد، ۲۰ روز معتکف شد؛ یک دهه برای سال قبل و یک دهه برای همان سال. از اینجا معلوم می‌شود اعتکاف چقدر نزد حضرت مهم بوده که حتی در صورت عدم امکان و موفق نشدن به اعتکاف، قضای آن را انجام می‌داده است.

در روایاتی آمده است که یک دهه اعتکاف در ماه رمضان معادل دو حج و دو عمره است.[۱]

«معتکف» کسی است که اعتکاف نموده است. این فرد باید در این مدت، روزها را روزه بگیرد و در تمام مدت، بدون عذر، مسجد را ترک نکند او باید هنگام اعتکاف، از کارهایی همچون امور جنسی، خرید و فروش، بوییدن گیاهان معطّر، مجادله و خودنمایی پرهیز کند. انسان درحال اعتکاف می‌تواند اوقات خود را به ذکر و یاد خداوند و نماز و تلاوت قرآن و یا کارهای مباح سپری کند.

پیشینهٔ تاریخی اعتکاف

با مطالعهٔ کتاب‌های گوناگون می‌توان گفت: اعتکاف از عبادت‌های مخصوص دین اسلام نیست و در ادیان گذشته نیز وجود داشته است. گرچه اطلاعات قابل توجهی را نمی‌توان در این زمینه یافت، اما علاّمه مجلسی در بحارالانوار از تفسیر تبیان نقل می‌کند که گفته شده است: حضرت سلیمان علیه‌السلام در مسجد بیت‌المقدّس به مدت یک‌سال و دو سال، یک ماه و دو ماه وکمتر و بیشتر اعتکاف می‌کرده است. آب و خوراک برای آن حضرت فراهم می‌شد و او در همان‌جا به عبادت می‌پرداخت.[۲]

بعضی از آیات قرآن از ریشه‌دار بودن اعتکاف در ادیان گذشته خبر می‌دهند:

﴿و عَهدِنا الی ابراهیمَ و اسماعیلَ اَن طَهّرا بیتی لِلطائفینَ و العاکفینَ و الرُّکَّعِ السُجُود﴾.[۳]

---

۱. من لایحضره الفقیه: ج ۲، ص ۱۸۸، ب «اعتکاف»، ح ۲۱۰۱.
۲. بحارالانوار: ج ۱۴، ص ۱۴۱.
۳. بقره: ۱۲۵.

و به ابراهیم و اسماعیل توصیه نمودیم تا خانه‌ام را برای طواف کنندگان و معتکفان و نمازگزاران تطهیر کنند. اگر «عاکفین» را به معتکفین تفسیر کنیم، می‌توانیم بگوییم: در زمان حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام نیز عبادتی به نام «اعتکاف» وجود داشته و پیروان دین حنیف گرداگرد کعبه معتکف می‌شده‌اند. به هر روی، برخی از مفسّران برآنند که از آیهٔ ۱۲۵ سورهٔ بقره می‌شود برداشت کرد: اعتکاف به عنوان یک عبادت، در دیگر ادیان الهی نیز وجود داشته است.[۱]

از قرآن استفاده می‌شود که حضرت مریم علیها السلام آن‌گاه که با فرشتهٔ الهی ملاقات کرد، از مردم به دور بود و در خلوت به سر می‌برد[۲] علاّمه طباطبائی در المیزان همین دوری حضرت راروی آوردن به اعتکاف و عبادت تفسیر می‌کند.[۳]

اعتکاف حتی در دوران جاهلیت نیز در میان مردم رایج بوده است.[۴] علاّمه حلّی در کتاب تذکرة الفقهاء به مشروعیت اعتکاف در ادیان پیشین تصریح نموده است.[۵] با توجه به بررسی‌های موجود و با عنایت به اسناد و شواهد می‌توان گفت پیش از اسلام، اعتکاف وجود داشته است و در قرآن به وجود اعتکاف تصریح شده است و همان‌گونه که گفته شد حضرت رسول اکرمﷺ عنایت ویژه‌ای به این امر داشت و این جزو سنّت پیامبر شناخته می‌شود، گرچه ممکن است در اسلام، برخی از احکام و شرایط آن تغییر یافته باشد. تأکید و اهتمام حضرت به این امر را می‌توان با مطالعه دربارهٔ چگونگی برخورد پیامبر با این سنّت اسلامی فهمید؛ زیرا هرگاه پیامبر و اولیای دین، که رسالت اصلی آنان تربیت و سازندگی انسان‌هاست، به برنامه‌ای اهمیت فراوان می‌دهند نشانگر آثار مثبت و سازندهٔ آن است. میزان اهتمام و توجه رسول اکرمﷺ به اعتکاف با توجه به مسئولیت بزرگ هدایت اجتماعی، که بر دوش آن حضرت بود، بیانگر اهمیت این مسئله است.

---

۱. اعتکاف سنتی محمدی: ص ۲۳.

۲. ﴿و اذکرهم فی الکتاب مریم اذ انتبذت من اهلها مکاناً شرقیاً فاتخذت من دونهم حجاباً فارسلنا الیها روحنا فتمثل لها بشراً سویاً﴾ مریم: ۱۶ و ۱۷.

۳. المیزان فی تفسیر قرآن: ج ۱۴، ص ۳۴ ـ ۳۵.

۴. صحیح مسلم: ج ۱۱.

۵. تذکرة الفقهاء: ج ۶، ص ۲۳۹.

همان‌گونه که گفته شد، آن حضرت در دهۀ آخر ماه رمضان، خیمه‌ای مویین در مسجد به‌پا می‌کرد و در آن‌جا معتکف می‌شد و با جدّیت کامل، به عبادت می‌پرداخت[۱] و هرگز پرداختن به این کار، برایش موردی و اتفاقی نبود، بلکه مکرّر آن را انجام می‌داد[۲] و مردم و مسلمانان نیز به‌همراه ایشان در این امر شرکت می‌کردند تا آنکه این عمل بین مسلمانان رواج پیداکرد و حتی حضرت به قضای اعتکاف نیز توجه داشت. یکی از ستون‌های مسجد پیامبر به‌نام «اسطوانة السریر» (ستون تخت)، که تا به امروز نیز معلوم و معین است، محل اعتکاف پیامبر بود. در کنار این ستون، تختی برای استراحت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داده بودند.[۳] در برخی نقل‌ها، ستون «توبه» نیز، که یکی از ستون‌های شناخته شدۀ مسجدالنبی است، به عنوان محل قرارگرفتن تخت پیامبر ذکر شده.[۴]

علاوه بر پیامبر صلی الله علیه و آله پیشوایان دین و امامان معصوم علیهم السلام نیز به شیوه‌های گوناگون بر اهمیت اعتکاف تأکید کرده و مسلمانان را تشویق نموده‌اند تا در این سنّت اسلامی از پیامبر خویش پیروی کنند برای مثال، امامان معصوم علیهم السلام در تفهیم اهمیت اعتکاف به مسلمانان، به مقایسۀ فضیلت اعتکاف با برخی اعمال دیگر پرداخته‌اند امام صادق علیه السلام می‌فرماید: ثواب زیارت امام حسین علیه السلام برابر است با ثواب یک حج و یک عمره و دو ماه اعتکاف در مسجد الحرام.[۵] این سخن و سفارش حضرت دلیل بر فضیلت اعتکاف است که با زیارت امام حسین علیه السلام برابری می‌کند.

متأسفانه این سنّت نبوی در یک مقطع زمانی خاص، به‌ویژه در زمان بنی‌امیه رو به تعطیلی کامل نهاد و به دست فراموشی سپرده شد. اما بحمدالله پس از پیروزی انقلاب اسلامی و عنایت ویژۀ مسئولان، بخصوص مقام معظّم رهبری، و با توجه به پیگیری‌های فراوان و البته اطلاع‌رسانی جامع به مردم، در حال حاضر، مراسم اعتکاف با شور و شوق وصف‌ناپذیری

---

۱. الکافی: ج ۴، ص ۱۷۵.
۲. صحیح مسلم: ج ۸، ص ۶۶ـ۶۸.
۳. اعتکاف سنتی محمدی: ص ۴۳.
۴. وفاء الوفا باخبار المصطفی: ج ۲، ص ۴۵۲.
۵. بحارالانوار: ج ۱۰۱، ص ۷۱.

در دو دهه اخیر انجام می‌شود. شور و اشتیاق نوجوانان و جوانان تحسین برانگیز است.

آنان برای تزکیهٔ نفس، احیای سنّت رسول اکرمﷺ، یاد خدا و تقّرب به او و پاکی از گناهان رنج اعتکاف و اجتناب از برخی امور حلال را برخود هموار می‌کنند.

انسان موجودی است که به فراخور طبع خویش و یا سراجبار، به اجتماعی زیستن تن داده است و این امر سبب می‌شود تا او همواره درگیرودار مسائل و مشکلات سنگین زندگی امروزی باشد.

این امر موجب می‌شود آفت «خدا فراموشی» و «خودفراموشی» در انسان رشد کند. بدین روی، انسان از نظر روحی و روانی نیازمند است که زمانی را به خلوت با خدا و خود اختصاص دهد و به پالایش درون و زدودن زنگارهای غفلت از دل بپردازد، غفلتی که لازمه طبیعی اجتماعی بودن انسان است. ادیان الهی با توجه به همین نیاز روحی، با آنکه انسان را به حضور در جامعه و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی فرا می‌خوانند، فرصت‌هایی را نیز برای خلوت نمودن با خدا پیش‌بینی کرده‌اند، و اعتکاف در مسجد یکی از این فرصت‌هاست.

پیامبر خدا در مراحل زندگی در قبل و بعد از مبعوث شدن به پیامبری، اوقاتی را به گسستن از مردم و ایجاد ارتباط ویژه با حق تعالی اختصاص می‌داد. ایشان با وجود عظمت روحی و رسیدن به کمالات عالی انسانی، خود را از اعتکاف و خلوت‌بینی آزاد نمی‌دانست و نسبت به‌آن اهتمام خاص داشت و حتی علاوه بر توجه خاص به بیان فضایل و پاداش بزرگ آن برای مؤمنان و تشویق آنان، به این عمل پرداخت و می‌فرمود: اعتکاف عشرفی شهر رمضان تَعِدلُ حَجَتین و عُمَرتین[1] یک دهه اعتکاف درماه رمضان، همچون دو حج و عمره است.

با توجه به زندگی ماشینی و زرق و برق بسیار و سرگرمی‌های فراوان عصر حاضر و روابط اجتماعی گستردهٔ انسان‌ها، تأکید و اهتمام بر نقش سازندهٔ اعتکاف ضرورتی دو چندان دارد زیرا اعتکاف خلوت مشروع و پسندیده‌ای است که زمینه را برای گسستن فرد از سرگرمی‌های پوچ فراهم می‌آورد و انسان را با خدا پیوند می‌دهد و از آفت خود بیگانگی می‌رهاند.

---

۱. وسائل الشیعه: ج ۷، ص ۳۹۷.

همگانی و ضروری بودن اعتکاف

اعتکاف عبادتی همگانی است و حتی شامل زنان و کودکان ممیز نیز می‌شود و آنها هم می‌توانند از این چشمهٔ جوشان فیض الهی و این فرصت استثنایی بهره‌مند شوند. شاید کسی بگوید: برخی از فقها «خانه» را مسجد زن می‌دانند،[۱] پس اعتکاف او نیز باید در خانه باشد. اما اولاً، نباید رابطهٔ اعتکاف را با مسجد رابطه‌ای جداگانه دانست. این رابطه‌ای قوی و جدایی‌ناپذیر است؛ زیرا از نظر مکان اعتکاف، محدودیت‌هایی وجود دارد که نظریهٔ معروف آن است که این عملی مستحب باید در یکی از مساجد چهارگانه (مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد کوفه، مسجد بصره) انجام گیرد و گروهی از فقها انجام آن را در مساجد جامع هر شهر و منطقه، به‌ویژه به قصد قربت و به امید اینکه ان شاءالله مطلوب درگاه الهی قرار گیرد، جایز دانسته‌اند و حتی برخی برآنند که اعتکاف در سایر مساجد نیز به قصد رجاء اشکالی ندارد.[۲] پس اعتکاف زنان نیز باید در مسجد باشد.

ثانیاً، این برداشت که اعتکاف زن در خانه باشد، مبتنی بر قیاس است که در فقه شیعه جایگاهی ندارد. از این رو، هیچ یک از فقهای شیعه اعتکاف زن را در خانه جایز نمی‌دانند.[۳] در صحیحهٔ حلبی به نقل از امام صادق علیه‌السلام، پس از ذکر برخی احکام اعتکاف آمده: اعتکاف المراة مثلُ ذلك[۴] اعتکاف زن مثل اعتکاف مرد است. ظاهر این روایت تشبیه دو اعتکاف در تمام مراحل احکام است پس همان‌گونه که برای مردان مستحب است، برای زنان نیز مستحب است. در واقع، حضور زن در مسجد نباید همراه با عوارض منفی باشد. حتی گاهی زنان پیامبر هم با آن حضرت در مسجد اعتکاف می‌کردند.[۵]

در سنن بیهقی آمده است: پس از وفات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز بعضی از زنان او به اعتکاف اهتمام داشتند.[۶] بدین روی، بهتر است امکان حضور زنان در مساجد برای اعتکاف فراهم

---

۱. همان: ج ۳، ص ۵۰۹.
۲. استفتای تلفنی نگارنده از دفتر مقام معظم رهبری (دام‌ظله‌العالی).
۳. جواهرالکلام: ج ۱۷، ص ۱۷۵.
۴. وسائل الشیعه: ج ۷، ص ۴۰۸.
۵. سنن ابی‌داود: ج ۲، ص ۳۳۴.
۶. سنن بیهقی: ج ۴، ص ۳۱۵.

شود، بخصوص در شهرهایی که چند مسجد جامع دارد تا آنان بتوانند با آرامش کامل، در آن‌جا به عبادت بپردازند. در مورد کودکان و نوجوانان نیز با توجه به اینکه بیشتر فقها عبادت‌های آنان را صحیح می‌دانند، جا دارد زمینهٔ شرکت آنان در این مراسم پرفیض فراهم آید. بی‌گمان، حضور نوجوانان در این مراسم، باعث تربیت و انس و رشد و ترقّی و بالندگی آنان خواهد بود؛ زیرا مراسم اعتکاف در دوران پیامبر، در دههٔ آخر رمضان صورت می‌گرفت که اگر در کشور عزیزمان نیز این‌گونه می‌بود، حضور جوانان در این مراسم، آن هم در ماه رحمت و فیض و برکت سبزتر بود، اگر چه آن‌گونه که اکنون نیز در روزهای ۱۳ و ۴ و ۱۵ ماه رجب این سنّت الهی برگزار می‌شود، باز هم شاهد برکات و نتایج ارزشمند آن هستیم.

اما به اعتقاد برخی از نویسندگان، برگزاری اعتکاف در ماه رجب یک نقیصه به‌شمار می‌آید؛ چنان که در برخی کشورهای اسلامی نیز این مراسم در ماه نزول قرآن برپا می‌شود که مبتنی بر پایه سنّت رسول خداﷺ است، و بهار اعتکاف را ماه رمضان می‌دانند؛ زیرا در این ماه، دل‌ها آماده‌تر است و برخی افراد از کارهای روزانهٔ خود نیز می‌کاهند و به عبادت مشغول می‌شوند. در این ماه، حتی آمار خلاف و سرقت و کارهای خلاف عفّت عمومی نیز به حداقل می‌رسد. برخی روایات فضیلت اعتکاف در ماه رمضان را بی‌ارتباط با شب قدر نمی‌دانند.[۱] امید است مراسم اعتکاف در ماه رمضان نیز همچون ماه رجب به‌گونه‌ای پرشور برگزار شود.

درخصوص بحث اعتکاف می‌توان گفت: انسان کامل از دیدگاه اسلام، باید دارای ویژگی‌های معینی در ابعاد فردی و اجتماعی باشد و عمل به وظایف اجتماعی با همهٔ ارزش و اهمیتی که دارد، به تنهایی انسان را به کمال مطلوب نمی‌رساند، بلکه ورود به عرصهٔ جامعه و فعالیت‌های اجتماعی هرگاه پشتوانه‌ای از ایمان و برخی ویژگی‌های خاص به همراه نداشته باشد، مایهٔ سقوط انسان به ورطهٔ تباهی و نابودی خواهد بود. اما پرداختن به مسئولیت‌های اجتماعی چنانچه دارای پشتوانه‌ای معنوی و برخاسته از پیوندی استوار با مبدأ هستی باشد، به خودی خود، ترقّی و رشد انسان را به دنبال دارد، علاوه برآنکه رنگ و بوی خدایی می‌گیرد و پرثمر و با برکت خواهد بود. از این‌رو، ادیان الهی پیوند و تقویت با خدا را از نظر دور نداشته‌اند.

---

۱. اعتکاف سنتی محمدی: ص ۴۵.

حضرت موسی علیه‌السلام با آنکه هدایت جامعه را بردوش داشت، اما برای خلوت به‌کوه طور می‌رفت و با خداوند نجوا می‌کرد. او در پاسخ به خدا، که چرا قومت را رهاکردی و به سوی من شتافتی، عرض کرد: پروردگارا! به سوی تو آمدم تا از من راضی شوی.[۱]

اعتکاف در مسجد برای مسلمان فرصتی است تا به فراخور توان و مشاغل اجتماعی‌اش، هر از گاهی برای مدتی از جامعه و مردم جدا شود و به درون روی آورد. معتکاف در فضای روحانی مسجد و دوران اعتکاف، فرصت می‌یابد با معبود خویش هرچه بیشتر انس بگیرد و پیوندش را با مبدأ هستی استوار سازد. اعتکاف زمینهٔ مناسبی است تا انسان به‌کاوش دربارهٔ انگیزه‌ها و روحیات خویش بپردازد در جهت رفع نقصان و تکامل آن بکوشد.

شروط و احکام اعتکاف

مراجع عظام شروطی برای اعتکاف مطرح می‌کنند:

معتکف باید عاقل باشد. پس دیوانه نمی‌تواند اعتکاف کند و اعتکافش مقبول نیست.

اعتکاف حتماً باید به قصد قربت و با اخلاص در مسجد صورت بگیرد.

معتکف باید روزها را روزه بگیرد و اگر نتواند یا نخواهد روزه بگیرد اعتکافش صحیح نیست. اقامت معتکف در مسجد نباید از سه روز کمتر باشد، اما زیادتر از سه روز مانعی ندارد و می‌تواند بیش از سه روز هم بماند.

اعتکاف در چهار مسجد معروف (مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد کوفه و مسجد بصره) یا در مسجد جامع شهر ممکن است.

الزاماً در هر شهر، یک مسجد جامع وجود ندارد. ممکن است شهر دارای چند مسجد جامع باشد. در این صورت، اعتکاف در هرکدام از آن‌ها صحیح است.

اعتکاف از آغاز تا پایان، در یک مسجد صورت گیرد.

معتکف باید از کسی که اجازه گرفتن از او لازم است اجازه بگیرد.

معتکف باید در مسجد بماند تا ایام اعتکاف سپری شود.[۲]

---

۱. طه: ۸۳ ـ ۸۴.

۲. آموزش فقه: ص ۲۴۳.

راه‌های گسترش اعتکاف

اگر بخواهیم یک کار دینی در جامعهٔ اسلامی گسترش پیدا کند باید اسباب و عوامل آن را فراهم کنیم و با مطالعهٔ دقیق، در رفع مشکلات آن کار بکوشیم. در این زمینهٔ توجه به چند نکته ضروری است:

۱ ـ نباید گرایش‌های جامعه روبه افراط و تفریط رود. در واقع، باید طرح همزمانی ابعاد فردی و اجتماعی دین در جامعه مطرح و بدان توجه شود. این مسئولیت خطیر به‌دوش مبلّغان دینی است؛ زیرا هرگاه مردم تنها به جنبهٔ اجتماعی یا فردی دین رو آورند، بهرهٔ مثبتی از دین نمی‌گیرند.

۲ ـ این مسئله باید برای مردم تبیین گردد و به آنها اطلاع داده شود که اعتکاف کار سهلی است. بی‌اطلاعی از احکام و شرایط اعتکاف موجب می‌شود برخی آن را دشوار و دست نیافتنی تصور کنند و حال آنکه گرچه اعتکاف با سختی‌ها و محدودیت‌هایی همراه است، اما کار دشواری نیست. نفس اطلاع پیدا کردن از هرکاری انسان را در مقابل آن کار آرام و متین می‌کند.

۳ ـ باید ابهامات موجود را زدود تا اعتکاف مساوی با رهبانیت و نیز مقایر با مسئولیت اجتماعی تلقی نشود.

به‌نظر می‌رسد اگر قرار است اعتکاف جایگاه خود را پیدا کند باید تمام نهادها دست به دست هم دهند و مشکلات موجود در این زمینهٔ بخصوص کمبود جا برای معتکفان حل شود.

۴ ـ همیاری و همکاری دستگاه‌های دولتی برای شرکت نیروهای‌شان در این عمل عبادی ضروری می‌نماید؛ چراکه با شرکت آنان در این مهم، علاوه براین‌که خود در کوی دوست سکونت می‌گزینند، روح جامعه را سبز می‌کنند، با بندگان صالح هـمنشین مـی‌شوند و با دل به خدا دادند و در میان مردمند مجالست می‌کنند، در ضمن عمل آنان در اجـتماع و در برخورد با همنوع و ارباب رجوع تأثیری شگرف دارد و بر حسن عمل آنان و افزایش وجدان کاری‌شان می‌افزاید.

نتیجه

انسان موجودی است آمیخته از روح و جسم و هر یک از دو بعد انسان برای خود، نیاز به پرورش دارد. برای بعد روحی انسان، که به اعتقاد برخی از تحلیلی‌گران جزو مهم‌ترین بعد انسانی است. عبادت، توجه و سکوت تشریع شده است. تنوّع در عبادات به‌دلیل نیازهای گوناگونی است که این بعد دارد و اصولاً هر بخش نیازی را برطرف می‌کند؛ مثلاً، خمس و صدقه روح ایثار در انسان میدمد و از وابستگی او به مال و منال دنیا می‌کاهد. اعتکاف نیز که آمیخته با چند عبادت است، هم توجه دارد، هم سکوت، هم روزه... .

اعتکاف بی‌شباهت با جهاد نیست. شرکت در اعتکاف همچون شرکت در جهاد است؛ چراکه همراه با مراعات آداب و شرایطی است که در حقیقت، برای ورود به عرصهٔ جهاد اکبر و مبارزه با نفس لازم است؛ همان که از جهاد با دشمن خارج به مراتب سخت‌تر است.

این عبادت از برخی جنبه‌های اجتماعی نیز برخوردار است. روشن است که یکی از راه‌هایی که به حرکت «اعتکاف» رشد و غنا می‌بخشد تدوین نوشته‌های سودمند و سخنرانی‌ها و موعظه‌ها و جلسات اطلاع‌رسانی به نسل جوان در این مدت است.

فهرست منابع و مأخذ

۱ . قرآن‌کریم.

۲ . اعتکاف سنّتی محمّدی، رحیم نوبهار، قم، عمران مساجد.

۳ . آموزش فقه، محمّد حسین فلاّح‌زاده، قم، الهادی.

۴ . بحارالانوار، محمّدباقر مجلسی، چ دوم ۱۳۶۶، تهران، اسلامیه.

۵ . تحریر الوسیله، امام خمینی، قم، اسماعیلیان.

۶ . تذکرة الفقهاء، یوسف بن مطهّر حلّی، قم، آل‌البیت، ۱۴۱۵ ق.

۷ . جواهرالکلام، محمّد نجفی، قم، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۶۷ .

۸ . سنن ابی‌داود، ابوداود سلیمان بن اشعث السجستانی، بیروت ، داراحیاء النبویه.

۹ . سنن بیهقی، احمد بیهقی، بیروت، دارالمعرفة.

۱۰ . سیمای مسجد، رحیم نوبهار، چ دوم، قم، نهضت، ۱۳۷۶ .

۱۱ . صحیح مسلم، مسلم بن حجّاج نیسابوری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ ق .

۱۲ . العروةالوثقی، سید محمّد کاظم طباطبائیﷺ، وجدانی.

۱۳ . الکافی، محمّد بن یعقوب کلینی، بیروت، دارالاضواء.

۱۴ . مجله مسجد، سال داوزدهم، ش ۷۵ اسفند ۸۲ .

۱۵ . من لایحضره الفقیه، محمّد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم، نشر اسلامی.

۱۶ . المیزان فی تفسیرالقرآن، سید محمّد حسین طباطبائی، چ دوم ۱۳۹۰، بیروت، موسسه اعلمی.

۱۷ . وسائل الشیعة، محمّدبن حسن عاملی، چ ششم ، تهران، اسلامیه.

۱۸ . وفاء الوفاء باخبار المصطفی، علی بن احمد سمهودی، چ چهارم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴ ق .

مسجد و گفت‌وگوی پیامبر اعظم ﷺ با نمایندگان ادیان

▣ محمد رضایی

مقدمه

خلق و خوی پیامبر رحمت، حضرت محمد بن عبدالله ﷺ، بر هیچ حقیقت پویی پوشیده نیست. او زحمات و مشقات طاقت فرسایی را متحمل شد تا اسلام به‌طور بایسته و شایسته و آن‌گونه که خواست خداست، به مردم معرفی شود.

اکنون که رهبر حکیم و فرزانهٔ انقلاب، خلف صالح معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای ـ مدظله العالی ـ با نام‌گذاری سال ۱۳۸۵ شمسی به‌نام پیامبر اعظم ﷺ در داخل و خارج کشور، داغی بر دل سنگ‌دلان و کوته‌فکران و کج‌اندیشان و دشمنان اسلام ناب محمدی، که قصد تخریب چهرهٔ محبوب پیامبر اعظم ﷺ و اسلام را داشتند، نهادند و نیرنگ‌های احمقانهٔ آنها را برملا ساختند، بجاست به‌خاطر این نام‌گذاری مبارک مقالی هرچند کوتاه تحت عنوان «**مسجد و گفت‌وگوی پیامبر اعظم با نمایندگان ادیان**» در پاسخ به ندای معظم‌له ارائه نماییم.

جایگاه مسجد در سخنان خداوند و گفتار ائمه اطهار علیهم‌السلام

خداوند منان می‌فرماید مسجد خانه خداست.[۱] و در روایات است که «**المساجد مجالس الانبیاء**»[۲] و «**المساجد بیوت المتقین**»[۳] و هم‌چنین خداوند تبارک و تعالی کسانی راکه مؤمنان را از ذکر یاد خدا در مساجد باز دارند جزء ستمکاران قلمداد می‌کند و می‌فرماید: «**و من اظلم ممن منع مساجد الله ان یذکر فیها اسمه و سعی فی خرابها...**» و در ادامه،کیفر این ستم‌کاران را خواری در دنیا و عذاب الهی در آخرت معرفی می‌نماید: ﴿**لهم فی الدنیا خزی و لهم فی الاخره عذاب عظیم**﴾.[۴]

از سوی دیگر ساختن و آباد نگاه داشتن مسجد تنها در صلاحیت مؤمنان خدا قرار دارد: «**انما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الاخر**»[۵] و در روایت، مسجد به عنوان محل دعا و بازگشت به سوی خداوند در طوفان حوادث و غم‌های طاقت فرسا معرفی شده است.[۶] مسجد برترین و گرامی‌ترین مکان زمین است و دوست‌داران و اهالی مسجد نزد خداوند گرامی‌اند.[۷] مسجد حتی مؤمنان نمازگزار و دوست‌داران خود را می‌شناسد و در فراقشان، از عمق دل، ناله می‌کند.[۸] مسجد نه تنها محل عبادت و ذکر خداوند است، بلکه مکان نشر معارف بلند آسمانی است.[۹] خداجویان و حق‌طلبان،گوهرگران‌بهای آشنایی با دین و فهم آن را در این مرکز مقدس می‌آورند. و دین را به ـ معنای واقعی ـ از زبان روحانیان دین‌باور فرا می‌گیرند. زمزمهٔ آیات جانفزای قرآن، آگاهی برگوشه‌ای از رازهای پنهان کلام الهی، و تفسیر و تبیین معارف و احکام آسمانی در این جایگاه والا صورت می‌پذیرد. مسلمانان علوم گوناگون اسلامی از قبیل فقه، حدیث، تفسیر، عرفان و حتی تاریخ، سیاست و مسائل اجتماعی و فرهنگی

---

۱. نور: ۳۶.
۲. مستدرك الوسائل: ج ۳، ص ۳۶۳، ب ۳، از ابواب احکام المساجد.
۳. همان، ص ۳۶۲.
۴. بقره: ۱۱۴.
۵. توبه: ۱۸.
۶. وسائل الشیعه: ج ۵، ص ۲۶۳.
۷. همان: ص ۳۴۴.
۸. داستان ستون حنانه و نالهٔ وی در فراق پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله / صحیح بخاری: ج ۴، ص ۱۳۷.
۹. وسائل الشیعه: ج ۳، ص ۴۸۰.

را در این مکان مقدس می‌آموزند.[۱] بنابراین، واضح و مبرهن است که مسجد در اسلام، محور تمام کارهای مهم، اعم از عبادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است.

بنیان‌گذار بزرگ انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی‌ﷺ می‌فرماید:

«این مسجد الحرام و مساجد در زمان رسول اکرمﷺ مرکز جنگ‌ها، سیاست‌ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده. این‌طور نبوده که در مسجد پیغمبر همان مسائل عبادی نماز و روزه باشد، مسائل سیاسی‌اش بیشتر بوده است. اسلام می‌خواهد مردم آگاهانه برای مصالح خودشان و مصالح مسلمین در آنجا (مساجد) فعالیت کنند».[۲]

با توجه به محوریت مسجد در تمام امور، رهبر حکیم و فرزانهٔ انقلاب اسلامی نهاد مستقلی را برای رسیدگی به امور مساجد تحت عنوان همین نام تأسیس کرده‌اند.

علت نام‌گذاری مسجد

علت نام‌گذاری «مسجد» به این نام، آن است که جایگاه سجده و تواضع در پیشگاه خداوند تبارک و تعالی است. سجده نماد بندگی و کرنش در برابر حق تعالی است و در میان تمام عبادت‌ها و حتی نسبت به دیگر اجزای نماز نیز از شرافت و برتری ویژه‌ای برخوردار است.[۳] گاه از مسجد به عنوان بیت‌الله هم یاد می‌شود.[۴] بدین روی مؤمنان در این مکان مقدس به ذات حق تعالی تقرب می‌جویند و با عبادت‌های خالصانهٔ خود، به سوی او رهسپار می‌شوند. در حقیقت، مسجد خانهٔ هدا، خانهٔ مردم و جایگاه گرد آمدن آنان برای بندگی معبود است. از این‌رو، قرآن کریم کعبه را خانه‌ای برای مردم می‌داند و می‌فرماید: ﴿**ان اول بیت وضع للناس للذی ببکة**﴾[۵]؛ قطعاً اولین خانه‌ای که برای مردم بنا شده، مکه است.

---

۱. سیمای مسجد: ج ۲، ص ۲۱ ـ ۲۲.
۲. صحیفهٔ نور: ج ۱۸، ص ۶۷.
۳. سیمای مسجد: ج ۲، ص ۳۰.
۴. نور: ۳۶؛ وسائل الشیعه: ج ۱، ص ۲۶۸.
۵. آل‌عمران: ۹۶.

اهمیت مسجد نزد خداوند منان

وجود مسجد در روی زمین، به ظهور اسلام منحصر نمی‌شود، بلکه این مکان مقدس پیش از تولد اسلام هم بر روی زمین وجود داشته و خدای تعالی زمین را از خانهٔ خود خالی نگذاشته است: «مسجد الاقصی» در بیت‌المقدس به دست حضرت سلیمان علیه‌السلام بنا نهاده شد و دیگر پیامبران الهی آن را تعمیر و تجدید بنا نمودند،[۱] و «مسجد الحرام» توسط دو پیامبر بزرگ الهی حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما‌السلام که براساس روایات حدود این مسجد توسط این دو پیامبر تعیین گشته است.[۲]

کارهای تبلیغاتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد، سرشار از مایه‌های معنوی و روحانی بوده. ایشان ابتدا شخصی که قصد هدایتش را داشت، روابط دوستانه برقرار می‌کرد و با عمل خود روح تواضع در برابر دیگران و خدمت به خلق را به او می‌فهماند و بعد با توجه به ویژگی‌های روحی و روانی او، با سخنانی کوتاه زمینهٔ گرایش وی را به اسلام فراهم می‌نمود.[۳]

مسجد به عنوان مقر اصلی پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله برای آموزش به تازه مسلمانان بود. علاوه بر اینکه ایشان تازه مسلمانان را به صورت انفرادی در مسجد آموزش می‌داد، گفت‌وگوهای علمی و فرهنگی نیز با نمایندگانی که از سوی قبایل و ادیان اعزام می‌شدن، انجام می‌داد. کانون اصلی این گفت‌وگوها و مذاکرات مسجد بود، هر چند برای سکونت و استراحت این نمایندگان مکانی در نظر گرفته شده بود[۴] و عده‌ای هم بنا به صلاحدید پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در منازل انصار اسکان داده می‌شدند.[۵] اما برای بعضی از نمایندگان مانند نمایندگان «ثقیف» به دلیل اقامت طولانی در درون مسجد، محل استراحت برپا نموده بودند.[۶]

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در کنار یکی از ستون‌های مسجد، که به «اسطوانه الوفود» (ستون هیأت‌ها) معروف است، این نمایندگان را به حضور می‌پذیرفت و با آنان به مذاکرات

---

۱. مقدمهٔ ابن خلدون: ج ۲، ص ۶۹۸ ـ ۷۰۴.
۲. وسائل الشیعه: ج ۳، ص ۵۴۱.
۳. سیمای مسجد: ج ۲، ص ۱۱۵.
۴. نظام الحکومة النبویه: ج ۱، ص ۴۴۵؛ تاریخ المدینة المنوره: ج ۱، ص ۲۳۵.
۵. نظام الحکومة النبویه: ج ۲، ص ۴۴۹.
۶. همان: ص ۴۴۷.

دینی و اجتماعی می‌پرداخت. البته این گفت‌وگوها جنبهٔ سیاسی هم داشت، ولی معارف اسلامی محور گفت‌وگوها بود. بدین روی این نمایندگان معمولاً به‌خاطر گرایش به اسلام، به مدینه می‌آمدند. اگرچه بعضی از این هیأت‌ها در حضور پیامبر اعظمﷺ و در کنار خانهٔ خدا به فخرفروشی می‌پرداختند و گفت‌وگوهایی برخلاف ادب و نزاکت بر زبان جاری می‌کردند و حتی گاهی درخواست مسابقات هنری ـ ادبی از پیامبر رحمت می‌کردند اما ایشان خلق و خوی عظیم خود، با حوصله و بردباری کامل، به سخنان آنان گوش فرا می‌داد.[۱]

۱ـ مذاکره با نمایندگان بنی‌تمیم

گروهی از رؤسا و برگزیدگان «بنی‌تمیم» که ده نفر بودند، پیش از ظهر وارد مسجد پیامبر اکرمﷺ شدند. به محض ورود، سراغ اسیران خود را گرفتند.[۲] مکان اسیران را به آنها نشان دادند و نمایندگان به حضور آنها رفتند و به مسجد برگشتند. پیامبر اکرمﷺ در آن روز، در منزل عایشه بود و بلال اذان اول را گفته بود. مردم منتظر بیرون آمدن پیامبرﷺ بودند. به محض ورود ایشان به مسجد، آن گروه خود را به پیامبرﷺ رساندند و شروع به صحبت کردند. پیامبر پس از اقامهٔ بلال، مدت کوتاهی ایستاد. آنها می‌گفتند: ما شاعر و خطیب خود را آورده‌ایم. پس سخن ما را گوش بده. پیامبرﷺ لبخندی زد و نماز ظهر را خواند و به منزل بازگشت. دو رکعت نماز خواند و بیرون آمد و در صحن مسجد نشست. آن هیأت به محضر پیامبر اعظمﷺ رسید، عطارد بن حاجب تمیمی را جلو آوردند. خطبه‌ای خواند. پیامبرﷺ به ثابت بن قیس فرمود: برخیز و جواب خطبه ایشان را بده ثابت برخاست با توجه به اینکه آمادگی قبلی نداشت، خطبه‌ای ایراد نمودند. وقتی ثابت نشست، آنها گفتند: ای رسول خداﷺ اجازه بده تا شاعرمان شعری بخواند. حضرت اجازه داد. زبرقان بن بدر بلند شد و ابیاتی سرود. پیامبرﷺ

---

۱. سیمای مسجد: ج ۲، ص ۱۱۶.

۲. المغازی: ص ۷۴۰ ـ ۷۴۲. قبیلهٔ «بنی‌تمیم» پیش از ورود به مدینه، با مأمور جمع‌آوری زکات، که از طرف پیامبرﷺ به آن نقطه اعزام شده بود. با خشونت رفتار کرده و حتی قصد کشتن او را نموده بودند که پیامبر اکرمﷺ سپاهی را به آن منطقه اعزام کرد و در این عملیات، تعدادی از افراد این قبیله به اسارت درآمدند که در مدینه نگه‌داری می‌شدند.

به حسان بن ثابت فرمود: پاسخ‌شان را بده. او برخاست و اشعاری سرود.[۱] پیامبر اکرم ﷺ فرمود: خداوند حسان را تا زمانی که از رسول خدا دفاع می‌کند، با روح القدس تأیید می‌کند.[۲] پیامبر اکرم ﷺ و مسلمانان از خطبهٔ ثابت و شعر حسان خوشحال بودند. نمایندگان با هم خلوت و مشورت کردند. یکی از آنها گفت: به خدا قسم! بدانید این مرد پیامبر است و از سوی خدا تأیید می‌شود و کارهایش رو به راه می‌گردد. خطیب او از خطیب ما فصیح‌تر و شاعر او از شاعر ما بهتر است.[۳] پس از آن نمایندگان «بنی‌تمیم» مسلمان شدند و پیامبر اعظم ﷺ جوایزی نیک به آن اعطا نمود.[۴] پیامبر اکرم ﷺ به نمایندگانی که می‌آمدند جوایزی هدیه می‌داد.

هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ جوایز را اعطا نمود پرسید: آیا کسی باقی مانده است گفتند: بچه‌ای است که مواظب بارها است. پیامبر ﷺ فرمودند: بنویسید تا جایزه‌اش را بدهم. آنها گفتند: پسرکی بی‌ارزش است. اما ایشان فرمود: بر فرض اینکه باشد، ولی به نمایندگی آمده است و حقی دارد.[۵]

۲ ـ گفت‌وگو با نمایندگان ثقیف

از دیگر هیأت‌های اعزامی که مذاکرات علمی و فرهنگی با پیامبر نمود، نمایندگان بنی‌ثقیف بودند. واقدی در توضیح این مذاکره می‌نویسد: هنگامی که آنان وارد مسجد شدند، مسلمانان گفتند: ای رسول خدا! آیا این‌ها که مشرکند می‌توانند وارد مسجد شوند؟ پیامبر اکرم ﷺ فرمود: زمین پاک است و چیزی آن را نجس نمی‌کند. پیامبر اعظم ﷺ دستور داد: سه سایبان در مسجد برای آنها ساخته شود. آنها در آن سایبان‌ها، شب‌ها تلاوت قرآن اصحاب پیامبر ﷺ را می‌شنیدند و شاهد عبادت‌های شبانهٔ آنان بودند و هنگام نماز، شاهد صفوف نماز مسلمانان، و به خطبه‌های پیامبر ﷺ گوش می‌دادند. اما نشنیدند که حضرت در ضمن خطبه، به رسالت

---

۱. اشعار در السیرة النبویه: ج ۴، ص ۲۱۰ ـ ۲۱۱؛ المغازی: ج ۲، ص ۹۷۷ ـ ۹۷۸.
۲. همان: ص ۹۷۹.
۳. المغازی: ص ۷۴۲ ـ ۷۴۶.
۴. السیرة النبویه: ج ۴، ص ۲۱۲.
۵. مغازی، واقدی، ترجمه دامغانی: ص ۷۴۵ ـ ۷۴۶.

خویش گواهی دهد. گفتند: محمد به ما دستور می‌دهد که به رسالت او گواهی دهیم، اما خودش در خطبه‌هایش، چنین نمی‌کند. وقتی این سخنان به گوش پیامبرﷺ رسید، فرمود: من اولین کسی هستم که در مورد رسالت خود گواهی داده‌ام. پس برخاست و خطبه‌ای ایراد نمود و به رسالت خویش گواهی داد. نمایندگان «ثقیف» چند روزی ماندند و نزد پیامبرﷺ رفت‌وآمد می‌کردند و حضرت آنها را به اسلام دعوت می‌کرد.

عبد یالیل، که بزرگ و سخنگوی آنها بود، گفت: آیا حاضرید پیمانی با ما ببندید که با پیمان‌نامه نزد قوم خود برگردیم؟ پیامبرﷺ فرمود: اگر به اسلام اقرار کنید بله، پیمان‌نامه هم می‌نویسیم، وگرنه پیمانی نمی‌نویسیم و صلحی هم بین من و شما نخواهد بود. عبد یالیل سئوالاتی پرسید.

الف) عقیدهٔ شما دربارهٔ «زنا» چیست؟ ما مردمی دور افتاده‌ایم و از آن چاره‌ای نداریم و کسی از ما نمی‌تواند در عزوبت به سر ببرد.

پیامبرﷺ فرمود: زنا از چیزهایی است که خداوند آن را بر مسلمانان حرام کرده و فرموده است: گرد زنا مگردید که کاری زشت و بد است.[۱]

ب) عقیده‌ات دربارهٔ «ربا» چیست؟ فرمود: ربا حرام است. عبد یالیل گفت: همهٔ اموال ما ربا است.

پیامبر اکرمﷺ فرمود: سرمایهٔ اصلی از آن شماست. خداوند می‌فرماید: ای مؤمنان! از خدا بترسید و آنچه از ربا باقی مانده است، رها کنید، اگر مؤمنید.[۲]

ج) عقیدهٔ شما دربارهٔ «شراب» چیست؟ می‌دانی که آن چکیدهٔ انگور است و ما را از آن چاره‌ای نیست.

فرمود: خداوند متعال آن را قاطعانه حرام نموده است. «همانا می‌و قمار و تیرهای قرعه کشی پلید و از عمل شیطان است. پس از آنها بپرهیزید».[۳]

---

۱. اسراء: ۳۲.
۲. بقره: ۲۷۸.
۳. مائده: ۹۰.

پس از این گفت‌وگو برخاستند و با هم مشورت کردند. عبد یالیل گفت: وای بر شما! چگونه پیش قوم خودمان برگردیم و حرمت این سه موضوع را بیان کنیم؟ به خدا قسم! «ثقیف» هرگز نمی‌تواند از می گساری و زنا دست بردارد. سفیان بن عبدالله به او گفت: ای مرد! اگر خداوند برای آنها ارادهٔ خیر فرموده باشد، از آنها خودداری می‌کنند. کسانی که اکنون با پیامبر ﷺ هستند قبلاً همین‌گونه بودند. اما صبر کردند و عادت‌های خود را ترک کردند.

از پیامبر ﷺ دربارهٔ بت «لات» سئوال کردند: نظر شما دربارهٔ الههٔ «لات» چیست؟ پیامبر اکرم ﷺ فرمود: باید ویران گردد. گفتند: هیهات! اگر آن الهه بداند ما چنین تصمیمی درباره‌اش گرفته‌ایم تمام خانوادهٔ ما را خواهد کشت. عمر بن خطاب گفت: وای بر تو، ای عبد یالیل! آن الهه سنگی است که نمی‌تواند بفهمد چه کسی او را می‌پرستد. عبد یالیل گفت: ای عمر! ما پیش تو نیامده‌ایم. در نتیجه، آنها مسلمان شدند و صلح کامل شد و خالد بن سعید صلح‌نامه را نوشت.

آنها از پیامبر خواستند که آنان را از نماز خواندن معاف گرداند. اما پیامبر ﷺ فرمود: دینی که در آن نماز نباشد خیری در آن نیست. گفتند: ای محمد! نماز می‌خوانیم و روزه هم می‌گیریم. سپس احکام و شرایع اسلام را آموختند و پیامبر اعظم ﷺ دستور داد بقیهٔ ماه رمضان را روزه بگیرند.[1] بی‌شک، اسلام آوردن نمایندگان، که به دنبال آنان، دیگر افراد قبیله هم مسلمان می‌شدند، کار ساده‌ای نبود و به سادگی به دست نمی‌آمد مگر با همت بلند و تلاش‌های سخت و پیگیرانه پیامبر اکرم ﷺ که تا نتیجهٔ مطلوب به دست نمی‌آمد. دست از کار و کوشش و تلاش برنمی‌داشت.

از ابن‌سعد نقل شده است که پیامبر اکرم ﷺ هر شب پس از نماز عشا، به دیدار نمایندگان قبیلهٔ «ثقیف»، که در مسجد سکونت داشتند، می‌آمد و با حالت ایستاده، آن قدر برای آنان صحبت می‌کرد که از شدت خستگی، پاهای مبارکش به درد می‌آمد.

---

۱. المغازی: ص ۷۳۳ ـ ۷۳۶.

۳ ـ گفت‌وگو با هیئت نمایندگان مسیحیان نجران

از دیگر هیأت‌های نمایندگی، که در مدینه به مسجد پیامبر اکرمﷺ آمدند و با آن حضرت مذاکرهٔ علمی نمودند، هیأت نمایندگی مسیحیان نجران بود. هنگامی که آنان وارد مسجدالنبی شدند، پیامبر اعظمﷺ نماز عصر را خوانده بود. هنگام فرا رسیدن وقت نماز مسیحیان، آنان در مسجد پیامبر نماز خواندند، در حالی که قبلهٔ آنها به سوی مشرق بود. عده‌ای از یاران پیامبر اکرمﷺ گفتند: ای رسول خدا! این مسجد شماست. اما پیامبر اکرمﷺ از کار آنها جلوگیری نکرد.

پس از نماز خواندن، گفت‌وگو شروع شد. آنها برای بیان «تثلیث» و سه‌گانگی خداوند، دلیل‌هایی بیان کردند. بیش از هشتاد آیه از اوایل سورهٔ آل‌عمران، که در اطراف این اعتقاد آنان سخن می‌گوید، در این استدلال‌ها بر پیامبر اکرمﷺ نازل شد. پیامبرﷺ این آیات را قرائت نمود و پس از آن از آنان خواست مسلمان شوند. دو نفر از بزرگان آنها گفتند: ما پیش از این، اسلام آورده‌ایم. پیامبر اکرمﷺ فرمود: شما مسلمان نیستید. اما آنها دوباره سخنان خود را تکرار کردند. پیامبر اکرمﷺ فرمود: شما دروغ می‌گویید. این باور که خداوند فرزندی داشته باشد و هم چنین پرستیدن صلیب و خوردن گوشت خوک با دین مبین اسلام سازگاری ندارد. آن دو نفر مجدداً پرسیدند: ای محمد پس پدر عیسی کیست؟ پیامبر اکرمﷺ پس از آن همه تلاوت قرآن کریم به آنها پاسخ نداد و پیامبر به فرمان خداوند تبارک و تعالی از آنان درخواست مباهله کرد. آنها گفتند: باید در این باره اندیشه کنیم.

عبدالمسیح، که رهبر و بزرگ آنان بود. گفت: به خدا قسم که محمد فرستادهٔ خداست. شما دیدید که اخبار پیامبر شما را چگونه و به روشنی بیان کرد. آیا می‌دانید که هیچ گروهی با پیامبری مباهله نکرده‌اند، جز اینکه نسل‌شان از روی زمین برچیده شده است. اگر از اسلام آوردن خودداری می‌کنید، دست کم مباهله هم نکنید و بر دین خود باقی بمانید و با محمد خداحافظی کنید و به سرزمین خود برگردید.

به محضر پیامبر اکرمﷺ رسیدند و گفتند: ای ابوالقاسم، صلاح دیدیم که با تو مباهله نکنیم. تو بر دین خود باش و ما هم بر دین خود. اما از میان یاران خود شخصی را که مورد قبول

شما باشد همراه ما بفرست تا در اختلاف‌های مالی بین ما حکم کند. ما از تو خشنود و راضی هستیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شب بیایید تا مردی قوی و امین همراه شما اعزام کنم.

عمر بن خطاب می‌گوید: من هیچ‌گاه مانند آن لحظه، ریاست را دوست نمی‌داشتم و امیدوار بودم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرا برای این کار انتخاب کند. ادای نماز ظهر در مسجد حاضر شدم. وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نماز ظهر را تمام کرد. به اطراف نگریست. من خود را در معرض چشمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار می‌دادم تا شاید مرا ببیند، اما پیامبر همچنان در حال جست‌وجو بود تا اینکه ابو عبیدهٔ جراح را مشاهده نمود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایشان را فرا خواند و فرمود: تو با آنان برو و در اختلاف‌هایی که بین آنها رخ می‌دهد به حق حکم کن.[۱]

---

۱. السیرة النبویه: ج ۲، ص ۲۳۲ ـ ۲۳۳.

بررسی تاریخی و فقهی حضور زن در مسجد در صدر اسلام

▣ علی‌اکبر گندمکار

در معیارهای ارزشی بین زن و مرد نوعی برابری در قرآن و روایات حاکم است و در مقامات معنوی تفاوتی بین‌شان نیست و در انسانیّت و ارزش‌ها از شرایط یکسانی برخوردارند. تنها ملاک برتری انسان‌ها بر همدیگر، به تقوا در معنای حقیقی وگستردهٔ آن است[۱] که امری اکتسابی بوده و ربطی به جنسیّت ندارد.

چنان‌که ربطی به نژاد، جغرافیا، سن، ثروت و زیبایی نیز ندارد. اسماء بنت عُمیس، که از نخستین زنان مهاجر در اسلام است وقتی از «حبشه» بازگشت، به دیدار همسران پیامبر صلی الله علیه و آله آمد. نخستین چیزی که پرسید، این بود: «آیا آیه‌ای دربارهٔ زنان نازل شده است؟» آنان پاسخ دادند: «خیر» اسماء خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده، عرض کرد: «ای رسول‌خدا! جنس زن گرفتار خسران و زیان است». رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چرا؟». گفت: «چون در قرآن فضیلتی همانند مردان برای زنان نیامده است». در این هنگام آیه ۳۵ سوره احزاب نازل شد که ده ارزش معنوی یکسان بین زن و مرد را مطرح نموده است.[۲] در سوره‌های دیگر نیز از ارزش‌های برابر بین زنان و مردان سخن به میان آمده است.[۳]

---

۱. حجرات: ۱۳.

۲. ر.ک: تفسیر نمونه: ج ۱۷، ص ۳۰۸.

۳. تحریم: ۵؛ نساء: ۳۵.

بنابراین، زن در کمالات و درک مدارج عالیه اخلاقی، هیچ تفاوتی با مرد ندارد. بلکه اسلام، زن را مانند مرد از روح کامل انسانی واراده و اختیار برخوردار می‌داند. لذا هر دو را در یک صف واحد قرا ر داده و در یک مسیر هدایت کرده است. قرآن کریم، گاه با خطاب‌های «یا ایُّها النّاسُ» و «یا ایُّها الّذینَ آمَنوُا» (بدون در نظر داشتن جنسیت) هر دو را مخاطب قرار داده و برنامه‌های تربیتی و اجتماعی را برای هر دو لازم دانسته است و گاه او را به صراحت در کنار مردان قرار داده است:

﴿... وَ منْ عَمِلَ صالحاً مِن ذکرٍ أو اُنثی و هو مؤمن فاولئك یدخلون الجنة...﴾.[۱]

هر کس که ایمان داشته باشد و عمل صالحی انجام دهد، مرد باشد یا زن، داخل بهشت می‌شود. در جایگاه تربیت و رشد انسانی جامعه، تردیدی نیست بانوان نقش تعیین کننده و بی‌بدیل دارند و زنان زیر بنای فضیلت‌های انسانی‌اند. در سخن کوتاه اما پر بار و آسمانی امام صادق علیه السلام آمده است: اکثر الخیر فی النساء[۲] بیشترین خیر و خوبی در وجود بانوان است. جلوه‌ای از این کلام آسمانی در سخنان امام رحمه الله این‌گونه آمده است: زن مربی جامعه است... سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن مبدأ همه سعادت‌ها باید باشد.[۳] عنصر تابناکی که زیر بنای فضیلت‌های انسانی و ارزشهای والای خلیفة الله در جهان است.[۴] اکنون اگر بپذیریم قشر عظیمی از جمعیت هر جامعه را زنان تشکیل می‌دهند، این سئوال مطرح می‌شود که آیا از نظر اسلام فضایل و آثاری که برای رفت و آمد به مسجد و حضور در آن ذکر شده، تنها مختص به مردان است یا اینکه زنان نیز می توانند از آثار و برکات خانهٔ خداوند بهره‌مند باشند. به عبارت دیگر آیا در زمان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و صدر اسلام، زنان در مساجد حضور می‌یافتند یا نه؟ و اگر رفت و آمد و حضور در مسجد داشته‌اند، شیوهٔ برخورد پیامبر صلی الله علیه و آله با این رفتار و حرکت اجتماعی زنان چگونه بوده است؟ در پاسخ اجمالی به این سئوال باید گفت:

---

۱. غافر: ۴۰؛ به همین مضمون: نساء: ۱۲۴؛ آل‌عمران: ۱۹۵ و ۱۹۰؛ نحل: ۹۷.

۲. وسائل الشیعة: ج ۱۴، ص ۱۱، ح ۱۱، باب ۳ من ابواب مقدمات النکاح و آدابه.

۳. صحیفه نور: ج ۶، ص ۱۸۵ ـ ۱۲۵.

۴. صحیفه نور: ج ۶، ص ۱۸۵ ـ ۱۲۵.

اسلام، زنان را تا جایی که حضورشان به فساد آلوده نشود، از شرکت در اجتماع نهی نمی‌کند، بلکه در بعضی موارد شرکت آنان را واجب می‌کند؛ مانند شرکت در مراسم حجِ واجب، که بر مرد و زن به یک اندازه واجب است و حتی شوهر هم حق جلوگیری از همسر خود را ندارد.[۱] از دیگر مواردی که اسلام، بر هر مسلمانی واجب دانسته و تفاوتی قایل نشده، تحصیل است. لذا می‌توان استفاده کرد، تحصیل برای زن، به همان اندازهٔ مرد واجب است. پیامبر اعظمﷺ در روایتی فرمودند:

«**طلب العلم فریضة علی کلّ مسلمٍ و مسلمةٍ**».[۲]

«طلب علم بر هر مسلمانی، اعم از مرد و زن واجب است».

در جهاد ابتدایی، شرکت زنان، پیرمردان، بیماران و خردسالان در جنگ لازم نیست. ولی در جهاد دفاعی اگر افراد به قدر کفایت به جبهه نروند، دفاع از هیچ کس ساقط نمی‌شود، و بر زنان، پیرمردان، بیماران و خردسالان نیز واجب است.[۳]

رسول گرامی اسلامﷺ با قید قرعه، زنانشان را با خود به سفرهای جهادی می‌بردند. بعضی از اصحاب نیز چنین می‌کردند.[۴] شرکت بانوان در نماز جمعه واجب نیست.[۵] اما بعد از حضور، واجب است آن را ادامه دهند و ترک آن جایز نیست. هم‌چنین زنان از تشییع جنازه منع نشده‌اند. در اخبار آمده است که وقتی زینب دختر بزرگ رسول اکرمﷺ وفات کرد، خواهرشان زهرای مرضیه علیها السلام و زنان مسلمان آمدند و بر وی نماز خواندند.[۶] شیخ حرّ عاملی، در کتاب وسائل الشیعه، روایات گوناگون را در این زمینه جمع‌آوری کرده است که شرایط و چگونگی شرکت زنان را در مسائل اجتماعی بیان می‌کند. وی از مجموع این روایات، به این نتیجه می‌رسد:

«برای زنان رواست که در مجالس عزا، ادای حقوق مردم، یا تشییع جنازه

---

۱. الخلاف: ج ۲، ص ۴۳۱؛ کتاب الحج، آداب الاحرام.
۲. بحارالانوار: ج ۶۷، ح ۱۴ و ج ۲، ص ۳۲، ح ۲۰؛ مستدرک سفینةالبحار: ج ۱۰، ص ۱۱۵.
۳. تحریرالوسیله: ج ۱، ص ۴۱۷ و ۴۸۵.
۴. صحیح بخاری: ج ۳، ص ۱۶۵ ـ ۱۶۴.
۵. وسائل الشیعة: ج ۷، ص ۳۳۷، باب ۱۸.
۶. همان: ج ۲، ص ۸۱۸ ـ ۸۱۷، ح ۱.

بیرون بروند و در این کارها شرکت کنند، همچنان‌که حضرت فاطمه علیها السلام و زنان ائمه اطهار علیهم السلام در آنها شرکت می‌کرده‌اند».[۱]

حضور زنان در مسجد در روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله

مطالعه روایات موجود در کتب حدیثی شیعه و عامّه ونیز دقّت در شواهد تاریخی گویای این حقیقت است که حضور بانوان در مسجد برای انجام دادن نماز جماعت در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله از مسلمات تاریخ است زیرا اسلام، نه مردان و زنان را خانه نشین کرده، ونه همه‌ی قیدوبندها را از پای‌شان گسسته است، درمقالهٔ حاضربرآنیم برای روشن شدن ابعاد مختلف این بحث، به تفصیل در این باره سخن بگوئیم:

الف) روایاتی که خانه را مسجدِ زن بیان کرده است.

ب) احادیثی که مسجد را متعلق به همهٔ مردم،اعم از زن و مرد دانسته است.

ج) احادیثی که بیانگر حضور زنان در نماز جماعات پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است.

د) شواهد تاریخی بر حضور زنان در مساجد برای اموری غیر از اقامه نماز.

هـ) بررسی نظریات فقهی فقهای اسلام در این باره.

و) شرایط حضور زنان در مساجد.

ز) آثار حضور زنان در مساجد.

الف) خانهٔ زن مسجد اوست

دسته‌ای از روایات، مسجدِ زن را خانه و منزل مسکونی‌اش دانسته‌اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«صلاة المرأة وحدها فی بیتها کفضل صلاتها فی الجمع خمساً و عشرین درجة».[۲]

---

۱. همان: ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۹، باب ۱۶.

۲. وسائل الشیعه: ج ۵، ص ۲۳۷، ح ۶۴۳۶؛ مکارم الاخلاق: ص ۲۳۳، باب نوادر نکاح، فصل ۱۰.

نماز فرادای زن در خانه‌اش، همچون نماز جماعت ۲۵ درجه فضیلت دارد. نیز فرمودند:

«اِنّ مساجد النساء البیوت، وصلاة المرأة فی بیتها افضل من صلاتها فی صُفتها و صلاتها فی صُفتها افضل من صلاتها فی صحن دارها و صلاتها فی صحن دارها افضل من صلاتها فی سطح بیتها».[۱]

«بهترین مسجدِ زنان خانه است و نماز در خانه، برتر از نماز او در ایوان است. نماز او در ایوان، برتر از نمازش در پشت بام خانه است. همانند این روایات در منابع عامّه نیز از پیامبرﷺ نقل شده‌اند».[۲]

امام صادقؑ در این باره فرمودند:

«خیر مساجد نسائکم البیوت».[۳]

«بهترین مساجد برای زنانتان خانه است».

نیز فرمودند:

«صلاة المرأة فی مخدعها افضل من صلاتها فی بیتها و صلاتها فی بیتها افضل من صلاتها فی الدار».[۴]

نماز خواندن زن در خانه، بلکه در اتاق عقب و اندرونی بهتر است. ام‌سلمه از قول رسول خداﷺ می‌گوید:

«خیر مساجد النساء قعر بیوتهن».[۵]

«بهترین مساجد برای زنان، اتاق‌های عقب خانه است».

بنابر روایتی، رسول خداﷺ به امام علیؑ فرمودند:

«یا علی! لیس علی النساء جمعة و لا جماعة و لا اذان و لا اقامة».[۶]

---

۱. من لایحضره الفقیه: ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۰۸۸.
۲. السنن الکبری: ج ۲، ص ۱۳۲ و ج ۳، ص ۱۳۱؛ سنن ابی‌داود: ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۷۰.
۳. من لایحضره الفقیه: ج ۱، ص ۳۴۷، ح ۱۰۸۸؛ تهذیب الاحکام: ج ۳، ص ۲۲۴، ح ۶۹۴.
۴. من لایحضره الفقیه: ج ۱، ص ۳۶۱، ح ۱۱۷۸۸؛ وسائل الشیعه: ج ۵، ص ۶۴۳۱، ۲۳۶.
۵. المستدرک للنیسابوری: ج ۱، ص ۲۰۹.
۶. الخصال: ص ۵۱۱، ح ۲؛ بحارالانوار: ج ۸۵، ص ۱۲۶، ح ۳.

«ای علی! برای زنان الزامی جهت شرکت در نماز جمعه و جماعت و گفتن اذان و اقامه نیست».

از مجموعه این روایات با قطع‌نظر از روایاتی که بعداً به آنها می‌پردازیم می‌توان این‌گونه استفاده کرد که خواندن نماز در خانه نسبت به مسجد، برای زنان بهتر است. امّا با تأمّل و تحلیل این‌گونه روایات چند نکته بدست می‌آید:

۱ ـ در روایات فوق معمولاً تلاش شده است تا به نحوی به مسئله عفاف بانوان اهمیت بدهند و در واقع در پی بیان این مطلب است که زن نباید در تیررس دید نامحرم نماز گذارد. پس اگر در مسجد، پرده و حائلی او را از دید نامحرم حفظ کند ملاک حکم رعایت شده و بنابراین نماز زن با حفظ حریم و حدود الهی، در مسجد افضل است، چنانچه نماز مرد چنین است.

۲ ـ راوی اولین حدیث از امام صادق علیه‌السلام «یونس بن ظبیان» است که نجاشی و شیخ طوسی رحمه‌الله، صاحب کتب رجالی، او را ضعیف شمرده‌اند.[۱]

۳ ـ دستهٔ دوم و سوم از روایات که بیان خواهد شد، و شواهد تاریخی و سیرهٔ پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله و حتّی فتاوای بسیاری از فقهای اسلام، بیانگر جواز حضور زن در مسجد است.

ب) روایات عام

در روایات زیادی درباب مسجد، واژه‌هایی وجود دارد که مستفاد از آن‌ها این است که مسجد، متعلق به همهٔ مردم اعم از زن و مرد است و اختصاص به گروهی ندارد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«**المسجد بیت کل مؤمن**».[۲]

مسجد خانهٔ هر مؤمنی است آن حضرت در بیانی دیگر مسجد را خانهٔ همهٔ متقیان و پرهیزکاران دانسته‌اند.

---

۱. رجال نجاشی: ص ۴۴۸؛ اختیار معرفة الرجال: ص ۲۰۹.

۲. کنزالعمال: ج ۷، ص ۶۵۰، ح ۲۰۷۳۶.

«انّ المساجد بیوت المتقین».[۱]

حضرت علی علیه‌السلام در مورد همسایه مسجد فرمود:

«لاصلاة لجار المسجد إلاّ أن یکون له عذر أو به علة، فقیل: و من جار المسجد یا امیرالمؤمنین علیه‌السلام قال من سمع النداء».[۲]

نماز همسایهٔ مسجد در خانه، نماز کامل وتمام نیست جز این که عذری داشته باشد. از امام علیه‌السلام سؤال شد که همسایهٔ مسجد چه کسی است؟ فرمودند: کسی که صدای اذان را بشنود. و نیز روایات متعددی که درآن‌ها واژهٔ «مَنْ مَشی» و «مَنْ أسَرج» آمده است. پیامبر اسلامﷺ فرمود:

«من مشی إلی مسجد من مساجدالله فله بکل خطوة خطاها...».[۳]

«کسی که به مسجدی از مساجد خدا برود برای هرگامی که برمی‌دارد تا به منزل برگردد ده حسنه برایش نوشته می‌شود و ده گناه از او برداشته و ده درجه ترفیع می‌یابد».

در روایت دیگر امام صادق علیه‌السلام فرمود:

«من مشی الی المسجد لم یضع رجله علی رطب و لایابس الاّ سبحت له الارض إلی الأرضین السابعة».[۴]

کسی که به سوی مسجد گام برمی‌دارد بر هیچ تر و خشکی قدم نمی‌گذارد مگر اینکه زمین تا طبقات هفتگانه‌اش برای او تسبیح می‌گویند. و در حدیثی پیامبرﷺ فرمود:

«بشر المشائین فی ظلم اللیل إلی المساجد بالنور التام یوم القیامة».[۵]

«بشارت بادکسانی راکه در تاریکی شب به مساجد می‌روند، در روز قیامت، از نوری فروزان و درخشنده در پیشاپیش خود برخوردارند».

---

۱. همان: ج ۷، ص ۶۵۹، ح ۲۰۷۸۵؛ نهج‌الفصاحة: ص ۵۹۶، ح ۳۰۸۳.
۲. دعائم الاسلام: ج ۱، ص ۱۴۸؛ بحارالانوار: ج ۸۰، ص ۳۸۱ و ۳۷۹.
۳. وسائل الشیعة: ج ۵، ص ۲۰۱، ح ۶۳۲۸؛ ثواب الاعمال: ص ۲۹۱.
۴. **من لایحضره الفقیه**: ج ۱، ص ۲۳۳، ح ۷۰۱.
۵. همان: ج ۱، ص ۲۳۹، ح ۷۲۰؛ سنن ابن‌ماجه: ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۷۸۱.

و دیگر روایاتی که به طور عام (اعم از زن و مرد)، تأکید و تشویق بسیاری به رفت و آمد به مساجد و حضور مستمر در آن و روشنایی بخشیدن به مساجد شده است.[۱]

ج) حضور زنان در نمازهای جماعت پیامبرﷺ و روایات دال بر جواز حضور

حضور بانوان در مسجد برای شرکت در نماز جماعت، بخصوص نماز جماعت صبح و عشائین، پشت سر پیامبرﷺ از مسلمات تاریخ است. کعبه اولین خانه‌ای است که برای عبادت مردم (اعم از زن و مرد) بناشد و عبادت‌کنندگان را به سوی خود جذب کرد:

﴿انّ اوّل بیتٍ وُضع للناس لَلّذی یبکة مبارکًا﴾.[۲]

مکه و مسجدالحرام، کامل‌ترین مصداق مسجد است تا آنجا که نماز فرادی در آن از نمازجماعت در خانه بهتر است و همین مسجد است که اولین نماز جماعت به امامت پیامبراکرمﷺ با حضور مردی چون علی بن ابی‌طالبؑ و بانویی چون حضرت خدیجهؑ در آن جا برگزار شد.[۳] در ذیل آیهٔ ۵۹ سوره احزاب که خداوند دستور می‌دهد:

«ای پیامبرﷺ به همسرانت و دخترانت و زنان با ایمان بگو: جلبابهای (روسری‌های بلند) خود را برخویش فرو افکنند، این کار برای اینکه شناخته نشوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند بهتر است».

از معصومؑ نقل شده است:

«سبب نزول آیه چنین بود که چون زنان برای شرکت در نماز جماعت مغرب و عشاء به مسجد می‌رفتند، جوانان بر سر راه آنان می‌نشستند و آنان را آزار می‌دادند و متعرّض ایشان می‌شدند. از این‌رو، پس از نزول آیه، زنان انصار با لباس سیاه و بلند و با حجاب کامل در نماز جماعت حاضر می‌شدند».[۴]

آیه و شأن نزول آن بیانگر نکته‌ای ظریف و حکیمانه است، و آن اینکه اسلام در رابطه

---

۱. من لایحضره الفقه: ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۷۱۶؛ شیخ طوسی، الامالی: ص ۱۳۹.
۲. آل‌عمران: ۹۶.
۳. حج، محسن قرائتی: ص ۷۹ ـ ۸۰.
۴. ر.ک: تفسیر قمی: ج ۲، ص ۱۹۶؛ تفسیر نورالثقلین: ج ۴، ص ۳۰۷.

با حضور زنان در مجامع فرهنگی علمی، اقتصادی، سیاسی و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی از طرف آنان، حتّی زمانی که مورد چشم چرانی و مزاحمت جوانان قرار می‌گیرند، با حکم خانه‌نشینی و ایجاد محدودیت با قضیه برخورد نمی‌کند، بلکه با ارائه طرح‌های مصونیت‌آفرین، راه را برحضور هر چه بیشتر آنان می‌گستراند. علاوه بر سخن فوق، شواهد تاریخی حاکی از حضور زنان در نماز جماعت رسول اعظمﷺ می‌باشد. امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند:

«**کن النساء یصلین مع النبیﷺ فکن یؤمرن أن لا یرفعن رؤسهن قبل الرجال لضیق الأزر**».[۱]

«زنان عقب مردان، نماز جماعت را با پیامبرﷺ به جا می‌آوردند و چون لباس مردان کوتاه بود به زنان دستور داده شده بود که پیش از مردان سر از سجده برندارند».

در برخی از روایات در منابع شیعه و سنّی آمده است که پیامبرﷺ در حال نماز چون صدای گریهٔ طفل را در صف زنان شنیدند، نماز را کوتاه خواندند تا مادرش سراغ فرزند رود [تا مبادا نگرانی در مادرش پیدا شود].[۲] نیز نقل کرده‌اند: رسول خداﷺ نماز صبح را در تاریکی می‌خواندند و زنان مؤمن پس از نماز در همان تاریکی برمی‌گشتند و به خاطر تاریکی، دیگران آنها را، و حتّی خودشان همدیگر را نمی‌شناختند.[۳] در روایتی می‌خوانیم:

«زن قریشی به نام «عاتکه بن زید» پیوسته در نماز جماعت مسجد النبی حاضر می‌شد، عمر از او خواستگاری کرد، او به این شرط که او را از نماز جماعت منع نکند، پذیرفت با عمر ازدواج کند، عمر هم با نارضایتی پذیرفت، بعد از مرگ عمر، وقتی زبیر از او خواستگاری کرد باز این شرط را مطرح نمود، زبیر هم به ناچار پذیرفت، و او به نماز جماعت می‌رفت...».[۴]

در زمان عمر، زنان به امامت سلیمان بن ابی خثیمه انصاری در رحبهٔ مسجد، نماز جماعت

---

۱. من لایحضره الفقیه: ج ۱، ص ۳۹۶، ح ۱۱۷۶؛ صحیح مسلم: ج ۴، ص ۱۶۱.
۲. وسائل الشیعه: ج ۵، ص ۴۷۰، ح ۷؛ مجمع الزوائد: ج ۲، ص ۷۴.
۳. صحیح بخاری: ج ۱، ص ۲۱۱.
۴. اسدالغابة: ج ۵، ص ۱۸۵؛ مسند احمد: ج ۱، ص ۴۰.

می‌خواندند چنان‌که مردان به امامت ابی بن‌کعب نماز جماعت برگزار می‌کردند، عثمان مردان و زنان را یک جا جمع کرد، ولی امیر المؤمنین علیه‌السلام در زمان خلافتش دوباره زنان و مردان را از هم جداکرد و شخصی به نام عرفجه با زنان نماز می‌خواند.[۱] دربرخی روایات از طریق شیعه و سنّی آمده است که وقتی زنان برای رفتن به مسجد اجازه خواستند، آنان را منع نکنید. برای نمونه، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«**لاتمنعوا النساء حظوظهن من المسجد إذا استأذنوكم**».[۲]

هرگاه زنان شما اجازهٔ رفتن به مساجد می‌خواهند، آنان را از بهره و نصیبشان از مساجد محروم نکنید و مانع نشوید. هم چنین آمده است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«**لاتمنعوا اِماء الله مساجد الله**».[۳]

«کنیزان خدا را از رفتن به مساجد خدا منع نکنید».

و نیز فرمود:

«**إذا استأذنت احدكم امرأته إلى المسجد فلايمنعها**».[۴]

هرگاه همسر یکی از شما اجازه رفتن به مسجد خواست نباید مانع وی شوید. عده‌ای چنین پنداشته بودند که زنان فقط هنگام روز مجاز به رفتن به مساجد هستند و در نمازهای مغرب و عشاء که با تاریکی شب همراه است، زنان نباید برای نماز به سوی مساجد خارج شوند لذا جهت مبارزه با این پنداشت غلط در بعضی روایات آمده است که هرگاه بانوان إذن حضور در مسجد را در شب هنگام خواستند، اجازه بدهید. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در دو بیان جداگانه می‌فرماید:

«**لاتمنعوانسائكم من الخروج الِى المساجد بالليل**».

«**إذا استأذن نسائكم باللیلالِى المسجد فأذنوا لهنّ**».[۵]

زنان خود را شب هنگام از رفتن به مساجد منع نکنید و چون اذن خواستند اجازه دهید.

---

۱. الطبقات الکبری: ج ۵، ص ۲۷ ـ ۲۶.
۲. صحیح مسلم: ج ۲، ص ۳۳ ـ ۳۲؛ صحیح بخاری: ج ۱، ص ۲۱۱؛ المستدرك: ج ۱، ص ۲۰۹.
۳. سنن ابی داود: ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۶۶ و ۵۶۵؛ مستدرك سفینة‌البحار: ج ۱، ص ۴۸.
۴. **مستدرك الوسائل**: ج ۳، ص ۴۴۶، ح ۹۵۹؛ صحیح مسلم: ج ۲، ص ۳۲.
۵. کنزالعمال: ج ۷، ص ۶۷۷، ح ۲۰۸۷۲؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳.

در شب که خوفِ بیشتر برای زنان است می‌فرماید: إجازه بدهید، پس در روز أولی است که مسجد بروند. مفاد این روایات آن است که زنان از فضایل و آثار معنوی مسجد محروم نشوند و چنانچه زنان بتوانند حجاب اسلامی و شئون زن مسلمان و عفاف را رعایت کنند، فضیلت نماز خواندن در مسجد برای زنان، همچون مردان است.

د) گواه تاریخ بر حضور زنان در مساجد در صدر اسلام برای اموری غیر از اقامه نماز

۱ ـ پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که ابوبکر غاصبانه بر تخت حکومت نشست، حضرت زهرا علیها السلام به مسجد رفتند و خطبه فدکیه را بیان فرمودند.[۱]

۲ ـ ابوجهل، عده‌ای از افراد بت پرست را جمع کرده بود که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجدالحرام در نماز به سجده می‌رود شکمبه گوسفندی را بر سر آن حضرت بیفکنند. این عمل ناجوانمردانه انجام شد. خبر به گوش حضرت فاطمه علیها السلام خردسال رسید با شتاب به مسجدالحرام رفت و آن را برداشت... .[۲]

۳ ـ سخنرانی حضرت زینب علیها السلام در مسجد اموی شام بوده است و امام زین‌العابدین علیه السلام و مردم اعتراض برحضور ایشان و سایر زنان در مسجد، ننمودند.

۴ ـ عن ابی‌عبدالله علیه السلام قال:

«و قال علیّاً صلوات الله علیه کان یقول: لااری الاعتکاف الا فی المسجد الحرام او مسجد الرسول او مسجد جامع و لا ینبغی للمعتکف ان یخرج من المسجد الالحاجة لا بد منها ثم لایجلس حتّی یرجع، و المراة مثل ذلك».[۳]

اعتکاف، یا در مسجد الحرام یا مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله یا مسجد جامع هر شهری منعقد می‌شود و سزاوار نیست معتکف از مسجد خارج شود مگر این که ضرورت باشد و وقتی کارش را انجام داد، بدون این که بنشیند برگردد. در ادامه حدیث می‌فرماید: و زنان مثل مردان هستند.

---

۱. ریاحین الشریعة: ج ۱، ص ۳۱۹؛ صحیح مسلم: ج ۴، ص ۱۶۲.
۲. صحیح بخاری: ج ۵، ص ۸.
۳. الکافی: ج ۴، ص ۱۷۶، ح ۲ و ص ۱۷۷، ح ۱.

پس معلوم می‌شود زنان هم می‌توانند به مسجد بیایندو معتکف شوند در روایتی آمده است: زنان پیامبر ﷺ گاه با آن حضرت درمسجد معتکف می‌شدند[۱] قرآن کریم هم می‌فرماید:

﴿ولاتباشروهنّ و انتم عاکفون فی المساجد﴾.[۲]

با زنان هنگام اعتکاف در مساجد، مباشرت نکنید. اگر زنان بیرون از مسجد باشند که این سخن معنا نمی‌دهد. بنابراین یا معتکفین با زنانشان معتکف بودند، یا زنان در مسجد به دیدار مردان می‌آمدند. در روایتی آمده است که:

«عن ابی‌عبدالله علیه السلام قال: وایّ امراة کانت معتکفة، ثم حرمت علیها الصلاة فخرجت من المسجد فطهرت فلیس ینبغی لزوجها أن یجامعها حتّی تعود الی المسجد و تقضی اعتکافها».

امام صادق علیه السلام فرمود:

«اگر زنی که در حال اعتکاف است،[بواسطه حیض] از نماز باز ماند و از مسجد بیرون رود و دوباره پاک شود، شایسته نیست همسرش با او نزدیکی کند تا این که زن به مسجد بیاید و اعتکاف خود را به پایان برساند».[۳]

۵ ـ تاریخ از وجود زن مسلمان سیاهپوستی به نام محجنه (ام‌محجن) در عصر رسول خدا ﷺ خبر می‌دهد که، خادمه و نظافتچی مسجد پیامبر ﷺ بوده است. ابوسعید می‌گوید: زنی سیاه چرده که مسجد را جارو می‌کرد، شبی وفات نمود. چون صبح شد، رسول خدا ﷺ را از مرگش با خبر ساختند، فرمود: چرا مرا از مرگ او آگاه نکردید؟ آن‌گاه پیامبر ﷺ با اصحابش بر قبر او حاضر شدند و آن حضرت کنار قبر ایستاد و تکبیر گفت و در حالی که مردم نیز پشت سرش بودند بر او نماز گزارد و برای او دعا کرد.[۴] طبق برخی روایات، حضرت فرمود: اینک او را در بهشت می‌بینم.[۵]

---

۱. سنن ابی‌داود: ج ۱، ص ۵۲۳، ح ۲۴۷۶.
۲. بقره: ۱۸۷.
۳. تهذیب الاحکام: ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۱۲۴۰؛ وسائل الشیعه: ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲۳۸۸.
۴. صحیح بخاری: ج ۱، ص ۱۱۹ و ۱۱۶، ج ۲، ص ۹۲.
۵. اسدالغابة: ج ۵، ص ۶۱۷.

۶ ـ حضرت رسول صلی الله علیه و آله وارد محراب امام جماعتی شد و چون محراب به آب دهان آلوده شده بود، با امام جماعت برخورد کرد. همسر امام جماعت از علت برخورد با شوهرش با خبر شد، از این روی آب دهان را از محراب پاک کرد. حضرت فرمود: شوهر را به خاطر خانمش بخشیدم.[۱] [لابد این خانم در مسجد بوده که مطلع شده، یا بعد از اطلاع، به مسجد آمده و در محراب حاضر شده و مورد اعتراض پیامبر صلی الله علیه و آله واقع نشده است].

۷ ـ قال ابوجعفر علیه السلام:

«اذا کان الرجل نائما فی المسجد الحرام او المسجد الرسول صلی الله علیه و آله فاحتلم فاصابته جنابته فلیتمم و لا یمر فی المسجد الاّ متیمماً حتّی یخرج منه ثم یغتسل و کذلك الحائض اذا اصابتها الحیض تفعل کذلك و لابأس ان یمرا فی سائر المساجد و لا یجلسان فیها».

امام باقر علیه السلام فرمود:

«اگر مردی درمسجد الحرام یا مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله به خواب رود و جنب شود، باید تیمم کند و با تیمم از مسجد گذر کند و خارج گردد، سپس غسل نماید. همین‌طور زن چنانچه در این دو مسجد حیض شود، این‌گونه عمل کند. اما در غیر از این دو مسجد بدون تیمم هم، می‌تواند خارج گردد».[۲]

۸ ـ اگر زن نباید مسجد برود، فاطمه بنت اسد با مسجد چه کار داشت و از آن مهم‌تر، دیوار خانه خدا هم شکافته شد.

۹ ـ از «مالك بن ضمره العنبری» روایت شده که می‌گوید: امیرالمؤمنین علی علیه السلام به من فرمود: آیا به مسجدی که در کنار خانه‌ات قرار گرفته است می‌روی؟ عرض کردم: یا امیرالمؤمنین، آن مسجدی است که زنان در آن نماز می‌گذارند. فرمود:

«ای مالک! آن مسجدی است که هرگز اندوهناکی در آن نماز و دعا نکرده است مگر این که خداوند، او را از آن اندوه رهایی بخشیده و حاجتش را برآورده نموده است...».[۳]

---

۱. مستدرك الوسائل: ج ۳، ص ۳۷۶، ح ۳۸۲۱.
۲. الکافی: ج ۳، ص ۷۳، ح ۱۴؛ تهذیب الاحکام: ج ۱، ص ۴۰۷، ح ۱۲۸۰.
۳. مستدرك الوسائل: ج ۳، ص ۴۴۵، ح ۳۹۵۶.

با این وصف در می‌یابیم که برای حضور زنان در مساجد، در عصر بنیانگذار نهضت اسلامی، گذشته از این که هیچ‌گونه منعی مشاهده نمی‌شود بلکه بدان نیز، همچون مردان مورد تأکید و ترغیب قرار می‌گیرند و تا آنجا پیش می‌روند که علاوه بر شرکت در مساجد عمومی، مساجد اختصاصی و مبارکی هم برای عبادت وتعلیم و تعلم ویژه خود بر می‌گزینند.

۱۰ ـ یکی از زنان مسجدی عصر پیامبر صلی الله علیه و آله، «نوله بنت اسلیم» است که در روز تغییر قبله در نماز جماعت مسجد بنی حارثه، شرکت داشته و ماجرای آن روز را چنین تعریف می‌کند:

«دو رکعت از نماز ظهر یا عصر را در مسجد بنی‌حارثه رو به قبلهٔ بیت‌المقدس خوانده بودیم که شخصی خبر آورد که رسول الله صلی الله علیه و آله به‌طرف بیت‌الحرام روی کرد، بلافاصله مردان به مکان زنان و زنان به مکان مردان تغییر محل داده و چرخیدند و دو رکعت دیگر را رو به بیت‌الحرام گزاردیم».[۱]

۱۱ ـ روایت وارد شده است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیرون مسجد بودند، دیدند که مردان و زنان باهم از مسجد بیرون می‌آیند، رو به زنان کردند و فرمودند:

«بهتر است صبر کنید ابتدا مردان بروند، سپس شما».[۲]

۱۲ ـ یکی از درهای مسجد النبی صلی الله علیه و آله به نام «باب النساء» است. اگر بنا بود زنان به مسجد نیایند، باب النساء مفهومی نداشت. در روایت آمده است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به یکی از درهای مسجد اشاره کردند و فرمودند: «**لو ترکنا هذا الباب للنساء**» خوب است این در را به بانوان اختصاص دهیم.[۳]

۱۳ ـ شواهد نشان می‌دهدکه تعلّم در مساجد، خاص مردان نبود. زنان مسلمان نیز مجاز بودند به مساجد بروند و به سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله گوش دهند وگاهی از آن حضرت سوال کنند. اگر احساس می‌شد زنان به هر دلیل، سخنان پیامبر را نشنیده‌اند پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را مجدداً موعظه و نصیحت می‌کرد.[۴]

---

۱. اسدالغابة: ج ۵، ص ۵۵۷.
۲. سنن ابی‌داود: ج ۲، ص ۵۳۳، ح ۵۲۷۲.
۳. سنن ابی‌داود: ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۱۷.
۴. تاریخ کتابخانه اهل مساجد: ص ۴۷.

۱۴ ـ در تواریخ نقل شده که در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله جایگاهی برای معالجه بیماران و مجروحان معین شده بود و پیامبر و یارانش در آنجا از بیماران عیادت می‌کردند واقدی می‌نویسد:

«در ماجرای جنگ احد، مردم در مسجد چراغ و آتش برافروخته بودند و خستگان و مجروحان را زخم‌بندی می‌کردند. به دنبال زخمی شدن سعد بن معاذ، پیامبر صلی الله علیه و آله ایشان را در خیمه «کُعیبه»، دختر سعد بن عتبه در مسجد پیامبر جای داد. این زن، زخمی‌ها را معالجه می‌کرده و از اشیاء گمشده و پراکنده، نگهداری می‌کرد».[۱]

۱۵ ـ نقل شده در یکی از روزها که امام علی علیه السلام وارد منزل می‌شود و همسرش فاطمه علیها السلام را نمی‌یابد، از منزل خارج، و به سوی مسجد روانه می‌گردد، در مسجد نماز می‌خواند و سپس مقداری شن در مسجد جمع نموده و به آن تکیه می‌دهد. پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام در حالی که حسنین؟ را به آغوش و دست ام‌کلثوم را در دست گرفته به مسجد می‌آیند، در مسجد، می‌بینند که امام علی علیه السلام همان‌گونه که بر شن‌ها تکیه داده بوده خوابش برده است. در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله پای مبارکش را روی پای مبارک امام علی علیه السلام گذارده و مقداری فشار می‌دهد و قال: «قم یا اباتراب [بلند شو ای ابوتراب]. در این حدیث مشاهده می‌شود که فاطمه زهرا علیها السلام به مسجد تشریف بردند درحالی که ضروری هم نبوده است.[۲]

هـ) بررسی فقهی حضور زن در مسجد

فقهای اسلام به خصوص شیعه با توجه به سه دستهٔ از روایات که بیان شد و نیز آیاتی از قرآن کریم، نسبت به حضور بانوان در مسجد، اختلاف‌نظر و فتوا دارند. عده‌ای هم‌چون علامه حلی رحمه الله، آمدن زنان به مساجد را مکروه دانسته و می‌فرماید:

«یکره للنساء الاتیان الی المساجد لمافیه من التّبرج المنهی عنه، قال الصادق علیه السلام: خیر مساجد نسائکم البیوت».[۳]

---

۱. الآداب الطیبة فی الاسلام: ص ۶۹؛ مغازی: ج ۱، ص ۳۸۶ و ۱۸۰.
۲. تهذیب الاحکام: ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۱۲۴۰؛ وسائل الشیعة: ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲۳۸۸.
۳. تذکرة الفقهاء: ج ۱، ص ۹۰.

و در کتاب نهایة الاحکام می‌گوید:

«**و هذا الحکم (رفتن به مسجد) مختص بالرجال دون النساء لانهن امرن بالاستتار...**».[۱]

عدهٔ کثیری از فقها گرچه حکم به کراهت حضور زن در مسجد نداده‌اند، ولی خواندن نماز در خانه را برای زنان، برتر شمرده‌اند.[۲] شهید اول می‌فرماید:

«**و یستحب للنساء الاختلاف الیها کالرجال و ان کان البیت افضل و خصوصاً لذوات الهیئات**».[۳]

هم‌چنین صاحب غنائم الایام می‌گوید:

«**و اما المرأة فصلاتها فی البیت افضل...**».[۴]

این دو گروه از فقها، دلیل خود را، توجه نمودن به آیات قرآن و احادیث معصومان علیهم‌السلام[۵] مبنی بر ممنوع بودن تبرّج (آشکار شدن در برابر دیدگان مردم) برای زنان و دستور شرع مقدّس بر اهمیت حفظ عفاف و رعایت حجاب وعدم اختلاط زنان و مردان، و نیز جلوگیری از وقوع در فتنه و مفاسد اجتماعی و اخلاقی ذکر کرده‌اند.[۶] برخی دیگر از فقهای شیعه نه‌تنها جواز را، بلکه استحباب را در حضور و نماز خواندن زن در مسجد دانسته‌اند.

مرحوم محقق اردبیلی می‌گوید:

«گرچه بنا بر برخی روایات، فضیلت حضور در مسجد، مختص مردان است، لکن با توجه به دیگر روایات، و ضعفی که در سند روایت یونس بن ظبیان وجود دارد، می‌توان گفت که **ومع ذلك لایبعد الاستحباب اذا کن لایراهن احد و لا یرونه مع عدم مفسدة اخری**».[۷]

---

۱. نهایة الاحکام: ج ۱، ص ۳۵۳.

۲. جواهرالکلام: ج ۱۴، ص ۱۵۰ ـ ۱۴۹؛ الدروس: ج ۱، ص ۱۵۵؛ الشیخ لطف‌الله الصافی، هدایةالعباد: ج ۱، ص ۱۲۰، مسئله ۷۱۲؛ السید الگپایگانی قدس‌سره، هدایة العباد: ج ۱، ص ۱۳۹، مسئله ۷۱۲.

۳. الدروس: ج ۱، ص ۱۵۵.

۴. غنائم الایام: ج ۲، ص ۲۱۲ ـ ۲۱۰.

۵. تهذیب الاحکام: ج ۳، ص ۲۴۴، ح ۶۹۴؛ احزاب: ۳۹ و ۵۹؛ نور: ۳۱.

۶. تذکرة الفقها: ج ۱، ص ۹۰؛ نهایة الاحکام: ج ۱، ص ۳۵۳؛ جواهرالکلام: ج ۱۴، ص ۱۵۰ ـ ۱۴۹؛ غنائم الایام: ج ۲، ص ۲۱۲ ـ ۲۱۰.

۷. مجمع الفائده: ج ۲، ص ۱۵۹؛ الدروس: ج ۱، ص ۱۵۵.

امام خمینی‌ؒ نیز فرموده:

«برای زن‌ها نماز خواندن در خانه، بلکه در صندوق خانه و اطاق عقب بهتر است، ولی اگر بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند بهتر است در مسجد نماز بخوانند».[۱]

حتی برخی از فقهای معاصر می‌فرمایند:

«برای زن‌ها در صورتی که خود را از نامحرم به خوبی حفظ کنند بهتر است نماز را در مسجد بخوانند و اگر راهی برای یادگرفتن مسائل اسلامی جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد، واجب است به مسجد بروند».[۲]

نیز بنابر کتب فقهی یکی از مسائل شرعیه بانوان آن است که زن در حال عادت ماهیانه نمی‌تواند مسجد برود. پیامبر هم فرمود:

«**انّ المسجد لایحلُّ لجنبٍ و لاحائض**».[۳]

اگر بنا بود زنان اصلاً مسجد نروند چرا فرموده‌اند، در ایام عادت نروند. بنابراین مفهوم حدیث و مفهوم فتوای مراجع عظام تقلید این است که وقتی عذر شرعی ندارند، می‌توانند به مسجد بروند.[۴] در باب احکام محرمات جنب و حائض آمده است که برای این دو، حرام است رفتن در مسجد الحرام و مسجد پیغمبرﷺ اگر چه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود، و نیز توقف در مساجد دیگر، ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد.[۵] دلایل قائلان به جواز و استحبابِ حضور بانوان در مسجد، همان شواهد تاریخی بر حضور این قشر از جامعه در نمازهای جماعت پیامبرﷺ و نیز عمومات و اطلاقات روایاتی است که بیانگر ترغیب و تشویق بر رفت و آمد به مسجد

---

۱. امام خمینی‌ؒ، توضیح المسائل: م ۸۹۴.
۲. ناصر مکارم شیرازی، رسالهٔ توضیح المسائل: م ۸۱۷.
۳. کنزالعمال: ج ۷، ص ۶۶۸.
۴. امام خمینی‌ؒ، توضیح المسائل: م ۴۵۰.
۵. همان، مسئلهٔ ۳۵۵.

و بهره‌مندی از فضایل مسجد برای انسان، قطع نظر از جنسیّت آن است.[۱] علاوه براین که، فقهای متقدم و متأخر و نیز معاصر، حضور زنان را هم‌چون مردان، در مسجد الحرام و مراسم عبادی، اجتماعی و اخلاقی سیاسی نماز جمعه،[۲] اعتکاف و حج جایز شمرده‌اند.[۳]

و) شرایط حضور زنان در مساجد

فقهای اسلام، اتفاق نظر دارند که حضور زنان در مساجد، جایز است. [جواز بالمعنی الأعم] اینک، باید دید آیا این حضور شرایطی هم دارد یانه؟ در پاسخ بایدگفت: شرع مقدس آداب و دستوراتی بیان کرده که اهمّ آن‌ها عبارتنداز:

۱ ـ استفاده نکردن از بوی خوش

یکی از آداب مسجد، زینت کردن به هنگام مسجد رفتن است. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد﴾.[۴]

«ای فرزندان آدم، هنگام رفتن به مسجد زینت خود را برگیرید».

آنچه از کتب‌روایی و تفسیری در تفسیرکلمهٔ «زینت» استفاده می‌شود این است که «زینت» در آیهٔ شریفه، هم شامل آراستگی ظاهری می‌شود وهم شامل آراستگی باطنی و درونی و ذکر مصادیق در روایات از قبیل: پوشیدن لباس نیکو یا شانه کردن، و استعمال عطر و بوی خوش در نماز و مسجد، جنبهٔ تعیینی ندارد و این‌ها از مصادیق زینت هستند.[۵] درکتب فقهی هم آمده است:

«**یستحب التطیب و لبس الثیاب الفاخر عند التوجه الی المسجد**».[۶]

---

۱. مجمع الفائدة: ج ۲، ص ۱۵۹؛ کشف الغطاء: ج ۱، ص ۲۱۴.
۲. جواهرالکلام: ج ۱۱، ص ۲۷۰ ـ ۲۶۸؛ کشف اللثام: ج ۴، ص ۲۸۰ ـ ۲۷۹.
۳. مستند الشیعة: ج ۱۰، ص ۵۴۶؛ جواهرالکلام: ج ۱۷، ص ۲۲۸ و ۲۱۲ ـ ۱۸۴؛ المغنی: ج ۳، ص ۱۲۷ و ۱۲۶.
۴. اعراف: ۳۱.
۵. ر.ک: تفسیر المیزان: ج ۸، ص ۷۹؛ تفسیر عیّاشی: ج ۲، ص ۱۴ ـ ۱۳؛ اصول کافی: ج ۶، ص ۵۱۷، ح ۷ و ص ۵۱۰، ح ۷.
۶. عروة الوثقی: ج ۱، ص ۶۰۰.

«مستحب است به هنگام رفتن به مسجد، از بوی خوش و لباس‌های نیکو استفاده شود».

اما همین امر مستحب که برآن، این‌قدر تأکید شده است، در مورد بانوان نباید به گونه‌ای باشد که تحریک‌کننده و باشئون آنان مخالف باشد. رسول خداﷺ فرمود:

«**اذا شهدت احداكنّ المسجد فلاتمس طيبًا [فلاتطيّب تلك الليلة]**».[۱]

هنگامی که یکی از شما زنان قصد مسجد کرد، نباید از بوی خوش استفاده کند. نیزﷺ فرمودند: هرگاه زنی خود را خوش بو کند، سپس به سوی مسجد برود نمازش قبول نمی‌شود تا آنکه آن بوی خوش را برطرف کند.[۲]

۲ ـ عدم اختلاط زن و مرد در مسجد

حضور زنان در مسجد آثار و ثواب بسیار دارد، ولی نباید زمینه‌ای برای اختلاط فراهم آید. در روایت آمده است که روزی رسول خداﷺ در بیرون مسجد بودند، دیدند که مردان و زنان با هم از مسجد بیرون می‌آیند. رو به زنان کردند و فرمودند: بهتر است صبر کنید ابتدا مردان بروند، سپس شما.[۳] هم چنین روزی حضرت به یکی از درهای مسجد اشاره کردند و فرمودند: خوب است این در را به بانوان اختصاص دهیم.[۴] و بدین ترتیب درِ آمد و شد زنان به مسجد را از مردان جدا ساختند.

۳ ـ پرهیز از سخنان بلند و بیهوده

یکی از نکاتی که افراد، چه زن و چه مرد، شایسته است در مسجد وحتی خارج آن رعایت کنند، پرهیز از سخنان بیهوده و با صدای بلند است. خداوند خطاب به زنان رسول اللهﷺ می‌فرماید:

---

۱. صحیح مسلم: ج ۷، ص ۳۳.
۲. سنن ابن‌ماجه: ج ۲، ص ۱۳۲۶، ح ۴۰۰۲.
۳. سنن ابی‌داود: ج ۲، ص ۵۳۳، ح ۵۲۷۲.
۴. همان: ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۱۷.

«**فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قبله مرض و قلن قولا معروفا**».[۱]

ای همسران پیامبر! به گونه‌ای هوس انگیز سخن نگویید که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویید. خداوند در واقع در این آیه، دستور به وقار و عفاف در کیفیت سخن گفتن را برای زنان بیان می‌کند. رسول خدا بلند کردن صدا در مسجد را از نشانه‌های نزول بلا برامت می‌شمارند و می‌فرماید: هنگامی که پانزده خصلت در میان امت من رایج شود، بلا بر آنان نازل خواهد شد، از جملهٔ آن‌ها این است که «**اذا ارتفعت الاصوات فی المساجد**» صداها را در مسجد بلند کنند.[۲] نیز ابوذر غفاری از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله پرسید: ای رسول خدا، مساجد را چگونه باید آباد کرد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«**لاترفع الاصوات فیها و...**».[۳]

«آباد کردن مسجد به این است که صدا در آن بلند نشود».

بنابراین بر همه، به ویژه زنان است که از صحبت کردن دربارهٔ امور دنیوی و بلند کردن صدا پرهیز نمایند.

۴ ـ اجازهٔ شوهر

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«هنگامی که زنان، از شما اجازهٔ رفتن به مسجد می‌خواهند، آنان را از بهره و نصیب‌شان از مساجد محروم نکنید و اجازه شان دهید».[۴]

به‌طور کلّی خروج زن از منزل گرچه برای رفتن به مسجد باشد، نباید منافاتی با حقوق شوهران آن‌ها داشته باشد. در غیر این صورت نباید به مسجد یا خارج از خانه بروند.[۵]

---

۱. احزاب: ۳۲.
۲. الخصال: ج ۲، ص ۵۰۲ ـ ۵۰۱.
۳. مجموعهٔ ورّام: ج ۲، ص ۶۱.
۴. سنن ابن‌ماجه: ج ۲، ص ۱۳۲۶، ح ۴۰۰۲.
۵. توضیح المسائل، امام خمینی رحمه الله، م ۲۴۱۲.

۵ ـ توقف بیجا نکردن در مسیر مسجد

زنان مسلمان باید بدانند که توقف‌های بیجا در کوچه‌ها و خیابان‌ها و مسیر مسجد، شایسته نیست، چنانچه حتی توقف بیهوده در مسجد نیز مذموم شمرده شده است، رسول اعظم صلی الله علیه و آله خطاب به ابوذر می‌فرمایند:

«یا اباذر کلُّ جلوسٍ فی المسجد لغُوالاّ ثلاثة: قرائة مُصلٍّ اوذکر الله تعالی او مسائل من علم».[۱]

«ای ابوذر! هر نشستنی در مسجد، لغو و بیهوده است مگر توقف سه دسته: آنان که پس از بجا آوردن نماز مشغول قرائت قرآن، یا سرگرم یاد خدا و یا در حال تحصیل علم و دانش و مباحثهٔ علمی باشند».

در حدیثی که از صحیح بخاری نقل شده، آمده است که: پیامبر صلی الله علیه و آله نماز صبح را در تاریکی می‌خواندند و زنان مؤمن پس از نمازجماعت، در همان تاریکی برمی‌گشتند و به‌خاطر تاریکی دیگران آن‌ها را، و حتی خودشان همدیگر را نمی‌شناختند.[۲]

ز) آثار حضور زنان در مسجد

در متون روایی شیعه و سنّی، برای رفت‌وآمد به مساجد، فواید و آثار فراوان دنیوی و اخروی بیان شده است. از این‌رو بانوان نیز با رعایت شرایطی که در بخش قبلی گفته شد، می‌توانند از همهٔ این نتایج و آثار برخوردار باشند.

آثار سازنده و پاداش‌هایی که برای آمد و شد به مسجد، در روایات آمده، به‌قدری فراوان است که در روایتی از امام علی علیه السلام هشت مورد آن ذکر شده است.

۱ ـ پیداکردن دوستی که در مسیر اطاعت خداوند از وی بهره‌گیرد.

۲ ـ فراگیری علم و دانش جدید و سودمند.

۳ ـ شنیدن سخنی که او را به سوی نیکی رهنمون گردد.

---

۱. وسائل الشیعه: ج ۳، ص ۸۶، ح ۸.

۲. صحیح بخاری: ج ۱، ص ۲۱۱.

۴ ـ عقاید خود را با دلیل و برهان، محکم و استوار سازد.

۵ ـ رحمتی از خداوند که منتظرش باشد.

۶ ـ سخنی که او را از بدی باز دارد.

۷ ـ گناهی را از روی شرم و حیا ترک نماید.

۸ ـ گناهی که در اثر خوف و خشیت آن را ترک کند.[۱]

آثار دیگری هم چون ورود به بهشت،[۲] هم ردیف بودن با مقام و منزلت صدیقان و شهدا و حضور در محفل پیامبر الهی،[۳] شفاعت کنندهٔ هشتاد هزار نفر،[۴] طلب آمرزش و دیدار و انس فرشتگان با او در قبر،[۵] نجات از آتش سوزان،[۶] ایمنی از بلا[۷] و صدها اثر کار آمد دنیوی و اخروی که برای حضور در مسجد نقل شده است.

با توجه به مجموعهٔ روایات و آیات شریفه دربارهٔ مسجد، می‌توان گفت که اگر بانوان با رعایت شرایط در این مکان‌های الهی وارد شوند، می‌توانند از آثار عبادی معنوی، علمی، سیاسی اجتماعی و به ویژه اثرات اخلاقی، روانی و تربیتی مسجد بهره‌مند گردند.

---

۱. من لایحضره الفقیه: ج ۱، ص ۲۳۷، ح ۷۱۳؛ مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۳۵۷، ح ۳۷۷۲.
۲. دعوات راوندی: ص ۱۰۴؛ مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۳۶۴، ح ۳۷۹۱.
۳. مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۳۶۵، ح ۳۷۹۳؛ جامع الاخبار: ص ۷۹.
۴. مستدرک الوسائل: ج ۶، ص ۴۴۹، ح ۷۲۰۳.
۵. وسائل الشیعه: ج ۸، ص ۲۸۷، ح ۱۰۶۸۱.
۶. علل الشرایع: ج ۲، ص ۴۶۶.
۷. من لایحضره الفقیه: ج ۱، ص ۲۳۹، ح ۷۲۳.

منابع و مأخذ

۱ . قرآن کریم.

۲ . اختیار معرفةالرجال، الشیخ الطوسی، آل‌البیت، قم، ۱۴۰۴ هـ .

۳ . الآداب الطیبة فی الاسلام، جعفر مرتضی عاملی، قم، جامعة المدرسین، ۱۳۶۲ .

۴ . أسدالغابة، ابن‌اثیر، انتشارات اسماعیلیان، تهران.

۵ . اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران دارالکتب الأسلامیة، ۱۳۶۵ .

۶ . الأمالی، شیخ طوسی، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴ ق .

۷ . بحارالانوار، علامهٔ مجلسیؒ، بیروت، موسسة الوفاء، ۱۴۰۴ هـ ق .

۸ . تاریخ کتابخانه‌های مساجد، محمد مکی السباعی، محمد عباسپور ـ محمد جواد مهدوی، مشهد، آستان قدس رضوی، چ اول، ۱۳۷۳ ش .

۹ . تحریرالوسیلة، الامام الخمینیؒ، قم، اسماعیلیان.

۱۰ . تذکرة الفقهاء، العلامة الحلیؒ، قم، مؤسسة آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ هـ ق .

۱۱ . تفسیر العیّاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تهران، علمیّه، ۱۳۸۰ ق .

۱۲ . تفسیر القمی، علی بن ابراهیم القمی، قم ، مؤسسة دارالکتاب، چ سوم، ۱۴۰۴ هـ ق .

۱۳ . تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و جمعی از دانشمندان، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چ ۴۱ ، ۱۳۸۰ ش .

۱۴ . تفسیر نورالثقلین، الشیخ عبد علی بن جمعه العروس الحویزی، قم، اسماعیلیان، چ چهارم، ۱۴۱۲ هـ .

۱۵ . التهذیب، شیخ طوسی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵ هـ ش .

۱۶ . ثواب الاعمال، الشیخ الصدوق، رضی، قم، چ دوم ۱۳۶۸ ش .

۱۷ . جامع الاخبار، تاج‌الدین شعیری، قم، رضی، ۱۳۶۳ .

۱۸ . جواهر الکلام، الشیخ محمد حسن النجفی، قم، دارالکتب الاسلامیة، چ اول، ۱۴۱۲ هـ .

۱۹ . حج، محسن قرائتی، نشر مشعر، ۱۳۷۳ .

۲۰ . الخصال، الشیخ الصدوق، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعةالمدرسین فی الحوزة العلمیة.

۲۱ . الخلاف، محمد بن الحسن الطوسی، قم، موسسة النشر الاسلامی، چ اول، ۱۴۱۷ هـ .

۲۲ . الدروس الشرعیة، الشهید الأول، قم، مؤسسة النشرالاسلامی، چ اول، ۱۴۱۲ هـ .

۲۳ . دعائم الاسلام، نعمان بن محمد تمیمی مغربی، مصر، دارالمعارف، ۱۳۸۵ هـ ق .

۲۴ . الدعوات، قطب الدین راوندی، قم، مدرسة الامام المهدی(عج)، چ اول، ۱۴۰۷ هـ ق .
۲۵ . رجال النجاشی، الشیخ ابی‌العباس احمد بن علی النجاشی الاسدی الکوفی، مؤسسة النشرالسلامی التابعة لجماعة المدرسین، قم چ پنجم، ۱۴۱۶ هـ .
۲۶ . رساله توضیح المسائل، امام خمینی قدس سره.
۲۷ . رساله توضیح المسائل، آیةالله العظمی مکارم شیرازی، مدرسة الامام علی بن ابیطالب علیه السلام، چ دوازدهم، ۱۳۸۳ .
۲۸ . سنن ابن‌ماجه، محمد بن الحسین بن علی البیهقی، دارالفکر، بیروت.
۲۹ . سنن ابی‌داود، سلیمان بن الأشعث السجستانی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۰ ق .
۳۰ . السنن الکبری، احمد بن الحسین بن علی البیهقی، دارالکفر، بیروت.
۳۱ . سیمای مسجد، رحیم نوبهار، قم، اعتماد، ۱۳۷۳ .
۳۲ . صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت، دارالفکر.
۳۳ . صحیح المسلم، محمد بن مسلم النیشابوری، بیروت، دارالفکر.
۳۴ . صحیفه نور، مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
۳۵ . الطبقات الکبری، محمد بن سعد، بیروت، دارصادر.
۳۶ . العروةالوثقی، السید الیزدی، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۴۰۹ هـ .
۳۷ . علل الشرایع، الشیخ الصدوق قدس سره، نجف، المکتبة الحیدریة، ۱۳۸۶ هـ ، ۱۹۶۶ م .
۳۸ . غنائم الایام فی مسائل الحلال والحرام، المیرزا ابوالقاسم القمی، مکتب الاعلام الاسلامی، چ اول، ۱۴۱۷ هـ ق .
۳۹ . الکافی، شیخ کلینی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵ هـ ش .
۴۰ . کشف الغطاء، الشیخ جعفر الغطاء قدس سره، اصفهان.
۴۱ . کشف اللثام، الفاضل الهندی، قم، مکتبة السید المرعشی، ۱۴۰۵ .
۴۲ . کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، المتقی الهندی، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ هـ ، ۱۹۸۹ م .
۴۳ . مجمع الزوائد و منبع الفوائد، نورالدین الهیثمی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ هـ .
۴۴ . مجمع الفائدة و البرهان، المحقق الأردبیلی، قم، جامعة المدرسین، ۱۴۰۹ هـ ق .
۴۵ . مجموعه ورّام، ورّام بن ابی‌فراس، قم، مکتبة الفقیه .
۴۶ . المستدرک الحاکم، محمد بن محمد الحاکم النیسابوری، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۰۶ هـ ق .
۴۷ . مستدرک الوسائل، محدث نوری، قم ، مؤسسة آل‌البیت، ۱۴۰۸ هـ ق .
۴۸ . مستدرک سفینة البحار، شیخ علی النمازی الشاهرودی، موسسة النشرالاسلامی لجماعة المدرسین بقم المشرفة، ۱۴۱۹ .
۴۹ . مستند الشیعة، المحقق النراقی، قم، مؤسسة آل البیت علیهم السلام لإحیاءالتراث، ۱۴۱۵ هـ .
۵۰ . مسند احمد، الأمام احمد حنبل، بیروت، دارالفکر.

۵۱. المغازی، محمد بن عمر الواقدی، ترجمة محمود مهدوی دامغانی، دانشگاه تهران، چ اول، ۱۳۶۱ ش.
۵۲. المکارم الاخلاق، ابی‌نصر الحسن بن الفضل الطبرسی، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۶.
۵۳. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ هـ ق.
۵۴. المیزان فی تفسیر القرآن، العلامة السید محمد حسین الطباطبائی، قم مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
۵۵. نماز بانوان، عباس عزیزی، صلاة، چ دوم، ۱۳۸۱ ش.
۵۶. نهایة الاحکام فی معرفة الاحکام، العلامة الحلّی، قم، اسماعیلیان، چ دوم، ۱۴۱۰ هـ.
۵۷. نهج الفصاحة، (مجموعه کلمات قصار حضرت رسولﷺ) ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، انتشارات جاویدان.
۵۸. هدایة العباد، السید الگلپایگانیؒ، دارالقرآن الکریم، چ اول، ۱۴۱۳.
۵۹. هدایة العباد، الشیخ لطف‌الله الصافی، دارالقرآن الکریم، چ اول، ۱۴۱۶.
۶۰. وسائل الشیعه، الحرالعاملی، موسسة آل‌البیتؑ لاحیاء التراث، مهر قم، چ دوم، ۱۴۱۴ هـ ق.

فصل دوم

کارکردهای مساجد

آثار، برکات و کارکردهای فردی و اجتماعی مسجد

▣ سید حمید حسینی

امام خمینیقدس‌سره

«شما ملت برای اسلام قیام کردید و برای اسام این همه زحمت کشیدید و دارید می‌کشید. مراکزی که مراکز بسط حقیقت اسلام است... فقه اسلام است و آن مساجد است، این‌ها را خالی نگذارید این یک توطئه است که می‌خواهند مسجدها راکم‌کم خالی کنند. مساجد باید مرکز تربیت صحیح باشد...».[۱]

چکیده

آثار حضور در مسجد چنان متنوع است که به سختی می‌توان پیرامون تمامی ابعاد آن سخن گفت، نگرش اسلام به مسجد صرفاً نگرش به جایگاهی برای اقامه نماز نیست، بلکه اساساً مسجد، در اسلام، از زمان حضرت رسول اکرمصلی‌الله‌علیه‌وآله همواره به عنوان یک پایگاه دینی و اثرگذار به نقش آفرینی پرداخته است. پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله از مسجد، به عنوان کانون برای هدایت امور اسلام بهره می‌بردند و مسجد، مرکز حکومت و نیز مرجع فکری و محل بحث و تبادل اندیشه‌ها بوده است. در زمانی نه چندان دور (قبل از فرارسیدن عصر ارتباطات)، همه نیازهای فکری و اجتماعی مردم، در مسجد مرتفع می‌شد.

---

۱. نماز و زندگی، هشتمین اجلاس سراسری نماز (مقالات): ص ۱۱۲.

قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مساجد به عنوان پایگاه دینی، نقش هدایتگری مردم را به عهده داشته است.

همانطور که مسجد در صدر اسلام محل پذیرش افراد مختلف و محل اجتماعات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی بود، امروز نیز پذیرای مربیان و متربیان جهت تعلیم و تربیت و مکان اوج سالکان راستین است.

مسجد سرچشمه تمدن اسلامی است. اگر به هر یک از شهرهای اسلامی بنگریم مسجد و مجموعه‌های آن را اساس شهرسازی می‌یابیم و درمی‌یابیم که در بافت شهرهای اسلامی مساجد محور هستند. مسجد محل تقویت و اشاعه فرهنگ زیبای اسلامی احترام به علماء، بزرگترها و محبت به کوچکترها و رعایت ادب در برابر سایر مؤمنین است.

علاوه برآن حضور در مسجد، نقش بازدارنده‌ای قوی در ارتکاب جرایم و پیش‌گیری ازگناهان دارد. درکنار این آثار با برکت حضور در مسجد، در روایات نیز از ثواب‌ها و اجرهای متعدد برای حاضران در مساجد، یاد شده است. بعنوان نمونه پیامبرﷺ فرمودند:

«گروهی از مردم در مسجدی از مساجد خداوند ننشینند (برای عبادت و تلاوت قرآن) مگر آن که آرامش برایشان نازل و رحمت الهی شامل حال آنها شود».

مقدمه

مسجد در اسلام قلب تپنده حیات اسلام و کانون و محور فعالیت‌های جامعه اسلامی است. مسجد خانه خدا در زمین،[1] منبع فیوضات معنوی و برکات گوناگون برای نمازگزاران و جامعه اسلامی‌است. بی‌گمان مکانی که چنین جایگاهی نزد خداوند دارد، حضور در آن، آثار فراوانی را خواهد داشت و بدون تردید شامل حال مکلفان و حاضران در مسجد اعم از زن و مرد نیز خواهد بود.

حضور به موقع و منظم نمازگزاران در مساجد اثرات تربیتی مطلوبی در روح و روان

---

۱. مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۲۱۳ و ۳۵۹؛ کنزالعمال: ج ۷، ص ۴۴۸.

و رفتار آنها دارد. انجام اعمال عبادی نماز جماعت به صورت یک دست و منظم، بیانگر این حقیقت است که اگر افراد مسلمان اراده بکنند می توانند در تمام امور زندگی نظم و انضباط داشته و با بهره گرفتن از قابلیت‌های نهان و آشکار خود، حلال مشکلات خود و دیگران باشند.

به عبارت دیگر هم‌اکنون که جماعت مؤمن نمازگزار اراده کرده و به دلخواه و به صورت اختیاری همه با هم، درکنار هم در مساجد برای احیاء شعائر اسلامی قدم پیش گذاشته و مصمم به انجام آن هستند، به همان نسبت خواهند توانست در سایر امور دینی پیش گام بوده و با بهره گیری از نیروی ایمان و استعدادهای موجود، قله‌های کمال را تسخیر کنند و هرگاه این رفتارها به صورت مدام و مستمر صورت بگیرد (حضور در جماعت) از خلاقیت‌ها و صفات خداپسندانه افراد صالح بهره برده و متأثر شده، در نتیجه به اصلاح و خودسازی پرداخته و این شکوفایی را به جامعه نیز سرایت خواهند داد.

مساجد علاوه بر محل نیایش بودن، منابع اشاعه فرهنگ اسلامی و محل به نمایش گذاشتن قدرت و اقتدار امت اسلامی نیز می‌باشد و روزانه سه یا پنج بار افراد مؤمن در همین مکان‌ها در پیشگاه خالق خود بوده و برای جان نثاری و اطاعت از سایر اوامر مولا اعلان آمادگی می‌کند و نفس این عمل هشداری است برای دشمنان اسلام، وگام نخستین برای حرکت احیاء عدالت اجتماعی و ظلم ستیزی.

آثار، نتایج و برکات حضور در مسجد بسیار متنوع است، بعنوان نمونه امام علی علیه‌السلام در یکی از بیانات خود، برای حضور در مسجد هشت اثر را برمی‌شمرد:

«من اختلف الی المسجد أصاب احدی الثمان؛ اخا مستفاداً فی الله، او علماً مستطرفاً او آیه محکمه او یسمع کلمه تدل علی هدی، او رحمه منتظره، او کلمه تروه عن ردی، او یترک ذنباً خشیه او حیاء».[1]

«کسی که به مسجد رفت و آمد می‌کند، یکی از منافع هشتگانه نصیب او می‌شود: برادری مفید و باارزش در راه خدا، یا علم و دانش نو، یا دلیل و برهان محکم (برای تثبیت عقاید)، یا کلماتی که موجب هدایت شود

۱. وسایل الشیعه: ج ۳، ص ۴۸۰.

(می‌شنود)، یا رحمت مورد انتظاری (شامل حال او می‌شود)، یا مواعظی که او را از فساد و گناه باز دارد، (می‌شنود)، یا به خاطر ترس یا حیا و آبروی خود گناهی را ترک می‌کند».

و یا آن‌که از حاضر شونده در مسجد بعنوان زائر پروردگار سخن به میان آمده است:

«فی التوراة مکتوباً أن بیوتی فی الأرض المساجد فطوبی لعبد تطهر فی بیته ثم زارنی فی بیتی ألا ان علی المزور کرامه الزائر ألا بشر المشاء فی الظلمات الی المساجد بالنور الساطع یوم القیامه».[1]

چنان‌که بیان شد ثمرات و برکات حضور در مسجد بسیار است لکن در نوشتار پیش‌رو سعی بر آن است که به اجمال آثار، برکات و کارکردهای فردی و اجتماعی مسجد، مورد بررسی قرار گیرد. امید که برای نگارنده و خواننده گرامی مفید باشد.

ماهیت مسجد

چنان‌که گفته شد از مساجد به عنوان خانه‌های خدا در زمین یاد شده است و سر تعظیم و گرامی‌داشت مساجد همان بیت‌الله بودن، خانه متقیان و خانه مؤمنین بودن آنهاست.

«محمد بن علی بن الحسین فی العلل عن علی بن أحمد عن محمد بن أبی‌عبدالله الکوفی عن موسی بن عمران عن عمه الحسین بن یزید النوفلی عن علی بن أبی‌حمزه عن أبی‌بصیر قال سألت أباعبدالله علیه السلام عن العله فی تعظیم المساجد فقال انما أمر بتعظیم المساجد لأنها بیوت الله فی الارض».[2]

ابوبصیر می‌گوید از امام صادق علیه السلام درباره علت لزوم تعظیم مساجد پرسیدم امام علیه السلام فرمودند: به تعظیم مساجد فرمان داده شده برای آنکه مساجد خانه‌های خدا در زمین است.

این عنوان به خوبی ماهیت عبادی مسجد را نشان می‌دهد؛ اینکه مسجدها، اولاً و اساساً

---

۱. من لایحضره الفقیه: ج ۱، ص ۲۳۹، باب فضل المساجد و حرمتها و ثواب.

۲. وسائل الشیعه: ج ۵، ص ۲۹۷، باب وجوب تعظیم المساجد؛ مستدرک الوسایل: ج ۳، ص ۴ ـ ۳۱۳ و نیز خانه‌های متقیان، همان: ص ۳۵۹؛ مؤمنان کنز العمال: ج ۷، ص ۶۵۰.

برای ایجاد ارتباط بین بنده و معبود او و اعلام بندگی و عبودیت برای آفریدگار بنا می‌شوند. براین‌اساس نیز اصلی‌ترین اثر حضور در آن در بعد عبادی خواهد بود:

«**و اقیموا وجوهکم عند کل مسجد وادعوه مخلصین له الدین کما بدأکم تعودون**».[۱]

«(هنگام عبادت) در هر مسجدی به‌سوی او توجه کنید و او را بخوانید و دین (خود) را برای او خالص کنید. همچنان که در آغاز شما را آفرید، بار دیگر در رستاخیز باز می‌گردید».

ماهیت حضور در مسجد نیز در بیان نبوی آمده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«**کل جلوس فی المسجد لغو الا ثلاثه: قرائه مصل او ذکر الله او سائل عن علم**».[۲]

«هر نشستی در مسجد بیهوده است، مگر اینکه برای سه کار باشد؛ خواندن قرآن، ذکر خدا، پرسش از علم».

بنابراین هدف و حکمت حضور و جلوس در بیوت الرحمن (مساجد) ذکر الله است که بالاتر از هر هدف دیگری در زندگی ماست:

﴿**و لذکر الله اکبر**﴾.[۳]

و به فرموده امام علی علیه السلام درمان قطعی تمامی دردهای نفسانی ما:

«**ذکر الله دواء اعلال النفوس**».[۴]

«یاد خدا دوای بیماری‌های نفوس است».

---

۱. اعراف: ۲۹.

۲. بحارالانوار: ج ۷۷، ص ۸۶؛ وسایل الشیعه: ج ۳، ص ۸۶.

۳. عنکبوت: ۴۵.

۴. غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۱۱.

آثار سیاسی، اجتماعی مسجد

مسجد به عنوان یک مرکز دینی برای عموم، نقش اساسی در شکل‌گیری اجتماعات مسلمین دارد. از این جهت به‌طور طبیعی مسجد می‌تواند کارکرد اجتماعی نیز داشته باشد. حضور زنان و مردان و تبادل اخبار و اطلاعات اجتماعی، جویا شدن از احوال هم و احوال مسلمین، تنها بخشی از این ظرفیت بزرگی است که مساجد دارند. در این مکان‌ها مؤمنان فرصت می‌یابند با جمعی آشنا شوند که از نظر دین و عبودیت با آنان همرنگ هستند و توان ایجاد گروه‌های اجتماعی هماهنگ را دارند. بنابراین آنان می‌توانند از بین اهل مسجد برادران یا خواهران مناسبی، از حیث دینی، برای خود بیابند که طبعاً آثار آن در ابعاد اجتماعی بروز خواهد کرد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«لایرجع صاحب المسجد من احدی ثلاث خصال: و اما اخ یستفیده فی الله».[۱]

«اهل مسجد به کمتر از یکی از سه چیز از مسجد بر نمی‌گردد (که یکی از آنها) دوستی است که از او در مسیر خدا استفاده می‌کند».

زنان و مردان با حضور در مساجد، می‌توانند از یک اجتماع سالم دینی بهره‌مند شوند. طبق روایتی که از امام علی علیه السلام نقل شد، تأثیرات رفتاری که روابط دوستانه و برادرانه در مسجد بر جای می‌گذارد، می‌تواند جامعه دینی را از فساد و گناه پاک کرده و مسلمین را به سمت یک جامعه سالم هدایت کند:

«أو کلمه تردہ عن ردی او یترک ذنباً خشیه او حیاء».

«یا کلماتی می‌شنود که او را از فساد و گناه باز می‌دارد و یا به‌خاطر ترس (از خدا) یا حیا و آبرو، گناهی را ترک می‌کند».[۲]

مسجد همواره در کنار کارکرد اجتماعی، عبادی و معنوی خود، کانون سیاسی در جامعه مذهبی نیز بوده است. این موضوع چه در زمان پیامبر و چه در زمان خلفاء و امام علی علیه السلام

---

۱. وسایل الشیعه: ج ۳، ص ۴۷۷.
۲. الفقیه: ج ۱، ص ۲۳۷.

و دیگران قابل پیگیری است و نمونه‌های فراوانی درباره آن می‌توان ذکر کرد.

در این دوران نه تنها آثار سیاسی حضور مردان در مسجد بلکه آثار سیاسی حضور زنان در مسجد نیز مشهود است که حضور زنان و مردان و تبادل اخبار و اطلاعات اجتماعی، جویا شدن از احوال هم و احوال مسلمین، تنها بخشی از این ظرفیت بزرگی است که مساجد دارند.

حضرت فاطمه علیها السلام در مسجد و دفاع وی از حق ولایت علی علیه السلام، یکی از آنهاست. همچنین سخنرانی حضرت زینب علیها السلام در مسجد که از مسلمات تاریخی است.[۱] تربیت سیاسی که در مسجد ارائه می‌شود، به دلیل ماهیت مذهبی آن می‌تواند نسلی را پدید آورد که پشتوانه جامعه دینی باشند و در برابر حوادث سیاسی هوشیاری لازم را داشته باشند. از این‌رو حضور زنان درکنار مردان در مسجد ضروری می‌باشد، چراکه زنان از حضور در این مکان محروم شوند، در واقع تربیت بطور ناقص انجام خواهد شد. در حالی که بانوان به دلیل تأثیر عمیق‌تر بر فرزندان و نقش تربیتی خود، در صورت برخورداری از تربیت سیاسی مسجد، بلوغ سیاسی را بطور شگفت‌انگیزی افزایش خواهند داد.

پیش‌گیری از جرائم

امروزه که در تمام جوامع بشری مسئله بازدارندگی از وقوع جرم از اساسی‌ترین مسائل به‌حساب می‌آید، نقش مراکز هدایت دینی بخصوص مساجد بسیار مهم و در خور تحقیق است. این موضوع که درصدد ارتکاب جرم و جنایت در میان مسجدی‌ها نسبت به غیر آنها چه میزان کمتر است نیازمند تحقیق جداگانه‌ای است، لکن این موضوع به تأیید تجربه رسیده و در بین مردم نیز شایع و مشتهر است که بین اهل مسجد و ارتکاب جرم و جنایت ارتباطی نیست و یا لااقل بسیار ضعیف است.

---

۱. برای مطالعه بیشتر پیرامون حضور سیاسی زنان در مساجد رجوع کنید به بلاغات النساء، بانوانی مثل سوده همدان و... .

مبارزه با ظلم

مشاهده روزانه (محراب عبادت) در مسجد با توجه به فلسفه وجودی محراب مساجد، توجه افراد نمازگزار را از دشمن درون به دشمن بیرونی معطوف خواهد کرد.

اگر چه شیطان درونی به چشم مشاهده نمی‌شود، لکن شیاطین بیرونی که همانا دشمنان دین اسلام هستند، مظهر شیطانند و اولین گام، مبارزه با شیطان و ظلم ستیزی در نماز جماعت برداشته می‌شود.

هرگاه احساس و درک مشترکی در جمع نمازگزاران به وجود بیاید، همگان نسبت به دشمن بیرونی خویش اظهار تنفر نموده و در یک جبهه قرار می‌گیرند. علی علیه‌السلام:

«**ذکر الله دواء اعلال النفوس**».[۱]

«یاد خدا دوای بیماریهای نفوس است».

امامان جمعه یا جماعت، (غالباً در مساجد) طی خطابه‌ای مردم را نسبت به دشمنان دین آگاه کرده و یا در آنها انگیزه‌های نفرت را بیدار می‌کنند و لذا دیده می‌شود غالب تظاهرات و اظهار تنفر، نسبت به دشمنان و توطئه‌گران بعد از نمازهای جماعت و جمعه صورت می‌گیرد.

روانشناسان براین باورند که هرگاه افرادی عصبانی باشند و در عین عصبانیت اگر با اسباب و ابزاری که از عوامل تحریک‌کننده است روبرو شوند عصبانیت آنها شدت خواهد یافت. پس بنابراین نظریه حضور نمازگزاران متنفر از شیطان و مظاهر شیطانی در کنار محراب عبادت، انگیزه ظلم‌ستیزی را تقویت می‌کند و فرهنگ ظلم‌ستیزی به دست فراموشی سپرده نمی‌شود. و بلکه همواره افراد مسلمان در حال آماده باش روحی و فیزیکی قرار می‌گیرند و از دشمن خود غافل نمی‌باشند. چنانچه در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی ما این تفکر و احساس نقش کلیدی به همراه داشت.

وحدت و تعاون

از آثار و برکات حضور در مساجد همکاری و تعاون است که از عوامل وحدت آفرین

---

۱. غرر الحکم: ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۱۱.

و استحکام بخش جامعه به شمار می‌رود. غالباً در نماز جماعت بیش از سایر اجتماعات به‌چشم می‌خورد. مراعات حقوق دیگران و یاری آنها، رسیدگی به مشکلات برادران دینی در نماز جماعت مطرح شده و به همت مردم کارهای مفید و مهم صورت می‌گیرد. به عنوان مثال در اجتماع جمعه و جماعت از مردم خواسته می‌شود که برای رفع خشک سالی در نماز استسقاء حاضر بشوند. و مردم با انگیزه «**تعاونوا علی البر**»، سه روز به خاطر همنوعان خود روزه‌گرفته و نماز می‌خوانند. این‌گونه اعمال نه تنها مشکلات مؤمنین را از سر راه برمی‌دارد، بلکه از عوامل پیوند اجتماع و مردم نیز هست، افراد نمازگزار با حضور خود در صفوف نماز به «**اعتصموا بحبل الله**» جامه عمل می‌پوشانند.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

«به هم بپیوندید و با هم نیکی کنید و به هم مهربانی کنید و برادران خوشرفتاری باشید، چنانکه خدای عزوجل به شما فرموده».[۱]

از فرمایشات امام استفاده می‌شود که تعاون و نیکی مهربانی به همراه داشته و موجب جلب سایر مؤمنین به جمع نمازگزاران می‌گردد.

امروز در جوامع غیرمسلمان عامل اصلی از هم‌گسیختگی ملت‌ها و دولت‌ها عدم وجود عاطفه و تعاون و دلسوزیست.

رسول مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند:

«**من اصبح لا یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم**».[۲]

«هرکس صبح کند و اهتمامی به کار مسلمانان نداشته باشد، پس مسلمان نیست».

هرگاه مؤمنین در سه (یا پنج) وعده حضور به امور برادران خود همت بگمارند تنش روانی در جامعه بسیار کم خواهد شد و چنان‌که می‌دانیم خداوند سبحان دعایی را قرین اجابت کرده که در جمع مسلمین دعا شده باشد که نوعی تعاون به شمار می‌رود.

---

۱. اصول کافی: ج ۳، ص ۲۶۹.
۲. همان: ص ۲۵۱.

مسجد کانون اتحاد و همبستگی و انس و الفت مسلمانان است که مردم هر منطقه و محله را روزی چند نوبت در کنار هم در نمازهای جماعت جمع و با هم مأنوس می‌سازد و مسجد جامع و جمعه هفته‌ای یک بار همه اجتماعات مساجد را یکجا در نماز جمعه گرد می‌آورد و مسجدالحرام و مسجدالنبی مسلمانان کشورهای مختلف اسلامی را یک‌جا جمع و متحد می‌سازد.

مارسل بوازار اسلام‌شناس سویسی راجع به نقش نیرومند مسجد در فرهنگ، اقتصاد، سیاست و وحدت مسلمانان چنین می‌نویسد:

«مسجد عامل نیرومندی در همبستگی و اتحاد مسلمانان جهان است و اهمیت اجتماعی و فرهنگی آن را از این بابت نمی‌توان نادیده گرفت، مخصوصاً در روزگار معاصر که مسلمانان شور و حرارت صدر اسلام را دگربار از خود نشان می‌دهند، مساجد به صورت مراکز تربیت روحانی و پایگاه جنبش امت مسلمان نسبت به ستمگران و سلطه جویان درآمده است و به تدریج مساجد موقعیت سال‌های نخستین ظهور اسلام را به دست آورده‌اند».[۱]

انجام اعمال عبادی نماز جماعت به صورت یک دست و منظم، بیانگر این حقیقت است که اگر افراد مسلمان اراده بکنند می‌توانند در تمام امور زندگی نظم و انضباط داشته و با بهره‌گرفتن از قابلیت‌های نهان و آشکار خود، حلال مشکلات خود و دیگران باشند.

به عبارت دیگر هم اکنون که جماعت مؤمن نمازگزار در مساجد اراده کرده و به صورت اختیاری همه با هم، در کنار هم برای احیاء شعائر اسلامی قدم پیش گذاشته و مصمم به انجام آن هستند، به همان نسبت می‌توانند در سایر امور دینی پیش‌گام بوده و با بهره‌گیری از نیروی ایمان و استعدادهای موجود، قله‌های کمال را تسخیر کنند.

و هرگاه این رفتارها به صورت مدام و مستمر صورت بگیرد از خلاقیت‌ها و صفات خداپسندانه افراد صالح بهره برده و متأثر شده، در نتیجه به اصلاح و خودسازی پرداخته و این شکوفایی را به جامعه نیز سرایت خواهند داد.

---

۱. اسلام در جهان امروز، مارسل بوازار: ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

تعهد برابر سایر انسان‌ها (رعایت حقوق بشر)

در میان ادیان و مکاتب، اسلام بیشترین توجه را برای مراعات و حقوق انسان‌ها نموده است و به عنوان حق الناس در جایگاه عدالت اجتماعی آن را مطرح کرده است. در مساجد به هنگام برپایی نماز جماعت مؤمنین ملزم به مراعات آداب و احکامی هستند که از آثار و نتایج ذکرالله در بیت‌الله است. به فرموده امام علی علیه‌السلام:

«**ذکر الله ینیر البصائر و یونس الضمائر**».[۱]

«یاد خدا روشنی بینش‌ها و مونس باطن‌هاست».

در مسجد نمازگزاران ملزم به رعایت شرایطی هستند، از جمله غصبی نبودن مکان نماز، به این معنا که هرگاه مؤمن سجاده خود را قبل از سایرین در مسجد گسترده باشد دیگران حق ندارند آن را برداشته و خود در آن محل به نماز باستند. همین تعهد در وجود جمع نمازگزار ملکه شده و در سایر امور آنها نیز سرایت داده می‌شود و ناخودآگاه تبدیل به یک رفتار اجتماعی می‌گردد.

تشکیل جماعت در مسجد نیز خود تمرینی است برای سایر تعهدات ملی و مذهبی، به برکت این اخلاق پسندیده محیط کاری و زندگی از یک امنیت و آرامش مطلوب برخوردار می‌شود و از سوی دیگر به تنش‌زدایی کمک چشم‌گیری می‌کند. احساس مسئولیت قطعاً انسان را به تعهد وادار می‌کند و سبب حل بسیاری از مشکلات اجتماعی می‌گردد. به عنوان مثال در محیط کاری پاسخ به موقع به نیاز ارباب رجوع، احساس عاطفی و صمیمی آنها را به دنبال خواهد داشت، که هرگاه این نوع برخورد در همه محیط‌های کاری و زندگی اجرا شود، جامعه از یک امنیت نسبی برخوردار خواهد شد و اعتماد همگان را جلب خواهد کرد و مشارکت و همکاری را نیز به دنبال خواهد داشت.

هم‌دردی و هم‌دلی

با تجدید حضور در مساجد برای نماز جماعت، عزاداری یا سایر امور، پیوند عاطفی و معنوی نیز تجدید و تقویت می‌گردد.

---

۱. غرر الحکم: ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۹.

حضور فیزیکی و معنوی در مسجد که عامل گسترش مشترکات معنوی می‌باشد، جمع نمازگزار را به هم‌سویی و هم‌فکری فرا می‌خواند و این احساس و درک را در آنها تقویت می‌کند که ـ بنی آدم اعضای یکدیگرند ـ و نباید از درد و رنج هموطنان خود غافل شوند و این احساس بیش از پیش از قوه به فعل تبدیل شده و افراد مؤمن را به یاری دردمندان برمی‌انگیزد و با این انگیزش حضور فیزیکی و یاری مادی و معنوی رنج دیدگان، باعث تسکین آلام آنها می‌گردند.

در جبهه عمل نیز این رفتار به سایر مؤمنین انتقال داده می‌شود و عزم همگان برای رفع گرفتاری‌ها و احیاء آرامش روانی در جامعه فراهم می‌گردد. هم‌دردی و هم‌دلی با مؤمنین در مکتب انسان‌ساز اسلام سرآغاز خردمندی است، بعد از ایمان به خدا، و در منابع روایی بدان توصیه شده است.

چنان‌که می‌دانیم شادکردن دل مؤمن عبادتی بزرگ بشمار می‌آید. امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

«تبسم الرجل فی وجه أخیه حسنه و صرف القذی عنه حسنه و ما عبدالله بشیء أحب الی الله من ادخال السرور علی المؤمن».[۱]

و امام حسین علیه‌السلام می‌فرمایند:

«صح عندی قول النبی أفضل الأعمال بعد الصلاة ادخال السرور المؤمن بما لا اثم فیه».[۲]

«یکی از علل شادکردن قلب مؤمن که در روایات به آن توجه شده است این است که فرد مسلمان با انگیزه شادکردن دل مسلمانی، بار سنگین درد و رنج را از دوش برادر خود برگرفته و خود را با او شریک بداند و عامل امیدواری برای آنها باشد».

بی‌شک شکوه و عظمت هم‌دردی در نمازهای جماعت مساجد بیش از سایر اجتماعات است و به علت حضور مستمر مردم در مساجد، پایه‌های بهداشت روانی در جامعه متزلزل

---

۱ . الکافی: ج ۲ ، ص ۱۸۸، باب ادخال السرور علی المؤمنین... .

۲ . المناقب: ج ۴ ، ص ۷۵، فصل فی معالی أموره ع... .

نخواهد شد و جامعه از ابتلا به بیماری دردناک (بی تفاوتی) نجات پیدا خواهد کرد.

به قول روانشناسان در اثر ممارست فکری و عمل مردم در سه (یا پنج) وعده نماز جماعت به درونی شدن این افکار و رفتار منجر خواهد شد. بنابراین زندگی ایده آل الهی ـ انسانی را برای نسل امروز و آینده تدارک خواهد دید.

احساس هم‌دردی و هم‌فکری زمانی پدیدار می‌گردد که برادری از درد و رنج برادرش مطلع شود و آن را درک کند. این احساس در اجتماع جماعت نمازگزار در مسجد به راحتی قابل رؤیت و لمس می‌باشد. که مؤمنان در کنار هم قرار گرفته ضمن عبادت از حال یکدیگر نیز باخبر می‌شوند و با هم تشریک مساعی می‌نمایند و در صورت عدم حضور، کسی از نمازگزاران، سراغ او را گرفته و چه بسا در پی او به تکلف نیز می‌افتند. اسلام هم‌دردی با سایر بندگان را امری ضروری تلقی می‌کند و آن را عامل ثبات و آرامش جامعه می‌داند.

زمانی که سپاه معاویه به یکی از شهرهای بلاد اسلامی حمله می‌کردند و خلخال از پای زن یهودی درآوردند، مولای متقیان علی علیه‌السلام فرمودند:

«اگر مسلمانی از این غصه بمیرد جای سرزنش نیست»:

«بلغنی ان الرجل منهم کان یدخل علی المراه المسلمه و الاخری المعاهده فینتزع حجلها و قلبها و قلائدها و رعائها، ما تمتنع منه الا بالاسترجاع و الاسترحام، ثم انصرفوا وافرین، ما نال رجلاً منهم کلم و لا اریق له دم، فلو ان امراء مسلماً مات من بعد هذا اسفاً ما کان به ملوماً، بل کان به جدیراً».[1]

در موردی دیگر امام علیه‌السلام چنین می‌فرماید:

«مؤمن برادر مؤمن است چون یک تنند و اگر یکی را دردی رسد، در دیگر پاره‌های تن دریافت می‌شود، و روحشان از یک روح است و براستی روح مؤمن به روح خدا پیوسته‌تر است از پیوستن پرتو آفتاب بدان».

---

۱. نهج‌البلاغه: خطبه ۲۷.

با توجه به توصیه‌های امام بر همه مؤمنان لازم است که در هر حال از احوال یکدیگر باخبر بشوند و تا عضوی از اعضاء پیکر اسلامی آرام نگیرد آنها نیز آرامش نداشته باشند.

دوستی‌های سالم

قرآن کریم می‌فرماید یکی از عوامل دخول به جهنم انسان‌ها که سبب پشیمانی آنها در آخرت می‌گردد، داشتن دوستان ناسالم است. بنابر نقل قرآن کریم ناله دوزخیان این است: وای بر من ای کاش با فلان شخص دوستی نمی‌کردم.

﴿ وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً * يَا وَيْلَتِي لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَاناً خَلِيلاً * لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنْ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنسَانِ خَذُولاً ﴾.[1]

«به خاطر بیاور روزی که ظالم دست خویش را از شدت حسرت به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش من با رسول حق راه دوستی و اطاعت پیش می‌گرفتم. ای وای بر من کاش فلان را دوست خود انتخاب نکرده بودم او مرا از یاد حق گمراه ساخت، بعد از آنکه آگاهی به سراغ من آمده بود و شیطان همیشه مخذول کننده انسان بوده است».

از آنجا که انسان موجود اجتماعی است در روابط اجتماعی ناگزیر از انتخاب دوست می‌باشد. می‌توان گفت یکی از ارکان (وحدت) معاشرت‌ها و دوستی‌های صحیح و سالم در مکان‌های نماز جمعه و جماعت (یعنی غالباً مساجد) است که در اثر آشنایی و دیدارهای روزانه به شکل احسن انتخاب دوست میسر می‌باشد و حتی ادامه دوستی این گونه افراد می‌تواند در روز قیامت هم به صورت شفاعت چهره بنمایاند.

«این گروه می‌توانند در چارچوب اذن الهی درباره افراد خاصی که روابط معنوی آنان با خدا برقرار بوده و پیوند روحی آنها با شفیعان الهی نگسسته باشد، درخواست آمرزش گناه و طلب مغفرت الهی بنمایند. لازم به ذکر است

---

۱. فرقان: ۲۷ و ۲۸.

شفاعت مخصوص افرادی است که خداپسندانه وارد صحنه قیامت گردند و از گناهانی که سلب شایستگی شفاعت را می‌کنند بر حذر باشند».[۱]

علامه طباطبائی رحمه‌الله می‌فرماید:

«گاهی دوستی‌ها بر سر حق است و گاهی بر سر باطل و همین قسم دوستی است که منشا فسادهایی از قبیل جزافه‌گویی و زورگویی‌ها در بین انسان‌هاست».[۲]

تبدیل شدن این‌گونه دوستی‌ها به عداوت در آن روز طبیعی است، چراکه هرکدام از آنها دیگری را عامل بدبختی و بیچارگی خود می‌شمرد: تو بودی که این راه را به من نشان دادی و مرا به سوی آن دعوت کردی، تو بودی که دنیا را در نظر من زینت دادی و مرا به آن تشویق نمودی، آری تو بودی که مرا غرق غفلت و غرور ساختی و از سرنوشتم بیخبر کردی، هر یک از آنها به دیگری این‌گونه مطالب را می‌گوید.[۳]

دوستی‌هایی که در مسجد آغاز می‌شود براساس تولی و تبری است و از جرم و جنایت و... سر درنمی‌آورد، دوستانی که با معیارهای دینی برگزیده شده‌اند همواره موجب زینت و سرافرازی انسان بوده‌اند. نمونه‌های بارز این‌گونه دوستی‌ها را در دفاع مقدس به وضوح مشاهده کرده‌ایم و نکته مقابل این نوع دوستی، دوستی افراد غیر صالح و غیر متقی است که غالباً به هنگام گرفتاری نه تنها از دوست خود حمایت نمی‌کنند، بلکه او را لو می‌دهند و یا تنها رها می‌کنند.

در منابع روایی آمده است که انسان با هر چیزی که مونس شده و آن را دوست داشته باشد روز قیامت با همان محشور می‌شود.

---

۱. تفسیر نمونه، ذیل آیه شفاعت.
۲. المیزان: ج ۵، ص ۱۴۴.
۳. تفسیر نمونه: ج ۲۱، ص ۱۱۰.

کسب و تجارت

بعضی از مساجد جمعه و جامع درکنار بازار و یا به بازار راه دارد و بازارهای اسلامی که همچون مسجد طاق وار ساخته شده جزء مجموعه‌های مسجد جامع است و برای ورود به آنها از حیاط مسجد می‌گذرند باشد که بازاریان با یاد خدا وارد بازار و کسب و کار شوند.

به تعبیر معماران و مهندسان شهرسازی که در بناهای اسلامی کاوش می‌کنند بازار اسلامی به منزله ستون فقرات یک شهر است و این همان تعبیری است که خداوند در قرآن برای مال کرده است:

﴿التی جعل الله لکم قیاماً﴾.[۱]

«اموالی که خداوند مایه قوام شما قرار داده است».

هدف قرآن از پیوند میان مسجد و بازار اینست که مردانی تربیت کند که:

﴿لاتلهیهم تجاره و لابیع عن ذکر الله و اقام الصلوة﴾.[۲]

«هیچ تجارت و داد و ستدی آنان را از یاد خدا و اقامه نماز باز ندارد».

در تمامی شهرهای اسلامی از جمله مهمترین بناهای شهر مساجد، خصوصاً مساجد جامع است. نتیجه پیوند میان بازار و مسجد این بود که قوانین اقتصاد اسلامی اغلب خود به خود به اجرا در می‌آمد و بازاریان روزی چند نوبت در مساجد از نیروی ایمان و تقوی شارژ می‌شدند و چون به سر کار باز می‌گشتند، کمتر دروغ می‌گفتند و کمتر به احتکار و کم فروشی می‌پرداختند.

و از این‌رو معاملات با اعتماد فراوان در بازارهای اسلامی صورت می‌گرفت و مسلمانان کار و تجارت‌شان را چیزی جدای از عبادت نمی‌دانستند. روژه گارودی فیلسوف مسلمان فرانسوی در کتاب خود مسجد آئینه اسلام می‌نویسد:

«در دوران عظمت اسلام تمام زندگی شهر در مسجد جریان داشت، در آنجاست که قراردادهای تجاری بسته می‌شود، زیرا اسلام تمایزی میان مقدس و نامقدس نمی‌شناسد، اجرای شریعت بیش از هر چیز به این معنی بوده است که انسان ۲۴ ساعت شبانه روز در محضر خداوند بسر می‌برد

---

۱. نساء: ۵.

۲. نور: ۳۷.

و هر عملی در زیر نگاه او انجام می‌شود، بنابراین هر عملی که توأم با تقوی باشد یک بعد قدسی دارد و نماز درنگی است در سلسله لحظات گوناگون، درنگی که به سایر لحظات معنی می‌دهد. بنابراین نماز از بقیه اعمال جدا نیست».[۱]

حفظ حدود و ثغور بلاد اسلامی

برکسی نقش مساجد در دفاع از مرزهای بلاد اسلامی در طول تاریخ پوشیده نیست. برای ما هم در این زمان که دوره هشت ساله دفاع مقدس را تجربه کرده‌ایم، درک نقش مساجد در اداره امور جبهه و جنگ کار سختی نیست و اگر بگوییم این مساجد بود که در طول دفاع مقدس جبهه‌ها را تدارک و اداره می‌کرد، سخن حقی گفته‌ایم.

در صدر اسلام و دوره‌های بعد از آن اهل مسجد بودند که برای مرابطه (برقرار ارتباط میان مرزها و مرکز اسلامی) و مراقبت از حرکات دشمن و تهاجم رزمی و فرهنگی به مرزهای سرزمین‌های اسلامی کوچ می‌کردند و با نذر، وقف و وصیت، رباط‌هایی به شکل مسجد می‌ساختند، این رباط‌ها، در واقع مسجدی بود که مناره‌های کوتاه و بلند آن به صورت برج دیده‌بانی تبدیل و طاق‌های آن به صورت اطاق‌ها و استراحتگاه بسیجیان و مسافران و شبستان آن به هنگام نماز محل اقامه نماز جماعت و بعد از نماز محل درس و بحث طلاب بسیجی درمی‌آمد. بسیاری از طلاب علوم دینی و اساتید حوزه با نذر و غیره به آن مراکز می‌رفتند و ضمن آموزش‌های رزمی از اساتید مرابطون دوره‌های دروس علوم دینی و لغت و عرفان را فرا می‌گرفتند تا خود را هم در برابر تهاجم رزمی و هم تهاجم فرهنگی دشمن آماده سازند.

این پایگاه‌ها نقش مهمی در مرزهای کشورهای اسلامی بخصوص مغرب و طرابلس و اسپانیا و تونس ایفاکرده و همواره پاسخ‌گو و مدافع در بابر حملات رزمی و فرهنگی دشمنان اسلام بوده است تا جایی که بعضی از آنان انقلاب نموده و دولت‌هایی به نام دولت مرابطین تأسیس کرده‌اند.[۲]

---

۱. مسجد، آئینه اسلام، تألیف روژه گارودی، از انتشارات ژگوار.

۲. الرباط فی سبیل الله، محی‌الدین قلیبی تونسی، مجله رسالة الاسلام قاهره، سال ۴، ش ۳، ص ۳۰۹.

آثار تربیتی

همانطور که می‌دانیم تربیت، ارکان حیات اجتماعی انسان است، و لذا توجه به ابعاد مختلف تربیتی، توجه به شخصیت والای انسان است. در اصول تربیتی، محیط زیست یکی از عوامل تأثیرگذار بوده و می‌تواند کفه ترازوی تربیت را به نفع خود سنگین نماید. بنابراین مساجد و مکان‌های برگزاری نماز جماعت به عنوان یکی از محورهای تربیتی قابل توجه می‌باشد.

نکته تربیتی مهم این است که جمع نمازگزاران در مسجد، طبق یک تربیت اسلامی که ریشه آن در خانواده‌ها بنا نهاده شده احترام به امام جماعت، افراد مسن و سایر افراد مؤمن را به فراخور حال و موقعیت معنوی و... رعایت می‌کنند. امور تربیتی غالباً با روان سر و کار دارند تا با جسم و آنچه از تربیت در رابطه با جسم بکارگرفته می‌شود اکتسابی است از این رو حضور در جمع تربیت شده می‌تواند راه سهل و آسان کسب آداب و اخلاق مقبول جامعه اسلامی را در اختیار جمع نمازگزار قرار می‌دهد.

علمای تربیتی نیز به این مطلب اذعان دارند که اجرای مناسک دینی به منزله یادآوری و بازخوانی عقاید دینی است «و تقید و التزام به قواعد و قوانین اخلاقی، نوعی در قید شدن است و انسان‌های خویشتن دار بهتر می‌توانند این قید را بر خویشتن تحمیل کنند. مناسک دین نوعی تمرین برای خویشتن داری و تحمل قیود است و می‌تواند مقاومت در برابر جاذبه‌های نفسانی را افزایش دهد و موانع زیست اخلاقی را کم کند».[۱]

از دیگر نکات تربیتی حضور در مسجد می‌توان به وقت‌شناسی اشاره کرد. حاضر شدن منظم و مستمر در مسجد برای نماز جماعت نوعی نظم در زندگی و سایر امور دینی آنها به‌وجود می‌آورد.

خلاصه اینکه مسجد مکان مقدسی است برای عروج به درجات عالی انسانی و رشته‌ای است برای پیوند دل‌ها و تفکرها در جهت استحکام اتحاد و همبستگی و منبعی است برای تقسیم مهربانی‌ها و صفا و صمیمیت‌ها.

---

۱. تربیت اسلامی، ویژه تربیت اخلاق: ص ۱۰۱.

ایثار و انفاق

از دیگر آثار و برکات حضور در مسجد تقویت و اشاعه فرهنگ ایثار و انفاق است، که گاهی در حد اعلا و ممتاز در بین اهل مسجد مشاهده می‌شود.

جمع نمازگزارانی که در مسجد در حال نماز از خدای مهربان هدایت و نعمت را مسئلت می‌نماید «**صراط الذین انعمت علیهم...**» به تبع این درخواست خود نیز گامی در جهت نعمت بودن برای سایر برادران خود برمی‌دارد. اعلام نیاز بعد از نماز و به دنبال آن اقدام عمل افراد، از شاخصه‌ها فرهنگ جمع نمازگزار مسجدی است، زمانی که آیات «**اهدنا الصراط**» خوانده می‌شود همگان هدایت را برای همنوعان خود می‌خواهند، در واقع با دعای خود به دیگران احسان می‌کنند. در برخی از آیات نماز و انفاق قرین هم آمده است:

﴿و الذین صبروا ابتغاء وجه ربهم و أقاموا الصلاه و أنفقوا مما رزقناهم﴾.[۱]

«و کسانی که در طلب رضای خدا راه صبر پیش می‌گیرند و نماز بپا می‌دارند و از آنچه نصیب‌شان کردیم پنهان و آشکار انفاق می‌کنند».

﴿الذین یقیمون الصلاة و مما رزقناهم ینفقون، اولئك هم المؤمنون حقاً لهم درجات عند ربهم و مغفره و رزق کریم﴾.[۲]

«و نماز را با حضور قلب بپا می‌دارند و از آنچه روزی آنها کردیم (علم و جاه و مال) انفاق می‌کنند. آنها به راستی و حقیقت اهل ایمانند و نزد خدا مراتب بلند و آمرزش و روزی نیکو مخصوص آنهاست».

بطور طبیعی اطلاع‌رسانی در مورد نیاز و مشکلات مردم محروم در حالت عادی به سادگی امکان‌پذیر نیست و در صورت اقدام به اطلاع رسانی تنها بخش کوچکی از جامعه مطلع می‌شوند. اما حضور در جماعت مساجد این کار را سهل و ساده و به صورت مطلوب امکان‌پذیر می‌نماید.

---

۱. رعد: ۲۲.

۲. انفال: ۳ و ۴.

آثار روحی و اخلاقی

فضای مسجد، الهی و نورانی است، ذکر، دعا، صلوات، عزاداری‌ها و تلاوت آیات کریمه قرآن زمینه بسیار مناسبی را برای پرورش فضائل روحی و اخلاقی فراهم می‌آورد. اینها در پرتو رحمتی است که از ناحیه پروردگار شامل اهل مسجد می‌شود. چنانچه پیامبر اکرمﷺ نیز در حدیثی به آن اشاره فرموده است:

«ما جلس قوم فی مسجد من مساجد الله تعالی یتلون کتاب الله (و) یتدارسونه بینهم الا تنزلت علیهم سکینه و غشیتهم الرحمه و ذکرهم الله فیمن عنده».[۱]

«قومی (با یکدیگر) در مسجدی از مساجد خداوند متعال برای تلاوت و آموختن قرآن ننشینند؛ مگر آن که آرامش برایشان نازل و رحمت الهی شامل حال آنها شود و خداوند از آنها در میان کسانی که نزد او هستند یاد می‌کند».

در حدیث دیگری از آن حضرت می‌خوانیم که فرمود:

«من کانت المساجد بیته ضمن الله له بالروح و الراحه و الجواز علی الصراط».[۲]

«هرکس که مسجدها خانه‌اش باشد، خداوند آسایش و آرامش و عبور از صراط را برای او ضمانت می‌کند».

از طرفی اطمینان و آسایش حاصل از حضور در مسجد، توانایی انجام صحیح وظایف و تکالیف شرعی و اخلاقی دیگر را نیز به دست خواهد داد.

بهره و پاداش الهی

در روایات از ثواب‌ها و اجرهای متعدد برای حاضران در مساجد، فراوان یاد شده است از جمله:

---

۱. مستدرک الوسایل: ج ۳، ص ۴۸۲.

۲. همان: ج ۳، ص ۳۶۱؛ بحارالانوار: ج ۸۱، ص ۴؛ امالی طوسی: ص ۱۳۹.

۱ـ«ان فی التوراة مکتوباً: ان بیوتی فی الأرض المساجد فطوبی لمن تطهر فی بیته ثم زارنی فی بیتی و حق علی المزور ان یکرم الزائر».[۱]

«در تورات نوشته شده است که (خداوند می‌فرماید:) مسجدها خانه‌های من در زمین هستند. خوشا به حال کسی که خود را در خانه‌اش تمیز کند و در خانه من به زیارتم بیاید و حق زائر این است که میزبان او را محترم شمارد».

۲ـ«قال رسول الله صلی الله علیه و آله: المساجد سوق من اسواق الاخره قراها المغفره و تحفتها الجنه».[۲]

«مساجد بازاری از بازارهای آخرتند. آمرزش (و بخشش) از وسایل پذیرایی آنها است و هدیه آنها بهشت است».

۳ـ قال رسول الله صلی الله علیه و آله سبعه یظلهم الله فی ظله یوم لا ظل الا ظله... رجل قلبه متعلق بالمسجد اذا خرج منه حتی یعود الیه».[۳]

«هفت گروه در قیامت مورد توجه خدا قرار می‌گیرند. (که از جمله آنهاست)، شخصی که وقتی از مسجد خارج می‌شود تا زمان برگشت، توجه‌اش به مسجد باشد».

۴ـ«قال الصادق علیه السلام: لا یرجع صاحب المسجد باقل من احدی ثلاث خصال: اما دعاء یدعو به یدخله الله به الجنه و اما دعاء یدعوا به فیصرف الله عنه به بلاء الدنیا...».

«اهل مسجد به کمتر از یکی از سه ویژگی باز نمی‌گردد: یا دعایی می‌کند که خداوند به برکت آن، او را به بهشت می‌برد یا دعایی می‌کند که به سبب آن بلای دنیا را از او دور می‌کند و یا...».[۴]

---

۱. وسایل الشیعه: ج ۳، ص ۴۸۲.
۲. مستدرک: ج ۳، ص ۳۶۱؛ بحارالانوار: ج ۸۱، ص ۴؛ امالی طوسی: ص ۱۳۹.
۳. وسایل الشیعه: ج ۳، ص ۴۸۱.
۴. همان: ج ۵، ص ۱۹۳.

این همه نشان می‌دهد، حضور در مسجد، علاوه بر آثار دنیوی، از جنبه اخروی و کمالات معنوی نیز ـ به عنوان عاملی تأثیرگذار ـ مورد توجه است.

نقل است که شیخ الرئیس ابوعلی سینا برای سعید ابوالخیر نوشت: چه لزومی دارد، مردم همه در مسجد اجتماع کنند؛ با اینکه خداوند از رگ گردن به انسان نزدیک‌تر است. هرجا که باشی اگر رابطه‌ات با خدا برقرار باشد، نتیجه خواهی گرفت. وی در پاسخ نوشت: اگر چند چراغ در یک جا روشن باشد، اگر یکی از آنها خاموش شد، آن اتاق در تاریکی فرو خواهد رفت. انسانها نیز این گونه‌اند؛ تربیت سیاسی که در مسجد ارائه می‌شود، به دلیل ماهیت مذهبی آن می‌تواند نسلی را پدید آورد که پشتوانه جامعه دینی باشند و در برابر حوادث سیاسی هوشیاری لازم را داشته باشند.

بعضی گناهکارند، اگر تنها باشند، شاید موفق به کسب فیوضات الهی نشوند، ولی اگر در جمع باشند، شاید خداوند به برکت افراد دیگر، آنها را هم مشمول برکات خود سازد.[۱]

نتیجه

حضور در مساجد آثار و برکات و عملکردهای فردی و جمعی بسیاری دارد. مسجد علاوه بر محل نیایش بودن، منابع اشاعه فرهنگ اسلامی و به عنوان یک مرکز دینی برای عموم، نقش اساسی در شکل‌گیری اجتماعات مسلمین دارد.

از جمله آثار و برکات حضور در مساجد همکاری و تعاون است که از عوامل وحدت‌آفرین و استحکام بخش جامعه به شمار می‌رود.

مسجد همواره در کنار کارکرد اجتماعی، عبادی و معنوی خود، کانون سیاسی در جامعه مذهبی نیز بوده است. زنان و مردان با حضور در مساجد، می‌توانند از روابط سالم اجتماع سالم دینی بهره‌مند شوند. مسجد کانون اتحاد و همبستگی و انس و الفت مسلمانان است که مردم هر منطقه و محله را روزی چند نوبت در کنار هم در نمازهای جماعت جمع و با هم مأنوس می‌سازد. با تحقیق می‌توان دریافت که نقش مراکز هدایت دینی بخصوص مساجد در پیش‌گیری

---

۱. داستان‌ها و پندها: ج ۹، ص ۵۸.

و باز دارندگی از وقوع جرم و گناه بسیار مهم و در خور تأمل است.

با تجدید حضور در نماز جماعت در مساجد پیوند عاطفی و معنوی نمازگزاران نیز تجدید و تقویت می‌گردد و از طرفی دوستیهایی که در مسجد آغاز می‌شود، دوستی واقعی است و از جرم و جنایت و... سر در نمی‌آورد، دوستانی که با معیارهای دینی و آن هم در مسجد برگزیده شده‌اند همواره موجب زینت و سرافرازی انسان بوده و غالباً تا اواخر عمر ادامه می‌یابد.

اشاعه فرهنگ زیبای اسلامی احترام به علماء، افراد مسن و بزرگترها و محبت به کوچکترها و رعایت ادب در برابر سایر مؤمنین از دیگر ثمرات بیوت الرحمن یعنی مساجد است.

پیشنهاد

برای تبیین اثبات و علمی مسئله آثار و برکات و عملکردهای فردی و جمعی حضور در مسجد، از دیدگاه جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی و نیز ادیان و روان‌شناسی هر یک از موضوعات مطرح شده توسط سایر محققان بصورت میدانی مورد تحقیق قرارگرفته تا نتایج عینی آن نیز اثبات شود.

فهرست منابع و مآخذ

۱ ـ قرآن کریم.

۲ ـ آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۶ .

۳ ـ عاجی نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۳۶۶ .

۴ ـ حر عاملی، حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت، قم، بی‌تا.

۵ ـ متقی هندی، کنزالعمال، دارالتراث العربی، بی‌تا.

۶ ـ صبحی صالح، شرح نهج البلاغه، انتشارات دار الهجره، قم، بی‌تا.

۷ ـ صدوق، علی ابن بابویه، الامالی، انتشارات دارالثقاله، قم ۱۴۱۴ هـ ق.

۸ ـ صدوق، محمد، من لایحضره الفقیه، انتشارات جامعه مدرسین، قم ۱۴۱۳ .

۹ ـ طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۷ .

۱۰ ـ مازندرانی، محمد بن شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ .

۱۱ ـ قلبیی، محی‌الدین تونسی، الرباط فی سبیل الله، مجله رسالة الاسلام قاهره، سال ۴ ، ش ۳ ، ص ۳۰۹ .

۱۲ ـ کلینی، ابوجعفر، محمد بن اسحاق، اصول کافی، داراکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ .

۱۳ ـ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ هـ ق.

۱۴ ـ معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ناشر کتابخانه آیةالله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ .

۱۵ ـ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶ .

نقش مسجد در سلامت روانی جامعه

▣ کبری حیدری

پیش‌گفتار

یکی از موضوعاتی که بشر را رنج داده و می‌دهد و زندگی انسان را به تلخی می‌کشاند، اضطراب و افسردگی در مسیر زندگی است. انسان دوست دارد سطح بهداشت روانی خویش را بالا برده و ارتقا بخشد و در این راستا تلاش می‌کند از ابزار مناسب بهره‌مند شود.

پرسش مهم این است که آیا مسجد در کاهش اضطراب و نگرانی بشر تأثیر دارد؟

آیا می‌تواند افسردگی او را از بین برده، موجب ارتقای بهداشت روحی و روانی او گردد؟

در پاسخ باید گفت: آری، مسجد نقش مهم و کارساز در زمینهٔ آرامش و برطرف ساختن نگرانی بشر دارد.

زیرا که جایگاه ارتباط با خدا و ذکر و نماز است و نماز یاد خدا را در دل‌ها زنده می‌کند و با یاد او دل انسان آرامش می‌یابد، این حقیقتی است که قرآن آن را در یک جملهٔ کوتاه «**ألا بذکر الله تطمئن القلوب**» بیان نموده است.

در این مقاله موضوع فوق را به صورت کوتاه مورد توجه قرار داده، به آن پرداخته‌ایم.

اهمیت مسجد در اسلام

مسجد در اسلام از همان آغاز تأسیس برای برگزاری عبادت و یاد خدا بوده است، و ارتباط تنگاتنگ مسجد با بهترین جلوهٔ عبادت ـ یعنی نماز ـ بر کسی پوشیده نیست.

در فرهنگ اسلام پیرامون اهتمام به مسجد و توجه به آن تأکید زیادی شده است، خواندن نماز در مسجد بویژه به صورت جماعت ثواب و اجر فراوانی دارد و خداوند بهترین مکان روی زمین را به عنوان خانهٔ خود و مسجد الحرام یاد نموده و نماز در آن جا را مورد تأکید قرار داده است.

پیامبر اعظمﷺ نیز اول کاری که انجام داد در محلهٔ «قبا» در آستانهٔ ورود به مدینه، ساختن مسجد بود و سپس در مدینه نیز، مسجدالنبی را بنا نمود.

از سوی دیگر سفارش به نماز در منابع اسلامی و آیات و احادیث به‌طور آشکار به‌چشم می‌خورد، به یک نمونه از آن در قرآن کریم اشاره می‌کنیم:

﴿و اقم الصلوة طرفی النهار و زلفا من اللیل ان الحسنت یذهبن السیئات ذلك ذکری للذکرین﴾.[1]

«و نماز را در دو طرف روز و اوایل شب بپادار، (زیرا) بدرستی که کارهای نیکو (همچون نماز)، بدی‌ها را محو می‌کند، این (فرمان)، تذکری است برای اهل ذکر».

بنابراین رابطهٔ انسان با نماز باید یک رابطهٔ جدی و پایدار و شبانه روزی و همیشگی باشد!

اکنون نقش مسجد را ـ با توجه به این که جایگاه ارتباط با خدا است ـ در کاهش اضطراب و افسردگی و ارتقای سطح بهداشت روانی بشر، مورد بحث قرار می‌دهیم.

آرامش گمشدهٔ بشر در جهان امروز!

همیشه اضطراب و نگرانی یکی از بزرگترین بلاهای زندگی انسان‌ها بوده و هست، و مشکلات

---

۱. هود: ۱۱ ـ ۱۱۴.

ناشی از آن در زندگی فردی و اجتماعی به طور کامل محسوس است.

همیشه آرامش یکی از گم‌شده‌های مهم بشر بوده و به هر دری می‌زند تا آن را پیداکند، به‌طوری که اگر تلاش و کوشش انسان‌ها را در طول تاریخ برای پیداکردن آرامش جمع‌آوری کنیم، خود کتاب بسیار بزرگی خواهد شد.

بعضی از دانشمندان می‌گویند: به هنگام بروز بعضی از بیماری‌های واگیردار مانند «وبا» از هر ده نفر که در ظاهر به سبب وبا می‌میرند بیشتر آنان به دلیل نگرانی و ترس است، و تنها گروه اندکی از آنان در حقیقت به جهت مبتلا شدن به آن بیماری از بین می‌روند.

به‌طور کلی «آرامش» و «دلهره» نقش بسیار مهمی در «سلامت» و «بیماری» فرد و جامعه و سعادت و بدبختی بشر دارد، و چیزی نیست که بتوان از آن به آسانی گذشت، و به همین دلیل تاکنون کتاب‌های زیادی نوشته شده که موضوع آنها فقط نگرانی و راه مبارزه با آن، و طرز بدست آوردن آرامش است.

تاریخ بشر پر از صحنه‌های غم‌انگیزی است که انسان برای تحصیل آرامش به هر چیز دست انداخته و در هر وادی گام نهاده، و تن به انواع اعتیادها داده است.

عوامل نگرانی و پریشانی

۱ ـ گاهی اضطراب و نگرانی به‌خاطر آیندهٔ تاریک و مبهمی است که در برابر فکر انسان خودنمائی می‌کند، احتمال زوال نعمت‌ها، گرفتاری در چنگال دشمن، ضعف و بیماری و ناتوانی و درماندگی و احتیاج، همهٔ این‌ها آدمی را رنج می‌دهد، اما ایمان به خداوند قادر متعال، خداوند رحیم و مهربان، خدایی که همواره کفالت بندگان خویش را بر عهده دارد می‌تواند این‌گونه نگرانی‌ها را از میان ببرد و به او آرامش دهد که تو در برابر حوادث آینده درمانده نیستی، خدایی داری توانا، قادر و مهربان.

۲ ـ گاه گذشتهٔ تاریک زندگی فکر انسان را به خود مشغول می‌دارد و همواره او را نگران می‌سازد، نگرانی از گناهانی که انجام داده، از کوتاهی‌ها و لغزش‌ها، اما توجه به اینکه خداوند، غفار، توبه‌پذیر و رحیم و غفور است، به او آرامش می‌دهد، به او می‌گوید: عذر تقصیر

به پیشگاهش بر، ازگذشته عذرخواهی کن و در مقام جبران برآی، که او بخشنده است و جبران کردن ممکن.

۳ ـ ضعف و ناتوانی انسان در برابر عوامل طبیعی وگاه در مقابل انبوه دشمنان داخلی و خارجی، او را نگران می‌سازد که من در برابر این همه دشمن نیرومند در میدان جهاد چه کنم؟ و یا در مبارزات دیگر چه می‌توانم انجام دهم؟

اما هنگامی که به یاد خدا می‌افتد و به قدرت و رحمت او تکیه می‌زند، قدرتی که برترین قدرت‌ها است و هیچ چیز در برابر آن یارای مقاومت ندارد، قلبش آرام می‌گیرد، با خود می‌گوید: آری من تنها نیستم؛ من در سایهٔ خدا، بی‌نهایت قدرت دارم!

قهرمانی‌های مجاهدان راه خدا در جنگ‌ها، چه درگذشته، چه در حال، و سلحشوری‌های اعجاب‌انگیز و خیره‌کنندهٔ آنان، حتی در آنجایی که تک و تنها بوده‌اند، بیانگر آرامشی است که در سایه ایمان پیدا می‌شود.

هنگامی که با چشم خود می‌بینیم و باگوش می‌شنویم که افسر رشیدی پس از یک نبرد خیره‌کننده، بینائی خود را به کلی از دست داده و با تنی مجروح به روی تخت بیمارستان افتاده، اما با چنان آرامش خاطر و اطمینان سخن می‌گوید که گویی خراشی بر بدن او هم وارد نشد است، به اعجاز آرامش در سایهٔ ذکر خدا پی می‌بریم.

۴ ـ گاهی نیز ریشهٔ نگرانی‌های آزار دهندهٔ انسان، احساس پوچی زندگی و بی‌هدف بودن آن است ولی آن کسی که به خدا ایمان دارد، و مسیر تکاملی زندگی را به عنوان یک هدف بزرگ پذیرفته است، و تمام برنامه‌ها و حوادث زندگی را در همین خط می‌بیند، نه از زندگی احساس پوچی می‌کند، نه همچون افراد بی هدف و مردد، سرگردان و مضطرب است.

۵ ـ عامل دیگر نگرانی آن است که انسان گاهی برای رسیدن به یک هدف زحمت زیادی را متحمل می‌شود، اما کسی را نمی‌بیند که برای زحمت او ارج نهد و قدردانی و تشکر کند، این ناسپاسی او را شدیداً رنج می‌دهد و در یک حالت اضطراب و نگرانی فرو می‌برد، اما هنگامی که احساس کند کسی از تمام تلاش‌ها وکوشش‌هایش آگاه است، و به همه آنها ارج می‌نهد و برای همه پاداش می‌دهد دیگر چه جای نگرانی و ناآرامی است؟

۶ـ سوءِ ظن‌ها و توهم‌ها و خیالات پوچ یکی دیگر از عوامل نگرانی است که بسیاری از مردم در زندگی خود از آن رنج می‌برند، ولی چگونه می‌توان انکار کرد که توجه به خدا و لطف بی‌پایان او و دستور به حسن ظن که وظیفهٔ هر فرد با ایمانی است این حالت رنج‌آور را از بین می‌برد و آرامش و اطمینان جای آن را می‌گیرد.

۷ـ دنیاپرستی و دلباختگی در برابر زرق و برق زندگی مادی یکی از بزرگترین عوامل اضطراب و نگرانی انسان‌ها بوده و هست، تا آنجاکه گاهی عدم دستیابی به رنگ خاصی از لباس یا کفش و کلاه و یا یکی دیگر از هزاران وسائل زندگی ساعت‌ها و یا روزها و هفته‌ها فکر دنیاپرستان را ناآرام و مشوش می‌دارد اما ایمان به خدا و توجه به آزادگی مؤمن که همیشه با «زهد و پارسائی سازنده» همراه است به همهٔ این اضطراب‌ها پایان می‌دهد، هنگامی که روح انسان «علی‌وار» آن‌گونه وسعت یابد که بگوید:

«**دنیاکم هذه اهون عندی من ورقه فی قم جراده تقضمها**».

«دنیای شما در نظر من بی‌ارزش‌تر از برگ درختی است که در دهان ملخی باشد که آن را می‌جود».[۱]

نرسیدن به یک وسیلهٔ مادی یا از دست دادن آن چگونه امکان دارد آرامش روح آدمی را برهم زند و طوفانی از نگرانی در قلب و فکر او ایجاد کند.

۸ـ یک عامل مهم دیگر برای نگرانی، ترس و وحشت از مرگ است که همیشه روح انسان‌ها را آزار می‌داده است و زآنجاکه امکان مرگ تنها در سنین بالا نیست، بلکه در سنین دیگر مخصوصاً به هنگام بیماری‌ها، جنگ‌ها، ناامنی‌ها وجود دارد، این نگرانی می‌تواند عمومی باشد.

ولی اگر ما از نظر جهان‌بینی مرگ را به معنی فنا و نیستی و پایان همه چیز بدانیم (همان‌گونه که مادیون جهان می‌پندارند) این اضطراب و نگرانی کاملاً بجا است، و باید از چنین مرگی که نقطه پایان همهٔ آرزوها و موفقیت‌ها و خواسته‌های انسان است ترسید، اما هرگاه در سایهٔ ایمان به خدا مرگ را دریچه‌ای به یک زندگی وسیع‌تر و والاتر بدانیم، وگذشتن ازگذرگاه مرگ

---

۱. نهج‌البلاغه: خطبه ۲۲۴.

را همچون عبور از دالان زندان و رسیدن به یک فضای آزاد بشمریم دیگر این نگرانی بی‌معنی است، بلکه چنین مرگی ـ هرگاه در مسیر انجام وظیفه بوده باشد ـ دوست داشتنی و خواستنی است.

البته عوامل نگرانی منحصر به این‌ها نیست بلکه می‌توان عوامل فراوان دیگری برای آن نیز شمرد، ولی باید قبول کرد که بیشتر نگرانی‌ها به یکی از عوامل فوق باز می‌گردد.

و هنگامی که دیدیم این عوامل در برابر ایمان به خدا ذوب و بی‌رنگ و نابود می‌گردد تصدیق خواهیم کرد که یاد خدا مایهٔ آرامش دل‌ها است «**الا بذکر الله تطمئن القلوب**».

ارزش یاد خدا (ذکر)

در زمینهٔ ارزش ذکر و یاد خدا سخنی از حضرت علی علیه‌السلام ـ بزرگ مرد عبادت و نیایش ـ می‌آوریم، آن‌جا که فرموده است:

«همانا خدای سبحان و بزرگ یاد خود را روشنی‌بخش دل‌ها قرار داد، تا گوش پس از ناشنوایی بشنود، و چشم پس از کم نوری بنگرد، و انسان پس از دشمنی رام گردد. خداوند که نعمت‌های او گرانقدر است در دوره‌های مختلف روزگار و در دوران جدایی از رسالت «تا آمدن پیامبری پس از پیامبر دیگر» بندگانی داشته، که با آنان در گوش جان‌شان زمزمه می‌کرد و در درون عقل‌شان با آنان سخن می‌گفت.

آنان چراغ هدایت را با نور بیداری در گوش‌ها و دیده‌ها و دل‌ها برمی‌افروختند، روزهای خدایی را به یاد می‌آوردند و مردم را از جلوه و بزرگی خدا می‌ترساندند.

آنان نشانه‌های روشن خدا در بیابان‌هایند. آن را که راه میانه در پیش گرفت می‌ستودند و به رستگاری بشارت می‌دادند و روش آن را که به جانب چپ یا راست کشانده می‌شد زشت می‌شمردند و از نابودی هشدار می‌دادند، همچنان چراغ تاریکی‌ها و راهنمای پرتگاه‌ها بودند.

همانا مردمی هستند که ذکر خدا را به جای دنیا برگزیدند که هیچ تجارتی یا خرید و فروشی آنها را از یاد خدا باز نمی‌دارد. با یاد خدا روزگاری می‌گذرانند و غافلان را با هشدارهای خود، از کیفرهای الهی می‌ترسانند، به عدالت فرمان می‌دهند و خود عدالت گسترند، از بدی‌ها نهی می‌کنند و خود از آنها پرهیز دارند.

با این‌که در دنیا زندگی می‌کنند گویا آن را رها کرده به آخرت پیوسته‌اند. سرای دیگر را مشاهده کرده، گویا از مسائل پنهان برزخیان و مدت طولانی اقامت‌شان آگاهی دارند و گویا قیامت وعده‌های خود را برای آنان تحقق بخشیده است. آنان پرده‌ها (پرده‌های آن جهان) را برای مردم دنیا برداشته‌اند، می‌بینند آنچه را که مردم نمی‌نگرند و می‌شنوند، آنچه را مردم نمی‌شنوند... .

آنان نشانه‌های هدایت، چراغ‌های روشنگر تاریکی‌ها می‌باشند. فرشتگان آنان را در میان گرفته، و آرامش بر آنها می‌بارند، درهای آسمان به روی‌شان گشوده و مقام ارزشمندی برای آنان آماده کرده‌اند. مقامی که خداوند با نظر رحمت به آن می‌نگرد و از تلاش آنها خشنود و منزلت آنها را می‌ستاید، دست به دعا برداشته و آمرزش الهی می‌طلبند، در گرو نیازمندی فضل خدا و اسیران بزرگی او هستند. غم و اندوه طولانی دل‌هایشان را مجروح و گریه‌های پیاپی چشم‌هایشان را آزرده است. دست آنان به‌طرف تمام درهای امیدواری خدا دراز است، از کسی درخواست می‌کنند که بخشش او را کاستی و درخواست کنندگان او را نومیدی نیست. پس اکنون به خاطر خودت، حساب خویش را بررسی کن، زیرا دیگران حسابرسی غیر از تو دارند».[۱]

---

۱. نهج‌البلاغه دشتی: خطبه ۲۲۲.

نماز بهترین وسیله برای یاد خدا

در برخی از آیات قرآن به یکی از فلسفه‌های مهم نماز اشاره شده است، و آن اینکه انسان در زندگی این جهان با توجه به «عوامل غافل‌کننده» نیاز به تذکر و یادآوری دارد، با وسیله‌ای که در فاصله‌های مختلف زمانی، خدا و رستاخیز و دعوت پیامبران و هدف آفرینش را به یاد او آورد و از غرق شدن در گرداب غفلت و بی‌خبری حفظ کند، نماز این وظیفهٔ مهم را بر عهده دارد.

انسان صبحگاهان از خواب برمی‌خیزد، خوابی که او را از همه چیز این جهان بیگانه کرده، می‌خواهد برنامهٔ زندگی را شروع کند، قبل از هر چیز به سراغ نماز می‌رود، قلب و جان خود را با یاد خدا صفا می‌دهد، از او نیرو و مدد می‌گیرد، و آمادهٔ سعی و تلاش توأم با پاکی و صداقت می‌گردد.

باز هنگامی که غرق کارهای روزانه شد و چند ساعتی گذشت و چه بسا میان او و یاد خدا جدایی افتاد، ناگاه ظهر می‌شود و صدای مؤذن را می‌شنود:

«الله اکبر!... حی علی الصلوة...».

«خدا از همه چیز برتر است، برتر از آنست که توصیف شود... بشتاب بسوی نماز».

به سراغ نماز می‌رود در برابر معبود خود به راز و نیاز می‌ایستد، و اگر گرد و غبار غفلتی بر قلب او نشسته، آن را شستشو می‌دهد اینجا است که خدا در نخستین دستورات در آغاز وحی به موسی می‌گوید نماز را بر پا دار تا به یاد من باشی.

جالب این‌که این آیه می‌گوید: نماز را برپا دار تا به یاد من باشی، اما در آیهٔ ۲۸ سورهٔ رعد می‌گوید: ذکر خدا مایهٔ اطمینان و آرامش دل‌ها است «**الا بذکر الله تطمئن القلوب**» و در آیه ۲۷ تا ۳۰ سورهٔ فجر می‌فرماید:

﴿یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربك راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی﴾.

«ای نفس مطمئنه بسوی پروردگارت بازگرد، در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود، در زمرهٔ بندگانم درآی، و در بهشتم گام بگذار».

از قرار دادن این سه آیه درکنارهم به خوبی می‌فهمیم نماز انسان را به یاد خدا وا می‌دارد، یاد خدا نفس مطمئنه به و می‌دهد، و نفس مطمئنه او را به مقام بندگان خاص و بهشت جاویدان می‌رساند.

بنابراین بهترین وسیله برای یاد خدا ارتباط با او به صورت نیایش است، زیباترین جلوهٔ نیایش نماز است.

نماز و آرامش روان

نماز یکی از فرایض مهم اسلامی و مشتمل بر دو جنبهٔ عقلانی و فوق عقل است. قسمت عقلانی نماز مقررات حساب شده و قابل سنجش است: غسل کردن، وضو گرفتن، مسواک دندان‌ها و مضمضه و استنشاق از نظر پاکیزگی و نظافت، مباح بودن آب وضو و لباس نمازگزار و محل نماز از نظر نظم مالی در اجتماع، ترتیب اجزاء نماز انضباط در عمل، تشکیل جماعت از نظر تحکیم روابط دوستانهٔ اجتماع، قیام و قعود و رکوع و سجود از نظر حرکات موزون بدنی، خواندن حمد و سوره و سایر اذکار از نظر تلقین‌های روانی و مطالبی نظیر این‌ها هر یک از نظر عقلی قابل محاسبه و اندازه‌گیری است.

ولی روح نماز و حقیقت آن، با محاسبهٔ عقلی و عملی، قابل اندازه‌گیری نیست، روح نماز قرب به خداوند و ربط روحانی با پروردگار است، نماز معراج مؤمن و مایهٔ صفای باطن و عامل اطمینان و آرامش روان است. نماز برای نمازگزاران خاضع و خاشع، بزرگترین پناهگاه معنوی است، حالت وجدانی و متعالی روانی نمازگزاران نه به زبان عقل قابل بیان است و نه با محاسبهٔ علمی قابل اندازه‌گیری است.

حقیقت غیرقابل سنجش نماز است که ضمیر باطن را از ناپاکی و پلیدی تطهیر می‌کند و نمازگزار را از گناه باز می‌دارد. «**ان الصلاة تنهی عن الفحشاء و المنکر**».

نیروی ناسنجیدنی ایمان و قدرت غیرقابل توصیفی که در باطن نمازگزاران با ایمان به وجود می‌آید به قدری شدید است که می‌تواند تمام غرائز سرکش را مهار کند و از تندروی

تمایلات جلوگیری نماید و آدمی را انسانی پاک و شایسته بسازد. قدرت غیرقابل سنجش ایمان است که مردم معتقد و مؤمن را در خلوت و جلوت از انحراف و ناپاکی باز می‌دارد.

حالات روحانی مردان پاکدل و هیجان‌های درونی صاحبدلان در مناجات‌های نیمه شب در پیشگاه خداوند، ناسنجیدنی و غیرقابل توصیف است، ولی منشأ بزرگترین تحول روحی و تعالی روانی است، شجاعت، مالکیت نفس، صفای دل، خیرخواهی. فداکاری، و خلاصه تمام سجایای اخلاقی و انسانی در سایهٔ ایمان و در پرتو نورانیت روان به دست می‌آید.

به یک حدیث توجه می‌کنیم:

«**عن جعفر بن محمد**علیه‌السلام **عن ابیه عن جده، قال: قال رسول الله**صلی‌الله‌علیه‌وآله: **اعظم العبادات أجراً أخفاها**».

امام صادق صلی‌الله‌علیه‌وآله از رسول اکرم علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود:

«بزرگترین پاداش برای عبادتی است که پنهانی و در خفا انجام شود».

نیمه شب وقتی که مردم در بستر خواب آرمیده‌اند، تاریکی سراسر جهان را فراگرفته و سکوت همه جا حکم فرماست، خداپرستان، مردان با ایمان؛ به منظور دعا و تضرع در پیشگاه خداوند بزرگ بستر را ترک می‌گویند.

عشق‌سوزان خداپرستی و شعلهٔ فروزان ایمان از اعماق جان آنان زبانه می‌کشد با شور و شوق وصف‌ناپذیری وپو می‌سازند، با خضوع و خشوع به حضور خداوند می‌روند، حرف می‌زنند، دعا می‌کنند، اشک می‌ریزند، بر خود می‌لرزند، از خود بی‌خود می‌شوند. لغزش‌های خویش را از خاطر می‌گذرانند، عذر می‌خواهند، استغفار می‌کنند، با خدا پیمان درستی و درست‌کاری می‌بندند، از او استمداد می‌طلبند، و از قدرت زوال‌ناپذیر اوکسب قدرت و نیرو می‌نمایند.

آن حالت روانی، آن هیجان درونی که در نیمه شب به مرد الهی دست می‌دهد فوق علم است، فوق عقل است. واقعیتی است ناسنجیدنی، حقیقتی است غیرقابل توصیف، ولی اثر خیره‌کننده‌اش در تمام ذرات وجود آن مرد الهی آشکار است، در جسم و جان او طوفانی

بر پا می‌کند. روی تمام نیروهایش اثر می‌گذارد، دلش را آرامش می‌بخشد، به او شهامت و شجاعت می‌دهد. غرائزش را مهار می‌کند، ازگناهش باز می‌دارد، دلش را خیرخواه و مهربان می‌نماید، به او روح از خودگذشتگی و فداکاری می‌بخشد. و خلاصه او راانسان‌کاملی می‌سازد و تمام سجایای انسانی را در روی بیدار می‌کند و به فعالیت وا می‌دارد.

آن حالت پاک و نورانی، آن معنویت درخشان آسمانی، حقیقت تقوای کامل و هدف مکتب اسلام است.

چه خوش است یک شب بکشی هوا را به حضور خواهی زخدا خدا را
به خلوص خوانی ورقی زقرآن فکنی در آتش کتب ریا را
شود آن که گاهی بدهند راهی به حضور شاهی چو من گدا را

نیاز به خدا با نیایش آشکار می‌شود نیایش درخواست کمک و یک سرود عشق است. گویا خداوند به سخن آدمی گوش داده و پاسخ مستقیم می‌دهد و تعادل روحی برقرار می‌شود.

دنیا چهرهٔ خشن و ستمگر خود را از دست می‌دهد و مهربان می‌شود، نیروی عجیبی از درون ما سر بالا می‌آورد، نیایش به انسان نیروی تحمل غم‌ها وگرفتاری‌ها را می‌بخشد و او را امیدوار می‌کند و به او قدرت استقامت و ایستادگی می‌دهد.

انس با خدا بشر را به ساحل امن و آرامش می‌کشاند، آری، کتاب آسمانی ما، قرآن با یک جملهٔ کوتاه و پر مغز بهترین و نزدیکترین راه را نشان داده، و ما را برای حرکت در آن فرا خوانده و می‌گوید:

«بدانید که یاد خدا آرام بخش دل‌ها است».

ای انسان!

خداوند به تو کرامت بخشید و بر بسیاری از مخلوقات برتری داد!

آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای بهره‌مندی تو آفرید.

منزلت تو نزد وی این‌گونه است که از میان موجودات جهان، تو را برای خود برگزید و بهشت ویژه‌اش را برایت آماده کرد!

اکنون که آهنگ جهان، آهنگ حرکت بسوی اوست.

و کاروان هستی رو بسوی او دارد.

تصمیم تو چیست؟

آیا در این راه قدم گذاشته‌ای؟!

در پایان امیدواریم جامعهٔ اسلامی، در پرتو حضور در مساجد که سنگرهای مهم دین است، هر چه بیشتر از آرامش دل بهره‌مند شود.

مساجد ملجأ مردم

▣ ناصر شکریان

مقدمه

همهٔ ادیان و اقوام و ملل مسجد و عبادتگاهی دارند که از قداست و احترامی خاص برخوردار است. این معابد در ادیان توحیدی به عنوان صوامع و بیع و صلوات و مساجد از آنها یاد شده است.

﴿و لو لا دفع الله الناس بعضهم لبعض لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد﴾.[۱]

«اگر خداوند ظلم و تجاوز بعضی از مردم را بوسیله بعض دیگر دفع نکند، صومعه‌ها و کنیسه‌ها و کلیساها و مساجد ویران می‌گردد».

در فرهنگ اسلامی برترین و مقدس‌ترین محفل مساجد معرفی شده است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

«افضل البقاع المساجد».[۲]

«برترین و با ارزش‌ترین بقعه‌ها مساجد است».

---

۱. حج: ۴۰.

۲. کنزل العمال: ج ۷، ص ۵۲.

با نگاهی گذرا به تاریخ مساجد درمی‌یابیم که مساجد علاوه بر نقش محوری خود که عبادت باشد، کارکردهای گوناگونی دیگری هم دارد. بدیهی است که تبیین جایگاه مساجد، موجب افزایش کارآیی آن خواهد شد مساجد در صدر اسلام مرکز سازماندهی، برنامه‌ریزی و محل فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و آموزشی محسوب می‌شد. در حقیقت مساجد بزرگترین سازمان مدنی جهان اسلام به‌شمار می‌رود.

دکتر گوستاولبون فرانسوی در این باره می‌گوید:

«مهم‌ترین مرکز زندگی برای عرب‌ها مسجد است، زیرا عرب‌ها مسجد را مرکز اجتماع عبادت، تعلیم و تربیت و گاهی مسکن خویش قرار می‌دهند، و مساجد مانند کلیسا نیست که فقط مرکز عبادت و در طول هفته فقط یک‌بار باز شود».[۱]

در میان هزاران کتاب، مقاله و تحقیق که در محورهای گوناگون مسجد به رشتهٔ تحریر در آمده آن چنان‌که شایسته مکان و منزلت و جایگاه آن باشد، کار جامع و بایسته‌ای صورت نپذیرفته است. از دست‌اندرکاران امور مساجد که فرصتی دیگر برای سخن گفتن و قلم زدن دربارهٔ مسجد این خانهٔ آشنا و غریب فراهم آوردند قدردانی می‌گردد.

امید است که این اقدام خداپسندانه پیامدهای سازنده‌ای در راستای آبادانی و عمران هرچه بیشتر مساجد در ابعاد گوناگون معنوی و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و آموزشی و اقتصادی را در پی داشته باشد.

جایگاه مسجد

﴿انَّ اول بیتٍ وُضع للناس للذی ببکّة مبارکاً و هدی للعالمین﴾.[۲]

«نخستین خانه‌ای که در روی زمین برای مردم ساخته شد همان خانهٔ خداست که پربرکت و موجب هدایت جهانیان است».

---

۱. تمدن اسلام و عرب: ص ۵۳۱.
۲. آل‌عمران: ۹۶.

ظاهر معنای آیه این است که خانهٔ خدا نخستین معبد جهانی و پرستشگاه عمومی از زمان آدم تاکنون بوده و مایهٔ برکت و هدایت برای همگان قرار داده شده است.

نخستین عمل نبی مکرم اسلام بعد از هجرت به مدینه نیز ساخت مسجد بوده و این نخستین دلیل بر آن است که در فرهنگ دینی و حکومت اسلامی مسجد جنبه محوری دارد و سایر مسائل باید در حول مسجد شکل بگیرد.

خداوند متعال همهٔ مساجد را به عنوان خانه‌های خود در روی زمین معرفی فرموده است:

﴿ان بیوتی فی الارض المساجد﴾.[۱]

«خانه‌های من در روی زمین مساجد هستند».

﴿و ان المساجد لله﴾.[۲]

«مساجد از آن خداست».

همچنین ذات باری مساجد را محل ملاقات خود قرار داده است.

«الا طوبی لعبد توضأ فی بیته ثم زارنی فی بیتی».[۳]

«خوشا به‌حال بنده‌ای که در خانه‌اش وضو بگیرد و مرا در مسجد زیارت کند».

از این‌رو امام حسین علیه‌السلام فرمود:

«اهل المسجد زوار الله».[۴]

«اهل مسجد زائران خدا هستند».

از آنجاکه طرح و بانی مساجد خود خداوند است، لذا، تطهیر و تعمیر و خادمی آن را بر عهدهٔ انبیا و اولیای خود قرار داده است.

﴿و عهدنا الی ابراهیم و اسماعیل ان طهرا بیتی للطائفین و العاکفین و الرکع السجود﴾.[۵]

---

۱. وسائل الشیعه: ج ۱، ص ۲۶۸.
۲. جن: ۱۸.
۳. وسائل الشیعه: ج ۱، ص ۲۶۸.
۴. آئین مسجد: ج ۱، ص ۱۶۵.
۵. بقره: ۱۲۵.

چون خانهٔ خداست لذا خادمان نیز باید از اولیای خدا باشند، به همین لحاظ بود که یکی از پیامبران اولوالعزم شیخ الانبیاء ابراهیم خلیل الرحمان به همراه فرزندش اسماعیل مأمور این کار مقدس شدند. هدف این مأموریت این بود که خانهٔ خدا برای مهمانان و حضور بندگان از هر جهت آماده شود و خدمت به خانهٔ خدا و مسجدکاری ابراهیمی و مأموریت الهی به‌شمار آید.

در طول تاریخ، زمانی ابراهیم و اسماعیل و زکریا و دیگران خادم مساجد بودند و مادر حضرت مریم نیز قبل از تولد فرزندش، نذر می‌کند که فرزندش خادم مسجد گردد.

﴿اذ قالت امرأة عمران رب انی نذرت لك ما فی بطنی محررا فتقبل منی﴾.[۱]

«همسر عمران گفت: پروردگارا، آنچه را در رحم دارم برای تو نذر کردم که برای خدمت به خانه تو آزاد باشد، پس از من قبول فرما».

لذا خدمت به خانهٔ خدا آن‌قدر ارزش دارد که اولیای خدا، عزیزان خود را قبل از تولد برای آن کار نذر کنند و از خداوند هم بخواهند تا آن را قبول فرماید.

در همین راستا خداوند متعال خاتم‌النبیین حضرت محمد صلی الله علیه و آله را مأمور خدمتگزاری به مسجد خود قرار داد.

قال الباقر علیه السلام:

«او حی الله الی نبیه ان طهر مسجدك».[۲]

«خداوند پیامبرش را وحی کرد تا مسجد النبی را تطهیر کند».

و در مرحلهٔ بعد خدمتگزاری مساجد را به مؤمنان و بندگان صالح سپرد.

﴿انما یعمر مساجد الله من امن بالله و الیوم الاخر و اقام الصلوه و اتی الزکوه و لم یخش الا الله﴾.[۳]

«مساجد خدا را تنها کسانی باید آباد کنند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و نماز را به پا می‌دارند و زکات می‌پردازند و جز از خدا نمی‌ترسند».

---

۱. آل‌عمران: ۳۵.
۲. وسائل الشیعه: ج ۱، ص ۴۸۴ .
۳. توبه: ۱۸.

مساجد پایگاه مهم عبادی و اجتماعی مسلمانان و خانه خداست، لذا متولیان آن باید صالح و پاک باشند هم درد دین داشته باشند و هم درد محرومان «**اقی الزکوه**» و هم شجاع باشند «**لم یخش الا الله**» و از آنجاکه خدمت به مسجد کار ابراهیمی و محمدی ﷺ و بندگان صالح خداست، لذا فرمود مشرکان حق خدمتگزاری به آستان مقدس مساجد را ندارند.

﴿**ما کان للمشرکین ان یعمروا مساجد الله**﴾.[۱]

با نگاهی گذرا به تاریخ اسلام درمی یابیم که علی‌رغم گذشت چندین قرن از ساخت نخستین مسجد، همچنان شأن و تقدس معنوی مساجد حفظ شده است و در طول تاریخ جایگاه خود را از دست نداده و مقدس‌ترین و مهم‌ترین و عظیم‌ترین پایگاه دینی و مهم‌ترین سنگر اسلام محسوب می‌شود و بزرگترین نقش را در تقویت و تثبیت و توسعه زیر ساخت‌های فرهنگ اسلامی دارد و همواره دژ پولادین و استوار در مقابل هجمه‌های فرهنگی دشمنان اسلامی بوده است.

اگر تاکنون از اسلام، اسم و رسمی باقی مانده و اگر از مسلمانی نشانی دیده می‌شود، همه و همه از برکات این مراکز نور نشأت گرفته است.

مساجد به لحاظ ارزش‌های والایی که داشته و دارد توجه بسیاری از دانشمندان غربی و بیگانه را نیز به خود جلب کرده است.

«هگل» فیلسوف شهیر آلمانی می‌نویسد:

«در اسلامبول روزی به مسجد رفتم از سادگی و صلابت مسجد شگفت‌زده شدم و حال خوش و جذبه‌ای شورانگیز در خود احساس کردم».[۲]

«ژزف ارنست رنان» نویسنده و فیلسوف فرانسوی می‌نویسد:

«برخلاف سخنان ناروایی که درباره اسلام و عرب شنیده بودم هرگاه وارد یکی از مساجدهای مسلمانان می‌شدم صحنه‌های دلپذیر و جذابی را می‌دیدم

---

۱. توبه: ۱۷.

۲. هزار و یک نکته درباره نماز: ص ۹۷.

که به خود می‌لرزیدم و افسوس می‌خوردم که چرا مسلمان نیستم».[۱]

«ویل دورانت» مؤرخ مشهور می‌نویسد:

«چه خوش آهنگ است صدای مؤذن در گوش مسلمانان و غیرمسلمانان که این جان‌های محبوس در پیکر خاکی را از فراز هزاران مساجد دعوت می‌کند به سوی بخشندهٔ زندگی و عقل، توجه کنند و به جان با او پیوند گیرند».[۲]

کارکردهای مسجد

بدون شک اقامهٔ نماز و سایر عبادت منحصر به مکان خاصی نیست، بل می‌توان در هر مکانی انجام داد. آنچه باعث شد که برگزاری نماز به‌صورت جمعی و جماعت در مساجد مورد تأکید فراوان قرار گیرد، اهداف بهتر و والاتری است که دین مبین اسلام آن را تعقیب می‌کند.

مساجد در طول تاریخ اسلام نه فقط محل عبادت و مناجات، بل پایگاه تصمیم‌گیری مهم سیاسی، اقتصادی، نظامی و مرکز نشر معارف دینی و کانون تربیت انسان‌های متعهد و جایگاه حل معضلات امت اسلامی و محور وحدت مسلمانان و پشتوانهٔ محکمی برای حکومت اسلامی بوده است. به عبارت دیگر مساجد در قالب کانون فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی اقتصادی، قضایی و آموزشی محسوب می‌شده است.

از آغاز اسلام تا چند قرن بعد، از مساجد به صورت مدرسه آموزشی استفاده می‌کردند و با پدیده‌ای به‌نام مدرسه روبرو نبودند، مشهور این است که از سال ۴۵۹ هجری قمری نخستین مدرسه به همت نظام‌الملک توسی وزیر آلب ارسلان سلجوقی در بغداد بنا شده است. به‌هرحال تاریخ تأسیس مدرسه هر وقت باشد، محققان و مورخان پذیرفته‌اند که پیش از پیدایش مدرسه، مسجد یگانه مرکز مهم آموزشی درکشورهای اسلامی بوده است و در حقیقت مدرسه فرزند مسجد به‌شمار می‌آید و در روزگاری در میان فقها مطرح بود که آیا تأسیس مدرسه جایز است یا خیر.

---

۱. همان: ص ۹۷ و ۲۶۲ .

۲. همان: ص ۳۳ .

به هر صورت پیش از پیدایش مدرسه، مسجد یگانه مرکز مهم آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و قضایی در کشور اسلامی بوده و بعضی از نویسندگان مسجد را مجلس شورای مسلمانان نام نهاده‌اند.[۱]

پس در حقیقت بنای مسجد النبی که مسجد نمونه اسلام است، فقط تأسیس یک عبادتگاه نبود، بل به شهادت مورخان و محققان و حتی خاورشناسان پی‌ریزی یک مدرسه بزرگ اسلامی بود.

«جرجی زیدان» نویسندهٔ مسیحی عرب می‌نویسد:

«همان‌طوری‌که مسجدهای مسلمان، مرکز اجتماع و پناهگاه غریبان و بیماران است، این مراکز مهد تعلیم و تربیت نیز بوده است در کوچکترین مسجد، کودکان را آموزش می‌دهند و مسجدهای بزرگ گاهی به اندازه دانشگاه‌های اروپا دارای ارزش و اهمیت است».[۲]

مقام معظم رهبری فرمودند:

«نظام مسجد نه فقط در زمان ما و نه فقط در کشور عزیز اسلامی، بل در نقاط گوناگون عالم و در طول تاریخ، منشأ آثار بزرگ و نهضت‌های بزرگ و حرکات اسلامی شده است».[۳]

هر مسجد می‌تواند کارکردهایی نظیر کارکردهای عبادی، آموزشی، فرهنگی تبلیغی، علمی، سیاسی، اجتماعی، قضایی، نظامی و رسانه‌ای، هنری ورزشی و جز آن داشته باشد. هر قدر این فعالیت‌ها و کارکردها از تنوع بیشتری برخوردار گردد، مسلماً از زمینهٔ جذابیت و اقبال بیشتری از سوی طبقات گوناگونی جامعه خصوصاً جوانان مواجه و نتیجه آن افزایش دین باوری در سطح جامعه خواهد شد، تقسیم بندی کارکردها به اصلی و فرعی و توضیح هر یک نیاز به یک مقاله دیگر دارد، به هرحال جایگاه و نقش برجسته مساجد در صدر اسلام و در طول تاریخ بر کسی پوشیده نیست.

---

۱. تاریخ آموزش در اسلام (احمد شبلی): ص ۲۱۷ و ۱۰۰.
۲. هزار و یک نکته درباره نماز: ص ۹۷.
۳. ۱۶ دی ۱۳۷۵.

مسجدالحرام ملجأ مردم

﴿و اذ جعلنا البیت مثابه للناس و امنا﴾.[۱]

«هنگامی که خانه کعبه و مسجد الحرام را ملجأ و مرجع و مأمن مردم قرار دادیم».

خداوند متعال در قرآن ویژگی‌های مسجدالحرام را نمونه و فرد شاخص ذکر کرده است، در این آیهٔ شریفه نخستین ویژگی آن را ملجأ و مأوا و مرجع مردم بودن معرفی می‌کند. از آنجا که در روایات متعدد مساجد به عنوان خانه‌های خدا بر روی زمین معرفی شده‌اند.

﴿ان بیوتی فی الارض المساجد﴾.[۲]

«خانه‌های من در روی زمین مساجد هستند».

لذا هر مسجدی با قوت و ضعف می‌تواند ملجأ و مرجع منطقه‌ای یا شهری یا محلی قلمداد گردد.

با توجه به این‌که این آیات در مقام یادآوری بخشی از نعمت‌ها به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله یا مردم است[۳] و با ضمیر متکلم مع الغیر آن را به خود نسبت داده (جعلنا) و از سوی دیگر لفظ مثابه هم بدون هیچ قید و به‌صورت مطلق و با تاء مبالغه ذکر شده است.

و از ناحیهٔ دیگر مثابه لفظی است که معنای وسیعی به همراه دارد، به‌طوری که بعضی از مفسران تا دوازده معنی برای آن ذکر کرده‌اند[۴] که توجه به همهٔ این نکات و لفظ الناس «**مثابه للناس**» سبب دقت و توجه بیشتر به مثابه بودن خانه خدا برای مردم می‌شود. خانه‌ای که ملجأ و مرجع و پناهگاه همهٔ مردم قرار داده شد، مکان مقدسی که نفع مادی و معنوی به همراه دارد، خانه‌ای که محل بازگشت و توبه از گناهان فردی و اجتماعی و موجب تنبه و بیداری از هرگونه غفلت و لغزش و سبب سیراب شدن از آب حیات زندگی خواهد شد.

تردیدی نیست که جامعهٔ بشری به هنگام بروز اختلافات و تعدیات، نیاز به یک چنین

---

۱. بقره: ۱۲۵.

۲. وسائل الشیعه: ج ۱، ص ۲۶۸.

۳. ﴿اذکر یا ایها الرسول او اذکر یا ایها الناس﴾.

۴. المقام ـ المرجع ـ المجتمع ـ الملجأ ـ المتاب ـ محل الثواب ـ مجتمع الماء... ـ تفسیر فرقان: ج ۱۲، ص ۱۳۷.

ملجأ و مرجعی دارد که متعلق به گروه و طایفه و دولت خاص نباشد و از سوی دیگر مورد احترام همگانی باشد و چنین پناهگاهی در هیچ نقطهٔ جهان برای هیچ ملت و قبیله‌ای با چنین اوصاف دیده نشده است، لذا نعمتی بزرگ برای مسلمین ذکر نمود.

مسجدالحرام مأمن مردم

دومین ویژگی که صاحب‌خانه برای خانهٔ خود ذکر فرمود، «امناً» یعنی مأمن و محل امن بودن است. پس مسجدالحرام ملجأ و پناهگاهی است که امنیت را در حد اعلی به همراه خود دارد.

بر هیچ فرد عاقلی پوشیده نیست که بزرگترین نعمت برای هر انسان و جوامع انسانی وجود پناهگاه امن و مطمئن است که افراد آن جامعه با کمال صفا و صمیمیت به دور از هر نوع نفرت و تمایزات و تجاوزات درکنار هم به سر ببرند که تحقق چنین جامعه و مرکزی از آرزوهای دیرینه دانشمندان از زمان افلاطون تا عصر تمدن بوده و هست و سازمان‌ها و جوامع بین‌المللی با تمام وسعت و خرج سنگین درصدد تحقق چنین آرمانی هستند، اما تاکنون ره به جایی نبرده‌اند و از سوی دیگر ضرورت چنین منطقه و مکانی با توجه به دنیای پر هیجان و آشوب که شعله جنگ و نزاع و تفرقه سراسر عالم را فراگرفته بر هیچ شخصی پوشیده نیست، اما خداوند متعال طبق حکمت متعالیه‌اش، منطقه‌ای را در یک نقطهٔ زمین برای چنین اهداف مقدسی احداث نموده است که در هیچ جای دنیا چنین امنیتی حکم‌فرما نبوده و نیست، به طوری که شکار حیوانات، بل نشان دادن آن با گوشهٔ چشم ممنوع باشد، امنیتی که باعث سکون قلب و آرامش خاطر گردد.[۱] خصوصاً با عنایت به این که جهت مبالغه از مصدر استفاده[۲] و وصف برای بیت قرار داده تا دلالت بر امنیت خالص و واقعی بکند. به‌علاوه توجه به اطلاق «اَمناً» در آیه ما را به مطلب دیگری رهنمون می‌سازد که مراد، امن از دنیا و آخرت است چنان‌که امام صادق علیه‌السلام در توضیح امنیت فرمود:

«من ام هذا البیت و هو یعلم انه البیت الذی امره الله عزوجل به و عرفنا

---

۱. الامن، طمآنیه النفس و زوال الخوف. مفردات راغب.

۲. وصف به للمبالغه، روح المعانی: ج ۱، ص ۳۷۸.

اهل البیت حق معرفتنا کان امنا فی الدنیا و الاخره».[۱]

«کسی که قصد خانه خدا بکند و از ما اهل‌بیت شناخت کافی داشته باشد، در دنیا و آخرت در امان خواهد بود».

خداوند متعال هم در اهمیت و ارزش امنیت این منطقه فرمود:

﴿اولم یروا انا جعلنا حرما امنا و یتخطف الناس من حولهم افبالباطل یؤمنون و بنعمه الله یکفرون﴾.[۲]

«آیا کافران ندیدند که ما آن شهر را حرم امن و امان قرار دادیم. در صورتی که در اطرافش مردم را می‌ربایند. آیا باز به باطل می‌گروند و به نعمت حق کافر می‌شوند؟».

خداوند منان در یک سرزمین بحرانی که در همه جا کشتار و غارت بود منطقه‌ای را در امنیت قرار داد حال آن‌که در بیرون این منطقه، انسان‌ها ربوده می‌شدند و از آن‌جا که این نعمت بزرگ نیاز به شکرگزاری عملی و اعتقادی داشت، فرمود آیا به جای شکر نعمت و ایمان آوردن به خدا، سراغ باطل می‌روید و به نعمت خدا کفران می‌ورزید آن‌هم در خانهٔ خدا در کانون توحید به‌سراغ بت و صنم می‌روید؟

﴿بدلو نعمت‌الله کفراً... و جعلوا لله انداداً﴾.[۳]

لذا کعبه و مسجد الحرام که پناهگاه امن برای مسلمین قرار داده شده، یکی از نعمت‌های بزرگ الهی در قرآن معرفی شده است.

نعمتی که شرط اساسی و عامل اولیه‌ای برای شکل‌گیری و قوام هر جامعه است و مظلومان تاریخ از سراسر عالم می‌توانند در این نقطه جمع شوند و بدور از هرگونه وحشت، فریاد خود را به‌گوش جهانیان برسانند تا چاره‌اندیشی شود و وجود چنین پناهگاه و امانخانه‌ای تأثیر بسیار در جلوگیری از ظلم و تجاوز دارد، که جهان بداند یک چنین جایی تعبیه شده

---

۱. صافی: ج ۱، ص ۳۶۰؛ نورالثقلین: ج ۱، ص ۳۶۹.
۲. عنکبوت: ۶۷.
۳. ابراهیم: ۲۸ ـ ۳۰.

که به داد مظلوم و بی‌پناه رسیدگی خواهد کرد و از سوی دیگر چنین مرکزی سبب فتح باب مذاکرات در رفع مخاصمات بین دول و ملل اسلامی خواهد شد. و هیچ فرد و گروهی حق ناامن کردن این پناهگاه و امانخانه عمومی را ندارد.

مسجدالحرام خانهٔ مردم

ویژگی دیگر کعبه و مسجدالحرام و سایر مساجد این است که خانهٔ مردم قرار داده شده و در تعدادی از آیات قرآن، خانهٔ خدا و مسجدالحرام برای مردم «**و للناس**» معرفی شده است.

﴿**و اذ جعلنا البیت مثابه للناس**﴾.[۱]

«ما خانه را ملجأ و مرجع برای مردم قرار دادیم».

﴿**و ان اول البیت وضع للناس**﴾.[۲]

«نخستین خانه‌ای که در روی زمین بنا شد برای مردم قرار داده شد».

﴿**جعل الله الکعبه البیت الحرام قیاما للناس**﴾.[۳]

«خداوند کعبه و بیت الله را مایهٔ قوام جوامع بشری معرفی کرده است».

پس کعبه و مسجدالحرام و سایر مساجد در عین این‌که متعلق به خدا هستند، «**المساجد لله...**».[۴] «**بیتی**»[۵] ملجأ و پناهگاه امن برای مردم نیز قرار داده شده است و اختصاص به شخص یا گروه و نژاد خاصی ندارد، هم بنای آن برای مردم است. هم ملجأ و مرجع و مأمن برای مردم و هم مایهٔ قوام جوامع بشری معرفی شده است.

تذکر

جمع بین این‌که کعبه هم خانهٔ خداست و هم خانه مردم، روشن است؛ چه این‌که کعبه و مساجد در

---

۱. بقره: ۱۲۵.
۲. آل‌عمران: ۹۶.
۳. مائده: ۹۷.
۴. جن: ۱۸.
۵. بقره: ۱۲۵.

عین این‌که خانهٔ خدا هستند، برای مردم بنا شده و برای آنان مأمن و مرجع قرار داده شده است؛ یعنی آن‌چه به‌نام خدا و برای خداست باید در خدمت مردم و بندگان او قرار گیرد.

حضرت آیت‌الله جوادی آملی به نکتهٔ ظریف ادبی و معنوی در این باره اشاره کرده است:

«اما از جهت ادبی: خانهٔ خدا بدون لام به خداوند نسبت داده شد، اما در جملات «وضع للناس ـ مثابه للناس ـ قیاما للناس» بالام به مردم اسناد داده شده است یعنی کعبه و مساجد بیت‌الله است و بیت‌الناس نیست، بل برای مردم قرار داده شده از این رو وضع است (ان اول بیت وضع) نه بنی، یعنی تشریفا معبد قرار داده شد.

اما از جهت معنوی، بیت در اثر اضافه به «الله» شرافت پیدا کرد. اما مردم بر اثر اضافهٔ کعبه به آنها شریف می‌شوند. پس شرف کعبه به سبب اضافه به خدا و شرف مردم بر اثر ارتباط با کعبه و مساجد است».[۱]

ویژگی‌های دهگانه

۱ ـ امنیت تکوینی

مسجدالحرام پناهگاه و امان‌خانه‌ای است که از امنیت تکوینی برخوردار است. چنان‌که خداوند متعال فرمود:

﴿ءامنهم من خوف﴾.[۲]

«کسی بخواهد کعبه را تخریب کند به او امان داده نمی‌شود».

مثل جریان حملهٔ ابرهه به کعبه که با آن همه لشکر و قدرت آمده بودند که خانه خدا را ویران سازند، اما خداوند با لشکری به ظاهر بسیار کوچک و ناچیز آنها را درهم کوبید و مردم مکه را از ناامنی رهایی بخشید.

---

۱. میقات حج: شمارهٔ ۴، تابستان ۱۳۷۲.

۲. قریش: ۴.

۲ ـ امنیت تشریفی

این پناهگاه علاوه بر امنیت تکوینی از امنیت تشریعی هم برخوردار است.

﴿و من دخله کان امنا﴾.[۱]

هر فرد مسلمان تا هنگامی که به این منطقه پناه آورد در امان خواهد بود، هیچ‌کس حق تعرض به او ندارد. حتی حیوانات هم در این منطقه در امان هستند. به‌طوری که نه فقط حیوانات بل نشان دادن آن با گوشهٔ چشم جهت شکار ممنوع اعلان شده است.

اگر انسان بدهکار هم به این منطقه پناه آورد در امان خواهد بود و طلبکار، حق طلب خود را از او ندارد. چنان‌که سماعه از امام صادق علیه السلام روایت نمود که کسی خدمت آن حضرت رسید عرضه داشت از کسی طلبی داشتم مدتی او را نیافتم تا این‌که در مسجدالحرام او را دیدم آیا حق خود را طلب کنم، فرمود نه، او را آزاد بگذار تا این‌که از این امانخانه و پناهگاه بیرون رود.[۲]

۳ ـ امنیت روحی و معنوی

مسجدالحرام علاوه بر تأمین امنیت ظاهری، امنیت معنوی و روحی افرادی که به آنجا پناهنده شده‌اند، نیز تضمین نموده است، چنان‌که «معاویه بن عمار» از امام صادق علیه السلام روایت کرده که کسی داخل مسجدالحرام شود از عذاب در امان خواهد بود.[۳]

۴ ـ امنیت از جهت جنگ و خونریزی

مسجدالحرام آن‌چنان پناهگاه امنی است که هرگونه جنگ و خونریزی در آن منطقه ممنوع اعلان شده است.

﴿لا تقاتلوهم عند المسجد الحرام﴾.[۴]

«حق جنگ و خونریزی در مسجدالحرام را ندارید».

---

۱. آل‌عمران: ۹۷.
۲. نور الثقلین: ج ۱، ص ۳۶۹.
۳. نورالثقلین: ج ۱، ص ۳۶۹.
۴. بقره: ۱۹۱.

بل تردد مسلحانه که نوعی موجب ناامنی می‌شود، در محدودهٔ این پناهگاه و امانخانه ممنوع اعلام شده است، چنان‌که امام خمینی‌ﷺ حمل سلاح در این منطقه را حرام دانسته است.[۱]

همچنان‌که حضرت امیر‌علیه‌السلام در حدیث اربعامه فرمود:

«**لاتخرجوا بالسیوف الی الحرم**».[۲]

«در منطقه حرم با شمشیر و اسلحه ظاهر نشوید».

۵ ـ امنیت از جهت حضور مفسد و ظالم

در محدودهٔ این پناهگاه سکونت افرادی که عامل فساد و ظلم هستند و موجب خدشه‌دار نمودن امنیت این پناهگاه می‌شوند، ممنوع و با آنان با خشونت رفتار می‌گردد.

﴿**و من یرد فیه بالحاد بظلم نذقه من عذاب الیم**﴾.[۳]

«هرکس بخواهد در این سرزمین از حق منحرف و دست به ستم بزند، از عذاب دردناک به او می‌چشانیم».

حذف مفعول در این آیهٔ شریفه دلالت بر حرمت هر نوع ظلم و فساد در این منطقه دارد.

۶ ـ امنیت از جهت تبعیض و نابرابری

مسجدالحرام امانخانه‌ای عمومی است که همه افراد در این منطقه در برابر آن یکسان و برابرند:

﴿**و المسجد الحرام الذی جعلناه للناس سواء العاکف فیه و الباد**﴾.[۴]

تبعیض که موجب نوعی فقدان امنیت روانی در جامعه می‌شود در این منطقه ممنوع است همه افراد برابرند و هیچ کس حق امتیازطلبی و اظهار برتری بر دیگری ندارد.

---

۱. تحریرالوسیله: ج ۱، ص ۴۲۹.
۲. وسائل الشیعه: ج ۱۳، ص ۲۵۷.
۳. حج: ۲۵.
۴. توبه: ۲۸.

با توجه به اطلاق کلمه «سواء» و حذف متعلق که دلالت بر عموم دارد، استشهاد می‌شود که هیچ کس حق ندارد به هر عنوانی، کمترین مزاحمت روحی و روانی برای افراد تولید نماید.

۷ ـ امنیت از جهت ورود مشرکین

﴿یا ایها الذین آمنو انما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجد الحرام﴾.[۱]

«ای مؤمنین، مشرکین نجس هستند و حق نزدیک شدن به مسجد الحرام ندارند».

منطقه باید از جهت حضور و رفت و آمد مشرکان و کفار در امنیت باشد، لذا نه فقط حق سکونت آنها در این منطقه ممنوع، بل حق عبور و مرور در این محدوده را هم ندارند.

۸ ـ امنیت لقطه

در این پناهگاه و امانخانه حتی لقطه هم در امان است و کسی حق مالک شدن بل دست زدن آنها را ندارد. امام صادق علیه السلام فرمود:

«لا تمس ابداً حتی یجیی صاحبها».[۲]

همه چیز حتی لقطه هم در این منطقه در امان می‌باشد و کسی حق تعرض بر آن را ندارد.

۹ ـ امنیت گیاهان و درختان

در این پناهگاه و امانخانه حتی گیاهان و درختان هم در امان هستند و کندن شکستن آنها حرام و ممنوع و برای متخلفان مجازات مالی منظور شده است.[۳]

---

۱. حج: ۲۵.
۲. وسائل الشیعه: ج ۱۳، ص ۲۶۰.
۳. تحریر الوسیله: ج ۱، ص ۴۲۸.

۱۰ـ اختیاری بودن نماز

از آنجاکه مسجدالحرام برای مردم بنا شده و ملجأ و مأمن مردم قرار داده شده است، لذا به منزله خانه و شهر افراد محسوب شده و می‌توانند نماز را تمام بخوانند.

آثار اجتماعی و تربیتی این پناهگاه امن

وجود چنین پناهگاه و امانخانه با این ویژگی‌ها قطعاً آثار و فواید فراوان اجتماعی، تربیتی، روانی به‌همراه خواهد داشت و لذا در قرآن کریم یکی از نعمت‌های برجستهٔ الهی معرفی و مقررات شدیدی برای اجتناب از هرگونه نزاع و کشمکش و برخورد در این سرزمین مقدس وضع شده است؛ به‌طوری که نه فقط افراد از هرگروه و قبیله و در هرگونه شرایط در آنجا باید در امنیت به‌سر ببرند، بل حیوانات و پرندگان نیز در آنجا باید در امن و امان باشند.

در دنیایی که همیشه نزاع و کشمکش وجود داشته و خواهد داشت، وجود چنین مرکزی اثری عمیق و خاص برای حل مشکلات دنیوی و تربیتی مردم دارد، چون‌که امنیت این مناطق سبب می‌شود که مردم با تمام اختلافاتی که دارند در پناه آن در کنار هم بنشینند و مشکلات و مخاصمات خود را حل کنند، زیرا بسیارند که طرفین نزاع مایلند رفع خصومت کرده و محلی که برای هر دو طرف مقدس و محترم در مرکز امن و امان شناخته شود، پیدا نمی‌کنند، ولی در اسلام این مکان پیش بینی شده است. لذا تمام مسلمانان می‌توانند با استفاده از تقدّس و امنیت این مناطق در کنار هم بنشینند و از طریق مذاکرات صریح و دوستانه در این مکان مقدس نزاع را برطرف کنند. لذا، ابراهیم خلیل الرحمن یکی از خواسته‌های خود را در کنار خانه خدا همین قرار داد و عرضه داشت.

﴿رب اجعل هذا بلدا امنا﴾.[۱]

ابراهیم بعد از بنای کعبه، امنیت شهر مکه را از خداوند درخواست کرد و عرضه داشت: خداوندا این سرزمین را امن و امان قرار ده و خداوند هم دعای ابراهیم را اجابت کرد و آن را یک مرکز امن قرار داد.

---

۱. ابراهیم: ۳۵؛ بقره: ۱۲۶.

امانخانه‌ای که از هر جهت باید احترام آن نگه داشته شود و هر کس درصدد ویران کردن این خانه برآید در ردیف قتل پیامبر صلی الله علیه و آله و امام معصوم علیه السلام قرار گرفته و کسی که عمداً به این امانخانه هتک حرمت نماید، محکوم به اعدام خواهد شد. آن‌قدر این خانه محترم است که از دورترین نقاط جهان نمی‌شود به هنگام تخلیه به طرف او استقبال و استدبار داشته باشد، امانخانه‌ای و پناهگاهی که مسلمین در آن می‌توانند همهٔ کارهای اجتماعی، مادی و معنوی متعلق به جامعهٔ خود را سامان بخشند.

﴿جعل الله الکعبه البیت الحرام قیاما للناس﴾.[۱]

خداوند کعبه را وسیله سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده است که امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

﴿جعل الله قیاما لدینهم و معایشهم﴾.[۲]

خداوند خانه خود را وسیلهٔ سامان بخشیدن به امور دین و دنیای مردم قرار داده است. حضور حداقل یک‌بار در طول عمر در این امانخانه و تشکیل کنگرهٔ حج در هر سال یک نوعی آموزش تعلیم عمومی امنیت به مسلمین جهان است، تا برای همهٔ ایام سال در طول زندگی الگوی عملی به شمار آید.

مساجد ملجأ مردم

نخستین عمل پیامبر اعظم بعد از هجرت از مکه به مدینه، ساخت مسجد بوده است. این اندیشه و سیرهٔ پیامبر دلیل بر آن است که در فرهنگ دینی و حکومت نبوی، مسجد جنبه محوری دارد و سایر مسائل باید در حول مسجد شکل بگیرد. با تأسیس مسجد پیامبر در مدینه استفاده از مساجد در قالب مأمن و ملجأ و مرجع معمول شد.

با نگاهی گذرا به تاریخ صدر اسلام درمی‌یابیم که مسجدالنبی علاوه بر این‌که مرکز سازماندهی و برنامه‌ریزی و کانون فعالیت‌های عبادی، فرهنگی، آموزشی، اجتماعی ـ سیاسی

---

۱. مائده: ۹۷.

۲. بحارالانوار: ج ۹۶، ص ۶۵.

و اقتصادی محسوب می‌شد، ملجأ و مأمن مردم هم به شمار می‌رفت. از هنگامی که پیامبر اسلام مسجدالنبی را بنا نهاد، همواره آنان که مورد تعدی و ستم قرار می‌گرفتند به مسجد پناه می‌آوردند، داد مظلومان در مسجد ستانده می‌شد، خصومت‌ها در مسجد حل و فصل می‌شد و مردم غالباً در هنگام مصائب نظامی و بلاهای طبیعی به مسجد پناه می‌بردند. در خشکسالی، بلا، طاعون، برای دعا و طلب کمک از خدا به مساجد پناه می‌آوردند و زنان نازا در طلب معجزه به بعضی از مساجد رو می‌آوردند. مراسم تشییع و نماز میت و مراسم بزرگداشت‌ها در مساجد برگزار می‌کردند بدین سان مسجد را ملجأ و مأوی و مأمن خود می‌دانستند.

کارکرد خدماتی و امدادی مساجد و رسیدگی مادی و معنوی به افراد بی بضاعت و فقرا به شکل فعال از دیگر مصادیق ملجأ بودن مساجد است.

مسجد از صدر اسلام تاکنون محل رفع مشکلات فردی و اجتماعی مردم بوده و از زمان‌های گذشته افراد بی‌پناه و کسانی که به نوعی مشکلات شخصی و اجتماعی داشتند، به این مکان مقدس مراجعه می‌کردند. در سیرهٔ حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که مؤمنان برای رفع نیازشان در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله به حضرت روی می‌آوردند.

گروهی از مستمندان مسلمان در مسجد زندگی می‌کردند و از کمک‌های مالی پیامبر و دیگر مسلمانان بهره‌مند می‌شدند. این گروه قریب به چهل تن را تشکیل می‌دادند و به دستور آن حضرت در بخشی از مسجد که مسقف بود، سکنا گزیده بودند.

در طبقات ابن‌سعد آمده که شبها رسول خدا «اصحاب صفه» را فرا می‌خواند و هرچند تن از ایشان را برای صرف شام به منزل یکی از انصار می‌فرستاد و گروهی را نیز به منزل خود می‌برد و از آنان پذیرایی می‌نمود.[۱]

لذا مساجد جایگاه و پناهگاه مناسبی برای تعاون اجتماعی مسلمانان و مشارکت آنان در راستای رفع نارسایی‌های اجتماعی محسوب می‌شد.

امام رضا علیه السلام در بیانی نورانی از جمله فواید سازنده نماز جماعت را در مسجد، همکاری

---

۱. الطبقات الکبری: ج ۱، ص ۲۲۵ (به نقل از آیین مسجد: ج ۲، ص ۱۰۴).

و تعاون مسلمانان برشمرده است.[۱]

مساجد عموماً محلی جهت جمع‌آوری کمک برای نیازمندان، پرداخت وام، اعطای خدمات درمانی، اقدام برای تسهیل در امر ازدواج، برنامه‌ریزی برای عیادت و سرکشی از بیماران بوده است.

از طرف دیگر مسجد پناهگاه و جایگاه غریبان و بی‌پناهان و دورافتادگان از وطن است، هرکس در دیار غربت، مسجد برایش محلی آشناست و خود را در آنجا سربار فردی نمی‌داند، در حقیقت مسجد پناهگاهی برای مستمندان و غریبان بود. در همان صدر اسلام، مسلمانانی که به مدینه می‌آمدند، جا و مکانی برای مستمندان و غریبان اختصاص می‌دادند که «صفه» نامیدند، بعداً این فرهنگ در میان مسلمانان در همه سرزمین‌ها گسترش یافت که غریبان حق دارند که در مساجد سکناگزینند و مسافران به محض ورود به شهری، به سوی مساجد جامع آن شهر می‌رفتند و بی‌محابا وارد آن می‌شدند و در آنجا مانند منزل خود آسوده بودند.

«جرجی زیدان» نویسندهٔ مسیحی عرب می‌گوید:

«مساجد مسلمانان، مرکز اجتماع و پناهگاه غریبان و بیماران است».[۲]

از طرف دیگر مسجد پناهگاه و ملجأ برای رفع اضطراب و نگرانی افراد است. عمده بیماری و نگرانی‌های جامعه را بیماری‌های روانی و عوارض ناشی از آن تشکیل می‌دهد.

سلامت روح و روان از اهمیت بیشتری در قیاس با جسم برخوردار است و مسجد محلی برای رفع این‌گونه نگرانی‌ها و مداوای امراض روحی و روانی به‌شمار می‌رود. این آرامش روحی متأثر از محیط معنوی مسجد است.

امام صادق علیه السلام به مسلمانان سفارش کرده است که به هنگام رویارویی با مشکلات و اندوه‌های دنیوی به نماز و مسجد پناه‌ببرند.[۳]

«شیخ الرئیس ابوعلی سینا» می‌گوید:

---

۱. وسائل الشیعه: ج ۵، ص ۳۷۲.
۲. هزار و یک نکته دربارهٔ نماز: ص ۹۷.
۳. وسائل الشیعه.

«هر زمان برایم مشکل علمی پیش می‌آمد و از حل آن عاجز می‌شدم به مسجد شهر پناه می‌بردم و مشکلم را حل می‌کردم».[۱]

بلایای طبیعی یا حوادث غیرمترقب از جمله پدیده‌هایی است که هر چند گاهی بروز و ظهور پیدا می‌کند. بروز چنین حوادثی رعب و وحشتی در اجتماع پدید می‌آورد. وضعیتی فقط ایمان به خدا و یادآوری نام خدا قلب‌های مضطرب و پریشان را آرامش و اطمینان می‌بخشد و انسان‌ها را به آینده امیدوار می‌سازد.

مسجد که همواره نام و یاد خدا در آن ساری و جاری است، برای مسلمانان در هنگام وقوع این‌گونه حوادث داروی آرام‌بخشی خواهد بود، و از سوی ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام پناه بردن به مسجد در این مواقع سفارش شده است.

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

«ان الزلزال و الریاح الهائله من علامات الساعه فاذا ارایتم شیئاً من ذلك فتذکروا قیام القیامه و افزعوا الی مساجدکم».[۲]

زمین لرزه‌ها و گرفتن ماه و خورشید و بادهای سخت از نشانه‌های قیامت است، هنگامی که چیزی از آنها را مشاهده کردید به یاد قیامت بیفتید و به مسجدهای خود پناه ببرید. امام صادق علیه‌السلام در بیان نورانی دیگر فرمود:

«در خانهٔ خود محلی به عنوان مسجد قرار دهید و هرگاه از چیزی ترس و خطری احساس کردید دو رکعت نماز بخوانید... و به آن پناه ببرید».

مردم غالباً در هنگام مصایب و بلاهای طبیعی به مسجد پناه می‌برند، در گذشته هم معمولاً خطرهای قریب‌الوقوع، ابتدا در مسجد اصلی شهر اعلام می‌شد.

امام باقر علیه‌السلام نیز مسجد را در قالب پناهگاهی برای هنگام بروز حوادث و وقایع هولناک طبیعی ذکر کرد و فرمود: هنگامی که خسوف و کسوف رخ می‌دهد به سوی مساجد خویش

---

۱ . هزار و یک نکته دربارهٔ نماز.

۲ . امالی صدوق: ص ۴۶۵ .

بشتابید[۱] و سرانجام پیامبر اعظم در بیانی به ملجأ و مأمن بودن مساجد اشاره و فرمود:

«**اذا انزلت العاهات و الافات عوفی اهل مسجد**».

«به هنگام نزول بلایا و آفات اهل مسجد در امانند».

پس مساجد در کارکردهای گوناگون عبادی، آموزشی، اجتماعی، اقتصادی، خدماتی، امدادی، روانی، درمانی و غیره ملجأ و مأمن و مرجع مردم بوده و خواهد بود.

مساجد و انقلاب اسلامی

مساجد در ایران اسلامی در همهٔ مراحل انقلاب همواره ملجأ و مأمن و مرجع مردم و مسئولان بوده است.

خدمات شایان توجه مساجد چه در آستانهٔ انقلاب که به عنوان پایگاه‌های عظیم انقلاب در ساماندهی راه‌پیمایی و تظاهرات و سازماندهی نیروهای انقلاب و روشن‌گری ائمهٔ جماعات و اطلاع رسانی به موقع بر کسی پوشیده نیست که نمونهٔ بارز آن تحصن علما و روحانیت مبارز از جمله شهید مطهری و دیگران در مسجد دانشگاه بوده است.

بعد از پیروزی انقلاب هم با توجه به فروپاشی نظام شاهنشاهی، تقریباً همه کار در مساجد انجام می‌گرفت و کمیته‌های انقلاب از دل مساجد جوشید و خدمات شایانی را به انقلاب نمود.

در زمان هشت سال دفاع مقدس، هم در قسمت اعزام نیرو، و هم پشتیبانی، و هم برگزاری مجالس دعا و بزرگداشت شهدا خدمات چشم‌گیری عرضه شده است. در زمان سازندگی و امدادرسانی به مردم آسیب دیده، نظیر زلزله و سیل و بازسازی مناطق جنگی و برگزاری انتخابات هم مساجد نقش اصلی داشته‌اند و در یک کلمه مساجد پایگاه اصلی انقلاب و مرجع و ملجأ مردم و مسئولان بوده است.

سؤال اساسی این است که آیا انقلاب و انقلابیون و مسئولان که از مساجد برخواسته و از صندوق مساجد رأی گرفته‌اند، چه میزان به مساجد خدمت کرده‌اند؟

---

۱. مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۳۵۶.

آیا پس از ربع قرن پیروزی انقلاب اسلامی و توسعه و پیشرفت در محورهای گوناگون کشور چنین احساس نمی‌شود که پایگاه اصلی انقلاب، یعنی مساجد، مورد غفلت و فراموشی قرار گرفته است؟ نظام اسلامی و قوای سه‌گانه و کارگزاران نظام چه میزان حق مساجد را ادا کرده‌اند؟ با آن‌که مساجد برخلاف کلیسا همزاد با حکومت است و خدمات فراوانی به حکومت اسلامی نموده است، باید اعتراف کرد که علی‌رغم پیشرفت‌های مهم در بخش‌های دیگر نظام، در بخش فرهنگ بی‌مهری شده است.

برای تأمین آب و برق ۹۰ درصد روستاها برنامه‌ریزی شده، اما برای ۹۰ درصد روستاهای فاقد امام جماعت فکری نشده است.

برای بهداشت روستاها با احداث خانهٔ بهداشت چاره‌اندیشی گردیده اما برای بهداشت روح و روان کاری انجام نگرفته است.

برای نظارت بر هتل‌ها و اماکن عمومی برنامه‌ریزی شده اما برای هشتاد هزار مسجد و حسینیه هیچ‌گونه تدبیری به عمل نیامده است.

برای ساخت و ساز بیمارستان‌ها، سینماها، دانشگاه‌ها، پارک‌ها و دیگر مراکز عمومی سیاست‌گذاری و درصد سرانه پیش‌بینی گردیده اما برای ساخت و ساز مساجد و اماکن مذهبی به ویژه در شهرک‌های تازه تأسیس تدبیری اتخاذ نگردیده است.

برای تأمین تخصص‌های مورد نیاز جامعه که مربوط به جنبه‌های مادی انسان است، چندین نوع دانشگاه و دانشکده تأسیس و صدها رشته در زمینهٔ آب و خاک و هوا و راه و معدن و ماهی و دام و دانه، ده‌ها مرکز تربیت مدرس و تکنسین و حقوقدان، ماما و پرستار، نقاش و گرافیست و نظایر آن احداث شده اما برای تربیت امام جماعت و مبلّغ دینی و خدام و هیئت امنای مساجد برنامه‌ریزی نشده است.

دولت برای نظارت بر چند هزار هتل و اماکن عمومی برنامه‌ریزی و بودجه گذاشته اما هشتاد هزار مسجد و حسینیه را به حال خود رها نموده است.

راستی رسالت نظام مقدس جمهوری اسلامی با توجه به مکتبی بودن نظام در قبال مساجد و مسجدیون و تعمیق باورهای دینی و تربیت ائمهٔ جماعات و پشتیبانی از مساجد و نظارت بر آنها چیست؟

از جمله نقاط قوت ایران اسلامی، برخورداری از ۵۷،۰۰۰ مسجد است که اگر متراژ آنها به طور متوسط پانصد متر مربع باشد، قریب به سی میلیون متر مربع فضای مناسب در کشور می‌شود که متأسفانه به علت نبود برنامه‌ریزی جامع و فقدان توجه مناسب، بهرهٔ بسیار کمی از این اماکن برده می‌شود تعدادی از مساجد تعطیل یا نیمه فعال است و از ظرفیت موجود مساجد استفادهٔ بهینه نمی‌شود.

آیا واقعاً جای تأسف نیست که ترکیه لائیک که نصف وسعت ایران و کمتر از جمعیت ایران است، در مسجد سازی حرف آخر را بزند و ۹۰،۰۰۰ مسجد داشته باشد، اما مساجد جمهوری اسلامی نظام جمهوری اسلامی، هم از جهت کمی و هم کیفی پایین‌تر از آن کشور باشد؟ حال آن‌که ایران اسلامی به عنوان ام القرای جهان اسلام علاوه بر ساماندهی مساجد در داخل باید از وجود امکان بالقوه ساماندهی مساجد به عنوان ساختار جهانی امت اسلامی استفاده کند و با بهره‌برداری از امکانات مادی و معنوی مساجد جهان اسلام برای ایجاد وحدت بیشتر مسلمین بسیج نماید.

نمازگزاران و خدمتگزاران مساجد از دولت و مجلس اصول‌گرا انتظار دارند که ضمن جبران کاستی‌های گذشته دین خود را به مسجد و مسجدیون ادا نمایند.

فهرست منابع

۱ ـ قرآن کریم.

۲ ـ فیض کاشانی، محسن، تفسیر صافی، مؤسسه الاعلمی ـ بیروت.

۳ ـ جویزی، عروسی، تفسیر نورالثقلین، مؤسسه اسماعیلیان، قم.

۴ ـ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دارالکتب‌الاسلامیه، تهران.

۵ ـ آلوسی بغدادی، تفسیر روح المعانی، داراحیا التراث العربی، بیروت.

۶ ـ صادقی، محمد، تفسیر فرقان، انتشارات فرهنگ اسلامی، تهران ۱۴۱۰ هـ ق.

۷ ـ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، داراحیاالتراث العربی، بیروت ۱۴۰۳ .

۸ ـ حرعاملی، وسائل الشیعه، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، قم ۱۴۰۹ هـ ق.

۹ ـ نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ هـ ق.

۱۰ ـ خمینی‌ﷺ، روح‌الله، تحریر الوسیله.

۱۱ ـ راغب اصفهانی، المفردات، دارالمعرفه، بیروت.

۱۲ ـ موظف رستمی، محمدعلی، آئین مسجد، انتشارات گویا، تهران، ۱۳۸۲ .

۱۳ ـ دیلمی، حسین، هزار و یک نکته دربارهٔ نماز، نمایندگی ولی فقیه در بسیج ادارات، تهران، ۱۳۷۶ .

۱۴ ـ میقات حج، معاونت بعثه مقام معظم رهبری در حج و زیارت.

پایگاه نمونهٔ بسیج مسجد

▣ ابوالفضل نجادی

پیش‌گفتار

مساجد در طول تاریخ، به عنوان مهم‌ترین کانون و مرکز فعالیت‌های مسلمانان، علاوه برجنبهٔ عبادی‌اش، در ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی و نظامی حضوری پر رنگ و مؤثر داشته است. دشمنان اسلام نیز با شناختی که از جایگاه مسجد و تأثیر آن در بین مسلمانان داشته‌اند، همواره سعی کرده‌اند مساجد را به تعطیلی بکشانند و از حضور پرشور و تأثیر آنها در بین مسلمانان بکاهند. بدین روی امروزه بسیاری از مساجد، که باید مهم‌ترین نقش را در تحرکّات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی داشته باشند، و مرکزی برای جذب جوانان و نوجوان باشند، متأسفانه عملاً آن‌گونه که باید فعالیت ندارند.

پایگاه‌های مقاومت بسیج مساجد می‌توانند در موقعیت کنونی، نقش کلیدی و مهّمی در احیای مساجد داشته باشند. فعالیّت این نهاد مقدّس نباید مغایر با شأن مسجد دانست؛ زیرا فعالیّت‌های نظامی و فرهنگی پایگاه‌های بسیج در مساجد ریشه درصدر اسلام و زمان حیات پیامبر اعظمﷺ دارد. این نهاد مقدس در تاریخ ۱۳۵۸/۹/۵ به فرمان امام خمینی‌ؒ مبنی بر تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی در کشور تأسیس شد.

بسیج نهادی است که متناسب با شرایط زمانی و مکانی خاص، بسترهایی برای خدمت رسانی داوطلبانه به جامعه فراهم می‌سازد. از این‌رو، بسیجی با دید بالا و روشن خود، در شرایط زمانی خاص، نیازها و کمبودهایی را که در جامعه هست، شناسایی کرده، برای تأمین آنها

به صورت خودجوش و با خلوص نیّت اقدام می‌کند. با این وصف، می‌توان بسیج را دارای دو ویژگی مهم دانست:

اول. انگیزهٔ اعتقادی قوی برای خدمت به جامعه همراه با خلوص نیت و بدون چشم داشت مادی؛

دوم. بصیرت و نگاه عمیق به مسائل جامعه برای شناسایی کمبودها و نیازهای آن.

به دلیل آنکه پایگاه مقاومت بسیج مسجد می‌تواند بیشترین ارتباط را با جوانان و نوجوانان داشته باشد، می‌تواند با برنامه‌ریزی دقیق و انجام فعالیت‌های متنوع، نقش بسزایی در جذب این سرمایه‌های کشور داشته باشد و با تربیت جوانانی متعهد و وفادار به اسلام و انقلاب، به عنوان یک مرکز فرهنگی موفّق در مقابله با تهاجم دشمن عمل کند.

در این مقاله، سعی شده است مهم‌ترین فعالیت‌های پایگاه مقاومت بسیج در زمینه‌های نظامی، آموزشی و فرهنگی معرفی و مورد بررسی قرار گیرد و در حد امکان، با استفاده از سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مطالب مفیدی ارائه گردد.

کارکرد نظامی پایگاه مقاومت بسیج در مسجد

طی جنگ‌های زیادی که در طول تاریخ از صدر اسلام تا به‌امروز برای مسلمانان به وجود آمده، مساجد به‌عنوان یکی از ارکان مهم جامعه اسلامی در این مبارزات ایفای نقش و کارکردهای گوناگونی داشته‌اند.

پیدرس، شرق‌شناس اروپایی، در این زمینه می‌نویسد:

> «مسجد در زمان جنگ و صلح، در خدمت جامعه بوده است. ارتباط مسجد با امور نظامی تا اندازه‌ای متنوّع بوده است که ـ مثلاً ـ در جنگ اُحد، وقتی که جنگ پایان یافت، فرماندهان لشگر پیامبر صلی الله علیه و آله شب را در مدینه در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله به صبح رساندند. بعد از جنگ جمل، علی بن ابی‌طالب علیه السلام، پسر عموی پیامبر صلی الله علیه و آله، غنایم جنگی را به بصره فرستاد تا در آنجا حفظ و نگه‌داری شود».[۱]

---

۱. سیمای مسجد: ص ۱۷۲.

وی همچنین می‌نویسد:

«نتیجهٔ جنگ‌ها معمولاً در مساجد اعلام می‌شد، مشورت‌های نظامی در مسجد صورت می‌گرفت، دستورات و فرمان‌های جنگ از طرف فرماندهٔ نظامی یا حاکم در مسجد اعلام می‌شد».[۱]

بهترین نمونهٔ تاریخی برای فعالیت‌های نظامی در مسجد، وقایع و جنگ‌های صدر اسلام و نقش‌های کلیدی گوناگون مسجد در این زمینه است. در این دوران، مسجد پیامبر به‌عنوان کانونی گرم و فعّال در زمینهٔ مسائل جنگی نقش‌های مهم وکلیدی ایفا می‌کرد و به صورت‌های گوناگون، از سربازان و رزمندگان اسلام حمایت می‌کرد.

در عصر حاضر نیز مسجد می‌تواند در جوامع اسلامی همچون‌گذشته، چنین نقشی را ایفا کند. در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی، شاهد فعالیت‌های پرشور حمایت مسجد و مسجدیان از رزمندگان اسلام بودیم. این حمایت‌ها در قالب‌های و صورت‌های گوناگونی همچون جذب و اعزام نیرو و به سوی جبهه‌ها و حمایت مادی و معنوی از رزمندگان اسلام صورت می‌گرفت و بیشتر این فعالیت‌ها توسط پایگاه‌های بسیج مساجد انجام می‌شد. این نشانگر نقش فعّال مساجد در زمینه‌های گوناگون مانند مسائل نظامی است، و این نقش منحصر به زمان پیامبرﷺ و مسجد ایشان نمی‌گردد، بلکه در هر جامعه‌ای که فرهنگ دینی حکم‌فرما باشد، مسجد می‌تواند چنین نقش مهّمی ایفاکند.

در اینجا لازم است به معرفی کارکردهای نظامی مسجد در زمان جنگ و صلح بپردازیم که در قالب پایگاه‌های مقاومت بسیج مساجد صورت می‌گیرد، سعی شده است این مطالب با تکیه بر سیرهٔ پیامبر اعظمﷺ عنوان شود:

فعالیت‌های نظامی پایگاه بسیج نمونه در زمان جنگ

۱ـ سازمان‌دهی و اعزام نیروها به سوی جبهه‌های جنگ

طی جنگ‌هایی که در زمان حیات پیامبر عظیم‌الشأنﷺ صورت می‌گرفت، از مسجد به‌عنوان پایگاه وکانون اصلی مسلمانان برای منسجم کردن و اعزام سپاه اسلام به سوی جبهه‌ها استفاده

---

۱. همان.

می‌شد. با این کار و با بهره گیری از قداست و معنویت خانهٔ خدا و دیگر ویژگی‌هایی که در مسجد نهفته است، آن حضرت سعی می‌کرد لشکریان اسلام با انگیزه و روحیهٔ بالا، همراه با توکّل به خداوند برای جهاد و دفاع از کیان اسلام رهسپار جبهه‌های جنگ شوند و این کار زمینه‌ساز موفقیت و پیروزی در جنگ‌ها می‌شد. به دلیل آنکه بیشترین اعزام‌ها پس از اقامهٔ نماز جماعت صورت می‌گرفت، موجب می‌شد از میان جمعیتی که برای اقامهٔ نماز به مسجد آمده‌اند، نیروهای بسیاری جذب سپاه اسلام شوند و دیگر مسلمانان در پشت جبهه و با دید روشن‌تر و بازتری به جنگ و مسائل پیرامون آن بنگرند و همچنین لشکریان اسلام را با حمایت‌های مادی و معنوی خود از پشت جبهه یاری کنند.

در طول دوران جنگ تحمیلی نیز در کشور ما، پایگاه‌های بسیج مساجد به عنوان بهترین مکان برای جذب و اعزام نیرو به سوی جبهه‌ها، در منسجم کردن و جلب حمایت‌های مادی و معنوی مردم در پشت جبهه‌ها، نقش بسزایی ایفا می‌کردند.

۲ ـ آموزش نظامی

از مهم‌ترین نیازهای هر جامعه آمادگی افراد آن جامعه برای محافظت و دفاع از آرمان‌های آن جامعه برای پایداری در مقابل تهاجمات دشمنان است. جامعهٔ اسلامی نیز برای آنکه از مکتب و آیین ظلم‌ستیزی برخوردار است، دشمنان فراوانی داشته و هر از گاهی مورد تعرض آنها قرار گرفته است و چون این تعرضات ادامه داشته باشند. از این‌رو، لازم است تک‌تک افراد جامعهٔ اسلامی توانایی دفع این تهاجمات را داشته باشند.

ایران اسلامی پس از پیروزی انقلاب و استقرار حکومت اسلامی، همواره از سوی دشمنان شرق و غرب تهدید شد. به همین دلیل، امام خمینی‌ﷺ در این باره فرمودند:

> «مملکت اسلامی باید همه‌اش نظامی باشد، و تعلیمات نظامی داشته باشند. باید این‌طور باشد که یک مملکتی که ۲۰ میلیون جوان دارد، ۲۰ میلیون تفنگدار داشته باشد و ۲۰ میلیون ارتشی داشته باشد و یک چنین مملکتی آسیب‌پذیر نیست».[۱]

---

۱. روزنامه اطلاعات، ۷ آذر ۱۳۸۳.

براساس همین تفکّر و بنابر فرمان امام خمینی‌ﷺ، «بسیج مستضعفان» در سال ۱۳۵۸ تأسیس شد و برای جذب و تکمیل ارتش ۲۰ میلیونی و آموزش نظامی پا به میدان گذاشت که تاکنون نیز فعالیت‌هایش ادامه دارد. بنابراین، ضروری است تمامی جوانان این مملکت با حضور در پایگاه‌های بسیج، فنون و اصول نظامی را یاد بگیرند تا در مواقع خطر، بتوانند از اسلام، انقلاب و ملت و کشور خود دفاع کنند.

۳ ـ نگهبانی و پاس‌داری از کیان مسلمانان و حفظ امنیت

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های نظامی پایگاه‌های بسیج مساجد، حفظ امنیت در سطح شهر و یا محله است. این‌کار با اجرای برنامه‌های همچون ایست بازرسی و گشت سیّار در سطح محل و یا سطح شهر انجام می‌گیرد.

در زمان حیات پیامبر اعظمﷺ در مواقعی که مسلمانان از تعرّض دشمنان به شهر و کیان خود احساس خطر می‌کردند، مسجد به عنوان مرکز تجمع و حضور مسلمانان برای محافظت از جان پیامبرﷺ و حراست و پاسداری از شهر مورد استفاده قرار می‌گرفت. مسلمانان مسجد را مرکز سامان‌دهی به این‌گونه امور قرار می‌دادند. در جنگ «احد»، وقتی سپاه قریش در اطراف مدینه مستقر شده بود، مسلمانان برای جلوگیری از حملهٔ شبانهٔ دشمن به شهر و حفظ جان پیامبرﷺ از تعرّض جاسوسان به ایشان، شب را تا صبح به نگهبانی و پاسپانی از شهر پرداختند و مرکز و پایگاه خود را مسجد قرار دادند. در این کار، حتی بزرگان مدینه مانند سعد بن عباده، سعد بن معاذ و سید بن حضیر همراه و دوشادوش دیگر مسلمانان در این امر شرکت داشتند.[۱] دیگر نمونه‌های تاریخی این پاسداری و نگهبانی در مسجد را می‌توان در غزوهٔ «حمراء الأسد»[۲] و بسیاری دیگر از جنگ‌های زمان پیامبرﷺ شاهد بود.

در اوایل انقلاب، بخصوص از زمان جنگ تحمیلی تا به امروز، مساجد و پایگاه‌های بسیج مساجد با اجرای برنامه‌هایی همچون گشت شبانه و ایست بازرسی، درکنار دیگر مراکز

---

۱. المغازی: ص ۱۵۲.
۲. همان: ص ۲۴۵ ـ ۲۴۶.

امنیتی، به پاس‌داری و حراست از جان و مال و ناموس مردم پرداخته‌اند و تا به حال، شاهد اثرات و برکات فراوانی همچون دستگیری مجرمان و منافقان و کشف و ضبط اموال مسروقه، مواد مخدر و مشروبات الکلی و موارد فراوان دیگر بوده‌ایم که توسط عزیزان مخلص بسیجی انجام شده است.

البته باید در اجرای این برنامه‌ها، تمامی اصول و قوانین و حریم خصوصی خانواده‌ها حفظ شود، تا جایی که به امنیت جامعه آسیبی نرسد.

۴ ـ مسجد و فعالیت‌های اضطراری مربوط به جنگ

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در بعضی از جنگ‌ها درخصوص نحوهٔ برخورد و رویارویی با دشمن و برنامه‌ریزی‌های مربوط به جنگ، با حفظ و رعایت اصول امنیتی و اطلاعاتی ایشان، در مسجد با اصحاب و یاران خود به بحث و مشورت می‌پرداختند. برای مثال، در جنگ «احد» و «خندق»، ایشان پس از اطلاع از حمله و حرکت سپاه دشمن، در جمع مردم در بارهٔ چگونگی رویارویی با دشمن از آنان نظرخواهی کردند.[۱]

همچنین در برخی از جنگ‌های صدر اسلام، مجروحان را در مسجد مداوا می‌کردند؛ چنان که تاریخ‌نویسان در باره جنگ «احد» گفته‌اند: مردم در مسجد، چراغ و آتش افروخته بودند مجروحان را زخم‌بندی و مداوا می‌کردند[۲] و یا در مواردی، اسیران جنگی را در مسجد نگه می‌داشتند.[۳]

این نوع فعالیت‌های نظامی در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در صدر اسلام در مسجد انجام می‌شد، اما باید متذکر شد که انجام این کارها در آن زمان به‌خاطر ضرورت بود، وگرنه در مواقع عادی، چنین فعالیت‌هایی در مسجد جایز نیست؛ زیرا این نوع کارها که مستلزم ریختن خون در مسجد و یا ورود کفّار به مسجد است با شأن و جایگاه مسجد سازگاری ندارد.

---

۱. همان: ص ۱۸۰.
۲. همان: ص ۱۸۰.
۳. المبسوط: ج ۲، ص ۴۶ و ۴۷.

از این رخ‌دادها در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز نمونه‌هایی را در مسجد جامع شهر خرمشهر می‌توان ذکر کرد که مسجد به مرکزی برای مبارزان و رزمندگان تبدیل شده بود. و برنامه‌ریزی برای مقابله با حملات دشمن و پشتیبانی و سازماندهی رزمندگان، مداوای مجروحان و دیگر فعالیت‌های مربوط به جنگ در آن انجام می‌شد.

نقش مسجد در جبهه‌ها و میادین جنگ

اهتمام و وابستگی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و یارانش به مسجد تا بدان حد بود که در تمامی جنگ‌هایی که صورت می‌گرفت، در اردوگاه‌های نظامی یا میادین نبرد، برای خود مساجدی بنا می‌کردند. این مساجد برای راز و نیاز و انجام عبادات مسلمانان با خداوند متعال و در نتیجه، تقویت بنیهٔ معنوی مبارزان مسلمان بنا می‌شد. برای نمونه، می‌توان به مساجد هفت‌گانه در شمال غربی مدینه ـ که تاکنون نیز به جای مانده است ـ اشاره کرده که در جریان جنگ «خندق» برای نماز و نیایش مسلمانان بنا نهاده شد.[۱]

در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ملت ایران نیز رزمندگان اسلام برای راز و نیاز و عبادات خود، مساجد و مصلاهای متعددی در نقاط گوناگون بنا کردند و در آنجا به تقویت بنیهٔ معنوی خود می‌پرداختند، به‌گونه‌ای که آنان را به زاهدان شب و شیران بیشهٔ روز تبدیل کرده بود.

متأسفانه بسیاری از این مساجد ناشناخته مانده است. حفظ و نگه‌داری این مساجد، هم می‌تواند از لحاظ معنوی برای بازدیدکنندگان مناطق عملیاتی تأثیرگذار باشد و هم سند تاریخی گویای باشد براین واقعیت که ملت مسلمان ایران در اوج جنگ و در بحبوبهٔ دفاع از کشور، هیچ‌گاه عبادت خداوند و نماز و مسجد را به فراموشی نسپرد و همیشه و در همه حال، با آن مأنوس بود.

فعالیت‌های نظامی پایگاه بسیج در زمان صلح

فعالیت‌های نظامی پایگاه بسیج را نباید منحصر به زمان جنگ کرد، بلکه در زمان صلح نیز باید

---

۱. سیمای مسجد: ج ۲، ص ۲۰۷.

به برخی از فعالیت‌های خود ادامه دهد. در اینجا، به بیان برخی از فعالیت‌های نظامی بسیج در زمان صلح می‌پردازیم.

الف) حفظ و ارتقای آمادگی رزمی بسیجیان

پایگاه‌های مقاومت بسیج باید همیشه و در همه حال، توان رزمی بسیجیان خود را حفظ کند و در جهت ارتقای آن به‌طور مداوم، تلاش نماید تا ارتش ۲۰ میلیونی، که پشتوانهٔ انقلاب و کشور در مقابل تهدیدها و تعرض‌های دشمنان و استکبار جهانی است، همیشه و در همه حال، آمادهٔ مقابله و رویارویی با آنان باشد.

بنابراین، پایگاه‌های مقاومت بسیج باید در طول سال، با برپایی اردوهای رزمی و انجام رزمایش‌های متعدد، توان رزمی بسیجیان را حفظ کند و با آشنایی آنان با روش‌ها و ابزار و ادوات جنگی جدید، توان رزمی آنها را ارتقا دهد.

ب) جذب نیرو و تکمیل ارتش بیست میلیونی

از مهم‌ترین وظایف بسیج در زمان صلح، جذب نیرو از بین اقشار گوناگون جامعه، بخصوص جوانان و نوجوانان است. برای این منظور، پایگاه‌های مقاومت بسیج باید با ایجاد تنوّع و بالا بردن کیفیت فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی، ورزشی و هنری خود، زمینهٔ جذب جوانان و نوجوانان را فراهم کنند و علاوه بر تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی در بعد نظامی بتوانند در مقابل تهاجم فرهنگی دشمن بایستند و در جلوگیری از انحراف جوانان و نوجوانان فعالیت‌های قابل توجهی از خود به نمایش بگذارند.

ج) اجرای برنامه‌های امنیتی

یکی از فعالیت‌های عمدهٔ پایگاه‌های مقاومت بسیج مساجد برقراری امنیت در سطح محل و شهر است. بسیج می‌تواند با اجرای برنامه‌هایی همچون گشت در سطح محل و ایست بازرسی، نقش عمده‌ای در برقراری امنیت داشته باشد.

کارکرد آموزشی پایگاه بسیج

مساجد در طول تاریخ، مرکزی برای آموزش‌های فرهنگی، علمی، نظامی بوده است، به گونه‌ای که نقش آموزشی مسجد پس از جنبهٔ عبادی آن، بیش از هر جنبهٔ دیگری برجسته و نمایان است. محققان در پی پژوهش‌های علمی و تاریخی به عمل آمده، به این نتیجه رسیده‌اند که مسجد در اعصار گذشته، مهم‌ترین مرکز آموزشی در جامعه بوده است.

با دقت در سیرهٔ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌بینیم که ایشان به ابعاد آموزشی مسجد اهتمام و توجه ویژه‌ای داشتند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله علاوه براینکه عملاً مسجد را پایگاه آموزشی و فرهنگی خود قرار داده بودند، در روایات فراوانی براین نقش و عملکرد مسجد نیز تأکید کرده‌اند. برخی از این روایات عبارت است از:

ـ نشستن در مسجد برای کسب علم، بیهوده و لغو نیست:

«یا اباذر، کُل جلوس فی المسجد لغو الاّ ثلاثه: قرائة مصل، او ذکرالله تعالی، او سائل عن العلم».[۱]

«ای ابوذر! هر نشستنی و اقامتی در مسجد بیهوده است، مگر سه نوع اقامت: اشتغال به خواندن نماز، اشتغال به ذکر خداوند، یا به دنبال کسب علم بودن».

ـ کسب علم در مسجد برتر از عبادت خداوند است:

«خرج رسول الله صلی الله علیه و آله، فاذا فی المسجد مجلسان: مجلس یتفقهون و مجلس یدعون الله تعالی و یسألونه. فقال: کلا المجلسین الی الخیر؛ امّا هؤلاء فیدعون الله و اما هؤلاء فیتعلمون و یفقهون الجاهل هؤلاء افضل؛ بالتعلیم ارسلت، ثم قعد معهم».[۲]

روزی پیامبراکرم صلی الله علیه و آله وارد مسجد شدند. در مسجد دو گروه نشسته بودند: گروهی مشغول کسب علم وگروهی مشغول دعا و ذکر خداوند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر دو مجلس در راه خیرند. آن گروه خداوند را می‌خوانند و او را ذکر می‌کنند و آن گروه علم می‌آموزند و جاهلان را

---

۱. وسائل الشیعه: ج ۳، ص ۸۶.
۲. منیة المرید: ص ۱۰۶.

آگاه می‌کنند. این گروه (جویندگان علم) بر دیگری برتر است؛ من برای تعلیم به مردم فرستاده شده‌ام. سپس در گروه علمی آنان شرکت کرد.

امروزه نیز با وجود گسترش مراکز آموزشی و فرهنگی، باید همچنان بر شکوفا کردن ابعاد آموزشی مسجد، پافشاری و اهتمام بورزیم و از آنجا که بسیاری از مردم بیشتر معلومات دینی خود را در مساجد یاد می‌گیرند، می‌توانیم با احیای کارکرد آموزشی مساجد، تأثیر فراوانی در بالا بردن سطح معلومات دینی مردم، بخصوص جوانان داشته باشیم.

به دلیل آنکه پایگاه‌های بسیج مساجد ارتباط ویژه‌ای با مسجدیان و بخصوص جوانان دارند، می‌توانند از مهم‌ترین مراکزی باشند که کارکرد آموزشی مساجد را احیا می‌کنند و به بهترین شکل ممکن از آن استفاده می‌نمایند.

در این بخش، ابعاد گوناگون کارکرد آموزشی مسجد و نقش پایگاه‌های مقاومت بسیج را در پر رونق کردن مساجد و احیای این سنّت نبوی با تکیه بر سیرهٔ آن حضرت مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف) تشکیل کلاس‌های آموزشی

با مطالعهٔ سیره‌ی نبوی، در می‌یابیم که ایشان در اوقات گوناگون، کلاس‌های آموزشی در جهت ارتقای سطح علمی و دینی برای مسلمانان در مسجد برگزار می‌کردند و مسائل گوناگونی را در زمینهٔ مباحث فقهی، اعتقادی، آموزش قرآن و مسائل تاریخی در این کلاس‌ها به مسلمانان آموزش می‌دادند. در موارد زیادی، اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز کلاس‌های آموزشی را در مساجد برقرار می‌کردند. برای نمونه، می‌توان به حضرت علی علیه السلام، عبدالله بن رواحه، ابوعبید، معاذ بن جبل، ابان بن سعید و جابر بن عبدالله اشاره کرد.[۱]

این فعالیت‌ها منحصر در مسجد پیامبر نبود، بلکه در دیگر مساجد نیز تحت نظر ایشان و افرادی که از سوی آن حضرت مأمور این کار بودند، انجام می‌شد. در این زمینه ـ به عنوان مثال ـ مسجد «قبا» مورد توجه خاص پیامبر صلی الله علیه و آله بود و همچنین می‌توان به مساجد قبایل و سرزمین‌های

۱. سیمای مسجد: ص ۱۰۵ و ۱۰۶ به نقل از: نظام الحکومة النبویة، عبدالحی الکتانی.

دیگر مانند مسجد «معاذ بن جبل» در یمن[۱] اشاره کرد.

امروزه نیز پایگاه‌های مقاومت بسیج می‌توانند با تشکیل کلاس‌های آموزشی در بالا بردن سطح علمی بسیجیان مفید باشند. این کلاس‌ها در دو زمینه می‌توانند دایر شوند:

۱ ـ کلاس‌های آموزشی در زمینهٔ معارف دینی و تربیتی؛

۲ ـ کلاس‌های کمک آموزشی در زمینهٔ امور تحصیلی بسیجیان.

برگزاری کلاس‌های معارف دینی و تربیتی برای بسیجیان و دیگر مسجدیان، با استفاده از معلومات علمی امام جماعت یا افراد آگاه دیگر، می‌تواند نقش عمده‌ای در بالا بردن سطح معلومات دینی بسیجیان و جوانان با توجه به نیاز و خلاء علمی آنان داشته باشد. تشکیل چنین کلاس‌هایی موجب می‌شود نیروهای بسیجی، نیروهایی مکتبی و متعهد به مبانی دین مبین اسلام تربیت شوند و از هیچ‌گونه خدمتی در این راه مضایقه ننمایند.

در حال حاضر، تعداد زیادی از بسیجیان کشور را دانش‌آموزان تشکیل می‌دهند. پایگاه‌های مقاومت بسیج می‌تواند در جهت جذب دایم دانش‌آموزان به مسجد و بسیج، کلاس‌های کمک آموزشی را در زمینهٔ امور تحصیلی و ارتقای سطح علمی آنان تشکیل دهد. با توجه به چنین ضرورتی تاکنون پایگاه‌های فراوانی در سراسر کشور برای این منظور تشکیل شده است. طبق آمار منتشر شده و با توجه به فعالیت‌هایی که در این زمینه صورت گرفته است شصت درصد از برندگان المپیادهای علمی را دانش‌آموزان بسیجی تشکیل می‌دهند.[۲] تشکیل چنین کلاس‌هایی علاوه بر جذب جوانان و نوجوانان به مسجد و بسیج، موجب می‌شود دانش‌آموزان و جوانان بسیجی افراد فرهیخته و ممتاز جامعه را تشکیل دهند و در آینده، بتوانند با تخصص و تعهدی که دارند، نقش مهمی در پیشرفت و آبادانی کشور ایفاکنند.

ب) برگزاری جلسات پرسش و پاسخ

در زمان پیامبر اعظمﷺ، جلساتی در مسجد برگزار می‌شد تا مسلمانان بتوانند پرسش‌های

---

۱. مقاله: کارکرد آموزشی مسجد در زمان پیامبرﷺ.

۲. مجلهٔ جوان، شماره ۲۴، شهریور ۱۳۸۳.

علمی، سؤالات و شبهات ذهنی خود را از پیامبر صلی الله علیه و آله بپرسند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز با گشاده‌رویی و بیان فضایل و پاداش فراگیری علم، آنان را به این امر تشویق می‌نمودند.

در متون روایی آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله پس از بجا آوردن نماز صبح، در کنار ستون «توبه» می‌نشستند و در حضور نمازگزاران تا طلوع صبح به بحث و گفت‌وگو می‌پرداختند.

پایگاه‌های مقاومت بسیج نیز می‌توانند با برگزاری جلسات پرسش و پاسخ در مسجد و با دعوت از صاحب‌نظران و علما و هر کسی که توان علمی پاسخ‌گویی به سؤالات ذهنی اهل‌مسجد را داشته باشند، هم در جهت بالا بردن سطح علمی بسیجیان و هم حلّ شبهاتی که از سوی دشمنان و بعضی روشن‌فکران منحرف مطرح شده وسؤالات مختلفی را در اذهان جوانان به‌وجود آورده است، گام مهمی بردارند.

نکته‌ای که در برگزاری این جلسات باید رعایت کرد این است که این جلسات لازم است به صورت تخصصی برگزار شود و می‌توان با برنامه‌ریزی و انجام تبلیغات و دعوت از مدارس و دانشگاه‌ها، جلسات با شکوهی را در مساجد برگزار کرد که این حرکت در جذب جوانان به مساجد نیز بسیار مؤثر خواهد بود.

۵) برگزاری مناظرات علمی در مسجد

با مطالعهٔ تاریخ صدر اسلام، می‌بینیم که یکی از مهم‌ترین و پرشورترین برنامه‌هایی که در مسجد برگزار می‌شد مناظرات علمی و ادبی پیامبر صلی الله علیه و آله با سایر مکاتب و دیگر گروه‌ها بود. دلیل آنکه این جلسات به صورت عمومی و در مسجد برگزار می‌شد، علاوه بر جنبهٔ سیاسی آن، آشنایی مسلمانان با مکاتب و افکار دیگر گروه‌ها بود. تا نسبت به باطل بودن آنها یقیین پیداکنند و نیز طریقهٔ پاسخ‌گویی به این شبهات و عقاید را یاد بگیرند و با این کار، مسلمانان و غیرمسلمانان شاهد برتری مکتب اسلام بر دیگر مکاتب و گروه‌ها باشند. از جمله گفت‌وگوها و مناظرات می‌توان به مناظرات ذیل اشاره کرد:

۱ ـ هیأت نمایندگان ثقیف؛[۱]

---

۱. المغازی: ص ۷۴۲ ـ ۷۴۶.

۲ ـ نمایندگان مسیحیان نجران؛[۱]

۳. هیأت نمایندگان بنی‌تمیم.[۲]

در شرایط کنونی، برگزاری مناظرات علمی در مساجد بین تفکرات مختلف و مکاتب گوناگون فکری، علاوه بر راهگشا بودن برای جوانان در انتخاب مسیر درست موجب رونق و احیای مساجد نیز می‌شود و پایگاه‌های مقاومت بسیج این توان را دارند که چنین جلساتی را با نظم و کنترل صحیح در مساجد برگزار کنند.

یکی از مهم‌ترین بخش‌های تشکیلات بسیج که می‌تواند تا حدّ زیادی در این زمینه مفید باشد، بخش «بسیج دانشجویی» است که می‌تواند جلسات مناظره‌ای را (حتی‌الامکان در مسجد دانشگاه یا مساجد شهر) با دعوت از متفکران و استادان خبره و متعهد و توانا، که قدرت مناظره با دیگر تفکرات و جواب‌گویی به شبهات آنها را داشته باشند، برگزار کند. این نوع مراسم با رعایت نظم و احترام به‌طرف مقابل، می‌تواند برای نسل جوان فواید بسیاری در پی داشته باشد.

کتاب‌خانه پایگاه بسیج مسجد

تشکیل کتاب‌خانه در مسجد یکی از فعالیت‌های جانبی مسجد است که از زمان‌های خیلی دور، در مساجد کشورهای اسلامی مرسوم بوده است و تاکنون نیز ادامه دارد. این کار تأثیر فراوانی در بالا بردن سطح علمی نمازگزاران و مسلمانان داشته است.

پایگاه مقاومت بسیج در مسجد، به علت اینکه تشکّل از بافت جوان است، می‌تواند با تشکیل کتاب‌خانه در مسجد و انجام کارهای مربوط به آن تأثیر فراوانی در ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی در بین جوانان و نوجوانان داشته باشد و سطح معلومات آنها را بالا ببرد.

برای محلّ کتاب‌خانه و سالن مطالعه، نباید از فضای اصلی مسجد استفاده کرد؛ چون از لحاظ شرعی مشکل دارد.[۳] بنابراین، ضروری است که در کنار مسجد، محلی برای کتاب‌خانه و سالن مطالعه در نظر گرفته شود.

---

۱. السیرة النبویة: ج ۲، ص ۲۲۲ ـ ۲۲۳.

۲. المغازی: ص ۷۷۱.

۳. استفتائات: ج ۲، ص ۲۵۷، س ۵۵ و ۵۷.

نوارخانهٔ بسیج

یکی از فعالیت‌های پایگاه مقاومت بسیج در جهت پر کردن اوقات فراغت بسیجیان و همچنین در جهت رشد علمی و فرهنگی بسیجیان، تأسیس نوارخانه است. نوارخانهٔ بسیج می‌تواند نوارهای ویدئویی و صوتی در زمینه‌های علمی، آموزشی، موسیقی، مداحی و سخنرانی را در اختیار بسیجیان قرار دهد. به دلیل آنکه بسیاری از جوانان و نوجوانان بسیجی به کتاب و کتاب‌خوانی علاقهٔ فراوانی ندارد، از این‌رو، می‌توان از طریق نوارخانه، اطلاعات خوبی در اختیار آنان قرار داد و بنیهٔ علمی ـ آموزشی آنان را تقویت کرد.

فعالیت‌های فرهنگی پایگاه مقاومت بسیج مسجد

امروزه که دشمنان اسلام در تلاشند با هر وسیله‌ای نوجوانان و جوانان مسلمان را از مسیر دین‌داری و از دین اسلام دور کنند و در این راه، بودجه‌های کلانی را اختصاص داده و از تمامی وسایل و ابزار تبلیغی با روش‌های جدید و کارآمد استفاده می‌کنند تا جوانان و نوجوانان را دچار بی‌هویتی کرده، آنها را ناسازگار با دین و دین‌داری تربیت کنند، مساجد که اولین و مهم‌ترین مرکز فرهنگی و ترویج اندیشه‌های اسلام بوده است می‌توانند نقش مهمی در مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن ایفا کنند.

مساجد باید علاوه بر حفظ شیوه‌های قدیمی و سنتی تبلیغ همچون برگزاری مجالس وعظ و خطابه، از روش‌ها و مسایل تبلیغی جدید و نوین نیز استفاده کنند تا زمینهٔ جذب بیشتر جوانان و نوجوانان را به مسجد فراهم آورند.

با توجه به اینکه پایگاه‌های مقاومت بسیج مساجد دارای مخاطبان زیادی از قشر جوان و نوجوان است، می‌توانند با اجرای برنامه‌های فرهنگی، ورزشی، هنری نقش عمده‌ای را در مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن ایفا کنند.

غالباً جوانان از محیط‌های خشک و رسمی راضی نیستند و از آن استقبال نمی‌کنند و بیشتر به دنبال محیط‌ها و مکان‌هایی هستند که آزاد بوده و از نشاط کافی برخوردار باشند. بنابراین، پایگاه‌های مقاومت بسیج باید در برنامه‌های خود، از تنوع و نشاط کافی برخوردار

باشند تا با جذب جوانان و نوجوانان فعال و پرشور بتوانند هرچه بیشتر در اهداف خود موفق و پیروز باشند.

یکی از مهم‌ترین کارهایی که پایگاه مقاومت بسیج مسجد می‌تواند در زمینهٔ کارهای فرهنگی و آموزشی انجام دهد تا بتوانند به وسیلهٔ آن، در کارهایش موفق‌تر عمل کند، تأسیس کانون بسیج است تا اعضا بتوانند فعالیت‌هایی را در زمینه‌های آموزشی، فرهنگی، ورزشی و هنری انجام دهند.

نکتهٔ مهمی که در این زمینه باید رعایت شود ساخت مکانی مستقل در کنار مسجد برای چنین فعالیت‌هایی است؛ زیرا به دلیل گستردگی و تنوّع فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی، شبستان مسجد، که محل عبادت نمازگزاران است، نمی‌تواند جواب‌گوی این گونه فعالیت‌ها باشد. بنابراین، باید مکانی جدا، در کنار مسجد با دارا بودن کلاس‌ها و فضاهای مفید برای این منظور ساخته شود.

۱ـ ترویج فرهنگ جهاد و شهادت

جامعهٔ اسلامی اگر بخواهد که تمام احکام و دستورات دینی خود عمل کند و شاهد توسعهٔ دین‌داری در بین مردم باشد، در مواقع خاصی بدون نیاز به دو اصل «جهاد» و «شهادت» نمی‌تواند موفق باشد، زیرا عمل به اسلام و توسعهٔ دین‌داری در بین مردم، همیشه موافق جبههٔ کفر و شرک نیست و در مواردی حتی با مخالفت آنها روبه‌رو می‌شود. در اینجاست که با تمسک به دو اصل مزبور، می‌توان پیروزی را برای اسلام به ارمغان آورد.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در دوران رسالت خویش، با شیوه‌های گوناگونی به تقویت و بیان ارزش و جایگاه جهاد و شهادت می‌پرداختند. ایشان از پایگاه مسجد برای این منظور به خوبی استفاده می‌کردند و به شیوه‌های گوناگون مانند سخنرانی در بارهٔ جایگاه والای شهیدان در بهشت و جهان آخرت، فرهنگ سرخ شهادت را ترویج می‌نمودند. برای مثال، در جنگ «موته» پس از شهادت سرداران اسلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر منبر رفتند و به زیبایی جایگاه شهیدان جنگ «موته» را برای

مردم بیان کردند،[۱] به‌گونه‌ای همهٔ مسلمانان پس از شناخت شأن و جایگاه شهید نزد خداوند متعال، مشتاق این فیض عظیم و والای الهی می‌شدند و آرزوی شهادت می‌کردند.

از دیگر فعالیت‌های پیامبر اکرمﷺ در راستای ارج نهادن به مقام شهید و دیدار ایشان و اهل مسجد با خانواده‌های شهدا بود. ایشان گاهی همراه با دیگر مؤمنان از مسجد به دیدار خانواده‌های شهدا می‌رفتند و از آنان تفقد به عمل می‌آوردند و در جهت حل مشکلات‌شان تلاش می‌کردند؛ همانند سرکشی و دیدار پیامبرﷺ و گروهی از اصحاب ایشان از خانوادهٔ سعد بن ربیع که در جنگ «احد» به شهادت رسیده بود. پیامبرﷺ پس از اقامهٔ نماز صبح، به همراه بعضی از اصحاب؛ از مسجد به سوی خانهٔ سعد رفتند و در آنجا به ذکر فضایل سعد و نحوهٔ شهادت او پرداختند و بعد از دل‌جویی از خانوادهٔ او، مشکلات خانوادهٔ سعد را حل نمودند.

این سیرهٔ نبوی حاکی از ارزشمندی و بزرگی جایگاه جهاد و شهادت است؛ چنان‌که آن‌گونه در بین مسلمانان نفوذ کرده بود که، اگر کسی از جنگ و جهاد رویگردان می‌شد و یا عقب‌نشینی می‌کرد به سختی مورد عتاب مردم و خانواده‌اش قرار می‌گرفت. در تاریخ صدر اسلام می‌بینیم که مردم در مقابل افرادی که از جنگ «موته» عقب نشینی کرده بودند و یا گروهی که از جنگ «احد» سرباز زده بودند، واکنش هایی تحقیرآمیز انجام دادند و این بیانگر عشق مردم به فرهنگ سرخ «جهاد و شهادت» در راه خداست.

پایگاه مقاومت بسیج مسجد باید در زمینهٔ ترویج و بیان جایگاه فرهنگ سرخ جهاد و شهادت در راه خدا و ترویج فرهنگ و ارزش‌های دفاع مقدّس که همان فرهنگ ایثار و فداکاری در راه دفاع از اسلام و مسلمانان و حفظ تمامیت ارضی و نگهبانی از کیان مسلمانان است، تمام تلاش خود را به‌کارگیرد و با دعوت از علما و خطبا برای سخنرانی و بیان فضیلت دنیوی و اخروی جهاد و شهادت برای جوانان و بسیجیان، ادامه دهندهٔ این سیرهٔ نبوی باشد.

همچنین می‌تواند با همراهی امام جماعت و هیأت امنای مسجد، هر هفته یا ماهیانه به سرکشی و دیدار از خانواده‌های شهدای پایگاه و محل بپردازند و نگذارند این سیرهٔ پر ارزش

---

۱. المغازی: ص ۵۸۴ ـ ۵۸۵.

نبوی به فراموشی سپرده شود یا در انجام آن کاهلی و سستی به عمل آید و برای حل مشکلات و گرفتاری‌های آنان، از هیچ تلاشی دریغ ننمایند.

از دیگر فعالیت‌هایی که پایگاه مقاومت بسیج در این زمینه می‌تواند انجام دهد، عبارت است از:

ـ بر پا کردن نمایشگاه‌های آثار دفاع مقدس و وسایل به جا مانده از شهدا؛

ـ بر پایی شب شعر، خاطره گویی، روایت‌گری؛

ـ برگزاری مسابقات مقاله و کتاب‌نویسی، شعر و داستان نویسی، عکاسی و نقاشی؛

ـ برگزاری اردوهای راهیان نور در سفر به مناطق گوناگون و مقدس و متبرّک عملیاتی.

۲ ـ برگزاری جلسات مذهبی

مهم‌ترین نیاز پایگاه‌های مقاومت بسیج و به طور کلی؛ مجموعه تشکیلات بسیج، حفظ و ارتقای عضویت در بین بسیجیان است؛ یعنی مهم‌ترین عاملی که باعث به وجود آمدن انگیزه و هدف در بین بسیجیان می‌شود و با اتکا به آن در هر موقعیتی که نیاز باشد، با تمام وجود به صحنه می‌آیند و در خدمت انقلاب و مردم قرار می‌گیرند روحیهٔ خدا محوری اخلاص و معنویت است.

بنابراین، پایگاه‌های مقاومت بسیج باید با اجرای برنامه‌هایی که باعث ایجاد و ارتقای معنویت در بین بسیجیان می‌شود، در راستای این مهّم قدم بردارند.

برخی از مهم‌ترین برنامه‌هایی که می‌توان در این زمینه اجرا کرد عبارت است از:

برگزاری مراسم ادعیه (کمیل، توسل ندبه و زیارت عاشورا)؛ برگزاری مراسم سوگواری و مولودی اهل‌بیت علیهم‌السلام.

برگزاری مراسم یاد بود شهدا.

۳ ـ اجرای برنامه‌های اردویی

جوانان و نوجوانان تمایل فراوانی به محیط‌های شاد و با نشاط دارند. از این رو، مراکز فرهنگی برای جذب هرچه بیشتر جوانان و نوجوانان باید از برنامه‌های جذّاب و با نشاط استفاده کنند.

یکی از این برنامه‌ها، تشکیل اردوهای تفریحی و فرهنگی است. در حال حاضر، بسیج دارای اردوگاه‌های دایمی و موقّت فراوانی در نقاط گوناگون کشور است. این اردوگاه‌ها پذیرایی جوانان و نوجوانان بسیجی در قالب اردوهای یک یا چند روزه است.

در طول مدت اردو با تشکیل کلاس‌های شاد و مفّرح ورزشی، هنری و فرهنگی، در مکانی جذّاب، می‌توان خاطره‌ای به یاد ماندنی در اذهان بسیجیان به جای گذارد. برنامه‌های متنوعی را می‌توان در این اردوها در نظر گرفت. در این میان می‌توان به برنامه‌های ذیل اشاره کرد:

- بازدید از اماکن مذهبی، زیارتی و تاریخی؛
- بازدید از مراکز صنعتی و علمی؛
- برگزاری کلاس‌های فرهنگی و معارف دینی؛
- برگزاری مسابقات ورزشی و علمی.

با تشکیل این اردوها و اجرای برنامه‌های تفریحی و فرهنگی و ورزشی در آنها، می‌توان شاهد ثمرات فراوانی بود که در این میان می‌توان این فواید اشاره نمود:

- آشنایی با مفاهیم و معارف دینی؛
- آشنایی با اخلاق و آداب اسلامی؛
- آشنایی با فعالیت‌های گروهی و تقویت روحیهٔ نظم پذیری و احترام به قانون؛
- تقویت روحیهٔ زندگی جمعی و همکاری و تعاون؛
- تقویت نیروی ایمان و اراده و ایجاد روحیهٔ اتکابه نفس و بروز خلاقیّت‌ها؛
- ترغیب جوانان و نوجوانان بسیجی به ورزش و زندگی سالم.[۱]

۴ ـ برگزاری کلاس‌های هنری

انسان دانا به زیبایی و هنر علاقه‌مند است و سعی می‌کند در جهت این تمایل ذاتی، در حّد توان،

---

۱. روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۷ تیر ۱۳۷۷.

بـه یـادگیری بـرخـی از رشـته‌های هـنری بـراسـاس ذوق و عـلاقهٔ خـود اهـتمام ورزد. پایگاه‌های مقاومت بسیج به عنوان مراکز فرهنگی، می‌توانند از این قابلیت‌ها استفاده کرده، با تشکیل کلاس‌های متنّوع هنری، همچون آموزش خوش‌نویسی، نمایش، سرود، عکاسی، نقاشی و نویسندگی، برای جذب جوانان و نوجوان اقدام نمایند.

نکته‌ای که در تشکیل این کلاس‌ها باید مورد توجه قرارگیرد استفاده از استادان مجرّب و متعهدی است که علاوه بر آشنایی هنرجویان با رشته‌های هـنری، بـا تـعهدی کـه نسـبت به آموزه‌های دینی دارند، هنری با رنگ و بوی مفاهیم دینی ترویج کنند و هنر را در جهت تربیت روحیه‌های جوان بسیجی به کار گیرند.

۵ ـ فعالیت‌های ورزشی

به دلیل آنکه فعالیت‌های ورزشی موجب سلامت روح و جسم بوده و از تحرکّ و نشاط بالایی نیز برخوردار است، مورد علاقهٔ جوانان و نوجوانان است و از مهم‌ترین عوامل جذب آنان به مراکز فرهنگی نیز به شمار می‌آید.

پایگاه‌های مقاومت بسیج برای اینکه بتوانند جوانان و نوجوانان بسیجی را جذب و آنها را نیز حفظ کنند، باید حتماً اجرای فعالیت‌های ورزشی همچون برگزاری مسابقات ورزشی و تشکیل کلاس‌های آموزشی در رشته‌های متنوّع ورزشی را در برنامه‌های خود بگنجانند.

فعالیت‌های اجتماعی عام‌المنفعه پایگاه مقاومت بسیج مسجد

با توجه به مفهوم «بسیج» هدف از تأسیس این نهاد مقّدس، که همان خدمت‌رسانی به جامعه در مواقع ضروری و مورد نیاز است، پایگاه‌های مقاومت بسیج می‌توانند با تشخیص ضرورت‌ها و نیازهای جامعه نقش مهمی در تأمین این نیازها و ضرورت‌ها ایفاکنند، این ضرورت‌ها و نیازها در بسترهای زمانی متفاوت به وجود می‌آید و محدود در یک زمان خاص نیست. اینجاست که بسیج و بسیجی باید همیشه و در همه حال، در صحنه باشند و برای خدمت‌رسانی و کمک به جامعه، از هیچ تلاشی دریغ نکنند.

برخی از این فعالیت‌های اجتماعی و عام‌المنفعه عبارت است از:

۱ ـ تأسیس صندوق قرض‌الحسنه

به دلیل آنکه پایگاه مقاومت بسیج نهادی است که جهت خدمت رسانی به جامعه تأسیس شده؛ در همین زمینه، با تکیه بر سرمایه‌های اندک مردم می‌تواند در فعالیت‌های عام‌المنفعه، سهم عمده‌ای داشته باشد.

یکی از این فعالیت‌ها تأسیس «صندوق قرض‌الحسنه بسیج» در مسجد است. تأسیس این صندوق می‌تواند در حل مشکلات اهل محل و جوانان، با در اختیار گذاشتن وام‌های قرض‌الحسنه، وام‌های ازدواج و تهیهٔ جهیزیه، کمک شایانی به مردم عزیز بنماید.

این عمل علاوه بر بعد تعاون و کمک‌رسانی به اهل محل باعث ترغیب مردم و جوانان به مسجد و در نتیجه، احیای مسجد می‌شود. البته انجام این گونه فعالیت‌ها، باید با همکاری و هماهنگی تنگاتنگ امام جماعت و هیأت امنای مسجد صورت گیرد، تا هم از بعد فکری هم از بعد اقتصادی بتوانند پشتوانهٔ مناسبی برای صندوق به حساب آیند.

از دیگر ثمرات این گونه فعالیت‌ها، ایجاد اشتغال در بین جوانان است.

۲ ـ مشارکت در امر سازندگی و آبادانی کشور

از دیگر فعالیت‌های عام‌المنفعه و اجتماعی پایگاه مقاومت بسیج، مشارکت با دولت و مردم در امر سازندگی است. با توجه به نیروی جوان بسیج و اینکه افراد متفاوتی از حیث تحصیلات و تخصص‌های فنی، جزو اعضای بسیج هستند. دولت می‌تواند با در اختیار گذاشتن امکانات مناسب و کافی، از این نیروی فعّال و کارآمد در پیشبرد اهداف سازندگی، به‌ویژه در مناطق محروم کشور، استفاده کند.

هم‌اکنون برای این منظور، سازمانی در بسیج به نام «سازمان بسیج سازندگی» تشکیل شد. که با همرامی جوانان و نوجوانان بسیجی با کارشناسان کارآمد، توانسته است به یاری دیگر سازمان‌های دولتی همچون سازمان محیط‌زیست، شهرداری و وزارت خانه‌های آموزش

و پرورش، جهاد کشاورزی، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی بشتابد و طرح‌های متنّوعی را اجرا کند و در امور عمرانی و سازندگی کشور کمک‌های شایانی را به دولت ارائه دهد. از آن جمله، می‌توان این مورد را نام برد:

ـ بهسازی و ساخت مدارس روستایی در مناطق محروم؛

ـ اجرای طرح‌های درخت‌کاری در سرحدهای جنگلی و زمین‌های موات؛

ـ حفظ مراتع و جنگل‌ها؛

ـ اجرای طرح مبارزه با بیماری سالک و طرح‌های بزرگ واکسیناسیون فلج اطفال و سرخک و سرخجه؛

ـ طرح ساخت پل و راه‌سازی و آب‌رسانی به مناطق محروم و هزاران کار دیگر که از فعالیت‌های سازندگی و عمرانی بسیج است.

پایگاه مقاومت بسیج مسجد می‌تواند با شرکت دادن بسیجیان در این گونه طرح‌ها، نقش مهمی در سازندگی و آبادانی کشور داشته باشد. شرکت جوانان و نوجوانان بسیجی در طرح‌های سازندگی می‌تواند ثمرات فراوانی به دنبال داشته باشد؛ از جمله:

۱ ـ آشنایی جوانان ـ به عنوان پشتوانه‌های فردای کشور ـ با فعالیت‌های عمرانی؛

۲ ـ آشنایی جوانان و نوجوانان با مشکلات مناطق دیگر و تلاش کشور در جهت برطرف کردن آنها؛

۳ ـ برخوداری هرچه سریع‌تر مناطق محروم از امکاناتی که حق طبیعی آنهاست و از آن محروم هستند؛

۴ ـ ایجاد روحیهٔ تعاون و همکاری در بین جوانان و امیدهای آیندهٔ کشور؛

۵ ـ کمک به دولت مردان کشور و برداشتن باری از دوش آنان.

بسیج و امر به معروف و نهی از منکر

یکی از وظایفی که پایگاه‌های مقاومت بسیج در زمینهٔ حفظ امنیت اخلاقی و روانی سطح محل و منطقه برعهده دارند، «امر به معروف و نهی از منکر» است. در صورت اجرای صحیح این

برنامه، که وظیفهٔ دینی همهٔ مسلمانان است، امنیت اخلاقی بر جامعه حکم‌فرما می‌شود وکم‌توجهی به این فرضیهٔ دینی، باعث فساد و از بین رفتن ترویجی ارزش‌های دینی و اجتماعی می‌شود و آثار مخرّب بسیاری در پی دارد.

بنابراین، پایگاه‌های مقاومت بسیج، که درکنار دیگر نهادها همچون نیروهای انتظامی عهده‌دار حفظ امنیت منطقه و محله خود هستند؛ باید به این اصل مهم توجه ویژه‌ای داشته باشند.

نکته‌ای که باید همواره به خاطر داشته باشیم این است که امر به معروف و نهی از منکر باید طبق اصول شرعی و علمی خود اجرا شود تا مؤثر واقع شود و تأثیر آن همیشگی و فراگیر باشد. در غیر این صورت، اگر سلیقه‌ای و بدون در نظرگرفتن روش‌های علمی اجرا شود، نه تنها مؤثر نیست، بلکه ممکن است مفسده‌هایی زیادی نیز بر آن ترتّب گردد.

بسیج و فعالیت‌های سیاسی

پایگاه‌های مقاومت بسیج از آنجا که پشتوانهٔ انقلاب و حافظ منافع ملّت و کشور هستند، باید درکنار دیگر فعالیت‌ها و ابعاد آموزشی، فرهنگی و نظامی خود، در بعد سیاسی نیز فعالیت گسترده و روشنی داشته باشند تا بتوانند بسیجیان را با مسائل سیاسی داخلی و بین‌المللی آشنا سازند و بینش سیاسی آنان را بالا ببرند.

برخی از فعالیت هایی که پایگاه بسیج نمونه می‌تواند در این زمینه انجام دهد عبارت است از:

الف. در موقعیت‌ها و مناسبت‌های گوناگون؛ با دعوت از رجال سیاسی و صاحب‌نظران و برگزاری جلسات سخنرانی و پرسش و پاسخ نقش مهمی را در آگاه‌سازی جوانان بسیجی و اهل محل و مسجد در مسائل سیاسی داشته باشد.

ب. در مناسبت‌ها و مراسم ویژه مانند انتخابات و راه‌پیمایی‌های روز قدس و ۲۲ بهمن، می‌تواند با شرکت کلیهٔ بسیجیان به صورت گروهی و نیز دعوت از اهل محل برای شرکت در چنین مراسمی، حضور فعّال و چشم‌گیری را از خود به نمایش بگذارد.

رابطهٔ پایگاه مقاومت بسیج با امام جماعت

امام جماعت دارای موقعیت محوری در تمامی فعالیت‌های عبادی، آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسجد است و از مهم‌ترین جایگاه در مسجد برخوردار می‌باشد. به همین دلیل، شایسته است که در تمامی امور مسجد، هماهنگی و مشورت لازم با امام جماعت به‌عمل آید.

پایگاه مقاومت بسیج در مسجد نیز از این قاعده مستثنا نیست و لازم است در امور فرهنگی و آموزشی خود، با امام جماعت و روحانیت مسجد ارتباط تنگاتنگی داشته باشند و از نظرات و پیشنهادات ایشان بهره ببرد. در اینجا به چند مورد از این رابطه‌ها اشاره می‌کنیم:

الف. اعضای پایگاه‌های مقاومت بسیج در مساجد باید همیشه و در همه حال، احترام لازم را به مقام علمی و جایگاه روحانیت، که ادامه دهندهٔ راه اولیا و پیامبران الهی هستند بگذارند.

ب. پایگاه‌های مقاومت بسیج در برگزاری برنامه‌ای آموزشی و فرهنگی مربوط به مسائل دینی و مذهبی، مانند کلاس‌های دینی، برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و جلسات علمی و برگزاری مراسم مذهبی، با امام جماعت و روحانیت مسجد همکاری و هماهنگی و مشورت لازم را انجام دهند و در صورت امکان، از ایشان در اجرای چنین برنامه‌هایی استفاده کنند.

ج. یکی از مهم‌ترین کارهایی که موجب ارتباط بیشتر پایگاه بسیج و امام جماعت می‌شود عضویت ایشان در پایگاه مقاومت بسیج مسجد است. این کار علاوه بر دلگرمی اعضای بسیج، ثمرات فراوانی از جمله پیوند نسل جوان با روحانیت به همراه دارد.

د. یکی از مهم‌ترین کارهایی که پایگاه مقاومت بسیج باید حتماً انجام دهد مشورت با امام جماعت در زمینهٔ فعالیت‌های گوناگون بسیج است تا کاری که با شأن و جایگاه مسجد سازگاری ندارد و هتک حرمت مسجد می‌شود، صورت نگیرد.

رابطه و همکاری بسیج و هیأت امنای مسجد

یکی از مهم‌ترین ارکان در مجموعهٔ مسجد، هیأت امنای مسجد است که در امور مربوط

به مسجد بسیار تأثیرگزارند. پایگاه مقاومت بسیج برای اینکه بتواند در فعالیت‌های خود موفق و تأثیرگذار باشد، باید ارتباط مثبت و خوبی با هیأت امنای مسجد داشته باشد. این ارتباط مثبت تنها در سایهٔ احترام متقابل و رعایت اصول اخلاقی و ترجیح دادن مصالح عمومی و مصالح مسجد بر منافع و مصالح شخصی میسّر است.

هیأت امنای مسجد می‌تواند با پایگاه بسیج مسجد در این امور همکاری خوبی داشته باشد.

الف. در انجام فعالیت‌های نظامی که لازم است در مسجد انجام شود، پایگاه مقاومت بسیج می‌تواند با احترام گزاردن به جایگاه هیأت امنا مشورت و هماهنگی با برخی از آنها امکانات و شرایط لازم را برای انجام فعالیت‌های خود آنها فراهم کند.

ب. یکی از مهم‌ترین کارهایی که موجب ارتباط تنگاتنگ بین هیأت امنای مسجد و پایگاه مقاومت بسیج مسجد می‌شود، عضویت و شرکت هیأت امنا در بسیج مسجد است. این عمل علاوه بر دل‌گرمی و ایجاد انگیزه در جوانان بسیجی، باعث می‌شود آنان بتوانند در موقعیت‌های گوناگون از تجربه و جایگاه اجتماعی هیأت امنا در مسجد و محل استفاده کنند و همین موجب پیشبرد اهداف بسیج و کارآمد کردن آن در مسجد و محل شود.

ج. از دیگر مواردی که پایگاه بسیج باید ارتباط خوب و تنگاتنگی با هیأت امنا داشته باشد، همکاری در امور آموزشی، فرهنگی و اقتصادی بسیج است؛ یعنی هیأت امنای بسیج می‌توانند برای پیشبرد ابعاد آموزشی بسیج، مکان مناسبی را در مسجد برای این امر مهیا کنند، تا پایگاه بسیج بهتر و کارآمدتر، در این زمینه فعالیت کند. در امور فرهنگی نیز هیأت امنا می‌تواند برای مراسم فرهنگی، مانند برگزاری جلسات دعا و سخنرانی و برگزاری جشن‌های تولّد و عزاداری در مسجد، امکانات لازم را در اختیار پایگاه مقاومت بسیج قرار دهد. در امور اقتصادی نیز پایگاه بسیج می‌تواند از همکاری مالی و جایگاه اجتماعی هیأت امنا برای جمع‌آوری نقد ینگی (سرمایهٔ مالی) «صندوق قرض‌الحسنه بسیج» برای تأمین مشکلات جوانان و اهل مسجد و محل استفاده کند.

د. هیأت امنا می‌تواند برای تأسیس کانون فرهنگی، ورزشی بسیج در مسجد، تکیه‌گاه

و پشتوانهٔ خوبی برای پایگاه بسیج به حساب آید و در تهیهٔ فضای مناسب برای تأسیس و فعالیت کانون در مسجد، بهترین همکاری را با پایگاه مقاومت بسیج داشته باشد.

هـ یکی از فعالیت‌هایی که بسیج و هیأت امنای مسجد می‌توانند با هم داشته باشند، استفاده از نیروی قوی و جوان مسجد در پیشبرد اهداف عمرانی مسجد است که هیأت امنا می‌توانند در این زمینه، از نیروهای فکری و انسانی بسیج بهترین استفاده را ببرد.

رابطهٔ پایگاه بسیج با اهل محل

پایگاه مقاومت بسیج نهادی مردمی است و از مهم‌ترین اهداف تأسیس آن تأمین امنیت در سطح محل و سطح شهرهاست. بنابراین، در حین فعالیت‌های خود، همیشه با اهل محل مسجد در ارتباط است و بدون همکاری آنان، نمی‌تواند موفقیت چندانی را در تحقق اهدافش داشته باشد. بنابراین، پایگاه مقاومت بسیج برای اینکه بتواند از همکاری اهل محل برخوردار باشد، باید کاری کند که مردم همواره نسبت به پایگاه بسیج دید مثبتی داشته باشد و آن را یک نهاد مردمی که در خدمت مردم است به حساب آوردند.

برای اینکه پایگاه بسیج بتواند از لحاظ معنوی و عاطفی در بین اهل محل جایگاه مناسب و مثبتی داشته باشد، باید نکات ذیل را همیشه مورد توجه قرار دهد:

الف. باید بتواند درکنار دیگر دستگاه‌های ذی‌ربط، خلأهای امنیتی را در محل شناسایی و برای رفع آنها اقدام کند و با افرادی که به هر شکل می‌خواهند با هنجارشکنی و رفتارهای نامناسب خود، امنیّت اخلاقی، روانی و اجتماعی محل را برهم بزنند برخورد مناسب و قانونی را انجام دهد تا بدین صورت، موجب دلگرمی اهل محلّ شد، تکیه گاه مطمئنی برای آنها به‌شمار آید.

ب. اعضای پایگاه مقاومت بسیج باید در همه جا، اصول اخلاقی و احترام متقابل به دیگران را رعایت کنند، تا آنجا که بتوانند از لحاظ اخلاقی به عنوان الگویی برای دیگر همسالان خود به شمار آیند.

ج. باید در برگزاری مراسم و اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های خود، سعی کنند به هیچ وجه

برای نمازگزاران (در صورتی که محل فعالیت و برنامه داخل مسجد باشد) و اهل محل (در صورتی که اجرای برنامه سطح شهر باشد) ایجاد مزاحمت نکنند.

د. باید همیشه به این اصل یعنی حفظ حریم خصوصی افراد و خانواده‌ها احترام بگذارد. البته تا زمانی که به امنیت مردم و محل آسیبی نرسد.

و. برخوردهای شخصی و غرض ورزانه و سلیقه‌ای باید به طورکلی از عملکرد و روابط بسیجی با مردم حذف شود و باکسانی که به نام و عنوان «بسیج» چنین اقداماتی را انجام می‌دهند به شدّت برخورد شود.

رابطهٔ پایگاه مقاومت بسیج با دیگر نهاد و سازمان‌های دولتی

به دلیل آنکه پایگاه مقاومت بسیج نمونه دارای فعالیت‌های فراوانی و زمینه‌های گوناگون فرهنگی، نظامی، آموزشی، ورزشی و هنری است، در همین زمینه‌ها ناگزیر است با نهادها و سازمان‌های دولتی مرتبط با این فعالیت‌ها، ارتباطات خوب و مثبتی داشته باشد. در اینجا به ذکر بعضی فعالیت‌ها و برخی نهادهای دولتی مرتبط با آن اشاره می‌کنیم:

الف. پایگاه بسیج نمونه در فعالیت‌های نظامی خود باید با این نهادها در ارتباط باشد:

ـ وزارت اطلاعات (ارایهٔ گزارش و مسائل امنیتی)؛

ـ سپاه پاسداران (برای برنامه‌های آموزشی و نظامی و حفظ و ارتقای بنیهٔ نظامی بسیجیان)؛

ـ دادگستری (گرفتن مجوز برای برخورد باگروه‌ها و عوامل محل امنیت اخلاقی و روانی جامعه)؛

ـ نیروی انتظامی (برقراری امنیت در سطح محلّه و شهر).

ب. در امور فرهنگی، باید با این ادارات و سازمان‌ها در تماس باشد:

ـ ادارهٔ فرهنگ و ارشاد اسلامی (تجهیز و کمک به کانون بسیج)؛

ـ سازمان تبلیغات (همکاری در زمینه‌های فرهنگی)؛

ج. در امور آموزشی نیز با این‌گونه ادارات همکاری داشته باشد:

ـ ادارهٔ آموزش و پرورش (برگزاری کلاس‌های کمک آموزشی در امور تحصیلی بسیجیان).

هـ در اجرای برنامه‌های ورزشی باید، با این‌گونه سازمان‌ها مراوده داشته باشد:

ـ سازمان تربیت بدنی (برگزاری مسابقات و کلاس‌های ورزشی).

و. در امور هنری، باید با این‌گونه سازمان‌ها هماهنگی داشته باشد:

ـ سازمان تبلیغات و ادارهٔ فرهنگ و ارشاد اسلامی (استفاده از امکانات آن سازمان در برنامه‌های هنری).

پایگاه مقاومت بسیج باید با سازمان‌ها، ادارات و نهادهای مزبور ارتباط تنگاتنگ و مثبتی داشته باشد تا بتواند در اجرای فعالیت‌های خود، موفق‌تر عمل کنند.

آسیب‌شناسی پایگاه‌های مقاومت بسیج مساجد

با توجه به مطالبی که گفته شد، می‌توان پی برد که مسجد یکی از مهم‌ترین مراکزی است که می‌تواند در مقابل تهاجم فرهنگی دشمن بایستد و جوانان و نوجوانان، که سرمایه‌های گران‌بهای کشورند، با مفاهیم اسلام ناب آشنا کند و آنها را در ابعاد نظامی، علمی، اجتماعی و فرهنگی رشد دهد. البته زمانی می‌توان شاهد این نتایج و ثمرات مفید بود که آسیب‌های وارده براین نهاد را شناسایی کنیم و در جهت رفع آنها تلاش کنیم.

بعضی از این آسیب‌ها را که باعث ضعف پایگاه بسیج مسجد می‌شود، به صورت مختصر بیان می‌کنیم:

۱ـ اختلاف با دیگر مجموعه‌ها و ارکان مسجد

اگر هرگونه اختلافی بین پایگاه مقاومت بسیج با دیگر ارکان و مجموعه‌های مسجد بوجود بیاید، نتیجه‌ای جز محروم شدن از همکاری و همفکری آنها ندارد. این اختلافات موجب کم شدن بازدهی و ضعف عملکرد بسیج در ابعاد گوناگون خواهد شد؛ مانند اختلاف آنها با امام جماعت و هیأت امنای مسجد.

بنابراین، باید همیشه و در همه حال، بین پایگاه بسیج و دیگر ارکان و مجموعه‌ای مسجد همکاری و همفکری فراوان بر پایهٔ دو اصل احترام و گذشت وجود داشته باشد.

۲ ـ فاصله گرفتن از اصول و آرمان‌های مقدس بسیج

مهم‌ترین ضعف و آسیبی که ممکن است متوجه پایگاه‌های مقاومت بسیج و یا به طور کلی، تشکیلات بسیج شود، دور شدن و فاصله‌گرفتن از اهداف و آرمان‌های مقدسی است که بسیج بر پایه آن شکل گرفته است. از مهم‌ترین این اصول می‌توان به دو اصل ذیل اشاره کرد:

الف. حاکم بودن اصل معنویت و اصل «خدا محوری» در تمام فعالیت‌های بسیج؛

ب. خدمت‌رسانی مخلصانه و داوطلبانه به مردم و انقلاب در تمام عرصه‌ها.

هرگاه بسیج خدامحوری و اخلاص و معنویت را در فعالیت‌های خود کم‌رنگ کند و یا وظیفهٔ اصلی خود، که خدمت رسانی مخلصانه به انقلاب و ملت است، به فراموشی بسپارد و دچار بی‌مسئولیتی و سستی نسبت به مسائل پیرامون خود گردد، بزرگ‌ترین صدمات بر پیکرهٔ بسیج وارد خواهد شد و باید شاهد فاصله‌گرفتن از اهداف و آرمان‌های مقدس خود و از بین رفتن تدریجی بسیج بود.

۳ ـ بی‌برنامگی و ائتلاف وقت

یکی از آسیب‌ها و آفت‌هایی که متوجه برخی از پایگاه‌های مقاومت بسیج است، بی‌برنامه بودن یا برنامه‌ریزی ضعیف در عملکردهای آنهاست که این آفت نتیجه‌ای جز اتلاف وقت و دل‌سردی و بی‌انگیزه شدن تدریجی اعضای پایگاه‌های مقاومت بسیج ندارد. پایگاه مقاومت بسیج مسجد باید با برنامه‌ریزی دقیق و منسجم و شرکت دادن اعضای پایگاه در این برنامه‌ها از بوجود آمدن سستی و بی‌انگیزگی در میان بسیجیان جلوگیری کند.

۴ ـ سوء مدیریت

سوء مدیریت یکی از مهم‌ترین آفات تشکل‌ها و سازمان‌هاست و مانعی برای رسیدن به اهداف

و به ثمر رسیدن تلاش‌ها و کوشش اعضای آن تشکیلات؛ همچنین موجب هدر رفتن وقت و سرمایه و نیروی کار می‌شود. استفاده از مدیران ضعیف در پایگاه‌های بسیج مساجد، که دارای نقاط ضعیفی همچون کم تجربگی، بی‌انگیزگی، ضعف در تصمیم‌گیری و سوء استفاده از موقعیت هستند علاوه بر به‌وجود آوردن مشکلات فراوان در مسجد و پایگاه، موجب دور شدن و زدگی جوانان و نوجوانان از مسجد و بسیج نیز خواهد شد.

مسئولان ذی‌ربط لازم است در انتصاب مدیران، همیشه بر مبنای اصل شایسته‌سالاری عمل کنند و با انجام بازرسی‌های مداوم و دقیق و نظرخواهی از اعضای پایگاه‌ها و کسانی که با مجموعهٔ آنها در ارتباطند، عملکرد مدیران خود را زیرنظر داشته باشند.

۵ ـ انحصار پایگاه مقاومت بسیج در فعالیت‌های نظامی

تعداد زیادی از پایگاه‌های مقاومت بسیج مساجد فعالیت‌های خود را منحصر در کارهای نظامی کرده‌اند. فعالیت‌های نظامی یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اهداف پایگاه‌های مقاومت مساجد است، ولی منحصر کردن فعالیت‌های پایگاه بسیج در امور نظامی از نقاط ضعف این پایگاه‌ها به حساب می‌آید.

به دلیل اینکه ۷۵ واحد از اعضای پایگاه‌های بسیج قشر جوان و نوجوان هستند و برای اینکه بتوان این قشر عظیم را به طور مداوم جذب پایگاه‌های بسیج کرد، باید در کنار فعالیت‌های نظامی، فعالیت‌های متنوع فرهنگی، ورزشی دیگری را برای آنها در نظر بگیریم.

۶ ـ استفاده نکردن از بزرگان و افراد با تجربه

جوان‌گرایی در کارهای گروهی، تأثیر فراوانی در پیشرفت دارد، البته به شرط اینکه در کنار نیروی جوان، از افراد با تجربه و بزرگ‌سال نیز استفاده شود؛ زیرا در بسیاری از مسائل و موقعیت‌های گوناگون با استفاده از تجربیات آنها، می‌توان مشکلات را بهتر حل کرده و سریع‌تر به نتیجه و هدف دلخواه رسید. بنابراین، در پایگاه‌های مقاومت بسیج، باید با احترام گذاشتن به بزرگ‌سالان و افراد با تجربه در موقعیت‌های گوناگون و مشورت با آنها از تجربیات ارزندهٔ این عزیزان به خوبی استفاده کرد.

۷ ـ برخوردهای غیرعلمی و سلیقه‌ای با افراد

پایگاه‌های مقاومت بسیج مساجد، به خاطر وظیفهٔ حفظ امنیت و آرامش منطقه و محل خود، باید فعالیت‌هایی همچون ایست بازرسی، گشت‌های شبانه، امر به معروف و نهی از منکر داشته باشد. اما این‌گونه فعالیت‌ها، علاوه بر ثمرات و فواید فراوانی که دارد، اگر به صورت کارشناسی صورت نگیرد، ممکن است مفسده‌هایی را نیز در پی داشته باشد. برخوردهایی که در این زمینه با افراد متخلّف صورت می‌گیرد باید به صورت علمی و کارشناسی باشد و از هرگونه برخورد سلیقه‌ای و احساسی پرهیز شود.

از جمله دلایلی که بسیاری از جوانان بخصوص جوانان غیرمذهبی، ذهنیتی منفی نسبت به بسیج دارند، وجود چنین برخوردهای نامناسب و غیرعلمی است که از طرف برخی افراد بسیجی با آنها یا افراد دیگر شده است. در نتیجه لازم است بسیجیانی که برای این فعالیت‌ها انتخاب می‌شوند. کاملاً توجیه شده و از تجربه و درایت کافی نیز برخوردار باشند.

۸ ـ امتیازگرایی

یکی از مهم‌ترین آفاتی که صدمات فراوانی را متوجه بسیج می‌کند، روحیهٔ «امتیازگرایی» در بین اعضای بسیج است. همان‌گونه که اشاره شد، بسیج نهادی است که برای انجام خدمات مخلصانه بدون هیچ‌گونه چشم داشت تشکیل شده و تنها انگیزهٔ خدایی و انسان دوستانهٔ افراد است که آنها را به انجام کارهایی که برای مردم و جامعه سودمند است، وا می‌دارد.

از مهم‌ترین راه‌های مؤثر برای مقابله با چنین روحیه و انگیزه‌ای، ترویج سیرهٔ شهداست؛ آنان که بدون هیچ‌گونه انتظار مادی حاضر شدند در راه آرمان‌های مقدس دین اسلام و انگیزه‌ای والا و خدایی‌شان در دفاع از دین و ملت و کشور، زحمات فراوانی متحمل شوند و در نهایت، جان پاک خویش را در این مسیر خداکنند.

۹ ـ نفوذ افراد فرصت‌طلب

یکی از مهم‌ترین خطراتی که متوجه بسیج است، خطر نفوذ افراد فرصت‌طلب و ناسالم به قصد

اخلال و کارشکنی در این نهاد مقدس می‌باشد. امام خمینی‌ﷺ نیز خطر نفوذ افراد منحرف و نوکران استکبار را در تشکیلات بسیج برای ضربه زدن به آنان گوشزد کرده و سفارش نموده‌اند که باید در مقابل تحرکات آنها بایستید.[۱]

از این رو، ضروری است مسئولان ذی‌ربط و همچنین تمامی بسیجیان با هوشیاری تمام مراقب چنین افرادی باشند و آنها را شناسایی کنند تا برخورد لازم با آنها به عمل آید.

دیدگاه‌های حضرت امام خمینی‌ﷺ و مقام معظم رهبری«مدظله‌العالی» در بارهٔ پایگاه‌های مقاومت بسیج

شجرهٔ طیبهٔ بسیج، این یادگار گرانقدر امام راحل‌ﷺ، که از مهم‌ترین ثمرات این انقلاب به‌شمار می‌آید، به دستور امام خمینی‌ﷺ در سال ۱۳۵۸ تشکیل شد. در اینجا برخی از دیدگاه‌ها و نظرات مقام ولایت در بارهٔ این نهاد مقدس ذکر می‌کنیم:

۱ـ مساجد پایگاه‌های اصلی و همیشگی بسیج

مساجد در طول تاریخ، پایگاه و کانون اصلی مسلمانان در فعالیت‌های مختلف بوده است و مسلمانان با تأسی از روحانیت و علما، همیشه و در همه حال، مدافع اسلام و مقدّسات دینی بوده‌اند. در بیشتر تحرکّات ضد استکباری، که در طول تاریخ صورت گرفته است، همانند انقلاب اسلامی ایران، ریشه و کانون اصلی مبارزان در مسجد بوده است.

امام خمینی‌ﷺ که از بینش و دید سیاسی بالایی برخوردار بودند، از این مهم غافل نبودند و بر آن تأکید داشتند و مساجد را به عنوان پایگاه اصلی بسیج برای جذب بسیجیان معرفی کردند.

مقام معظم رهبری مدظله‌العالی نیز براین موضوع تأکید نموده‌اند:

«مساجد باید همچنان به صورت پایگاه بسیج باقی بماند و بسیج باید مطیع مسجد، حامی مسجد، عامل به قرآن و حافظ قرآن باشد».[۲]

---

۱. صحیفهٔ نور: ج ۱۳، ص ۲۴۴، سخنرانی مورخ ۱۱ دی ۱۳۵۹.
۲. روزنامهٔ اطلاعات، ۷ آذر ۱۳۸۳.

۲ ـ حفظ توان نظامی و رزمی بسیج

امام خمینی‌ﷺ تأکید فراوانی بر حفظ قوای رزمی بسیج، که پشتوانهٔ انقلاب در مقابل تعرضات دشمنان است؛ داشتند و در این زمینه فرموده‌اند:

«مملکت اسلامی باید همه‌اش نظامی باشد و تعلیمات نظامی داشته باشد. باید این‌طور باشد که یک مملکتی که ۲۰ میلیون جوان دارد، ۲۰ میلیون تفنگدار داشته باشد و ۲۰ میلیون ارتشی داشته باشد، و یک چنین مملکتی آسیب‌پذیر نیست».[۱]

مقام معظم رهبری نیز با تأکید براین موضوع فرموده‌اند:

«آمادگی رزمی و سازماندهی همهٔ نیروهای رزمنده ضامن صلح پایدار است».[۲]

۳ ـ جهانی شدن بسیج

امام خمینی‌ﷺ با شناختی که از بسیج و قدرت سرشار آن در مقابله با ستم و بیداد داشتند، براین عقیده بودند که بسیج و تفکر بسیجی باید تبدیل به یک تفکر جهانی شود که تمامی مستضعفان جهان بتوانند در مقابل ستم ستمگران بایستند و با همین قدرت، تمامی مشکلات خود را حل کنند. ایشان در این زمینه می‌فرماید:

«من امیدوارم که این بسیج عمومی اسلامی، الگو برای تمام مستضعفین جهان و ملت‌های مسلمان عالم باشد و قرن پانزدهم (قمری) قرن شکستن بت‌های بزرگ و جای‌گزینی اسلام و توحید به جای شرک و زندقه، و عدل و داد به جای ستمگری و بیدادگری و قرن انسان‌های متعهد به جای آدم‌خواران بی‌فرهنگ باشد».[۳]

---

۱. همان.

۲. همان.

۳. صحیفهٔ نور: ج ۱۱، ص ۲۷۵، پیام امام خمینی در رابطه هفتهٔ بسیج مستضعفین، مورخ ۲۱ اسفند ۱۳۵۸.

۴ ـ بسیجی بودن؛ افتخار همیشگی

امام خمینی‌ﷺ در جاهای گوناگون و با بیانات خود، بر تبیین جایگاه و مقام رفیع بسیج و بسیجی، اهتمام می‌ورزیدند و آن را افتخار و ارزشی دنیوی و اخروی می‌دانستند. ایشان در این زمینه فرموده‌اند:

«بسیج لشکر مخلص خداست».

«من همیشه به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می‌خورم و از خدا می‌خواهم که من را با بسیجیانم محشور فرماید».

مقام معظم رهبری نیز در این باره می‌فرماید:

«بسیجی بودن یک ارزش است و این مسئله باید به عنوان فرهنگ و اصل در نظر گرفته شود و این ارزش همچنان باقی بماند».

۵ ـ نگهبانی از امنیت ملی

نگهبانی از امنیت ملی موضوع مهمی است که همواره مورد توجه حضرت امام خمینی‌ﷺ و امروزه مقام معظم رهبری قرار دارد.

حضرت امام‌ﷺ در این باره می‌فرماید:

«بسیج ملی باید همیشه مراقب باشند؛ رفت‌وآمدهای مشکوک را در نظر داشته باشند».[۱]

همچنین فرمودند:

«دفاع از اسلام و کشور اسلامی امری است که در موقع خطر، تکلیف شرعی، الهی و ملی است و بر تمام قشرها و گروه‌ها واجب است».[۲]

مقام معظم رهبری حضرت آیة‌الله خامنه‌ای دام‌ظلّه‌العالی نیز در این زمینه می‌فرماید:

«اگر بسیج و نیروهای مردمی نبود و امام بزرگوار از نیروی ایمان و عشق

---

۱. بیانات امام، ج ۱۳، ص ۳۹.

۲. بیانات امام، ج ۱۱، ص ۲۷۵، ۲۱ اسفند ۱۳۵۸ «هفته بسیج مستضعفین».

مردم در سازماندهی این عناصر مؤمن و نورانی در سراسر کشور، اقوام مختلف، مـرزداران و عشـایر، جـوانـان و دانشگـاهیان، روحـانیون و دانش‌آمـوزان و پیرمردان و زنان و دختران جوان و سایر اقشار ملت، استفاده نمی‌کرد و این انبوه عظیم نیروی فعال را به وجود نمی‌آورد، بدون شک، جمهوری اسلامی نمی‌توانست در مقابل ایـن هـمه تـوطئه، خـباثت، دشـمنی و سـنگ‌انـدازی مقاومت کند».[۱]

۶ ـ تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی

حضرت امام‌ﷺ بر تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی تأکید فراوان داشتند و در این زمینه می‌فرمودند:

«بار دیگر تأکید می‌کنم که غفلت از ایجاد ارتش ۲۰ میلیونی سقوط در دام دو ابر قدرت جهانی را بـه دنـبال خـواهـد داشت. مـن از تـمام بسـیجیان، خصوصاً فرماندهان عزیز آن تشکر می‌کنم و از دعای خیر برای این فرزندان با وفای اسلام غفلت نخواهم نمود».

۷ ـ بسیج؛ رمز بقای انقلاب اسلامی

امام خمینی‌ﷺ توصیه‌های فراوانی بر تقویت و حمایت مسئولان از بسیج داشتند و با بیانات گوناگون، اهمیت و جایگاه آن را در جامعه روشن می‌ساختند؛ از جمله اینکه می‌فرمودند:

«اگر در کشوری نوای دلنشین تفکر بسیجی طنین‌انداز شد، چشـم طـمع دشمنان و جهان خواران از آن دور خواهد شد، و الاّ هر لحظه باید منتظر حادثه ماند».[۲]

در جای دیگر فرموده‌اند:

«من دست یکایک شما بسیجیان، پیشگامان رهایی، را می‌بوسم و می‌دانم

---

۱. مجلهٔ آزاد، ۲ آذر ۱۳۷۸.

۲. روزنامه اطلاعات، آذر ۱۳۸۳.

که اگر مسئولین نظام اسلامی از شما غافل شوند به آتش دوزخ الهی خواهند سوخت».[۱]

مقام معظم رهبری نیز در این زمینه می‌فرماید:

«مسئلهٔ بسیج مسئلهٔ بسیار مهمی است، البته این مسئله در نظام جمهوری اسلامی همیشه جدی گرفته شده است. شخص حضرت امام خمینی‌ﷺ و بقیهٔ مسئولان و مردم بسیج را جدی گرفته و از این پس هم باید کوشش کنیم که مسئلهٔ بسیج همچنان جدی گرفته شود و یک حالت روانی اهتمام به بسیج در سطوح مختلف مسئولان و در گسترهٔ زندگی مردم باقی بماند».[۲]

۸ ـ همه جانبه بودن فعالیت‌های بسیج

از مهم‌ترین دیدگاه‌های امام خمینی‌ﷺ و مقام معظم رهبری در مورد بسیج، پرهیز از یک جانبه‌نگری نسبت به آن است. ایشان معتقد بوده‌اند که فعالیت‌های بسیج را علاوه بر مسائل نظامی، باید در امور دیگر نظیر فرهنگی آموزش و علمی گسترش داد.

امام خمینی‌ﷺ در این باره فرمودند:

«امید آن دارم که در بسیج همه جانبه آموزش نظامی و عقیدتی و اخلاقی و فرهنگی، با تأیید خداوند موفق باشند».[۳]

مقام معظم رهبری مدظله‌العالی با تأکید براین دیدگاه فرموده‌اند:

«بسیج را نباید صرفاً یک نهاد نظامی دانست، بلکه اگر بسیج وارد عرصه‌های علمی و سیاسی نیز بشود، موفق و سربلند بیرون می‌آید».[۴]

---

۱. صحیفهٔ نور: ج ۲۱، ص ۱۹۴ ـ ۱۹۵.
۲. مجلهٔ آزاد: ۲ آذر ۱۳۷۸.
۳. صحیفهٔ نور: ج ۱۱، ص ۲۷۵، سخنرانی ۲۱ اسفند ۱۳۵۸.
۴. روزنامهٔ قدس: ۳ آذر ۱۳۷۷، سخنرانی هفتهٔ بسیج.

منابع و مآخذ

۱ . استفتائات، امام خمینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۲ . السیرة النبویة، ابن‌هشام، بیروت، دارالقلم.

۳ . المبسوط فی فقه الامامیه، شیخ طوسی، المکتبة المرتضویه، ۱۳۵۷ .

۴ . المغازی، محمد بن عمر واقدی، ترجمهٔ محمود مهدوی دامغانی، ج دوم، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹ .

۵ . روزنامه اطلاعات، ۷ آذر ۱۳۸۳، «بسیجی بودن یک ارزش محوری و پایدار است».

۶ . روزنامه جمهوری اسلامی، ۷ تیر ۱۳۷۷ ، «اردوهای بسیج محفل خودسازی جوانان و نوجوانان».

۷ . روزنامه قدس، ۳ آذر ۱۳۷۷ ، «سخنرانی مقام معظم رهبری در هفته بسیج».

۸ . سیمای مسجد، رحیم نوبهار، قم، اعتماد، ۱۳۷۳ .

۹ . صحیفهٔ نور، امام خمینی، تهران، مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۱۰ . مجله آزاد، ۲ آذر ۱۳۷۸ «بسیج فرهنگ بارز انقلاب اسلامی».

۱۱ . مجلهٔ جوان، ۲۴ شهریور ۱۳۸۳ ، «بسیج در نگاه آماری»، کیوان محمدی.

۱۲ . منیة المرید فی آداب المفید و المستفید، زین‌الدین بن علی عاملی (شهیدثانی)، ج دوم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۴ ق.

۱۳ . وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، چ ششم، اسلامیه، ۱۴۱۳ ق .

فصل سوم

نقش مسجد در توسعه و مدیریت شهر اسلامی

نقش مسجد در توسعهٔ فضایی و کالبدی محله‌ای

▣ دکتر خسرو کی‌منش

چکیده

مسئله نوشتار حاضر، تحلیل جایگاه و نقش مسجد به عنوان عامل مؤثر در تشکیل، تغییر شکل و رشد و توسعهٔ شهرهای مسلمان‌نشین، از حد محلات تاکل شهر و اثبات پیوند ساختاری مسجد با ساختار کلی شهر و محله ضمن دارا بودن ابعاد معنوی ـ مادی است. در این راستا، با درنظر گرفتن دیدگاه کل نگرانه‌ای نسبت به مساجد در ساختار شهرها و محلات، طراحی و معماری شهرها و محلات، همچون یک عنصر منفرد معماری نگریسته نمی‌شود، بلکه با توجه به نقش اعتقادی و تاریخی مسجد و تغییرات جامعهٔ سنتی به جامعه امروزی در عین حال، در قالب راه‌حل‌های شهرسازانه، درکلیت به توسعهٔ فضایی ـ کالبدی محلات است چراکه مسجد همواره جزء لاینفک شهر مسلمان‌نشین و بیش از آن، عنصر تشکیل دهنده و هدایت‌کننده تغییرات و توسعهٔ شهری بوده و حتی مبنای تمایز شهر از روستا به شمار می‌رفته است.

این مقاله، با در نظرگرفتن مسجد به عنوان هویت مشترک شهرهای اسلامی با ساختار و الگویی یگانه، به تأثیر مسجد بر رشد و توسعه بعد معنوی و فکری شهرها و محلات پیروی ساختار شهری از نظم خاص در احداث خانه‌های موجود در محلات به واسطهٔ از میان رفتن تضاد میان فضای درونی و بیرونی و به‌طورکلی نقش مسجد در ساخت اکولوژیک شهرها و محلات اسلامی و آرام‌سازی سیمای ساختاری محلات و بهینه‌سازی توسعهٔ شهری در راستای ایجاد

مناطق و محلات پویا و زندهٔ شهری و ساماندهی ساختار فضایی ـ کالبدی محله‌ای می‌پردازد. مطالعهٔ حاضر، پژوهشی توصیفی (Deseriptive) است که در آن علاوه بر مطالعهٔ اسناد و مدارک و منابع کتابخانه‌ای از شیوهٔ مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه بهره‌گیری شده است.

واژگان کلیدی: ساختار محله‌ای ـ توسعهٔ فضایی و کالبدی ـ ساخت اکولوژیک شهری.

مساجد هویت مشترک شهرهای اسلامی

در تمدن اسلامی، مساجد علاوه براین‌که عامل اصلی تشکیل شهرها بوده‌اند، تعیین‌کنندهٔ الگوی کلی و هویت مشترک شهرهای اسلامی به شمار می‌رفتند.

شهرهایی که به دست مسلمانان تغییر شکل یافتند یا احداث شدند، حیطهٔ وسیعی از اقیانوس اطلس تا شبه قارهٔ هند را در برگرفته‌اند و علی‌رغم تنوع اقلیم و فرهنگ‌های بومی، با ساختار و الگویی یگانه ظهور نموده‌اند که مساجد در این فرآیند نقش کلیدی را برعهده داشته‌اند. از آن لحظه که شهرها و محلات و مساجد یگانه می‌شوند، دین و دنیا دیگر دو مقولهٔ مجزا از یکدیگر نیستند. مساجد، شهرها و محلات، در راستای مشترک جهت دارند به نحوی که شهرها و محلات از آن جایی آغاز می‌گردند که مسجد پایان یافته است. برخلاف دیگر اماکن مذهبی نظیر کلیساها، در مساجد که حاصل کار معماران آگاه و عارف می‌باشند، تضاد میان فضای درونی و برونی اماکن از میان رفته است. به عبارت دیگر، میان مسجد و جامعهٔ اسلامی پیوندی پیوسته وجود دارد، چنان‌که صحن مساجد معمولاً دارای درها و دروازه‌هایی است که از دو یا سه طرف، ارتباط مردم محلات را با مراکز شهر و بازار تسهیل می‌نماید.[۱]

مساجد و ساخت اکولوژیک شهرها و محلات اسلامی

برای هر فرد مسلمان در هر نقطه‌ای از جهان که باشد، مسجد از مفهوم خاصی برخوردار است. هر فرد حداقل طی پنج نوبت در طول شبانه روز از محل سکونت خویش ذهن و روح خود را متوجه خدا ساخته و در صورت عدم حضور در مسجد جهت ادای فریضهٔ نماز هم راستا

---

۱. عرفان، محمدهادی، معماری مسجد: ص ۵.

با موقعیت جغرافیایی مسجد که در مسیر قبله تأسیس یافته است، قرار می‌گیرد. این فضای والا و متعالی، معرف نظامی از اصول، ارزش‌ها و معیارهای مقدس امام مشخص و دقیق است؛ ارزش‌های اصیلی که بر جامعه‌ای اسلامی حاکم بوده، فراتر از زمان و مکان جغرافیایی بوده و امت واحده را در اذهان تداعی می‌نماید. در صورت تقویت این مشترکات، همان بنیان مرصوص که قرآن بر آن تأکید می‌نماید به وجود می‌آید. وحدت استواری که بر معماری شهرها و محلات اسلامی اثر گذارده و مکانی امن و محیطی آمیخته با صلح و صفا و تفاهم را پدید می‌آورد. در این جاست که نقش کثرت در عین وحدت و وحدت در عین کثرت مساجد بر واحدهای مسکونی محلات تأثیر گذارده و کیفیت زندگی سالم را ارتقاء می‌بخشد. شهرهای اسلامی سنتی، براساس احساس دینی از زندگی، استقلال هر مؤمن، حرمت حریم خانواده‌ها و اهمیت خلوت گزینی شکل گرفته است. این طرز تلقی از زندگی کاملاً در ساخت اکولوژیک شهرهای اسلامی مؤثر بوده است که مرزهای پردوام محلات و خانه‌ها، بن‌بست بودن کوچه‌ها و محلات، انتخاب نوعی استقلال در واحدهای مسکونی و زندگی مشترک همهٔ مردم محله، نمونهٔ روشن آن است. چیزی که اخیراً در باغ شهرهای اروپای شمالی متداول گردیده است. شهر اسلامی بیش از آن که منزلگاهی برای قافله‌های عازم نواحی دوردست یا دژی برای حمایت از مؤمنان در برابر هجوم دشمنان باشد، مأمن شیوه‌ای از زندگی بود که در آن همگان در تصمیم‌گیری و اجرای امور به ویژه در سطح محله‌ای، مشارکت داشته و مساجد به عنوان میعادگاه چنین مشارکتها و تجمعاتی از اهمیت به سزایی برخوردار بودند.

دیدگاه کل نگرایانه نسبت به مساجد در ساختار شهرها و محلات

اصول معماری اسلامی ایران راکه رأس آن معماری اماکن مذهبی و مساجد قرار دارد را می‌توان به پنج اصل به شرح ذیل تقسیم نمود:

۱ـ مردم‌داری، به معنای داشتن مقیاس انسانی است، که می‌توان آن را در عناصر مختلف معماری اسلامی ایران مشاهده نمود.

به طور مثال، اگر سه دری راکه همان اتاق خواب است در نظر بگیریم، اندازهٔ آن

برحسب نیازهای مختلف یک زن، مرد و کودک یا کودکان آنان در نظر گرفته شده است.

۲ ـ نیارش که به مجموعه چیزهایی که بنا را نگاه می‌دارد، اطلاق می‌گردد. نیارش شامل استاتیک بنا، علم ساختمان یا فن ساختمان و مصالح‌شناسی در آن است.

۳ ـ خود بسندگی بدین معناست که سازندگان بنا سعی می‌کنند تا مصالح مورد نیاز را از نزدیک‌ترین مکان‌ها و با ارزان‌ترین بها بدست آورند.

۴ ـ دون‌گرایی، در ساخت یک بنا و نحوهٔ ارتباط آن با فضای خارجی لحاظ می‌گردد. بدین معنا که بنا به‌گونه‌ای ساخته می‌شود که همهٔ فضای درونی آن با هم ارتباط مستقیم پیدا می‌کند. به دلیل موقعیت و وضعیت خاص بسیاری از مناطق ایران یعنی خشکی، بادهای مختلف، شن‌های روان و... بناهای درون‌گرا رایج شده است.[۱]

در یک نگاه به معماری ایران، می‌توان گفت که ایران در هنر، معماری و ادبیات خود، مجذوب پرهیز و پروا از سنگینی است و همین امر، بهتر از هر چیز دیگری معرف ویژگی آن است. در این جاست که معمار ایرانی با پیروی از اصول معماری اسلامی و به ویژه معماری مساجد، در جستجوی زیبایی فکر و بیان و بیش از آن، احساس راحتی و سبکی در احداث خانه‌ها در ساختارهای محله‌ای است.[۲]

پیوند ساختاری مساجد با ساختار کلی شهرها و محلات

در شهرهای اسلامی، معماری مساجد، معماری مرکزی شهرها و محلات است. هنگامی که معماری کوفه به علی علیه‌السلام سپرده شد حضرت ابتدا مسجد کوفه را بنا ساختند. براساس سنت اسلامی پس از مسجد، مدرسه و سپس بازار را احداث می‌کردند.

در تمدن‌های اسلامی، براساس سنن اسلامی سعی شده است تا هنگامی که تقسیم وظایف و گستردگی امور سبب شده تا ساختمان‌های مجزایی به وجود بیایند، حداقل با فضاسازی مشابه معماری مسجد، فضای معنوی مسجد به آن مراکز انتقال داده شود.

---

۱. پیرنیا، معماری اسلامی ایران: ص ۹۱.

۲. آثار ایران: ج ۳ ـ ص ۳۷ ـ ۳۶.

در تمامی شهرهای سنتی چه در ایران و چه درکشورهای عربستان، مصر، سوریه و حتی شمال آفریقا و هند شاهد آن هستیم که در شهر و محله‌ای با هویت اسلامی، پس از مساجد که نماد مرکزی هر شهر یا محله‌ای هستند، خانه‌ها با همان قوس‌ها و مقرنس‌های معماری مساجد به وجود آمده و همان فضای مساجد را تداعی می‌کنند. در بنای بسیاری از مساجد، هنرهای گوناگونی با هم درآمیخته و زیربنایی خاص به معماری آنها داده است. معماری در توازن اجزاء کوشیده، نقاشی به الوان کاشی‌ها و نقوش توجه کرده، و خوشنویسی الواح وکتیبه‌ها را جلوه و جلا بخشیده است. علاوه بر شعر، موعظه‌ها و موسیقی نیز برای آنکه از دیگر هنرها باز نماند، در صدای مؤذن، بانگ قاری و واعظ مجال جلوه‌گری یافته است. حتی صنایع دستی نیز برای تکمیل و تزیین این مجموعهٔ الهی به میدان آمده‌اند؛ از این رو اثرگذاری معماری مساجد بر معماری محلات و خانه‌های موجود در آن، از منظر زیبایی شناسانه مسئلهٔ قابل توجهی است؛ چراکه زیبایی محیط بر روان انسان تأثیر مطلوب گذارده، تجربهٔ فضایی محله را تسهیل نموده و در تقویت روابط عاطفی متقابل مؤثر است. وجود تنوع و یا تسهیل ارتباطات اجتماعی میان شخص و گروه در یک محله نیز در زمرهٔ ارزش‌های زیبایی شناختی هستند. از این رو، یکی از اهداف کلان طراحی و برنامه‌ریزی شهری است. می‌بایست حفظ وکثرت زیبایی محیط شهری باشد، ایجاد فضای دلپذیر و آرامش‌بخش در شهر وابسته به عناصر گوناگونی است. رنگ و نور از جملهٔ مهم‌ترین عناصری هستند که الگوی معماری و طبیعت ساختاری مساجد در بسیاری از موارد، بهترین الگو برای ترکیب رنگهاست؛ اما در شهرهای مدرن و امروزی عناصر طبیعی حضور کمتری داشته و بناهای محلات پیوسته به خاکستری و سیاه نزدیک‌تر می‌شوند.

مساجد و تغییر شکل و رشد شهرهای مسلمان‌نشین

عده‌ای از محققین براین باورند که دین اسلام به واسطهٔ نظام ارزشی خود، الگوهای رفتاری، نقش سازمان‌های اجتماعی و مردمی نظیر مساجد در محل سکونت مسلمانان و مورفولوژی سکونت‌گاه‌های انسانی را تعیین نموده است. برای این عده، شهرهای اسلامی حاصل اعتقادات اسلامی است و تنها با درک اصول و قوانین اسلامی است که می‌توان با اکولوژی شهرهای

اسلامی آشنا شد. در عوض، برخی محققین نیز به جای استفاده از عنوان شهرهای اسلامی، به مفاهیم حاصل از اسلام در شهرها معتقد می‌باشند. از اوایل دهۀ ۱۹۶۰، اعتراض به بازنگری نسبت به تکنولوژی مهار نشده و اثرات آن در محیط زیست، به ویژه انطباق نوع تکنولوژی بر محیط زیست و بازنگری به تکنولوژی پیشرفته و نتایج حاصل از تخریب محیط زیست، کاملاً با اصول و معتقدات اسلامی پیوند می‌خورد. جهان و تعادل‌های فوق‌العاده حساس محیط زیست که آفریدگار جهان آن را سامان داده است، امروزه در غرب به عنوان نظام اکولوژیک، بحث‌هایی را موجب گردیده است. انسان با نظام اکولوژیکی نمی‌تواند معامله کند. نمی‌تواند در آن مداخله نماید، آن را تضعیف نموده و در نهایت به تعادل‌های اکولوژیکی آسیب رساند. این طرز تفکر اکولوژیکی، کاملاً با نظام جهان و تعادل‌های حساس محیطی منطبق است. بی‌جهت نیست که در اعتقادات اسلامی بر تکنولوژی میانی و شایستۀ محیط زیست تأکید شده و سعادت انسان را در آن می‌یابد که در یک محیط هماهنگ با محیط طبیعی و یکدلی با آفریدگار این نظام اکولوژیک زندگی کند. چنین است که در اعتقادات اسلامی، انسان مسئول حفظ و نگهداری تعادل‌های محیطی است. در گذشته که اصول و اعتقادات اسلامی، محیط زیست شهری و معماری شهرها و محلات را تعادل و توازن می‌بخشید، ناشی از این طرز تفکر اسلامی بود. ناحیه‌گرایی در شهرهای اسلامی، ساخت اکولوژیک شهرها و محلات و محیط زیست شهری را آسیب‌پذیر ساخته و وصله‌های ناجوری به عنوان شهرک‌های جدید با محلات جدید را پدید آورده است که تعادل‌های محیطی را بر هم زده‌اند. معماری اسلامی که نماد اصلی آن بنای مساجد است، با خلق یک اثر به صورت میدان، محله، ساختمان، آن را به عنوان یک تولید فیزیکی که می‌تواند خادم نسل‌های بسیاری باشد به وجود آورده و در ساخت آن روح و فرهنگ مردم و شیوۀ زندگی آنان را دخالت می‌دهد.

مساجد و بهینه‌سازی توسعۀ شهری و محله‌ای

نقش مساجد در بهبود و بهینه‌سازی توسعۀ شهری و محله‌ای در راستای ایجاد منطقه یا محلۀ فعال و زندۀ شهری از لحاظ کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جهت تأمین مطلوب نیازها

و خواسته‌های شهروندان به ویژه حفظ هویت و احیای فضاها و ابنیهٔ قدیمی و تاریخی ارزشمند از یک سو و ارتقای توان تولیدی شهر یا محله و استفادهٔ بهینه و به هنگام از زمین و تولید اراضی شهری مناسب جهت توسعهٔ شهری و محله‌ای سازمان یافته و اصولی با تعیین کاربری‌ها و عملکردهای مطلوب از سوی دیگر، یا به عبارت کلی‌تر سازمان دهی ساختار فضایی ـ کالبدی محله‌ای و استفادهٔ بهینه و به هنگام از پتانسیل‌ها و قابلیت‌های بالقوهٔ محله‌ای و ایجاد تعادل میان کالبد قدیم و جدید شهری از اهمیت به سزایی برخوردار است.

مساجد و رشد بعد معنوی و فکری شهرها و محلات

در نگاهی کلی، اماکن مقدس و مذهبی به منزلهٔ تکرارکار نمونهٔ خدایان در ادیان و آیین‌های مختلف است. به معنای دیگر هر مکان یا شیء که مورد تقدیس قرار می‌گیرد، سمبل و نماد تجلی نیروهای غیبی و الهی یا اولیاء الهی می‌گردد. همانندی معابد و اماکن مذهبی به کوه‌های کیهانی از این اعتقاد نشأت می‌گیرد که کوه مرکز جهان است. آنجا که کوه، زمین و آسمان را به هم پیوند می‌زند، به یک معنا آسمان را لمس می‌کند، فرازترین نقطهٔ جهان را مشخص می‌سازد. کوه می‌تواند نمادی برای اتصال به مبدأ و جهان ماوراء الطبیعه باشد. در شکل ظاهری بسیاری از معابد و اماکن مذهبی معمولاً به عنوان نماد پیوند میان آسمان و زمین مورد توجه بوده است. در تمدن‌های بزرگ شرقی ـ از بین النهرین و مصر تا چین و هند و در تمدن‌های اسلامی، معابد و اماکن مذهبی، ارزش مهمی داشته‌اند. معابد و اماکن مذهبی منحصراً تصور جهان نبوده، بلکه به نمایش دوبارهٔ دنیای نمونهٔ خارج از جهان مادی نیز تعبیه شده‌اند.

میرچا الیاده براین باور است که جهان به عنوان کیهان به همان اندازه که خود را به‌عنوان یک جهان مقدس آشکار می‌سازد، درک‌پذیر می‌شود.[۱]

از این‌رو انسان معتقد به مذهب و دین، هرگونه تصمیمی که برای استقرار در مکانی می‌گیرد، این تصمیم گویای این باور مذهبی است که کیهان کوچکی همانند ساختن آن با جهان برین که متعلق به ارواح قدسی و فرشتگان است، تقدیس نموده و غم غربت خود را کاهش

---

۱ . الیاده، میرچا ـ مقدس و نامقدس (نصرالله زنگویی: ص ۴۷) .

می‌دهد. آرزوی او این است که با قدسیان و خدای خود پیوند داشته باشد. از این‌رو معابد و مراکز مذهبی را تجلی این پیوند می‌داند. و شهرها و محلات اسلامی، مساجد و فضاهای وابسته به‌آن همراه دیگر مراکز زیارتی و آموزشی، بعد معنوی و فکری شهرها را به وجود می‌آورند. در شهرهای اسلامی، محلات مسکونی، بازارها و سایر مراکز اقتصادی و اجتماعی با پیروی از نظم خاصی حول محور مساجد قرارگرفته‌اند. در واقع مسجد همچون چشمه‌ای با صفا جویبارهای معنوی خود را به سوی محلات و اماکن جاری ساخته و نوعی فرهنگ پویای دینی را تبلیغ می‌نماید.[۱]

فضاهای شهری، خانه‌ها، محلات و معابد از ارزش‌هایی تأثیر پذیرفته‌اند که در مسجد بر آن‌ها تأکید شده است. خانهٔ شخصی، فضای داخلی بسته‌ای است که ضمن تأمین آرامش و امنیت خانواده، اندرونی اعضای آن به شمار می‌آید. پنجره‌ها کمتر به خانه‌های مجاور و کوچه‌ها اشراف دارند. البته پنجره‌ها چنان مشبک تهیه گردیده‌اند که افراد داخل منزل بتوانند فضای اطراف و مناظر محله‌ای را نظاره‌گر باشند بدون این که خودشان دیده شوند. کوچه ادامهٔ خانه است و به عنوان دالان تلقی می‌گردد، تا آن که معبری برای داد و ستد، گردش و وقت گذرانی باشد. شهرهای اسلامی کهن، هیچ چیز در نخستین وهله میزان تمکن و دارایی ساکن خانه را مشخص نمی‌نماید؛ چراکه پیوستگی و تداخل پیچیده‌ای میان مسکن فقرا و اغنیا وجود دارد. آن‌چه که محلات زیبا را از خانه‌های ساده‌تر تفکیک می‌کند، وجود مجموعه‌های ساده، متوالی و متحدالشکل است در صورتی که در نوگرایی جدید، منطقه‌بندی و تقسیم‌بندی جدید شهری کاملاً قابل تشخیص بوده و شکاف طبقاتی راکاملاً ترسیم می‌نماید. در شهر اسلامی هر چند از اماکن مذهبی نظیر مساجد، فاصله‌گرفته می‌شود، دایره‌گسترده‌تر شده و از فشردگی آن‌کاسته می‌شود.

وجود مساجد در محلات و شهرهای اسلامی در مجموع، ناپایداری و فناپذیری و موقت بودن امور مادی را ترویج نموده و بر ارزش‌های معنوی تأکید دارد.[۲]

---

۱. بمات، شهر اسلامی: ص ۱۱.

۲. بمات، شهر اسلامی: ص ۱۱۶.

مساجد در شهرها و محلات اسلامی، به شکلی در محیط کالبدی اطراف خود جایگزین شده‌اند که بیش از هر چیز، تلفیق حجم هماهنگی محیط و تداوم فضایی را برای شهروندان جلوه‌گر می‌سازد. مساجد هیچ‌گاه از یک ورودی برخوردار نیستند، در حالی‌که غالباً می‌توان ورودی اصلی آن‌ها را تشخیص داد. در توجیه این نکته باید یادآور شد که راه‌یابی به مسجد و دسترسی مستقیم به آن از شاخه‌های گوناگون فضای مسکونی مسجد، مطلبی است گواه بر وجود تداوم زندگی متشکل و صمیمانه که سکونت و کار را به عبادت پیوند زده است.[۱]

در شهرها و محلات ایران، مساجد به همراه زیارتگاه‌ها و تکایا، چنان در چشم‌اندازهای فرهنگی مؤثر واقع می‌شوند که در غالب آنها تنها ساختمان‌های مرتفع شهری، این اماکن هستند. همچنین در بافت شهری و محله‌ای، نقش مسجد آن قدر تعیین‌کننده و حساس است که گاهی مسیر اصلی خیابان را از ادامه و تعریض باز می‌دارد، به پاره‌ای از مشاغل اجازه فعالیت نمی‌دهد و در عین حال برخی حرفه‌ها را به شدت جذب می‌کند.[۲]

شهر یا محله‌ای که با محوری مقدس احداث گردیده و سازندگان آن پی‌گیر تحقق معماری مذهبی بوده‌اند، جامعه‌ای را به یاد می‌آورد که باید منسجم، صمیمی و متحد باشد. در این صورت تمامی ساختار شهر یا محله، یک خانه را تشکیل می‌دهد. از این جهت برای نشان دادن جامعهٔ شهری (بیت الاسلام) مطرح گردیده و در حقیقت بعد انسانی و معنوی بر فضاهای فیزیکی و کالبدی تفوق می‌یابد.[۳]

در محلات سنتی، در پرتو مشترکات درونی و هماهنگی افراد در برگزاری آیین‌های مذهبی و فرهنگی که غالباً در مساجد محل برپا می‌گردد، افراد نوعی پیوند عاطفی میان یکدیگر در خود احساس می‌کنند. بزرگ و ریش سفید محل که معمولاً انسان متدین، سالخورده و دارای شهرت اجتماعی بالا و منزلت والاست، در جهت اتحاد و ایجاد تفاهم میان اهل محل می‌کوشد و از نزاع‌ها و کدورت‌ها تا حد امکان جلوگیری می‌کند. ساکنین محل به احترام وی، رفتار خویش را اصلاح و کنترل می‌نمایند و می‌کوشند تا هنجارهای مذهبی و سنتی را حفظ کنند.

---

۱. فلامکی، باز زنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی: ص ۵۸.
۲. شکویی، جغرافیای شهری: ج ۲، ص ۴۰۵.
۳. بمات، شهر اسلامی: ص ۸۸.

همبستگی مذهبی و پیوندهایی که در مسجد محله استحکام و استمرار می‌یابد، مرزبندی‌های اقتصادی و طبقاتی را به تحلیل برده و گروه‌های غنی در کنار اقشار کم درآمد، در نهایت صلح و صفا زندگی می‌کنند. فضاهای مسکونی نیز در قرارگرفتن کنار یکدیگر این انسجام و معیارهای ارزشی را رعایت نموده‌اند، زیرا کوشیده‌اند در ساختن خانه، همسایه‌های خویش را از نور و نسیم هوا و فضای باز محروم نساخته و زمینه‌های نگاه توأم باگناه را در ساخت و سازها فراهم ننمایند. ورودی خانه‌ها و پوشش روی پلکانی که به بام منتهی می‌گردد، از محراب مساجد و آجرکاری ایوان‌های اماکن مذهبی الهام گرفته‌اند. کمتر خانه‌ای را می‌توان مشاهده کرد که از خانه‌های مجاور ارتفاع بگیرد. در این چنین محله‌هایی، میزان جرایم، بزه‌کاری و کج روی‌های اجتماعی ناچیز و قابل اغماض است. احساس تعلق مردم به فضاهای با ارزش مذهبی، از مشکلات و تنش‌های روانی آنان می‌کاهد و روح امید و آرامش را در ساکنین آنها تقویت می‌نماید.[۱]

در سیمای شهرها و محلات جدید، اعم از ایران و دیگر کشورهای اسلامی معماران و برنامه‌ریزان شهری از تأثیرات سرنوشت ساز و تعیین کنندهٔ زلال فرهنگ قرآنی و سنت‌های دینی و بومی مساجد بیگانه گشته‌اند و بیش از آن که مبلغ مفاخر و سبک‌های هنر و معماری اسلامی باشند، جلوه‌های غربی و مادی‌گرایی و گرایش‌های اقتصادی را در ساخت شهرها و محلات مدنظر قرار داده‌اند که ارمغان آن، پیدایش ناهنجاری‌های اجتماعی ـ فرهنگی، فساد و ابتذال، نابسامانی‌های خانوادگی و جلوگیری از روند آرام‌سازی سیمای ساختاری محلات می‌باشد.

مساجد و آرام‌سازی سیمای ساختاری محلات

قرارگرفتن عمدهٔ مساجد محلی در مسیرهای دسترسی و برخورداری این مراکز از خدمات جانبی نظیر پارکینگ اتومبیل و خیابان‌های عریض جهت فراهم آوردن امکان تخلیهٔ ترافیک در معابر جانبی و برخورداری این مراکز از اماکن سرویس دهی هم زمان به کلیهٔ مراجعه کنندگان،

---

۱. کوثری، مشارکت فرهنگی: ص ۱۹۴.

علاوه براینکه برای ساکنین محلات مشکلاتی را ایجاد نمی‌نماید بلکه چنین طراحی شهری از مساجد، به تناسب توسعهٔ فضایی باکارکردهای محله‌ای و آرام‌سازی سیمای ساختاری محلات منتهی می‌گردد.

مساجد و ساختار منظم خانه‌های مستقر در محلات

در بررسی‌های به عمل آمده از قدیمی‌ترین مساجد ایران، این‌گونه به‌نظر می‌رسد که مرکزیت و محوریت مناطق مسکونی با مساجد بوده و در مکان‌یابی مساجد سعی گردیده که این اماکن جهت کلی شهر و ساختمان‌های مسکونی را مشخص نمایند.

در بررسی بافت قدیمی اکثر شهرهای ایران، جهت جغرافیایی تمامی ساختمان‌ها خصوصاً ساختمان‌های مسکونی هم جهت با مسجد و هم مسیر قبله بوده و عموماً مساجد دارای درب‌های مختلف در سه امتداد غیر قبله می‌باشند؛ به صورتی که دسترسی به این مراکز در هر مسیری امکان‌پذیر باشد. مهمترین نقش مساجد در توسعهٔ فضایی و ساختاری محلات شهری در این است که چون مساجد اغلب به عنوان مراکز عمومی فرهنگی ـ مذهبی به شکل یک مجتمع برخوردار از کلیهٔ امکانات فرهنگی اعم از سالن مطالعه، کتابخانه، سالن اجتماعات و صحن و رواق طراحی گردیده‌اند، از این‌رو، امکان انجام هرگونه فعالیتی در این مراکز در جهت اشاعهٔ فرهنگ دینی و رفاه حال افراد ساکن در محلات شهری فراهم می‌باشد که این خود به طراحی محیط سازمان‌دهی شده باکارکردهای متعدد در نظام محله‌ای منتهی می‌گردد.

آسیب‌شناسی ساخت مساجد در شهرها و محلات

در حال حاضر از نظر جغرافیایی و فیزیکی، ساخت مساجد، در کوچه و پس کوچه‌ها و مناطق کاملاً دور افتاده واقع شده و در مسیر زندگی عادی افراد ساکن در محلات قرار نمی‌گیرد. از نظر محتوایی نیز مسجد باید محور بسیاری از فعالیت‌ها قرارگیرد. درگذشته به این صورت بوده و مداس علمی و حوزه‌های علمیه درکنار مساجد و در صحن و حیاط مساجد ساخته می‌شدند. بسیاری از مراکز درمانی و آموزشی با مساجد درکنار مساجد بودند؛ به نحوی که اگر

به عقب بازگشته و معماری اصیل برگرفته از آموزه‌های دینی خود را بررسی نماییم، خواهیم دید که مساجد به واقع محور اصلی معماری شهری و محله‌ای بوده و در حقیقت معماری ما، معماری مسجد محور بوده است. کلیدی‌ترین ساختمان‌ها پیرامون مساجد ساخته شده و محل ساخت مساجد در یکی از بهترین نقاط آبادی، شهر و محلات تعیین می‌گردید. به‌طور کلی می‌توان گفت که در گذشته محوریت به تمام معنای معماری ما با مساجد بوده است و این در حالیست که در حال حاضر فهم این مطلب کمی دشوار شده و عادت کرده‌ایم که مساجد را مستقل و جدا از بافت شهری و بدون در نظر گرفتن تأثیرگذاری معماری آن بر بافت شهری و محله‌ای تعریف نماییم.

منابع و مأخذ

۱ ـ عرفان، محمد هادی، معماری مسجد، ص ۵ .
۲ ـ پیرنیا، معماری اسلامی ایران، ص ۹۱ .
۳ ـ آثار ایران، ج ۳ ، ص ۳۷ ـ ۳۶ .
۴ ـ الیاده، میرچا ـ مقدس و نامقدس (نصرا... زنگویی، ص ۴۷).
۵ ـ بمات، شهر اسلامی، ص ۱۱ ، ۱۱۶ ، ۸۸ .
۶ ـ فلامکی، باز زنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، ص ۵۸ .
۷ ـ شکویی، جغرافیای شهری، ج ۲ ، ص ۴۰۵ .
۸ ـ کوثری، مشارکت فرهنگی، ص ۱۹۴ .

نقش مسجد در مدیریت توسعهٔ محله‌ای

▣ دکتر سعید اسدی

چکیده

در مطالعهٔ حاضر، مسئلهٔ اصلی، تحلیل نقش مسجد به عنوان گسترده‌ترین شبکه فراگیر اجتماعی و نقش آفرینی آن در مدیریت ارتباطات اجتماعی و تأثیر آن در توسعه شهری به ویژه محله‌ای با ظرفیت و پتانسیل بالا است.

جایگاه مسجد در ورود به مدنیت صحیح و توسعهٔ آن و حل مشکلات موجود شهری و محله‌ای ـ منتج از شهر نشینی و نوگرایی، در جهت برخورداری از جوامع سالم به‌ویژه در سطح محله‌ای، مسئولیت این نهاد در اجرای عدالت اجتماعی به واسطهٔ مدیریت در توزیع متناسب بیت‌المال و از میان بردن فقر و تبعیض میان افراد سطوح مختلف جامعه، نقش مسجد در انعکاس نقطه نظرات و پیشنهادات مردم شهرها و محلات به مسئولین و تأثیرگذاری بر روند تصمیم‌گیری و مدیریت خرد کشور متناسب با نظرات و خواسته‌های مردم و مطرح بودن جایگاه آن به‌عنوان نقطه عطف مدیریت در توسعهٔ مودت، انس و اخوت امت اسلامی و تأثیر آن در غنای مدیریت و استاندارد سازی زندگی انسان در جنبه‌های فردی و اجتماعی است. در مقایسه با سایر شاخص‌های مدیریتی که عمدتاً از زاویه و چشم‌انداز خاص مدیریت فرهنگی، آموزشی و... را مدنظر قرار می‌دهند، امروزه نقش مدیریتی مساجد که با تمامی قلمروهای پیچیده انسانی اعم از آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... سر و کار دارند از اهمیت به‌سزایی

برخوردار گردیده و بر اهمیت نقش بارز مدیریتی مساجد به عنوان مجالس شورای اسلامی و مراکز دخالت و مشارکت مسلمانان در شیوهٔ اداره حکومت همان‌گونه که پیامبر اکرم بدان تأکید داشت، بیش از پیش افزوده است. هدف مقالهٔ حاضر، معطوف داشتن توجه به نقش مسجد در افزایش فشردگی کالبدی در توسعه شهری از نظام مدیریت شهر محور به مدیریت محله محور و ایجاد تهران پایدار به واسطه بهره‌گیری از وجود مساجد و اماکن مذهبی در مراکز محله است. مقالهٔ حاضر به سامان دادن مدل‌های ذهنی و ساختار ذهنیت مدیران شهری از طریق برقراری ارتباط با نهادها و تشکل‌های مردمی نظیر مسجد و کانون‌های فرهنگی مستقر در آن و گسترش کمی و کیفی تفکر نظام‌گرا و فراهم آوردن رفتار توسعه یافته در تمامی دست‌اندرکاران اداره شهر و محلات تهران، می‌پردازد. مطالعهٔ حاضر، پژوهشی توصیفی (Descriptive) است که در آن علاوه بر مطالعهٔ اسناد و مدارک و منابع کتابخانه‌ای، از شیوهٔ مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه بهره‌گیری شده است.

واژگان کلیدی: توسعهٔ شهری ـ مدیریت خرد ـ مدیریت محله‌ای ـ تشکل‌های مردمی ـ تفکر نظام‌گرا.

نقش مدیریت در زندگی اجتماعی

صاحب‌نظران علم سازمان و مدیریت بر این اعتقادند که جوامع امروزه بشری، همراه با گسترش روابط اجتماعی، توسعه صنایع و دگرگونی ارتباطات، اختراع وسایل جدید زندگی و تجمل‌گرایی و رفاه‌زدگی بشر به همراه شاخص‌های دیگر که برای تأمین نیازمندی‌های روزافزون اجتماع پا به عرصه وجود نهاده‌اند، مسایل مدیریتی و تئوری‌های جدیدی را مطرح نموده است که حل و فصل آنها نیاز به دید علمی و جامع مدیریتی دارد.

با توجه به کمبود منابع مادی و انسانی و توسعهٔ روزافزون سازمانی در جهت تولید و توزیع کالا و خدمات به اقتضای پیشرفت‌های تکنولوژیک و تکامل و تحول ارزش‌های فرهنگی و مذهبی ضرورت رفتار عقلایی و خردگرایی سازمانی را مشهود می‌سازد.

ماکس و برخردگرایی را متضمن طرح‌ریزی و ایجاد یک سیستم اداری از طریق تقسیم

کار و هماهنگ کردن فعالیت‌ها براساس بررسی منظم روابط یک فرد با افراد دیگر به‌منظور بدست آوردن بهره وری بیشتر می‌داند.[۱]

با مشاهده سیر تکاملی جوامع بشری پی می‌بریم که ادامه زندگی انسان بدون وجود سازمان و تشکیلات اجتماعی امکان‌پذیر نمی‌باشد، زیرا در آن روزی که انسان پا به عرصه وجود نهاد و زندگی خویش را آغاز کرد، بطور فطری نخستین واحد سازمانی را به نام (خانواده) تشکیل داد.[۲]

از دیگر نهادها و سازمان‌های اجتماعی که عمری بس طولانی داشته و احتمالاً از نظر قدمت چندان فاصله‌ای با سازمان خانواده نداشته باشد (سازمان حکومت) یا (سازمان مدیریت) است چرا که بشر در آغاز احساس کرد که نیاز به تشکیلاتی دارد که در قالب آن وظایف و مسئولیت‌ها را مشخص نماید. امروزه که زندگی و آگاهی‌های علمی بشر توسعه یافته و نیازهای گوناگون انسانی، سازمان‌های متنوعی را می‌طلبد به اهمیت سازمان افزوده شده است تا جایی‌که دنیای پیشرفته، انواع و اقسام سازمان‌ها را برای اداره امور زندگی خود به وجود آورده است. سازمان‌های تربیتی و پرورشی، سازمان‌های اخلاقی و انسانی و... که هر یک از آنها با طبایع مخصوص به خود انجام وظیفه می‌نمایند. با توجه به اهمیت، تعاریف و شاخص‌های سازمان از نظر صاحب‌نظران علم مدیریت و با نگاهی به فرهنگ اسلامی که فرهنگ نظم است با سازماندهی و سازمان با دیدی عمیق نگریسته می‌شود.

تقسیم کار، حدود وظایف، جلوگیری از تداخل امور، دامنهٔ اختیار و آزادی در محدودهٔ مسئولیت، همه از جملهٔ مسایلی هستند که جهت نیل به سعادت و سیادت و توسعه در نظام اسلامی از ضروریات زندگی اجتماعی به‌شمار می‌روند. امروزه آمار و سنجش‌های آماری، نقش مهمی در برنامه‌ریزی‌ها و مدیریت عرصه‌های مختلف بازی می‌کنند. چگونگی و ساختار برنامه‌ها را آمار مشخص می‌کند از این‌رو به دلیل گره خوردن این دو مقوله و ارتباط مستقیمی که با هم دارند آنها را در کنار هم درنظر گرفته‌اند. در مباحث جامعه‌شناسی گفته می‌شود

---

۱. اقتداری، سازمان و مدیریت: ص ۲.

۲. بروس کوئن، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمهٔ محسن ثلاثی، تهران: نشر فرهنگ معاصر، ۷۴۰، ص ۱۲۷.

که هرچه آمار دقیق‌تر و مشخص‌تر باشد، از عملکرد دقیق‌تر و مشخص‌تری در برنامه‌ها به‌ویژه برنامه‌های مدیریتی برخوردار خواهیم بود. بررسی نسبت جمعیت منطقه یا محله و خدمات رفاهی و اجتماعی آن، داشتن درک درست از سرانهٔ مصرفی مردم هر محله و تدوین آمار کسبه و سکنه هر محل و یا آمار مساجد و کانون‌های فرهنگی محله‌ای و نسبت آن با جمعیت و سکنهٔ هر محله دقیقاً همان نقشی را در برنامه ریزی و مدیریت شهری و به ویژه محله‌ای ایفا می‌نماید که عقربه‌های ساعت در مشخص کردن زمان.

به‌طور کلی می‌توان گفت که مبنای برنامه‌ریزی و مدیریت در امور محله‌ای و منطقه‌ای باید در قالب برنامه‌ریزی بر مبنای آمار صورت گیرد. با درک هرچه بیشتر تبعات آمار محلی به عنوان مثال دانستن آمار درستی از میزان مصرف افراد در هر محله، بی شک امر برنامه‌ریزی و مدیریت برای جهت‌دهی به مصرف و عرضهٔ خدمات نیز روشن‌تر می‌گردد. به عنوان مثال با در دست داشتن آمار نمازگزاران هر مسجد در محله‌های مختلف، با توجه به نسبت جمعیت ساکن در هر محله، می‌توان درک درستی از شرایط مذهبی و فرهنگی آن محل و میزان موفقیت مساجد در مدیریت محله‌ای به دست آورد.

مدیریت در سطح کلان شهری

در جهان امروز، شهرها ابعاد پیچیده‌ای یافته و گویی که هزاران سال تلاش و تکاپوی انسان در ابعاد فرهنگی، هنری، دینی، اجتماعی، اقتصادی و... هستند. شهرها همچون یک نظام، با موجودیت خود به عنوان تنظیم کننده گان روابط عینی اجتماعی شهروندان و اثرگذار بر زمینه‌های باورها، اندیشه و رفتار آنان عهده‌دار نقش متفاوتی نسبت به گذشته هستند. طی دهه‌های اخیر حساسیت این موضوع بسیار فراتر از گذشته به چشم می‌خورد. چه اینکه شهرها تجسم عینی ایده آل‌ها، آرزوها، نگرش‌ها و مناسبات اجرایی یک جامعه شده و چه بسا مؤثرتر از نظام‌های آموزشی و اطلاعاتی کل کشور، به صورتی عمیق و نامحسوس، تار و پود وجودی شهروندان را می‌سازند. اتکای مردم به نظام مدیریت شهری ابعاد فزاینده‌ای یافته است، به گونه‌ای که ابتدیی‌ترین نیازهای آنان بدون پشتیبانی مدیریت شهری برآورده نمی‌گردد.

از این‌روست که در دنیای امروز، شهرداران در ردیف مدیران اصلی اداره‌کننده حکومت ما محسوب می‌گردند. کلان شهر تهران در کشور ما ابعاد بسیار پیچیده و مسایل بسیار گسترده‌ای را یافته است. این شهر مرکز و کانون فعالیت‌های گوناگون در جامعه ایران گردیده است. تهران به عنوان مرکز حکومت، اقتضای ساماندهی سیاسی و مدیریتی جامعه را در وسیع‌ترین شکل ممکن یافته است، به‌گونه‌ای که بخش عظیمی از دستگاه‌های اندیشه‌ساز، پردازش‌گر اطلاعات و تصمیم ساز و کلیهٔ نهادهای تصمیم‌گیر در این شهر استقرار یافته‌اند.

تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در گرو فضای متعادل و آرامی است که اجازه شکوفایی فهم و تعقل را بدهد. بیش از پیش به نظر می‌رسد که تهران از آرامش برخوردار نبوده و مرکز اصلی اداره‌کننده کشور از توازن و بالنده‌سازی کارشناسان و مدیران جامعه دور می‌شود. کلان شهر تهران در درون خود بسیاری از چیزها را جا داده است که در یک کلام نظام تکاملی (ناهنجار) به نظر می‌آیند. حل مسایل این شهر صرفاً به اتکای داده‌ها، اطلاعات و دانش کلاسیک امکان‌پذیر نبوده و ضرورت ساماندهی فهم و تعقل صاحب‌نظران و نخبگان فکری جامعه و شهروندان این شهر را طلب می‌کند. کلان شهر تهران را به عنوان یک (شهر پایدار) می‌باید نگریست. شهر پایدار در نظام جمهوری اسلامی ابعاد متعادل و ظریف‌تری می‌یابد و نظام مدیریت شهری عهده‌دار فراهم آوردن شرایطی می‌گردد که در چارچوب آن شهروندان از آرامش روحی برای توسعهٔ نیایش و آسایش ذهنی جهت گسترش اندیشه و سلامت جسمی برای تلاش و فعالیت اجتماعی جهت نیل به توسعهٔ شهری ـ محله‌ای برخوردار گردند. بدین ترتیب نقطهٔ آغازین مدیریت شهری در تهران، به اجرای طرح جامع ۲۵ ساله و ارایهٔ خدمات شهری محدود نگردیده بلکه نیازمند فلسفه مدیریتی است که در جهت اعتلای اهداف برشمرده، در تعامل گسترده با شهروندان به نتیجه برسد چرا که بر این اعتقاد راسخ هستیم که اکثریت شهرها، تولید و مصرف را متمرکز ساخته و الگوهای ناسازگار با طبیعت را اشاعه داده‌اند، اما همین شهرها در محیط تمدن‌ساز خود، بزرگترین نوآوری و فرصت‌های تحول را با جمع‌آوری و تضارب افکار، منابع و دانش بشری فراهم آورده‌اند. سامان یافتن مدیریت کلان شهر تهران در گرو اقدامات گسترده، پیوسته و همه جانبه‌ای است که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱ ـ افزایش فشردگی کالبدی در توسعهٔ شهری به جهت معطوف داشتن توجه بر توسعهٔ محله‌ای.

۲ ـ حفاظت و احیای مراکز باستانی و مساجد مستقر در محلات مختلف شهری.

۳ ـ اصلاح نظام اداری شهری و تغییر نظام شهر محور به نظام محله محور.

۴ ـ سامان دادن مدل‌های ذهنی یا ساختار ذهنیت مدیران از طریق برقراری ارتباط با نهادهای مدنی و تشکل‌های مردمی نظیر مساجد در راستای نهادینه سازی تحول و بالندگی در اداره شهر تهران.

۵ ـ گسترش کمی و کیفی تفکر نظام‌گرا و منظومه‌ای و فراهم آمدن رفتار توسعه یافته در تمامی دست اندرکاران اداره شهر تهران.

۶ ـ ایجاد تهران پایدار به واسطهٔ بهره‌گیری از وجود مساجد، فرهنگسراها، خانه‌های فرهنگ، مدارس، دانشگاه‌ها و... به عنوان کانون‌های توسعهٔ تفاهم اجتماعی و و برقراری امکان تبادل‌نظر میان این کانون‌ها و دستگاه‌های دست‌اندرکار برای یادگیری جمعی.

دین و جایگاه آن در ورود به مدنیت

کمتر عاملی به اندازهٔ دین و ایمان در ایجاد تحولات تاریخی و دوران ساز از جمله تشکیل سلسله‌ها و خاندان‌های حکومت‌گر دخالت داشته است.

در کمتر درباری از دربارهای قدیم است که دین‌داران نقش و نفوذ نداشته باشند. در بسیاری از ادوار تاریخی، بسیاری از شاهان و فرمانروایان برای حکومت خود به حق یا ناحق، الهام یا منشاء الوهی قایل شده‌اند. کلیسا از بدو تأسیس تا عصر جدید غالباً دولتی در برابر دولت یا مسلط بر دولت بوده است. اگر پیوند دین و مدیریت (حکومت) کارنامه‌ای درخشان نداشته است، از این رو است که غالباً مدیران (حکمرانان) از نقش و نفوذ دین سوء استفاده می‌کرده‌اند وگرنه از آنجاکه دین غالباً هم عنان با اخلاق است، پیوندش با مدیریت (حکومت) می‌تواند بارور و به نفع حکومت شوندگان و جامعهٔ بشری باشد. به طور کلی می‌توان گفت که دین و ایمان از جملهٔ مهم‌ترین نهادهای اجتماعی ـ فرهنگی بشر بوده‌اند. شاید عصر ما عصر بازنگری

و بازگشت به دین باشد. دو قائمهٔ بزرگ مادی‌گری و مادی نگری، یعنی پوزیتیویسم (در زمینهٔ اندیشه و علم) و مارکسیسم/کمونیسم (در زمینه عمل و اقتصاد و جامعه‌گردانی) شکست خورده و برای بشریت رنج دیدهٔ امروز، مجال تأمل در معنویات و بازگشت به سنت‌های معنوی که جامع‌ترین مصداق آن دین است، فراهم آمده است. از سده‌های نخستین ظهور اسلام در عامهٔ مجامع اسلامی (مساجد) به عنوان شاخص‌ترین و بارزترین نهادهای اسلامیت تجلی داشته و آنچه در منظر ابتدایی مایه‌های فرهنگ اسلام را بروز داده است همانا وجود مناره‌های بلند و زیبای مساجد در پیشانی شهرها و محلات مسلمان بوده است. در حقیقت آموزش عملی بنیانگذار مکتب اسلام بر رهروان راهش نیز بر این مدار پایه‌گذاری شده است. در طراحی و برنامه‌ریزی اساسی حکومت اسلامی (مسجد) نخستین پروژه‌ای است که معمار نهضت اسلامی در آستانهٔ ورود به یثرب در محلهٔ قبا آن را به مورد اجرا می‌گذارد. وی با ورود به یثرب نام مدینه را بر آن برگزیده و مسجد دیگری در مرکز شهر بنا می‌نهد. بدین ترتیب می‌نمایاند که برای ورود به مدنیت صحیح و توسعه آن جهت برخورداری از جامعه سالم از قالب مسجد بایدگذر کرد و رنگ و بوی مسجدی که همانا صبغه الله است بر خودگرفت و آنگاه در مدینه حکومت اسلامی و در مساجد آن ستاد حکومتی (مدیریتی) تشکیل داد و دین و آیین سیاست (مدیریت) را آموخت و دانست که اسلام دین بهزیستی فرد و اجتماع و عامل اصلی مدیریت توسعه شهری و محله‌ای است. در مسجد شکاف طبقاتی حذف و نظام برابری و برادری برآن حاکم است. آنچه‌که در آن موردنظر است تعمیم روح حاکم بر مساجد در سایر بخش‌های جامعه است. کارکردهای نمونه یک امت بدون تمایز ظاهری حتی در روش نشستن مسلمانان در مساجد به وضوح مشهود است.

مدیریت و اسلام

ابعادگوناگون زندگی انسانی دو موضوع را به ما ثابت می‌کند که نیاز به مدیریت از لوازم ضروری زندگی و وسیله‌ای برای سعادت او می‌باشد و این ضرورت آنگاه آشکار می‌شود که انسان در ابعاد مختلف فکری و جسمی، اجتماعی و روانی شناخته شود.

دین مبین اسلام، ضرورت مدیریت را تا آن حدی می‌داند که می‌گوید قبل از اینکه به‌کاری اقدام‌کنید برای خود مدیریت را برگزینند تا در پناه نظم و هماهنگی سریع‌تر به هدف برسید.[۱]

مطالعهٔ تاریخ گذشتگان، ما را به نقش و تأثیر مدیریت در ارتقاء و یا انحطاط ملت‌ها واقف می‌گرداند. چه بسیارند ملت‌هایی که از نظر امکانات مادی و زمینه‌های مساعد فکری و مایه‌های غنی فرهنگی هیچ‌کمبودی نداشتند، اما به خاطر نداشتن مدیریت مدیرانه و رهبری آگاهانه در راستای برنامه‌ریزی صحیح و سازماندهی اصولی و استفاده از نیروهای موجود در جهت نیل به هدف، در سراشیبی سقوط و شکست قرارگرفته‌اند. در مقابل ملت هایی بوده‌اند که با سازماندهی و بسیج نیروها، و مدیریت منسجم ازکمترین امکانات بزرگترین افتخارات را کسب نموده‌اند. زندگی انسان از آن جهت‌که یک زندگی اجتماعی است از واحدهای مختلفی تشکیل شده که ما هر یک از آنها را ارگان‌های نظام اجتماعی می‌نامیم. با پیشرفت زندگی اجتماعی به تدریج سازمان‌های جدیدی نیز شکل‌گرفته است. به دیگر سخن در هر جامعه‌ای برای انجام وظایف خاصی و رسیدن به اهداف معین یک سازمان بوجود می‌آید. این سازمان برای انجام مسئولیت خویش، دارای سیستم و کارکرد مخصوص به خود می‌باشد. در جامعهٔ اسلامی هر مسجد یک سازمان منسجم معنوی است و دارای اهداف، کارکرد و سیستمی مخصوص به خود می‌باشد و باید به شکل صحیح مدیریت شود تا خود بتواند نقش اصلی خود را به خوبی ایفا نماید.

تشکیلات و سازمان مسجد یک تشکیلات اداری، انتفاعی و یا تجاری نیست بلکه سازمانی الهی مردمی است‌که با مدیریت معنوی و نفوذکلمهٔ امام جماعت و با حضور تودهٔ مردم سازماندهی می‌شود.[۲]

جام ام‌گائوس می‌گوید:

«سازمان عبارت است از تنظیم افراد جهت تسهیل در به ثمر رساندن مقاصد همگانی از راه تجنیس کارکرد و وظایف».[۳]

---

۱. تقوی دامغانی، سید رضا، مدیریت اسلامی: ص ۵۳.

۲. محمدی آشنانی، علی، سازمان و مدیریت مساجد، مرکز رسیدگی به امور مساجد: ص ۱۹.

۳. پرهیزکار، کمال، تئوری‌های مدیریت: ص ۱۸.

در تعریف مدیریت اسلامی آمده است:

«فعالیتی که زمینهٔ رشد انسان به سوی الله را فراهم نماید و مطابق کتاب و سنت و سیره و روش پیامبر و امامان معصوم و علوم و فنون و تجارب بشری جهت رسیدن به اهداف یک نظام یا سازمان در ابعاد مختلف همانند یک محور و مدار و قطب عمل کند مدیریت اسلامی است».[۱]

پیامبر اکرم با ارائهٔ تعریف جدید از دین و دین‌داری، جامعهٔ نوینی را بر اساس شریعت اسلام پایه‌گذاری کردند و محور این حرکت را مساجد قرار دادند و همراهی دین و سیاست، دنیا و آخرت، مردم‌مداری و خداباوری را در نهاد جمعی، اجرایی و مدیریتی به نام مسجد سازمان بخشیدند و مساجد را به عنوان نقطهٔ عطف مدیریت در توسعهٔ مودت، انس و اخوت در میان امت مسلمان مطرح ساختند.

مسجد به عنوان نقطهٔ عطف مدیریت

از آنجا که در حکومت اسلامی میان مقامات مسئول و توده‌های مردمی جدایی نیست، و مسلمین می‌توانند بر مسیر و جهت‌گیری‌های حکومت بر روند امور جامعه نظارت کنند، و موضع خود درخصوص مسایل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... را به‌طور آشکار اعلام نمایند و با ارایهٔ برنامه‌ها، طرح‌ها و پیشنهادات سازنده، حکومت را یاری دهند، براین اساس، پیامبر اکرم پس از بنیان‌گذاری نظام نوین اسلامی در مدینه به منظور دخالت و مشارکت مسلمانان در شیوهٔ حکومت (مدیریت) و آگاه ساختن آنان با اهداف سیاسی اسلام، مسجد راکه مرکزی عمومی و محل تجمع مسلمین برای ادای فرایض دینی بود، به عنوان پایگاه حکومت (مدیریت) و نهاد سیاسی ـ حکومتی (مدیریتی) اسلام برگزید و از آن پس تجسم عینی همبستگی دین با حکومت (مدیریت) در اسلام به بهترین وجه در مسجد متجلی گردید. پیامبر اکرم در مسجد، اصول سیاسی ـ حکومتی (مدیریتی) اسلام را با مردمان در میان گذارده و در حل و فصل مشکلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی جامعهٔ اسلامی با ایشان مشورت می‌کرد. پیامبراکرم

---

۱. مدیریت اسلامی، مرکز آموزش مدیریت: ص ۱۲.

همچنین مقدمات فکری ـ اجتماعی و مدیریت بیشتر غزوات را در مسجد فراهم می‌نمود. آن حضرت با ایراد خطبه‌های پر شور، مسلمانان را برای نبرد با دشمنای اسلام بسیج و از همان‌جا مدیریت می‌نمود. مساجد در دوران پیامبر اکرم از نظر عملکردهای سیاسی و اجتماعی بسیار فعال بودند و در این زمینه نقش بارزی ایفا می‌نمودند. در وهله اول از مساجد به عنوان مراکز اصلی حکومت یاد می‌گردید. باید دانست که دفتر کار خلفای مسلمین نیز در مساجد بود و در آنجا به رتق و فتق امور کشوری پرداخته می‌شد. هرگاه افرادی برای انجام پاره‌ای مذاکرات به مدینه می‌آمدند، در مسجد با خلیفه ملاقات می‌نمودند. در تاریخ المدینه المنوره آمده است که گروه‌هایی از فارس به مدینه آمدند و جویای محل جلوس خلیفه دوم شدند. وی را در منزلش نیافته، گفتند: خلیفه در مسجد است. پس بدانجا رفته و او را در مسجد در حالی‌که هیچ کسی با او نبود، یافتند.

ایشان گفتند: سلطنت واقعی همانا چنین سلطنتی است نه سلطنت کسری.[۱]

علاوه براین مساجد به عنوان مجالس شورای اسلامی به عموم معرفی شده بود. خلفا، انجمن‌های مشورتی را در مساجد تشکیل داده و در آنجا با مردم یا خبرگان محلی به مشورت و مذاکره در امور اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... جامعه اسلامی می‌پرداختند. به عنوان مثال هنگامی که علی علیه‌السلام می‌خواست برای نبرد با سپاه معاویه به شام برود، با مهاجرین و انصار در مسجد پیامبر در مدینه به مشورت پرداخت. ابن ابی الحدید می‌نویسد: چون فرستادهٔ علی علیه‌السلام از نزد معاویه بازگشت، امام در مسجد برای مردم خطبه سر داده و گفت: معاویه با سپاه شام برای نبرد و لشکرکشی به سوی عراق خود را مهیا ساخته است. رأی شما در این باره چیست؟ به این ترتیب مساجد در آن روزگار به عنوان مجالس شورای اسلامی نقش بارزی را در مدیریت ایفا می‌نمودند.

واگذاری امور به مردم و فراهم آوردن مشارکت و حضور مردم در صحنه‌های گوناگون اجتماعی از جمله تأمین نیازهای فراوان اجتماعی از ویژگی‌های جامعه مدنی شناخته می‌شود. یکی از مفاهیم جامعهٔ مدنی این است که تا حد امکان فعالیت‌های اجتماعی به خود مردم واگذار

---

۱. بلاذری، فتوح البلدان: ص ۲۲۶.

گردیده و از تصدی دولت کاسته شود. حتی‌المقدور مردم خود داوطلبانه در انجام فعالیت‌های اجتماعی حضور داشته و در حد ضرورت دخالت کنند.[۱]

بنابراین مهم‌ترین وظیفهٔ مساجد این است که در اعتلای فرهنگ انسان‌کوشیده و او را تا مقام خلافت الهی پیش برده و از هر فرد جامعه موجودی مهذب بسازد.

در این صورت علاوه بر این که جنبهٔ مشارکت مردم در امور تقویت می‌گردد، ساختار مدیریتی مساجد منسجم‌تر شده و توسعهٔ فرهنگ دینی و اعتلای نهادها و فعالیت‌های دینی در سطح جامعه به ویژه سطح محله‌ای فراهم می‌آید. میزان اهمیت عنصر مدیریت در هر نهادی با توجه به نقش‌ها و کارکردهای آن نهاد روشن و آشکار می‌گردد. نگاهی گذرا به نقش‌های گوناگون و مهمی که مساجد باید در عرصه‌های اجتماعی، عبادی، تربیتی، فرهنگی، آموزشی و... ایفا کنند. اهمیت نقش مدیریتی مساجد را روشن می‌سازد. از یک سو خداوند متعال کافران و مشرکان را از دخالت در اداره امور مدیریتی مساجد بازداشته ﴿**ماکان للمشرکین ان یعمروا مساجد الله شاهدین علی انفسهم بالکفر**﴾ و از سوی دیگر، مؤمنان راکه شرایط خاصی دارند برای اداره امور مدیریتی مساجد شایسته دانسته است ﴿**انما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الاخر**﴾.

مسجد پایگاه مدیریت کشور پیامبر بود. بعدها، علی علیه‌السلام نیز از مسجد به عنوان پایگاه رسیدگی به امور مملکتی استفاده کرد. نقش مدیریتی مساجد عبارت است از:

اداره روابط اجتماعی از طریق هماهنگ سازی منابع (انسانی، مالی و مادی)، در جهت تحقق اهداف الهی و معنوی و توسعه بشر.

این وظیفه خطیر مستلزم آن است که مساجد با محور قرار دادن بعد عبادی مسجد، هر فعالیتی که تحقق ارزش‌های الهی و دینی را تسهیل می‌سازد به انجام رسانند.

این فعالیت‌ها و کارکردها دارای ابعاد مختلف آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... می‌باشند که تمامی آنها در جهت توسعهٔ حیات بشر و قربه الی الله صورت می‌پذیرد. نکتهٔ شایان ذکر آن است که با چنین برداشتی، نقش مدیریتی مساجد تبدیل

---

۱. مصباح یزدی، محمد تقی، خلاصه مقالات همایش دین و توسعه: ش ۵.

به حوزه‌ای پیچیده و ظریف می‌گردد چه آنکه در این مؤسسه، هم اداره‌کننده، هم اداره شونده و هم محصول انسان‌ها هستند. به عبارت روشن‌تر نقش مدیریتی مساجد با قلمروهای پیچیده فعالیت‌های انسانی سر و کار دارد که اداره امور آن بسیار پیچیده و مستلزم دانش و بینش عمیق در ابعاد مختلف می‌باشد. به عبارت دیگر در مقایسه با سایر شاخه‌های مدیریتی که عمدتاً از زاویه و چشم‌انداز خاصی، مدیریت را مدنظر قرار می‌دهند، نظیر مدیریت امور آموزشی، مدیریت فرهنگی، مدیریت اجتماعی و... نقش مدیریتی مساجد با تمامی این قلمروها سر و کار دارد. به این دلیل می‌توان گفت که علاوه بر نقش عبادی مسجد که البته محوری‌ترین کارکرد مسجد به شمار می‌آید، نقش مدیریتی مساجد باید به قلمروهای مختلف مدیریت که در چارچوب عملکردها و فعالیت‌های مسجد قرار می‌گیرد، آگاهی و اشراف داشته باشد. با عنایت به این ویژگی است که می‌توان گفت، مدیریت مساجد دارای ماهیت منحصر به فرد و پیچیده‌ای است که اعمال کارآمد و اثربخشی آن مستلزم خبرگی و مهارت‌های متعدد است.[۱]

مساجد خود را موظف می‌دانند که در مواقع نیاز روح جدید و تازه را در همه ارکان حاکمیت دمیده و آنها را فعال‌تر سازند. یکی از کارهای مهم مساجد انتقال نقطه نظرات و خواسته‌های مردم محلات و شهرها به سمع مسئولین کشور است که این امر یکی از امور مهم در اندیشه سیاسی اسلام است تا تصمیم‌گیری و مدیریت کلان کشور متناسب با نظات و خواسته‌های مردم در سطح خرد باشد. مساجد پشتیبان دولت و نظام اسلامی هستند. مساجد برای ادای وظیفهٔ ظریف، دقیق و پیچیده خود در حوزهٔ مدیریت به آگاهی‌های بسیاری نیازمندند از این‌رو می‌باید کاملاً در جریان امور مملکت قرارگرفته و این امر جز با هماهنگی تنگاتنگ دولت و مسجد میسر نیست. در این صورت است که مساجد می‌توانند با توجه به تناسبات زمانی و نیاز اجتماعی به نقش آفرینی مؤثر خود در حوزه مدیریت ادامه دهند. مساجد باید به منظور ایفای نقش خود از ساختارهای مختلف جامعه استفاده کنند. به‌کارگیری تکنولوژی پیشرفته اطلاعاتی در دنیای جدید مجازی با محتوای متناسب با مساجد محلی از امور مهم است که می‌تواند با استفاده از آن ارایه خدمات خود راگسترش دهد. نقش مهم دیگر مساجد، تربیت دینی انسان‌های مؤمن است

---

۱. ابوالقاسمی، محمد جواد، تبیین جایگاه مسجد در نظام اسلامی: ص ۱۱.

که بتوانند در عرصه‌های مختلف با استفاده از تجربیات علمی بشری جامعه را اداره کنند. بازیابی نقش گم گشته مدیریتی مساجد همچون صدر اسلام در سیرهٔ نبوی، ایجاد دولت در دولت نیست، بلکه ورود دولت به مسجد محلی است. مسجد تنها یک مکان نیست بلکه سازمانی بس مهم برای اجتماع مسلمانان و برقراری اتحاد، یکپارچگی و هدایت آنان به سوی نیکی است. از این‌رو هنگامی که مسجد ضرار برای ایجاد تفرقه در صفوف مؤمنان احداث شد، خداوند رسولش را فرمود تا آن را ویران کند. مسجد، میراث بزرگی برای تبادل افکار و مشاوره در امور مسلمانان است. مسلمانان در هر شهری که توسط سپاهیان اسلام فتح می‌گردید، مسجدی بنا می‌نمودند. هدف از انجام این کار این بود که مرکز فرهنگ، اشاعهٔ تمدن و تکوین و مدیریت افکار عمومی صحیح اسلامی هم به شمار آید. هرگاه مسلمانان به مکانی جدید مهاجرت می‌نمودند، مسجدی احداث می‌کردند تا مرکز جدیدی برای گردهمایی مؤمنان باشد. خطبه جمعه نقش اساسی و فعالی در توجیه افکار عمومی اسلامی دارد. این در صورتی است که خطیب جمعه، نمازگزاران را نصیحت، ارشاد و توجیه کنند. بدین ترتیب افکار عمومی اسلامی در زیر سقف مساجد و براساس شورا شکل گرفته و جنبش‌های آزادی بخش اسلامی از مساجد محلی شهرهای سوریه، الجزایر، ایران، مصر و... آغاز شد. مساجد، تشکیلاتی مدیریتی مبتنی بر نظام اسلامی می‌باشند. رسول خدا امت خود را فرمان می‌دهد: «هرگاه سه نفر بودید، یکی را از میان خود امیر کنید». نظام اسلامی بر تمامی اوضاع خانواده، معاملات، بازارها و مظاهر زندگی اسلامی از کوچک تا بزرگ، حاکم بوده و مدیریت می‌نماید. اهل مسجد یک تشکیلات شرعی مخصوص به ادارهٔ مسجد به شمار می‌روند. اداره مساجد جامع بر عهدهٔ هیأت‌های امناست که از میان نمازگزاران مساجد انتخاب می‌شوند که در میان مردم به حسن رفتار و صداقت معروف هستند. مردم محلات در کارهایشان به این افراد مراجعه نموده و بدون مشورت با آنان هیچ اقدامی را انجام نمی‌دهند.

نقش مسجد در مدیریت اقتصادی

یکی از چالش‌هایی که همواره کشورهای در حال توسعه و عقب مانده در اجرای برنامه‌های

توسعه خود با آن مواجه هستند، مسئله فقر و محرومیت اقشار قابل توجهی از افراد جامعه است. از یک سو رهایی از مشکل توسعه نیافتگی، نیازمند سرمایه‌گذاری کلان و نرخ رشد بالای اقتصادی است و از دیگر سو، فقر موجود در جامعه امکان چنین اقدامی را نمی‌دهد. ضمن آنکه دستیابی به نرخ رشد بالای اقتصادی به‌گونه‌ای می‌تواند شکاف طبقاتی در جامعه را دامن زده و موجبات فشار بیشتر بر روی قشر آسیب‌پذیر را فراهم آورد. اگر از منظر جامعه‌شناسی، نظری به جوامع گوناگون بیاندازیم چه در کشورهایی به اصطلاح سرمایه‌داری و چه در کشورهای کمونیستی و یا نظام‌های مختلف، نوعی تبعیض بین افراد جامعه مشهود است و همین تبعیض باعث ایجاد فقر و توسعه نیافتگی در جامعه می‌گردد. از این منظر، بحث (عدالت اجتماعی) و نوع رویکردی که برنامه‌های توسعه می‌توانند به این موضوع داشته باشند همواره یکی از مباحث اصلی در تدوین و اجرای هر برنامهٔ توسعه به ویژه توسعهٔ شهری بوده است. در صدر اسلام مسجد، مکانی برای حفظ خزانهٔ مملکت اسلامی بود که این خود نشانگر ارتباط محکم میان دین اسلام و عدالت اجتماعی بود. در آن زمان از مساجد به عنوان مراکز امنی جهت نگهداری ثروت ملی استفاده می‌شد. در حال حاضر نیز با معطوف داشتن توجه به مساجد به ویژه مساجد محله‌ای می‌توان با توزیع متناسب بیت المال و اجرای صحیح عدالت اجتماعی از فقر و توسعه نیافتگی جلوگیری نموده و گام در جهت توسعهٔ پایدار به ویژه توسعهٔ شهری و محله‌ای برداشت. مساجد بهترین پایگاه‌های آگاهی بخشی و عدالت خواهی می‌باشند. ما خوف از آن داریم که اگر چنانچه خارج از مساجد، سخنی از عدالت به میان آوریم، مفهوم عدالت منحرف و تعریف گردد و این در حالی است که می‌توان عدالت اجتماعی را در مسجد به عنوان پایگاه عدالت معرفی نموده. در این صورت عدالت نیز ظرف خوبی پیدا می‌کند و انحرافات به کمترین حد خود می‌رسند.

مسجد و مدیریت توسعه

از آنجایی که مساجد از بدو تأسیس، فعالیت اطلاع‌رسانی را در سنت خود که نماد آن اذان است، داشته‌اند، از این‌رو می‌توان از این مراکز با عنوان مراکز مدیریت اطلاع رسانی در سطوح شهری

و محله‌ای یاد نمود. مساجد به جهت برخورداری از مبناهای دقیق برای اطلاع رسانی، تأثیر بیشتری در امر اطلاع‌رسانی به ویژه در سطح محله‌ای خواهند داشت. مسجد به عنوان یک واحد اجتماعی از کارکردهای متعددی برخوردار بوده و میعادگاه مؤمنین است، از این طریق به زندگی اجتماعی وصل شده و می‌تواند در ارتباطات اجتماعی نقش آفرینی کرده و منبع و مرجع مهمی برای انتشار اخبار به ویژه در سطح محله‌ای باشد. با وجود ۵۷ هزار و ۶۳۵ مسجد در سراسر کشور (با متراژ ۳۶ میلیون متر مکعب) به جرأت می‌توان گسترده‌ترین شبکه فراگیر اجتماعی در کشور را مساجد دانست.

از این‌رو، نقش مدیریتی این شبکه گسترده در توسعهٔ شهری و به ویژه محله‌ای (هر چند که واحدهای کوچکی را در خود جای داده اما با پیوند یکدیگر مجموعهٔ بزرگی را می‌سازد که از ظرفیت و پتانسیل بالایی برخوردار است) حایز اهمیت است. مزایای ایفای نقش مساجد در مدیریت توسعهٔ محله‌ای مهم‌ترین فواید دخالت مساجد در حوزهٔ مدیریت توسعهٔ محلات شهری چون کلان شهر تهران می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱ ـ کاهش بار مالی نظام اسلامی.

هنگامی که گروهی از افراد بومی محله به عنوان افراد خدمت‌گذار در مساجد به فعالیت و انجام وظیفه در راستای انجام اقدامات مدیریتی جهت نیل به توسعهٔ محلی به عنوان عبادت مبادرت می‌نماید جرا باید وظیفهٔ مدیریت توسعهٔ محلات شهری بر دوش مأموران رسمی نظام قرارگیرد وگروهی را از کار خیر باز دارد و بار مالی قابل توجهی را به نظام اسلامی تحمیل نماید؟

۲ ـ تشکیل نهادها و استخدام کارکنان رسمی در راستای مدیریت توسعه محله‌ای.

۳ ـ انتخاب مدیران شایسته در لوای هیأت امنای مساجد از میان مردم محلات.

۴ ـ معمولاً، مردم یک منطقه با توجه به شناخت بهتری که از اوضاع و احوال منطقه و افراد شایسته ساکن در منطقهٔ خود دارند، بهتر می‌توانند با مشارکت مساجد به انتخاب مدیران محله‌ای در قالب هیأت امنای مساجد مبادرت نماید.

۵ ـ از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون هرگاه کار به مردم و نهادهای مردمی نظیر مساجد واگذار شده است، آنان وظیفهٔ خود را به خوبی انجام داده‌اند و این در حالی است

که هر زمان مردم یا نهادهای مردمی حضور نداشته‌اند یا حضورشان کم رنگ بوده، یاکاری انجام نگرفته و یا به‌کندی صورت پذیرفته است.

۶ ـ برقراری هماهنگی میان مدیران و ساکنین محله.

در جامعهٔ ایران نیز همچون هر جامعهٔ دیگر، جریان‌های گوناگون فکری وجود دارند و مردم هر منطقه و محل برای انجام فریضهٔ نماز و دیگر مراسم مذهبی، در مسجد نزدیک به محل کار و زندگی خود حضور می‌یابند.

از این‌رو، وجود مدیران محله‌ای در بافت مساجد، خود به خود باعث هماهنگی میان مدیران و ساکنین محلات در راستای بررسی و مطرح ساختن مشکلات یا مسایل پیش روی محلات می‌گردد. حال آنکه انتخاب مدیران محله‌ای از سوی مرکز یا نهادی رسمی، چه بسا به نوعی به بی تناسبی میان مشکلات و مسایل موجود در سر راه توسعهٔ محله و اقدامات مدیران انتخابی بینجامد و در نتیجه در عوض توسعهٔ محله‌ای رکود و بی رونقی در محلات را در پی داشته باشد.

نقش مدیریتی مساجد در توسعهٔ محله‌ای

برخی از رون‌های بارز زندگی اجتماعی درکلان شهری چون تهران در اکثریت شهرهای بزرگ جهان در فرآیند شهرنشینی و نوگرایی حضور دارند.

نوشته‌های جامعه‌شناسان معتبری چون امیل دورکیم، کثورت زیمل و لویی‌ورت در اشاره به مشکلات جامعهٔ شهری ابتدای قرن بیستم آغازگر این مباحث بوده‌اند.

به عنوان مثال، زیمل معتقد بود که ساکنان شهرهای بزرگ به طور مداوم در معرض «تحریک عصبی» قرار دارند که لاجرم فرد را به بی‌تفاوتی و جدایی از افراد دیگر سوق می‌دهد. لویی‌ورت نیز بر این باور بود که تضعیف پیوندهای سنتی در شهر در اثر تخصص‌های گوناگون از وابستگی متقابل افراد و ارتباطات نزدیک آنان می‌کاهد. در تحلیل نهایی، آنها زندگی شهری را به تنهایی، انزوا و احساس عدم امنیت معادل می‌گرفتند.

در نقطه مقابل، پایه و اساس دین اسلام بر اصل اجتماعی بودن قرارگرفته است تا انسان را

از زندگی فردی و خزیدن در کنج غربت به تنهایی برهاند و او را به سوی زندگی جمعی و اجتماعی سوق دهد. از این‌رو، اسلام همواره مؤمنین را به شرکت در اجتماعات برای عبادت خداوند ترغیب می‌کند زیرا تنها از طریق اجتماع است که مسلمانان می‌توانند به صورت ید واحدی در مقابل مصایب و مشکلات ایستادگی کنند.«**ید الله مع الجماعه**».

در این جاست که مساجد به عنوان جایگاه‌های سنتی نهادهایی در راستای رفع مشکلات مادی و معنوی رخ می‌نمایند. با مرکزیت یافتن مساجد به عنوان نهادهای مدیریتی در سطح محله‌ای نهاد خانواده نیز قوت می‌گیرد. شواهد بسیاری در دست است که نهاد خانواده در ایران در اثر عواملی مجزا از جمله ادامهٔ عمومی مدرنیزاسیون و شهرنشینی و افزایش ولع ارتقای اجتماعی در تلاش برای ورود به دانشگاه و مدارس خصوصی و گسترش در کنار عدم درخواست و توانایی دولت جهت تقویت نهاد خانواده، همه و همه فرآیند تضعیف این نهاد مهم اجتماعی را فراهم آورده است. علاوه بر این با مرکزیت مساجد، محلات نیز قوت می‌گیرند. از حیث تاریخی محله کارکردهای متعدد اجتماعی دانسته است که به ویژه در مراکز تجمع گروهی همچون مساجد، هیأت‌ها، قهوه خانه‌ها و... تبلور می‌یابد. این فعالیت‌های جمعی و هنجار و ارزش‌های نسبتاً بیشتر در آن طبعاً اثری تنظیم کننده بر رفتارهای جمعی دارد. فرد عضوی از محله محسوب شده و نوعی همبستگی جمعی میان او و دیگران شکل می‌گیرد. در چنین حالتی فرد در ارتباط‌های مدنی و ضابطه‌مند قرار گرفته، خود را به گفت‌وگو و همبستگی‌های سنتی پایبند نموده و از هویت جمعی جدیدی برخوردار می‌گردد. در این جاست که باگسترش چنین وضعیتی، ارتباطات مدنی و ضابطه‌مند گسترش یافته و محله به عنوان بخش خردی از ساختار کلان شهری چون تهران مطرح شده و رابطه ملموس توسعه و پیشرفت آن در رابطه با مساجد و ارتباطات افراد محله مشهود و هویدا می‌گردد.

نقش مسجد در سازمان و اجتماع محله‌ای

▣ دکتر مسعود مظاهری

چکیده

تا سه دهۀ پیش، در اغلب شهرها، محلات از اعتبار خاصی در برقراری ارتباطات اجتماعی برخوردار بودند و این درحالی است که طی سه دهۀ اخیر، محلات شهری به صورت جزیره‌ای در دریای فرهنگ ملی جامع و خرده فرهنگ‌های شهری درآمده‌اند.

تغییرات سیاسی، اجتماعی و تکنولوژیک، از اعتبار محلات به عنوان عامل مهم در زندگی اجتماعی فردکاسته است. جوامع غربی و صنعتی از اماکن مذهبی نظیر کلیسا صرفاً جهت کسب خشنودی خدا استفاده می‌کنند و تنها بر جنبه فردی مذهب و دین باور دارند، با اجرای قوانینی که تمامی ساخت‌های شخصیت انسانی را مدنظر قرار نداده و مطابق با نیازها و استعدادهای انسان تدوین نگردیده است، با وجود چاره‌اندیشی، به واسطه عدم برخورداری قوانین از ضمانت اجرایی، با موانع بسیاری روبرو می‌باشند.

بدین‌سان تفرقه، نفاق و انزوای فرد و عدم حضور وی در اجتماعات به ویژه اجتماعات محله‌ای، زندگی بشر غربی و صنعتی را فراگرفته است. در مقابل، در جوامع اسلامی، تأسیس مسجد در محله‌ها و شهرهای اسلامی به تشکیل و انسجام اجتماعات محله‌ای و شهری منجر گردیده است، زیرا مسجد صرفاً مکانی برای انجام فریضه نماز و دیگر مراسم مذهبی نبوده و به عنوان کانون اجتماعات محله‌ای و شهری همواره نقش به سزایی در غنای هرچه بیشتر این‌گونه اجتماعات ایفا نموده است.

این مقاله، با بررسی عملکرد اجتماعی مسجد به عنوان مهم‌ترین کارکرد آن با وجود گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرها و هرچه صنعتی‌تر شدن مراکز و محلات شهری و کم رنگ‌تر شدن ارتباطات اجتماعی به ویژه در سطح محله‌ای به بررسی نقش مسجد در انگیزه‌سازی در مردم و رشد روحیه خود یاری و تعاون و انجام امور داوطلبانه جمعی در سطح محله‌ای در راستای توسعهٔ اجتماعات محله‌ای می‌پردازد. مطالعهٔ حاضر پژوهش توصیفی (Descriptive) است که در آن علاوه بر مطالعه اسناد و مدارک کتابخانه‌ای از شیوهٔ مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه بهره‌گیری شده است.

واژگان کلیدی: خرده فرهنگ‌ها ـ اجتماع محله‌ای ـ هدف‌گذاری جمعی ـ خودیاری و تعاون.

حوزه‌های اجتماعی شهرها

حوزه‌های اجتماعی در شهرها سابقاً به عنوان حوزه‌های طبیعی خوانده می‌شد و از آن تعریفی بدین‌سان ارایه می‌گردید: حوزهٔ طبیعی در شهرها، یک حوزهٔ جغرافیایی است که به وسیلهٔ مشخصات طبیعی محل و خصیصه‌های فرهنگی مردم، از سایر بخش‌های شهری کاملاً تمیز داده می‌شود.[۱]

مطابق این تعریف، حوزه‌های طبیعی عبارت است از یک مکان جغرافیایی در داخل شهرها که ساکنین آن از خصلت‌های فرهنگی و روابط اجتماعی خاصی تبعیت نمایند.

به دیگر سخن، از نظر اکولوژیکی، یک حوزهٔ طبیعی، بوم طبیعی گروه کاملاً مشخص اجتماعی است. در حقیقت هدف از طرح حوزه‌های اجتماعی در شهرها، شناخت محلات و مناطق شهری با شاخص‌های انتخابی است تا بتوان به هنگام برنامه ریزی شهری از واقعیت‌های اجتماعی در این حوزه‌ها کاملاً مشخص بهره‌مند گردید. پیشگامان مکتب اکولوژی شهری که حوزه‌های طبیعی را در داخل شهرها مطرح می‌نمودند، براین باور بودند که در دنیای طبیعت، جنگل‌ها، صحراها، دشت‌ها و کوه‌ها با بوم طبیعی، گونه‌های مختلف گیاهی و حیوانی عرضه

---

۱. لنکستر، جونز ـ ابعاد ساختار اجتماعی شهری، دانشگاه تورنتو.

می‌دارند. جامعه بشری نیز بدین‌سان عمل می‌کند و در این جامعه، در نتیجهٔ عامل رقابت گروه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی به وجود آمده و ناگزیر به یک جدایی گزینی اکولوژیکی تن در داده‌اند. بنابرآن چه گفته شد می توان چنین نتیجه گرفت که حوزه‌های اجتماعی در داخل شهرها از عده‌ای از خانواده‌های شهری تشکیل می‌گردد که در یک حوزهٔ جغرافیایی محله یا در یک منطقهٔ کاملاً معین با مرزهای مشخص زندگی می‌کنند. این عده از پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی مشترکی بهره‌مند می‌باشند.

محلات به عنوان حوزه‌های خرد اجتماعی

در ساده‌ترین تعریف، محله از خانه‌های مجاور هم در یک فضای جغرافیایی خاص تشکیل می‌شود. خانواده‌ها نسبت به محلهٔ خود همان احساس خانهٔ مسکونی خود را دارند و با ورود به محله، خود را در یک محیط آشنا و خودی مثل خانه روبرو می‌بینند.

محله از تجمع، پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت نزدیک، روابط مستحکم همسایگی و اتحاد مشارکت غیر رسمی میان گروهی از مردم به وجود می‌آید. برای تشکیل یک محلهٔ شهری شرایط چندی به شرح ذیل لازم است:

۱ ـ دارابودن یک حوزهٔ جغرافیایی از شهر با وسعت کم یا زیاد.

۲ ـ پیدایش و تکوین یک اجتماع کوچک از گروهی از مردم شهر.

۳ ـ وابستگی اجتماعی میان گروهی از مردم.[۱]

در محلات به افرادی که بر پایهٔ خانه مجاور هم زندگی می‌کنند، همسایه گفته می‌شود. ارتباط همسایگان در محلات شهری، به هنگام نیاز و بحران بیشتر شده و تعاون و همیاری آنان افزایش می‌یابد. مراسم تدفین، جمع آوری اعانه، آتش‌سوزی و عدم امنیت از آن جمله است. میزان وابستگی و ارتباط همسایگان در روستاها بیش از شهرهاست و با توجه به کیفیت کار در روستاها همیاری همسایگان بیشتر شدت می‌یابد تا آنجا که نگهداری کودکان بی‌سرپرست و بی‌مادر را اغلب همسایگان برعهده می‌گیرند. در محلات قدیمی به ویژه محلات طبقهٔ

---

۱ . تامیلسون، والف، ساختار شهری: ص ۱۸۱ .

کم‌درآمد، ارتباط همسایگان نه مانند روستاها اما با تعاون و همیاری بیشتری همراه است. ارتباط همسایگان در محلات از طریق مراکز مذهبی و عبادت‌گاه‌ها نظیر مساجد، تکایا، باشگاه‌های ورزشی، قهوه خانه‌ها و کوچه‌ها و... صورت می‌گیرد. معمولاً در محلات شهری، کیفیت واحدهای فیزیکی (محله) منطبق بر رفتار اجتماعی است. از این رو هر محله‌ای، از مشخصاتی متمایز با سایر محلات برخوردار است. از طرفی، هر یک از محلات دارای منطقه‌ای نفوذی است که در آن مغازه‌ها، مدارس، مراکز مذهبی و مساجد و... قرار دارند که مردم محله می‌توانند به آسانی در همهٔ روزها از آن‌ها بهره‌مند گردند.

حضور در مؤسسات محله نظیر مراکز مذهبی و مساجد، مدارس و... به مردم محله امکان می‌دهد تا خود را در یک محدودهٔ کاملاً مقید احساس نموده و تعلق بیشتری به محله مسکونی خود بیابند. بنابرآن چه گفته شد می‌توان گفت که محله هم یک واحد فیزیکی و هم یک واحد اجتماعی است. در میزان احساس محله‌ای، عامل وسعت نقش اساسی ایفا می‌نماید، به نحوی که هر اندازه سهولت دسترسی به مؤسسات عمومی و تجهیزات محله‌ای نظیر مساجد، مدارس، فرهنگ سراها و...) بیشتر باشد احساس تعلق فرد یا افراد به محل و اجتماع محله‌ای هرچه بیشتر تقویت شده و افزایش می‌یابد. در مقابل، هراندازه که دسترسی به نیازهای روزانه و تجهیزات شهری با اتومبیل صورت گرفته و فاصلهٔ حرکت بیشتر باشد به همان اندازه احساس محله‌ای کاهش می‌یابد.[۱]

شرایط فیزیکی و اجتماعی محله و منطقهٔ مسکونی هریک به نحوی در میزان رضایت از روابط همسایگی مؤثر می‌افتد. در یک بررسی انجام گرفته درخصوص محلات برخوردار از تعداد محدود مراکز مذهبی و مساجد، مشخص گردید که در محلاتی که از تعداد محدودی مساجد و مراکز مذهبی برخوردارند به ویژه محلات طبقهٔ مرفه جامعه ـ هر یک از افراد درگذر از محلهٔ خود تنها موفق به ملاقات تعداد محدودی از دوستان‌شان می‌گردند و این در حالی است که در محلات برخوردار از تعداد بیشتر مساجد و اماکن مذهبی، میزان ملاقات‌ها از افزایش چشم‌گیری برخوردار می‌باشد. محله به صورت یک واحد فیزیکی با هویت کاملاً مشخص

---

۱. پورتیوس، داگلاس، رفتار و محیط: ص ۷۲.

اجتماعی، الگوهای مشترک زندگی، استفادهٔ برابر از امکانات و مؤسسات عمومی، به عنوان ابزار کار برنامه‌ریزان شهری شناخته می‌شود. به نظر عده‌ای، در برنامه‌ریزی‌های جدید لازم است که روی پیوند طبقات شهری و گروه‌های قومی و مذهبی تأکید بسیار صورت گیرد تا بیگانگی و اضطراب دایمی زندگی شهری در مردم شهرها کاهش یابد. این عده معتقدند که ترکیب طبقات مختلف در محلات سبب تقویت روابط اجتماعی ـ انسانی و کاهش محدودیت‌هایی میان افراد ساکن شهرهاست. حتی این طرز تلقی در خصوص گروه‌های قومی و مذهبی گوناگون در یک محله، فکر اعمال تبعیضات نژادی و مذهبی هم چنین پیش‌داوری نسبت به این گروه‌ها را تضعیف می‌نماید.

از طرفی، محلات متشکل از گروه‌های قومی و مذهبی با طبقات مختلف نه تنها از نظر اجتماعی بلکه از جهت فرهنگ‌پذیری و انتقال فرهنگی نیز مهم می‌نماید. به عبارتی احتمالاً پدیدهٔ اجتماع محله‌ای و ترکیب اجتماعی موجود در آن که پاره‌ای از برنامه‌ریزان شهری بدان معتقدند، از زندگی روستایی متأثر شده است که غنی و فقیر می‌توانند در نهایت آرامش در مجاورت یکدیگر به زندگی پراحساس ادامه دهند.

دین به عنوان یک نیاز اجتماعی

ارزش (Value) از بنیادی‌ترین عوامل در تبیین اندیشه، عمل یا اعمال فرد و هم‌چنین شکل‌گیری حیات اجتماعی است.[۱]

ارزش‌های اجتماعی از اساسی‌ترین عناصر یک نظام اجتماعی هستند که از طریق کنترل و هدایت آنها می‌توان جامعه را به زوال یا تعالی کشاند.[۲]

ارزش‌های مذهبی نیز یکی از انواع ارزش‌ها در هر جامعه‌ای است و باید گفت تجلی آن در کلیهٔ جوامع به یک شکل خاص نیست. همان‌گونه که جلوهٔ آن در افراد مختلف و با توجه به شرایط زمانی می‌تواند متفاوت باشد. به‌نظر می‌رسد توجه به یک امر مقدس در همهٔ زمان‌ها

---

۱. ساروخانی، ۱۳۷۶، ۹۰۹.

۲. رفیع پور، ۱۳۷۸: ۲۶۷.

وجود داشته است. دین مفهومی است که می‌توان برای آن ابعاد مختلفی قایل شد. برخی دانشمندان علوم اجتماعی دینداری یا وابستگی به مذهب را دارای حداقل دو بعد (اجرای قوانین مذهبی) و (اعتقادات مذهبی) دانسته‌اند. اجرای فرایضی نظیر نماز، روزه، انجام مناسک گوناگون مذهبی در مساجد از طریق مشاهدات علمی آشکار می‌گردد. اعتقادات مذهبی نیز از طریق پاسخ گویی به سؤالات عقیدتی مکشوف خواهد شد.[۱]

مناسک مذهبی و دینی، ناظر بر نیازهای اجتماعی ریشه‌دار انسانی است و دین واقعیتی اجتماعی است. وقتی شخصی به دین عمل می‌کند یا در اماکن مذهبی چون مسجد حضور می‌یابد، در واقع حس همبستگی و خوداتکایی به‌گروه و حس بودن در جامعه را نشان می‌دهد. دین، زبان مشترک اخلاقی جامعه و امری است که در تثبیت اوضاع نقشی به سزا دارد. دورکیم معتقد است که در جامعه برای بقاء باید عاملی در درون فرد فرد آحاد جامعه حضور داشته باشد و این عامل مذهب و دین است که در درون افراد احساس اخلاقی نسبت به مصالح اجتماعی را پدید می‌آورد، بنابراین مکانیسمی است که سازمان اجتماعی را حفظ نموده و یک نیاز اجتماعی محسوب می‌گردد.[۲]

مسجد، مهم‌ترین نهاد در ساختار زندگی اجتماعی

با وجودی که خانواده، مؤثرترین عامل حفظ هویت دینی و ایمان فردی است و در میان اعضای خانواده، مادر (البته با حمایت پدر خانواده) بیش از هر فرد دیگری مستقیماً در هویت دینی فرزندان نقش و مسئولیت دارد. اما با این حال نقش مسجد در این جهت به عنوان مددکار خانواده از اهمیت به سزایی برخوردار است.

به عبارت دیگر با وجودی که مهم‌ترین اجتماع در ساختار زندگی اجتماعی، خانواده است، با این حال مساجد چه به عنوان مراکز تأمین‌کنندهٔ آموزش‌های دینی و چه به‌عنوان محل تجمع و همبستگی افراد به ویژه در سطح محله‌ای به ایفای نقش در این زمینه می‌پردازند.

---

۱. طالبیان، نمایهٔ پژوهشی: ص ۱۲۲.

۲. فراست‌خواه، ۱۳۷۷: ۱۴.

به عبارت دیگر، مسجد به افراد جامعه به ویژه افراد ساکن در محلات یادآوری می‌کند که مسلمان اند و باید هویت و وحدت اسلامی را حفظ کنند.

مساجد از اهمیت بسیاری در دین اسلام و نزد مسلمانان برخوردارند و این نه تنها برای آن است که مساجد، محلی برای ادای فریضهٔ نماز، استماع خطبه‌های دینی و تشکیل کلاس‌های آموزش دینی است، بلکه به عنوان مکانی برای تجمعات اجتماعی و همیاری مسلمانان در مناطق، محلات، شهرها به ویژه برپایی مراسم اعیاد مذهبی و جشن هایی به این مناسبت و گرد هم‌آوری مسلمانان گردکانون اجتماعی واحد، مطرح است. از این رو، مساجد با برگزاری جشن‌های ویژه و اعیاد مذهبی، فرصت‌های مناسب و مقتضی برای برادران و خواهران دینی جهت آشنایی و تبادل‌نظر با یکدیگر را فراهم می‌آورند که در نتیجهٔ این چنین برخوردهایی، احساس مذهبی و مسلمانی افراد تقویت شده و به غنای هرچه بیشتر گرد هم‌آیی مسلمانان در قالب اجتماعات محلی و محله‌ای منجر می‌گردد. در طول تاریخ تمدن اسلامی، مسجد و شهر همواره در یک رابطهٔ کل نگرانه، متضمن حیات یکدیگر بوده‌اند. رابطهٔ متقابل، زنده و پویای میان مسجد و شهر در تاریخ تمدن اسلامی برقرار است. مسجد همواره جزء لاینفک شهرها و محلات مسلمان‌نشین و بیش از آن، عنصر تشکیل دهنده و هدایت کنندهٔ تغییرات و توسعهٔ شهری و مبانی تمایز شهر از روستا به‌شمار می‌رفته است. دین اسلام با سرعتی سرسام‌آور، جغرافیای سیاسی دنیای باستان را متحول ساخته و شهرنشین و بیابان‌گرد را در قالب امت واحد گرد می‌آورد که با پیوندی معنوی و فرهنگی، تمدنی بس گسترده را بر پا داشته است؛ تمدنی که به سرعت بر آثار باقی ماندهٔ شهرهای باستانی رشد نموده و شهرهای با هویت و ویژگی‌های خاص خود را پدید می‌آورد. به‌طور کلی می‌توان گفت که نقش مساجد در این هویت بخشی، نقش محوری بوده است. استعارهٔ (بیت‌الاسلام) برای شهر، اشاره‌ای نمادین به تقدس و حرمت شهر از دیدگاه اسلامی دارد، هم چنان که مکه (دارالامان) است. باوری دیرین در تمامی بینش‌های توحیدی به ویژه در دین مبین اسلام، شهر را به‌گونه‌ای نمادین محل و عامل ارتباط بشر با جهان هستی و کیهان می‌داند؛ جایی که انسان تعادل خویش را میان جسم، روح، زمین و آسمان در آن کسب می‌کند. از این‌رو، شهرهای باستانی با الگوهای نمادین برگرفته از هندسهٔ مقدس بیانگر نظم جهان هستی، پی‌افکنده می‌شوند. در حقیقت می‌توان گفت

که هر شهری محوری است از تجمع ارزش‌هایی که تمدنی را می‌سازند و در نتیجه تصویر جهان را (براساس یک جهان‌بینی) به وجود می‌آورند. تصویر جهان در شهرهای اسلامی براساس پیوند زندگی مادی و معنوی، به رابطهٔ جدا نشدنی اقتصاد، سیاست و مذهب اشاره دارد و براین اساس هویت ویژه و متماز خود را می‌سازد.[۱]

نقش تعاونی و اجتماعی مسجد

وحدت اجتماعی، عنصری اساسی برای سلامت و بنای اساسی هر جامعه‌ای است. مساجد در تحکیم این عنصر اساسی، نقش بس خطیر ایفا می‌نمایند. در چنین کانونی، زن و مرد، بزرگ وکوچک با افکار و سلایق مختلف همه در یکجاگرد آمده و همراه و همسو دوش به دوش یکدیگر می‌ایستند. حضوری این چنین، وحدت و همدلی را در جامعه استوار می‌سازد. بر پایهٔ چنین ترسیمی از مسجد است که خداوند متعال، پیامبر خویش را از اقامهٔ نماز و حتی حضور در مسجدی که وحدت جامعهٔ اسلامی را دچار آسیب می‌نماید، برحذر می‌دارد. یکی از مهم‌ترین علل تأکیدات پیامبرﷺ و ائمهٔ معصومین مبنی بر حضور مسلمین در نماز جماعت در قالب صفوف فشرده و نزدیک، ایجاد روحیهٔ تعاون در میان نمازگزاران و افزایش بعد اجتماعی در کنار انجام اعمال عبادی است. از آغاز اسلام، از مسجد علاوه بر پرداختن به وظایف دینی و الهی، استفاده‌های دیگری نیز شده است. این کار حتی پیش از هجرت پیامبر اکرم از مکه به مدینه نیز صورت می‌گرفت. مردم برای بحث در خصوص مسایل روزانه و انجام دیگر فعالیت‌های خود، گرد کعبه گرد آمده و به بحث و گفت‌وگو با پیامبر می‌پرداختند. با احداث مسجد پیامبر اکرم در شهر مدینه، استفاده از این مؤسسهٔ جدید (مسجد) به‌عنوان مرکز اجتماع مردم، آغاز شد.

در حال حاضر، مساجد به عنوان مراکز اجتماعی از سه طریق اجتماعی، سیاسی و آموزشی به مراجعان خود خدمت می‌رسانند. مساجد به واسطهٔ در دسترس بودن و توزیع کلیهٔ محلات شهری، محل مناسبی برای برگزاری مراسم گوناگون عبادت و مذهبی و اجتماعات

---

۱. بمات، شهر اسلام: ۷ و ۹۷.

محلی به شمار می‌آیند. مساجد، نقش مهمی را در تشکل مسلمانان ایفا می‌نمایند. مساجد همواره و در هر عصر و زمانی می‌توانند چنین نقشی را ایفا نموده و محور و مرکز مناسبی برای تشکل و هماهنگی مسلمانان باشند. مؤمنان حق‌جو، همه روزه برای تحکیم میثاق بندگی و پرستش در مساجد حضور می‌یابند.

از این‌رو مسجد به‌طور طبیعی و بی آن‌که به امکانات ویژه‌ای نیاز داشته باشد زمینهٔ پی‌ریزی و ایجاد تشکیلات طبیعی و سالم را فراهم می‌آوزد. تشکلی که در پرتو مسجد پدید می‌آید از بسیاری از آفت‌ها و مخاطرات که اغلب گریبانگیر احزاب و گروه‌های سیاسی می‌گردد، دور می‌ماند. چنین تشکلی در دیدگاه همگان قرار داشته و برای عضویت در آن، محدودیت‌هایی که معمولاً از باورهای خود مدارانه ریشه می‌گیرد، وجود ندارد چراکه هر مسلمان مؤمنی می‌تواند در این تشکل شرکت جوید. حضور افرادگوناگون از اقشار مختلف جامعه در مساجد به ویژه مساجد محله‌ای سبب می‌گردد تا این تشکل ریشه‌دار بوده و با بخش‌های مختلف جامعه و طبقات گوناگون اجتماعی پیوند داشته باشد. نقش تعاونی و اجتماعی مساجد در ایران به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی بسیار فعال بوده است. فعالیت صندوق‌های قرض‌الحسنه، جمعیت‌های خدمت و رسیدگی به مستمندان و بیماران، جمعیت‌های حمایت از معلولین، گروه‌های تهیه و تدارک جهیزیه، صندوق‌های کمک به امر ازدواج و درمانگاه‌های ویژهٔ بیماران سرپایی در مساجد، همه و همه نشان از اعتبار و میزان اهمیت کارکرد اجتماعی مساجد به ویژه در سطح محله‌ای دارد. مساجد همچنین در رشد و توسعهٔ زندگی مردم حتی در وضعیت کمبود منابع نقشی داشته و همواره به عنوان ناظر بر روند انجام امور مطلوب اجتماعی و مردمی فعالیت داشته‌اند. در این راستا، مساجد با انگیزه‌سازی در مردم به رشد روحیهٔ خودیاری و انجام امور داوطلبانه در سطح محله‌ای کمک به سزایی نموده‌اند. امروزه با وجود گسترش شهرنشینی وافزایش جمعیت شهرها و هرچه صنعتی‌تر شدن مراکز و محلات شهری و کم رنگ‌تر شدن ارتباطات اجتماعی به ویژه در سطح محله‌ای، نفوذ اجتماعی مساجد به عنوان مهم‌ترین کارکرد مسجد از اهمیت به سزایی برخوردار گردیده است. مساجد به واسطهٔ برخورداری از چنین کارکردی با دیگر عبادتگاه‌های مذهب رسمی قابل قیاس نیستند. از این‌رو، امروزه کلیسا از حق دخالت در امور اجتماعی جوامع حتی در سطح

محله‌ای و منطقه‌ای برخوردار نیست. از این‌رو، مسیحیان در هفته یک روز به کلیسا رفته و به عبادت خدا می‌پردازند اما با خروج از آن مکان، رابطهٔ مسیحیت و کلیسا با دنیای اجتماعی و افراد پیرامون آن قطع می‌شود. این در حالی است که در دین اسلام، نخستین سنگ بنای جامعهٔ اسلامی با احداث مسجد بنیان نهاده شد و با توجه به مسایل اجتماعی مسلمانان قرین شد.

مسجد، کانون اجتماعات محلی

مسجد تنها محل برگزاری مجالس ترحیم و عزاداری نیست، بلکه پذیرای مسایل و مراسم ازدواج، تعلیم و تربیت، مذاکرات و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و تجاری و امور مربوط به خانواده می‌باشد. در این جاست که زمینهٔ ایجاد اخوت اسلامی فراهم می‌گردد. فلسفه اساسی تأسیس مسجد در محله‌ها و شهرها، تحقق همین امر است.

به عبارت دیگر، مسجد صرفاً مکانی برای انجام فریضهٔ نماز و دیگر مراسم مذهبی نبوده و به عنوان کانون اجتماعات ایفا نموده است. در حال حاضر، اجتماعات محله‌ای در بدو امر در قالب حضور افراد محله در مساجد محلی و دیگر فعالیت‌های جمعی مشابه رشد یافته و به مرور زمان به بلوغ می‌رسد. برقراری روابط میان فردی با هدف‌گذاری‌های جمعی در سایهٔ مساجد به عنوان نهادهای اجتماعی مستقل و فعال از جملهٔ مهم‌ترین روش‌های ایجاد سازگاری اجتماعی افراد و درک مسایل اجتماعی و فرهنگی جامعه به ویژه اجتماعات محله‌ای محسوب می‌گردد.

آسیب‌شناسی نقش اجتماعی محلات

تا سه دههٔ پیش، در اغلب شهرها، محلات از اعتبار خاصی برخوردار بودند و این در حالی است که طی سه دههٔ اخیر، محلات شهری به صورت جزیره‌ای در دریای فرهنگ ملی جوامع و خرده فرهنگ‌های شهری درآمده‌اند. تغییرات سیاسی، اجتماعی و تکنولوژیک از اعتبار محله‌ای به عنوان عامل مهم در زندگی اجتماعی فردی کاسته است. در گذشته محلات جدید شهری از نسلی تشکیل می‌شد که یا به ندرت از حوزه‌های روستایی آمده و یا از شهرهای کوچک و متوسط به شهرهای پرجمعیت مهاجرت کرده بودند. این عده معمولاً در محلات معینی جای

می‌گرفتند. توسعهٔ شبکه‌های تلویزیونی، افزایش میزان سواد، حمل و نقل شهری و جابجایی افراد در فضای شهری را سرعت بخشیده و سابقهٔ ده‌ها سال اقامت خانواده‌ها در محلات معین متزلزل ساخت. از سویی، زمانی که اتومبیل وارد خانواده‌های شهری شد، محلات نوساز و جدیدی به روی صاحبان اتومبیل گشوده شد. معیارهای محله‌نشینی که قبلاً بر پایهٔ مذهبی، قومی ـ قبیله‌ای و شغلی استوار بود، شکسته شد. در گذشته، همسایگان را سوپر مارکت‌های کوچک و بزرگ با انواع تولیدات و مواد غذایی در اغلب ساعات شبانه روز انجام می‌دهند. سابقاً که همسایگان با برقراری تماس‌های دوستانهٔ نزدیک از اخبار مهم محله، شهری و جهانی با خبر می‌شدند، امروزه این مهم را رادیو و تلویزیون‌ها، روزنامه‌ها و رسانه‌های خارجی به میان خانواده‌ها می‌برند.

گسترش تماس با تلفن شهری با دیگر شهرها و روستاها و افراد خانواده، مشکلات فاصله را از میان برده و افراد و خانواده‌ها را به گوشه‌های مختلف شهری کشانیده است. پر واضح است که تمامی این عوامل در کاهش ارزش‌های محله‌ای بسیار مؤثر افتاده است.[۱]

---

۱. پورتیوس، داگلاس، محیط و رفتار: ص ۸۵.

نقش مسجد در امنیت اجتماع محله‌ای

▣ دکتر محمد عارفی

چکیده

بی‌تردید، یافتن راه حل برای مشکلات اجتماعی، صرفاً از توان دولت‌ها خارج بوده و برنمی‌آید. نگرش سیاسی و امنیتی به مسایل اجتماعی نیز روش لاپوشانی را تجویز نموده و به تخریب بیشتر جامعه می‌انجامد. در این میان مراکز علمی و پژوهشی، نهادهای مدنی مردمی به ویژه مساجد در جامعه اسلامی هستند که در کنار مردم و دولت‌ها یا حتی پیشاپیش آنان به چاره‌جویی برمی‌خیزند. مسجد، پایگاه تبلیغ دین اسلام بوده و بسیاری از آثار اجتماعی نظیر اخلاص و درستکاری، ساماندهی زندگی و نظم و تقوی برآن مترتب است. افرادی که بیشتر به مسجد مراجعه دارند، کمتر حقوق دیگران را ضایع نموده، زندگی خود را با نظم بیشتری توأمان ساخته و آثار و رفتار دینی در زندگی اجتماعی آنان نیز به چشم می‌خورد.

از سوی دیگر، نقصان ارزش‌های دینی سبب بروز بی‌نظمی‌ها و آشوب‌های اجتماعی می‌گردد. مشکلاتی که بدین وسیله به فرد منتقل می‌شود، به خانوادهٔ وی منتقل شده، سپس این درگیری و تشنج به محل کار نیز تسری می‌یابد. این سیکل باطل مرتباً تکرار شده در نهایت نابسامانی فرد و خانواده را در پی داشته و عدم امنیت در ساختار کلی جامعه به‌ویژه در سطح محله‌ای را افزایش می‌دهد. هدف از انجام این تحقیق، بیان اهمیت تشکیل ستادهای حفاظت اجتماعی در مساجد به ویژه مساجد محله‌ای و اداره آن در قالب تشکل‌های مردمی در جهت

پیشگیری از بروز و گسترش جرایم و آسیب‌های اجتماعی و به‌طور کلی نقش دین در کاهش آسیب‌پذیری اجتماعی و ارتقای سطح ارزش‌های اخلاقی و انسانی و بالا رفتن ضریب امنیت و مشارکت‌های مردمی و مسئولیت‌های اجتماعی در جهت کاهش مفاسد اجتماعی و اخلاقی در سطوح محله‌ای و شهری و توجه به نقش امنیتی مسجد در شناخت مناطق و محلات فقرآلود و برقراری عدالت اجتماعی در میان اقشار مختلف جامعه در راستای افزایش هرچه بیشتر امنیت اجتماعی محله‌های شهری است.

این مقاله، با اشاره به اصل ابشار و انذار (تأیید اعمال منطقی مطابق با دستورات الهی و رد و انکار اعمال غیرمنطقی)، به نقش تربیتی و امنیتی مساجد محله‌ای به عنوان خرده نظام‌های ارگانیستی و اجتماعی در از میان بردن احساس سرخوردگی اجتماعی افراد و کنترل کنش‌های نابهنجار در محلات شهری می‌پردازند.

مطالعهٔ حاضر، پژوهشی توصیفی (Descriptive) است که در آن علاوه بر مطالعهٔ اسناد و مدارک و منابع کتابخانه‌ای از شیوهٔ مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه بهره‌گیری شده است.

واژگان کلیدی: امنیت اجتماعی ـ آسیب اجتماعی ـ خرده نظام ارگانیستی ـ سرخوردگی اجتماعی ـ عدالت اجتماعی ـ مفاسد اجتماعی.

کارکرد اجتماعی مساجد

مسجد به عنوان یک مکان، از دو جلوهٔ متفاوت برخوردار است. به عبارت دیگر، دوگونهٔ رفتاری در این مکان ویژه متجلی می‌گردد که در امر تعلیم و تربیت و جهت‌دهی رفتارهای فردی و جمعی افراد بسیار مؤثر است. دو جلوهٔ ظاهری مساجد، رفتارها و اعمال و روابط پسندیدهٔ دینی و مذهبی و مقبول شرع و دین رخ می‌نماید و این در حالیست که در جلوهٔ پنهانی مساجد، رفتارهای شخصی، غیرجمعی و کنترلی رخ می‌دهد. هنگامی که انسان‌ها به صورت جمع در حال برگزاری مناسک و انجام فرایض دینی هستند، رفتارهای جمعی مقبول و عمومی ظاهر می‌گردد. هنگامی که افراد به صورت غیرجمعی و به صورت فردی در مسجد ظاهر می‌شوند خود به خود به محاسبه، کنترل و بررسی رفتارهای شخصی و فردی خود می‌پردازند. ویژگی مساجد به عنوان مکان‌های مقدس در مقابل سایر اماکن در این است که مسجد ماهیتاً علاوه بر این که محلی برای

تجمع و همبستگی جمعی است و انسان‌ها با حضور گروهی خود در آن به همبستگی رفتارهای جمعی می‌اندیشند، بلکه به طور مکانی و موقعیتی و با عنایت به نگاه خاص فردی که در آن مکان حضور می‌یابد، خود به خود فرد را به درون خود ارجاع داده و آن چه را که در جمع از طرح آن پرهیز می‌نمود، در حالت انفرادی به طرح آن می‌پردازد. گفتنی است که طرح موضوعات و مسایل رفتاری و فکری بیشتر حالت اصلاح کنندگی، ترمیمی و کنترلی دارد. براین اساس می‌توان پذیرفت که هم حضور جمعی و هم حضور فردی در مساجد می‌تواند رفتارهای مطلوب فردی و جمعی را در فرد برانگیزاند و این در حالی است که سایر اماکن ممکن است تنها یکی از این حالات تأثیری را بر جای گذارند.

به عنوان مثال حضور در مدرسه، ماهیتاً و به لحاظ موقعیتی که دارد، حضوری جمعی است و اثرات احتمالی آن تنها با حضور جمع معنادار می‌گردد. به عبارت کلی، مدرسه جایی نیست که افراد بخواهند به‌طور انفرادی در آن جا حاضر شده و به فعالیت بپردازند. بدین ترتیب برای مساجد نیز می‌توان نقشی دوگانه قایل شد. نقش نخست، کمک به اصلاح و انجام رفتارهای جمعی افراد است؛ چرا که افرادی که در مساجد گرد هم می‌آیند، از طریق دین و آیین‌ها و مناسک جمعی به یکدیگر متصل می‌گردند و این از آن روی است که عقاید مذهبی درونی بوده و نیاز به آیین‌ها و شرکت در مناسک را در پی دارد. افراد با حضور در این مراسم و انجام فعالیت‌های عبادی، هویت جمعی خود را سامان می‌بخشند. اگر چنانچه به رابطهٔ میان دین و مذهب و ماهیت روابط و نهادهای اجتماعی توجه کنیم، در این صورت کارکرد اصلی دین (تنظیم نیازها و کنش‌های انسانی از طریق جلب اعتماد به امور مقدس و اتصال افراد از طریق آیین‌ها و مناسک جمعی به گروه) خواهد بود. به هر حال مساجد می‌توانند به ایجاد و تقویت رفتارهای مقبول کمک کنند. رفتارهایی که ممکن است انجام آن در جامعه معمول باشد، ممکن است در مسجد پسندیده و مقبول نباشد. از این رو، کارکرد مهم مساجد، ایجاد تمایز میان رفتارهای بطن جامعه با رفتارهای داخل مسجد است.

به عبارت دیگر، برای ظهور و تجلی برخی رفتارها، لاجرم به موقعیتی مکانی به‌نام مسجد نیاز است.[۱]

---

۱. سجادی، سید مهدی، مسجد و تعلیم و تربیت: ص ۲۴۷.

مساجد و تعاون اجتماعی

مساجد، پایگاه عمومی مسلمانان و محل حضور اقشار مختلف اجتماع بـه شـمار مـی‌آیند. از این‌رو، مسجد جایگاه مناسبی برای تعاون اجتماعی مسلمانان و مشارکت آنان در برطرف نمودن نارسایی‌ها و آسیب‌های اجتماعی است. مسجد در جایگاه اصیل خود، یک الگوی ارزش‌گذاری است؛ به عبارتی ارزش‌های فراموش شده مجدداً در مساجد مطرح می‌گردد. از دیگر نقش‌های اجتماعی مساجد. می‌توان به کارکرد مسجد در پرورش نیروهای متعهد اشاره نمود که حکومت اسلامی به آن‌ها نیاز دارد، زیرا مسجد بار هدایت فکری و تربیتی نیروهای جامعه را بر دوش دارد. در سایهٔ رفت و آمد افراد به مساجد، اخلاق، آداب و خط‌مشی آنان تا حدود زیادی هویدا می‌گردد که این خود در روابط افراد با یکدیگر سازنده و مؤثر است. حاکمیت اسلامی نیز می‌تواند از این رهگذر، نیروهای متعهد مورد نیاز خود را جهت تحقق فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر شناسایی کند. در این راستا، در سایهٔ تجمع و انسجامی که مؤمنان در مساجد می‌یابند می‌توان بهترین تشکل مردمی را جهت مبارزه با منکرات و مفاسد و آسیب‌های اجتماعی پی‌ریزی نمود.

مساجد و برقراری عدالت اجتماعی

برقراری امنیت و رفاه اجتماعی در جامعه، دامنهٔ وسیعی از فعالیت‌ها و برنامه‌های پیش‌گیرانه، حمایتی و امنیتی و خدمات اجتماعی خاص را شامل می‌گردد که تحت نظارت و کمک دولت‌ها و نهادها و گروه‌های مردمی نظیر مساجد، کانون‌های اجتماعی ـ فرهنگی، به‌منظور حفظ سلامت تمامی افراد جامعه، صورت گرفته و از دو رویکرد در جهت‌گیری عام و خاص برخـوردار می‌باشد. در رویکرد عام، برای برقراری امنیت اجتماعی با محوریت قرار دادن سلامت و با تأکید بر اصول پیش‌گیری از ارتکاب جرم برای ارتقای کیفیت زندگی آحاد مردم و مشارکت همه جانبهٔ آنان، برنامه‌های ارتقایی پی‌ریزی و به مورد اجرا گذارده می‌شود. در رویکرد خاص، ارایهٔ خدمات اجتماعی به افراد به خصوص افرادی که در معرض خطر بیشتری نسبت به آحاد جامعه هستند، به ویـژه در سـطح خـرد (مـحله‌ای) مـد نـظر قـرار مـی‌گیرد. در ایـن راسـتا،

اصول راهنمایی جهت تحقق امنیت اجتماعی به شرح ذیل مد نظر می‌باشند:

۱ ـ تأکید بر سلامت و سلامت محوری جامعه و ارتقای مستمر کیفیت زندگی آحاد جامعه.

۲ ـ تأکید بر ارایهٔ خدامت امنیتی علاوه بر ارایهٔ خدمات حمایتی.

۳ ـ محور قرار دادن آسیب‌های اجتماعی و جرایم در مقابل افراد آسیب دیده و پیش‌گیری از بروز آنها.

۴ ـ بهبود و شناخت علمی و سیستماتیک آسیب اجتماعی و انجام برنامه‌های اجرایی پیش‌گیرانه در این خصوص.

۵ ـ تأکید بر تسهیل شرایط مشارکت و رقابت مردم با نهادهای مرکزی نظیر مساجد و تکایا در برنامه‌های امنیتی به ویژه امنیت محله‌ای.

ستادهای حفاظت اجتماعی مساجد و برقراری امنیت اجتماعی

همان‌گونه که مساجد از صدر اسلام تاکنون به عنوان مردمی‌ترین پایگاه اعتقادی و اجتماعی و مرکز نشر فرهنگ اسلام مطرح بوده‌اند، امروز نیز در مبارزه با تهاجم فرهنگی و تقویت فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر پیش قدم می‌باشند. با تشکیل ستادهای حفاظت اجتماعی در مساجد به ویژه مساجد محله‌ای و ادارهٔ آنها در قالب تشکل‌های مردمی و سازمان یافته، کارکرد امنیتی و پیش‌گیرانهٔ مساجد از بروز وگسترش جرایم و آسیب‌های اجتماعی پررنگ‌تر شده و به همان نسبت امنیت اجتماعی افراد جامعه به ویژه در سطح محله‌ای افزایش می‌یابد. با تشکیل هسته‌های ستاد حفاظت اجتماعی به عنوان نهاد حفاظت اجتماعی صددرصد مردمی در بیش از یکصد هزار محلهٔ کشور، برقراری امنیت اجتماعی در سطوح شهری و محله‌ای هرچه بیشتر تضمین می‌گردد.

در حقیقت، ستاد حفاظت اجتماعی عهده‌دار نقش کشف و پیش‌گیری از وقوع جرم و در نهایت حفاظت از امنیت و نیازهای اجتماعی جامعه توسط خود شهروندان است. به عبارت دیگر این ستادها به عنوان سیستم دفاعی هر محله در برابر بزهکاران و مجرمین فعالیت

مـی‌نمایند. بـا راه‌انـدازی چـنین هسـته‌های اجـتماعی در مـحلات و امـاکـن عـمومی، آسیب‌های اجتماعی هر محله شناسایی و تحرکات مجرمین و بزهکاران اجتماعی محلات زیر ذره بین اعضای مردمی ستاد قرار می‌گیرد. در اغلب کشورهای پیشرفته، امور امنیتی و حفاظت اجتماعی، به تشکل‌های مردمی و یا بخش‌های خصوصی نظیر کارآگاهان غیررسمی واگذار می‌گردد. به عبارتی، این چنین تفکری از سال‌ها پیش در جوامع توسعه یافته در حال اجراست. امروزه حفاظت از محیط‌زیست با تخریب‌کنندگان طبیعت و محیط‌زیست به مقابله می‌پردازد، حفاظت اجتماعی نیز نقش مبارزه با بزهکاران و خاطیان اجتماعی را برعهده داشته و از آلوده شدن جامعه به جرم و بزه و ناامنی جلوگیری می‌کند. در کشورهای اسلامی من جمله ایران، هسته‌های ستاد حفاظت اجتماعی در مساجد و یـا کـتابخانه‌های مـحله‌ای تشکـیل مـی‌یابد. با تشکیل ستاد حفاظت اجتماعی در مساجد محلات، حقوق و آزادی‌های شهروندان تضمین شده و با جلوگیری از تعرض‌های نابجا به زنان، دختران، پسران و جوانان، امنیت گروه‌های سنی و جنسی مختلف تأمین می‌گردد.

نقش دین و مساجد در کاهش آسیب پذیری اجتماعی

عنصر عظیم اجتماعی دین، کارکردهای ارزشمندی در تحرک و شادابی اجتماعی در عرصه‌های مختلف داشته، و عامل مهمی در سلامت جامعه و کاهش آسیب‌پذیری اجتماعی محسوب می‌گردد. از این‌رو بدیهی است که تقویت آن در جامعه به ویژه در سطح محلی و محله‌ای، به ارتقای سطح ارزش‌های اخلاقی و انسانی و سلوک اجتماعی و بالا رفتن ضریب امـنیت و مشارکت‌های مردمی و مسؤولیت‌های اجتماعی مـنجر گشـته و کـاهش مـفاسد اجـتماعی و اخلاقی و بسیاری از جرایم را نیز در پی دارد. این کارکرد ارزشمند و منحصر به فرد عنصر دین، آن را در میان سرمایه‌های اجتماعی متفوق ساخته و براین اساس باید در صدر کالاهای عمومی در نظام برنامه‌ریزی کشور قرار گیرد. با نگاهی اجمالی به برخی کشورها از جمله جمهوری ترکیه می‌توان مشاهده کرد که آن‌ها نیز علی‌رغم تمایلات‌شان در پرداخت به مباحث دینی، به لحاظ کارکردها و تأثیرات عمیق دین بر بهبود و سلامت زندگی فردی و اجتماعی و برقراری امنیت

اجتماعی، به انجام سرمایه گذاری‌های کلانی در این بخش مبادرت نموده‌اند. مسجد محلی است که مشکلات اجتماعی با امید و وحدت در آن مطرح شده و ارضای نیازهای جسمی و روحی در سطوح تصمیم‌گیری با نیت خیر در آن منعقد می‌گردد. در مساجد می توان شاهد بازگشت تمامی طبقات و اقشار مختلف جامعه بود. کدورت طبیعی افراد جامعه در آب زلال مساجد شستشو شده و حب و بغض‌های بیهوده و مظاهر دنیوی به فراموشی سپرده می‌شوند، اگر مسجد نقش آفرینی خود در تهذیب روح اجتماع را به درستی انجام ندهد، شدت مشکلات و اضطراب‌های تمدن به ظاهر ماشینی، جامعه را درهم ریخته و انحرافات و آسیب‌های بسیار اجتماعی در جامعه بروز می‌نماید؛ از این‌رو، مساجد با برخورداری از کارکرد امنیتی خود، نقش به سزایی در مهار و از میان بردن آسیب‌های اجتماعی به ویژه در سطح محله‌ای ایفا نموده و بدین ترتیب موجبات برقراری امنیت در محله‌ها و شهرها را فراهم می‌آورند. با حضور در مساجد به عنوان مراکز عبادی اسلام، در اصل ظهور یک واکنش و رفتار و نه لزوماً در کیفیت آن است. نقش امنیتی مساجد، نقش تکمیلی و تربیتی در جهت ایجاد و تقویت رفتارهای مطلوب و نه صرفاً نقش تثبیت رفتارهایی است که در مساجد رخ می‌دهند.[۱]

مساجد، حافظ و پاسدار جهان اسلام‌اند. در جهان اسلام بسیار اندک‌اند شهرهایی که از دیوارهایی بلند و مستحکم همچون سایر شهرهای جهان برخوردار باشند. در جهان دژهای استواری برپاست که ضخامت و درازای برخی از آن‌ها به به دیوار معروف چین می‌رسد، و برج‌هایی بلند و مستحکم همچون برج‌های مستقر در شهرهای اروپایی وجود دارند. این در حالی است که در جهان اسلام، تعداد دژها و دیوارها بسیار اندک است، زیرا در تمامی شهرها و محلات اسلامی، مساجد به عنوان دژهای اسلام و مراکز مدافع امنیت اجتماعی و ایمان قدرت برتر آن به شمار می‌آید. در گذشته امت‌های مسلمان تنها به فضل دین اسلام و وجود مساجد متعدد از فتنه‌های کوبنده و ویرانگر و آسیب‌های اجتماعی در امان مانده‌اند. به جرأت می‌توان اذعان داشت، همان‌گونه که آیین مسیحیت به همت پیروان خود زنده ماند، جهان اسلام و امت مسلمان نیز به فضل وجود مساجد پایدار و زنده ماندند.

---

۱. سجادی، سید مهدی، مسجد و تعلیم و تربیت: ص ۳۱.

نقش مساجد در کنترل کنش‌های نابهنجار محلات شهری

به راستی آیا هنجارها در حال دگرگونی است؟

آیا بی‌هنجاری در حال گسترش است؟

آیا به سوی فروپاشی اجتماعی پیش می‌رویم؟

بی‌تردید، یافتن راه حل برای مشکلات اجتماعی، صرفاً از توان دولت‌ها خارج بوده و برنمی‌آید. سیاسی و امنیتی دیدن مسایل اجتماعی نیز که روشی لاپوشانی را تجویز می‌کند، به تخریب بیشتر می‌انجامد. در این میان مراکز علمی و پژوهشی، نهادهای مدنی و به‌ویژه مساجد در جامعهٔ اسلامی و رسانه‌های همگانی هستند که در کنار مردم و دولت‌ها یا حتی پیشاپیش آنان به چاره‌جویی برمی‌خیزند. بی هنجاری یا نابهنجاری (Anomy) متضمن فقدان، گسست، شکست یا تعارض هنجارهای اجتماعی است. این اصطلاح از منظر دورکیم، مبین حالتی نابهنجار است که در نتیجهٔ گذار جامعه از انسجام مکانیکی به ارگانیک رخ می‌دهد. به عبارت دیگر، بسط تقسیم‌کار، اگر چه زمینه‌ساز نیل جامعه به انسجام ارگانیک می‌گردد، لیکن سبقت گرفتن رشد اقتصادی بر اصول و تنظیمات اخلاقی در فرآیند تفکیک‌پذیری ساخت‌های اجتماعی و تخصصی شدن وظایف کارکردی، موجبات بروز آسیب‌های نابهنجار را فراهم می‌آورد در چنین شرایطی، احساس سرخوردگی اجتماعی و همچنین نبود پیوندهای جمعی فرد را وا می‌دارد تا کنش‌های نابهنجاری را از خود بروز داده و با درگذشتن از نظم اجتماعی، درصدد ارضای تمایلات خویش برآید. البته انجام این اعمال نیز چیزی از بی‌معنایی و احساس آشفتگی درونی فرد نابهنجار نمی‌کاهد؛ اما با این حال نظم عمومی را مخدوش می‌نماید. این مفهوم، اما از نظر مرتن، نارسایی فشارهای ساختی جامعه درهم نوایی با ارزش‌های فرهنگی و دینی بازگشته و بروز انحراف را ناگزیر می‌سازد. به عبارت دیگر، اگر افراد برای نیل به اهداف مطلوب فرهنگی و دینی، نتوانند از ابزار مناسب اجتماعی بهره‌گیرند، ناچار به تأکید یک سویه به اهداف ساختی یا ارزش‌های فرهنگی و دینی بسنده کرده و یا به جای چنین تأکیدی، راه انزوا و طغیان در پیش گرفته، و در نهایت سر از انحرافات اجتماعی در می‌آورند. از آنجاکه بحران‌ها و انحرافات اجتماعی محصول عدم تراز مبادلات داده ـ ستاندهٔ خرده نظام‌های

اجتماعی بوده و تنش‌های اجتماعی، از ناتوانی خرده نظام‌های اجتماعی در ایفای کارکردهای ساختی آنها حکایت دارد، از این‌رو اگر چنانچه خرده نظام‌های اقتصادی و سیاسی جامعه‌ای نتوانند پول، قدرت، نفوذ و تعهد ایجاد کرده و یا خرده نظام‌های ارگانیستی شخصیتی، اجتماعی و رفتاری، از تولید نقش به تعلق، هنجار و ارزش باز مانند، بر این سیاق، بروز بحران‌ها و تنش‌های اجتماعی حتمی است. در اینجاست که نقش تربیتی و امنیتی کانون‌های عبادتی اسلام (مساجد) محله‌ای به عنوان خرده نظام‌های ارگانیستی و اجتماعی در از میان بردن احساس سرخوردگی اجتماعی و برقراری ارتباطات گروهی، فرد یا افراد جامعه (به‌ویژه در سطح محله‌ای) را وا می‌دارد تا به کنترل کنش‌های نابهنجار خود پرداخته و با رعایت نظم اجتماعی، از ارضای تمایلات خویش که برخلاف مصالح اجتماعی آنان است، پرهیز نمایند. نقش امنیتی مساجد با نقش تربیتی این مراکز در ارتباط متقابل‌اند. منظور از نقش تربیتی مساجد، نقشی است که این نهادهای مقدس در زمینه‌های روحی ایفا می‌نمایند. آن‌گاه که مؤمن به مسجد وارد می‌شود، در فضای آکنده از قداست و طهارت، کانونی ساده و عاری از پیرایه‌های مادی اما انباشته از جلوه‌های معنوی و الهی، قرار می‌گیرد. با آن که گناه در همه جا نکوهیده و زشت است، اما در مسجد قباحتی دو چندان دارد؛ از این‌رو، مؤمن باید تلاش و کوشش بیشتری در جهت آلوده نشدن به گناه، به زبان نیاوردن سخنان ظالمانه، تجاوز نکردن به حقوق دیگران، عدم ارتکاب به جرایم و آسیب‌های اجتماعی در چنین اماکن مقدسی انجام دهد. در حقیقت مراقبت بر به کار بستن چنین اموری، خود نوعی تمرین انجام کارهای خیر و دوری از بدی‌ها و برقراری امنیت در اجتماع است. از این‌رو، حضور در مسجد، تمرین توجه به خداست. آزمون مبارزه با نفس و ترک گناهان و فعالیت‌های خلاف (جرایم) است. به واسطهٔ برخورداری مساجد از روحیهٔ گروهی، آثار سازنده و تربیتی حضور در مساجد، به تدریج به دیگر اعمال فرد و عملکرد سایر افراد نیز سرایت می‌کند. در مکتب تربیتی اسلام، انزواطلبی و جمع‌گریزی به عنوان یک بیماری روحی شناخته شده و در مقابل اجتماعی بودن و جمع گرایی ـ در حد معقول آن ـ نشانهٔ سلامت روح و روان آدمی و تعادل فکری وی به شمار می‌آید. افزون برآن چه گذشت، مساجد معمولاً جایگاه طرح مشکلات و نارسایی‌های اجتماعی می‌باشند. به‌طور طبیعی حضور در چنین اماکنی، روح تعهد و دردمندی را در فرد و افراد می‌دمد.

پرورش این خوی پسندیده در اشخاص خود نوعی مبارزه با روحیهٔ بی‌تعهدی و بی‌تفاوتی است؛ یعنی روحیه‌ای که هرگاه در افراد جامعه به ویژه نسل جوان پیدا شود، آسیب‌های اساسی بر پیکرهٔ آن جامعه وارد می‌گردد.

مساجد و عدم تضییع حقوق شهروندان

از آنجایی که دین مبین اسلام برای تمام شئون زندگی انسان برنامه و هدف دارد، مساجد نیز به عنوان سامان‌دهندگان رفتار دینی مردم و در قالب نظم رفتاری در حیات اجتماعی مطرح می‌گردند. مساجد، پایگاه تبلیغ دین اسلام بوده و بسیاری از آثار اجتماعی نظیر اخلاص و درستکاری، ساماندهی زندگی و نظم و تقوی بر آنها مترتب است. افرادی که بیشتر به مساجد آمد و شد دارند، رفتارشان در تمامی مراحل زندگی به شکل مثبت مشهود است،کمتر حقوق دیگران را ضایع می‌کنند، زندگی‌شان با نظم و توجه بیشتری توأمان است و آثار رفتار دینی آنان در زندگی اجتماعی آنان نیز به چشم می‌خورد. از دیگر سو، نقصان ارزش‌های دینی، سبب بروز بی‌نظمی‌ها و آشوب‌های اجتماعی و نهایتاً عدم برخورداری شهروندان از امنیت اجتماعی می‌گردد. مشکلاتی که بدین وسیله به فرد منتقل می‌شود، به خانواده‌ی وی منتقل شده و سپس این درگیری و تشنج به محل کار فرد نیز تسری می‌یابد. این سیکل باطل مرتباً تکرار شده و در نهایت نابسامانی فرد و خانواده‌ی وی را در پی داشته و عدم امنیت درکل جامعه راگسترش می‌دهد.[۱]

اشخاصی که پیوسته به مساجد آمد و شد دارند، با اهل ایمان و نمازگزاران و افراد منظم و متعبد در معاشرت و رفت و آمد هستند. ایمان و تعهد عملی آنان در معرض دید همگان قرار گرفته، به یک معیار شخصیتی و اعتبار اجتماعی نیز دست یافته و قهراً این جمعیت در روند داد و ستدهای اقتصادی، خانوادگی و روابط اجتماعی و رفتاری آنان ملاک اعتبار و اطمینان قرار می‌گیرد.

---

۱. نقیب السادات، مسجد و نقش آن در رفتار دینی مردم: ص ۷.

نقش امنیتی مساجد در شناخت فقرآلود

افزایش بحران در جهان سوم، اکولوژیست‌ها را در تحقیق بر روی موضوعاتی چون فقر، جرم و جنایت، اعتیاد به مواد مخدر و ناآرامی‌های اجتماعی مصمم‌تر ساخته است. در مطالعهٔ آسیب‌شناسی اجتماعی، اغلب براین مطلب که عامل فقر بیش از سایر عوامل در پیدایش و تشدید مسایل و آسیب‌های اجتماعی شهرها و محلات شهری مؤثر افتاده است. تأکید می‌گردد. از این‌رو، نقش امنیتی مساجد شهری در زمینهٔ شناخت مناطق فقرآلود محله‌ای و شهری، میزان درآمد خانواده و برقراری عدالت اجتماعی در میان اقشار مختلف مردم رخ می‌نماید.

نقش تربیتی مساجد و اصل ابشار و انذار

وجه تمایز انسان با دیگر موجودات خلقت در این است که انسان موجودی متفکر و دارای قوهٔ اندیشه و تعقل است. هر شخص در اجتماع و طول زندگی روزمره به افعال و اعمالی مبادر می‌نماید که ناشی از تراوشات فکری و ذهنی وی می‌باشد. حال ممکن است هر فعلی که انجام می‌گیرد، در راستای دستورات و فرامین دینی و اعتقادی نباشد. بعضاً ممکن است برخی از این اعمال در تناقض با دین باشند؛ در این جاست که مساجد به عنوان کانون‌های محوری دین اسلام، در تأیید اعمال منطبق با دستورات الهی و رد و انکار اعمال غیر منطبق ایفای نقش می‌نمایند. از آن جاکه اسلام دین جامعی است، حامل پیام و دستور برای تمام شئونات و مسایل زندگی انسان می‌باشد. بالطبع بهترین مکان برای دریافت و پذیرش این دستورات، کانون‌های عبادی دین اسلام (مساجد) می‌باشد؛ هم چنان‌که یکی از خصوصیات بارز دین اسلام که توسط پیامبر ابلاغ گردیده، اصل بشارت و انذار است. بشارت در واقع تأیید و تشویق اعمال است که فرد یا افراد جامعه در راستای دین اسلام و دستورات الهی مطابق با قوانین زندگی اجتماعی به انجام آن مبادرت می‌نمایند. در مقابل، انذار (ترسانیدن و هشدار دادن) به انکار و نهی فرد یا افراد جامعه از انجام اعمال خلاف و معصیت‌زا و جرایم اطلاق می‌گیرد.

منابع و مأخذ

۱ ـ سجادی، سید مهدی، مسجد و تعلیم و تربیت، ص ۳۱ و ۲۴۷ .
۲ ـ نقیب السادات، مسجد و نقش آن در رفتار دینی مردم، ص ۷ .
۳ ـ الیاده، میرچا، دین پژوهی، ترجمهٔ بهاء الدین خرمشاهی.
۴ ـ جعفری، محمد تقی، فلسفهٔ دین.
۵ ـ هیگ، جان، نقش اجتماعی دین، ترجمهٔ بهزاد سالکی.

نقش مسجد در ایمنی و مسائل محیط زیست محله‌ای

▣ دکتر اسدالله اسدی

چکیده

مسئلهٔ محیط زیست در دهه‌های اخیر معضلی برای همه جهانیان و بحث روز بسیاری از جوامع بوده است. در همین راستاست که مباحثی از قبیل توسعهٔ پایدار با طرح ملاحظات زیست‌محیطی سعی در حفاظت از محیط زیست، قابلیت استفاده از منابع برای نسل‌های آتی، بهبود و تطبیق با شرایط محیطی و سالم‌سازی محیط زندگی را داشته‌اند؛ اگرچه در تقلیل بحران‌های زیست‌محیطی چنین نظراتی جایگاه خاص خود را دارند و در ارتقای کیفی محیط زندگی لازمند، اما کافی نیستند؛ زیرا در حقیقت اغلب به تبع جهان بینی‌های غالب بر جهان معاصر، به ابعاد بحران و از میان رفتن امنیت داشته‌اند، چندان مورد توجه قرار نمی‌دهند. امروزه تغییر نگرش جامعه نسبت به طبیعت و مفهوم مادی گرایانه علوم نیوتنی از آن، تسلط بر طبیعت و تخریب آن را توأماً در برداشته و بدین سبب توجه به مفاهیم معنوی اسلام و مسجد به‌عنوان کانون چنین مفاهیمی، روز به روز اهمیت خود را بیشتر می‌نمایاند. آنچه باعث می‌شود فن‌آوری‌های محض اجرا شده و کاربرد علوم و پیشرفت‌های تکنولوژی شگفت‌انگیز اخیر قادر به حل بحران‌های زیست محیطی و بهبود کیفی محیط زیست نباشد، تسلط دیدگاه جزءگرایانه و مادی نسبت به امور است.

این مقاله با بررسی دیدگاه انسان در سیاست‌های محیطی، به لزوم شناخت هرچه بیشتر

فرهنگ دینی مسجد و کاربرد آن در سیاست‌گذاری‌های محیطی به‌ویژه در سطح محله‌ای تأکید داشته و به اهمیت و نقش آن در کنترل و حل بحران‌ها و آسیب‌های زیست‌محیطی از طریق تبیین رابطهٔ انسان و محیط زیست در جهت باز آفرینی نقش شهروندان در حفاظت از محیط زیست می‌پردازد.

همچنین به توسعهٔ پایدار در فرهنگ اسلامی و تفسیر آن اشاره‌ای خواهد داشت. مطالعهٔ حاضر، پژوهشی توصیفی ـ استنباطی (Descriptive - Referential) است که در آن از مطالعه اسناد و مدارک و منابع کتابخانه‌ای بهره‌گیری شده است.

واژگان کلیدی: توسعهٔ پایدار ـ انسان مدرن ـ انسان محوری ـ حفاظت محیطی ـ محیط زیست محله‌ای.

دیدگاه جزءگرایانهٔ انسان به طبیعت

بحران‌های زیست محیطی کل نظام طبیعت را تهدید می‌نماید. انقراض گونه‌ها، نابودی جنگل‌ها و تخریب محیط زیست به واسطهٔ افزایش مصرف انرژی در جهان در حالی صورت می‌پذیرد که بحث کنونی بسیاری از کنوانسیون‌ها، مجامع و آژانس‌های بین‌المللی و ملی در سراسر دنیا در زمینهٔ پایداری توسعه بوده و موافقت نامه‌های جهانی و تعهدات دولتی به ارایهٔ استراتژی‌ها و راه کارهایی در جهت حل مسایل محیطی می‌پردازند.

سؤال این جاست که چگونه به رغم توصیهٔ الگوهای مناسب‌تر پایداری در زمینه‌های مربوط به محیط زیست، تغییرات قابل توجهی در ارتباط با شیوه‌های مصرف تمایل به جایگزینی انرژی‌های تجزیه‌پذیر به جای انرژی‌های فسیلی و صرفه جویی در استفاده از منابع به وجود نیامده است. در حالی که پاسخ به این سؤال ممکن است جواب‌های ظاهری بسیاری را در پی داشته باشد اما در بطن آنها حقیقتی نهفته است که ریشهٔ بسیاری از مسایل محیطی به‌شمار می‌آید و آن عدم توجه به ابعاد معنوی ارتباط میان انسان و محیط زیست است. بحران زیست‌محیطی، تبلور خارجی بیماری و رنج داخلی است.

این بیماری دیر زمانی است انسانی که برای بدست آوردن زمین از آسمان روی‌گردانده و به جای آسمان به زمین اصالت داد و اکنون زمین را نیز به دلیل نداشتن آسمان از دست می‌دهد را به ستوه آورده است. انسان معاصر انسانی است که قانون‌گذاری می‌کند، ارزش تعیین می‌کند، به هیچ قدرتی خارج از خود اتکاء ندارد و به عبارتی کلی‌تر مرکز هستی است. پایه‌های اصلی چنین دیدگاهی در افکار بسیاری از صاحب نظران در طول تاریخ مشاهده شده است. به‌عنوان مثال فیثاغورث در این باره می‌گوید: «انسان میزان تمامی چیزهاست». با این‌حال انسان محوری با تأکید بر ابعاد مادی آن در دورهٔ نوزایی (رنسانس) نضج گرفت. در اوج این دیدگاه عوامل مهمی دخیل بوده‌اند که در ذیل به مهم‌ترین آنها اشاره‌ای خواهیم داشت.

دیدگاه علم گرایانه به طبیعت

برای انسان سنتی چه غربی و چه شرقی با هر دین و آیینی، طبیعت از جنبه‌ای از تقدس برخوردار بوده است. آب، درخت، کوه و بسیاری از مظاهر طبیعت دارای ارزش والایی بوده و حتی دخالت در آن‌ها از دیدگاه شرقیان گناه شمرده شده است.

جنبه‌های لایتناهی طبیعت در ساخت معابد و باغ آرایی‌های آنان کاملاً مشهود است. اما با گذشت زمان تأکید بر پرستش طبیعت آن چنان که هست به تدریج اهمیت خود را از دست داده و همچنان که تمدن و مظاهر مربوط به آن طی قرون سیزده و چهارده میلادی تحول خود را آغاز می‌کند، توجه به طبیعت که بخشی از محیط زیست بوده و با رستگاری انسان مرتبط بوده کنار گذارده می‌شود. افرادی چون دکارت نیز مانند افلاطون معتقد بود که هرچه از نظر علمی قابل اعتبار نباشد وجود ندارد و طبیعت تنها از جنبهٔ کیفیت‌های ملموس مانند انرژی و وزن تشکیل شده و ارزش‌های ذاتی و غیرقابل اندازه‌گیری مانند زیبایی اهمیت چندانی ندارد.

با انقلاب دکارتی، نه تنها فلسفه از مذهب جدا شد بلکه مبتنی بر عقل گردید. با چنین پیش درآمدی، علم جدید توسط اشخاصی چون گالیله، کپلر و نیوتن از طرق گوناگون و با تأکید بر علوم تجربی و دیدگاه جزءگرایانه یا اتمیسم علمی بنیان گذارده می‌شود. مطابق چنین دیدگاهی، طبیعت موجودی قابل احترام و تقدس نبوده و تنها به آزمایشگاهی برای اثبات

نظریات گوناگون علمی متکی بر حس و تجربه و از زمان فرانسیس بیکن مساوی قدرت و توانایی مبدل می‌گردد. تحولات علمی قرون اخیر به پیروزی چنین دیدگاهی در تمامی زمینه‌ها منجر گردیده است. بلند پروازی‌های علمی سبب می‌گردد که انسان به تدریج چنین ذهنیتی پیدا کند که علم را جایگزین همه چیز کرده و آن را داروی درد جامعهٔ بشری سازد. حتی برتراند راسل، مدینهٔ فاضله‌ای با نام علمی را بر این پایه بنا نهاده است.

تسلط و کنترل انسان بر طبیعت

فیثاغورث و افلاطون بحثی در ارتباط با جدایی انسان از طبیعت از طریق دو تفکر سیستمی متفاوت به وجود آوردند؛ اما هر دو به دنبال اعتقاد به جدایی نفس (روح غیر مادی از بدن) و (کالبد مادی) بوده و دنیای فیزیکی را دامی برای نفس می‌دانستند.

دوگانگی میان انسان و هر آنچه غیرانسانی بود و تفاوت این دو براساس خردورزی منحصر به فرد انسان، عامل دیگری در ایجاد دیدگاه انسان محوری به شمار می‌رفت. این توصیه توسط افرادی چون ارسطو، پاسکال و کانت به این نظر ختم می‌شود که تنها انسانها خردورز هستند و چون دارای قدرت و برتری نسبت به سایر موجودات می‌باشند، می‌توانند بر آنها تسلط یابند. پیام اصلی خردورزی، کاربرد واژهٔ «ماشین» برای طبیعت بود که توسط کپلر و دکارت بسط یافت. آنان دنیای مادی را به مثابهٔ ماشینی تصور می‌نمودند که بر طبق یک سری قوانین ثابت و غیرقابل تغییر که از ابتدا وجود داشته بدون هرگونه خلاقیت در خودکار می‌کند. علاوه برآن، بی‌حرکتی ماده، فقدان علم و ارزش‌های ذاتی در غیرانسان، او را از صدماتی که به اکوسیستم‌های طبیعی می‌زد، تبرئه می‌نمود.

فرانسیس بیکن نیز با تأکید خود براین که علم قدرت است و دانش علمی یک قدرت تکنیکی بر طبیعت دارد مانند کانت از تسلط بر طبیعت و یا قابلیت تغییر و انطباق طبیعت به وسیلهٔ نیازها و خواسته‌هایی که انسان تعیین می‌کند، نام می‌برد. به واسطهٔ این چنین تفکری، ارزش‌گذاری بر طبیعت مطرح می‌گردد. این که طبیعت فاقد ارزش است و تنها از مواد خام برای مصرف در ارتباط با ایده‌های انسانی تشکیل شده است، پایهٔ برخی تئوری‌های اجتماعی

می‌گردد. لوک ـ بنیان‌گذار لیبرالیسم مدرن ـ طبیعت را فاقد ارزش می‌داند و هیچ ارزشی برای زمین نمی‌گذارد، مگر آن که توسط انسان مورد بهره‌برداری قرار گیرد و حتی پس از توسعه، هم‌چنان کارگر را به عنوان ارزش اصلی معرفی می‌نماید.

مارکس نیز که هستی را چیزی جز مادهٔ بی‌شعور نمی‌داند به ابزار تولیدی بها می‌دهد و از این روی طبیعت را فاقد ارزش ذاتی می‌داند.

تأثیر انسان محوری بر سیاست‌های محیطی

مقولات مورد بحثی چون علم‌گرایی و دیدگاه جزءگرایانهٔ جدایی و تسلط انسان بر طبیعت و نحوهٔ ارزش‌گذاری طبیعت سبب شد تا در نگرش انسان محوری، انسان اصالت را به ماده داده و هر آن‌چه را که در قلمرو زندگی مادی قرار گیرد دارای ارزش شود. به عبارت دیگر، رفاه و امرار معاش به عنوا ارزش شناخته و معرفی شد. در نهایت این نوع تفکر سبب شد سیاست‌های محیطی بر سیاست‌های انسان‌گرا با تکیه بر محوریت انسان مشتمل گردد. تفکر مرکزیت انسان به عنوان تنها موجود خلاق، هوشیار و تولیدکنندهٔ نظام طبیعت، حقی را در وی ایجاد نموده است که منحصراً به خود بیاندیشد.

در کنفرانس‌های متعدد در ارتباط با پایداری و محیط زیست هنگامی که منظور از پایداری، حفاظت از محیط حال و آینده برای نسل‌های آتی تلقی می‌گردد این موضوع به وضوح نمایان می‌شود. به عنوان مثال توسعهٔ پایدار در استراتژی‌های حفاظتی دهه ۱۹۸۰ توسعه‌ای است که کاربرد منافع انسانی مالی، طبیعی و... را برای رفع نیازهای انسانی و بهبود کیفیت زندگی وی در بر داشته باشد. در این استراتژی حفاظت از طبیعت در معنای مدرن آن عبارت از مدیریت و بهره‌برداری انسان از سرزمینی است که بتواند در عین ایجاد پایداری برای نسل حاضر، نیازهای نسل آتی را برآورده سازد.

کنفرانس جهانی محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۸۷ نیز توسعهٔ پایدار و فرآیندی قلمداد می‌نماید که در آن امکان برآورده سازی نیازهای امروز انسان بدون کاهش توانایی‌های آیندگان در تأمین نیازهای انسانی مهیا گردد. در کنفرانس ریو (طی سال ۱۹۹۲) تعریف سازمان

ملل متحد از توسعهٔ پایدار نیز تأکید بر سیاستی بود که در نتیجهٔ اعمال آن منافع مثبت حاصل از مصرف منابع طبیعی بتواند برای زمان‌های قابل پیش‌بینی در آینده تداوم داشته باشد. همچنین در مورد محیط و توسعه، اقدامات لازم برای هماهنگی میان تعداد جمعیت جهان و نیازهای آنان با منابع محدود زمین تا اواسط قرن بیست و یکم تعیین شد تا به عنوان دستورکار سازمان ملل و سایر سازمان‌های بین‌المللی و ملی به مورد اجراگذارده شود این چنین دیدگاه‌هایی سبب شد تا در گزارش صلح و غذا طی سال ۱۹۹۴، از بشر به عنوان خلاق‌ترین، تولیدکننده‌ترین وگران‌بهاترین منبع نام برده شود. در چنین وضعیتی که انسان در مرکز سیاست‌های محیطی قرار گرفته و انسان مداری پایهٔ استراتژی‌های حفاظت محیطی می‌گردد. در این میان به خصوص اقتصاددانان تنها به نقش محیط و اکولوژی در مدیریت سیستم‌های اقتصادی پرداخته و هرگونه تزاحم وارد آمده بر اکوسیستم را از آن جهت نامطلوب می‌دانند که در آینده بر سیستم‌های حمایتی ضامن پایداری اقتصادی خدشه وارد می‌سازد. انسان‌گرایی، بشر را به موجودی کاملاً مادی و زمینی مبدل می‌سازد. از این‌رو هیچ مسئولیتی در قبال طبیعت ندارد و محیط زیست ابزاری بیش نبوده و ارزش آن نیز براین اساس استوار می‌گردد. توجیهاتی که برای این امر ارایه می‌گردد متفاوت است که از آن جمله می‌توان به تأکید بر حقوق نسل‌های آتی، مباحث مربوط به تهدید سلامتی ساکنین کره زمین، بهره‌گیری از منطق اقتصادی در جهت حفاظت محیط و بهره‌گیری از توجیهات مذهبی که در این جا به لحاظ موضوع مقاله تنها به آن پرداخته خواهد شد، اشاره نمود.

دین و محیط زیست

توجیهات مذهبی در سیاست‌های محیطی

مذهب و جنبه‌های معنوی آن از سه طریق بر سیاست‌ها و قوانین اثر می‌گذارند. در طریقهٔ نخست استفاده از برخی از اصول مذهبی در قطع نامه‌ها و توصیه نامه‌های بین‌المللی به عنوان مثال اصول مندرج در بند چهارم کنفرانس جهانی با پارک‌های ملی (طی سال ۱۹۶۲) مدنظر قرار گرفته است؛ مبنی براین‌که حفظ زیبایی و ویژگی چشم‌اندازهای طبیعی برای زندگی انسان ضروری؛

زیرا نفوذ دوبارهٔ معنویت و نیروی فیزیکی و ذهنی قوی‌ای را ایجاد می‌نماید. همچنین در بیانیهٔ سال ۱۹۸۳ کنفرانس پارک‌ها و نیز در اجلاس زمین (طی سال ۱۹۹۲)، به این نقش اشاره شده است. انجمن جهانی مدیریت و حفاظت و توسعهٔ پایدار مناطق جنگلی، حفاظت و توسعهٔ پایدار جنگل‌ها را حفاظت اکولوژیکی تمامی جنگل‌های ملی که ارزش‌های منحصر به فردی به عنوان مظاهر معنویت و مذهب دارند، قلمداد می‌کند. در بخشی از دستورالعمل نیز همین موضوع به طریق دیگری عنوان گردیده است؛ یعنی تعهد برای «حفاظت از کثرت بیولوژیکی» نیاز به شناخت مفاهیم مذهبی مشترک در کشورهای مختلف برای نیل به نقطه نظرات قابل استفاده دارد. در دومین موردی که مذهب، سیاست‌های محیطی را تحت تأثیر قرار می‌دهد موضوع به گونه‌ای غیر مستقیم است. به عنوان مثال به طور دوره‌ای، از اطلاعات مربوط به مذاهب مختلف جهان بهره‌مند می‌شود. در سال ۱۹۹۰ نیز در کنفرانس بین‌المللی مسکو در ارتباط با محیط‌زیست بیان شده است که نیاز به یک پایهٔ جدید معنوی و اخلاقی که همانا مراکز مذهبی من جمله مساجد است وجود دارد. سومین مورد نیاز به طور غیرمستقیم از طریق حفظ فرهنگ بومی و آزادی‌های مذهبی به حفاظت از مراکز مذهبی و در رأس آن مساجد اشاره دارد تا به دلیل تأکید مذاهب بر دنیای طبیعی امکان حفاظت از محیط نیز ایجاد گردد. به‌طور کلی مفاهیم و معانی ماوراءالطبیعه نسبت به طبیعت مورد توجه بوده است.

در حقیقت نقش مذهب و کانون‌های مذهبی به ویژه مساجد در بلاد مسلمین، در حفاظت از محیط، ریشهٔ تاریخی داشته و در بسیاری از ادیان به ویژه دین مبین اسلام، شناخت طبیعت وسیله‌ای برای شناخت خداوند بوده است. بدین لحاظ برخی از جنبش‌های محیطی کنونی ادغامی از مسایل مذهبی را در بحث‌های محیطی ضروری قلمداد نموده و براین باورند که بحران‌های زیست محیطی بدون برخورداری از پایه‌ای دینی و بدون توجه به کارکرد راهبردی مراکز مذهبی من جمله مساجد قابل حل نمی‌باشند. در عین حال برخی دیگر من جمله لین وایت براین باورند که بحران‌های اکولوژیک ریشهٔ مذهبی داشته و عمدهٔ ادیان به‌ویژه یهودیت، مسیحیت و اسلام نه تنها بر دوگانگی انسان و طبیعت توسط انسان تأکید دارند. به منظور روشن‌تر شدن ارتباط انسان و طبیعت در اسلام در ادامهٔ این نوشتار نگرش اسلام نسبت به محیط زیست مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اسلام و محیط زیست

بحث درخصوص نگرش اسلام به محیط زیست بسیار گسترده است. در اینجا تنها اشاره‌ای به اهم موضوعات مورد بحث بالاخص مسئولیت انسان در برابر زمین و نگرش اسلام به توسعهٔ پایدار خواهد شد. مروری بر تعالیم اسلامی بیانگر این حقیقت است که اسلام اصولی را برای زندگی و تداوم حیات بشر مطرح نموده است.

در مباحث محیط‌زیست، اصول اسلامی در نحوهٔ استفاده از منابع موجود، نحوهٔ ارتباط انسان با طبیعت و از همه مهم‌تر شیوهٔ نگرش انسان به خویشتن و به عالم وجود و ارتباط میان این‌ها مصداق می‌یابد. این اصول کلی (به عنوان جهان بینی) که راهنمای جامعه‌ای اسلامی در تدوین سیاستهای کلی حاکم بر محیط و جامعهٔ خویش می‌باشد، در مساجد تبیین می‌گردد.

تفکر دربارهٔ طبیعت

شناخت طبیعت و اجزاء و عناصر آن و قوانین و نظام حاکم بر جهان هستی از جملهٔ مقولات بسیار مهمی است که در متون اسلامی به عنوان یکی از ابزارهای شناخت، مؤکداً انسان را به آن ترغیب و توصیه می‌کند و قرآن تمام عالم طبیعت را یک سره آیه و نشانه‌ای برای شناخت ماوراءالطبیعت می‌خواند.[۱]

در تشریح نظریات ابن‌سینا نیز آمده است که تحقیق در جهان طبیعت تنها حقیقت پدیده‌ها و یافتن سلسله روابط میان آنها نیست، بلکه تحقیق در پدیده و ظاهر در پرتو رابطه‌ای که با درون و باطن دارد و تحقیق در جزیی است با نظریهٔ رابطه‌ای که میان آن و کل موجود است؛ از این رو، علوم طبیعی در اسلام نیز مانند الهیات همواره با یک جنبهٔ سری و درونی توأم بوده و کشف یک نکتهٔ علمی منجر به کشف دیگر اسرار می‌گردد. بسیاری از دانشمندان و طبیعی‌دانان بزرگ جهان مسلمان بوده‌اند اما به دلیل آن که پدیده‌های طبیعی آیات الهی محسوب می‌گردند، علم عرضی (سکولار) محض در میان مسلمانان به وجود نمی‌آید. با تغییر و تحولات فیزیکی جدید و راهی که اینک فراروی عالمان سایر علوم به ویژه مساجد در جامعهٔ مسلمانان درحال

---

۱. مطهری، ۱۳۶۷.

یافتن جایگاه اصلی خویشتن در جهان مدرن امروزی هستند به عنوان مثال علوم نیوتنی و نگرش جزءگرایانه که سالیان درازی بر تفکرات و فلسفهٔ سایر شقوق علوم انسانی حکم فرمایی می‌نمود، در حال سپردن جایگاه و مقام خویشتن به تفکر کل نگرایانه است. این پدیده در نهایت اثر مطلوبی بر نحوهٔ نگرش تنظیم روابط و فعالیت‌های انسانی خواهد داشت.

مسئولیت انسان در برابر طبیعت

دین مبین اسلام اساساً انسان را خلیفة الله می‌داند؛ اما این مخلوق آزاد از هر مسئولیت نیست بلکه باید سایر افعال خویش را به بهره‌گیری از اصول و قوانینی که خالق هستی برای نتظیم امور کائنات مقرر فرموده به انجام رساند. به عبارت دیگر انسان به عنوان عالم صغیر جسماً و روحاً پاره‌ای از عالم کبیر است و در نتیجه می‌باید از قوانین عالم هستی (طبیعت) پیروی کند. از این روی، نقش مراکز مذهبی و مساجد به عنوان مراکز هماهنگی فعالیت‌های انسانی با نظام حاکم بر طبیعت و پدیده‌های آن‌که عامل اساسی برای بهتر زیستن است و او را از تخریب و فساد طبیعت باز خواهد داشت، بیش از پیش نمایان می‌گردد. از جملهٔ مهم‌ترین وظایفی که در خلال دستورات و بایدها و نبایدهای شرع برای مسلمین مشخص شده، اصلاح در زمین و اجتناب از فساد در آن است. آیات متعددی از قرآن کریم، انسان را از فساد در زمین بر حذر داشته و به اصلاح برآن‌که همانا عمل صالح است امر می‌فرماید. بنا بر تعالیم قرآنی می‌توان گفت که عامل رستگاری انسان اصلاح در زمین و اجتناب از فساد در آن است. عمران و آبادانی زمین یکی از وجوه اصلاح زمین است چراکه یکی از اهداف مترتب بر فعالیت‌های انسان در زمین، عمران و آبادانی آن می‌باشد؛ چنانچه خداوند می‌فرماید:

«او شما را از خاک آفرید و شما را به ساختن و آبادانی زمین گمارد».

اجتناب از اسراف و تبذیر نیز عامل مهم دیگری است. دین مبین اسلام انسان را به شدت به اجتناب از اسراف و تبذیر فرمان داده و به میانه روی و اعتدال دعوت می‌نماید.

به مصداق «**و کذلك جعلناکم امه وسطاً**» و «**الیمین و الشمال مضله و طریق الوسطی هی الجاده**» برنامه‌های مراکز اسلامی و در رأس آن‌ها مساجد، برنامه هایی میانه است که پرهیز از

بیهودگی را سرلوحهٔ خود قرار داده و به شدت از اسراف و تبذیر تنها به استفادهٔ بیش از حد نیاز و تباه‌کردن محیط زیست منحصر نمی‌گردد؛ بلکه عدم استفاده صحیح و بهینه از منابع و مواد اولیه نیز می‌تواند نوعی اسراف تلقی گردد و حتی بالاتر از آن در صورت نبود روند تکاملی در مصرف مواد می‌توان صحبت از اسراف را به میان آورد.

کمال بخشی به طبیعت

تعالیم و کانون‌های اسلامی و مساجد به عنوان کانون چنین تعالیمی نباید به سمت تباهی و فساد سوق داده شود، بلکه کلیهٔ امور و تمامی اشیاء می‌باید به نحو مطلوب به سمت کمال هدایت گردند. به عبارت دیگر مراجعه به متون اسلامی نشان دهندهٔ آن است که تفکر اسلامی منادی «تداوم کمال» اشیاء است. در مسیر کمال قرار دادن تمامی عناصر و اشیاء، تبعیت از اصول حاکم بر عالم وجود است که در آن عقربه شدن‌ها همواره رو به سوی کمال دارد.[۱]

کمال‌جویی و کمال‌طلبی در تمامی ابعاد زندگی مسلمین نفوذ داشته و یکی از ملاک‌های اصلی تعیین مسیر فعالیت‌های فردی و جمعی مسلمین بوده است. در تفکر اسلامی برای اشیاء و معانی، حالت ایستایی و سکون و بر یک حالت ماندن توجیه نمی‌شود بلکه بایستی در کلیهٔ فرایندها و فعالیت‌ها بارقه‌ای از حالت کمال‌جویی و کمال‌طلبی مستتر باشد تا بتوان از «**انالله و انا الیه راجعون**» سخن گفت. در این جاست که مراکز مذهبی و مساجد با تأکید بر این تفکر که محیط و عناصر مربوط به آن نه تنها بایستی از میان بروند و نه تنها حفظ آنها هدف غایی نیست بلکه بایستی به طور مداوم به حالتی از کمال (متعالی‌تر از وضعیت قبل و حال) در آینده ایفای نقش نمایند. تعالیم تبیین یافته در مساجد تا بدانجا پیش می‌رود که در ورای هر عملی (حتی بر ساده‌ترین اعمال مادی) تفکر کمال جویی و وجود هدفی والا و معنوی حاکم است و بر یک مکان و موقعیت ماندن خسران تلقی می‌گردد. به بیان دیگر لزوم رفتن به سوی کمال و طلب آن ضرورت حیات انسانی است.

علی هذا اگر این رویه را در مورد توسعهٔ پایدار تعمیم دهیم خواهیم دید که حفاظت از

---

۱. علامه جعفری، ۱۳۶۰.

منابع و محیط زیست (آن‌گونه که طبق تعاریف توسعهٔ پایدار توصیه می‌گردد) کافی نیست و همان رویهٔ کمال‌جویی یا تداوم کمال، ملاک عمل و معیار ارایهٔ توسعهٔ پایدرا در فرهنگ اسلامی خواهد بود.

توسعهٔ پایدار

اندکی تأمل در مفهوم توسعهٔ پایدار در تفکر اسلامی نشان می‌دهد که این مفهوم رعایت عدالت و حرکت به سوی کمال است. به‌طور اجمال می‌توان گفت آنچه که امروزه به عنوان «توسعهٔ پایدار» مطرح است عمدتاً به جنبه‌های مادی و فیزیکی (کمی) محیط زیست می‌پردازد. به عبارت دیگر حفاظت از منابع محیطی و توسعهٔ پایدار اقتصادی به عنوان هدف اصلی مطرح است. البته این خصیصه غالب و مسلط بر ایده‌ها و تفکرات سده‌های اخیر جوامع صنعتی است که تمرکز اصلی را بر امور مادی و حداکثر جنبهٔ نفسانی و نه بعد معنوی و روحانی حیات متوجه می‌نمایند. در مقابل، تأکید بر اصل کمال خواهی و کمال جویی در تعالیم اسلامی و مراکز ارایه کنندهٔ چنین تعالیمی (مساجد) سبب می‌گردد تا نحوهٔ انجام کلیهٔ فعالیت‌های شهروندان نه تنها سبب کمال و رشد معنوی آنان گردد بلکه باعث کمال بخشیدن به جامعه و به ویژه محلهٔ سکونت آنان گردد. این ایده بسیار پیشرفته‌تر از پایداری تعریف شده برای توسعه است. از این‌رو، مساجد را به عنوان مراکز تبیین کنندهٔ تعالیم اسلامی، می‌توان از پایه‌گذاران نظریه‌ای پیشرفته‌تر از توسعهٔ پایدار دانست که مبتنی بر اصل کمال‌جویی و کمال‌گرایی جهان هستی بوده و شهروندان نیز به شناسایی اصول حاکم بر آن و همچنین تبعیت از آن توصیه شده‌اند. مطابق چنین تعالیمی، جامعه‌ای در مسیر توسعهٔ پایدار گام برمی‌دارد که منابع قابل دسترسی آن مورد اسراف و تباهی قرار نگیرد و بیش از حد نیاز منطقی و معقول جامعه مصرف ننماید. با محوریت مساجد به‌عنوان مراکز توسعهٔ پایدار محله‌ای، مصرف منابع و دگرگونی در آنها در جهت بهبود کیفی و در نهایت کمال شهروندان بوده و تغییرات و مصرف بدوی مدنظر نمی‌باشد؛ لذا می‌بایست تا حد امکان نسبت به حفاظت از منابع تجدیدناپذیر اقدام و بهره‌گیری از منابع تجزیه‌ناپذیر مورد توجه شهروندان به ویژه ساکنین محلات قرار گیرد. شهرها و در وهلهٔ دوم محلات به عنوان مکان‌های

زندگی و فعالیت شهروندان ضمن آن که وسیع‌ترین تأثیر و تغییرات بر محیط را به نـمایش می‌گذارند، مهم‌ترین مصرف کنندهٔ منابع طبیعی بوده و بیشترین فضولات و آلودگی را تولید می‌کنند. همچنین بزرگترین قربانیان توسعهٔ لجام‌گسیختهٔ صنعت بر حیات شهروندان و طبیعت و محیط‌زیست می‌باشند. شهرها و محلات شهری مهم‌ترین مکان‌هایی هستند که بایستی به انحاء مختلف به موضوع حرکت به سوی توسعهٔ پایدار بها دهند. یکی از مهم‌ترین قلمروهایی که در صورت توجه به آن، نقشی بسیار ارزنده در دگرگونی شرایط حیات شهرها و محلات به سمت حل مشکلات محیطی موجود و ارتقای کیفی محیط دارد قلمرو مدیریت شهری و محله‌ای است. این قلمرو با عناصر مهمی چون شهروندان، طبیعت، منابع طبیعی، روشهای بهره‌برداری از منابع و اثرات منفی ناشی از این عوامل بر زندگی شهری و محله‌ای نیاز به اصلاح تلقی جامعه و مدیران شهری نسبت به عناصر و اعضای متشکلهٔ محیط شهری و معرفی و بسط آرای مربوط به توسعهٔ پایدار به عنوان مبانی نظری و پایه‌های اصول شکل دهنده مدیریت دارد. در این جا تنها به برخی موضوعات که می‌تواند مورد توجه مدیریت شهری و محله‌ای به منظور حرکت به سوی توسعهٔ پایدار قرار گیرد، اشاره می‌گردد:

ارتباط با طبیعت

حفظ و ارتقای ارتباط میان شهروندان علاوه بر آن که به جهت تأکید توسعهٔ پایدار بر حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به دلیل توجه تعالیم اسلامی و کانون بسط و نشر چنین تعالیمی (مساجد) به انتخاب روش‌های مناسب بهره‌گیری از منابع طبیعی و تأکید این تعالیم بر تمامی شهروندان با طبیعت دارای اهمیت است. علاوه بر جنبه‌های ظاهری از قبیل زیباسازی محیط و ارتقای کاربردی طبیعت، تأکید عمده بر معنای نـمادین طـبیعت و عناصر طبیعی و نقشی که در تذکردهی انسان و ارتقای کیفی محیط ایفا می‌نماید، می‌باشد. ارزش دادن به طبیعت و مسئولیت شهروندان برای حفظ و ارتقای محیط طبیعی نیز از جملهٔ دیگر راه‌کارهای ویژه‌ای است که مساجد به ویژه در سطح محله‌ای بر آن صحه می‌گذارند.

امنیت و ایمنی

اصل دیگری که امکان دستیابی به توسعهٔ پایدار را تقویت می‌کند می‌تواند امنیت و ایمنی در فضاهای شهری به ویژه محلات را در پی داشته باشد؛ این امنیت علاوه بر جنبه‌های متعارف نظیر امنیت در مقابل آسیب سایرین و یا ایمنی در مقابل بلایای طبیعی و مصنوعی به مقولات دیگری نیز توجه دارد که در قلمرو غیرفیزیکی حیات نیز به‌طوری جدی قابل بحث می‌باشد. به‌عنوان مثال می‌توان از امنیت در مقابل نفوذ ارزش‌های فرهنگ بیگانه، امنیت در برابر پدیده‌های متمرکز بر جنبه‌های مادی حیات همچون مصرف‌گرایی و خودنمایی نام برد که با معطوف نمودن توجه به نقش با اهمیت مساجد در این راستا می‌توان بدان دست یافت. توجه به چنین کانون‌هایی به عنوان مراکز امنیتی به ویژه در سطح محله‌ای، تأثیر بنیادینی بر برنامه‌ها و طرح‌های شهری در زمینهٔ سیمای عمارات و فضاها و شکل و سیمای بافت شهری و جملگی مقولات مرتبط با مختصات معنوی و فیزیکی عناصر کالبدی شهرها و محلات دارند.

اصلاح و عمران

توجه به عمران و اصلاح زمین، اصل مهم منبعث از تعالیم اسلامی است که می‌تواند توسط مساجد به عنوان اصل بنیادین فعالیت‌های شهروندان در محلات معرفی گردد. این توجه در واقع احتراز از فساد در اجتماع است که تعالیم اسلامی و در رأس آن مساجد به شدت آن را نفی و نهی می‌نمایند. این مسئله، مدیران شهری را به ارزیابی جدی طرح‌ها و برنامه‌های شهری فراخوانده و آنها را به سوی کنترل مداوم طرح‌ها هدایت می‌نماید تا فعالیت‌ها از مسیر اصلاح و عمران اجتماعات شهری و محله‌ای منحرف نگردد. لازم به ذکر است یکی از مهم‌ترین وسایل این ارزیابی می‌باشد که نه تنها در ارزیابی نتایج حاصله از اجرای برنامه‌ها کاربرد دارد بلکه در تهیهٔ طرح‌ها و برنامه‌ها و مقایسهٔ آراء و نظرات مختلف با یکدیگر نیز کاربرد مؤثری خواهد داشت. در تهیهٔ این معیارها نیز توجه به فرهنگ و ارزش‌های شهری و محله‌ای که از جهان‌بینی اسلامی منبعث شده باشد ضرورت دارد. تهیهٔ چنین معیارهایی با محوریت مساجد، شهرها و محلات را از آسیب‌هایی که در اثر به کار بردن معیارهای بیگانه وارد می‌گردد مصون خواهد داشت.

دانش و آگاهی

بهره‌گیری از حمایت‌های بالقوه و بالفعل آحاد جامعه از عوامل مهم در ایجاد پایداری است. در این راه یکی از مهم‌ترین ابزارها آموزش است. به‌خاطر نقش مهمی که مردم و مشارکت عمومی در هر امری ایفا می‌نماید، آموزش جامعه و شهروندان آن از اهمیت خاصی برخوردار است. به عبارت دیگر از آنجاکه جامعه مجری طرح‌ها و برنامه‌ها بوده و نتایج اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها نیز متوجه آنهاست؛ از این‌رو حفظ و ارتقای مداوم آگاهی آحاد جامعه نسبت به عوامل و زمینه‌های مختلف حیات و زندگی، اصل بسیار مهمی است که در محلات و شهرهای اسلامی این مهم بر عهدهٔ مساجد و مراکز اسلامی می‌باشد.

همکاری و همیاری

به تبعیت از فرمان الهی «**و تعاونوا علی البر و التقوی**»، یکی از عواملی که به وحدت و یکپارچگی جامعه منجر شده و در نتیجه آن را از بسیاری مشکلات و بحران‌های محیطی در امان خواهد داشت، همکاری و معاضدت اعضای جامعه به ویژه در سطوح محله‌ای با یکدیگر است. برای ایجاد زمینهٔ این همکاری مهم‌ترین وسیله موجود، مراکز مذهبی و مساجدی است که رویه‌ها و قوانین همکاری و همیاری مردم را تعریف نموده و آن را به سمت اهداف تعیین شده (حفظ و پایداری محیط و جامعه) هدایت می‌نماید.

قانون‌گرایی و قانون‌مندی

به پیروی از نظم حاکم بر عالم خلقت و همچنین با عنایت به فرامین و تعالیم اسلامی، توصیه‌ها و رفتار معصومین و بازگویی آن در مساجد، وجود مجموعهٔ قوانینی که جملگی وظایف و فعالیت‌های فردی و جمعی را تعریف نموده و ضمن مشخص کردن حدود فعالیت‌ها، نتایج مترتب بر تخلف از آنها را روشن نماید ضرورت دارد. وجود قوانین و ضوابط کامل و الزام اجرای چنین قوانینی می‌تواند جامعه را استورا، متقن، عدالت پیشه و بدون تبعیض به سمت توسعه‌ای پایدار رهنمون گردد. از آنجایی که از مساجد به عنوان مهم‌ترین مراکز قانون‌گذاری

دین اسلامی یاد شده و می‌گردد از این‌رو می‌توان به نقش مهم این مراکز در قانون‌گرایی شهروندان در حفاظت از محیط شهری و محله‌ای تأکید و توجه نمود.

نتیجه‌گیری

وقتی انسان‌مداری، علم‌گرایی محض، سلطه‌گری بر طبیعت بدون احساس مسئولیت نسبت به آن، ارزش‌گذاری ابزاری بر طبیعت و عناصر متشکله و تفکیک جنبه‌های مختلف حیات و نیازمندی‌های انسان به معنویت و مادیت و عدم توجه به نقش کلیدی مراکز مذهبی و به‌ویژه مساجد حاکم باشد، وضعیت حاضر در جوامع شهری و محلات پدید می‌آید. به رغم تلاش‌های فراوانی که در زمینهٔ محیط زیست صورت می‌پذیرد، می‌توان اذعان نمود که انسان هم‌چنان راه را به‌طور کامل نشناخته و به بی‌راهه رفته است. شناخت روشنی از راه بدون دانستن پایهٔ معنوی مستحکم و محوریت مراکز مذهبی در سطوح خرد جامعه من جمله محلات که حیات مجدد به ارتباط میان شهروندان و طبیعت را منجر گردد، امکان‌پذیر نیست. در چنین حالتی به راحتی نمی‌توان محیط زیست را از شهروندان، مادیت را از معنویت و ظاهر را از باطن تفکیک نمود. با شناخت مساجد به عنوان مراکزی در جهت شناخت ماوراء الطبیعه و اصلاح و آبادانی آگاهانهٔ محیط‌های شهری و محلات و شفاف بودن نقش و وظیفهٔ خطیر شهروندان در جهت ارتقاء و کمال بخشی به محیط زیست می‌توان به نسخه‌ای پایدار از توسعه محیط زیست شهری و محله‌ای دست یافت.

منابع و مأخذ

۱ . امام علی علیه‌السلام، ترجمهٔ فیض الاسلام، سید علی نقی، نهج‌البلاغه، کلالهٔ خاور، تهران.

۲ . تقی‌زاده، بهناز و محمد، ۱۳۷۸ ، ریشه‌های توسعهٔ پایدار در جهان‌بینی اسلامی، اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی شماره ۱۴۶ ـ ۱۴۵ .

۳ . جعفری رحمه‌الله، علامه محمد تقی، ۱۳۶۰ ، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی معنوی، ج ۲ .

۴ . مطهری، مرتضی، ۱۳۶۷، مسئلهٔ شناخت، صدرا، تهران .

۵ . بصیر، سید حسین، ۱۳۷۸، دین و بحران زیست محیطی، ترجمهٔ محسن مدیر شانچی.

۶ . تقی‌زاده، محمد، ۱۳۷۸، مبانی نظری مدیریت شهری در فرهنگ اسلامی.

نقش مسجد در اقتصاد محله

▣ دکتر علی‌محمد احمدی

چکیده

میان جامعه مدنی و سرمایه سالاری رابطه و مناسباتی متقابل و درونی وجود دارد. اگر قرار است جامعه مدنی منطقی و معنی‌دار باشد باید در راستای پیشبرد انگاره فرد به‌عنوان یک بازیگر اجتماعی خودگردان و به عنوان تمامیتی اخلاقی و نژادی گام بردارد. جامعه‌ای که با این چنین ارزیابی از فرد بیگانه باشد، بی‌گمان در راه رسیدن به ارتقای بهره‌وری و توسعه اقتصادی نیز توفیقی نخواهد داشت. دین اسلام و مسجد به عنوان تجلی‌گاه و کانون فرهنگی، عبادی، اقتصادی آن، با برخورداری از نظام مدیریت مشارکتی (واگذاری امور به مردم و فراهم آوردن امکان مشارکت و حضور مردم در صحنه‌های گوناگون اجتماعی و...) و تمامی ویژگی‌های جامعه مدنی منطقی و معنی‌دار، با محوریت فرد یا افراد در آن در روند ارتقای بهره‌وری و توسعه اقتصادی به ویژه در سطح محله‌ای، با توفیق چشمگیری روبرو می‌باشند. هدف مقاله حاضر، بیان نقش اسلام و مساجد در فرآیند توسعه و رفاه اقتصادی و معرفی مسجد به عنوان کانون فرهنگ‌سازی و انسان‌سازی در جهت ارتقای بهره‌وری اقتصادی و برخورداری از اقتصادی سالم و پویا از طریق مبارزه با پیامدهای منفی اخلاقی در امور اقتصادی نظیر ربا و... به واسطهٔ دریافت خمس و زکات و برگزاری جلسات وعظ و خطابه درخصوص رعایت اخلاق اسلامی در معاملات اقتصادی و تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه و... در جهت توسعه اقتصادی

و پرداخت نمودن احتیاجات مالی و اقتصادی مردم شهرها و محلات و انگیزه‌سازی و رشد و روحیه خودیاری در مردم در انجام امور داوطلبانه اقتصادی در سطح محله‌ای با توجه به کارکردهای چندگانه مساجد در اقتصاد محله است. براساس نتایج حاصله از مقالهٔ حاضر می‌توان اذعان نمود که با مدیریت خلاق و کارآمد، برخورداری از اطلاعات دقیق و صحیح، جلب مشارکت‌های مردمی و مادی و معنوی) فرهنگ سازی دینی متناسب با فرهنگ اسلامی، رفع تبعیض و جلوگیری از فساد اقتصادی، توجه ویژه به منابع ملی و نه گروهی و پرهیز از انحصارطلبی و... می‌توان زمینه توسعه پایدار اقتصادی در سطوح شهری و محله‌ای و ارتقای بهره‌وری در تمامی زمینه‌ها را فراهم ساخت. مطالعهٔ حاضر پژوهشی توصیفی (Descriptive) است که در آن علاوه بر مطالعهٔ اسناد و مدارک و منابع کتابخانه‌ای از شیوه مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه بهره گیری شده است.

واژگان کلیدی: سرمایه سالاری ـ جامعهٔ مدنی ـ بهره وری و توسعه اقتصادی ـ مدیریت مشارکتی.

دین و توسعهٔ انسانی

یکی از مهم‌ترین اهداف علی علیه‌السلام در حکومتش، ساختن جامعه‌ای با اقتصادی سالم، درآمد بالا، دارای عمران و آبادانی بود چراکه مردم با برخورداری از رفاه نسبی به معنویات، رشد کمالات و بالا بردن سطح فرهنگ و آگاهی می‌پردازند. در برنامه‌ها و شاخص‌های اقتصادی علی علیه‌السلام، انسان (فرد) بارزترین و مهمترین جایگاه را از آن خود ساخته است به نحوی که تمام برنامه‌ها در جهت رشد، توسعه و کمال جامعه، حول محور انسان و سعادت وی می‌چرخد. علی علیه‌السلام نمی‌پذیرفت که از نظر آماری، درآمد سرانه کشور بالا باشد اما گروهی از مردم در فقر زندگی کرده یا از امکانات تربیتی، آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و... محروم باشند. به اعتقاد وی شکی نیست که یک جامعهٔ فقیر جامعه‌ای است که هیچ‌گونه تحرک و نشاطی در جهت رشد، توسعه، کمال و شکوفایی اندیشه‌ها ندارد. چنین جامعه‌ای فاقد شروط لازم برای نیل به رشد، توسعه و کمال است چراکه بخش مهمی از برنامه توسعه علی علیه‌السلام را توسعه انسانی تشکیل می‌داد.

از این‌رو، از دیدگاه علی‌علیه‌السلام مساجد به عنوان کانون‌های عبادی و انسان‌ساز و یا به قولی کارخانه‌های انسان‌سازی در توسعه انسانی و بالا بردن شأن و مرتبه انسان، از اهمیت به‌سزایی برخوردار می‌باشند.

رابطهٔ دین و اقتصاد

دین اسلام از پیوندی دوگانه مستقیم و غیرمستقیم با اقتصاد برخوردار است. پیوند مستقیم اسلام با اقتصاد از آن جهت است که مستقیماً یک سلسله مقررات اقتصادی در خصوص مالکیت‌ها مبادلات، مالیات‌ها، ارث، صدقات، وقف، مجازات‌های مالی دارد.

پیوند مستقیم اسلام با اقتصاد از طریق اخلاق است. در این جهت، برخی مذاهب دیگر نیز کم و بیش چنین می‌باشند. دین اسلام، مردم را به امانت، عفت و عدالت، احسان، ایثار، دوری از دزدی، خیانت، رشوه توصیه می‌کند. از این‌رو از طریق تبلیغ در مساجد و تأثیرگذاری اخلاقی در ذهنیت فرد به تربیت فرد از نقطه نظر اقتصادی پرداخته و از این‌رو جامعه را از اقتصادی اسلامی برخوردار می‌نمایند. مساجد می‌توانند در رشد و توسعه زندگی مردم حتی با وجود کمبود صنایع، نقش مهمی ایفاکنند. مساجد می‌تواند به بسیج مردم جهت اقدام جمعی برای انجام لازم امور مطلوب اجتماعی کمک کنند. در این راستا، مساجد قادرند با انگیزه دادن به مردم، به رشد روحیه خودیاری و انجام امور داوطلبانه در سطح محله‌ای کمک به سزایی نمایند. در این جاست که باید متذکر شد، تا زمانی که مساجد نقش مبتکرانهٔ خود در مسایل اجتماعی را ایفا نکنند، به هیچ وجه قادر نخواهند بود تا به توان اجتماعی در جوامع انسانی دست یابند.

به منظور رشد و توسعهٔ ارزش‌های اجتماعی اسلامی، سازماندهی اجتماعی و نیز به منظور افزایش قدرت مانور و تحرک جمعی مسلمانان به ویژه در سطوح محله‌ای، لازم است فعالیت‌هایی در سطح محدود محلی و محله‌ای صورت گیرد تا نهایتاً از آن طریق بتوان تخصیص، توزیع و بهره‌وری از منابع اقتصادی و ملی را تحت نظارت درآورد.

مسجد به‌طور مستقیم دارای کارکرد اقتصادی نمی‌باشد. در روایات و احادیث نیز انجام

معاملات اقتصادی در مساجد باطل و بی‌اثر خوانده شده و انجام معاملات اقتصادی اعم از خرید و فروش کالا و... مکروه قلمداد شده است. کارکرد اقتصادی مساجد به صورت غیرمستقیم بوده و عمدتاً از طریق موعظه و نصیحت و نیز بیان احکام خرید و فروش و انجام فعالیت‌های اقتصادی صورت می‌گیرد. نقش اساسی مساجد در حوزهٔ اقتصاد، تأکید فراوان بر رعایت انصاف و عدالت در انجام معاملات و فعالیت‌های اقتصادی تنها با هدف رضایت خداوند و رفع حوایج و نیاز مسلمانان و نه در نظرگرفتن انگیزه‌های مادی و سودجویانه است که چنین نقشی خود زمینه‌هایی جهت ایجاد رقابت سالم و تأثیر مثبت در روند معاملات و فعالیت‌های اقتصادی را به همراه دارد.

نقش دین در توسعه و رفاه اقتصادی

درخصوص توسعه اقتصادی، تعاریف گوناگون و راهکارهای مختلفی ارائه شده است. برخی از روش‌های رسیدن به توسعه یافتگی عبارت‌اند از: صنعتی شدن صادرات کشاورزی، جایگزینی واردات سرمایه‌گذاری خارجی و صادرات کالاهای داخلی اما وجه مشترک همه این روش‌ها، رساندن جامعه به رفاه اقتصادی است.[۱]

در جامعهٔ توسعه یافته، مردم راحت‌تر، متنوع‌تر و بیشتر مصرف می‌کنند و سرانهٔ فضاهای تفریحی، بهداشتی، آموزشی و... بیشتر از جوامع عقب افتاده است. کمتر کسی است که با وجود این اوصاف، توسعه یافتگی را مردود شمرده و بخواهد به شکل جوامع عقب افتاده زندگی کند. هر قوم و مذهبی، با اندک تفاوتی و محدودیت‌هایی که در روند توسعه یافتگی می‌بینند، هدف خود را نیل به توسعه یافتگی قرار داده‌اند. برنامه‌ریزی و تدوین برنامه‌های چند ساله خود مبین این حقیقت است. با وجود آنکه عمر فرآیند توسعه در مفهوم جدید آن (Development) به کمتر از دو قرن می‌رسد، واژهٔ (Utopia) در میان متفکرین یونان باستان نیز از همین معنی برخوردار بوده است. آنها در ورای این مفهوم، آرزوی رسیدن به جایی را داشته‌اند که علاوه بر امنیت و عدالت، از زندگی مرفهی نیز برخوردار باشند. واژهٔ (Utopia) در بسیاری از رشته‌های علوم انسانی مطرح بوده و برای آن معنای لطیف و زیبایی من جمله (کمال مطلوب،

---

۱. پیشگامان توسعه: ص ۵۷.

مدینهٔ فاضله، بهشت خوشبختی، جامعهٔ آرمانی، شهر لامکان، ایمن سرا، خرم سرا، خوش آباد، آرمان شهر و...) آورده‌اند.[۱]

تنوع معانی در رشته‌های مختلف نشان می‌دهد که مدینهٔ فاضله‌ای به نام توسعه، دغدغه بسیاری از متفکران بوده است. دین اسلام نیز به عنوان آخرین دین الهی، دارندهٔ آخرین کتاب به واسطهٔ خاتم الانبیا، بعید است که در این زمینه سکوت کرده و سخنی برای گفتن نداشته باشد. درکتاب و سنت به صراحت به معنای امروزی توسعه اشاره‌ای نشده است اما در چند مورد از این ریشه استفاده شده است که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

«**وسع الله علیهم فی الرزق**».[۲]

«**وسع الله معیشته**».[۳]

«**وسع الله علی رزقی**».[۴]

هدف این نوشتار، بررسی عوامل معنوی و به‌طورکلی نقش دین اسلام و مساجد در فرآیند توسعه و رفاه اقتصادی است. در ادبیات رایج اقتصاد، عمدتاً بر عوامل مادی تأکید می‌گردد؛ البته در نظرات برخی از دانشمندان، از واژهٔ توسعه، به عوامل غیر مادی نیز قلمداد گردیده است؛ به عنوان مثال پیتر بائر می‌نویسد:

ترقی و پیشرفت مادی بیش از آنکه به منابع فیزیکی مربوط باشد به ویژگی‌های فردی، نهادها و رسوم اجتماعی وابسته است.[۵]

آلفرد مارشال یکی از اقتصاد دانان به نام در این خصوص چنین اظهار می‌دارد:

طی سال‌های ۱۹۳۴ ـ ۱۹۳۳ بر آن شدم تا زندگی حرفه‌ای خود را به ارائهٔ پاسخ، به دو سؤال ذیل محدودکنم:

۱ ـ چگونه از نظریه اقتصادی جهت روشن ساختن تاریخ اقتصاد می‌توان بهره جست؟

---

۱. بریجانیان، فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی: ص ۹۴۱.

۲. اصول کافی: ج ۲، ص ۱۱۹.

۳. وسایل الشیعه: ج ۱۰، ص ۳۵۹.

۴. اصول کافی: ج ۱، ص ۵۵۵.

۵. پیشگامان توسعه: ص ۷۴.

۲ ـ چگونه عوامل اقتصادی با نیروهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی درهم آمیخته می‌گردد؟

از این نوع اظهارنظرات در متون اقتصادی به‌وفور یافت می‌شود و این در حالی است که در خصوص نقش مذهب و خدا در توسعه بحثی به میان نیامده است. به‌طور کل می‌توان این‌گونه قضاوت نمود که در غرب، نقش کارکردی برای دین و مذهب، در راستای نیل به رفاه مادی مطرح نمی‌باشد و این در حالی است که در اقتصاد اسلامی این مبحث به‌کرات مطرح شده است. از جملهٔ یکی از واژه‌هایی که می‌توان با کمک آنها، نقش کارکردی و اساسی عوامل معنوی و دینی را در رفاه مادی توضیح داد، واژه برکت در اقتصاد اسلام است.

معنای برکت

امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

«برکت معنایی مقابل از میان رفتن داشته و به معنای افزایش یافتن و زیاد شدن است».[۱]

واژه‌نگاران نیز از همین معنا در اشاره به برکت بهره برده‌اند. در مجمع البحرین آمده است که این واژه به معنای (زیاد شدن) است و علت آنکه قرآن، مبارک نامیده شده نیز بدان علت است که نسبت به سایر کتب آسمانی از بیانات اضافه‌ای برخوردار است.[۲]

علامه طباطبائی نیز درخصوص برکت، در ذیل آیه ۶۴ سوره اعراف، مفصل بحث نموده که به‌طور خلاصه به شرح ذیل است:

الف) برکت به معنی ثبوت خیر الهی در اشیاء است.

ب) از آنجایی که خیر الهی از جایی و به‌گونه‌ای صادر می‌شود که نه محسوس کسی و نه شمردنی و نه محدود شدنی است، از این‌رو، هرآن چه راکه در آن زیادی غیر محسوس دیده می‌شود مبارک خوانده و با عنوان با برکت یاد می‌کنند.

---

۱. المیزان: ج ۷، ص ۲۹۰؛ ترجمه المیزان: ج ۱۵، ص ۲۶.
۲. مجمع البحرین: ج ۱، ص ۷۴.

ج) برکت در امور ظاهری به معنی خیر معنوی است. به عنوان مثال برکت در اطعام ممکن است به معنای عدم ضرر رسانی به بدن یا ایجاد نوری در باطن باشد.

د) برکت الهی منافاتی با عوامل طبیعی و مادی ندارد، بلکه ارادهٔ الهی در طول اسباب مادی جای دارد. به عنوان مثال هنگامی که خداوند بر غذایی برکتی وارد کند یا به عبارت دیگر در ترکیب میان اسباب مادی کاری کند که به خورندهٔ طعام آسیبی ندیده و این طعام فاسد نگردد، بر آن معنی نیست که خداوند سبب‌های دیگر را باطل کند.

هـ) برکت علاوه بر کتاب و سنت، در انجیل و تورات نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

و) ادعای افرادی که منکر برکت می‌باشند، باطل است، چرا که برخلاف نظر آنان، برکت در عرض عوامل مادی نبوده بلکه در طول اسباب مادی می‌باشد.[۱]

در ذیل به اسبابی که برکت آفرین‌اند اشاره‌ای شده است:

۱. **﴿ولو ان اهل القری آمنوا و التقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض﴾**.[۲]

«اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم».

۲. در دعاهایی که از رسول خدا و اهل‌بیت به ما رسیده است نیز، به نزول برکات الهی اشاره شده است:

«یا قاضی الحاجات، یا راحم العبرات، یا منزل البرکات».[۳]

«یا منشی البرکات من مواضعها و مرسل الرحمه من معاونها».[۴]

«اللهم منزل الرحمات من معاونها و مجری البرکات علی اهلها منك الغیث المغیث».[۵]

---

۱. المیزان: ج ۷، ص ۲۹۰؛ ترجمه المیزان: ج ۱۵، ص ۲۶.
۲. اعراف: ۹۶.
۳. بحارالانوار: ج ۹۵، ص ۲۸۱.
۴. بحارالانوار: ج ۸۶، ص ۲۲۵.
۵. فقیه: ج ۱، ص ۵۳۷.

علاوه بر ادعیه وارده، آنچه موجب نزول برکت است در فرمایشات پیامبر و ائمه‌اطهار آمده است تا دعا از حالت غیر واقعی خارج شده و زمینه نزول تبرکات الهی فراهم آید. لازم به ذکر است آنچه موجب نزول برکت است، انس و دوستی با قرآن (کتاب آسمانی) است. قرآن، کتابی با برکت است که ارتباط و انس با آن موجب هدایت و شفاست. نیازهای بشر همواره مادی نیست. امروزه توسعهٔ مراکز بهداشتی تنها در جهت درمان بیماری‌های جسمانی عملی است. قرآن می‌تواند طبیب دردهای روحی انسان باشد. درخصوص برخی از سوره‌ها و آیات قرآن، روایات معتبری وارد شده است که قرائت آنها آثار ویژه‌ای در نزول برکات دارد، اگرچه تمامی قرآن برکت و موجب شفاست. از جمله این سوره‌ها و آیات می‌توان به سوره‌های بقره، حمد و توحید و آیات ذیل اشاره نمود:

«ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می‌کنیم».[۱]

«ای مردم به یقین برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی و درمانی برای آنچه در سینه هاست، و رهنمود و رحمتی برای گروندگان به خدا آمده است».[۲]

در اینجا لازم است تا اشاره‌ای به آن دسته از اعمال و کردارهای اخلاقی داشته باشیم که موجب نزول برکات الهی می‌گردند:

الف) تقوی

تقوی، سکون و بی‌حرکتی نیست، تقوی نگهدارنده و بازدارنده است. تا حرکت نباشد نگه داشتن معنایی ندارد. اگر مردم تقوی به معنای واقعی کلمه را پیشه خود سازند، بنا به گفتهٔ آیات قرآنی، روزی فراوان به آنها می‌رسد. علاوه برآن، در موارد تردید، خداوند راه را بر بنده خود می‌نمایاند.

---

۱. اسراء: ۸۲.

۲. یونس: ۵۷.

«**من یتق الله یجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لایحتسب**».

«هر کسی از خدا پرواکند برای او راه بیرون شدنی قرار می‌دهد و از جایی که حسابش را نمی‌کنند به او روزی می‌رساند».

هر کسی از خدا پرواکند برای او راه بیرون شدنی قرار می‌دهد و از جایی که حسابش را نمی‌کند به او روزی می‌رساند. به عبارت دیگر این آیه بر این نکته اشاره دارد که وقتی انسان متقی بوده و به وظایف خویش به خوبی عمل کند، دیگر نیازی درخصوص اندیشیدن به روزی خود ندارد چراکه خداوند روزی او را تأمین می‌کند. در زمان ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام که عدل در زمین گسترده و تقوی پیشگی مرام مردم می‌گردد، از آسمان و زمین برکت الهی است که باریدن می‌گیرد. امام حسین علیه‌السلام در این خصوص و در تفسیر آیهٔ ﴿**لفتحنا علیهم برکات من السماء...**﴾ فرمودند:

«در آن زمان برکت فراوان شده و شاخه‌های درختان به سبب افزایش بار خم می‌شوند. مردم میوه تابستان را در زمستان و میوه زمستان را در تابستان تناول می‌کنند».[1]

ب) حسن نیت

بسیاری از برخوردهای اجتماعی از بدبینی و سوء نیت داشتن به یکدیگر ناشی می‌شود. نیک اندیشی و اعتقاد به اینکه همه مردم خوب هستند، مادامی که خلاف آن ثابت نشود، زندگی را شیرین‌تر و روابط اجتماعی را استحکام می‌بخشد. پدیده‌های منفی اقتصادی چون احتکار، گران‌فروشی و فریب مشتری، همگی ناشی از سوء نیت است اگر مؤمنین به یکدیگر اعتماد داشته و بدانند که در وقت کم شدن کالا هیچ کس به انبار کردن نمی‌پردازد و اگر به سود عادلانه بیاندیشند، هیچگاه محتاج نمی‌شود. اگر اعتماد وجود داشته باشد، هیچ کس دیگری را فریب نمی‌دهد. نتیجه این خوش‌بینی این می‌شود که هرکسی باید قناعت پیشه نموده و برکت و زیادی از خدا طلب کرده و در عین حال به معنویات نیز بیاندیشد.

---

۱. مختصر بصائر الدرجات: ص ۵۱.

ج) راست‌گویی

امروزه در اقتصاد رایج، تبلیغات سهم به سزایی در قیمت کالاها و جلب مشتری دارد، به نحوی که معروف است، مصرف‌کنندگان حدود یک سوم قیمت هر کالایی را بابت بسته‌بندی آن پرداخت می‌کنند و معمولاً بسته‌بندی تبلیغاتی دارد. همچنین اظهار می‌گردد که تبلیغات، کالاها را بی‌کشش می‌کند، به عبارت دیگر هنگامی که در خصوص کالایی تبلیغات گسترده صورت می‌گیرد، به قدری روی تقاضای آن مؤثر است که حتی اگر تولیدکننده قیمت کالا را نیز بالا ببرد، تأثیر چندانی بر کاهش تقاضه نداشته و نهایتاً این تولیدکننده است که سود می‌برد. با فرض اینکه فضای صداقت و صمیمیت میان مشتری و فروشنده وجود داشت، آیا نیاز به این همه تبلیغات بود؟

امروزه بخشی از صنعت کالا از راه تبلیغات جبران می‌گردد و این در حالی است که بهتر بود که در عوض پرداخت و تقبل هزینه‌های تبلیغاتی، صداقت و راستگویی حاکم بوده، اشتهای کاذب برای مصرف به وجود نیامده و هزینه تبلیغات در موارد مهمتری مورد استفاده قرار می‌گرفت تا خداوند نیز به معاملات برکت می‌بخشید. همان‌گونه که پیامبر اکرم می‌فرماید:

«اگر خریدار و فروشنده صداقت داشته باشند، خداوند معامله آنان را برکت می‌دهد».[۱]

د) سخاوت

بحث پیرامون انفاق‌های واجب و مستحب و آثار و سود اجتماعی آنها از جملهٔ ممیزهای اقتصاد اسلامی و وجه افتراق آن با اقتصاد غرب است که شرایط و آثار آن در فقه اسلامی لحاظ گردیده است. در قرآن، آیات فراوانی مبنی بر تأکید بر این سنت اسلامی وجود دارد؛ حکایت کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند دامنه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه صد دانه نهفته باشد و خداوند براهی هر کسی که بخواهد آن را چند برابر می‌کند و همانا

---

۱. اصول کافی: ج ۵، ص ۱۷۴.

خداوند گشایش‌گر داناست.[۱]

در آیه‌ای دیگر، خداوند درخصوص انفاق، آشکار و پنهان می‌فرماید:

«ای پیامبر به آن بندگانم که ایمان آورده‌اند بگو: نماز را برپا داشته و از آنچه برایشان روزی داده‌ایم پنهان و آشکارا انفاق کنند، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی و نه دوستی و رفاقتی باشد».[۲]

چنین تأکیدی که از جانب خداوند درخصوص انفاق شده است قطعاً بدون اجر و مزد نیست، و در نهایت به نفع انفاق‌کنندگان خواهد بود. گویی انسان مسئولیت دارد تا آنچه راکه خدا به او می‌رساند به دیگران انفاق کند. بدین ترتیب با بذر انفاق، ثمره‌های شیرین عدالت و توسعهٔ اقتصادی حاصل شده و زندگی همراه با رفاه و آسایش که (میوهٔ طیبه) نام دارد در جامعه اسلامی محقق می‌گردد. پیامبر فرمود:

«خداوند روزی مردم را به اندازه انفاق آنان قرار داده است، هر کس زیاد انفاق کند، روزی او زیاد و هر کس کم انفاق کند روزی او نیز کم است».[۳]

در این جا به دلیل اهمیت موضوع اشاره‌ای بر آن دسته از عباداتی که موجب نزول برکت الهی می‌گردند، شده است:

الف) استغفار

در فرهنگ دینی اسلام، معمولاً استغفار را مقدمه‌ای برای آمرزش گناهان دانسته و با آن، آثار گناهان را محو می‌کنند. اما استغفار می‌تواند از جنبه‌های اقتصادی نیز مورد توجه قرار گیرد و در دایرهٔ علت و معلول، سبب فزونی رزق و روزی و توسعه اقتصادی گردد. آیات قرآنی ذیل خود اثبات کننده این مدعی هستند:

«از پروردگارتان آمرزش بخواهید پس به درگاه او توبه کنید تا شما را

---

۱. بقره: ۲۶۱.
۲. ابراهیم: ۳۱.
۳. اصول کافی: ج ۱۰، ص ۳۰۵.

با بهره‌مندی نیکویی بهره‌مند ساخته و به هر صاحب فضیلتی، نعمتی از کرم خود عطا کند».[۱]

«**یا قوم استغفروا ربکم ثم توبوا الیه یرسل السماء علیکم مدراراً**».

«ای قوم من از پروردگارتان آمرزش بخواهید پس به درگاه او توبه کنید تا از آسمان برای شما رحمت فراوان فرستد».[۲]

علاوه بر آیات فوق، روایات صریحی در این خصوص نقل گردیده که برخلاف تئوری‌ها و قوانین فعلی، دایرهٔ علت را به امور معنوی توسعه داده و از مجرای این چنین اسباب معنوی، توسعه و رفاه مادی را نوید داده است.

پیامبر فرمود:

«استغفار را زیاد کنید و بدین وسیله روزی را به سوی خود بکشانید».[۳]

امام کاظم علیه‌السلام در روایتی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌فرماید:

«هرکس استغفار کند خداوند برای او گشایش حاصل نموده، غم را برطرف و روزی بی‌حساب به او ارزانی می‌دارد».[۴]

اقامهٔ نماز و نماز شب

درخصوص نماز، نوشته‌ها و اظهارات فراوانی درج و نقل گردیده است؛ اما این ویژگی نماز که سبب برکت می‌شود کمتر مورد توجه قرارگرفته است.

پیامبر آثار دوستی با فرشتگان، هدایت، ایمان، نور معرفت و برکت در روزی را برای نماز اظهار داشتند.[۵]

آنچه درخصوص آثار نماز نقل گردیده، با تأکید بیشتر درخصوص نماز شب بیان شده

---

۱. هود: ۳.
۲. هود: ۵۲.
۳. خصال: ج ۱۰، ص ۶۱۵.
۴. جعفریات: ص ۲۲۸.
۵. حضال: ص ۵۲۲.

است. تجارب تاریخی و حمایاتی که از شب زنده‌داران به ما رسیده همه‌گویای آثار و برکات این عطیه الهی است. از مرحوم نایینی نقل شده است که گرچه نماز شب شرط اجتهاد نیست، اما تاکنون کسی بدون اقامه نماز شب به اجتهاد نرسیده است. در اقتصاد مدرن امروزی به‌ویژه در کشورهای اسلامی، جایز است تا بخشی از بودجهٔ تحقیقات میدانی به این مسئله اختصاص یافته، با شب زنده‌داران مصاحبه به عمل آمده و نتیجه امر به اطلاع عموم رسانده شود، تا این چنین آثار و برکات از حد یک آرمان خارج شده و به صورت عینی در جامعه منتقل گردد.

ج) دعا

دعا موجب نزول برکت در زندگی می‌شود. برای طلب برکت، دعاهای فراوانی از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان منقول است. هنگامی که حواریون عیسی علیه السلام از او طلب سفره‌ای آسمانی نمودند، حضرت دعاکرده وگفتند بارالها، پروردگارا، از آسمان خوانی بر ما فرو فرست تا عیدی برای اول و آخر ما و نشانه‌ای از جانب تو باشد.[۱]

از موارد دیگری که موجب توسعه وگشایش اقتصادی در اسلام می‌گردد دعاکردن برای دیگران است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«**دعاء المرء لأخیه بظهر الغیب یدر الرزق و یرفع المکروه**».

«دعـای انسـان بـرای بـرادر دیـنی، روزی را افـزایش داده و بـلا را دور می‌گرداند».[۲]

د) حج و عمره

زیارت خانه خدا و انجام مناسک مربوطه، علاوه بر در پی داشتن آثار و برکات روحی اثرات مادی فراوانی نیز دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

---

۱. مائده: ۱۱۱.

۲. اصول کافی: ج ۲، ص ۷ـ۵.

«به حج بروید تا بی نیاز شوید».[۱]

در بیان دیگری فرمودند:

«حج و عمره را به توالی به جای آورید، به درستی که فقر و گناهان را از میان می‌برد».[۲]

ممکن است افرادی براین باور باشند که چون حج علاوه بر برخورداری از جنبه مسافرتی، جنبه تجاری نیز دارد، از این رو با پرداختن به امور تجاری، وضعیت اقتصادی بهبود می‌یابد. این چنین برداشتی از موضوع ناصحیح است چراکه تجارت اختصاصی به سفر حج نداشته و حتی در زمان صدور روایت، راه‌های دیگری برای تجارت وجود داشته است. از این‌رو این قبیل روایات در زمره سلسله علت‌های غیر مادی توسعه قرارگرفته و به رساندن مقصود کمک می‌کند.

نهایتاً به اعمالی پرداخته می‌شود که انجام آنها موجب نزول برکت و توسعهٔ اقتصادی در ممالک اسلامی می‌گردند:

الف) انفاق

علی علیه‌السلام به کمیل فرمود:

«ای کمیل برکت در مال کسی است که زکات آن را پرداخته باشد».[۳]

آثار معنوی با چشم ظاهری قابل رؤیت نیست و همان‌گونه که در ابتدا اشاره شد، برکت در زمرهٔ علت‌های معنوی است که بسیاری اوقات فهم ما از درک آن ناتوان است. در روایت از انفاق به چیدن شاخه‌های اضافه درختان تشبیه شده است که باعث افزایش محصول می‌گردد. عملکرد انفاق نیز همانند همان پیرایش است. این نمونه از باب تشبیه معقول به محسوس است. به عبارت دیگر چون فهم انسان از درک آن عاجز بوده، برای آن مثال زده

---

۱. فقیه: ج ۲، ص ۲۶۵.
۲. اصول کافی: ج ۴، ص ۲۵۵.
۳. تحف العقول: ص ۱۷۲.

و کار معنوی را با امور ظاهری تشریح کرده‌اند. علی علیه‌السلام فرمود:

«**الزکاة نفص فی الصوره و زیاره فی المعنی**».

«زکات در ظاهر، کم شدن و در باطن معنی زیاد شدن است».[۱]

ب) صلهٔ رحم

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«صله رحم روزی را زیاد کرده و اقتصاد مسلمین را رونق می‌بخشد».[۲]

ج) میانه‌روی

دنیای کنونی مواجه با منابع محدود و تقاضاهای نامحدود است، یعنی به عبارت اقتصادی به‌افت کیمیایی (Scarcity) مبتلاست. برطرف نمودن مشکل بستگی به استفاده بهینه از امکانات و توزیع صحیح آنها دارد. استفاده کردن از کالاهای مختلف، بدون توجه به نیاز واقعی آنها اسراف و استفاده کردن از یک کالای لوکس و گران قیمت تبذیر است. مطابق تعالیم اسلامی، هم در سطح اقتصاد خرد و هم در سطح کلان، می‌توان با استفاده از منابع میانه روی نمود و مشمول رحمت و برکات الهی واقع شد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«هر کسی میانه روی کند خداوند او را روزی می‌بخشد».[۳]

د) ازدواج

مادامی که فرد مسلمان تنها زندگی می‌کند، به اندازه یک نفر تلاش و کوشش نموده و خود را در مقابل کسی مسئول نمی‌پندارد. چنین فردی هزینه‌ها را نیز واقعی ندیده و بعضاً بیش از هزینه می‌کند. زندگی مشترک علاوه بر آنکه در پیدا کردن نقاط همیشه به وی کمک می‌کند تلاش

---

۱. شرح نهج البلاغه: ج ۲۰، ص ۲۹۹.
۲. دعائم الاسلام: ج ۲، ص ۳۳۱.
۳. اصول کافی: ج ۲، ص ۱۲۲.

وکوشش فرد را مضاعف ساخته و بدین ترتیب به طور غیرمستقیم، نقش به سزایی در توسعهٔ اقتصادی ایفا می‌نماید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«اتخذوا الاهل البیت ارزق لکم».[۱]

هـ) آسان‌گیری در معامله

پرداختن به بحث‌های اضافی و بی‌مورد در معامله، تعریف و تمجیدات فریب دهنده ممکن است انسان را به‌گناه انداخته و روابط صحیح ایمانی را تحت الشعاع قرار دهند.

اگر شرایط جامعه به‌گونه‌ای باشد که اطمینان بر بازار حاکم گردیده و به وسیله کنترل، قیمت و کیفیت بازار از ثبات برخوردار گردد یا رقابتی نوسانی در بازار وجود داشته باشد، زمینه برای انجام معاملات سالم و با برکت به وجود می آید، نتیجهٔ آنچه گذشت این شد که اقتصاد غرب با طرح اقتصاد توسعه و توسعهٔ اقتصادی، فصل جدیدی در تاریخ خودگشوده که هدف اصلی آن فراهم آوردن رفاه بشری در پرتو دستیابی به توسعه است. اما توسعه‌ای که غربیان مبدع آن بودند، به صورت فرآیندی، جامعه را از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب سوق می‌دهد و توجهی به فردیت و پرداختن به مسئله توسعه در شکل خرد آن نمی‌کند. تاریخ نشان داده است که برای رسیدن به موفقیت در توسعهٔ اقتصادی، تکیه صرف بر علوم غریب راهگشا نمی‌باشد. با وجود آنکه هشتاد درصد برندگان جایزه نوبل از دو کشور آمریکا و انگلستان بوده وکشورهایی چون ژاپن وکشورهای آسیای جنوب شرقی از اقتصاد دانان نامداری برخوردار نیستند، اما از رشد بالای اقتصادی برخوردارند. علت عمدهٔ این امر آن است که دانش اقتصاد امروزی تبدیل به عملی شده که با واقعیات تطبیق نمی‌کند. در دین اسلام، با معطوف داشتن توجه به مساجد به عنوان کانون‌های برنامه ریزی اقتصادی، عمده تکیه بر مسایل بومی ـ محله‌ای و فرهنگ غنی آن متمرکز شده است. همچنان که از قرن نهم تا چهاردهم که عصر عظمت تمدن اسلامی محسوب می‌گردد، دانشمندانی چون ابونصر فارابی، بوعلی سینا و امام محمد غزالی مطرح گردیده و در رشد و توسعه و غنای همه جانبه بلاد مسلمین ایفای نقش نمودند.

---

۱. اصول کافی: ج ۵، ص ۳۲۹.

امروزه نیز با استفاده از مساجد، لازم است تا انقلابی در اندیشه اقتصادی دین اسلام صورت گیرد تا با تکیه بر معرفت دینی با یکدیگر طرحی نو در انداخت یعنی همان جنبشی که شهید صدر به آغاز آن مبادرت نمود (نه اقتصاد یک سونگر غرب را پذیرفت و نه در اردوگاه سوسیالیزم خیمه زد، بلکه می‌خواست پایه‌گذار اقتصادی باشد که به برکت آن انسان کرامت خویش را در (احسن تقویم) به یاد آورده و هدفش (اعلی علیین) باشد.

سخن آخر اینکه اقتصاد اسلامی و وضعیت اقتصادی مسلمانان در سایهٔ استواری کانون‌های تقوی (مساجد)، حسن نیت، انس با قرآن، نماز و دعا، توسعه یافته و رنگ برکت الهی زینت بخش آن است. در دین مبین اسلام، پیوند میان نماز و بازار همواره در جریان بوده و تجار مسلمان روزی چند نوبت به مساجد آمد و رفت نموده و از نیروی ایمان تقویت شده و به محل کار خود باز می‌گردند. عبور از مساجد آنان را به یاد خدا می‌اندازد، از این رو، کمتر دروغ گفته، کمتر احتکار کرده و کمتر گران فروشی می‌کنند.

در حقیقت بازار و اقتصاد اسلامی از ارتباط تنگاتنگی با مساجد برخوردار است. منظور این است که اسلام بین اقتصاد، مسجد و نماز پیوند ناگسستنی را برقرار نموده است. حال در این راه چنانچه مسلمانان این پیوند را عملاً حفظ کرده و به آن عمل کنند، با این پیوند است که اقتصادشان بسیار فعال می‌گردد چراکه در چنین حالتی بازرگانان و تجار محلات مختلف به مجرد شنیدن صدای اذان، فوراً دست از تجارت برمی‌دارند که این امر خود نوعی اعتماد را به وجود می‌آورد. به‌طور کل می‌توان گفت که در گسترش اسلام به ویژه از جنبه اقتصادی آن، به واسطه عملکرد تجار و بازرگانی بوده است که تربیت شدهٔ مکتب مساجد بوده‌اند.

نقش مساجد در توسعه و رفاه اقتصادی

در صدر اسلام، اکثریت تجار و بازرگانان به محض ورود به شهرها و محلات به مساجد مراجعه می‌نمودند؛ از این‌رو حضور آنان در مساجد نشان از ورود کالاهای جدیدی داشت که به محض اتمام نماز، خریداران کالا وارد بحث و مذاکره برای خرید و فروش یا مبادله می‌شدند. در آن زمان اگرچه خرید و فروش و فعالیت‌های اقتصادی مستقیماً در داخل مساجد صورت

نمی‌گرفت و هنگام حضور در مساجد اصل همهٔ کارها بر محور عبادت و نیایش استوار بود و دید و بازدید و گفت‌وگو برای تبادل و خرید بعد از انجام عبادی صورت می‌گرفت، اما محوریت اقتصادی مساجد در رونق اقتصاد محلات و شهرها همواره از اهمیت خاصی برخوردار بود. از جملهٔ دیگر کارکردهای اقتصادی مساجد که با مشارکت و همیاری مردم و در جهت کمک اقتصادی به مردم صورت می‌گیرد، می‌توان به تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه، حفظ سپرده‌های مردمی و واگذاری وام بدون بهره اشاره نمود که از طریق شورای صندوق قرض‌الحسنه مساجد صورت می‌گیرد. این سنت حسنه قرون متمادی است که در میان مؤمنین نمازگزار مساجد انجام می‌شود. با توجه به تأکیدات فراوان آیات و روایات درخصوص منع انجام معاملات ربا، تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه از جملهٔ بهترین روش‌های اقتصادی برای رفع احتیاجات مالی و اقتصادی مردم به شمار می‌آید که خاستگاه اولیهٔ تشکیل آنها، مساجد بوده‌اند. علاوه برآن می‌توان از تشکیل فروشگاه‌ها و تعاونی‌های مصرف محله نام برد که توسط هیأت امنای مساجد جهت رفع نیازهای ضروری خانوارهای محلی، ساکن در حوالی مساجد صورت می‌گیرد. از انواع دیگر فعالیت‌های اقتصادی که عمدتاً مساجد در شکل‌گیری آنها نقش اصلی را ایفا می‌کند می‌توان به جمع‌آوری پول برای مستمندان و نیازمندان، خرید جهیزیه برای خانواده‌های کم درآمد، شغل یابی و فراهم ساختن فرصتهای شغلی مناسب و پویا برای افراد بیکار و جمع‌آوری کمک و اعانه برای ساخت کارگاه‌های تولیدی و مرکز کوچک اقتصادی محله‌ای اشاره نمود. از جملهٔ دیگر نقش‌های غیرمستقیم مساجد در امر اقتصاد، جلسات وعظ و خطابه و سخنرانی ائمهٔ جماعات و سخنرانان در مساجد درخصوص رعایت اخلاق اسلامی در معاملات اقتصادی می‌باشد. با توجه به اینکه مساجد در اکثر جوامع اسلامی دارای محوریت اصلی بوده و از نقش فعالی در مراکز بازار و مراکز اقتصادی شهرها و محلات برخوردار می‌باشند. از این‌رو به هنگام نماز، مساجد محل مراجعه بازاریان، کسبه و اصناف بازار و مراکز اقتصادی محله می‌باشند. امام جماعت نیز در هر جلسه نماز، ضمن دعوت نمازگزاران که عمدتاً در فعالیت‌های اقتصادی فعال می‌باشند، آنان را به رعایت اخلاق اسلامی و اقتصادی و رعایت انصاف و عدل در معاملات و فعالیت‌های اقتصادی دعوت می‌کند. این قبیل موعظات و سخنرانی‌های ائمهٔ جماعات در مساجد تأثیری عمیق در نمازگزاران ایجاد

کرده و به تبع، آنان از نظر اخلاقی و برای رعایت مسائل شرعی ملزم و مقید به فعالیت سالم اقتصادی می‌شوند. به‌طور کل می‌توان گفت که مساجد و بازرگانان، خدمات متقابل و نهایتاً دستاوردهای متنابهی برای یکدیگر دارند. به عبارت دیگر همچنان‌که مساجد در امور اقتصادی به‌کمک تجار و بازرگانان می‌شتابند، بازرگانان نیز با احداث مساجد نقش مهمی در گسترش و توسعه اسلام و شکوفایی اقتصادی دیگر محلات داشته‌اند. با وجودی‌که هیچ یک از ادیان بزرگ من جمله دین مبین اسلام، از رهیافت ضد سرمایه‌داری برخوردار نمی‌باشند و سرمایه‌داری از نظر علمی درست و از نظر عملی ناگزیر و بی جانشین است. اما گویی بار اخلاقی منفی دارد. در این راستا، ادیان بزرگ و به ویژه دین اسلام به این پیامدهای منفی اخلاقی منتج از سرمایه‌داری و زراندوزی توجه داشته و چاره‌هایی من جمله دریافت خیرات و مبرات واجب، صدقات مستحق، وقف و انجام امور خیریه تأکید داشته‌اند. در اسلام‌که مساجد به‌کانون محوریت انجام امور عبادی، فرهنگی، اقتصادی و... معرفی و در نظر گرفته شده‌اند عهده‌دار مبارزه با چنین پیامدهای منفی اخلاقی در امور اقتصادی از طریق دریافت خمس و زکات از تجار و بازرگانان و صرف آن جهت تأمین افراد نیازمند و نهایتاً تأثیرگذاری در شکوفایی و رونق اقتصادی جامعه به ویژه اقتصاد خرد (اقتصاد محله‌ای) می‌باشند. بهره‌وری مفهومی بسیار گسترده داشته و در برگیرندهٔ بهینه‌سازی تمامی عوامل مؤثر در فعالیت سازمان‌ها و نهادهای دولتی، مردمی، تعاونی و... می‌باشد. تلاش برای بهبود بهره‌وری در کلیهٔ عرصه‌ها به منظور استفاده عقلایی و بهینه از توانمندی‌ها و استعدادهای بالقوه و بالفعل با هدف ارتقای جایگاه نهادها نه تنها درکشورهای در حال توسعه بلکه درکشورهای صنعتی نیز همچنان ادامه داشت و موضوع مربوط به‌گذشته نیست، بلکه همواره در حال و آینده مدنظر مدیران، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان می‌باشد.

متأسفانه در اغلب کشورهای در حال توسعه با وجود ثروت‌های طبیعی فراوان، نیروی انسانی و... مسیر توسعهٔ اقتصادی همواره با موانعی روبروست‌که بخش اعظم آن ناشی از فقدان توان مدیریتی کارآمد در بهره‌گیری از استعدادها و توانمندی‌های بالقوه و بالفعل می‌باشد. در اینجاست‌که نظام مدیریت اسلامی با عنوان نظام مدیریت مشارکتی با تأکید بر رشد و توسعه بهره‌وری در هر مجموعه اقتصادی ـ اجتماعی با یاری‌گرفتن از مشارکت مردم به‌ویژه در سطح

محله‌ای، در شناسایی تنگناها و یافتن راه‌های مناسب برای غلبه بر آنها، به سرعت اقدام نموده و توفیق می‌یابد. در این حالت با واگذاری امور به مردم و فراهم آمدن امکان مشارکت و حضور آنان در صحنه‌های گوناگون اجتماعی و سپارش فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... و مدیریت آن به خود مردم، از تصدی دولت کاسته شده و مردم خود داوطلبانه به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی مشتاق و علاقه‌مند می‌گردند. از جملهٔ دیگر اقداماتی که می‌توان به واسطهٔ مساجد با مشارکت مردم در راستای تسهیل روند ارتقای بهره‌وری و توسعهٔ اقتصادی به ویژه در سطح محله‌ای می‌توان از موارد ذیل نام برد:

۱ ـ ایجاد پایگاه‌های تحقیق و توسعه در کلیهٔ زمینه‌ها و امور، در مساجد به ویژه مساجد منطقه‌ای و محله‌ای.

۲ ـ برنامه‌ریزی دقیق با توجه ویژه به بافت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هر منطقه و محله.

۳ ـ فراهم‌سازی امکان برخورداری همگان از فرصت مشارکت در امور و تقویت زمینه‌های مشارکت در راستای حذف تبعیض‌ها و فرصت‌های رانت‌جویی و فساد اداری و اقتصادی.

۴ ـ تربیت نسل پرتلاش، خلاق، مدیر و مدبر در تمامی زمینه‌ها و تخصص‌های مورد نیاز جامعهٔ امروز جهت هموارسازی مسیر ارتقای بهره‌وری.

نقش مساجد در اقتصاد محله‌ای

از جملهٔ مهمترین کارکردهای مساجد در اقتصاد محله‌ای می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱ ـ شناسایی افراد مستمند و مسکین نمازگزار محل.

۲ ـ جمع‌آوری هدایا و کمک‌های اهالی برای نیازمندان محل.

۳ ـ کمک در جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای حوادث غیرمترقبه نظیر سیل، زلزله، جنگ و... .

۴ ـ برگزاری جلسات مشاوره برای خانواده‌ها و امر ازدواج.

۵ ـ تشکیل فروشگاه تعاونی مصرف مسجد.

۶ ـ خیریه، اعانات، خیرات و صدقات به واسطهٔ نصب صندوق‌های خیریه در مساجد.

۷ ـ راه‌اندازی صندوق قرض‌الحسنه.

۸ ـ راه‌اندازی درمانگاه و داروخانه.

۹ ـ دعوت از مستمندان در ایام اطعام عمومی.

۱۰ ـ برگزاری مراسم جشن‌های مردمی و ازدواج باکمترین هزینه.

منابع و مأخذ

۱ ـ پیشگامان توسعه، ص ۵۷ و ص ۷۴ .

۲ ـ بریجانیان، فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی، ص ۹۴۱ .

۳ ـ امیری تهرانی‌زاده، سید محمدرضا، بیش درآمدی بر مفهوم اقتصاد اسلامی، کیهان فرهنگی سال ۱۳۷۲ .

۴ ـ اصول کافی، ج ۲ ، ص ۱۱۹ .

۵ ـ وسایل الشیعه، ج ۱۰ ، ص ۳۵۹ .

۶ ـ المیزان، ج ۷ ، ص ۲۹۰ .

۷ ـ ترجمه المیزان، ج ۱۵ ، ص ۲۶ .

۸ ـ مجمع البحرین، ج ۱ ، ص ۷۴ .

۹ ـ بحارالانوار، ج ۹۵ ، ص ۲۸۱ .

۱۰ ـ فقیه، ج ۱ ، ص ۵۳۷ .

۱۱ ـ مختصر بصائر الدرجات، ص ۵۱ .

۱۲ ـ اصول کافی، ج ۵ ، ص ۱۷۴ ؛ ج ۱۰ ، ص ۳۰۵ .

۱۳ ـ حضال، ج ۱۰ ، ص ۶۱۵ .

۱۴ ـ جعفریات، ص ۲۲۸ .

نقش مسجد در فرهنگ و هویت محله‌ای

▣ دکتر ابراهیم عباسی

چکیده

در گذشته، فرهنگ صرفاً به مجموعه‌ای از فعالیت‌های فکری و هنری محدود می‌گردید، اما پس از مدتی، تعریف نسبتاً دقیقی از آن با تأکید بر جنبه‌های معنوی آن ارایه شد. فرهنگ هر اجتماع دارای خصوصیات و ویژگی‌های خاص آن سرزمین است که تحت عناصر مذهبی، تاریخی، عقیدتی و جغرافیایی شکل می‌گیرد. حال از آنجا که مسجد به عنوان نماد تأثیرگذار بر الگوهای رفتاری افراد در زمینهٔ مذهبی مطرح می‌باشد، از این‌رو به صورت غیرمستقیم در شکل‌گیری فرهنگ و هویت افراد چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی نقش به سزایی ایفا می‌نماید. مسجد به عنوان مرکز فرهنگ‌سازی دینی با برخورداری پتانسیل برقراری ارتباط هرچه نزدیک‌تر با تودهٔ مردم به ویژه جوانان در ابعاد خردتر جامعه مانند محلات، پاسخ‌گوی نیازهای مردم بوده است، از این‌رو، نقش آن در شکل‌گیری، انسجام تقویت فرهنگ و هویت اسلامی محله‌های شهری حایز اهمیت بسیار است. ضرورت حضور پررنگ‌تر مساجد ـ ورای کارکرد مذهبی آنها ـ با بروز تغییرات فرهنگی در کلان شهری چون تهران، به یکی از پدیده‌های ضروری برای رویارویی با پدیده تأخر فرهنگی حداقل در سطح محله‌ای مبدل گردیده است. در این برهه از زمان، با توجه به مقابله با این پدیدهٔ نه چندان نوظهور، تعامل مسجد با فرهنگ‌سراها و خانه‌های فرهنگ محلات الزامی است چرا که بنا به نیازهای

جامعه امروز، کارکردهای گسترده مسجد، فراتر از بناهای کنونی آن مطرح است.

هدف مقالهٔ حاضر، تأکید بر بعد فرهنگی و فرهنگ‌سازی دینی مسجد در فرآیند برنامه‌های توسعه‌ای به دنبال شکست‌های متعدد برنامه‌ها و سیاست‌های پیشین، تأثیر و نقش مسجد در بازیابی فرهنگ و هویت اسلامی محلات، توجه به رویکرد اخلاقی مسجد در شکل‌گیری محلات و شهرهایی با هویت و فرهنگ اسلامی و عاری از فرهنگ مبتذل بیگانه، نقش مسجد در غنای فرهنگ و هویت محله‌ای به واسطهٔ اطلاع‌رسانی صحیح و به موقع فرهنگی و آسیب‌شناسی و چالش‌های فراروی نقش آفرینی مساجد در غنای هویت و فرهنگ محله‌ای است. این مقاله، براین باور است که هویت و فرهنگ هر اجتماعی در ارتباط و تماس با سنت‌ها، باورها و ارزش‌های آرمانی و عقیدتی نو و غنی شده، و تعالی و شکوفایی فرد در وهله اول و شکوفایی و توسعه اجتماعی در وهله بعد را به دنبال دارد. از این‌رو توسعه و حفظ مساجد به عنوان کانون‌های فرهنگی منطقه‌ای و محله‌ای ضرورتی تام دارد چرا که چنین کانون‌هایی مطمئن‌ترین ضامن حفظ و توسعهٔ فرهنگ و هویت منطقه‌ای و محله‌ای و تقویت هویت و فرهنگ شهری می‌باشند.

مطالعهٔ حاضر، پژوهشی توصیفی (Descriptive) است که در آن علاوه بر مطالعهٔ اسناد و مدارک و منابع کتابخانه‌ای، از شیوهٔ مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه بهره‌گیری شده است.

واژگان کلیدی: فرهنگ سازی دینی ـ تأخر فرهنگی ـ بازیابی فرهنگ ـ فرهنگ محله‌ای.

فرهنگ و ساختارهای تشکیل دهندهٔ آن

فرهنگ مفهوم پیچیده‌ای است که تعاریف متعدد و متنوعی از آن ارایه گردیده است.

به تعبیر عام، مجموعه‌ای به هم‌پیوسته از دانش‌ها، آگاهی‌ها، باورها، ارزش‌ها، هنجارها و مهارت‌های لازم و ضروری برای زندگی اعضای جامعه است.

(فرهنگ ابتدایی)، فرهنگ را مجموعهٔ پیچیده‌ای تعریف می‌کند که متضمن دانش، اعتقادات، هنرها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم و کلیهٔ توانایی‌ها و قابلیت‌ها و عادات مکتسبه است که انسان به عنوان عضوی از جامعه تحصیل می‌نماید. مدت زمان زیادی، فرهنگ

به مجموعه‌ای از فعالیت‌های فکری و هنری محدود می‌شد، اما پس از مدت‌ها، تعریف نسبتاً دقیق از آن با تأکید بر جنبه‌های معنوی آن ارایه شد. بنابه چنین تعریفی، فرهنگ مجموعه‌ای کامل از مشخصه‌های ممیزهٔ روحی مادی، فکری و عاطفی است که یک جامعه یاگروه اجتماعی را مشخص می‌کند که نه تنها شامل هنرها بلکه شامل اشکال زندگی، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و اعتقادات و حقوق اساسی انسانی نیز می‌گردد. به عبارت دیگر فرهنگ را باید در مفهوم گسترده و به منزلهٔ بافتی پیچیده و با روابط متقابل در نظر گرفت که بر مجموعه‌ای از سنت‌ها، باورها، دانش‌ها و نیز اشکال متفاوت بیان و تحقق فرد در بطن جامعه استوار است. با ویژگی‌هایی که تعریف دقیق فوق برای فرهنگ جامعه یاگروه اجتماعی تعیین می‌کند دیگر نمی‌توان فرهنگ را تنها بعد فرعی یا نیز سنتی توسعه تلقی نمود، بلکه فرهنگ عنصر ضروررری جامعه یا اجتماع به شمار آمده و در رابطهٔ کلی با توسعه، نیروی درون جامعه یا اجتماع محسوب می‌گردد. فرهنگ هر اجتماعی، دارای خصوصیات و ویژگی‌های خاص آن سرزمین است که تحت عناصر مذهبی، تاریخی، عقیدتی و جغرافیایی شکل می‌یابد. حال از آن جایی که مساجد به عنوان مراکز تأثیرگذار بر الگوهای رفتاری افراد در زمینهٔ مذهبی مطرح می‌باشد، از این رو به صورت غیرمستقیم در شکل‌گیری فرهنگ و هویت افراد چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی نقش به سزایی ایفا می‌نمایند.

افراد جامعه به وسیلهٔ روابط اجتماعی با یکدیگر پیوند خورده و در کنش متقابل‌اند. روابط اجتماعی، برخلاف روابط زیستی و طبیعی، به دلیل برخورداری انسان از اراده و اختیار، اموری جزمی و تکوینی نیستند. هماهنگی و سازگاری روابط اجتماعی بر پایهٔ الگوهای رفتاری مقبول جامعه صورت می‌گیرد. شکل و محتوای روابط اجتماعی توسط الگوهای رفتاری توصیف می‌گردد که افراد جامعه در رفتار با یکدیگر خود را با آن تطبیق می‌دهند. با توجه به نامتعین بودن روابط اجتماعی از یک سو و اراده و اختیار انسان از سوی دیگر، افراد جامعه از امکان انتخاب الگوهای رفتاری برخوردارند. آنچه امروزه به عنوان مراجعه به آرای عمومی مطرح می‌باشد، در واقع انتخاب و تعیین روابط اجتماعی است. آنگاه که مسئلهٔ انتخاب پیش می‌آید، ناگزیر از ملاک و معیار انتخاب، سخن به میان می‌آید؛ یعنی سبک و سنگین کردن، سنجیدن و ارزیابی کردن گزینه‌های ممکن و متفاوت روابط اجتماعی.

ملاک و معیار انتخاب در واقع نظام ترجیحی افراد جامعه است که متأثر از ارزش‌ها و باورهای آن جامعه است و از این‌رو ارزشی است. نخستین عنوانی که در ارتباط با مقولهٔ ارزش به میان می‌آید فرهنگ است. ارزش‌ها و باورها هستهٔ اصلی فرهنگ را تشکیل می‌دهند. از این‌رو، با توجه به اینکه روابط اجتماعی یک جامعه براساس الگوهای رفتاری و منطبق و سازگار با ارزش‌ها و باورهای آن صورت می‌پذیرد، الگوهای رفتاری بخشی از فرهنگ جامعه به شمار می‌روند. فرهنگ در حقیقت مشتمل بر اصول عامی برای گزینش و مرتب نمودن الگوهای رفتاری در زمینه‌های مذهبی، علمی، اقتصادی و... است.

با توجه به اهمیت به سزای عناصر مذهبی در ساختار فرهنگی یک اجتماع می‌توان اذعان داشت که توجه به مساجد به عنوان مراکز برخوردار از عناصر مذهبی و عقیدتی، همراه با شناخت فرهنگ غنی اسلام، درکنار دیگر الزامات نه تنها مایهٔ تداوم تماس و تفاهم اجتماعی و تأمین و تحکیم هویت و فرهنگ اجتماع می‌شود، بلکه درخت تناور فرهنگ و تمدن ایران را نیز پربارتر از همیشه خواهد کرد. ساختار تشکیل دهندهٔ هر فرهنگی متأثر از عوامل زیادی است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به سه عامل دین، جامعه و طبیعت (جغرافیا) اشاره نمود.

این عوامل در عرض یکدیگر نیستند، بلکه به ترتیب خاص در ساختار شکل‌گیری و تحول فرهنگی تأثیر می‌گذارند. از میان عوامل فوق، طبیعت عامل ثابت و نسبتاً پایدار است که روش بهره‌برداری از آن متفاوت و متغیر است. عامل جامعه نیز تحت تأثیر خلاقیت و بستر فرهنگی از سویی و جغرافیا از سوی دیگر قرارگرفته و متحول می‌شود، اما بنیاد دین همواره ثابت است و چون بر فطرت انسان منطبق است وجهٔ تازگی و شادابی آن همواره محفوظ بوده و در هر شرایطی قادر به ایفای نقش کلیدی خود می‌باشد، این چنین فیزیکی سبب می‌شود تا فرهنگ منتخب از دین، رابطهٔ دایمی و حیاتی، چه به صورت آشکار و پنهان داشته باشد. این رابطه هنگامی که دین به عنوان عنصر شاخص اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... ایفای نقش می‌نماید، آشکار بوده و به وضوح قوانین و اصول مذهبی و حد و حدود تعاملات فرهنگی را نشان می‌دهد.

جنبهٔ معنوی فرهنگ

عملکرد مهم مساجد در به سازی محیط اجتماعی و نیاز معنوی میان انسان و معبود یکتا از دیرباز، بیانگر نقش به سزایی است که عبادت‌گاه‌ها در شکل‌گیری شهرها داشته‌اند که این خود نشانه‌ای از احتیاج روحی انسان به مسایل عبادی است. لذا این ارتباط که خود بازگوکنندهٔ استضعاف آدمی است، همواره و همه جا تحت لوای مکانی امن درآمده و مدنظر قرار می‌گیرد. طرح مسایل فرهنگی از طریق مساجد، از جملهٔ روش‌هایی است که برای نخستین بار پیامبر وحی از طریق احداث مساجد به آن پرداخت. چنانکه مسایل فرهنگی و عبادی درکنار یکدیگر مورد توجه قرارگیرند، مسجد نقش تأثیرگذار خود بر جامعه را نمایان می‌سازد.

افزایش بهای زمین (نه تنها مادی بلکه معنوی) و جذب افراد سرشناس و متعهد شهرها و محلات در پیرامون مساجد نشان دهندهٔ میزان تأثیرگذاری مهم مساجد بر هویت و فرهنگ شهری و محله‌ای است. نقش تأثیرگذار مساجد بر هویت و فرهنگ اسلامی تا بدان جاست که با دور شدن و فاصله‌گرفتن از مساجد نتیجه‌ای جز تخریب ظاهری و باطنی و سقوط مبانی فرهنگ در وهلهٔ نخست و از میان رفتن وحدت اسلامی در وهلهٔ دوم در پی نخواهد داشت چراکه نخستین عنوانی که در ارتباط با مقولهٔ ارزش به میان می‌آید، فرهنگ است. ارزش‌ها و ایده‌های سنتی، هستهٔ ضروری فرهنگ را تشکیل می‌دهند. (Simsler. 528) همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مقولهٔ ارزش از سویی هسته وگوهر فرهنگ به‌شمار رفته و از سوی دیگر نقشی بس تعیین‌کننده در چگونگی شکل‌یابی و تعیین روابط و ساختار اجتماعی دارد. از این‌رو، ساختار اجتماعی و فرهنگ سخت به یکدیگر درآمیخته‌اند به نحوی که روابط اجتماعی در چارچوب رفتار فرهنگی شکل می‌گیرند. رابطهٔ متقابل میان ارزش‌ها و باورهای سنتی و مذهبی، فرهنگ و روابط اجتماعی نشان می‌دهد که مساجد به عنوان کانون‌های ارزش و فرهنگی دین مبین اسلام نقش تأثیرگذای در شکل‌گیری روابط اجتماعی مسلمانان داشته‌اند که این خود نشان دهندهٔ نقش تأثیرگذار این مراکز اسلامی بر فرهنگ و هویت شهرهای اسلامی و به ویژه محلات می‌باشد.

کارکرد فرهنگی مساجد

پس از نقش‌های عبادی و آموزشی، نقش فرهنگی در میان دیگر نقش‌ها و کارکردهای مسجد دارای بیشترین اهمیت می‌باشد. در زمان حضرت رسول اکرم و ائمهٔ اطهار، مسجد کانون بسط و توسعهٔ فرهنگ غنی اسلام بوده و بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی مسلمین در مسجد انجام می‌گرفت. به‌طور کلی می‌توان گفت که پایگاه فرهنگی اسلام از مساجد شکل گرفته و هستهٔ اولیهٔ فعالیت‌های فرهنگی اسلام در مساجد تشکیل شده است. اصلی‌ترین اشاعه دهندگان فعالیت‌های فرهنگی چه در دوران حضرت رسول اکرم و چه در دوران ائمهٔ اطهار مساجد بوده‌اند. امروزه پس از گذشت ۱۴۰۰ سال، همواره مساجد کارکرد فرهنگی خود را از دست نداده‌اند؛ بلکه بر وسعت دامنهٔ آن‌ها نیز افزوده شده است. پیامبر اکرم محیط مساجد را کاملاً یک محیط فرهنگی می‌دانستند تا جایی که در حضور آن حضرت و با اجازهٔ ایشان، مسابقات شعر و سخنرانی در مساجد برگزار می‌گردید و پیامبر ضمن ابراز خرسندی از این کار، با حوصله و بردباری کامل با چنین مسایل برخورد می‌کردند. در مقابل در دنیای امروز نیز جهانی شدن و تکنولوژی اطلاعات که چشم‌گیرترین نمود آن اینترنت است، قلمرو را به گسترهٔ جهانی و سرعت عمل را به حد غیرقابل تصوری افزایش داده است. گستردگی میزان عمل و افزایش سرعت انتقال اطلاعات، جهان را به عرصهٔ هماوردی سخت و جانکاه مبدل کرده است، که درنگ و کوتاهی در اقدام شایسته و بایسته، زیان‌ها و آسیب‌ها راه چاره ناپذیری را موجب می‌گردد. در عصر اینترنت و جهانی شدن، اقدام نکردن و در دست نداشتن ابتکار عمل بدین معنا نیست که ضمن حفظ مصونیت خود، تنها امکان تأثیرگذاری بر دیگران از دست رفته باشد، بلکه اقدام نکردن به معنای در معرض تأثیر و آسیب قرار دادن از سوی اقدامات دیگران است. دامنهٔ این آسیب پذیری به ویژه در حوزهٔ فرهنگ که میدان عمل مساجد است، با توجه به امکانات دیداری و شنیداری اینترنت بسیار گسترده است، از این‌رو مساجد در برابر این تحدی بزرگ، از امکانات و قابلیت‌های حاصل آمده توسط اینترنت در جهت گسترش دامنهٔ فرهنگ سازی دینی به ویژه در سطح محلهٔ کمال بهره برداری را نمایند.

بدین ترتیب مساجد محلی با استفاده از ارتباطات شبکه‌ای از برنامه‌های مذهبی،

امکانات تربیتی و تجارب تبلیغی یکدیگر اطلاع یافته و با تبادل این اطلاعات و همکاری و همیاری در اجرای برنامه‌های فرهنگی، ارشادی و تبلیغی، بر دامنهٔ ژرفای تأثیرگذاری خود می‌افزایند. مساجد همچنین با طراحی سامانه‌ها (سایتهای ویژه) و متناسب با شرایط فرهنگی و اجتماعی مخاطبین خود، ارتباطات فردی و تأمین نیازهای روحی ـ معنوی و فرهنگی آنان را فراهم می‌آورند. به طور کل می‌توان گفت که با وجود شبکهٔ جهانی اینترنت، این فرصت برای مساجد محلی به عنوان مراکز ارشادی، فرهنگی و تبلیغی فراهم آمده است تا ضمن هم فکری و همکاری با یکدیگر، به تبیین مبانی، اصول و ارزشهای دینی و فرهنگ سازی دینی بپردازند. در حال حاضر تأکید بر بعد فرهنگ و فرهنگ سازی دینی مساجد در فرآیند برنامه‌های توسعه‌ای به دنبال شکست‌های متعدد برنامه‌ها و سیاست‌های قبلی از اهمیت خاصی برخوردار گردیده است؛ چراکه کارکرد فرهنگی مساجد بر شناخت جهان بینی اقشار مختلف جوامع محلی و شهری به ویژه جوانان تأکید دارد. از این رو، در عملکرد مساجد در راستای انجام فعالیت‌های فرهنگی، شناخت مؤلفه‌های فرهنگی ـ اجتماعی تعیین کنندهٔ ساختارهای جامعه از ضرورتی خاص برخوردار است.

مساجد و شکل‌گیری فرهنگ و هویت اسلامی محلات شهری

هنگامی که اسلام، جهان متمدن قرن هفتم میلادی را فراگرفت، چهرهٔ بسیاری از کشورها دگرگون شد و با مسلمان شدن تدریجی این کشورها، نژادهای گوناگون در ساختن هویت جدیدی به نام اسلام، نزدیک شدند.[۱]

نژادهای آریایی، هندی، سامی، قبطی، بربری و سایر نژادها در بارور ساختن فرهنگ و هویت اسلامی با هم همکاری کرده‌اند.[۲]

پیداست که در این میان، سهم همهٔ ملت‌ها یکسان نبوده، و آنها که با میراث‌های غنی پیش می‌آمدند، در ساختن بنای فرهنگی جدید اثر بخش‌تر بوده‌اند، آن‌چه در این کشورها باعث

---

۱. آذرتاش، هنرها: ص ۱۵۰.

۲. شهیدی، رستاخیز: ۶۳۲، ۱۶.

گسترش سریع فرهنگ و هویت اسلامی می‌شد، بی‌تردید عامل دین و از همه مهم‌تر وجود مراکز مذهبی مشترک با عنوان مساجد بود. مساجد مستقر در مناطق و محلات شهری در حقیقت به عنوان مراکز فرهنگ‌سازی دینی فعالیت می‌نمایند.

این مراکز به عنوان پایگاه‌های مردمی نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در روشنگری اذهان عمومی و تبیین و ترویج شعائر و مبانی و فرهنگ دینی دارند. پر واضح است که مساجد به عنوان مراکز فرهنگ‌سازی دینی با دارا بودن پتانسیل برقراری ارتباط نزدیک‌تر با تودهٔ مردم به ویژه جوانان در ابعاد خردتر مانند محلات، پاسخ‌گوی نیازهای مردم و به ویژه جوانان بوده‌اند. از این‌رو نقش مساجد در شکل‌گیری، انسجام و تقویت فرهنگ و هویت اسلامی در محله‌های شهری حایز اهمیت بسیار است. ضرورت حضور پررنگ‌تر مساجد، به یکی از پدیده‌های ضروری ظهور برای رویارویی با بروز تأخر فرهنگی حداقل در سطح محله‌ای مبدل گردیده است. در این برهه از زمان با توجه به مقابله با این پدیدهٔ نه چندان نوظهور، تعامل مساجد با فرهنگ‌سراها و خانه‌های فرهنگی محلات الزامی و ضروری است چراکه بنا به نیازهای امروز جامعه، کارکردهای گستردهٔ مساجد، فراتر از نیازهای کنونی مساجد است. مسجد به عنوان محل تجمع مسلمانان، مرکزی برای اطلاع‌رسانی است که مهم‌ترین تأثیرات را در فرهنگ و هویت بشر از زمان‌های گذشته تاکنون بر جای گذارده است که مصداق بارز آن در جریان انقلاب اسلامی ایران دیده شد. دین مقدس اسلام از این جهت که به مناسبت‌های مختلف مردم را فرا می‌خواند، در میان ادیان دیگر از برجستگی خاصی برخوردار است.

اهمیت مساجد به ویژه در زمان صدر اسلام که از جهت اطلاع رسانی فاقد رسانه‌های گروهی بود، اهمیت بسیاری داشت، زیرا در همین اجتماعات، رهبران دینی، فرصت را مغتنم شمرده و با راهنمایی‌های لازم نقش اساسی در شکل‌گیری فرهنگ و هویت اسلامی را ایفا می‌نمودند. برای ارتقای فرهنگ و هویت دینی در پیکرهٔ هویت و فرهنگ اجتماع به ویژه اجتماعات محله‌ای، مساجد از نقش به سزایی برخوردار می‌باشند چراکه از مشارکت گستردهٔ مردم در حفظ ارزش‌ها و تبلیغ آن‌ها و انتقال فرهنگ و مفاهیم ارزشی سود می‌جویند در غیر این صورت چنانچه دولت به تنهایی عهده‌دار این مسئولیت گردد، کوچک‌ترین تخلف از سوی آن

به حساب دین و فرهنگ دینی گذارده شده و این خود نقص دین تلقی می‌گردد. از این روست که دولت باید با تدارک زیرساخت‌ها و آماده سازی نیروهای انسانی کارآمد از یک سو و بهره گیری از متفکرین، روحانیون، هنرمندان، فرهنگیان و فرهیختگان جامعه و استقرار آنها در مساجد به عنوان قائم مقام خود، به توسعهٔ فرهنگ و هویت اسلامی و ارتقای چنین فرهنگی در پیکرهٔ فرهنگ و هویت اجتماعی به ویژه محله‌ای بپردازد. با وجود مسئولیت خطیر مساجد در ایجاد هویت و فرهنگ اسلامی در جامعه، توجه بر رویکرد اخلاقی این پایگاه مقدس که به شکل‌دهی جامعه‌ای با هویت و فرهنگ اسلامی و عاری از فرهنگ مبتذل بیگانه می‌انجامد، الزامی است. این سیکل که نهایتاً بنیهٔ فرهنگ داخلی را تقویت می‌نماید، بخشی از نقش است که مساجد به عنوان جایگاه‌های خاص توسعه فرهنگ و هویت اسلامی در قالب برنامه‌های دراز مدت در تقویت و استحکام هویت و فرهنگ محله‌ای ایفا می‌نمایند.

ضرورت حضور پررنگ مساجد در فرهنگ شهرها و محلات

در فرهنگ غنی و ریشه‌دار اسلام، مسجد از مرکزیت برخوردار است. در جغرافیای فرهنگی اسلام و در سپهر فرهنگ دینی، مسجد اصلی‌ترین پایه و رکن است. در اسلام، مساجد محور فعالیت‌های فرهنگی هستند، از این‌رو اگر چنانچه خواهان تأثیرگذاری بر فرهنگ و هویت ساختار شهری یا محله‌ای هستیم می‌باید مساجد را توسعه داد. فرهنگ دینی اسلام مسجدمدار است و هر چیزی که رنگ و بوی این فرهنگ دینی را داشته باشد قطعاً این محوریت را در خود نشان می‌دهد، به‌طور کل می‌توان اذعان داشت که مسجد محور اصلی جامعهٔ فرهنگ و هویت اسلامی است. مسجد پایگاهی است فرهنگی که شهروند موحد و مسلمان در آن جا در ابعاد مختلف حیات فردی و اجتماعی، و در خصوص مسایل اجتماعی، اعتقادی، علمی، اقتصادی، سیاسی بشری و... آموزش می‌بینند، آن هم آموزش‌های اولیه و پایه‌ای که بر آن اساس پرورده شده، می‌بالد و مجال ورود به عرصهٔ پرجنجال زندگی را پیدا می‌کند.

تأثیر مساجد بر الگوهای فرهنگی شهروندان

اگرچه در عصر حاضر به ویژه دهه‌های اخیر، ابزارهای تبلیغاتی و پیام‌رسان تأثیرگذاری همچون فیلم، سینما، تلویزیون، تئاتر، رادیو، پوستر و عکس، نوار، ویدئو، روزنامه، مجله، نشریات دوره‌ای و... رو به تزاید گذارده است و به ظاهر درخشش و جذابیت بیشتری دارد، لیکن مسجد به لحاظ اصالت دینی و داشتن ریشه‌های عمیق تاریخی و به دلیل اهتمام فراوان رهبران مذهبی به این پایگاه عمومی، تأثیر بسیار حساس و تعیین‌کننده‌ای بر ارتقای فرهنگ و هویت افراد دارد. مهم‌تر از همه آن‌که صحنه‌گردان مسجد، خود مردم‌اند و تا زمانی که مذهب و انگیزه‌های دینی در مردم رسوخ دارد، مسجد نیز به عنوان یک پایگاه دینی از توان تأثیرگذاری بر فرهنگ و هویت آنان برخوردار است، به نحوی که در جای خود به اثبات رسیده است که اعتقادات دینی و انگیزه‌های ماورایی که مساجد مبلغ آن اند، محکم‌ترین و راسخ‌ترین انگیزه‌ها و محرک‌های فردی و اجتماعی به‌شمار می‌آیند، تا آنجاکه فرد در راه حفظ آرمان‌های خود از جان و مال و فرزندانش می‌گذرد. مسجد نیز به طور ملموسی با چنین تمایلات و کشش‌های قدرتمندی سر و کار دارد، زیرا خود در متن دین حنیف بوده و جایگاه تسکین و تسلی خاطر مؤمنان است. بدین لحاظ می‌توان بیشترین بهره‌برداری‌ها را خصوصاً در بعد فرهنگ و هویت‌سازی از مسجد نمود.

تعامل مساجد با فرهنگ‌سراها و خانه‌های فرهنگ

دوران حاضر را می‌توان دوران حیات مساجد قلمداد نمود، چراکه با فعالیت کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد در پرورش و فرهنگ‌سازی دینی افراد، فرهنگ در کنار دین ارایه و عرضه می‌گردد. از این‌رو، نقش مساجد به عنوان مقدمهٔ فرهنگ و هنر به ویژه در سطح محله‌ای از اهمیت به سزایی برخوردار می‌گردد. در مقام تشبیه می‌توان از مساجد به عنوان کنفرانس‌های عبادی ـ فرهنگی یاد نمود که از شعباتی تا اعماق روستاها و اجتماعات محله‌ای برخوردارند. تفاوتی که مساجد به عنوان کانون‌های فرهنگی و دینی با فرهنگ‌سراها دارند در این است که مساجد از توان بالقوهٔ اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی دینی به‌طور مستقیم برخوردار می‌باشند

و این در حالی است که فرهنگ‌سراها و دیگر مراکز فرهنگی به انجام فعالیت‌های زودگذر و موقتی باکارکردی یک جانبه و یک سویه مبادرت می‌نمایند. در نقطهٔ مقابل، مساجد علاوه بر جنبهٔ عبادتی ـ عقیدتی از جنبه‌های کارکردی همه جانبه نظیر کارکردهای فرهنگی، فرهنگ سازی، اجتماعی، سیاسی و... برخوردارند.

توسعه و حفظ مساجد به عنوان کانون‌های فرهنگی منطقه‌ای

جامعهٔ انسانی نیازمند حکومت و قانون است. قانون هنگامی معقول و مطلوب است که برخاسته از فرهنگ صحیح باشد. این فرهنگ صحیح تنها با وضع قانون ایجاد نمی‌شود بلکه ضروری است نهادهای فرهنگی جامعه مقدم بر وضع قانون آن را محقق سازند و الا جامعه دچار فقدان و خلاء فرهنگی خواهد شد. مساجد، راه حلی هستند که دین مبین اسلام برای حل این معضل فرهنگی برگزیده است. مسجد، مرکزی فرهنگی است که مردم را در طول شبانه روز پنج نوبت به سوی خود فرا می‌خواند و فرهنگی ارایه می‌دهد که به عوض تکیه بر امتیازها و اختلاف‌ها به جهات مشترک بشری تکیه داشته و ارزش‌های اجتماعی مشترک افرادش را در قالب تعالیم فطری و الهی ـ که منبع حق و حقیقت است ـ حیات می‌بخشد:

«**الحق من ربك فلا تكونن من الممترين**».

هویت و فرهنگ هر اجتماعی در ارتباط و تماس با سنت‌ها، باورها و ارزش‌های آرمانی و عقیدتی نو و غنی شده و امکان تعالی و شکوفایی فرد در وهلهٔ نخست و تعالی و شکوفایی و توسعهٔ اجتماعی در وهلهٔ بعد را به دنبال دارد. از این رو، توسعه و حفظ مساجد به‌عنوان کانون‌های فرهنگی منطقه‌ای و محلی ضرورت تام دارد؛ چراکه چنین کانون‌هایی مطمئن‌ترین ضامن حفظ و توسعهٔ فرهنگ و هویت منطقه‌ای و محله‌ای و تقویت هویت فرهنگ شهری است. به‌طور کل می‌توان از مسجد به عنوان طلیعه‌دار فرهنگ‌های محلی و منطقه‌ای نام برد، چراکه مساجد افراد را به یکدیگر نزدیک‌تر کرده و شرایط داد و ستد و ارتباطات اجتماعی و شکل‌گیری مناسبات فرهنگی و هویت محله‌ای را فراهم می‌آورند.

آسیب‌شناسی و چالش‌های فراروی فرهنگ دینی

از جملهٔ عمده‌ترین آسیب‌های فراروی فرهنگ و هویت دینی ساختارهای اجتماعی به ویژه در سطح محله‌ای می‌توان از موارد ذیل نام برد:

۱ ـ روز آمد نبودن نهادها، مراکز دینی و مساجد و عدم معرفی مناسب و کارآمد دین و فرهنگ با استفاده از روش‌های سنتی.

۲ ـ عدم برخورداری نیروهای انسانی نهادهای دینی و مساجد به ویژه مساجد محله‌ای از کارآیی و دانش لازم.

۳ ـ خلاء وجود فرهنگ دانشگاهی به عنوان اتاق فکری مختص فرهنگ دینی.

۴ ـ وجود نهادهای متعدد دینی و عدم مرکزیت مساجد به عنوان اصلی‌ترین نهادها و کانون‌های بسط و تقویت فرهنگ و هویت اسلامی.

۵ ـ عدم برخورداری مساجد به ویژه مساجد محله‌ای از مدیریت سازمانی منسجم.

چالش عمدهٔ پیش روی فرهنگ و هویت دینی در ابزارهای فعالیت فرهنگی یا تبلیغی نیست، بلکه چالش اساسی، زاییدهٔ آن است که نیروی انسانی ماهر، مدیر و خلاق وارد عرصه نشده و مجموعهٔ امور فرهنگ دینی در اختیار نهادها و افرادی است که معدل تحصیلات آنان حتی از دیپلم متوسطه نیز پایین‌تر است. همین مسئله موجب به وجود آمدن معضل مدیریت شده است. به دلیل همین مسئله ناچاراً نهادهای دینی متعددی ایجاد شده و از آنجاکه اتاق‌های فکری نیز به وجود نیامده است، لذا افراد غیرمتخصص با سطح تحصیلات پایین، اقدام به ایجاد نهادهای متعدد دینی با نیت تقویت و توسعهٔ فرهنگ و هویت اسلامی نموده و در عوض به دنبال اعتبار و بودجه و مسایل جاری رفتند؛ از این رو ناچاراً می‌بایست در حوزه‌های فرهنگ دینی از حوزه‌های دانشگاهی بهرهٔ بیشتری برده و با همکاری روحانیون آگاه مستقر در مساجد محل و دانشگاهیان مطلع از تکنولوژی مدرن و صنعت ارتباطات و تحولات جهانی شدن در راستای طراحی و ترسیم سیاست و استراتژی اساسی برای تقویت و توسعهٔ فرهنگ و هویت اسلامی در جوامع شهری که نهایتاً به توسعهٔ فرهنگ محله‌ای و شهری منتهی می‌گردد، تلاش نمود.

منابع و مأخذ

۱ ـ آذرتاش، هنرها، ص ۱۵۰ .

۲ ـ شهیدی، رستاخیز، ۶۳۲ ، ۱۶ .

۳ ـ رازی، فخرالدین، تفسیر کبیر.

۴ ـ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان.

۵ ـ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه.

۶ ـ ضرابی، عبدالرضا، نقش و عملکرد مساجد در تربیت، معرفت، سال نهم، شمارهٔ اول، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹ .

۷ ـ رزاقی، ابوالقاسم، مسجد پایگاه توحید و فرهنگ اسلامی.

۸ ـ لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب.

۹ ـ سباعی، محمد مکی، نقش مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی.

نقش مسجد در توسعهٔ محله‌ای

▣ دکتر بابک نگهداری

چکیده

یکی از مهم‌ترین رویکردهای توسعه، توجه به سرمایه‌های اجتماعی و تقویت شاخص‌های کمی و کیفی و به‌کارگیری آن در توسعه کشور است. این رویکرد نه تنها از قابلیت زمینه‌سازی جهت رشد و گسترش سرمایه‌های اجتماعی برخوردار است که معتقد است تقویت سرمایه‌های اجتماعی، نقش مهم و حیاتی در ابعاد مختلف توسعه جامعه داشته و نگاه تقلیل‌گرایانه و صرف را به معیارها و جنبه هایی از رشد، کاهش خواهد داد و همچنین زمینه ساز توسعه‌ای فراگیر، متوازن و پایدار خواهد شد. چنین رویکردی ضمن توجه به محیط پر شتاب و متلاطم اطراف به بازشناسی زیرساختها و زیربناهای فکری و فرهنگی خود پرداخته و اساس توسعه را بر پایه بنیان معرفتی و نظام فکری خود پی ریزی می‌نماید و ضمن استفاده از تجارب سایر جوامع از نگاه کلیشه‌ای، اقتباسی و تقلیل‌گرایانه اجتناب می‌کند.

عنصر دین، به ویژه دین اسلام و تجلیگاه آنکه همانا مسجد می‌باشد از جمله مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی محسوب می‌گردد که همواره از نقش تعیین‌کننده در توسعهٔ جوامع به‌ویژه در طول تاریخ انقلاب اسلامی برخوردار بوده است. در حال حاضر، چون مردم نسبت به مزیت‌های فرهنگی، مذهبی، اعتقادی و تاریخی خود دچار فراموشی شده‌اند، برای مشارکت در توسعه، دست خود را تهی می‌بینند و سهمی از توسعه را مطالبه می‌کنند، در صورتی که اگر آنها

به ظرفیت‌ها و استعدادهای بالقوه و متنوع تاریخی، مذهبی و فرهنگی خود پی برند و بدانند که برای تسریع جریان توسعه به ویژه در سطح توسعه محله‌ای، از چنین سرمایه‌های مهمی برای عرضه برخوردارند، خواهان ایفای نقش مثبت در توسعه خواهند شد. هدف مقالهٔ حاضر، استفاده از الگوی توسعهٔ درون‌زای برونگر به عنوان مبنای برنامه ریزی توسعه شهری به‌ویژه توسعه محله‌ای از طریق پژوهش در گذشته تاریخی ـ مذهبی و بومی نمودن ویژگی‌های ساختاری محلی با توجه به چنین پژوهش‌هایی، بررسی نقش مساجد به‌عنوان محور فعالیت‌های تبلیغی و مهمترین وسیله ارتباط جمعی (که در نتیجه سیر تحول و تطور و توسعهٔ مطلوب اجتماعی از سطح محله‌ای تا ملی را فراروی مسلمین می‌گشاید)، بررسی نقش مساجد محلات در استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات در توسعهٔ محله‌ای، و آسیب‌شناسی عدم توزیع مناسب مساجد در شهرها و محلات و بروز توسعه نیافتگی شهری و محله‌ای است.

براساس نتایج حاصله از پژوهش فوق، می‌توان اذعان داشت که شناخت تنوع فرهنگی، در حقیقت شناخت ابداع و ابتکارات بشر در طول تاریخ و ظرفیت‌های متفاوت مناطق در محلات شهری است که ما از آن به عنوان مزیت‌های فرهنگی، مذهبی، عقیدتی و تاریخی یاد می‌کنیم که از سرمایه‌های جاودانه بشری محسوب می‌گردند و چنانچه به خوبی شناسایی شده و به کار گرفته شوند، رشد و توسعه جوامع از جوامع محله‌ای تا جوامع شهری را در پی خواهد داشت. مطالعهٔ حاضر، پژوهشی توصیفی (Descriptive) است که در آن علاوه بر مطالعه اسناد و مدارک و منابع کتابخانه‌ای، از شیوه مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه نیز بهره گیری شده است.

واژگان کلیدی: سرمایه‌های اجتماعی ـ توسعهٔ فراگیر ـ توسعه محلی ـ توسعه درون زای برونگر ـ توسعه نیافتگی ـ تنوع فرهنگی.

رابطه دین و نهادهای اجتماعی

جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان در قرون گذشته، از انسان به عنوان هوموارکتوس (انسان مستوی‌القامه) و هوموفابریگوس (انسان ابزارساز) و هوموپولیتیکوس (انسان سیاست‌ورز) سخن می‌گفتند. این در حالی است که امروزه از انسان با عنوان هومورلیجیوسوس (انسان

دین‌ورز) نیز سخن به میان می‌آید، چراکه بر طبق جدیدترین پژوهش‌های جامعه شناختی، چه در آفریقای جنوبی و مکزیک (که به نسبت توسعه نیافته‌اند) و چه در آمریکاکه پیشرفته‌ترین جامعهٔ بشری (از نظر فرهنگ مادی) است، بیش از نودوپنج درصد انسان‌ها به وجود خداوند ایمان دارند و همین واقعیت، نظر و نظریه‌ای راکه مدعی بود با پیشرفت و توسعهٔ اجتماعی و افزایش رفاه مادی، دین و اندیشه دینی انحطاط یافته و در واقع این دو در نقطهٔ مقابل یکدیگر قرار دارند، ابطال می‌کند. دین، کهن‌ترین، نافذترین و اثرگذارترین نهاد اجتماعی بشر است. شاید تنها نماد علم، تحول آفرین‌تر و فرهنگ و تمدن‌سازتر از دین باشد. علاوه براین می‌توان اذعان داشت که دین به علم و توسعه بشر از علم و توسعه به دین مدد رسانده است. به عبارت کلی‌تر می‌توان گفت که هرگاه بشر اندیشه ورز با انگیزه‌های صلاح یا از سر تحیر به تأمل در محیط اجتماعی خویش پرداخته است، ناخواسته خود را با شاخص‌ترین پدیدهٔ اجتماعی تأثیرگذار در حیات انسان‌ها یعنی دین مواجه دیده است، لذا سابقهٔ اندیشه‌های اجتماعی درخصوص دین به قدمت اندیشه‌ورزی‌های اجتماعی بشر است که ازگذشته‌های دور توسط فلاسفه و متکلمین هر عصر صورت گرفته است. هنگامی که افلاطون طرح اتوپیای خویش از یک جامعهٔ ایده‌آل را ارایه می‌داد یا ارسطو از سهم ارزش‌های اخلاقی در حیات اجتماعی سخن می‌گفت، یا هنگامی که آگوستین درکتاب شهر خدا، تصویری آرمانی از نظام دنیوی همسان با نظم ازلی عرضه می‌نمود و فارابی انواع مدینه فاضله و رذیله را براساس میزان پایبندی مردمانش به تعالیم الهی معرفی می‌نمود و ابن‌خلدون نقش دین و عصبیت قبیلگی را در فراز و فرود حکومت‌ها تحلیل می‌نمود و جان‌کانون تلاش می‌نمود تا الگویی از جامعهٔ مسیحی مورد نظر خود در ژنو بیان کند و به‌طورکلی هر زمان که فیلسوف یا متکلمی درباره اجتماع یا آرمان اجتماعی خویش سخن می‌رانده، بی‌آن‌که تصریح یا تفکیک نماید، به واقع درباره نقش و حضور اجتماعی دین سخن می‌گفته است. از آنجایی که دین به عنوان امر الهی برای سعادت انسان آمده است، آنگاه بر هر دو افق فردی و اجتماعی سایه می‌افکند، گو اینکه دین برای امور اجتماعی بیشتر از امور فردی اهمیت قایل است چراکه در تفکر اسلامی، حیثیت اجتماعی نسبت به حیثیت فردی اقوی است. حتی در استنباط احکام اسلامی، وقتی چیزی به مصلحت عام باشد، بر اموری که جنبهٔ فردی داشته باشد، ترجیح پیدا می‌کند.

همان‌گونه که در دو اثر گران‌بهای مرحوم علامه طباطبائی یعنی (جامعه و تاریخ) و (المیزان) نیز لحاظ گردیده است، در تفکر اسلامی نگاه به جامعه بر مصالح فردی اولویت دارد. اهمیت موضوع دین در جامعه، نه فی نفسه، بلکه به تبع تأثیراتی است که بر حیات اجتماعی گذارده یا از آن پذیرفته است. هنجارها و رفتارهای دینی افراد در سطح خرد، حیات اجتماعی جامعه در سطح کلان را متأثر می‌سازد. ادیان، علاوه بر تأثیرات مع‌الواسطه از طریق پیروی‌های فردی، دارای آثار و تبعات مستقیم بر محیط اجتماعی خویش‌اند چراکه خود را صاحب نقش و رسالت اجتماعی می‌شناساند.

توسعه و رابطهٔ آن با زندگی اجتماعی

سابقهٔ مبحث توسعه به عنوان موضوعی مشخص، به پس از جنگ جهانی دوم باز می‌گردد. در این دوره، عمدتاً دوگونه نظریه‌های مربوط به توسعه، تحت عنوان توسعهٔ اقتصادی و نوسازی ظاهر می‌شود. طرفداران نظریهٔ نخست عمدتاً از مفاهیم علم اقتصاد و طرفداران نظریهٔ نوسازی عمدتاً از مفاهیم جامعه‌شناسی سود می‌جویند. بعدها، توجه به چارچوب‌های نمادی و ساختاری لازم برای توسعهٔ اقتصادی به مفهومی بیشتر کیفی و جامعه شناختی تغییر یافت. با گسترش فضای مفهومی توسعه از واقعیتی اقتصادی به واقعیتی با ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی سبب گردید تا توسعه، موضوع تحلیل جامعه شناختی آن هم جامعه‌شناسی کلان (مدعی شناخت واقعیت‌های اجتماعی در قالب یک نظام و به عنوان یک کل) قرار گیرد.

با این تلقی از توسعه بود که مکتب نوسازی شکل گرفت. توسعه با استفاده از مفاهیم جامعه‌شناسی و کار پیشگامان جامعه‌شناسی مانند دورکیم، وبر، مارکس، تونیس که وارث سنت بررسی جوامع کلان بودند و مکاتب شکل گرفته براساس کارهای آنان از جمله مکتب کارکردی ـ ساختی معنی شده و مورد بررسی قرار گرفت. از آنجاکه رشد مستمر درآمدسرانه، که توسعهٔ جوامع با آن سنجیده می‌شد، متکی بر ساختار ویژهٔ اقتصادی و در نتیجه ساختار ویژهٔ جامعه بود، توسعه بیشتر در رابطهٔ تنگاتنگ با نوع خاصی از سازمان جامعه و تغییرات ساختاری مورد بررسی قرار گرفت و به تدریج، شاخص‌های غیراقتصادی توسعه تدوین گردید. در ابتدا

محققین براین باور بودند که توسعه، تنها در گسترهٔ واحد اجتماعی کلانی به نام دولت ـ ملت یا جامعه محقق است اما با گذشت زمان این مسئله آشکار گردید که توسعه نوعی تغییر تاریخی است که در محدودهٔ کلیهٔ واحدهای اجتماعی اعم از دولت، ملت، جامعه، شهر و محله رخ می‌دهد. مفهوم توسعه با ارجاع به زندگی اجتماعی در مجموعه‌ای از جوامع، تعریف می‌گردد.

توسعه (نوسازی) به عنوان یک روند شناخته می‌شود. روندی تجمعی که نتیجهٔ تعامل مجموعه‌ای از عوامل می‌باشد. این روند (توسعه) با شکل‌گیری ساختار مشخص و باز تولید آن ملازمه دارد. از این‌رو، مستلزم نوعی تغییر اجتماعی ـ تغییری در ساختار جامعه و به تعبیر تاریخی ـ است. علی‌رغم تنوع ساخت‌هایی که این تغییر در آنها رخ می‌دهد، ساختاری که توسعه با آن ملازمت دارد، ساختاری واحد است، از این‌رو، در این چارچوب‌های مفهومی، معمولاً از دوتایی‌هایی نظیر سنتی و مدرن، ماقبل سرمایه‌داری و سرمایه‌داری، توسعه نیافته و توسعه یافته و خرد و کلان برای طبقه‌بندی ساخت‌ها استفاده می‌گردد، که یک طرف آن با سلب سوی دیگر تعریف می‌شود.

رویکردهای توسعه

مهم‌ترین رویکرد توسعه، توجه به سرمایه‌های اجتماعی و تقویت شاخص‌های کمی و کیفی و به‌کارگیری آن در توسعهٔ کشور است.

این رویکرد نه تنها از قابلیت زمینه‌سازی جهت رشد و گسترش سرمایه‌های اجتماعی برخوردار است که معتقد است تقویت سرمایه‌های اجتماعی برخوردار است که معتقد است تقویت سرمایه‌های اجتماعی نقش مهمی در ابعاد مختلف توسعهٔ کشور داشته و نگاه تقلیل‌گرایانه و صرف را به معیارها و جنبه‌هایی از رشد، کاهش خواهد داد. همچنین زمینه‌سازی توسعه‌ای فراگیری، متوان و پایدار خواهد شد. این رویکرد ضمن توجه به محیط پرشتاب و متلاطم اطراف به بازشناسی زیرساخت‌ها و زیربناهای فکری و فرهنگی خود پرداخته واساس توسعه را بر پایهٔ بنیان معرفتی و نظام فکری خود پی‌ریزی می‌نماید و ضمن استفاده از تجارب سایرین از نگاه کلیشه‌ای، اقتباسی و تقلیل‌گرایانه اجتناب می‌نماید. عنصر دین به‌ویژه

دین اسلام و تجلی‌گاه آن که همانا مساجد می‌باشند، از جملهٔ مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی محسوب می‌گردند که همواره از نقش تعیین‌کننده در توسعه و تحولات در صحنه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... به ویژه در طول تاریخ انقلاب اسلامی برخوردار بوده‌اند.

مساجد و هویت توسعهٔ شهرهای اسلامی

مسجد در اسلام، تنها معبد نیست، زیرا اساساً، عبادت در اسلام، منحصراً به دعا و نیایش وانجام امور ویژهٔ دینی محدود نمی‌گردد. عبادت هر عمل و حقی است که آدمی نه برای نفع فردی خود، که برای خلق انجام می‌دهد و همین برای خلق که در اسلام از آن با عنوان «برای خدا» تلقی می‌گردد، نمونه‌ای از ظهور توسعه در جوامع اسلامی است. به بیانی دیگر مسجد در اسلام کانون عبادت است، اما عبادتی که دامنهٔ تعریف و توسعهٔ آن، چگونگی و چیستی کلیهٔ امور مربوط به زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جهان اسلام را در برگرفته وگزاره‌های دینی را مفهوم و عینیت می‌بخشد.

براساس همین گستردگی مفهوم عبادت در اسلام است که مسجد پیامبر برای کارکردی چندگانه اختصاص یافته و سنت بهره‌برداری چند منظوره را بنیان می‌گذارد.

نکتهٔ ظریف و پر معنایی که تنها در شناسنامه مسجد نهفته است و دیگر معابد، فاقد آن شاخصهٔ مهم‌اند، پیوند دیانت و سیاست در تاروپود و در ساختار پیکرهٔ مسجد است، زیراکه تولد مسجد با ظهور و طلوع خورشید حکومت اسلامی آمیخته و همراه بوده و نظام مهندسی آن نشأت‌گرفته از تعالیم عالیه و مفاهیم هدفدار و بلند آسمانی و فرهنگ و ادبیات وحیانی است. از آنجایی که بقاء و دوام فرهنگ دینی جوامع، علاوه بر بستگی آن به وجود قوانین متقن و وحیانی همواره مستلزم وجودکانون فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... بوده است، اسلام بیشتر در راستای شکل‌بندی چنین ستادی که مبتنی بر مرام نامهٔ الهی و توحیدی می‌باشد، مسجد را پایه‌گذاری می‌نماید؛ به‌طوری که در طول تاریخ اسلام، شاهد فعالیت‌ها و تأثیرگذاری آن در حرکت‌های اسلامی در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بوده و خواهیم بود. هویت شهرهای اسلامی به واسطهٔ بنای مساجدی که بلندای گنبدها و مناره‌ها و آوای دلنشین

اذانش، آن را از دیگر شهرهای غیراسلامی متمایز می‌گرداند؛ و اساساً اطلاق شهر اسلامی به شهرهای فاقد مسجد وجه تسمیه‌ای در اسلام به خود اختصاص نمی‌دهد. مساجد در اسلام که هم‌زاد با هجرت، فرصت تاریخی می‌یابد، نخستین طرح و بنایی هستند که با مشارکت مردم، در جامعهٔ مدینه النبی به مورد اجراگذارده شد. مسجد در کلام دل‌نواز پیشوایان مکتب اسلام تحت عناوین مرغوب‌ترین قطعه زمینی، محبوب‌ترین نقاط شهری، خانهٔ مؤمنان و پرهیزکاران، باغی از باغ‌های بهشت و بازاری از بازارهای آخرت تعریف شده و مسلمانان نسبت به ساخت آن در هر شهر و دیاری تشویق گردیده‌اند؛ به نحوی که پیامبر اکرم می‌فرماید:

«**من بنی مسجد الله بنی لِلّه له قصراً فی الجنه**».

«هرکسی به‌خاطر خدا مسجدی بنا کند، خداوند برای او قصری در بهشت می‌سازد».

پیوند و تعلق مسلمانان به مسجد که در سایهٔ تبلیغ و توجه به اسلام به این مراکز توحیدی اجتماعی به وجود آمده بود، علاقه و نشاط زایدالوصفی را نسبت به بنای آن در جوامع اسلامی آشکار ساخته بود. به نحوی که محوریت ایجاد و توسعهٔ شهری را همواره مساجد رقم می‌زدند. تاریخ نشان می‌دهد که عملیات ساختمانی شهرهای نوساز، ابتدا با ساختمان مساجد آغاز می‌گردید و شهرهایی که به دست سپاه اسلام گشوده می‌شد و مسلمانان در آن مستقر می‌گردیدند، اولین اقدام‌شان بنای مسجد و آموزشگاه بود و اغلب از بنایی قدیمی مرکز شهر برای ایجاد مساجد استفاده می‌نمودند. به‌طورکلی شهرهای اسلامی از نظر حقوقی در آغاز از یک ویژگی برخوردار بودند و آن اینکه از مسجد جامع و منبر به عنوان وجهه تمایز آن‌ها از روستاها برخوردار بودند. طی قرون اولیه در هر شهری تنها یک مسجد جامع وجود داشت که نماز جمعه در آن به جا آورده می‌شد، اما به تدریج با افزایش شهرنشینان، شهرهای بزرگ دارای چند مسجد جامع شده و حتی برخی از روستاهای پرجمعیت از مسجد جامع و منبر برخوردار گردیدند.

مسجد جامع در شهرهای اسلامی همواره در قلب و مرکز شهر جای داشت و موقعیت و جایگاه مسجد جامع در مرکز شهر و اهمیت آن، اساس طراحی شهری به شمار می‌رفت.

اولین نقطه‌ای که طراحی می‌شد، مسجد جامع شهرها بود و براساس آن محله‌های شهری را طراحی می‌کردند و آن‌گاه به خیابان‌ها و گذرگاه‌ها و کوچه‌ها می‌پرداختند.

مدینة الرسول نخستین الگوی این طراحی بود، زیرا مسجدالنبی اولین بنایی بود که در وسط شهر طراحی شد و بعد محله‌های مهاجران (که غالباً قطاع‌ها و فضاهای باز محله‌های انصار بودند که به مهاجران هدیه می‌شد و یا این که زمین‌های خشک و بدون مالک بودن که رسول خدا آن‌ها را میان مهاجرین تقسیم می‌نمود) طراحی می‌شد. باقی شهرهای نوبنیاد اسلامی که بعد از شهر مدینه ساخته شدند به تمامی از این قاعده پیروی می‌کردند و به عنوان مثال می‌توان به شهرهای کوفه، بصره، فسطاط و قیروان اشاره نمود. از آن پس پیروی از این شیوه در طراحی شهری به صورت سنتی متداول و معمول درآمده و شهرهایی چون واسط، بغداد، فاس و... به همین ترتیب طراحی و ساخته شدند. بعد از آن که رسول اکرم خانهٔ خود را در مجاورت مسجد بنا نمود، این کار وی بعدها به هنگام تأسیس شهرها و محلات جدید به صورت سنتی درآمد که از آن پیروی می‌شد.

نقش مراکز مذهبی و مساجد در نیل به توسعه

پیش از پیشرفت‌های صنعتی و عصر الکترونیک، از جملهٔ مهم‌ترین وسایل تفاهم و ایجاد ارتباط میان مردم گفتار بود. به سخنانی که دارای اصول و قواعد ویژه‌ای بود در تنظیم آنها ذوق و سلیقه‌ای به کار می‌رفت و در مجالس عمومی برای ایجاد انگیزه‌ای نسبت به یک عمل ایراد می‌شد تحت عنوان «خطابه» اطلاق می‌گردید و چون عامهٔ مردم بیشتر از طریق گفتار و نه نوشتار اقناع می‌شدند، به مجامع عمومی چون مراکز مذهبی و مساجد و میادین محلات شهر آمده و به سخنان خطیبان گوش فرا می‌دادند. در جوامع کنونی نیز کرسی سخنرانی و منابر هم‌چنان از اهمیت به سزایی برخوردار است. پیشوایان دینی و واعظان مساجد و مراکز مذهبی هستند که به تبیین مصالح کشور و اصلاح امور دینی و دنیوی مردم می‌پردازند. سخنواران توانا و چیره‌دست با سخنان مهیج خود، گاهی گروهی از مردم را به انجام کارهایی سخت نظیر گذشتن از جان و مال و فرزند فرا می‌خوانند، زیرا هنر سخنور در این‌گونه امور آنست که در روح و قلب

مردم نفوذ کرده و آنان را با طیب خاطر به مقصود خود رهنمون سازد.[۱]

در شالودهٔ نظام اسلامی، مسجد که بنیانی اعتقادی و عبادی و محل آمدوشد مداوم مسلمانان در اوقات پنجگانه است، محور فعالیت‌های تبلیغی و مهم‌ترین وسیلهٔ ارتباط جمعی آنان قرار می‌گیرد؛ در نتیجه مسیر تحول و تطور و توسعهٔ مطلوب اجتماعی از سطح محله‌ای تاملی را فراروی مسلمین می‌گشاید.

در جوامع اسلامی، مساجد در تمامی جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان حضور فعال داشته و نقش محوری ایفا می‌نمایند. مسلمانان که برای انجام فرایض دینی هر روز به مساجد رفت و آمد می‌کنند، ضمن ادای فریضهٔ نماز با قرارگرفتن در این اجتماع در خلال صحبت با یکدیگر از اخبار جامعه نیز با خبر شده و در جریان مسایل روز قرار می‌گیرند. همچنین وجود منبر در مسجد که از آن به عنوان یک رسانهٔ عمومی در اسلام نام برده می‌شود نیز نقش مهمی در نشر افکار ایفا می‌نماید، به نحوی که سخنران با استفاده از آن به نشر عقاید اسلامی و انتقال مسایل مهم جامعه به مردم می‌پردازد. هر چند ممکن است چنین تلقی گردد که با وجود وسایل ارتباط جمعی پیشرفتهٔ امروزی، این نقش مساجد اهمیت قبلی خود را از دست داده است، اما به دلیل پراکندگی مساجد در جوامع اسلامی و گسترش آن‌ها در تمامی نقاط شهری و محلات از یک سو و حرمت و قداست و معنویت خاص آن در نزد مسلمانان از سوی دیگر، سبب شده است تا این مراکز نقش مهم و غیرقابل‌انکاری در کارکرد رسانه‌ای و توسعهٔ ارتباطات ایفا نمایند.

در ایران منبر و خطابه همواره از برترین وسایل ارتباط جمعی محسوب شده و می‌شوند. خطیبان مذهبی و سیاسی در مساجد و مجالس وعظ، زمام افکار مردم را در دست گرفته و بر روی منابر سرنوشت مردم را رقم می‌زدند. امروزه نیز وضع بدین منوال است. در چنین جوامعی هنوز رادیو، تلویزیون و صدها وسیلهٔ ارتباط جمعی نتوانسته‌اند جای منابر را پر کنند و گاهی خود این ابزار نیز در اختیار خطیبان درآمده و به نفوذ و کارآیی خطابهٔ آنان هرچه بیشتر افزوده می‌شود.

---

۱. مینایی، علی اکبر، منبر و خطابه در صدر اسلام: مسجد ۶، ص ۲۸.

با این حال، اخیراً مقولهٔ شکاف دیجیتالی موجود میان کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه و عقب‌مانده، بسیار مورد توجه محافل گوناگون فکری ـ سازمانی قرار گرفته است. واقعیت امر این است که کشورهای توسعه یافته با دسترسی به سرمایهٔ کافی، فناوری‌های نوین ارتباطی ـ اطلاعاتی، منابع انسانی غنی و مدیریت پیشرفته و متخصص، سهم قابل توجهی از بازار فناوری‌ها را به خود اختصاص داده‌اند و این در حالی است که کشورهای عقب مانده، همچنان گرفتار بحث‌های اولیه، نگاه غیر سیستمیک به موضوع و در برخی مواقع فقر مادی هستند. موضوع مقالهٔ حاضر پیرامون این مسئله است که با چه برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌هایی در زمینهٔ آموزش کاربردی فردی ـ اجتماعی در به‌کارگیری فناوری‌های نوین ارتباطی ـ اطلاعاتی و گسترش استفاده از این امکان در عرصه‌های مختلف جامعه به ویژه جوامع محله‌ای می‌توان این شکاف دیجیتالی را کاهش داده و در جهت دستیابی به توسعهٔ همه جانبه، گام‌های اساسی برداشت. در ابتدا پرداخت به این موضوع ضروری است که فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات تنها شامل اینترنت نیست بلکه پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی ـ ماهواره‌ای و دیگر امکانات دیجیتالی را نیز در بر می‌گیرد. درخصوص توسعهٔ آموزش در جامعه و در دسترس قرار دادن فناوری‌های نوین ارتباطی ـ اطلاعاتی باید اذعان داشت که این مشکل تنها مشکل کشور ایران و کلان شهری چون تهران نبوده و حتی در کشورهای بسیار پیشرفته نیز مشهود است. اصولاً انسان‌ها از یک سِنی تمایل چندانی به یادگیری مطالب و عناوین جدید ندارند. به ویژه اگر به آن زمینهٔ خاص، نیاز نداشته و یا حداقل احساس نیاز نکنند. از این‌رو، فاصله و شکافی میان نسل‌ها ایجاد می‌گردد، یعنی نسلی که با کامپیوتر به میزان زیاد فعالیت نموده و نسل دیگری که حتی ممکن است با وجود برخورداری از سواد بالا کاملاً از این قبیل امکانات دور بوده و به اندازهٔ نسل قبل توانایی استفاده از این ابزار را ندارد. این در حقیقت، همان بحثی است که تحت عنوان سواد رقومی در دنیا مطرح شده است؛ یعنی اگر در گذشته، درصد بی‌سوادی و تحولاتش را در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار می‌دادیم، آن زمان مبحث جدید بی‌سوادان رقومی و معرفی این افراد به عنوان افراد بیگانه با ابزار دیجیتال مطرح نبوده است. در حال حاضر، این موضوع، نه تنها در ایران که در تمامی نقاط جهان مطرح است.

در حال حاضر، در کشورهایی چون نروژ و ژاپن، دولت‌ها با تخصیص بودجه‌هایی مشخص، برنامه‌ریزی‌هایی در راستای کاهش شکاف سواد رقومی در جامعه آغاز کرده‌اند. به عنوان مثال، در بلژیک، در ساندویچ فروشی‌ها، دستگاه‌های اینترنت در اختیار مشتریان قرار می‌گیرد تا از این طریق هنگام صرف غذا بتوانند در آخرین لحظات جعبهٔ پست الکترونیک خود را نیز بازبینی نمایند. طبیعی است در چنین وضعیتی، افراد سالخورده‌ای که در چنین محیطی به صرف غذا مبادرت می‌نمایند، زمانی که می‌بینند مردم از اینترنت استفاده می‌نمایند، احساس می‌کنند که چیزی هست که آن‌ها نمی‌دانند و اگر در چنین جایی نمی‌بودند، شاید چنین احساسی نیز نداشتند. چراکه در اصل حرفهٔ اصلی این افراد به این موضوع ارتباطی نداشت.

به‌طور کلی می‌توان گفت که برای دست یافتن به توسعه، برخورداری صرف از سخت‌افزارهایی نظیر اینترنت کافی نیست. این قبیل ابزارها زمانی می‌توانند مؤثر باشند که در یک جامعهٔ عقلانیت توسعه یافته باشد. در حال حاضر، خودباوری یکی از ابزارهای کلیدی توسعه به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه محسوب می‌گردد. به عبارت دیگر هر جامعه‌ای که عزت نفس خود را از دست دهد، اگر چنان‌چه از تمامی امکانات اقتصادی نیز برخوردار باشد، به توسعه دست نمی‌یابد، در مقابل، هرگاه بتوان این امکانات را در راستای خود باوری، عقلانیت و تبدیل خلاقیت و نوآوری به ارزش به کار گرفت، این اتفاق می‌افتد. از این‌رو، در کشورهای اسلامی من جمله کشور ایران، مساجد می‌توانند در ساعت غیر عبادی و پرداختن به فریضهٔ نماز عملاً برای به‌کارگیری چنین امکاناتی قابل استفاده باشند. چراکه علاوه بر حضور و مشارکت مردم در سطح محله‌ای، توسعه‌ای نیز در زمینه اطلاع‌رسانی و ارتباطات به وقوع می‌پیوندد. در چنین حالتی به واسطهٔ مرجعیت داشتن مساجد برای اقشار مختلف جامعه اعم از باسواد، کم‌سواد، بی‌سواد و پیر و جوان، کلیهٔ اقشار مختلف جامعه به ویژه در سطح محله‌ای به استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی ـ ارتباطی گرایش می‌یابند که این خود به افزایش اندوخته‌های دینی و علمی افراد و نتیجتاً بر توسعهٔ محله‌ای در راستای نیل به توسعهٔ پایدار منتهی می‌گردد. از جملهٔ اقداماتی که در راستای گسترش فناوری‌های نوین اطلاعاتی ـ ارتباطی در سطح محله‌ای در کلان شهری چون تهران می‌توان انجام داد می‌توان موارد ذیل را نام برد.

۱ ـ راه‌اندازی ایستگاه مطبوعات در مساجد.

۲ ـ با راه‌اندازی چنین ایستگاه‌هایی در مساجد محله‌های شهری، می‌توان شاهد روی‌آوردن اقشار مختلف جامعه برای کسب اطلاعات و اخبار در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، خانوادگی، بهداشتی، ورزشی، مذهبی، هنری و... به مساجد و افزایش سطح آگاهی و در نتیجه دستیابی به توسعهٔ محله‌ای خواهیم بود.

۳ ـ آموزش و خدمات رایانه‌ای در مساجد.

۴ ـ با وجود معرفی رایانه به عنوان ابزار در جهت اطلاع‌رسانی سریع و آموزشی علوم و یافته‌های جدید و انتقال اطلاعات از یک سو و عدم برخورداری افراد و گروه‌های مختلف از توان خرید یا استفاده از این پدیدهٔ نوین از سوی دیگر سبب می‌گردد تا مساجد با به خدمت گرفتن رایانه‌ها، خدمات فرهنگی، آموزشی، مذهبی، هنری و اجتماعی و... را در اختیار مردم قرار دهند.

۵ ـ نمایش فیلم‌های آموزشی در مساجد.

۶ ـ استفاده از برنامه‌های مثبت ماهواره‌ای در مساجد.

۷ ـ راه‌اندازی حداقل یک خط اینترنت در هر مسجد محله.

از جمله مهم‌ترین مزایای استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات در مساجد محله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱ ـ جذب اقشار مختلف جامعه به‌ویژه قشر تحصیل کرده و قرارگرفتن آنان در کنار کودکان، نوجوانان، جوانان و افراد بزرگسال و تحت آموزش قرارگرفتن این افراد توسط افراد تحصیل کرده که نهایتاً به ایجاد پل ارتباطی میان اجتماع و مساجد منتهی می‌گردد.

۲ ـ غنی‌سازی اوقات فراغت اقشار مختلف جامعه در چارچوب ارزش‌های دینی و در راستای افزایش آگاهی از اطلاعات در زمینه‌های مختلف.

۳ ـ افزایش انگیزه‌های حضور مردم در مساجد و علاقهٔ بیشتر اقشار جامعه در راستای برطرف نمودن مسایل و مشکلات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، بهداشتی، مذهبی، اخلاقی و... موجود در محلات شهری.

۴ـ برقراری امکان حضور فرهیختگان، اساتید، محققان و دانشجویان در مساجد محلی در راستای ارتقای سطح فرهنگ دینی و توسعهٔ محله.

۵ـ آشنایی باکارکردهای مساجد کشورهای اسلامی در راستای ادارهٔ هرچه بیشتر و بهتر امور محله و نیل به توسعهٔ محله‌ای.

۶ ـ ایجاد فرهنگ گفتمان و تبادل اطلاعات فرهنگی، مذهبی، علمی و... در مساجد محلی که خود موجب تقویت کلان فرهنگ و مشارکت و تعامل‌نگری فرهنگ دینی و نهایتاً توسعهٔ محله‌ای خواهد گردید.

مساجد، محوریت ایجاد و توسعهٔ شهری و محله‌ای

با افزایش جمعیت و توسعهٔ شهرهای بزرگ و بالطبع پدید آمدن شهرهای تازه تأسیس با محلات جدید به دور از مسجد جامع موجب شد تا اهالی محلات مختلف جهت انجام فرایض خود به بنای مسجد جدیدی در محل خود مبادرت نمایند، چراکه همان‌گونه که قبلاً نیز بدان اشاره گردید، محوریت ایجاد و توسعهٔ شهری را همواره مساجد رقم می‌زدند. از جملهٔ مهم‌ترین فاکتورهایی که سبب افزایش تعداد مساجد در محلات مختلف شهرهای گوناگون شدند که این نیز خود در وهلهٔ اول به توسعهٔ محله‌ای و ثانیاً توسعهٔ شهری و ازدیاد جمعیت منجر گردید، می‌توان از موارد ذیل نام برد:

۱ ـ فضیلت وقف و باقیات الصالحات در فرهنگ اسلامی

در برداشت عمومی باقیات الصالحات به آن دسته از اعمال نیکویی اطلاق می‌گردد که دارای اثر فیزیکی و اجتماعی طولانی مدت بوده و مردم در زندگی خود به نوعی از آن منتفع می‌کردند. براساس چنین تلقی است که باقیات الصالحات بیشتر در امور عمرانی و فرهنگی به‌ویژه در احداث مساجد تجلی یافته و دولت مردان و افراد متمکن را بدان ترغیب نموده است که در نتیجه، سبقت در امر مسجد سازی، افزایش تعداد مساجد و توسعهٔ محله‌ای و شهری را به همراه داشته است.

۲ ـ عدم پیش بینی فضای توسعه در بنای مسجد

گاه‌کمبود امکانات مادی و محدودیت مکانی وگاه عدم آینده نگری سبب می‌شدکه مساجد در مساحت‌های کوچکتری احداث گردند. بعدهاکه در اثر افزایش جمعیت نیاز به مساجد بزرگتر احساس گردید، به علت عدم امکان توسعهٔ آن، ناگزیر از زمین بزرگ‌تر برای احداث مسجد دیگری می‌شدند، لذا مساجدکوچک در ظاهرکاربری خود را از دست می‌دادند، اما بنابه وظیفهٔ شرعی هم چنان نگهداری شده و برای اجتماعات کوچک‌تر مورد بهره برداری قرار می‌گرفتند.

۳ ـ روحیه راحت‌طلبی

خصیصهٔ راحت‌طلبی انسان، همواره وی را به عبادت در نزدیک‌ترین معابد و مساجد ترغیب نموده و در صورت احساس بعد مسافت، جهت رسیدن به فیض نماز جماعت و حضور پنج‌گانه در مساجد، ایجاد مسجد در نزدیک‌ترین محل سکونت را در رأس برنامه‌های اجتماعی خود قرار داده است. از این طریق با احداث مساجد متعدد در محلات مختلف توسعهٔ محله‌ای و شهری به وقوع می‌پیوست.

۴ ـ اختلافات قومی و منطقه‌ای

زندگی اقوام مختلف در شهرها، که اغلب در انجام اعمال عبادی دارای روش‌های مختلفی نیز بودند، ناگزیر از احداث مسجدی جداگانه برای خود می‌شدند، تا برحسب اعتقادات و سنن خود، مراسم عبادی را به نحو احسن برگزار نمایند. گاه در سکونت گاه‌های شهری علی‌رغم هم‌کیش بودن جمعیتی، افتراق سلایق، رقابت‌های محلی، اختلافات قومی و قبیله‌ای، پیدایش مساجد جدید و متعاقباً توسعهٔ محله‌ای و شهری را در پی‌داشت.

آسیب‌شناسی عدم توزیع مناسب مساجد در شهرها و محلات

عدم رعایت اصول مسلم شهرسازی در گذشته به‌ویژه در بنای مساجد ـ بار منفی فرهنگی ـ اجتماعی خود را امروزه به روشنی آشکار می‌سازد؛ به نحوی که، اغلب در محلی از محلات

شهری با تورم مساجد و در محله‌ای دیگر با نبود یاکمبود آن مواجه‌ایم. شهر بزرگ تهران خود نمونهٔ بارز چنین وضعیت اسفباری است. تعدادکثیر مساجد در محلات قدیمی و جنوب شهر و نبود یاکمبود مساجد در محلات جدید و شمال شهر کاملاً مشهود است؛ البته چه بساکه عدم انتخاب محل مرغوب و حواشی خیابان برای احداث مساجد، چنین نمودی را به وجود آورده است. اگر فرد غریبه‌ای از داخل و یا خارج ازکشور در طی مسیر خود از ابتدا تا انتهای خیابان ولی‌عصر که از خیابان‌های اصلی و محوری شهر تهران است، دقت نماید، چه تصویری از ام‌القرای جهان اسلام به لوح تفکرش نقش می‌بندد. حال اگر همان فرد برای ادای فریضهٔ نماز اراده نموده و احتمالاً در اثر حواس پرتی متوجه مهدیه تهران نشد بدون پرس‌وجو به کجا می‌تواند مراجعه کند؟

پی‌آمد چنین وضعیتی اثر آشکاری است که در بررسی محلات گوناگون شهر تهران اعم از محلات قدیمی و نوساز به دست آمد و آن این که هرچه به سمت محلات قدیمی‌تر پیش می‌رویم، محلات از غنای فرهنگی ـ اجتماعی اسلامی بیشتری برخوردار بوده و مساجد به خوبی به ایفای نقش در شناساندن جایگاه محله در ساختار بافت کلان شهر تهران پرداخته‌اند و در مقابل هرچه از محلات جدید گذر می‌کنیم با فقر فرهنگی ـ اجتماعی اسلامی و قرابت با فرهنگ بیگانه و عدم محسوس بودن محلات به عنوان اجزای خرد جامعهٔ کلان شهر تهران و توسعهٔ مفاهیم غیراقتصادی آن مواجه می‌شویم.

علت عمدهٔ توسعه نیافتگی به‌ویژه در سطح محله‌ای را باید در انتخاب الگوی توسعه جستجو نمود. در گذشته الگوی توسعه درون‌زا بود و این در حالیست که در دوران اخیر، الگوی توسعهٔ برون‌زا مورد توجه قرار گرفته است.

در الگوی برون‌زا، کلیهٔ ویژگی‌های ملی و محلی به عنوان مانع تلقی می‌شود که باید از سر راه برداشته شوند تا بستر برای استقرار الگوی برون‌زا آماده گردد. لذا عمدهٔ سرمایه‌ها صرف مقابله با مزیت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی کشور می‌شود و چون فرهنگ پدیده‌ای پویا است، هر از چندگاهی همانند نهنگی که سندباد بحری آن را جزیره‌ای امن تصور می‌نمود و با خیالی آسوده اجاقش را روشن نمود، اما به یک نهنگ حرکت کرده و همه چیز را درهم

می‌ریخت، ترمیم خود را آغاز نموده و آن چه مصنوع و پیوندی است را به هم می‌ریزد؛ از این‌رو بیشترین سرمایه‌ها صرف مقابله با مزیت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی کشور می‌گردد، در حالی که الگوی توسعهٔ درون‌زا، چنین مزیت‌هایی به عنوان سرمایه‌هایی تلقی می‌گردند که باید در توسعهٔ پایدار به ویژه در سطح محله‌ای نقش مثبت خود را ایفا نموده و به عوض آن‌که مردم مناطق و محلات، سهم خود را از توسعه مطالبه کنند، نقش خود در توسعه را جستجو می‌کنند. بنابراین راه حل این است که الگوی توسعهٔ شهری به ویژه توسعهٔ محله‌ای قرار دهیم. در این راستا باید درگذشتهٔ تاریخی ـ مذهبی خود پژوهش کرده و با توجه ویژگی‌های ساختاری هر محله، آنها را بومی نمود تا بتوان توسعه‌ای مبتنی بر مزیت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی برنامه‌ریزی نمود.

نتیجه‌گیری

انسان‌های روی کرهٔ خاکی، برای رفع نیازهای اولیه و مشترک زیستی خود در مناطق جغرافیایی و اقلیمی متفاوت دست به اقدامات متنوعی زده‌اند که باعث ایجاد نیازهای ثانویهٔ متنوعی گردیده است.

این نیازهای ثانویه، در برخی مواقع، اهمیتی فراتر از نیازهای اولیه به خود گرفته است. تلاش‌های متنوع و ابداعی بشر برای تأمین نیازهای اولیه و مشترک در سرزمین‌های مختلف سرمنشأ ایجاد تنوع فرهنگی گردیده است و لذا شناخت تنوع فرهنگی در حقیقت شناخت ابداع و ابتکارات بشر در طول تاریخ و ظرفیت‌های متفاوت مناطق می‌باشد که ما از آن به‌عنوان مزیت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی یاد می‌کنیم که از سرمایه‌های جاودانه بشر محسوب می‌گردند و چنان چه به خوبی شناخته و به کار گرفته شوند، رشد و توسعهٔ بشری را به همراه خواهند آورد. متأسفانه در طول یک‌ونیم قرن گذشته، از این موضوع غفلت شده است و به‌لحاظ تقلید از فرهنگ مدرن، مردم در جوامع مختلف به‌ویژه جوامع محله‌ای، سرمایه‌های اصلی خود را به فراموشی سپرده‌اند، در صورتی که در نهضت بازگشت به خویشتن چنان چه مردم هر شهر و منطقه و محله‌ای از زاویهٔ مزیت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی خود بتوانند وارد میدان توسعه

شوند سرمایه‌های مهمی را برای عرضه دارند. در حال حاضر، چون مردم نسبت به مزیت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی خود دچار فراموشی شده‌اند، برای مشارکت در توسعه دست خود را تهی می‌بینند و سهمی از توسعه را مطالبه می‌کنند، در صورتی که اگر آنها به ظرفیت‌ها و استعدادهای بالقوه و متنوع تاریخی، فرهنگی و مذهبی خود پی ببرند و بدانند که برای تسریع جریان توسعه به‌ویژه در سطح توسعهٔ محله‌ای، سرمایه‌های مهمی برای عرضه دارند، خواهان ایفای نقش مثبت در توسعه خواهند شد. در شهرها و محلات اسلامی، مساجد اصلی‌ترین منبع چنین سرمایه‌هایی به‌شمار می‌آیند.

منابع و مأخذ

۱ ـ مینایی، علی اکبر، منبر و خطابه در صدر اسلام، مسجد ۶ ، ص ۲۸ .

۲ ـ نقش مسجد در توسعه، چهارم شهریور ۱۳۸۳ ، سال ۶۲ ، شمارهٔ ۱۸۰۲۹ .

۳ ـ اعتضادی، لادن، توسعه در پرتو توحید.

۴ ـ میرخانی، عباس، مساجد و توسعهٔ اجتماعی در ایران.

۵ ـ آریان منش، جواد، نقش مساجد در توسعهٔ شئون اجتماعی.

فصل چهارم

مسجد، کانون مبارزه با استکبار

نقش جهانی مساجد
در ایجاد وحدت و پشتیبانی از حرکت‌های انقلابی جهان اسلام

پیش‌گفتار

مساجد هماره خانه خدا، سجده‌گاه عشق، مأمن مردم، مرکز آزادی و رهایی از قید و بند اسارت‌های درونی و گسستن قیود برونی برای پرواز به ملکوت در اوج بندگی خدا، دانشگاه معارف دین و قرآن، مبدأ و منتهای معراج، مرکز اعتکاف و سلوک، محل انس و ذکر، خانهٔ آزادی و پرورشگاه آزادگی، سکوی عروج و معراج، مشعل هدایت، نماد توجه به ارزش‌های والای انسانی و طرد آلایش‌های مادی، گوهرگران‌بها و جواهر درخشنده فرهنگ و هنر و معماری اسلامی، مرکز آرامش یافتن روح، میعادگاه و محل دیدار روزانه مسلمانان و جایگاه برگزاری زیباترین همایش روزانه عبادی، نشانگر و حافظ هویت دینی و تجلی‌گاه وحدت مسلمانان، ستاد فرماندهی جهاد و دفاع و پایگاه مقاومت در برابر بیگانگان، جایگاه مشاوره و شکل‌گیری صحیح فرآیند تصمیمات مهم سیاسی، نهاد ساماندهی انفاقات واجب و مستحب و پناهگاه مستضعفان و محل حل و فصل اختلافات و مشکلات فردی و اجتماعی، مرکز تحکیم روابط اجتماعی و محل تقویت مشارکت اجتماعی در امور مختلف، پایگاه مهم فعالیت‌های فرهنگی و مرکز پیش‌گیری و کاهش بزه کاری‌های اجتماعی، نماد برترین نوع حضور زنان در جامعه، مائده بزرگ روح انسان در تداوم ایمان، تجسم اعلای فطرت خداجو، حضور تور در سیطره بی‌امان ظلمت در زمین، طواف دل در حریم الهی در احرام مناجات، سمبل صف‌بندی حق‌جویان توحید اندیش در برابر حق‌ستیزان ستم‌گر بوده است.

آری، مسجد، در جهان هستی، قلب تپنده معنویتی است که در فضای نورانی آن، آسمان و زمین به هم پیوند می‌خورد و انسان به عنوان گل سر سبد نظام هستی در آن رشد و تکامل می‌یابد. بدین‌سان مساجد ترجمان اندیشه و اعتقاد یک امت بلکه فریاد همه حنجره‌های پاک و خدایی است.

خوشبختانه نام‌گذاری، اجرای برنامه‌های ویژه و برپایی سلسله همایش‌های هفته گرامی‌داشت جهانی مساجد، فرصتی را فراهم آورده تا محققان، پژوهش‌گران، فرهیختگان، رهبران و اندیشمندان امت اسلامی در فضایی آکنده از حس مسئولیت و دلسوزی گرد آمده و برای رفع موانع و چالش‌های کنونی مساجد چاره‌جویی نموده و برای افزون ساختن زمینه‌های جذب جوانان و ارتقا و توسعه کمی و کیفی مساجد برنامه‌ریزی کنند.

کمیته علمی ستاد هفته گرامی‌داشت به منظور بهره‌مندی هرچه بیشتر از دیدگاه صاحب‌نظران فرهیخته و مدعوین دانشور همایش، در مورد موضوعات اساسی مساجد پرسش و نکاتی را در قالب چهار کمیسیون تخصصی مصوب به محضر مبارک حضار گرامی تقدیم نموده است تا در سایه رهنمود، پیشنهاد و طرح‌های شما گرامیان، طرح جامع احیای عظمت، جایگاه و کارکردهای اساسی مسجد در دوران معاصر را تدوین نماید و در جهت اجرا و تحقق آن گام بردارد.

امید است با لطف خداوند هستی و هم‌دلی امت اسلامی و با احیای نقش آفرینی بی‌بدیل مساجد به عنوان موهبت بزرگ الهی، از آن فضاهای مقدس به خوبی بهره گرفته و برای رفع مشکلات جهان اسلام از شبکهٔ گسترده، نورانی و جهانی مساجد استفاده شود. ان شاء الله.

کمیته علمی ستاد گرامی داشت هفته جهانی مساجد

از همان آغازین روزهای بعثت، قرآن کریم مسلمانان را امتی واحد[۱] و مؤمنان را برادر یکدیگر خواند[۲] و آنان را به اتحاد و پرهیز از اختلاف و تنازع دعوت نمود[۳] و پیمودن راه

---

۱. ﴿ان هذه امتکم امت واحده و انا ربکم فاتقون﴾ مؤمنون: ۵۲.

۲. ﴿انما المؤمنون اخوه﴾ حجرات: ۱۰.

مستقیم را به آنان توصیه فرمود.[۴] و پیامبرﷺ برای تحقق این اتحاد، کوشش فراوانی مبذول و زحمات طاقت فرسایی متحمل گشت.

شاید بتوان ادعا نمود که یکی از فلسفه‌های تشریع و واجب ساختن اجتماعات معنوی همانند نماز جماعت، نماز جمعه و کنگره سالیانه حج، استحکام پیوندهای دینی و برادرانه در امت اسلامی بوده است زیرا خداوند، کعبه را سبب قوام یافتن مردمان خوانده است.[۵]

قرآن کریم نه تنها مسلمانان را به وحدت فراخوانده بلکه همه موحدان را در پرتو عبودیت خداوند به وحدت دعوت نموده است:

﴿قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم ان لا نعبد الا الله﴾.[۶]

با عنایت به آن که مسجد مرکز اصلی عبادت و عبودیت خداست، پس چرا ما از این مراکز مقدس برای وحدت‌بخشی بین مسلمانان استفاده نکنیم؟

رویکرد اساسی پیامبرﷺ به ساخت مسجد در آغاز هجرت مؤید این حقیقت است که اجتماع معنوی و روزانه مسلمانان در مسجد، پیوندهای اجتماعی و وحدت بخش آنان را مستحکم می‌سازد، آن حضرت در آغاز هجرت، پس از خروج از غار ثور به هنگام ورود به منطقه و محله قباکه تا مرکز شهر یثرب فاصله چندانی نداشت، مسجد قبا را بنیان نهاد تا نقش اساسی مسجد در اسلام و زندگی مسلمانان و ضرورت توجه مردم به این مرکز وحدت‌آفرین متوجه سازد.

پیامبراکرمﷺ پس از اقامت چند روزه در قبا و بنای اولین مسجد در اسلام و ملحق شدن امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام، به همراه فواطم در روز جمعه به سوی شهر یثرب حرکت کردند ولی در میان راه و نزدیک ظهر به محله بنی‌سالم رسیدند. مردم قبیله به استقبال آن حضرت آمدند و درخواست کردند در میان آنان نزول اجلال فرماید. مسلمانان بنی‌سالم اگرچه پیش از ورود

---

۳. ﴿و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم و اصبروا ان الله مع الصابرین﴾ انفال: ۴۶.

۴. ﴿و ان هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه﴾ انعام: ۱۵۳.

۵. ﴿جعل الله الکعبه بیت الحرام قیاماً للناس﴾ مائده: ۹۷.

۶. آل‌عمران: ۶۴.

پیامبرﷺ مکانی برای نماز ساخته بودند ولی هنوز به صورت رسمی افتتاح نشده بود. پس از اصرار مردم، ناقه آن حضرت کنار مسجد متوقف شد، پیامبر فرود آمدند و این مسجد با قدوم و حضور رسول اللهﷺ و ایراد خطبه و اقامه نماز جمعه به طور رسمی افتتاح و تثبیت شد.

پس از ورود به مدینه نیز نخستین اقدام آن حضرت ساخت مسجد نبوی بود که مرکز همه فعالیت‌های اجتماعی سیاسی دفاعی و حکومتی مسلمانان شد.

اکنون در این شرایط حساس تاریخ که از یک سو اسرائیل سرزمین‌های قدس شریف را به اشغال درآورده و خیال تخریب مسجدالاقصی را در سر می‌پروراند و آمریکا با اشغال دو کشور اسلامی فریاد آغاز شدن دوباره جنگ‌های صلیبی را به گوش رسانیده و مسلمانان در بسیاری از نقاط جهان تحت فشار و ظلم و ستم قرار دارند و از سوی دیگر دشمن با به کارگرفتن همه تجهیزات و امکانات خود در زمینه فرهنگی تهاجم همه جانبه‌ای نسبت به نسل جوان صورت داده است و می‌کوشد در سایه آن هویت جوانان مسلمان جهان را به یغما برده و آنان را به مبلغان بی‌مزد خود بدل سازد، آیا چاره‌ای جز ایجاد یک شبکه درهم تنیده و قدرتمند معنوی جهانی مساجد و سعی در احیای مساجد و مستحکم ساختن پیوند آنها و بهره‌برداری در عالی‌ترین شکل ممکن از مساجد جهان اسلام برای حمایت از مسلمانان مظلوم جهان باقی مانده است؟

خوشبختانه ظرفیت و گستردگی مساجد جهان اسلام با توجه به پراکندگی آن در اقصی نقاط عالم به قدری زیاد است که می‌تواند در صورت ساماندهی مناسب به عنوان سنگری مستحکم و پایگاهی قدرتمند، عظیم و مردمی در سراسر جهان اسلام از مشکلات جوامع کاسته و در برابر توطئه‌های دشمنان جهان اسلام با کمال قدرت بایستد.

در این راستا توجه به نکات ذیل لازم است:

۱ ـ با پیشرفت تکنولوژی ارتباطات و فراهم آمدن امکان برقرار پیوند و ارتباط، لزوم استفاده از تلفن، فاکس، ماهواره و طراحی شبکه هماهنگ جهانی مساجد در اینترنت تحت نظر شورای عالی مساجد جهان اسلام متشکل از مسئولان مساجد کشورهای اسلامی، یک ضرورت است.

۲ ـ اطلاع‌رسانی روزآمد این شبکه در امور دینی، مشکلات جهان اسلام و احوال مسلمانان جهان اسلام در همه نقاط جهان و ساماندهی برنامه‌های مردمی و عمومی می‌تواند یکی از کارکردهای اساسی این شبکه باشد. به طور مثال:

ـ اعلام رویت هلال ماه نو از طریق هر مسجد به شبکه جهانی مساجد توسط مردم متدین پیرامون هر مسجد در جهان اسلام می‌تواند با عنایت به فتاوای نوین برخی از مراجع معظم تقلید یکسان‌سازی ماه‌های قمری و وحدت میان مسلمانان کشورهای مختلف در این زمینه بیانجامد.

ـ ساماندهی تظاهرات گسترده مردمی روز قدس در جهان اسلام از طریق این شبکه می‌تواند آمریکا و اسرائیل را به عقب‌نشینی واداشته و مواضع مردم فلسطین و مبارزان جان برکف آن را تقویت نماید.

۳ ـ همسان‌سازی مواضع و ساماندهی حرکت‌های مردمی جهانی برای حفظ منافع مشترک دینی و جهانی و مقابله با دشمنان اسلام می‌تواند مساجد را به عنوان قدرتمندترین سنگر مبارزه بر علیه ظلم و استکبار درآورده، قدرت مردمی جهان اسلام را آشکار سازد.

۴ ـ امکان تبلیغ دینی، آموزش قرآن، رفع نیازهای یکدیگر از طریق تبادل فرهنگی، علمی، انتقال تجارب و حتی مبادلات اقتصادی بین مردم مسلمان جهان و گفتمان مسالمت‌آمیز مذاهب مختلف از طریق شبکه جهانی مساجد، امری ممکن بلکه مطلوب خواهد بود.

اکنون پرسش اساسی آن است که برای تشکیل شورای عالی مساجد جهان اسلام و طراحی شبکه جهانی مساجد، چه اقدامات، زمینه‌سازی و تمهیداتی باید صورت پذیرد؟

افق چشم‌انداز بیست ساله و برنامه چهارم توسعه

ابلاغ متن کامل چشم‌انداز بیست ساله توسط مقام معظم رهبری به ریاست جمهوری و ارسال همزمان آن برای مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام، از یک سو فصل جدیدی از جهت‌گیری، سیاست و اهداف کلی برنامه‌ریزی، الزامات و راهبردها را پیش رو نهاد و تحقق آرمان‌ها، سازندگی‌ها، بهبودسازی، پالایش و پیرایش و در یک جمله تعالی و رشد متناسب با شأن و جایگاه مردم بزرگوار انقلابی ایران و در نتیجه آثار و برکات نوینی را نوید بخشید.

و از سوی دیگر برابر فرموده پرچمدار فرزانه انقلاب اسلامی:

«تدوین سند چشم‌انداز بیست ساله کشور که در آن هدف نهایی تبدیل ایران به کشوری توسعه یافته با هویت اسلامی و انقلابی و الهام‌بخش در جهان اسلام عنوان شده، تمام امیدهای آنها (دشمنان) را به یأس مبدل کرد».

براساس تأکید متن ابلاغیه، تدوین برنامه جامع و عملیاتی و اهتمام و دقت‌نظر در تقنین و تحقق و تلاش مجدانه در جهت اجرای آن، از وظایف مهم دولت، مجلس، مجمع تشخیص مصلحت، قوه قضاییه، آحاد سازمانهای دولتی، مطبوعات و مردم است.

سازمان رسیدگی به امور مساجد نیز بر مبنای مطالعات بنیادی و میدانی خود، تدوین برنامه جامع اجرایی و عملیاتی در جهت تحقق اهداف فرهنگی چشم‌انداز بیست ساله را مورد توجه قرار داده است و برای استفاده از دیدگاه صاحب‌نظران و اندیشمندان و فرهیختگان، کمیسیون ویژه‌ای را در سلسله همایش‌های هفته بزرگداشت جهانی مساجد اختصاص داده است.

امید است که خداوند متعال توفیق بهره‌مندی از نظرات، تدوین نهایی و تحقق و اجرای آن را عنایت فرماید.

نگاهی به برخی از فرازهای سند چشم انداز و برنامه چهارم

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانهٔ جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست ساله:

ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.

جامعهٔ ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

ـ توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر:

ـ مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی.

ـ برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی.

ـ امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت.

ـ برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت قضایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط‌زیست مطلوب.

ـ فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن رضایت‌مند و برخوردار از وجدان‌کاری، انضباط، روحیهٔ تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن.

ـ دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقهٔ آسیای جنوب غربی (شامل آسیاس میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمدسرانه و رسیدن به اشتغال کامل.

ـ الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم سالاری دینی، توسعهٔ کارآمد، جامعهٔ اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی سالم و منطقه‌ای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی قدس‌سره.

ـ دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت.

سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه در امور فرهنگی، علمی و فن‌آوری

۱ ـ اعتلا و تعمیق و گسترش دادن معرفت و بصیرات دینی بر پایه قرآن و مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام .

ـ استوار کردن ارزش‌های انقلاب اسلامی در اندیشه و عمل.

ـ تقویت فضایل اخلاقی و ایمان، روحیه ایثار و امید به آینده.

ـ برنامه‌ریزی برای بهبود رفتارهای فردی و اجتماعی.

۲ ـ زنده و نمایان نگه داشتن اندیشه دینی و سیاسی حضرت امام خمینی﵀ و برجسته کردن نقش آن به عنوان یک معیار اساسی در تمام سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها.

۳ ـ تقویت وجدان‌کاری و انضباط اجتماعی و روحیه کار و ابتکار، کار آفرینی، دست‌کاری و قناعت و اهتمام به ارتقای کیفیت تولید، فرهنگ‌سازی برای استفاده از تولیدات داخلی، افزایش تولید و صادرات کالا و خدمات.

۴ ـ ایجاد انگیزه و عزم ملی برای دستیابی به اهداف موردنظر در افق چشم‌انداز.

۵ ـ تقویت وحدت و هویت ملی مبتنی براسلام و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و آگاهی کافی دربارهٔ تاریخ ایران، فرهنگ، تمدن و هنر ایرانی ـ اسلامی و اهتمام جدی به زبان فارسی.

۶ ـ تعمیق روحیه دشمن‌شناسی و شناخت ترفندها و توطئه‌های دشمنان علیه انقلاب اسلامی و منافع ملی، ترویج روحیه ظلم‌ستیزی و مخالفت با سلطه‌گری استکبار جهانی.

۷ ـ سالم‌سازی فضای فرهنگی، رشد آگاهی‌ها و فضایل اخلاقی و اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر.

ـ اطلاع‌رسانی مناسب برای تحقق ویژگی‌های مورد نظر در افق چشم‌انداز.

۸ ـ مقابله با تهاجم فرهنگی.

ـ گسترش فعالیت‌های رسانه‌های ملی در جهت تبیین اهداف و دست‌آوردهای ایران اسلامی برای جهانیان.

۹ ـ سازماندهی و بسیج امکانات و ظرفیت‌های کشور در جهت افزایش سهم کشور در تولیدات علمی جهان.

ـ تقویت نهضت نرم‌افزاری و ترویج پژوهش.

ـ کسب فن‌آوری، به ویژه فن‌آوری‌های نو شامل ریز فن‌آوری و فن‌آوری‌های زیستی، اطلاعات و ارتباطات، زیست محیطی، هوا فضا و هسته‌ای.

۱۰ ـ اصلاح نظام آموزشی کشور، شامل: آموزش و پرورش، آموز فنی و حرفه‌ای، آموزش عالی و کارآمد کردن آن برای تأمین منابع انسانی مورد نیاز در جهت تحقق اهداف چشم‌انداز.

۱۱ ـ تلاش در جهت تبیین و استحکام مبانی مردم سالاری دینی و نهادینه کردن آزادی‌های مشروع از طریق آموزش، آگاهی بخشی و قانونمند کردن آن.

امور اجتماعی، سیاسی دفاعی و امنیتی

۱۲ ـ تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر و ارتقای سطح شاخص‌هایی از قبیل آموزش، سلامت، تأمین غذا، افزایش درآمد سرانه و مبارزه با فساد.

۱۳ ـ ایجاد نظام جامع تأمین اجتماعی برای حمایت از حقوق محرومان و مستضعفان و مبارزه با فقر و حمایت از نهادهای عمومی و مؤسسات و خیریه‌های مردمی با رعایت ملاحظات دینی و انقلابی.

۱۴ ـ تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان.

۱۵ ـ تقویت هویت ملی جوانان متناسب با آرمان‌های انقلاب اسلامی.

ـ فراهم کردن محیط رشد فکری و علمی و تلاش در جهت رفع دغدغه‌های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیب‌های اجتماعی آنان.

ـ توجه به مقتضیات دوره جوانی و نیازها و توانایی‌های آنان.

۱۶ ـ ایجاد محیط و ساختار مناسب حقوقی، قضایی و اداری برای تحقق اهداف چشم‌انداز.

۱۷ ـ اصلاح نظام اداری و قضایی در جهت افزایش تحرک و کارآیی، بهبود خدمت‌رسانی به مردم، تأمین کرامت و معیشت کارکنان، به‌کارگیری مدیران و قضات لایق و امین و تأمین شغلی آنان، حذف یا ادغام مدیریت‌های موازی، تأکید بر تمرکززدایی در حوزه‌های اداری و اجرایی، پیشگیری از فساد اداری و مبارزه با آن و تنظیم قوانین مورد نیاز.

۱۸ ـ گسترش و عمق بخشیدن به روحیه تعاون و مشارکت عمومی و بهره‌مند ساختن دولت از همدلی و توانایی‌های عظیم مردم.

۱۹ ـ آمایش سرزمینی مبتنی بر اصول ذیل:

ـ ملاحظات امنیتی و دفاعی.

ـ کارآیی و بازدهی اقتصادی.

ـ وحدت و یک‌پارچگی سرزمین.

ـ گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای.

ـ حفاظت محیط‌زیست و احیای منابع طبیعی.

ـ حفظ هویت اسلامی ـ ایرانی و حراست از میراث فرهنگی.

ـ تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور.

ـ رفع محرومیت‌ها خصوصاً در مناطق روستایی کشور.

۲۰ ـ تقویت امنیت و اقتصاد ملی با تأکید بر رشد علمی و فناوری، مشارکت و ثبات سیاسی، ایجاد تعادل میان مناطق مختلف کشور، وحدت و هویت ملی، قدرت اقتصادی و دفاعی و ارتقای جایگاه جهانی ایران.

۲۱ ـ هویت بخشی به سیمای شهر و روستا.

ـ باز آفرینی و روزآمد سازی معماری ایرانی ـ اسلامی.

ـ رعایت معیارهای پیشرفته برای ایمنی بناها و استحکام ساخت و سازها.

۲۲ ـ تقویت و کارآمد کردن نظام بازرسی و نظارت.

همان‌طور که می‌دانید مطالعات مربوط به تهیه سند چشم‌انداز بلند مدت جمهوری اسلامی ایران برای دوره بیست ساله با در نظرگرفتن سه عامل:

۱ ـ آرمان‌ها و ویژگی‌های جامعه ایده‌آل.

۲ ـ شرایط اقتصادی ـ اجتماعی موجود کشور.

۳ ـ تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای و ویژگی‌های اقتصادی و فناوری جهانی انجام گرفته که نتایج آن جمع‌بندی شده است.

براساس متن چشم‌انداز، در آینده‌های ممکن در افق چشم‌انداز سه نوع نگاه وجود دارد: نگاه انفعالی، نگاه فعال و نگاه آینده‌ساز. لازمه نگاه‌های فعال و آینده‌ساز موردنظر چشم‌انداز، حرکت برپایه مدیریت است و لازمه آن در برگیرنده کلیه قلمروهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی به صورت یک کلیت و همچنین نگاه تعاملی با منظومه خرد و کلان، ملی و فراملی فرآیندها و قلمروها با یکدیگر است. از این‌رو در این نگاه حذف قلمرو یا قلمروها و بها دادن به یکی و نادیده گرفتن دیگری، مطرح نیست و بین قلمروهای ممکن اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و زیست محیطی نه تنها تقابلی نیست، بلکه چگونگی در هم‌آمیزی کارآمدتر آنها به عنوان یک دغدغه مطرح است.

بدینسان آینده‌های ممکن این برنامه در افق چشم‌انداز در سه گزینه: تداوم روند گذشته، رشد سریع با رویکرد هم پیوندی، رشد معتدل با رویکرد هم پیوندی تنظیم شده است.

در سند چشم‌انداز محورهای اساسی و دیدمان چشم‌انداز براساس ذیل تنظیم شده است:

۱ ـ رشد مستمر و پایدار.

۲ ـ توسعه مبتنی بر دانایی.

۳ ـ تعامل فعال با اقتصاد جهانی.

۴ ـ رقابت‌پذیری اقتصاد.

۵ ـ امنیت انسانی و عدالت اجتماعی.

۶ ـ امنیت ملی.

۷ ـ ارتقای کیفیت سطح زندگی.

۸ ـ محیط‌زیست و توسعه پایدار.

۹ ـ توسعه فرهنگی.

۱۰ ـ توسعه مدیریت دولت.

۱۱ ـ امنیت و توسعه قضایی.

۱۲ ـ تعادل و توازن منطقه‌ای کشور براساس موازین آمایش سرزمین.

در هدف‌ها و سیاست‌های کلی برنامه چشم‌انداز نیز چنین آمده است:

ـ پرورش انسان دین باور، آگاه، انعطاف‌پذیر و ماهر با قابلیت‌های مشارکت و فعالیت در فضای نوین رقابتی و نوآوری در حال تغییر.

ـ مشارکت همه جانبه سرمایه انسانی عظیم کشور از جمله جوانان و متخصصین داخل و خارج در توسعه کشور.

و در تبیین توسعه مبتنی بر دانایی نکات ذیل ارائه شده است:

ـ استقرار انباشت سرمایه انسانی کارآمد، خلاقیت، کارآفرینی و نوآوری، توسعه (کاربرد) فناوری اطلاعات و ارتباطات و بسط کار و فعالیت ملی.

امنیت انسانی و عدالت اجتماعی

ـ آموزش و کسب مهارت.

ـ رفع موانع قانونی و کاستن از تابرابری‌ها و تبعیض‌های جنسیتی.

ـ ایجاد امنیت شغلی.

ـ برقراری عدالت اجتماعی.

ـ زمینه‌سازی برای شکل‌گیری مطلوب هویتی.

ـ احترام به حقوق و حریم خصوصی افراد.

ـ ایجاد امنیت فردی و مصونیت از خشونت و تجاوز.

همچنین در تبیین توسعه فرهنگی در سند چشم‌انداز چنین آمده است:

بسط توسعه‌ای باورها، تفکرات، سنت‌ها و تلقی‌ها از طریق:

ـ تقویت و تعمیق فرهنگ و هویت اسلامی ـ ایرانی.

ـ پی‌ریزی ارتباط مبتنی بر همدلی و تفاهم بین آحاد مردم.

ـ رشد فرهنگ معنویت، ایمان و اعتقاد وجدان اجتماعی.

ـ ترویج و تعمیق فرهنگ قانون‌پذیری.

و برای امنیت و توسعه قضایی:

یکی از موارد: ایجادساز و کار و بستر لازم برای پیشگیری از وقوع جرم مطرح شده است.

نگاهی کوتاه به آنچه به صورت گزینشی از چشم‌انداز بیست ساله کشور تقدیم شد، به خوبی روشن می‌سازد که بدون ارتقای نقش مساجد و ایفای صحیح آن، تحقق اهداف و راهبردها و الزامات چشم‌انداز میسر نیست. براین اساس با توجه به آن که بخش عمده‌ای از فضای فرهنگی کشور را مساجد تشکیل می‌دهد، برای تحقق اهداف فرهنگی باید مساجد را احیا نمود.

براین اساس در افق چشم‌انداز کشور از نظر وضعیت مساجد باید:

۱ ـ برخوردار از تشکیلات مدیریت کلان و یکپارچه در کل کشور.

۲ ـ برخوردار از مساجدی شکیل و زیبا به مقدار نیاز با ساختمان و تجهیزاتی کامل و متناسب با شأن نظام جمهوری اسلامی و ملت بزرگ و قهرمان ایران، نظیف، معطر و براساس استانداردها و معیارهای قرآنی، روایی و نظام مهندسی کشور.

۳ ـ دارای اقامه سه وقت نماز، باز بودن درب در همه اوقات، برقراری کلاس آموزش قرآن و معارف دینی، مجهز به کتابخانه و رایانه برای نشر علوم اسلامی و بدون ایجاد مزاحمت برای همسایگان.

۴ ـ برخوردار از ائمه جماعاتی عالم، اندیشمند، پارسا، آشنا با فنون مشاوره و مدیریت و دارای ارتباطات مردمی گسترده.

۵ ـ دارای کارگزارانی مدیر، مدبر، پارسا، آزموده، مجرب و توانا.

۶ ـ دارای تأسیسات جانبی و تکمیلی و برنامه‌های متنوع و جذاب تبلیغی و آموزشی با جاذبه‌های علمی ـ معنوی متناسب با نیاز نسل جوان.

۷ ـ حاضر در متن زندگی مردم و مرتبط و مؤثر در کلیه امور سیاسی، اقتصادی و... از طریق برقراری پیوند مستحکم و ارائه آموزه‌های دینی و معطر ساختن فضای مدرسه، دانشگاه، بازار و محیط پیرامونی با فرهنگ ناب اسلامی و ارتقا و افزون ساختن کارکردها و خدمات.

اکنون پرسش اساسی آن است که طی این طریق چگونه باید صورت پذیرد و چه اقداماتی برای تحقق آن باید انجام شود؟

در این راستا به برخی از امور مهم اشاره می‌گردد تا دیدگاه حضار گرامی پیرامون آن مطرح و در تدوین نهایی مورد بهره برداری قرار گیرد:

۱ ـ ادغام تشکیلات موازی دست‌اندرکار در امور مساجد و تشکیل یک سازمان یکپارچه برای مدیریت کلان کلیه امور مساجد یا ادامه روند نامطلوب فعلی؟!

۲ ـ تشکیل شورای‌عالی ناظر بر ساخت و ساز مسجد با زیر مجموعه‌های تخصصی از نظر سازه‌های مهندسی، معماری اسلامی، استانداردهای دینی و... .

۳ ـ تأسیس دانشگاه مسجد برای آموزش کلیه کارگزاران مسجد و ارائه آموزش‌های لازم برای تربیت نیروی انسانی شایسته مدیریت مسجد.

ـ نوع آموزش‌های لازم برای ائمه جماعات، هیئت امنا، خدام، مربیان قرآن و... .

۴ ـ ساماندهی نظام مالی و پیش‌بینی کلیه هزینه‌های مورد نیاز مساجد و تلاش برای تأمین آن از طریق مشارکت عمومی، امور وقفی و مساعدت‌های دولت جمهوری اسلامی.

ـ شکل و چگونگی مساعدت دولت با توجه به لزوم حفظ استقلال مساجد و غیردولتی باقی ماندن آنها.

۵ ـ ارائه برنامه‌های آموزشی معارف دینی قرآنی با استفاده از کلیه امکانات نوین و مجهز ساختن کتابخانه، مرکز رایانه و اطلاع‌رسانی و توانا در پاسخ به پرسش‌های دینی نسل جوان.

ـ چگونگی ارائه برنامه‌ها و خدمات.

ـ تجهیزات مورد نیاز.

ـ لزوم طراحی شبکه رایانه‌ای بین مساجد با زیر مجموعه‌های مختلف.

الف) چالش‌های موجود در مساجد ایران

برابر با روایات مساجد پایگاه توحید، خانه‌های خدا در زمین، سکوی عروج، محل عبادت،

بازار آخرت، محیط رحمت، بهترین مکان‌های زمین، کلاس تربیت، بستان بهشتیان، مطاف عاشقان، امید محرمان، مأمن مستضعفان، میعادگاه متقین و صیانت‌گاه مؤمنین است.

افزون برآن با سیری در سنت و سیره پیامبر گرامی اسلام، امامان معصوم و مؤمنان تاریخ صدر اسلام به این حقیقت دست می‌یابیم که مساجد در امور و ابعاد گوناگون دارای نقش عمده و اساسی بودند و در خدمت ترویج فرهنگ اسلام و نشر معارف دین و ابلاغ پیام و رهنمودهای حیات‌بخش پیامبر و ائمه معصومین و در یک جمله در راستای تأمین سعادت و ارتقای سطح اندیشه، اخلاق و فرهنگ مسلمانان قرار داشتند.

با کمال تأسف به تدریج مساجد در کشورهای اسلامی به آسیب، چالش‌ها و موانعی دچار شدند که کارایی آنها را در امور مختلف کاهش داد. کاهش نقش‌آفرینی مساجد در همه سرزمین‌های اسلامی پیامدهای ناگواری را در پی داشت که مشهود است.

اکنون در این شرایط حساس تاریخ که از یک سو آمریکا با اشغال دو کشور اسلامی فریاد آغاز شدن دوباره جنگ‌های صلیبی را به گوش رسانیده و از سوی دیگر دشمن با به کارگرفتن همه تجهیزات و امکانات خود در زمینه فرهنگی تهاجم همه جانبه‌ای نسبت به نسل جوان صورت داده است و می‌کوشد در سایه آن هویت جوانان مسلمان رابه یغما برده و آنان را به مبلغان بی‌مزد خود بدل سازد، باید بکوشیم با شناخت موانع و آسیب‌ها، بار دیگر از مساجد در عالی‌ترین شکل ممکن بهره‌برداری نموده و برای صیانت از دستاوردهای انقلاب و خون‌بهای شهیدان آن فضاهای مقدس را فعال و پرنشاط سازیم.

آسیب، چالش‌ها و موانع را می‌توان در امور ذیل دسته‌بندی نمود:

۱ ـ نبود اطلاعات جامع از وضعیت مساجد کشور و در نتیجه عدم تحلیل آماری لازم برای مورد توجه قرار دادن آن در جهت‌گیری‌های اساسی مربوط به مساجد.

۲ ـ وجود تشکیلات موازی و ناهماهنگ و تعدد مراکز دخیل در مدیریت و امور مسجد.

۳ ـ فقدان استراتژی و سیاستگذاری کلان در امور مختلف مساجد در برنامه کلان توسعه و عدم بذل توجه کافی در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت توسعه به مساجد و عدم تخصیص بودجه لازم برای آن.

۴ ـ عدم برنامه‌ریزی مناسب برای استفاده کامل، مطلوب و بهینه از مساجد با شرایط و وضعیت کنونی.

۵ ـ فقدان استراتژی روشن در مورد چگونگی حضور و دخالت دولت و نحوه مشارکت مردم در مساجد.

۶ ـ عدم وجود یک گروه کارشناسی قوی و کاردان جهت بازآفرینی نقش‌ها و کارکردهای مساجد و به روز کردن آن و عدم توجه مدیریت و برنامه‌ریزی کلان کشور به این امر.

۷ ـ عدم وجود یک مرکز قوی پژوهش و تحقیقات بنیادی و کاربردی ویژه مساجد و اجرای نامناسب و غیرکاربردی پروژه‌های تحقیقاتی و پژوهشی در حال انجام درباره مساجد.

۸ ـ ساخت مراکز متعدد فرهنگی هنری رقیب با بودجه و امکانات کافی به جای تقویت و گسترش فضای فرهنگی و هنری مساجد.

ب) آسیب و چالش‌های فیزیکی و سخت‌افزاری

۹ ـ عدم طراحی الگوی مناسب معماری در تیپ‌های گوناگون برای ساخت مساجد در دوران معاصر.

۱۰ ـ فقدان امکانات مناسب تأسیساتی، فرهنگی، رفاهی همانند کفشداری، پارکینگ، مهدکودک، درمانگاه، صندوق قرض‌الحسنه و... .

۱۱ ـ عدم بهره‌مندی از سرویس‌های بهداشتی مناسب، تهویه، سیستم‌های برودتی و حرارتی مطبوع نظافت، آراستگی، زیبایی، خوشبویی و نداشتن فضاسازی بیرونی جذاب.

۱۲ ـ عدم کنترل کیفی و عدم رعایت اصول مهندسی، مقاوم‌سازی و عدم حفظ و مرمت مورد نیاز به صورت مداوم.

ج) آسیب و چالش‌های مربوط به نیروی انسانی و کارگزاران

۱۳ ـ فقدان سیستم جذب و گزینش برای کارگزاران مساجد در کشور.

۱۴ ـ عدم ساماندهی مناسب منابع نیروی انسانی موجود مساجد.

۱۵ ـ فقدان نظارت و ارزیابی مستمر بر عملکرد کارگزاران مساجد.

۱۶ ـ عدم استفاده از توانایی‌های جوانان در انجام امور مساجد و به‌کار نگرفتن نیروی کار آنان.

۱۷ ـ فقدان آموزش‌های روزآمد برای کارگزاران مساجد.

۱۸ ـ عدم تغذیه فکری منابع نیروی انسانی به طور مداوم.

۱۹ ـ عدم تأمین مالی آبرومندانه کارگزاران بویژه خادمان و در نتیجه عدم مسئولیت‌پذیری آنان.

د) آسیب و چالش‌های محتوایی و برنامه‌ای

۲۰ ـ تعطیلی اغلب مساجد جز در ایام خاص، عدم اقامه نماز جماعت در سه یا پنج نوبت، بسته بودن درب مساجد جز در وقت نماز و نبود برنامه مداوم نیایش و قرآن‌آموزی در آن.

۲۱ ـ فقدان برنامه‌ریزی‌های جذاب هماهنگ و متناسب با نیازهای اقشار مختلف جامعه و در نتیجه عدم اجرای برنامه‌های تبلیغی و فرهنگی مناسب.

۲۲ ـ فقدان فضاسازی برای حضور مردم و نسل جوان و عدم فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی صحیح در مورد برنامه مساجد در رسانه‌های جمعی بویژه رسانه ملی.

۲۳ ـ عدم تقویت و غنی‌سازی کتابخانه‌های مساجد کشور به طور مداوم.

۲۴ ـ عدم استفاده از تجهیزات فرهنگی، هنری، رایانه‌ای و نرم‌افزاری روز و عدم استفاده از ابزار و زبان هنر در برنامه‌های تبلیغی فرهنگی مساجد.

راه‌کارهای توسعه و تعمیق جایگاه و نقش آفرینی مساجد و جذب جوانان

۱ ـ ادغام تشکیلات موازی در مرکز رسیدگی به امور مساجد که به فرمان مقام معظم رهبری تأسیس شده است و هماهنگ نمودن کلیه فعالیت‌های مرتبط با مسجد با آن.

۲ ـ تعیین استراتژی و سیاست کلان در برنامه چهارم توسعه و اختصاص بودجه لازم و کافی.

۳ ـ اهتمام دولت و تشویق و ترغیب عمومی برای احداث، نوسازی و بهسازی مساجد و مجهز ساختن آن به تجهیزات روزآمد و حمایت از مساجد مناطق محروم.

۴ ـ تلاش در جهت وضع قوانین لازم برای حمایت‌های حقوقی و اجتماعی از مساجد.

۵ ـ جذب و بهره‌مندی از نیرو و امکانات قابل استفاده در محدوده مسجد.

۶ ـ اقدامات لازم برای بازنشسته نمودن خادمان از کار افتاده و تلاش برای به کارگرفتن خادمان جوان و مناسب در جهت پاکیزگی و نظافت مساجد.

۷ ـ سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کلان فرهنگی متناسب با نیازهای اقشار مختلف جامعه بر محوریت آموزش قرائت، ترجمه و تفسیر قرآن در مساجد.

۸ ـ فضاسازی لازم برای جذب هرچه بیشتر همه اقشار نسل جوان به مساجد در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی توسط رسانه‌های جمعی بویژه رسانه ملی.

۹ ـ تأسیس دانشگاه مسجد و ارایه آموزش‌های روزآمد به کارگزاران مسجد.

۱۰ ـ تداوم برپایی همایش‌ها و جشنواره‌های بین‌المللی، کشوری، استانی و شهرستانی برای تبیین، احیاء و ارتقای جایگاه مساجد در جهان اسلام.

۱۱ ـ ایجاد پژوهشکده مسجد و انجام مداوم پژوهش‌های بنیادی و کاربردی برای احیاء و روزآمد نمودن مساجد.

۱۲ ـ تشکیل شورای عالی مهندسی مساجد و طراحی الگوی مناسب معماری و ساماندهی و نظارت بر کم و کیفیت بنا و تجهیزات مساجد و هدایت و ساماندهی ساخت و تجهیز مسجد براساس نیاز مناطق مختلف.

۱۳ ـ طراحی سیستم ماهواره‌ای و شبکه جهانی مساجد در اینترنت و بهره گیری مناسب از تکنولوژی ارتباطات و مبادله اطلاعات و برنامه‌ها و تجربیات با مساجد سراسر جهان و جوامع دیگر اسلامی در جهت اعتلای هرچه بیشتر نقش و جایگاه مسجد در جهان.

۱۴ ـ تلاش در مدیریت و برنامه‌ریزی کلان کشور برای ارتباط و حضور مسجد در متن زندگی مردم و ارتباط آن با مراکز مختلف آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و... .

راه‌کارهای توسعه کمی و کیفی و جذب جوانان به مسجد

پژوهش‌ها ثابت کرده است که توسعه به عنوان واقعیتی مطلوب دارای ابعاد مختلفی است؛ خوشبختانه در جهان معاصر، ابعادگوناگون توسعه و ارتباط و پیوندها و تأثیر و تأثر متقابلی که بین ابعاد توسعه وجود دارد مورد توجه جدی قرارگرفته و به خوبی آشکار شده است که توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی بدون توسعه فرهنگی و توسعه منابع نیروی انسانی امری کاملاً دور از دسترس است؛ همچنان که توسعه فرهنگی و توسعه منابع نیروی انسانی بدون انجام توسعه اقتصادی اجتماعی سیاسی با مشکلات فراوانی مواجه می‌باشد!

براین اساس ضرورت توسعه فرهنگی و لوازم تعلیم و تربیت و پرورش نیروی انسانی پارسا، کارآمد و توانا در تحقق دیگر ابعاد توسعه واقعیتی انکارناپذیر است. نکته مهم و قابل توجه در این راستا تبیین نقش و جایگاه مساجد در توسعه همه جانبه کشور است.

باکمال تأسف عدم توجه کافی به مساجد، نقش، جایگاه، جاذبه‌های بی‌بدیل و تأثیرات عظیم و ممکن مساجد را به شدت کاهش داده است و این کاهش، پیامدهای ناگواری همچون توسعه تأثیرات تهاجم فرهنگی بر جوانان و امت اسلامی را در پی داشته است.

اکنون این حقیقت نه تنها برای اندیشمندان و فرهیختگان کشور و امت اسلامی بلکه بر عموم مردم به خوبی آشکار شده است و برای تحقق ابعاد دیگر توسعه درکشور و جهان اسلام باید نخست به فکر توسعه کمی و کیفی مساجد باشیم؛ این سخن، یک سخن احساسی یا یک توصیه غیرکارشناسی و غیرعلمی و از سر خیال‌پردازی و آرمانگرایی صرف نیست، بلکه سخنی براساس جستارهای پژوهش‌های بنیادی و کاربردی که بر مبنای «**ولکم فی رسول الله اسوه حسنه**» از روش و سیره مبارک آن حضرت صلی الله علیه و آله در بنیانگذاری تمدن بزرگ اسلامی اتخاذ شده است. پیامبر بزرگی که در توقف چهار روزه خود در دهکده قبا، مسجد قبا را بنا نموده و در مسیر آمدن به مدینه در محل زندگی قبیله بنی‌سالم، نماز جمعه را در مسجد آن قبیله اقامه فرمودند و در آغاز ورود به شهر مدینه با فرود آمدن ناقه دارای مأموریت، آن محل را برای ساختن مسجد خریداری و مسجد نبوی یا به دیگر سخن قطعه‌ای از باغ‌های بهشت را در زمینی خاکی برپا ساخت و همه ابعاد زندگی مردم را با آن‌گره زده و تلألو نورانی آموزه‌های مسجد را

بر زوایای مختلف حیات بشری تاباند و دین توحیدی و شریعت عالی خود را از آن کانون هدایت منتشر ساخت و بدین طریق، راه و روش توسعه همه جانبه امت اسلامی را به امت اسلامی آموزش داد.

آری بدون تردید در توسعه کشور مهم‌ترین مسئله، بعد فرهنگی است و اگر در توسعه اجتماعی و اقتصادی به مسائل فرهنگی توجه نشود، توسعه اجتماعی و اقتصادی به مفهوم امروزی آن نیز تحقق نخواهد یافت. با عنایت به آن که مساجد محل اصلی نشر فرهنگ دینی و مذهبی کشور است، بنابراین در توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی، باید توسعه را از پایگاه‌های فرهنگ دینی یعنی مساجد شروع کرد، زیرا تقویت این پایگاه‌های دینی به معنای مصون‌سازی فرهنگ خودی در برابر هجوم فرهنگی بیگانگان است. فرد هالیدی از شخصیت‌های امنیتی و سیاسی انگلیس و طرح براندازی خاموش یا براندازی در سکوت، یکی از راه‌های براندازی جمهوری اسلامی را محدودکردن نقش شبکه مساجد عنوان می‌کند.

نکته قابل تأمل آن است که مساجد، تنها مراکزی هستند که می‌توان از آنها به عنوان بهترین اماکن مقدس برای جذب مردم عموماً و جذب جوانان خصوصاً استفاده کرد. اگر امت اسلامی بخواهد جوانان را در مکان‌های دیگری جز مساجد، سازماندهی کند، باید هزینه‌های فراوانی را صرف کند، اما با هزینه‌ای بسیار اندک، با بهره‌برداری بهینه از مساجد، جذب جوانان کاملاً عملی، موفق و مقرون به صرفه می‌باشد و دارای آثار بسیار مبارکی است.

آنچه در پی می‌آید موضوعاتی است برای تأمل، اندیشیدن، جستجو و کنکاش پیرامون راه‌های توسعه و چاره‌اندیشی برای رفع موانع توسعه کمی و کیفی مساجد.

امید است در سایه الطاف الهی با توسعه مساجد، توسعه حقیقی و همه جانبه در کشور و در میان امت اسلامی پدید آید.

الف) توسعه کمی

با آن که در کشور بیش از ۶۰۰۰۰ مسجد با مساحتی بالغ بر ۳۶۰۰۰۰۰۰ متر مربع زمین و ۱۷۰۰۰۰۰۰ متر مربع زیربنا در بهترین مکان‌های شهر و روستا یعنی تقریباً به ازای هر ۱۰۰۰ نفر

یک مسجد وجود دارد اما با کمال تأسف به دلیل آن‌که در ساختن مساجد، میزان جمعیت پیرامون، منطقه جغرافیایی، فاصله متناسب با مساجد دیگر و... رعایت نشده و سیاست مدون و مشخصی در زمینه ساخت مسجد وجود نداشته، در بعضی از محلات پر جمعیت مسجدی وجود ندارد و یا اگر هست مسجدی بسیار کوچک است که جوابگوی خیل عظیم نمازگزاران نیست و بر عکس در برخی از مناطق کم جمعیت، مساجد بزرگ یا نزدیک به هم ساخته شده که خلوت بودن بعضی آنها هنگام اقامه نماز در شأن جامعه اسلامی نیست. این مشکل در کل جهان اسلام نیز به چشم می‌خورد.

در این راستا باید براساس مطالعات آمار و جمعیت‌شناسی، بررسی و تحلیل لازم صورت پذیرد تا مشخص شود چه مناطقی به چه تعداد مسجد و با چه مساحتی نیاز دارند تا در زمینه ساخت مسجد افراط و تفریط صورت نگیرد.

افزودن برآن در تجهیز، آراستگی، رنگ‌آمیزی و تنظیف مساجد و زیباسازی نمای بیرونی آنها باید به نکات ذیل توجه شود:

ـ مقاوم‌سازی ساختمان مسجد در برابر حوادث طبیعی مثل سیل، زلزله، طوفان و غیره.

ـ تمهیدات لازم برای حضور قشر عزیز جانباز و معلول.

ـ در نظرگرفتن مکان لازم برای پارکینگ خودروهای نمازگزاران در مناطق مورد نیاز.

ـ طراحی مکان مناسب همچون مهدکودک برای نگهداری نوزادان زنان و مادران دارای فرزند خردسال.

ـ ایجاد تأسیسات تکمیلی و مورد نیاز مسجد همانند مهدکودک، مدرسه، درمانگاه، صندوق قرض‌الحسنه، صندوق بازنشستگی، مرکز مشاوره و امور تربیتی و ورزشی داشته باشد، مرکز کمک‌رسانی به مردم.

ـ طراحی تأسیسات برودتی و حرارتی پیشرفته متناسب با محیط جغرافیایی.

ـ تنظیم صحیح سیستم نور و صدای مسجد.

ـ طراحی و اجرای فضای سبز و گل‌کاری و استفاده از رنگ‌های آرام‌بخش همراه با طرح‌های تلفیقی.

ـ استفاده از اسپری‌های خوشبوکننده هوا قبل از شروع نمازهای جماعت و مراسم مذهبی در فضای صحن مسجد مورد نظر.

ـ ساخت کفشداری خارج از شبستان، از جنس سنگ.

ـ استفاده از سجاده یا فرش‌های مناسب سراسری و علامت‌گذاری با پارچه سفید و شستشوی آن در هر شش ماه یک بار.

ـ حفظ سادگی و پویایی مسجد که پیامبر بر آن امر اصرار می‌ورزید در دوران معاصر؟

دیدگاه خویش را پیرامون پرسش‌های ذیل بیان فرمایید:

۱ ـ آیا می‌توان استاندارد مشخصی برای تأسیس مسجد به ازای جمعیت و تراکم آن مشخص نمود، استدلال شما برای آن پیشنهاد چیست؟

۲ ـ برای اصلاح وضع موجود که در ساختن مساجد، میزان جمعیت پیرامونی، منطقه جغرافیایی، فاصله متناسب با مساجد دیگر و... رعایت نشده، چه راه‌کارهایی وجود دارد؟ تأسیس مساجد براساس استانداردهای علمی مصوب؟ یا... .

۳ ـ افزون بر جمعیت و تراکم آن چه معیارهایی را می‌توان برای لزوم تأسیس مسجد در نظر گرفت؟!

۴ ـ چه روش‌هایی برای جذب مشارکت هرچه بیشتر مردم در ساخت و توسعه کمی مساجد وجود دارد؟

۵ ـ در چه زمینه، چگونه و با چه روش‌هایی می‌توان از مساعدت و کمک‌های عمومی و دولتی برای ساخت و توسعه کمی مساجد بهر برد، بدون آن که استقلال مساجد خدشه‌دار شود؟

تدوین و اجرای قوانین لازم؟ اختصاص بودجه و در اختیار مرکز رسیدگی قرار دادن؟ ساخت تأسیسات جانبی و تکمیلی؟ اجرای ساخت؟ تصویب و اجرای معافیت در پرداخت هزینه‌های آب و برق و گاز؟ و... .

۶ ـ موانع و چالش‌های توسعه کمی مساجد و راه برطرف ساختن آن چیست؟

ب) توسعه کیفی

مقصود از توسعه کیفی، بهینه‌سازی بهره‌برداری، گسترش نقش، جایگاه، کارکرد و ارتقای سطح و بالا بردن کیفیت و ارائه خدمات عبادی، آموزشی و... و افزون ساختن جاذبه‌های مسجد و در یک جمله آوردن مسجد در متن زندگی مردم مسلمان و برقراری و مستحکم ساختن پیوند بین مسجد و امور مختلف حیات بشری است.

نگاهی کوتاه به تاریخ اسلام نشان می‌دهد که مسجدالنبی مثل بعضی از مساجد خاک گرفته، متروکه و یا تشریفاتی امروز نبود که تنها هنگام نماز باز و پس از آن بسته شود و از روح زندگی و حرکت اصیل حیات باز بماند. در صدر اسلام مسجد مرکز زندگی و تپش حیات و محل دریافت طرح، مرکز جدیدترین خبرها و اقدامات مسلمانان و مرکز ارسال پیک‌ها به قبایل و کشورها و خلاصه جایگاه اصیل ارائه دعوت اسلامی به افراد انسانی بود. سرنوشت ملت‌ها و دولت‌ها در مسجد پیامبر رقم زده می‌شد و تمدن و فرهنگ اسلام از آن مرکز نورانی راهی جهان می‌گردید.

براین اساس با توجه به آن‌که منحصر ساختن مساجد کشور با این فضای بزرگ و عالی به برگزاری یک وعده یا دو وعده نماز جماعت، برگزاری مجالس ترحیم و عزاداری و بسته بودن درب آن در بیشتر اوقات و عدم برگزاری مجالس شاد و آموزشی چون مراسم ازدواج، تعلیم و تربیت و مذاکرات علمی و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و امورات مربوط به پیشرفت و برنامه‌های خانواده و زندگی یکی از خسارت‌های بزرگ دوران معاصر است، به نظر شما در بهینه‌سازی استفاده از مساجد چه باید کرد؟

۱ ـ در دوران معاصر، مساجد چه نقش و کارکردهایی را می‌توانند برعهده گیرند؟

۲ ـ نوع خدمات عمومی، اجتماعی را اکنون بر زمین مانده و مسجد می‌تواند آنها را برعهده گیرد کدام است؟! و چگونگی ارائه آن از طریق مسجد؟!

۳ ـ چه نوع تأسیساتی را درکنار مسجد و برای برعهده گرفتن نقش و کارکردهای جدید لازم می‌دانید؟

۴ ـ چگونه می‌توان کارکرد و خدمات مساجد کنونی را افزایش داد؟

ـ راه‌اندازی مرکز ارائه خدمات آموزشی و رفاهی مسجد؟

۵ ـ برنامه‌ریزی کلان و برنامه‌های میان مدت و کوتاه مدت اجرایی برای مساجد به صورت متمرکز یا غیرمتمرکز کدام یک مناسب‌تر است؟ چرا؟

۶ ـ چه نوع آموزش‌هایی به ائمه محترم جماعات و کارگزاران دیگر مساجد می‌تواند در توسعه کیفی مؤثر باشد؟

۷ ـ تشکیل کلاس، فعال ساختن کتابخانه و نوارخانه، برگزاری دوره‌های سیر مطالعاتی، تشکیل گروه‌های سرود و تواشیح، در اختیار داشتن رایانه، قرار دادن نام مساجد و فعالیت‌های آن در شبکه جهانی اینترنت و ارائه خدمات علمی دیگر از طریق مساجد، اطلاع رسانی نیکو، نصب تراکت‌ها و پیام‌های تبلیغاتی و فرهنگی دو روز قبل از اعیاد و وفیات و ایام الله و جمع آوری آنها بعد از مراسم و چگونگی آن در بالا بردن کیفیت و افزونی جاذبه‌ها چه نقشی می‌تواند ایفا نماید؟

۸ ـ نقش امام جماعت، هیئت امنا، خدام، بسیجیان و سایر نیروهای دست‌اندرکار در توسعه چیست؟ امام جماعت ثابت، مراعات حال نمازگزاران، عدم خطابه طولانی در بین‌الصلاتین، خوش برخورد، خوش اخلاق، خوش سیما، آشنا به مسائل شرعی و حتی‌الامکان جوان بودن خادم مسجد، تعیین مؤذن و تعقیب‌خوان خوش صدا، عدم پخش صدای برنامه‌های مسجد از جمله سخنرانی‌ها و سرودها از بلندگوی مساجد، رعایت اصول بهداشتی خصوصاً در آبدارخانه مسجد و نظافت مستمر وضوخانه و سرویس‌های بهداشتی و نصب جای مایع دستشویی و خشک کن برقی و... چه نقشی در ایجاد جاذبه برای همسایگان و توسعه کیفی مساجد دارند؟ موارد مؤثر دیگر کدامند؟

۹ ـ شیوه‌های مشارکت مردم و جوانان در مدیریت مساجد چگونه باید باشد تا ضمن عدم اخلال در امور مساجد را از ظرفیت و توانایی جوانان بهره‌مند سازد؟

۱۰ ـ موانع و مشکلات موجود در راه توسعه کیفی کدام است و راه‌کارهای عملی حل آنها چیست؟

مسجد کانون حماسه‌های اسلامی
(از آغاز تاکنون)

▣ غلامرضا گلی زواره

چکیده

مهم‌ترین پدیده جغرافیایی عبادی در اسلام به شکل مسجد تجلی می‌یابد، خداوند مسجدی را شایسته می‌داند که بر پایه تقوا و اخلاص بنا شده و از انگیزه‌های مادی و نیرنگ‌های سیاسی دور باشد.

از همان آغاز که رسول اکرم در مدینه مسجدی بنیان نهاد، این مکان پایگاه اساسی تمامی فعالیت‌های عبادی و سیاسی بود بنابراین مسجد علاوه بر این که مرکز بندگی خدا و تربیت معنوی است کانونی برای مقاومت در برابر استبداد و سلطه‌گری می‌باشد و در طول تاریخ تمامی فریادها و خروش‌ها و نهضت‌های اسلامی به طور مستقیم و غیر مستقیم از مسجد منشأ گرفته است.

مسجد کوفه مرکزی برای سامان‌دهی رزمندگان اسلام بود و حضرت علی علیه‌السلام در این مکان زمینه مبارزه با قاسطین، مارقین و ناکثین را فراهم آورد، قیام مختار و انقلاب زید بن علی در مسجد مزبور شکل گرفت.

امویان خواستند سیمای نفرت‌انگیز خود را در پرده‌هایی از ریا و تزویر پنهان کنند و از این روی از مسجد دمشق برای دوام قدرت پوشالی خود بهره بردند ولی امام سجاد علیه‌السلام

در جامع دمشق نقشه‌های آنان را افشا نمود، قیام شهدای فسخ در مسجد النبی مدینه تکوین یافت. سربداران خراسان و سمرقند از مساجد این نواحی علیه مغولان وحشی بسیج شدند.

مردم تهران با هدایت میرزا مسیح مجتهد تهرانی از مسجد جامع این شهر برای آزاد نمودن بانوانی که در اسارت روس بودند، حرکت کردند و قیام علما و مردم مشهد بر علیه کشف حجاب در مسجد گوهر شاد به وقوع پیوست.

مردم تهران، قم و برخی شهرهای دیگر در سال ۱۳۴۲ و طی قیام ۱۵ خرداد برای مبارزه با استبداد رژیم پهلوی و افشای کارنامه ننگین آن، تظاهرات گسترده‌ای را از مساجد سامان دادند و به ندای امام خمینی برای جلوگیری از فجایع و اعمال ضدشرعی نظام پهلوی لبیک گفتند.

انقلاب اسلامی در مساجد به رشد و شکوفایی و بالندگی شکوهمند رسید و امام خمینی و یارانش مساجد را پایگاه مبارزات و تلاش‌های تبلیغی و فرهنگی خود قرار دادند، در لحظات پیروزی این نهضت نیز مساجد، مراکز نظم و انسجام و سازماندهی نیروهای مبارز و مؤمن بود و برخی از نهادهای انقلابی در این کانون‌های عبادی شکل گرفتند.

پایگاه عبادی و سیاسی

تجسم خارجی یا مهم‌ترین پدیدهٔ جغرافیایی در اسلام به شکل مسجد تجلی می‌نماید. خداوند مسجدی را که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده شایسته‌تر می‌داند:

﴿المسجد اسس علی التقوی من اول یوم﴾.[۱]

مرحوم طبرسی در تفسیر معروف خود می‌گوید مراد از این آیه هر مسجدی است که بر پایه طاعت الهی و نیت خالصانه برپاگردد.[۲] البته وی قول‌های دیگری را یادآوری می‌کند و می‌افزاید امکان دارد مسجد قبا یا مسجد النبی باشد، علامه طباطبایی تأکید می‌نماید که این آیه به مسجد قبا نظر دارد و بین این مسجد و مسجد ضرار مقایسه‌ای دارد.[۳]

---

۱. توبه: ۱۰۸.

۲. تفسیر مجمع البیان: ج ۵، ص ۷۳.

۳. تفسیر المیزان، ترجمه: ج ۱۸، ص ۳۳۰.

بنابراین آنان که انگیزه‌ای غیر از پرهیزگاری و یکتاپرستی دارند نمی‌توانند به احداث مسجد همت گمارند و قرآن افرادی را که مسجدی برای زیان به مسلمانان، تقویت کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان ساختند محکوم می‌کند، فرمان وحی از این مکان که به مسجد ضرار موسوم گردید پرده برداشت. اهداف شوم بانیان آن را افشا کرد و به پیامبر دستور داد که در آن مسجد نماز نخواند و هر گونه فعالیتی در آن ممنوع است،[۱] پیامبر فرمانی صادر کرد تا براساس آن این مسجد را تخریب نموده و به آتش بکشند و به زباله دانی تبدیل کنند. پس اغراض سیاسی منفی که از توطئه‌های دشمنان اسلام حکایت دارد می‌تواند در لباس زهد و تقوا و حربه مذهب آشکار گردد و از این رهگذر به مسلمین ضربه وارد کند و با ساختن مسجد مردم را فریب دهد و باید مراقب چنین نیرنگ‌هایی بود.

همچنین قرآن اجازه نداده است مشرکان در حالی که به کفر خویش گواهی می‌دهند مساجد خدا را آباد کنند، این گونه اشخاص اعمال خراب دارند و در آتش دوزخ جاویدان هستند.[۲]

و در آیه‌ای دیگر به کسانی اجازه داده شده که مساجد را آباد و تعمیر کنند که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و از خدا می‌ترسند و نماز را اقامه نموده و زکات می‌دهند.[۳]

قرآن کسانی را که مردم را بازمی‌دارند که در مساجد نام خدا یادآوری شود و در خرابی این اماکن می‌کوشند مصداقی از ستم کارترین افراد دانسته است.[۴] امام صادق علیه السلام خطاب به یکی از یاران خویش به نام یونس بن یعقوب می‌فرماید: ستمگران را حتی در ساختن مسجد نیز یاری مکن.[۵] زیرا هر گاه آنان بخواهند از این مکان پوششی برای ستم خویش بسازند یاری رسانیدن به آنان در راستای تقویت بیدادگری است نه احیای مسجد، پس مسجد می‌تواند در گسترش عدالت اجتماعی نقش سازنده و مثبتی داشته باشد.

---

۱. نک: توبه: ۱۰۷.
۲. توبه: ۱۷.
۳. توبه: ۱۸.
۴. بقره: ۱۱۴.
۵. وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی: ج ۱۲، ص ۱۲۹.

رسول اکرم ﷺ در ربیع الاول سال سیزدهم بعثت، مکه را به قصد یثرب (مدینه) ترک نمود، آن حضرت بعد از پیمودن ۴۰۰کیلومتر در دوشنبه ۱۲ ربیع الاول به دهکدهٔ قبا رسید که در دو فرسخی مدینه قرار داشت، پیامبر در این آبادی شالودهٔ مسجدی را ریخت که قبا نام گرفت، خاتم رسولان این مساجد را برای نبی عمروبن عوف بنا نهاده، آن حضرت به این مسجد توجه ویژه‌ای داشت و هر شنبه با پای پیاده یا سواره از مدینه به قبا می‌آمد تا در آن نماز بگذارد، این همان مسجدی است که قرآن به عنوان اولین مکان عبادی مسلمانان بدان اشاره دارد و فضیلت نمازگزاری در آن طی توجه روایاتی پیامبر و ائمه هدی قرارگرفته است.[۱] پیامبر در مدینه نیز مسجدی را بنیان نهاد که تنها در آن نماز اقامه نمی‌گردید بلکه مرکز فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی سیاسی مسلمانان تلقی گشت. از بدو استقرار رسول خدا ﷺ در مدینه که مسجد به منزله پایگاه اساسی تمامی فعالیت‌های عبادی و سیاسی مسلمین قرار گرفت، یکی از مهم‌ترین کارکردهای آن حرکت و جهاد بود، مقدمات فکری و اجتماعی اکثر غزوات در مسجد تدارک دیده می‌شد و حضرت محمد ﷺ با بیان شیوای خود مسلمانان را در این مکان برای جهاد با کفار و مشرکان بسیج می‌نمودند. به یمن امنیتی که در این پایگاه توحید و عبادت وجود داشت مردم برای گره‌گشایی امور اجتماعی به حضرتش مراجعه می‌کردند و آن حضرت مشکلات جامعه را برطرف می‌نمودند. در جوار مسجد صفه‌ای برای بینوایان و مهاجران تهیدست ساخته شد تا در آن جا بسر ببرند، همین مسایل حکایت از آن داشت که در اسلام ایمان از مسایل اجتماعی و سیاسی جدا نیست و صرفاً یک آیین مذهبی معنوی نمی‌باشد بلکه با زندگی فردی و جمعی سر و کار دارد و ضمن آن که همه را به تقوا و پارسایی فرا می‌خواند از تدابیر در امور سیاسی و اصلاح اوضاع اجتماعی غفلت ندارد.[۲]

امام خمینی در این باره گفته است:

«صدر اسلام از همین مساجد، جیش‌ها، ارتش‌ها، راه افتاده، مرکز تبلیغ احکام سیاسی اسلام بوده، هر وقت یک گرفتاری پیدا می‌شد صدا می‌کردند که «**الصلوة بالجماعه**» اجتماع می‌کردند و آن گرفتاری را طرح می‌کردند».[۳]

---

۱ . همان: ج ۳، ص ۵۴۸ ، ج ۱۰، ص ۲۷۶ ؛ وفاء الوفاء، سمهوری: ج ۳ ، ص ۸۰۸ .

۲ . فروغ ابدیت، جعفر سبحانی: ص ۴۵۳ ـ ۴۵۲ ؛ بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، دکتر عباس سعیدی رضوانی: ص ۴۲ .

۳ . صحیفه امام، روح موسوی خمینی: ج ۱۰ ، ص ۱۶ .

مسجد خار چشم دشمنان

بنابراین مسجد در ضمن این که مرکز عبادت و تربیت معنوی است، کانونی برای مقاومت در برابر استبداد و سلطه گران و قوای استکبار می‌باشد و بر همین مبنا تمامی فریادها، خروش‌ها و نهضت‌های اسلامی به طور مستقیم و غیر مستقیم از مساجد سرچشمه می‌گرفت و روی همین جهت مسجد در تاریخ بر فراز و نشیب اسلام و خصوص تشیع، بزرگ‌ترین پایگاه تجمع مردم و از سویی مهم‌ترین خار چشم حکومت‌های ظالم و جفا پیشه بوده است و همواره آنان درصدد بوده‌اند با شیوه‌های گوناگون این اماکن را به تعطیلی بکشانند اما چون مستقیماً در برابر شور و احساسات، اراده قوی و ایمان استوار مردم قرار می‌گرفتند این جسارت و توان را در خود نمی‌دیدند که علنی در برابر افراد مسلمان بایستند و از طرق دیگری وارد می‌شوند و از آن جمله در چهره قداست و مذهب در می‌آیند و مسجد را تحت پوشش و استیلای خود در می‌آورند. البته مردم پس از چندی به این تزویر پی می‌بردند و با چنین حاکمانی به مخالفت بر می‌خاستند و یا از شرکت در مسجدی که تحت سلطه زورمندان بود اجتناب می‌نمودند و اگر امکان اقتداری را بدست می‌آوردند این مکان مبارک و مقدس را از سلطه آنان می‌رهانیدند.

در طول تاریخ، تمامی قیام‌ها از سرچشمه مسجد جرعه نوش بودند و فریاد بیدار باش و حرکت عمومی از بالای منابر سر داده می‌شد و مردم بعد از سخنرانی‌های آتشین، روشنگر و کوبنده که توسط گویندگان متعهد و مسئول ایراد می‌گردید به کوچه‌ها و معابر می‌ریختند و در برابر حکومت‌های ظلم‌پیشه به نبرد می‌پرداختند و یا مرگی با غیرت را پذیرا می‌شدند و یا بر تباهی غلبه می‌یافتند، با این وصف می‌توان گفت مسلمانان عظمت و ابهت معنوی و سیاسی خود را باید مرهون مسجد بدانند و این سنگرهای تسخیرناپذیر بودند که بزرگ‌ترین نقش را در این راستا ایفاکردند و بزرگ‌ترین سد در برابر هر جریان ضد ارزشی بوده و می‌باشند.

مسجد کوفه

کوفه که در آغاز برای استقرار رزمندگان اسلام بوجود آمد برکانون مرکزی مسجد شکل گرفت و نخستین محل آن که جزو مساجد چهارگانه به شمار می‌رود مسجد بود، این مکان مدتی محل تفسیر آیات قرآن، بیان سنت رسول خدا و عرضه معارف اسلام و پایگاه ارشادها هدایت‌ها

و خروش‌های حضرت علی علیه‌السلام بوده است. در همین مسجد آن حضرت از دو چهرگان و مؤمنان سست ایمان گلایه می‌کند و زمینه حرکت و مبارزه با پیمان شکنان (ناکثین)، و ستم پیشگان (قاسطین) و آشوب طلبان (مارقین(را فراهم آورد و سرانجام در محراب همین مسجد در سپیده دم نوزدهم رمضان سال چهلم هجرت به شهادت رسید.[۱]

در مسجد کوفه امام حسن مجتبی علیه‌السلام ضمن خطابه‌ای تاریخی از اهل بیت و حق مسلم آنان در خلافت سخن گفت و چون احساس نمود معاویه دست به عصیان زده و افرادی را برای اخلالگری تقویت می‌کند در پاسخ به این ستیزه جویی مؤمنان را بسیج نمود تا با معاویه به نبرد برخیزند اما به دلیل شرایطی که در سپاه خود می‌دید و تبلیغات منفی امویان و نفوذ خوارج و وابستگان دشمنان در میان نیروهای مردمی امام جنگ را ترک نموده و به صلح روی آورد، طرفین در مسجد کوفه اجتماع کردند و امام با بزرگواری و متانت خاصی بر منبر قرار گرفت در بخشی از بیانات خویش فرمود: معاویه چنین وانمود کرده که او را شایسته خلافت دیده‌ام ولی او دروغ می‌گوید، بر اساس قرآن و قضاوت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله ما از همه کس به حکومت اولی‌تر درآیم.[۲]

مختار بن ابوعبیده ثقفی برای مجازات جنایتکاران اموی که در کربلا شرارت کرده وکارنامه‌ای ننگین از خود به جای نهاده بودند، درکوفه قیام کرد، مرکز خیزش وی مسجد جامع این شهر است، او پس از مسلط شدن بر اوضاع شهر، در مسجد مذکور برای مردم خطبه‌ای حماسی خواند. سپس مراسم بیعت با وی با شور و هیجان وصف ناپذیری آغاز شد.[۳]

جامع دمشق

یکی از مهم‌ترین حوادث دردناک تاریخ اسلام، حکومت جابرانه امویان می‌باشد. معاویه بنیانگذار این سلسله ملعون از سال ۴۱ تا ۶۰ هجری بر سرزمین شام حکومت کرد

---

۱ . سیمای کوفه، از نگارنده: ص ۷۴ ـ ۷۲ .

۲ . سیری در سیره انوه اطهار، شهید مرتضی مطهری: ص ۸۹ ـ۸۲ ؛ و نیز نک: صلح امام حسن شیخ راضی آل‌یاسین، ترجمه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای.

۳ . ماهیت قیام مختار، سید ابوفاضل رضوی اردکانی: ص ۳۲۲ ـ ۳۰۹ .

ولی عامل دوام سلطه‌اش، سیاست بازی و دو روئی است و ماهیت شرک و ستم را در پرده‌ای از ریا و تزویر مخفی کرد و تنها پایگاه تبلیغات مسموم وی در جهت انحراف افکار مردم از مسیر صحیح اسلام و مشحون نمودن اذهان از یاوه سرایی‌ها و تهمت‌ها بر علیه عزیزترین بندگان خدا، مسجد جامع دمشق بود، بعد از وی فرزند فاسدش همانند او از این مکان مقدس استفاده سوء کرد و آن را بهترین جایگاه قدرت پوشالی خود می‌دانست و برای قرار دادن پوششی بر جنایات و مفاسد خویش هر صبح و شام به مسجد می‌آمد و به عنوان نماز جماعت و سخنرانی از آن استفاده می‌نمود اما حادثه‌ای به وقوع پیوست که سیمای کریه او را افشا ساخت. امام سجاد علیه‌السلام و عده‌ای از بازماندگان حادثه نینوا بعد از حماسه عاشورا، به عنوان اسارت به شام انتقال یافته و در خرابه‌ای اسکان داده شدند، روزی یزید امام چهارم را به این مسجد فراخواند و در حضور آن امام همام از خطیب مزدوری خواست بر فراز منبر رود و از فضایل بنی‌امیه و معایب دشمنان و علیه آل ابی‌طالب مطالبی بر زبان جاری نماید، امام زین العابدین علیه‌السلام چون این سخنان یاوه و باطل خطیب را شنید، روی به آن سخنران نمود و فرمود: وای بر تو، رضایت مخلوق را به خشم خداوند برتری دادی، پس جایگاهت در آتش است، آنگاه از یزید خواست تا اجازه دهد وی بر منبر مسجد رفته و مطالبی بگوید که مایه خوشنودی خداوند و ثواب برای حاضران در مسجد باشد، یزید در آغاز نپذیرفت ولی با اصرار مردم قبول کرد و با کراهت اجازه داد امام به منبر برود. حضرت علی بن الحسین علیه‌السلام طی بیاناتی شیوا و جالب از فضایل اهل‌بیت سخن گفت و از حماسه کربلا و جنایت شقاوت پیشه گان اموی در کربلا گزارشی ارائه داد و با سخنان حماسی و روشن‌گر خویش مسجد را یکپارچه تبدیل به فریاد، گریه و شور و هیجان نمود و ماهیت فساد و تباهکاری نظام استبدادی و اختناق اموی را رسوا ساخت و پایه‌های لرزان آن را رو به ویرانی نهاد یزید که از این افشاگری سخت هراسناک گردید. به فکر چاره‌ای افتاد و مؤذن را فرمان داد اذان بگوید تا از این راه جلو سخنان امام را بگیرد ولی حضرت سجاد از این سرود زیبای توحید هم بهترین استفاده را نمود و عباراتی از آن را برای هدایت مردم به سوی حقایق ناب و حاکمیت عدالت اسلامی بکار گرفت.[1]

---

۱. مقتل الحسین، خوارزمی: ج ۲، ص ۷۲ و ۷۳؛ الارشاد، شیخ مفید: ص ۲۴۶؛ مثیر الاحزان، ابن نماحلی ساحلی: ص ۱۰۴.

قیام‌های علویان

از حوادث مهم سیاسی در ایام امامت امام صادق علیه السلام قیام زید بن علی در کوفه است، حرکتی که وی آغاز کرد نشان از نفوذ علویان در میان مردمان عراق دارد، او با بهره‌مندی از چشمه پرفیض پدر یعنی امام سجاد علیه السلام ضمن آن‌که به فضایل و معارفی آراسته بود خود را برای خیزشی علیه هشام بن عبدالملک، خلیفه وقت اموی، مهیا نمود، وقتی وی به کوفه آمد شیعیان و علاقه‌مندان به خاندان عترت در مسجد جامع کوفه گروه گروه نزدش می‌آمدند و با وی بیعت می‌کردند، چون زمان قیام نزدیک گردید، زید به یاران و هواداران وعده داد در چهارشنبه اول صفر ۱۲۲ هجری خروج خواهد نمود ولی وقتی خبر مزبور به گوش والی وقت کوفه یوسف بن عمر، رسید، بیعت کنندگان با زید را در مسجد تحت فشار سختی قرار داد و صرفاً از میان ۱۵۰۰ نفر حامی زید، ۳۰۰ نفر موفق شدند به وی بپیوندند. در این میان نضر بن خزیمه که از یاران نزدیک زید بود، به او گفت مردم را در مسجد حبس کرده‌اند، ما را به سوی ایشان ببر، زید چنین کرد، اصحابش وقتی به مسجد رسیدند پرچم‌های خود را از بالای درب‌ها داخل مسجد می‌نمودند و می‌گفتند: ای اهل مسجد بیرون آیید و به ما ملحق شوید اما از آن سوی سپاه اموی بر این حامیان سنگ پرتاب می‌کردند و نبردی سخت بین دو طرف درگرفت و باران تیر به سوی مبارزان بارید و اگرچه آنان فداکاری و مقاومت کردند ولی قیام با شهادت زید به پایان رسید برخی از مورخان گفته‌اند، عده‌ای از کوفیان دعوت زید را نادیده گرفتند و ماندن در حبس و گرفتار شدن در محاصره دشمن را بر پیوستن به فرزند امام چهارم ترجیح دادند.[۱]

در عصر امام کاظم علیه السلام یکی از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام به نام حسین بن علی بن حسین که شخصیتی ممتاز و مسلمانی راستین بود در هشتم ذی حجه سال ۱۶۹ ه.ق در زمان خلافت هادی عباسی بر ضد حکومت ستمگر وقت قیامی را در سرزمین فخ، حوالی شهر مکه، سامان داد. این خروش مقدس از مسجد النبی آغاز شد و روزهای اول انقلاب، مسجد مرکز جنب و جوش و هیجان‌های مردم بود و در این مکان، ستاد فرمان دهی نهضت تشکیل گردید،

---

۱ . تفصیل این قیام را در کتاب سیره و قیام زید بن علی به قلم حسین کریمان و کتاب رهبر انقلاب کوفه، نوشته عبدالرزاق مقدم، ترجمه عزیزالله عطاردی مطالعه نمایید.

رهبری قیام همراه با جمعی از شیعیان و علویان وارد مسجد النبی گردید و در حالی که لباس و عمامه سپیدی پوشیده و شمشیری برهنه در دست داشت بر فراز منبر رفت و انگیزه نهضت و علت آن را به طور اختصار بیان داشت در آن سال جمعی قابل توجه برای زیارت بارگاه نبی‌اکرم به مدینه آمده بودند و در روز انقلاب و طی مراسم بیعت، در مسجد حضور داشتند به طوری که مسجد از افراد پر شده بود پس از انجام این مراسم، نیروهای مبارز در این مکان گرد آمدند، و مسلح و آماده دفاع و منتظر واکنش دشمن گردیدند و سرانجام پاسبان‌های مدینه که خالد بربری فرماندهی آنان را عهده دار بود به استمداد ۲۰۰ نفر به سوی مقر فرماندهی انقلاب یعنی مسجد یورش بردند و بدین گونه درگیری آغاز شد اما طرفداران حسین گروه‌های مهاجم را عقب زده و از مسجد بیرون راندند و موفق گردیدند فرمانداری مدینه را تصرف کنند و در روز سوم قیام شهر کاملاً در تصرف قوای قیام فخ بود، سپاه فاتح از مدینه به سوی وادی فخ رسیدند و در آن جا نیرویی اندک با انبوه نیروهای دشمن با وضعی نابرابر درگیر شدند که منجر به شهادت رهبری قیام و تعدادی از یارانش گردید. رهبر قیام اگر چه در این حرکت مقدس شکست خورد اما در ابتدای پیروزی افتخار می‌کرد که به عنوان ذریه‌ای از رسول خدا، در مسجدالنبی بر روی منبر پیامبر با مردم سخن می‌گوید و از این مکان به مبارزه با ظلم و جفا برخاسته است.[۱]

قیام سربداران

تهاجم متوالی مغولان به قلمرو جهان اسلام، تعادل سیاسی و امنیتی را بر هم زد، با این وجود بر اثر فروپاشی دستگاه عباسیان توسط این قوم، برخی فرق شیعه بال و پر گرفتند و رشد کردند، در این میان با تلاش‌های بی‌وقفه خواجه نصیر طوسی و ابن‌مطهر حلبی مذهب شیعه اثنی‌عشری به حیات فکری و ارزشی خود ادامه داد و موفق گردید راه را برای پیروزی‌های آینده هموار سازد.

شیخ خلیفه روحانی شیعه و انسانی پرهیزگار که از اهالی مازندران بود به سرزمین خراسان

---

۱. مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی: ص ۲۹۸؛ بحارالانوار: ج ۴۸، ص ۱۶۵؛ تاریخ طبری: ج ۸، ص ۱۹۴.

مهاجرت نمود و در مسجد جامع سبزوار به وعظ و خطابه و ارشاد مردم پرداخت و سخنان این دانشور عارف عدهٔ کثیری را به سوی او جذب کرد و بسیاری از مردم پیروش شدند و بدین ترتیب آوازه شهرتش در اطراف و اکناف پیچید و صاحبان قدرت را به هراس افکند و عده‌ای که از راه سالوس و ریا بر مردم سلطه داشتند با افشاگری‌های او منافع خود را در خطر دیدند، از این‌رو حاکمان وقت در دو بعد سیاسی و عقیدتی بر علیه وی به مبارزه برخاستند ولی شیخ خلیفه به عنوان دانشوری عارف، با توجه به فضای سیاسی جدیدی که برای علمای شیعه پدید آمده بود به کار خود ادامه داد. برخی علمای وابسته به دربار فتوایی صادر کردند، با این مضمون که شخصی در مسجد ساکن است و از دنیا حدیث می‌گوید و چنین کسی واجب‌القتل است، سپس صورت فتوا را برای سلطان ابوسعید فرستادند تا متن آن را تأیید کند، ولی وی امتناع کرد و گفت: من دست به خون این فرد نمی‌آلایم لکن معاندان بعد از نقشه‌های زیادی که به اجرا درآوردند به هدف خویش رسیده و این عالم شیعی را شهید نمودند و شیخ حسن جوری، شاگردش راه او را ادامه داد و از پایگاه مسجد برای مبارزه با ستیز و ستم، قیام سربداران را رهبری نمود و پیروانش غالباً کسبه عادی بودند.

حرکت سیاسی این روحانی شیعی در آغاز از موضع مسجد حالت مخفیانه داشت و بعدها وقتی مبارزه آغاز گردید صورت علنی بخود گرفت، تاریخ آغاز قیام سال ۷۳۶ هـ ق می‌باشد آنان در اندک مدتی قوای کمکی علاءالدین محمد وزیر را درهم شکستند و پیروزی از آن سربداران شد و پس از حملات و جنگ و گریزهای متوالی، شهر سبزوار را تسخیر کردند و آن‌جا را پایگاه عملیاتی خود کردند. امیر عبدالرزاق از افراد شجاع سربدار پس از این فتح در سال ۷۳۷ هـ ق در مسجد سبزوار خطبه به نام خود خواند و اعلام استقلال کرد، در این حال شیخ حسن با اقداماتی که دشمنانش علیه او انجام دادند، توسط ارغوان شاه، دستگیر شد و در قلعه بلرز محبوس گشت زمانی که امیر وحیدالدین مسعود بعد از قتل برادر (عبدالرزاق)، روی کار آمد تصمیم گرفت شیخ حسن را از حبس برهاند، استخلاص این روحانی عملی گردید و او از زندان به سبزوار آمد و رهبری مذهبی حرکت سبزوار را هم چون گذشته عهده‌دار گشت. امیر مسعود با کمک شیخ حسن و پیروانش لشکر ارغون شاه را پراکنده ساخت و سیطره

سربداران را تا نقاط دور دست کشانید.[۱]

آن چه که قیام سربداران را ممتاز و برجسته می‌نماید این است که درون مایه‌اش مذهبی و شیعی بود و مرکز شکل‌گیری فکری و سیاسی آن مسجد می‌باشد.

در جنبش سربداران سمرقند نیز مذهب نقش اصلی را ایفا می‌کند، رهبر آن مولانازاده سمرقندی، رهبری مقاومت مردم این سامان را در برابر مهاجمین مغول به عهده گرفت، قبل از شروع قیام مردم از اقشار گوناگون در مسجد جامع شهر گرد آمدند تا دراین خصوص به مشورت بپردازند. مولانازاده تیرانداز و دلیر در حالی که شمشیر حمایل کرده آرام‌آرام بر بالای منبر مسجد آمد و پس از سلام بر حاضران آواز برآورد که امروزه کفار به تخریب قلمرو مسلمانان و کشتار آنان پرداخته، در این مورد نباید کوتاهی کنید، روز قیامت از شما می‌پرسند که چرا با وجود توانایی خاموش ماندید، جهاد و رفع اذیت از خود کردن و غم صلاح مسلمین خوردن هم چون ادای نمازهای پنج‌گانه و روزه ماه رمضان فرض است. در این زمان از میان شماها که در این خانه خدا حاضر شده‌اید کدامیک به این امر عظیم قیام می‌نمائید هرچه در دل دارید بگویید و رضا مدهید که کار دین عقب بماند گرایش مردمی که در مسجد جامع شهر گرد آمده‌اند نسبت به مواعظ و هشداری‌های مولانا متفاوت است خواص مرفه از این که خود را برای هدفی والا به خطر بیاندازند شانه خالی می‌کنند ولی عموم مردم که رنج دیده و بلا خورده‌اند برای حفظ دین و صیانت از قلمرو مسلمانان آماده جان فشانی هستند. ناگهان مولانا تیغ از نیام کشید و بر گردن خود نهاد و روی به مردم کرد و گفت: من آماده فداکاری هستم و این وظیفه بزرگ را پذیرا گردیدم، شما چه می‌گوئید؟ این چنین بود که رهبری قیام را در برابر مغولان پذیرا گشت و قدرتش در این حرکت به حدی بود که اهالی به اشاره‌اش آمادهٔ هرگونه ایثاری بودند، آنان پس از مقدمات و تدارکات لازم بر شهر مسلط شدند و چون دشمن مغرور وارد سمرقند حدود شش سال و هفت ماه از پاییز سال ۷۶۶ هـ ق تا بهار سال ۷۶۷ هـ ق به‌طور مستقل براین ناحیه حکومت کردند اما پس از این مدت با حیله و نیرنگ تاتاران مغول قتل عام شدند

---

۱. قیام سربداران، یعقوب آژند: ص ۴۰ ـ ۲۴.

و مولانا سمرقندی به دلیل نفوذ عمیق مذهبی از مرگ رهایی یافت.[۱]

در این قیام، انگیزهٔ اصلی هم چنان مذهب است و این عامل از لابلای سخنان مولانا در مسجد جامع کاملاً مشهود است، کانون شکل‌گیری نیز مقدس‌ترین مکان سمرقند یعنی مسجد جامع است.

خشم مقدس

میرزا مسیح مجتهد استرآبادی متوفی به سال ۱۲۶۳ هـ ق از فقهای قرن سیزدهم و شاگرد میرزای قمی می‌باشد که در تهران به بحث و درس و تربیت شاگردان مشغول بود. هنگامی که وی در مسجد جامع تهران پرتو افشانی می‌کرد، بر اثر بی‌کفایتی شاهان قاجار و زورگویی‌های روس معاهده‌های ننگینی تحت عناوین ترکمان چای و گلستان به ایران تحمیل گردید. گریبایدوف روسی که فردی متکبر و جاه طلب بود در پنج رجب ۱۲۴۴ هـ ق برای اجرای یکی از بندهای قرارداد ایران و روس از جمله استرداد اسرا و دریافت غرامت به ایران آمد و خواست از راه تفرعن و تحقیر و توهین مردم کار خود را سریع انجام دهد و او به بهانهٔ جستجوی گرجیان و روس‌های پناهنده به حریم خانه‌های مسلمانان تجاوز کرد و در پی تعقیب زنان گرجی برآمد در حالی که بسیاری از آنان از زمان آغا محمدخان قاجار مسلمان شیعه شده و به عقد ازدواج مردمان مسلمان ایران درآمده و صاحب فرزند بودند. گریبایدوف این بانوان را با تهدید و ارعاب و ضرب و جرح به سفارت روس انتقال داد و در این مکان نیز با آنان بنای بدرفتاری نهاد. زنان با تقاضای وی و همراهانش مخالف بودند به وسیله ذکر و خواندن قرآن به صورت دسته جمعی تنفر خویش را از سفیر و دیگر کارگزاران روس اعلام کرده و فریاد استغاثه خود را به گوش علمای تهران رسانیدند، ضمن آن که مجتهدان شهر وظیفه خود دیدند تا از حریم ارزش‌ها و شرافت دینی حمایت کنند. مردم نیز به آنان مراجعه و تقاضای اقدام فوری و مؤثر نمودند.

---

۱. منتخب التواریخ، معین الدین نطنزی: ص ۲۲۲ به بعد، مطلع السعدین، عبدالرزاق سمرقندی به اهتمام عبدالحسین نوایی: ص ۳۳۱ و ۳۳.

طبیعی بود که مردم به سراغ مجتهد برگزیده‌ای می‌روند که در سنگر مسجد جامع به تنویر افکار عمومی می‌پردازد و او کسی جز میرزا مسیح مجتهد نبود، سرانجام روز حادثه فرا رسید و مردم مسلمان تهران با هدایت علما و فتوای میرزا مسیح در روز ششم شعبان ۱۲۴۴ هـ ق در مسجد جامع تهران اجتماع کردند و از این کانون توحید و تقوا به سوی لانه فسادی که گریبایدوف ایجاد کرده بود روانه شدند تا حکم اسلام را مبنی بر آزاد نمودن زنان مسلمان از دست متجاوزان روس، به اجرا در آوردند، جمعیت وقتی به درب سفارت رسیدند ضمن کنترل خشم و هیجان خویش خواسته‌های بر حق و منطقی خود را مطرح کردند ولی گریبایدوف به جای بردباری در مقابل مسلمانان دستور تیراندازی داد و نوجوان ۱۴ ساله‌ای را که جلو جمعیت بود، به شهادت رسانید، مردم پیکر وی را به مسجدی در آن حوالی آورده و بر سر جنازه‌اش به سوگواری پرداختند و برای گرفتن انتقام با هجوم دسته جمعی وارد سفارت گردیدند و با افراد آن درگیر شدند و بر اثر آن ۳۸ نفر از ساکنان سفارت از جمله گریبایدوف و ۸۰ نفر از مردم کشته شدند. دولت روسیه از راه تهدید، از دولت ایران خواست تا رهبر قیام را تبعید کند اما وقتی خبر مزبور به آگاهی مردم رسید، آنان با تظاهرات وسیعی اعتراض خود را با این برنامه اعلام کردند پس از سرکوبی اهالی تهران در هشتم صفر ۱۲۴۵ هـ ق میرزا مسیح را به مسجد شاه (امام خمینی کنونی) آوردند و وی را مجبور کردند تهران را به مقصد عتبات عالیات به‌عنوان تبعید ترک کند.[۱]

قیام گوهر شاد

هم‌زمان با اجباری شدن کلاه بین‌المللی (شاپو) زمزمه‌های حجاب‌زدایی از سوی رژیم رضاخان بلند می‌شود و نطق‌هایی جهت آماده‌سازی اذهان عمومی ایراد گردید. اما برخلاف پیش‌بینی تئوریسین‌های وابسته به استعمار و پس از جنگ‌های روانی شدید که علیه روحانیت ترتیب دادند، علمای مشهد با شنیدن این زمزمه‌ها و گفتار دولتی‌ها، به‌طور مخفی جلساتی برگزار می‌کنند، در یکی از این نشست‌ها پیشنهاد می‌شود که آیت‌الله حاج آقا حسین قمی به تهران برود

۱. تفصیل این قیام را در کتاب میرزا مسیح مجتهد و فتوای شرف، به قلم نگارنده مطالعه فرمایید.

و مستقیماً با رضا شاه مذاکره کند اما حاج آقا حسین قمی در باغ سراج الملک شهر ری بازداشت و ممنوع الملاقات می‌گردد.

از آن سوی مسجد گوهر شاد مشهد چند روزی است که محل اجتماع و سخنرانی علیه کشف حجاب است و با بازداشت این روحانی برجسته اجتماعات مزبور هر لحظه وسیع‌تر و اعتراضات گسترده می‌شود و سخنرانان در مسجد گوهر شاد با کلامی آتشین‌تر به افشاگری می‌پردازند. گردهمایی فزاینده مردم در مسجد مزبور همراه با سخنرانی‌های روحانیون بیدار، می‌رود تا پایه‌های نظام سلطه استعماری را درهم بریزد اما صبح روز جمعه ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۵۴ هـ ق (۲۰ تیر ۱۳۱۴ هـ ش) قزاقان مستقر در مشهد برای متفرق ساختن مردم وارد عمل می‌شوند و بر روی آنان آتش می‌گشایند و یک صد نفر را کشته و زخمی می‌کنند ولی اهالی مشهد و حومه متفرق نمی‌گردند و مقاومت می‌نمایند مهاجمین مسلح که دستوری برای او خیانت از مرکز یا فرمانده خود دریافت نکرده بودند از برابر مردم عقب‌نشینی می‌کنند.

پس از این یورش مردم اطراف مشهد با ابزارهای کشاورزی و بنایی به سوی مسجد سرازیر می‌گردند و مسجد لبریز از جمعیت معترض می‌شود، غذای مورد نیاز افراد متحصن در مسجد از بیرون توسط حامیان قیام تأمین می‌گردد. زنان خواستار شرکت در خیزش گوهرشاد هستند و مسجد با زدن چادری برای بانوان شجاع و دلیر مهیا می‌شود.

روز شنبه ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۵۴ هـ ق برابر با ۲ تیر ۱۳۱۴ مسجد دیگر جای سوزن انداختن نبود، شعارهایی ضد سلطنت و کلاه بین‌المللی و ضد حجاب‌زدایی داده می‌شود، مردم یک پارچه در مسجد سرود مقاومت سر می‌دهند، عوامل رژیم نگرانی خود را به مرکز خبر می‌دهند اما رضاخان دستور می‌دهد اجتماع‌کنندگان در مسجد را به شدت سرکوب نمایند سران قشون و شهربانی قوای خود را هماهنگ می‌کنند، قزاقان در اطراف مسجد مستقر می‌گردند اسدی نایب‌التولیه که از کشتاری خونین در آینده‌ای نزدیک اطلاع دارد نیز می‌داند عده‌ای مجتهد برجسته در مسجد هستند به بهانه مذاکره آنان از مسجد خارج می‌نماید. پاسی از نیمه‌های شب ۱۲ ربیع‌الثانی گذشته بود که صدای غرش مسلسل‌های قزاقان، خراسان را به لرزه افکند و صدای شیپور جنگ از همه طرف بلند شد، گروهی از دژخیمان اسلحه بدست،

به داخل مسجد رفتند و عده زیادی راکشتند و به هیچ کس رحم نمی‌کردند، وقتی سپیده سرزد و نه صدای گلوله‌ای بود و نه ذکر فریاد معترضان از مسجد شنیده می‌شد و قزاقان باکشتن بیش از دو هزار نفر تا پنج هزار نفر و اسیرکردن ۱۵۰۰ تن و بازداشت نمودن عده‌ای از روحانیون موفق شدند قلب مقاومت مسجدگوهرشاد را درهم شکنند و دل استعمارگران را شادکنند و ارباب خود یعنی رضاخان را راضی نمایند و اما آنان نتوانستند آوازهای استقامت و دفاع از ارزش‌های الهی را به بندکشند و کوس رسوایشان به صدا درآمد.[۱]

فریاد اعتراض

به دنبال دستور امام خمینی از اول محرم سال ۱۳۸۳ هـ‌ق مجامع و محافل کثیری در سراسر کشور برای روشنگری و افشای رژیم وابسته به استکبار پهلوی برگزار شد و در دسته‌های سینه‌زنی و زنجیر زنی شعارهای انقلابی مطرح گردید از جالب‌ترین این برنامه‌ها تظاهرات روز عاشورای تهران بود که از مسجد حاج ابوالفتح واقع در میدان شاه سابق آغاز گشت. در این حرکت، جمعیت به‌گروه‌های متعدد تقسیم شد و نظم و سازمان دهی هرگروهی شعار مخصوص خود را داشت، جالب این‌که اقشار دانشجویی، روحانی، بازاری، کارگر و دهقان، در این خشم مقدس حضور داشتند. تصویر امام خمینی و جملاتی از حضرت امام حسین علیه‌السلام زینت بخش صفوف عزاداران بود، تظاهرکنندگان صبح روز عاشورا شروع به حرکت کردند و ساعت سه بعد از ظهر پس از عبور از مسیر ری، بهارستان، مخبرالدوله، دانشگاه و بازار در مسجد شاه (مسجد امام خمینی) به متینگ خود خاتمه دادند این تظاهرات که از مسجد آغاز و به مسجد ختم گردید تبلور عینی اقشار مختلف جامعه خصوصاً بازاریان و دانشجویان بود که در حمایت از روحانیت و مخالفت با رژیم پهلوی پای به میدان نهاده بودند.[۲]

مساجد سید عزیزالله، شیخ علی، امین‌الدوله و آذربایجانی‌ها نیز به عنوان محل

---

۱. قیام گوهر شاد، سینا واحد: ص ۵۰ ـ ۴۷؛ علما و رژیم رضاخان، حمید بصیرت منش، ص ۴۷۰ ـ ۴۶۷.

۲. نقش روحانیت مبارز در جنبش تاریخی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، بینا: ص ۵۲ و ۵۳؛ طلوع فجر، عبدالمجید معادیخواه: ص ۷۷؛ فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸: ص ۱۸۸ و ۱۸۹؛ نهضت روحانیون ایران، علی دوانی: ج ۳ و ۴، ص ۷۳ و ۷۴؛ ماهنامه مسجد، شماره ۱۰۰: ص ۷۸.

شکل‌گیری هسته‌های مبارزاتی اهمیتی ویژه داشتند و مرکز ارتباط روحانیون و بازاریان بودند، نقطه عطف این مبارزات، با روی کار آمدن اسدالله علم و اجرای طرح انجمن‌های ایالتی و ولایتی آغاز شد و به مبارزه علنی علما و بازاریان و سایر طبقات با رژیم پهلوی مبدل گشت به دنبال سخنرانی امام خمینی در خرداد ۱۳۴۲ ، در مسجد سید عزیزالله مراسم دعا و نیایش برگزار شد و در پی آن علمای وقت، آیات محترم خوانساری، بهبهانی و تنکابنی در این مسجد متحصن شدند، در پی این اقدام مساجد دیگر نیز وارد عمل شدند و مبارزات مردمی در کشور افزایش یافت و سخنرانی‌هایی در مساجد فوق به تأسی از امام خمینی توسط آیت‌الله خوانساری و حجج اسلام فلسفی و تنکابنی برگزار شد به نحوی که عمال رژیم پهلوی در خرداد ۱۳۴۲ مسجد عزیزالله را که در چهارسوق بازار تهران قرار داشت تعطیل کردند، با این وجود شدت مبارزات مردمی به حدی بود که اسدالله علم ناچار به لغو تصویب نامه مورد اشاره گردید. مسجد سید عزیزالله هم‌چنان جایگاه خود را در مبارزات ضد پهلوی حفظ نمود و در سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۰ هـ ش محل موعظه استاد فلسفی و مرکز تجمع مبارزان بود.

در ماه رمضان سال ۱۳۷۱ هـ ق (۱۳۳۱ هـ ش) قرار بود که حجت‌الاسلام فلسفی در مسجد شاه (امام خمینی کنونی) سخنرانی کند اما چون مطلب ایشان به قول عوامل رژیم تحریک‌کننده بود، عده‌ای از افراد شهربانی داخل مسجد شدند اجازه ندادند وی منبر برود و بدین‌گونه مراسم آن ایام این مسجد، به تعطیلی کشانیده شد، از آن سوی فرمانداری نظامی تهران در اطلاعیه‌ای که صادر کرد به وعاظ هشدار داد به هیچ وجه در منابر حق صحبت کردن در اطراف مسایل سیاسی را ندارند، امام خمینی که در زمان تعطیل گردیدن مراسم مسجد شاه در همدان بسر می‌برد از این برنامه اظهار نگرانی نمود، علمای قم و تهران و ائمهٔ جماعات برخی شهرستان‌ها هم در بیانیه‌های جداگانه‌ای تأثر خویش را از این بابت اعلام کردند.[۱]

این مسجد در حوادث ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نیز کانون مهمی به شمار می‌رفت به دنبال اعلام مراجع و اعلام امام خمینی به برگزاری مراسم و مجالس عزاداری بصورتی پر رنگ‌تر در عاشورای سال ۱۳۸۲ هـ ق مردم به صورت دسته‌های عزادار در خیابان‌های تهران ظاهر شدند

---

۱ . خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی: ص ۱۵۱ ـ ۱۴۹ .

و با سر دادن شعار خمینی خدا نگه دار تو، ملت طرفدار تو، حمایت خویش را از امام و مخالفت خود را با رژیم شاه اعلام کردند، آنان به بازار تهران آمدند و از طریق خیابان مولوی به مسجد شاه (امام) رفتند. در این تظاهرات یکی از دانشجویان ضمن سخنرانی، پشتیبانی دانشجویان را از نهضت امام خمینی اعلام کرد ساعت ۱۶ همان روز مردم پس از تظاهرات به مسجد بازگشتند و پس از استماع سخنرانی آیت‌الله مکارم شیرازی که در تقبیح اعمال رژیم پهلوی صورت گرفت، در حالی که شعار خمینی خمینی خدا نگه دار تو، بمیرد بمیرد دشمن خون خوار تو، سر می‌دادند به سوی میدان سپه راه افتادند و در اثنای حرکت عده‌کثیری به آنان ملحق شدند آنان بعد از تظاهرات در بازار به مسجد حاج ابوالفتح رفتند و در مجلس ماتمی که روحانیون برگزار کرده بودند حضور یافتند، در آن جلسه مقرر گردید تظاهرات روز بعد از مسجد شاه (امام) ادامه بدهد.[۱]

مسجد شیخ عبدالحسین واقع در بازار تهران است که به مسجد ترک‌ها یا آذربایجانی‌ها موسوم است این مکان توسط وصی میرزا تقی‌خان امیر کبیر از ثلث اموال آن مرحوم یعنی شیخ عبدالحسین تهرانی مشهور به شیخ العراقین ساخته شد، این مسجد نیز مرکز فعالیت نیروهای مذهبی، تبلیغی و سیاسی بود، مرحوم فلسفی در شب عاشورای سال ۱۳۸۳ هـ ق (۱۳۴۲ هـ ش) در این مکان بحث‌هایی را آغاز کرد که گزارش‌هایی از منبرهای ایشان در اسناد ساواک و شهربانی آمده است، جالب آن‌که اسدالله علم نخست وزیر وقت و نصیری (رئیس ساواک)، برخی امرای ارتش و عده‌ای ساواکی مستمع سخنان وی بودند، جمعیت به قدری زیاد بود که فلسفی از طریق پشت بام به مسجد رفت وی در این منبر، مسجد راکانون جنبش معرفی کرد واز استیضاح دولت علم توسط روحانیت قدرت علما، جنایت رژیم در مدرسه فیضیه و ایجاد محیط رعب و وحشت در قم سخن گفت به همین دلیل حجت‌الاسلام فلسفی را دستگیر و به زندان شهربانی انتقال دادند.[۲]

مسجد جامع بازار به دلیل موقعیت سیاسی بازار دارای نقش و اهمیت خاصی در قیام

---

۱. تحولات سیاسی ـ اجتماعی در دوران پهلوی، علیرضا امینی: ص ۲۷۶؛ قیام پانزده خرداد به‌روایت اسناد، جواد منصوری: ص ۶۳۵؛ از قبا تا فیضیه، جنبش مسلمانان تبریز: ص ۵۰.

۲. خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی: ص ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۵۹ و ۲۷۴.

۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و انقلاب اسلامی بوده است و از همان آغاز پایگاه مبارزان بود، اسناد شهربانی و ساواک این موضوع را مورد تأیید قرار می‌دهد در اسناد ۱۱ خرداد ۱۳۴۲ شهربانی آمده است: پیروگزارش قبل از مسجد جامع مراقبت به عمل آمد، هفت نفر روضه خواندند، آقای کامل خراسانی بر منبر رفته و تمام صحبت‌های او اشاره به دولت و مردم را بر علیه حکومت تحریک می‌نمود و گفت چرا خارجیان را به خاک ایران راه داده‌اند، آقای انصاری قمی بر منبر قرارگرفت و به مردم گفت چرا قیام نمی‌کنید و چرا از بیگانگان پیروی می‌نمائید.[۱]

مسجد و انقلاب اسلامی

امام خمینی صرف‌نظر از آن‌که در جلسات درسی، عبادات و نماز جماعت را در مساجد برگزار می‌نمود، مسجد را بهترین مکان برای شروع نهضت می‌دانست. او در مسجد اعظم قم دوم ذی‌حجه ۱۳۸۳ هـ ق (۱۳۴۲ هـ ش) اندکی پس از آزادی، در جمع هزاران نفر از علما و فضلای قم و سایر اقشار به تفصیل آن چه را پس از بازداشت ایشان رخ داده بود و شاه و دستگاه تبلیغاتی وی در ایران و خارج شایع ساخته بودند، به باد انتقادگرفت آن‌گاه در اثر انعکاس این فریادها و بیدار باش‌های روشنگر و حرکت‌آفرین امام، در سراسر کشور خطبا و گویندگان متعهد در اجتماعات گوناگونی که در مساجد تشکیل می‌گردید به پیروی از امام امت به افشاگری و مخالفت با نظام ستم‌شاهی پرداخته و تحول عظیمی در افکار و اندیشه‌های مردم به وجود آوردند که باعث ترس رژیم پهلوی و اربابانش گردید.

این فریادها که از عمق جان‌ها در پایگاه مقدس مسجد برخاسته بذر امید و حرکتی بود که بر دل‌ها پاشیده و با تداوم آن به رشد و نمو و شکوفایی رسید، امام در نجف اشرف و علما و خطبا و طلاب در شهرهای گوناگون و روستاهای کشور با سخنرانی‌های کوبنده بر این حرکت مقدس تداوم بخشیدند، نوارهای سخنرانی‌های امام و پیام‌های معظم‌له به گونه دقیق و برنامه‌ریزی شده در مسجد به مردم می‌رسید به همین دلیل رژیم در مقام مخالفت و به تعطیلی کشانیدن این اماکن مقدس برآمد اما موج حرکت چنان قوی بود که نمی‌توانست آن را از ریشه

---

۱. فصل نامه یاد، شماره ۴۵ و ۴۶ : ص ۱۷۵ ، ۱۷۲ .

برکند و لذا گاهی گویندگان متعهد را که بر فراز منابر مساجد حقایقی را مطرح می‌کردند راهی زندان، تبعید و یا ممنوع‌المنبر می‌گردانید و در مواقعی هم مزدوران رژیم ستم شاهی به مساجد می‌ریختند و مردم را مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند و زمانی هم درب‌ها را می‌بستند تا کسی به این اماکن نیاید.

مسجد هدایت واقع در خیابان استامبول تهران پایگاه مهم فرهنگی و سیاسی آیت‌الله سید محمود طالقانی بود و او در مدت سی سال در این مکان مبارک نسلی دین دار، دردمند و مبارز تربیت کرد، افراد[۱] حاضران در این مسجد اغلب جوانان و دانشجویان بودند و به‌قول شهید مطهری دالان دانشگاه بود. براساس گزارش‌های ساواک طالقانی در مسجد مزبور به موعظه و تفسیر می‌پردازد و در جلسات وی حدود ۴۰۰ نفر شرکت می‌کنند، او در بیانات خود پیوسته به اوضاع روز پرداخته و به مقامات عالی رژیم پهلوی حمله می‌نماید و اولیای امور را به ایجاد محیط رعب و وحشت و نقض قانون اساسی و آزادی بیان، اختلاس و ارتشاء متهم ساخته و حضار را به قیام علیه وضع کنونی تحریک می‌کند چون با وجود تذاکرات مکرری که به نامبرده در مورد خودداری از ادامه این روش داده شد، مشارالیه به حملات خود ادامه می‌دهد لذا عمل وی طبق ماده ۷۹ قانون مجازات عمومی جرم محسوب و در صورت تصویب مراتب به دادستانی ارتش منعکس تا نامبرده تحت تعقیب قرار گیرد.[۲]

در گزارش ساواک این مسجد به عنوان کانون جوانان معرفی شده چرا که محل فعالیت‌های انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران در این مسجد بود و انجمن اسلامی دانشجویان تهران در سال ۱۳۴۲ سخنرانی‌های افشاگرانه خود را علیه انقلاب سفید در مسجد هدایت برگزار کرد از این رو شهید باهنر آن را اولین مرکز هدایت جوانان و روشنفکران و شهید چمران آن را کشتی نجات نامید و بیانات طالقانی در این مسجد کام حاکمان رژیم پهلوی را تلخ کرد و همواره وی را ممنوع‌المنبر می‌نمودند یا روانه زندان و تبعید می‌کردند.[۳]

---

۱. راهی که نرفته‌ایم (مجموعه مقالات برگزیده از ۲۰ سال نشریه پیام هاجر درباره آیه الله طالقانی) به کوشش مهدی روغنی (تهران، مجتمع فرهنگی آیت‌الله طالقانی)، ب ۱۳۷۹: ص ۱۴۰ ـ ۱۳۹.

۲. آیت‌الله سید محمود طالقانی (بازرگان توانای اسلام) به روایت ستاد ساواک، وزارت اطلاعات: ص ۳۰۹.

۳. پیک آفتاب، محمد اسفندیاری: ص ۷۵ و ۸۱.

شهید آیت‌الله مفتح به موازات فعالیت‌های علمی و آموزشی بنا به دعوت اهالی مسجدالجواد که یکی از معدود پایگاه‌های عرضه اسلام راستین در آن زمان بود، در این مکان به ایراد سخنرانی و جلسات تفسیری پرداخت و به روشنگری نسل جوان مبادرت نمود، یادآور می‌شود در سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۱ شمسی برنامه‌های تبلیغی این مسجد زیرنظر شهید مطهری بود.

مفتح در سال ۱۳۵۲ شمسی برای ایجاد تشکل بین نیروهای مؤمن و مبارز و گشودن سنگری برای ارائه اسلام راستین، امامت مسجد جاوید را پذیرفت و در این پایگاه یک هسته مقاومت تشکیل داد و در اکثر اوقات از سخنرانان مبارز دعوت به عمل می‌آورد تا جوانان و خصوص دانشجویان را متوجه حقایقی ناب نماید.

به دلیل تبدیل شدن مسجد جاوید به سنگری استوار برای ستیز با طاغوت و استقبال اقشار تحصیل کرده از برنامه‌هایش و سخنرانی شخصیت‌هایی چون آیت‌الله خامنه‌ای و شهید مطهری در آن، برنامه‌های این مسجد بیش از ۱۸ ماه ادامه نیافت و در سوم آذر ۱۳۵۳ پس از سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای ساواک به آن هجوم برد و مسجد جاوید را تعطیل و مفتح را روانه زندان ساخت. در سال ۱۳۵۵ شمسی مفتح امامت مسجدی را در حوالی حسینیه ارشاد پذیرفت که به مسجد قبا معروف گردید تا یادآور مسجدی باشد که در ظلمت‌کده جاهلیت توسط رسول اکرم بنیان نهاده شد مفتح در مسجد مزبور در سطحی وسیع‌تر به تشکیل کلاس‌های عقیدتی و سخنرانی‌های روشنگرانه دست زد، رژیم که چنین شور و شوق و تحولی را می‌دید، وی را در تنگنایی سخت قرار داد اما او تنها و استوار در برابر فشارهای سیاسی ایستاد و این مسجد چنان مورد استقبال جوانان قرارگرفت که جمعیت انبوه هنگام سخنرانی خیابان‌های اطراف آن را پر می‌کرد درگزارش ساواک نیز از جذب جوانان مذهبی در این مسجد سخن به میان آمده و این که مسجد قبا به قطب تازه‌ای برای مبارزین تبدیل شده و جای مسجد هدایت راگرفته است.[۱]

شهید دکتر محمد جواد باهنر طی سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۶ همزمان با استفاده از آموزش

---

۱. شهید مفتح و تکبیر وحدت، از نگارنده: ص ۱۲۱ ـ ۱۱۰.

و پرورش و مدارس، از مساجد و حسینیه‌ها برای ایجاد تحول فرهنگی و سیاسی در جامعه استفاده نمود.

او فعالیت خود را به یک مسجد خاصی محدود نکرد بلکه با مساجدی که پایگاه مبارزان بود، ارتباط داشت و در چندین مسجد سخنرانی می‌نمود. مسجد جلیلی واقع در خیابان ایران‌شهر یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های مبارزه علیه حکومت پهلوی بود. در این مسجد اقشاری از بازاریان تا روحانیان و دانشگاهیان در آن شرکت می‌کردند و به تبادل‌نظر در مسایل سیاسی می‌پرداختند. شخصیت تأثیرگذار این مسجد آیت‌الله محمدرضا مهدوی‌کنی بود. باهنر در مواردی در این مکان به فعالیت و انجام سخنرانی می‌پرداخت وی در سخنرانی‌های خود در مسجد جلیلی به ناهنجاری‌های سیاسی در جامعه اسلامی پرداخت و سلطه خارجی را از موانع رشد و ترقی دانست شهید باهنر به دلیل شرکت در بحث‌هایی که شب‌های شنبه هر هفته در این مسجد تشکیل می‌گردید تحت مراقبت وکنترل ساواک قرارگرفت در مسجد هدایت هم باهنر، از رژیم پهلوی انتقاد شدیدی نمود و حکومت شاهنشاهی را زیر سؤال برد. باهنر به دلیل فعالیت در این مسجد و نیز مسجدالجواد ممنوع المنبر گردید.[۱]

اوج‌گیری نهضت

اول آبان ۱۳۵۶ (ذی‌قعده ۱۳۹۸ هـ‌ق) خبر تأثرانگیز شهادت حاج مصطفی خمینی موج عظیمی در میان مردم ایران پدید آورد و برخلاف اختناق شدید، اقشار مختلف مجالس ختم گوناگونی برای تجلیل از مقام آن عالم بزرگوار و فرزند رهبر انقلاب ترتیب دادند اولین مجلس ختم از سوی علمای تهران در مسجد جامع این شهر برگزار شد، سپس در مساجد دیگر تهران، قم و سایر شهرستان‌ها مجالسی بدین مناسبت منعقد گردید.

مجلس بسیار بزرگ و بی‌سابقه از طرف حوزه علمیه قم در مسجد اعظم این شهر منعقد گشت که در این برنامه علاوه بر شرکت گسترده علما، مراجع و فضلا و طلاب، جمعیت زیادی که از شهرستان‌ها آمده بودند، حضور به هم رسانیدند. کثرت حاضران به حدی بود که تمام

---

۱. شهید دکتر محمد جواد باهنر، مواضع و دیدگاه‌ها، مرتضی نعمتی زرگران: ص ۹۲ ـ ۸۹.

شبستان‌ها، حیاط مسجد و صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام و خیابان‌های اطراف مسجد و حرم مطهر مملو از جمعیت بود، سخنرانان نیز در افشای هرچه افزون‌تر چهره استبداد کوشیدند و پایه‌های ستم را با بیان واقعیت‌ها، متزلزل نمودند.

مجالس ختم هم چنان ادامه داشت تا قیام نوزده دی ۱۳۵۶ در قم بوجود آمد، اربعین شهدای این قیام از سوی روحانیت متعهد تبریز برگزار شد. عده‌ای هم اعلامیه‌هایی راکه بر دیوار مسجد نصب شده بود و مطالعه می‌کردند که مأموران ساواک با آنان درگیر شدند وگروهی از مبارزان به شهادت رسیدند، برای بزرگداشت شهدای تبریز، مردم در شهرهای دیگر مجالسی برگزار کردند.[۱]

در ایام ماه رمضان سال ۱۳۹۸ هـ ق مسجد مولا در شیراز، تحت محاصره قوای نظامی بود اما هزاران نفر در این مکان به منظور اقامه نماز جماعت و شنیدن سخنان آیت‌الله محلاتی گرد آمده بودند. در مسجد جامع این شهر رژیم دست به جنایتی دیگر زد و عصر پنج‌شنبه پنجم رمضان (۲۰ مرداد ۱۳۵۷) هنگامی که مردم بی‌دفاع در این مسجد مشغول انجام فریضه مذهبی بودند مورد هجوم افراد مسلح پلیس قرارگرفتند در این یورش طی مدت کوتاهی ده‌ها نفر شهید و عده‌ای زیاد زخمی شدند.[۲]

در اصفهان ضمن شکل‌گیری تظاهرات و راهپیمایی‌های گسترده، همه روزه و شب‌ها اجتماعاتی در مساجد گوناگون برگزار می‌شد. مسجدالرحیم، مسجد جامع و مسجد سید از جمله آنها بود. مسجد حکیم پایگاهی مهم برای نهضت اسلامی در اصفهان به شمار می‌رفت و ضمن سخنرانی‌های انقلابی، اعلامیه‌هایی در این مکان پخش می‌گردید.[۳]

در ۲۴ مهرماه ۱۳۵۷ شمسی در حالی که مردم کرمان در مسجد جامع این شهر گردآمده بودند و چهلم شهدای میدان شهدا و فاجعه ۱۷ شهریور تهران راگرامی می‌داشتند و به سخنان یکی از وعاظ گوش فرا می‌دادند، مأموران ساواک در حالی که عده‌ای را اجیر کرده بودند با چوب و چماق به این مسجد یورش بردند و پس از منفجر کردن چند کپسول گاز اشک‌آور،

---

۱. تحلیلی از انقلاب اسلامی، حاتم قادری: ص ۱۰۰ ـ ۹۷.

۲. نهضت روحانیون ایران، علی دوانی: ج ۸ و ۹، ص ۲۰۸ ـ ۲۰۲.

۳. یادواره نهضت اسلامی یا چهره انقلاب در اصفهان: ج ۳، سید حسن نوربخش، ص ۹۸، ۱۰۴ و ۱۴۶.

از درب ورودی و پشت‌بام مسجد با چوب و سنگ و آجر و اسلحه گرم به مردم حمله کردند و عده‌ای را شهید و ده‌ها نفر را مجروح و مصدوم کردند و قرآن‌ها و کتاب‌های موجود در آن را به آتش کشیدند.[۱]

هرچه انقلاب اسلامی مسیر حرکت و رشد سریع خود را می‌پیمود نقش مساجد در شکوفایی آن محسوس‌تر می‌گردید، در لحظات پیروزی دیگر مساجد کانون تلاش، و مبارزه مردم بود و آنان جز آنجا، مکانی را برای دریافت اخبار نهضت نمی‌شناختند پیام‌های امام توسط گویندگان مذهبی و افراد متعهد از بلندگوهای مسجد منتشر می‌گردید و تمامی راهپیمایی‌های با شکوه و حماسی میلیونی از مساجد سرچشمه می‌گرفتند و چون جویبارهایی در خیابان‌ها و معابر جاری می‌شدند تا آن‌که بساط طاغوت در هم پیچید و انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، بعد از این فتح بزرگ مساجد کانون‌هایی برای حفظ انتظامات شهری، پاسداری از نهضت و مکانی برای تلاش‌های فرهنگی و اجتماعی بودند، کمیته‌های انقلاب اسلامی، بسیج مستضعفین و کمیته امداد امام خمینی در همین مکان‌ها شکل گرفتند و با شروع جنگ تحمیلی مساجد مراکزی مهم برای ساماندهی نیروهای رزمنده و عزیمت آنان به جبهه‌های جنگ به‌شمار می‌رفتند، امکانات مورد نیاز دفاع مقدس در مساجد جمع‌آوری و بسته‌بندی می‌گردید و به رزمندگان اسلام می‌رسید.

---

۱. حماسه‌های اسلامی ملت به رهبری امام خمینی، ولی الله فوزی: ص ۹۴ و ۹۵.

انتفاضه مسجدالاقصی در مقطع کنونی

▣ موسی الرضا حیدری

صهیونیسم به ایدئولوژی ناسیونالیسم یا نژادپرستی یهود اطلاق می‌شود که در اواخر قرن ۱۹ شهرت یافت و به‌طور سنتی تئودور هر تزل به عنوان بنیان‌گذار آن شناخته می‌شود این مفهوم از واژه صهیون گرفته شده که نام تپه‌ای است در بیت‌المقدس. معنی این واژه روشن نیست معانی متعددی برای آن برشمرده‌اند مانند صخره، زمین خشک قلعه آب جاری و غیره. این نام در تاریخ‌نگاری کهن قوم یهود مترادف با نام شهر بیت‌المقدس بکار رفته است.

ترکیب صهیونیسم را اولین بار روزنامه‌نگار یهودی به نام ناتان برنبائوم در آوریل ۱۸۹۰ بکار برد برای ارجاع به موجی که از دهه ۱۸۸۰ میلادی در میان یهودیان ساکن روسیه و شرق اروپا ایجاد شده بود با شعار بازگشت یهودیان به ارض اسرائیل (سرزمین فلسطین) سپس یک روزنامه‌نگار یهودی متولد مجارستان بنام «دولت یهود». کتاب هرتزل با حمایت کانون‌های بسیار ثروتمند و منتقد یهودی ساکن اروپا و ایالات متحده آمریکا به سرعت در همه کشورها معروف شد و خود هرتزل نیز به عنوان بنیان‌گذار جنبش صهیونیستی شهرت فروانی یافت. ۱۸ ماه بعد (۲۹ اوت ۱۸۹۷) اولین کنگره صهیونیستی در شهر بال سوئیس تشکیل شد.

این داستان آشنایی است که کم و بیش در تمامی فرهنگ‌ها و منابع درباره منشا صهیونیسم عنوان می‌شود. اگر بخواهیم منشا صهیونیسم را با داستان فوق بشناسیم قطعاً به بی‌راهه رفته‌ایم. این تاریخچه رسمی حاوی سه پیام منحرف‌کننده بسیار غلط است، به ما می‌گوید

که صهیونیسم اولاً در اواخر قرن ۱۹ یعنی حدود یک قرن پیش ایجاد شد. ثانیاً بیان ایدئولوژیک موج آوارگی یهودیان شرق اروپا، یعنی یک جریان طبیعی و خود انگیخته بود. ثالثاً مانند بسیاری از جریان‌های ایدئولوژیک اواخر قرن ۱۹ و اوائل قرن بیستم یک جریان روشن فکری بود و بنیان‌گذاران آن روزنامه‌نگاران و اصحاب اندیشه و قلم مانند آقای هرتزل بودند.

هیچ یک از این موارد صحیح نیست. هرتزل تنها یک نماد بود برای حرکتی که از مدت‌ها قبل آغاز شده بود. اندیشه دولت یهود او حرف جدیدی نبود و از قرن هفدهم میلادی بوسیله زرسالاران یهودی و وابستگان و شرکای مسیحی آنها برای تأمین منافع‌شان گاه‌به‌گاه مطرح می‌شد. قبل از هرتزل در قرون هفدهم و هجدهم و نوزدهم یهودیان و بعضی از پروتستان‌ها جزوهایی با مضمون تأسیس دولت یهود در فلسطین منتشر کرده بودند. صهیونیسم نیز یک حرکت روشنفکری نبود بلکه یک موج سیاسی هدفمند بود که طراحان و حامیان و سرمایه‌گذاران آن خاندان‌های بسیار ثروتمند یهودی بودند و اهداف آنها با اهداف استعمار بریتانیا گره خورده بود. سال‌ها قبل از تولد هرتزل، در دوران ریاست لرد پالمرستون بر دیپلماسی بریتانیا که مقارن است با دوران سلطنت محمد شاه قاجار و صدرات حاج میرزا آقاسی در ایران، از سال ۱۸۳۹ میلادی حوادث مشکوکی در منطقه سوریه و فلسطین رخ داد و تحرک شدید استعمار بریتانیا برای اشغال سرزمین فلسطین آغاز شد و همین حرکت است که یک صد سال بعد (مه ۱۹۴۸) به تأسیس دولت اسرائیل انجامید. توجه کنیم که در سال ۱۸۴۰ یعنی ۵۵ سال قبل از انتشار کتاب هرتزل برخی روزنامه‌های فرانسوی و آلمانی هدف اقدامات پالمرستون در منطقه خاورمیانه را ایجاد یک جمهوری یهودی در فلسطین عنوان کردند بنابراین نباید آقای هرتزل را جدی گرفت.

بنیان‌گذاران و رهبران واقعی صهیونیسم کانون‌های معینی بودند و این بخشی از حرکت مرموزی بود که از مدت‌ها پیش آغاز شده و با مطالع استعماری بریتانیا در قرن نوزدهم پیوند تنگاتنگ داشت. می‌خواهیم نشان دهیم که هرتزل را نمی‌توان بنیان‌گذار صهیونیسم و حتی صهیونیسم جدید دانست و این نوع نگاه به تاریخ صهیونیسم در واقع تکرار همان الگوسازی تاریخی است که الیگارشی یهودی با اهداف معینی رواج داده است. اگر بخواهیم مبدا واقعی

صهیونیسم را بشناسیم باید به سراغ تاریخ باستان قوم یهود و اساطیر یهودی برویم و در این جستجو است که صهیونیسم را به عنوان ایدئولوژی الیگارشی یهودی خواهیم شناخت.

میان قوم یهود و الیگارشی یهودی نیز باید تفاوت قائل شد، منظورمان از الیگارشی یهودی آن گروه‌هائی است که در طول تاریخ قوم یهود براساس ساختارهایی بسیار متمرکز و منسجم راهبری یهودیان را به دست داشته و دارند و در واقع هویت قومی و سرنوشت تاریخی یهودیان را آنها رغم زده اند. ریشه های شکل گیری این پدیده و سیر تاریخی آن را به‌طور روشن در اسفار پنج گانه و سایر منابع تاریخی کهن یهودیان، که به نام عهد عتیق معروف است، می توان دید. بنابراین صهیونیسم به یک قرن اخیر محدود نیست و آغاز آن نیز نه از کتاب هرتزل بلکه از اساطیر یهودی است این ساطیر نه فقط بر یهودیان بلکه بر مسیحیان نیز تأثیر فروان گذاشت. آرمان‌های صهیونی از دوران جنگ‌های صلیبی به شدت با مسیحیت گره خورد و داعیه دولت جهانی مسیحیت را ایجاد کرد، گفته می شد که ظهور مسیح منجر به ایجاد یک امپراتوری جهانی مسیحی به مرکزیت بیت‌المقدس یا اورشلیم خواهد شد لذا برای تسریع در ظهور مسیح فرقه‌های نظامی صلیبی ایجاد شد مانند »شهسواران معبد سلیمان»، «شهسواران سن‌جان» و «شهسواران توتونی». این فرقه‌ها که خصلت جهان وطنی داشتند یعنی تابع یک دربار اروپایی نبودند، بعدها نقش مهمی در تاریخ اروپا ایفا کردند مثلاً: پس از آنکه مسلمانان شهسواران توتونی را از فلسطین و مدیترانه بیرون ریختند، آنها برای ادامه جنگ صلیبی، و این بار علیه قبائل کافر حاشیه دریای بالتیک، به شمال اروپا لشکر کشیدند. این سرآغاز تاریخ دولت آلمان است. استاد اعظم فرقه فوق پس از قتل قبائل پروسی حکومتی تشکیل داد و از سوی پادشاه لهستان به عنوان گراند دوک سرزمین قبائل پروسی منصوب شد. این هسته بعدها به پادشاهی پروس تبدیل شد و سرانجام در سال ۱۸۷۰ به تاسیس کشور آلمان انجامید. صهیونیسم یا آرمان استقرار سلطنت مسیح در صهیون یک موتور قوی بود که به وسیله آن توده های عوام بسیج و به عنوان لشکر حکمرانان و الیگارشی اروپا بکار گرفته می شدند به این ترتیب صهیونیسم مسیحی نقش بسیار مهمی در پیدایش تمدن جدید قرن و در تاسیس آمریکایی جدید داشت. انتقالی توده های عظیم انسانی از اروپا به سرزمینهای دوردست قاره آمریکا کار آسانی نبود. زمانی پادشاه وقت انگلیس بخشی از سرزمین کنونی کانادا که امروزه اسکاتلند نو نام دارد به یک درباری اسکاتلندی بنام سرویلیام

الکساندر بخشید. این آقا با حمایت دربار بریتانیا تلاش وسیعی را آغاز کرد که اسکاتلندی ها را به این سرزمین بکوچاند به هر اسکاتلندی که ۲۰۰۰ پوند پول دربار و ۱۰۰۰ پوند در سال به ویلیام الکساندر می‌داد ۶۵۰۰ هکتار زمین در اسکاتلند واگذار می‌شد. معهذا کسی از این طرح استقبال نکرد و از سال ۱۶۲۱ تا سال ۱۶۳۱ تنها ۸۵ نفر حاضر به مهاجرت شدند بنابراین باید انگیزه‌های قوی معنوی و دینی ایجاد می‌شد تا این مهاجرت شکل انبوه به خود بگیرد. چنین بود که اولین کلنیها در قاره آمریکا با پرچم آرمان‌های صهیونیستی ایجاد شدند درپشت کمپانی‌هایی که این مهاجرت ها را سازمان می‌دادند و مدعی بودند انگیزه‌شان دینی و هدف‌شان ایجاد کلنی‌های صهیونی است، کانون‌های مالی و سیاسی قرار داشتند که سود واقعی را از ایجاد این موج می‌بردند. این صرافان آمستردام و اندن بودند که سرمایه این مهاجرت‌ها را با انگیزه سودهای کلان تامین می‌کردند... در انتها این امور نشان می‌دهد که هدف، چنگ‌اندازی بر فرصت‌های بکر اقتصادی بود و آرمان گرایی دینی که توسط اسطوره‌ها ساخته شد تنها پوششی بود برای اهداف دیگر البته با این موج اخیر یعنی مهاجرت به سوی آمریکا مسئله فلسطین یا همان استراتژیک خاورمیانه و شمال آفریقا به علت کشف نفت این منطقه جدی شد و از اهمیت فوق‌العاده برخوردار شد و به تبع آن آرمان ارض موعود یا صهیونیزم جدی‌تر.

ماهیت پروتکلها

اگر در کل جهان حتی در ایران بخواهید درباره منشا صهیونیسم بدانید اینطور توسط کتاب‌ها و نشریات به شما القاء می‌شود که: در پی چاپ کتاب دولت یهود اثر تئودور هرتزل[1] صهیونیسم جهانی، اولین گردهمایی و کنگره خود را در سال ۱۸۹۷ میلادی در شهر بال سوئیس تشکیل داد.

این کنگره درصدد تحقق دو هدف عمده و اساسی در جهان برآمد:

۱ـ براندازی کلیه دولت‌های غیر صهیونیستی و تسلط بر مراکز سیاسی، اقتصادی فرهنگی و نظامی کشورهای جهان.

---

۱ . نظریه‌پرداز، پایه‌گذار و رهبر صهیونیسم سیاسی، تحصیل کرده دوره دکترای حقوق در دانشگاه وین اتریش در سال ۱۸۸۴ (هرتزل مدتی به عنوان خبرنگار و نویسنده آزاد و مطبوعات فعالیت داشت) او ضمن برگزاری اولین کنگره جهانی صهیونیسم در شهربال حمایت و کمک‌های مالی تعدادی از بانک‌داران معتبر یهودی را در جهت تحکیم و توسعه روند صهیونیسم سیاسی جلب و تأمین کرد. رهبران اسرائیل، محمد شریده: ص ۲۱۲ .

۲ ـ تأسیس دولتی صهیونیستی در فلسطین به نام اسرائیل.

این کنگره، نقطه‌ی تحول مهمی در تاریخ جنبش صهیونیسم بود نخستین توفیق عملی صهیونیسم در میان برخی محفل‌های یهودی جهان تحقق یافت، و آماج مستقیم سیاسی آن را مشخص و تأکید کرد که: هدف صهیونیسم آن است که برای مردم یهود، میهنی در فلسطین تشکیل دهد و قانونی عام از آن حمایت نماید. این کنگره، برنامه‌ی استعماری صهیونیستی در فلسطین را تدوین کرد که از چهار بخش عمده تشکیل می‌شد.

۱ ـ سازماندهی جنبش صهیونیسم جهانی.

۲ ـ برنامه‌ریزی برای استعمار صهیونیستی در فلسطین.

۳ ـ سرمایه‌گذاری و نظارت بر آن.

۴ - اجرای ارتباط و گفت‌وگوهای سیاسی به منظور تأمین پشتیبانی سیاسی جهانی و تحقق این هدف.

این هدف

به این ترتیب، نخستین خطوط و عجیب ترین و بدترین سلطه استعمارگران در تاریخ نوین را کسانی که اصلاً فلسطین را ندیده و به آن پا نگذاشته بودند در اروپا تدوین کردند.[۱]

عده‌ای می‌گویند صهیونیست‌ها پس از تشکیل کنگره اول، انجمن های دیگری نیز تشکیل دادند و صورت جلسات آن انجمن ها را پروتوکل نام نهادند و عده ای دیگری گویند در همان کنگره بال ۱۸۹۷ پروتوکلها که در واقع اصول سیاست صهیونیسم جهانی و نوع نگرش آنان را به جوامع انسانی نشان می دهد که هم اکنون گویای حقیقتی است که جهان مشاور شکل‌گیری مراحل گوناگون تحقق آن ایده های شیطانی و غیر انسانی در راستای تسلط بر جهان بشری است، پخش شد.

این پروتوکلها که شامل ۲۴ یا در بعضی نسخه‌ها ۲۷ بند است استراتژی و تاکتیک‌های یهودیان برای تسخیر جهان در طی صد سال است گفته می‌شود توسط فردی قبل از انعقاد توسط

---

۱. صفا تاج مجید: ص ۵۶ و ۵۷.

یکی یهود تهیه شده و هرگز قصد انتشار و توزیع آنها حتی در میان خواص یهود درکار نبوده است.[۱]

بعد از آنکه پروتوکلها به انگلیسی ترجمه شد و نویسندگان به نقد وکنکاش درباره آنها پرداخته اندیشمند میلادی آشرگنیزبرگ از اهالی اودساد در معرض اتهام قرارگرفت.

او برای نخستین بار به عنوان نویسنده‌ای ناقد و ژرف اندیش در جامعه یهود ظاهر شد و نام متسعار احدها آم- یکی از مردم- را برای خود برگزید. آنچه برای او اهمیت داشت، مبانی اهداف و درستی روشی بود و به جزئیات اهمیتی نمی‌داد او معتقد بود که برانگیختن یهود در این عصر و ایجاد رستاخیز در آنان باید متکی به برانگیختن روحیه خشن یهودی باشد. بنابراین به عقیده او نخست باید روحیه یورش را خلق کرد و فعالیت برای رسیدن به سرزمینی که یهود آنجاگرد هم آیند خود به خود پی خواهند آمد.

او در سال ۱۸۵۶ در شهر اودسا واقع در ساحل دریای سیاه در منطقه اوکراین که از قرن‌ها پیش یکی از پایگاه‌های خشونت و ترور یهود بوده است نشو و نما یافت و اوکه وجودش لبریز از روح تلمود بود در سال ۱۹۲۷ در تل آویو درگذشت.

حال برای روشن‌تر شدن بحث خلاصه ای از بعضی بندهای پروتوکل‌های ۲۴گانه در اینجا می‌آوریم.

۱ ـ آزادی سیاسی ایده‌ای بیش نیست و واقعیت خارجی ندارد اما هر یک از ما باید بداند چگونه در موقع لزوم از این طعمه برای جذب گروهها و توده ها به سوی حزب خود و نابودکردن حزب مخالف که حکومت و قدرت را در اختیار دارد استفاده کند (پروتوکل اول).

۲ ـ محور سیاست جدا از محور اخلاق است این دو هیچ وجه اشتراکی با هم ندارند حاکمی که تابع اصول و روش اخلاقی باشد سیاستمدار ماهری نیست و تا زمانی که بر سریر حکومت نشسته است همواره متزلزل و در آستانه سقوط خواهد بود ولی حاکم عاقلی که خواهان توسعه و تحکیم حکومت خویش است باید دو خصلت داشته باشد هوش قوی و مکر فریبنده (پروتوکل اول).

---

۱. نویهض عجاج پروتکلها دانشوران صهیون: ص ۸۳.

۳ ـ حق‌ها، سرچشمه‌اش زور و قدرت است. کلمه حق امری است وجدانی، معنوی و مجرد و دلیلی بر درستی آن وجود ندارد مفهومی بیش از این ندارد آنچه می خواهم به من بده تا ثابت کنم از تو قویترم شعارها باید این باشد: زور و فریب مردم، تا آنچه را فریبکارانه به خودشان می دهیم به عنوان یک امر صحیح بپذیرند و در درستی آن تردید نکنند فقط زور می‌تواند در میدان سیاست پیروز شود (پروتوکل اول).

۴ ـ ما موفق شده‌ایم بگوییم- غیر یهود- بقبولانیم که اطلاعات نظری و تئوریک آنها محصول ناب علم است تا زمانی که این هدف باید از طریق مطبوعات خود اعتقاد به درستی نظریات و آرای شان را در آنها تحکیم بخشیم دانشمندان آنها به دانشی که دارند مغرور می‌شوند و بدون آنکه سعی کنند برای اثبات درستی آن تجربیات و دانشها از محک منطق کمک بگیرند. نظریه های خود را به مرحله اجرا درمی آوردند. در حالی که آنچه به نظر آنها دانش و شناخت است در واقع چیزی نیست جز آنچه که عمال متخصص ما با استادی و مهارت برای آنها نوشته اندو این نوشته ها، همه، برای آن فراهم آمده است که اندیشه های آنان در جهتی که ما می‌خواهیم از آنها پرتوگیرند (پروتکل سوم).

۵ ـ گوییم- حکومتهای غیر یهودی- بدون کمک متخصصانما قادر به اندیشیدن و درست فکر کردن نیستند، آنهاکوته بین تر از آنند که ضرورت ایجاد آنچه راکه ما دو زور تاسیس پادشاهی خود وجود خواهیم آورد، دریابند.

۶ ـ فراماسونری گوییم ناخودآگاه به ما خدمت می کند. به این ترتیب که پوششی برای ماست و ما خودمان و اهداف و برنامه هایمان را پشت سر آن پنهان می‌کنیم (سوم).

۷ ـ کلیه چرخ‌های دستگاه حکومت‌ها احتیاج به موتور دارند و این موتور که همان طلاست در اختیار ما می‌باشد (پنجم).

۸ ـ برای نابود کردن صنایع گوییم ـ غیر یهود ـ عشق به عیاشی و تجمل پرستی را در بین گوییم رواج می‌دهیم و آنها را به این وضعیت تشویق می‌کنیم.

۹ ـ ما سطح دستمزدهای کارگرها را بالا خواهیم برد اما این عمل هیچ سودی به حال کارگران نخواهد داشت. چون در همان زمان به بهانه این که امر کشاورزی و دامداری دستخوش رکود شده است، قیمت مایحتاج عمومی را نیز گران می کنیم (پروتوکل ۶).

۱۰ ـ ما باید همیشه این آمادگی را داشته باشیم که در صورت بروز هرگونه مخالفتی با ما، از طریق ایجاد جنگ بین آن دولت مخالف و همسایه‌اش با او مقابله کنیم و چنانچه همه آنها در برابر ما یکپارچه شوند چاره ای نداریم جز این که آتش یک جنگ خانمانسوز جهانی را شعله‌ور کنیم (پروتوکل ۷).

۱۱ ـ ما حکومت‌های خود را در انبوهی از بانک‌داران، صنعتگران و سرمایه‌داران محاط خواهیم کرد و حلقه اتصال آنها میلیونرها خواهند بود چراکه در واقع، سرانجام هر چیزی به ارقام ختم می شود و این ارقامند که در همه جا حرف آخر را می زنند (پروتوکل ۸).

۱۲ ـ ما نسل جوان گوییم را فریفته و گیج کردیم و با تربیت آنها بر اساس اصول و نظریاتی که می‌دانیم غلط و دروغ است و در عین حال ما به آنها تلقین کردیم به فسادشان کشاندیم.

۱۳ ـ ما در گذشته تلاش کرده‌ایم تا نفوذ روحانیون گوییم را از بین ببریم و آنها از چشم مردم بیندازیم. هدف از این کار لطمه زدن به رسالت آنهاست رسالتی که ممکن بود همراه سد راه ما شود در حال حاضر این نفوذ روز به روز رو به کاهش می رود (پروتوکل ۱۷).

۱۴ ـ هرگاه مصالح ما اقتضاء کند که دفاع سری خود را با اتخاذ تدابیر خشن و بیرحمانه تقویت کنیم به وسیله تعدادی از سخنرانان زیان‌آور عوامل وقوع بی‌نظمی و پیدایی مظاهر خشم و نارضائی مردم را در جامعه بوجود می‌آوریم (پروتوکل ۱۸).

۱۵ ـ هم‌اکنون ما تا فروپاشی کامل مسیحیت چند سالی بیشتر فاصله نداریم (پروتوکل ۱۷).

۱۶ ـ ما نسل جوان گوئیم و گیج کرده و با تربیت آنها براساس اصول و نظریاتی که می‌دانیم غلط و دروغ است و در عین حال ما به آنها تلقین کردیم به فسادشان کشاندیم هیچ کس حتی مشاوران پادشاه نباید از برنامه هائیکه وی برای زمان کنونی و آینده دارد مطلع شود فقط شخص پادشاه و سه نفر دستیار او از این برنامه ها اطلاع خواهند داشت و بس.

پروتوکل‌ها اولین بار در سال ۱۹۰۳ در روسیه در روزنامه زنامیا چاپ شد و دو سال بعد متن مفصل‌تری از آن به چاپ رسید. این متن به سرعت به زبان‌های آلمانی فرانسه، انگلیسی و سایر زبان‌های اروپایی ترجمه شد و شهرت فراوان یافت.

اقبال گسترده به پروتوکل‌ها به ویژه در سال‌های ۱۹۲۱ ـ ۱۹۱۹ است. در فضای سیاسی و روانی پس از جنگ اول جهانی و انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، مردم به شدت جذب این رساله شدند. این جاذبه البته علل عینی داشت زیرا طول جنگ نقش کانون‌های جنگ‌افروز یهودی و مجتمع‌های تسلیحاتی متعلق به ایشان، آرمسترانگ، برای افکار عمومی اروپا تا حدودی روشن شده بود. از سوی دیگر، این رساله را مخالفان بلشویک‌ها به وسعت توزیع کردند تا انقلاب بلشویکی روسیه را به عنوان یک توطئه یهودی مطرح کنند. جالب است بدانیم که در بریتانیا و کشورهای انگلیسی زبان بزرگ ترین مبلغ پروتوکل ها روزنامه تایمز لندن بود که از بدو پیدایش پیوندهای بسیار نزدیک با زرسالاران یهودی، و به ویژه خاندان روچیلد، داشت تا بدان حد که در دوران جنگ فرانسه و پروس، مردم فرانسه تایمز لندن را به‌عنوان ارگان روچلیدها می‌شناختند. تایمز در مه ۱۹۲۰ متن کامل پروتوکل‌ها را به چاپ رسانید دیلی اکسپرس نیز، که به همین کانون تعلق داشت، آن را چاپ کرد و این جمله را تیتر بزرگ صفحه اول خود قرار داد «راز بزرگ حییم (واریزن) بزرگ». و عجیب‌تر اینجاست که‌سر وینستون چرچیل به عنوان وزیر جنگ برکتازی در همین زمان اعلام کرد که انقلاب بلشویکی روسیه «توطئه جهانی از سوی یهودیان جهان وطن است برای نابود کردن و فروپاشی امپراتوری بریتانیا». در زمینه وابستگی وینستون چرچیل به زرسالی یهودی کمترین تردیدی نیست و می‌دانیم که چرچیل در طول زندگی طولانی‌اش هماره سرسخت‌ترین مدافع صهیونیست‌ها بوده و در تأسیس دولت اسرائیل نقش اصلی داشته است. این پیوند فقط به خود چرچیل محدود نیست و از آغاز تاریخ خاندان چرچیل شروع می شود. بنیانگذار این خاندان ژنرال جان چرچیل، دوک اول مارلبور است که فرمانده کل ارتش بریتانیا بود و از طریق ساخت و پاخت یا دلالان یهودی و دریافت رشوه و پورسانت از سرسولومون مدینای یهودی پیمانکار بزرگ دربار و ارتش انگلیس، ثروت خاندان چرچیل را پایه‌گذارد و از جمله کاخ بلنهایم را ساخت. تنها موردی که می‌شناسیم که سر وینسون چرچیل در طول زندگی‌اش علیه یهودیان سخن گفته، همین یک مورد و در فضای انتشار پروتوکل‌ها در انگلیس است. بعداً، کار تایمز و چرچیل را روس‌های سفید ادامه دادند یعنی مخالفین انقلاب روسیه که به اروپا و آمریکا پناهنده شده بودند. آن‌ها پس از شکست نهایی از بلشویک‌ها در جبهه‌های جنگ روسیه، به تکثیر وسیع پروتوکل‌ها در غرب

پرداختند با این هدف که انقلاب روسیه را توطئه یهودیان معرفی کنند.

عجیب‌تر اینجاست که جعلی بودن این متن نیز اولین بار به وسیله همان روزنامه تایمز و همان کانون مطرح شد. در سال ۱۹۲۱ ، برای اولین بار، فیلیپ گریوز در روزنامه تایمز لندن جعلی بودن پروتوکل های را مطرح کرد و شباهت‌های فروان پروتوکل‌ها را با طنزی که یک فرانسوی به نام موریس ژولی علیه ناپلئون سوم و سیاست‌های دسیسه‌آمیز جهانی او نوشته و در سال ۱۸۶۴ با عنوان مکالمه ماکیاولی و منتسکیو چاپ شده، نشان داد. نام فیلیپ گریوز برای مؤرخین ایرانی آشناست زیرا وی نویسنده زندگی‌نامه سرلشکر سرپرستی کاکس، کارگزار نامدار استعمار انگلیس در ایران و خلیج فارس است. بعدها، محققین روی پروتوکل‌ها کار کردند و سرانجام ولادیمیر برتسف، مؤرخ روس، به طور متقن ثابت کرد که پروتوکل‌ها جعل سازمان اطلاعاتی روسیه تزاری (اواخر انا یا اواخر انکا) است که براساس کتاب موریس ژولی و رمان تخیلی هرمن گودشه (چاپ ۱۸۶۸) و منابع دیگر صورت گرفته است. جاعل ظاهراً یک فرانسوی بوده که به عنوان جاسوس برای اواخرانا کار می‌کرده و نامش در دست نیست. رؤسای اواخرانا متن پروتوکل‌ها را به نیکلای دوم (آخرین تزار روسیه) عرصه می‌کنند و وی در حاشیه گزارش ایشان می‌نویسند: «نباید از امر حق با روش‌های غیراخلاقی دفاع کرد». یعنی تزار به سادگی متوجه جعلی بودن متن می‌شود و این امر به دلیل صراحت و محتوای بسیار خامی است که در متن وجود دارد که انسان را از این همه ناشی‌گری به حیرت می‌اندازد.

بنابراین، ماجرای انتشار پروتوکل‌ها ماجرای ساده‌ای نیست و اصولاً یکی از پدیده‌های عجیب دو قرن اخیر بسیاری از این نوع کتاب‌ها و رساله هاست که علیه «یهودیت» یا «فراماسونری» و غیره منتشر می‌شود و در پس آن، چنان‌که در ماجرای پروتوکل‌ها دیدیم، دست همین کانون‌ها مشهود است: آثاری که به شکلی وهم آلود و غیرعقلانی توطئه یهودیان و ماسون‌ها را به نفی هرگونه برسانند و این باور را رواج دهند که اعتقاد به توطئه نوعی بیماری روانی و توهم است. به اعتقاد من این روش در ایران نیز به کار گرفته شده و تأثیرات روانی و سیاسی جدی و عمیق خود را بر جای گذارده است.

استاد عبدالله شهبازی در این باره می‌گویند:

«اولین تردید در من نسبت به اصالت پروتکل‌ها در زمانی ایجاد شد که برای بار اول متن پروتکل‌ها را دیدم. واقعاً به دلم نچسبید و احساس کردم که هیچ فرد عاقلی چنین صریح و پوست‌کنده نقشه‌های خود را مطرح نمی‌کند. بالاخره، این توطئه‌گران باید انسان‌های پخته‌ای باشند و نباید این‌طور دست خود را رو کنند و سند به دست دشمن بدهند. در تحقیقات ده ساله اخیر خود این مسئله را پیگیری کردم و به جد به این نظر رسیدم که جعل و انتشار پروتوکل‌ها با اهداف معینی صورت گرفته که امروزه کاملاً قابل شناسایی و تبیین است و از یک برنامه‌ریزی و نقشه هوشمندانه حکایت می‌کند از آن نوع که به ما عنوان توطئه‌ی شناسیم. اصولاً تعریف من از توطئه این است: برنامه‌ریزی از سوی یک کانون برای تاثیرگذاری برفرآیندها و تحولات اجتماعی و سیاسی به ضرر دیگران و با روش‌های معینی که به روش‌های توطئه‌آمیز معروف شده (مانند نفوذ و ترر و تخریب و خدعه و جعل و غیره). این اقدام از سوی فرد یا گروهی که قربانی آن می‌شوند توطئه نام می‌گیرد در حالی که طراحان آن را برنامه‌ریزی و دانش می‌دانند، واقعاً توطئه‌گری دانش است و از زمان جنگ‌های صلیبی به این طرف، و به‌ویژه از قرن شانزدهم میلادی به بعد، یعنی از زمان شروع تکاپوی استعماری، این دانش در غرب بسیار پیشرفته و بغرنج شده است».

روشن است که در جهان سیاست واقعیتی به نام توطئه وجود دارد. یکی از بهترین روش‌ها برای قلب این واقعیت این است که پرچمدار افشای آن شوید و بخشی از حقیقت را بیان کنید ولی به شکل نامعقول و غیرمعقول و غیرقابل دفاع. این دفاع در نهایت منجر می‌شود به این که مردم از پذیرش این واقعیت سرخورده شوند. این روش یکی از مهمترین تاکتیک‌ها در جنگ روانی است که نمونه بارز آن را در ترویج انگلوفوبیا می‌توان دید یعنی اشاعه ترس از انگلیس و نسبت دادن همه چیز به توطئه انگلیسی‌ها. یعنی افرادی همه چیز را به شکل بیمارگونه و به قول معروف «داکی جان ناپلئونی» به انگلیسی‌ها نسبت می‌دهند و در نهایت موجی ایجاد می‌شود و از درون آن کسانی پیدا می‌شوند که غیرعقلانی بودن این برخورد را می‌فهمند

و به ضد آن می‌رسند یعنی به این نتیجه می‌رسند که هیچ نوعی توطئه‌ای وجود نداشته است. به عبارت دیگر از که مطلق به مطلق دیگر می‌رسند. بنابراین این‌گونه اشاعه توهم‌های توطئه چون بنیان جدی عقلانی جدی و قابل دفاع ندارد بهترین روش است برای لوث کردن واقعیت‌های بغرنج تاریخی. این روش در جامعه امواج کاذب و پوچ و بسیار شکننده ایجاد می‌کند که در نهایت به نوعی آنتی پاتی علیه این‌گونه مفاهیم می‌انجامد. در تحول روانشناسی بیست و دو ساله بعد از انقلاب تأثیرات مخرب این روش را شاهد بوده‌ایم.

زمانی برخی از حوادث را به آمریکا با صهیونیست‌ها نسبت می‌دادیم و البته در فضای اوایل انقلاب، که مردم فشار و ستم حکومت پهلوی و نفوذ مخرب اربابان غربی آن را کاملاً به یاد داشتند، صرف این ادعاها قانع کننده بود و احتیاج به استدلال نظری قوی نداشت. یعنی جامه در مجموع می‌پذیرفت که مثلاً پیوندهای آمریکایی فلان رجل سیاسی یا فرهنگی پهلوی بر وطن فروش بودن آن فرد دلالت دارد. ولی در نهایت با دگرگونی ساختاری در جامعه ما و از جمله پیدایش نسل جدید، دیگر این روش کاربرد ندارد و در برخی موارد به ضد خود بدل می‌شود. اکنون برای نسل جوان کفایت نمی‌کند که بگویید شاه آمریکایی بود. می‌پرسد مگر آمریکایی بودن چه ایرادی دارد؟ او حق دارد زیرا ذهنیت سیاسی نسل جوان امروز همان ذهنیت نسل ما نیست که در دهه ۱۳۴۰ شاهد مبارزات مردم زیر ستم جهان علیه امپریالیسم آمریکا بود. برای نسل گفتمان جدیدی مطرح است. او سرنوشت برخی کشورهای دست ـ نشانده آمریکا، مانند تایوان و کره جنوبی، را می‌بینند که در یک دهه اخیر هم رسانه‌های جهانی و هم برخی از متفکران و اساتید دانشگاه ما و حتی گروهی از مسئولان اجرایی ما آن را به عنوان موفق‌ترین مدل توسعه مطرح کرده و حتی از آن‌ها تقلید کرده‌اند و در مقابل مدل شکست خورده انقلاب‌های ضدآمریکایی مانند ویتنام و کره شمالی را مشاهده می‌کنند. لذا، مطرح کردن معقول و دفاع بد و فاقد بنیان متقن فکری و نظری نتایج بسیار مخربی در روانشناسی سیاسی جامه بر جای می‌گذارد.

به جد معتقدم که کانون‌های زرسالار غربی و در قلب ایشان یهودی در جعل و ترویج و اشتهار پروتوکل‌ها نقش اصلی را داشتند. زیرا متونی وجود دارند که هم معتبرند و هم همان

موارد مندرج در پروتوکل‌ها را به اثبات می‌رساند ولی هیچ‌گاه اشتهار نیافتند و امروزه نسخ آن‌ها کمیاب یا حتی نایاب است. از میان این‌گونه کتاب‌ها تنها پروتوکل‌ها اشتهار جهانی و بسیار عجیبی یافت زیرا متنی کاملاً مجعول و لذا غیرقابل دفاع بود و در نهایت محقق را بی اعتمادی به این‌گونه متون می‌رسانید. مهم‌ترین متنی که هم طرح‌های توطئه‌آمیز زرسالاری یهودی را ثابت می‌کند و هم کاملاً قابل دفاع است کتابی است به نام کتاب کاهال. نام سازمان‌های محلی یهودیان روسیه بود. فردی یهودی به نام یاکوب برافمن در ۳۴ سالگی مسیحی شد و برای کنترل نامه‌ها و متون عبری دو دیدنیش به خدمت دولت روسیه درآمد. او پس از مدتی، در سال ۱۸۶۹، کتاب کاهال را منتشر کرد. کتاب فوق مشتمل بر اسناد مفصل درونی سازمان یهودیان روسیه است که به روسی ترجمه شده. برافمن در مقدمه خود بر این اسناد سازمان کاهال، یعنی سازمان محلی یهودیان روسیه و شرق اروپا، و آلیانس اسرائیلی، که مقر آن در فرانسه بود و در آن زمان تنها سازمان جهان یهودیان به‌شمار می رفت، را به عنوان شبکه‌هایی معرفی می‌کند که مجری طرح‌های رهبران یهودی غرب هستند. برافمن در مقدمه خود بر این کتاب حجیم دو جلدی این نظریه را مطرح ساخت که جوامع یهودی در واقع با حفظ ساختارهای سری درونی خود، با استقرار خویش در سرزمین‌های مختلف، دولتی در درون دولت تشکیل می‌دهند با هدف استثمار سکنه آن سرزمین و سلطه بر آنان. اسناد چاپ شده نیز ادعای برافمن را ثابت می‌کند و نشان می‌دهد که زرسالاران یهودی غرب سلطه بر جوامع میزبان یهودیان چگونه از سازمان‌های محلی آن‌ها استفاده می‌کنند.

کتاب کاهاتل در دهه ۱۸۷۰ چندین بار به زبان‌های روسی، آلمانی، فرانسه و لهستانی منتشر شد و تأثیرات عمیقی بر جای نهاد و به یکی از منابع مهم آشنایی محققین با ساختارهای سری است و حتی دایرةالمعارف یهود نیز به صحت اسناد مندرج در آن اذعان دارد و می‌نویسد:

«هر چند برافمن (از سوی یهودیان) به جعل متهم شد ولی در واقع کتاب او ترجمه کاملاً دقیق اسناد و یکی از منابع تاریخی پژوهشگران برای آشنایی با زندگی درونی یهودیان روسیه در سده نوزدهم به شمار می‌رود».

ولی ما می‌بینیم که کتاب کاهال را با این همه اهمیت حتی خواص و محققان نیز کمتر می‌شناسد ولی پروتوکل‌ها این همه شهرت و معروفیت می‌یابد.

کانون زرسالاران یهودی

اما آنچه در پشت قضیه پروتکل‌ها و معرفی صهیونیست به پدیده صد ساله برای دست‌یابی به حکومت جهانی یهود است چیست؟

زرسالاری یهودی یک کانون منسجم از عوامل بسیار مقتدر و متنفذ حاضر و فعال در دنیای چند قرن اخیر است، زمانی که از یهودیان سخن می‌گوییم همین کانون است و اعتقاد نداریم که هیچ قوم و طایفه‌ای همه یکسان هستند در پدیده‌ها و فرآیندهای اجتماعی از هیچ نوع کلیت مطلقی نمی‌توان سخن گفت و این‌گونه تعمیم‌ها و کلی گرایی‌ها، همه نسبی است هر فرد استقلال خویش را دارد که می‌تواند در مواردی مستقل از هویت جمعی او باشد منظور یک کانون معین از متنفذین یهودی است که حتی شامل همه ثروتمندان یهودی نیز نمی‌شود این کانونی است که به‌طور مشخص در پیوند با الیگارشی خاخامی در قرن شانزدهم در پیوند با حکام اسپانیا و پرتغال در قرن هفدهم در پیوند با استعمارگران هلندی و در قرن هجدهم و نوزدهم در پیوند با الگارشی استعماری انگلوساکسون شکل گرفت و در توسعه استعماری قرن در این دوران نقش مهم و تعیین کننده ایفاکرد و بخصوص در توسعه استعماری بریتانیا در قرن نوزدهم نقش بسیار مهمی داشت. این کانون از اوایل قرن بیستم بر سیاست و اقتصاد ایالات متحده آمریکا به شدت چنگ انداخت و این اقدام در پی‌برنامه‌ریزی جدی انجام گرفت که مهاجرت میلیونی یهودیان روسیه و اروپایی شرقی نقش اساسی در آن داشت.[۱]

مهاجرت توده انبوه و متراکم یهودیان روسیه و اروپایی شرقی حربه‌ای بود در دست زرسالاران یهودی برای تحقق طرح‌های جهان وطنی آنها، بهم‌ریزی ساختار اجتماعی و سیاسی اروپا و صدور جمعیت انبوه به قاره آمریکا به قطع می‌توان گفت که هیچ عاملی مانند این مهاجرت اقتدار جهان‌شمول زرسالاران یهودی، که نوعی نظام قبیله‌ای یا ارباب ـ رعیتی نوین در رابطه بخش مهمی از یهودیان جهان محفوظ داشته‌اند، کمک نکرد.

---

۱. زرسالاران یهودی و پارسی: ج ۲، ص ۳۱۷.

الیگارشی خاخامی

عنوان الیگارشی خاخامی یا یهودی ساختار بسته و دودمانی اشرافیت دینی ـ سیاسی یـهود در سده‌های نخست میلادی یک پدیده تاریخی آشکار است دایـرةالمـعارف یـهود آن را الیگارشی خاندان‌های عالیرتبه روحانی می‌خوانند و مؤرخین دانشگاه عربی اورشلیم آن را الیگارشی خاخامی یا الیگارشی روحانی می‌نامند این الیگارشی که به رغم ابتنای آن بر بنیادهای کهانت سنتی و دیرین یهود پدیده‌ای نو است در پیرامون نهادی شکل گـرفت کـه شـورای سهندرین نام دارد.

این همان نهادی است که حکم قتل عیسی مسیح را صادر کرد و به عنوان عالی‌ترین مرجع دینی، سیاسی فقهی و قضایی یهودیان حضور آن تا دوران معاصر تداوم داشته است.[۱]

این سهندرین همانی است که با تدوین کتاب میشنا نخستین کتاب فقهی یهودیان ۲۰۰ میلادی به بنیادی‌ترین نهاد شرعی یهودیت جدید مبدل شد سپس میشنا توسط خاخام‌های که به معنی خردمند و فقیه است و در اصل به ربانیون برجسته‌ای که در راس هرم روحانیت جای داشتند اطلاق می‌شد با اضافه کردن روایات و احکام به آن کتاب خبیثانه تلمود را پدید آوردند.[۲]

این کتاب هولناک در اصل چند مجلد بیشتر نداشت اما از ۸ قرن پیش به ۱۲ مجلد افزایش یافت و امروزه به زبان انگلیسی شامل ۳۶ جلد در قطع وزیری می‌شود تلمود انبار شرارت‌های یهود است و کار تألیف آن حدود دو قرن پس از جمع آوری اسفار تورات آغاز شد از بیست و دو قرن پیش پس از جمع آوری اشعار و رواج آن و بازگشت از بابل، بابل تورات بسته شد و تلمود با افسانه‌ها و اساطیر عجیب و غریب خود بر تورات فائق آمد و آن را تحت‌الشعاع خویش قرار داد همه بذرهای ناپاک و ناپاکی در تلمود است.

از مطالعه تمام تحقیقات و کتاب‌های یهودی به این واقعیت دست می‌یابیم که کـلیه یهودیان سرشناس در حرکت یهودی از فرق سر تا نوک پا تلمودی بوده‌اند و تلمود سرچشمه

---

۱. شهبازی، عبدالله، زرسالاران یهودی و پارسی: ج ۱، ص ۲۵۰.
۲. مأخذ پیشین: ص ۳۰۲.

روحیه هرگونه ویرانگری است. هر خانه یهودی که تلمود در آن باشد آکنده از سنت‌ها و گرایش‌های تلمودی است. در چنین خانه‌ای تورات چندان رنگی ندارد.[۱]

خاخام دکتر برود در مقدمه چاپ ۱۹۶۰ تلمود که به زبان انگلیسی منتشر شد می‌گوید. کتاب‌های مقدس و آثار ربنها (خاخام‌ها) و تلمود و میشتا و همه و همه جلوه گاه تمدن و فرهنگی است که چنان تأثیری در جان‌های ماگذاشته است که مظاهر هستی یهودی ما را فراگرفته و مفاهیم و معانی زندگی ما را تفسیر کرده است. ما وظیفه داریم منابع و سرچشمه‌هایی راکه خاستگاه همه این‌ها است به طور صحیح بشناسیم.[۲]

برای آنکه خواننده اندک شناختی از روح تلمود به دست آورد در این‌جا به ذکر نمونه‌هایی از محتویات آن می پردازیم.

۱ـ مخلوقات دوگونه‌اند: زیربینی و روبینی (علوی و سفلی). در جهان هفتاد ملت با هفتاد زبان سکونت دارند. اسرائیل برگزیده مخلوقات است، خداوند آن را برگزید، تا چونان سروری انسان بر حیوان اهلی بر تمام بنی‌بشر سیادت و آقایی برتر را داشته باشد.

۲ ـ عرب‌ها امتی فقیر هستند.

۳ ـ ازدواج با زنان عرب ننگ است.

۴ ـ نه دهم جنایات جهان را عرب‌ها مرتکب می‌شوند.

۵ ـ سخنان ربنها (خاخام‌ها) شیرین‌تر از سخنان انبیاء است ... چون سخنان ربنهاکلمات زنده خداوند است ... اگر ربن به تو بگوید که دست راست تو دست چپ است و دست چپت دست راستت، نباید سخنش را پشت سراندازی چه رسد به اینکه بگوید دست راست تو راست است و دست چپ تو چپ در این صورت چقدر باید او را احترام کنی.

۶ ـ خداوند بزرگ از اینکه بنی‌اسرائیل را رهاکرد تا در ورطه بدبختی بیافتد پشیمان شد مانند کسی که از یک گناه شخصی پشیمان می‌شود از این‌رو هر روزه دو قطره بزرگ اشک در دریا می‌افکند و در اثر آن چنان صدایی به وجود می‌آید که تمام اهل جهان آن را می‌شنوند

---

۱. عجاج نویهض پروتکلهای دانشوران صهیون: ص ۴۱.

۲. همان منبع: ص ۵۸۲.

و خیلی وقت‌ها نیروی برخاسته از این صدا زمین لرزه‌های شدیدی پدید می‌آورند.

۷ـ تو می‌توانی سر غریبه کلاه بگذاری و با بهره زیاد به او وام بدهی، اما اگر با خویشاوند خود (یعنی یهودی) معامله کنی حق نداری او را گول بزنی.

۸ـ اشکالی ندارد اگر یک یهودی فردی بیگانه و غیریهودی را گمراه سازد و کاری کند که باورش شود او غیریهودی است اما چنانچه یهودیی ولی ریاکارانه نصرانی شود و زنی مسیحی بگیرد و مانند خانواده همسرش بت بپرستد نصارا گرفتار عذاب خواهد شد و در گودالی می‌افتد که هیچگاه از آن بیرون نخواهد رفت.

۹ـ موسی می‌گوید: «در زن خویشاوند خود هوس مکن» هر کس با زن خویشاوند خود مرتکب فحشا شود سزوار مرگ است تلمود می‌آموزد که خداوند زنا کردن مرد یهودی با زن یهودی را حرام کرده است ولی زنان اجانب بر او مباحند.

۱۰ـ ربی تام می‌گوید: سودای فحشا با زن یا مرد اجنبی گناه نیست زیرا شریعت از این دو بیزار است چنانکه گفته شده است نطفه آنها نطفه استر است به همین دلیل در پاره‌ای شرایط به زن یهودی اجازه داده می‌شود که با مرد مسیحی ازدواج کند تا با این ازدواج غیرشرعی دین او را برباید[۱] با آن که شریعت دستور حتمی به ازدواج با فاحشه‌ها را می‌دهد اما این ننگ را در این موقعیت اجازه می‌دهد زیرا ازدواج غیرشرعی با مرد مسیحی ازدواجی حیوانی است و پیوند زناشویی آن دو نیز از این دست به‌شمار می‌آید. گرچه این ماجرا به سال‌ها پیش برمی‌گردد اما این خوی و خصلت با مردن از بین نمی‌رود بلکه همچنان‌که مؤرخ نامدار یهود، یوسفوس، گفته است یهودی‌ها نسل اندر نسل آن را از یکدیگر به ارث می‌برند.[۲]

زرسالاران یهودی و تمدن جدید غرب

جوامع یهودی در اوایل هزاره اول مسیحی و مهاجرت تدریجی آنها از سرزمین کنونی فلسطین که بین‌النهرین از یک سازمان متمرکز و بسیار منسجم برخوردار بوده‌اند که رهبری آن با خاندان

---

۱. همان منبع: ص ۶۰۹.
۲. همان منبع: ص ۴۱۴.

یهودی معین بوده است. این خاندان‌ها همه خود را از نسل داود علیه‌السلام می‌دانند در اینجا باید این توضیح را عرض کنیم که ما مسلمانان داود علیه‌السلام را پیامبر می‌دانیم ولی یهودیان او را پادشاه و نماد قدرت و شوکت دولت یهود می‌دانند. بنابراین، از نظر یهودیان اعضای این خاندان‌ها شاهزادگان داودی هستند و از میان آنها است که رؤسای جامعه جهان وطنی یهود بیرون می‌آیند این رؤسا «رشگلوتا» نام داشتند که «شاه داودی» را به عنوان معادل آن انتخاب کرده‌اند این رؤسای جوامع یهودی طی قرن‌ها اقتدار فوق‌العاده‌ای بر اتباع داشتند و در هر کشوری که مستقر می‌شدند سازمان سیاسی خود را به شکل مخفی حفظ می‌کردند و به عنوان دولت در دولت عمل می‌نمودند یعنی بر اتباع یهودی خود سلطه سیاسی و قضائی داشتند به این ترتیب تصویری از یک سازمان مخفی جهان وطنی منسجم و فرقه گونه به دست آمد که حدود یک هزار سال قدمت تاریخ دارد و در این دوران همیشه شاخه‌های آن در مهمترین مراکز اقتصادی و سیاسی پراکنده بوده است.

پیوند عمیق این الیگارشی یهودی با حکمرانان بزرگ و کوچک اروپا در تعیین سرنوشت جهان امروز بسیار مؤثر بود. این پیوندها از دوران جنگ‌های صلیبی شکل گرفت که ثروتمندان و صرافان و کارگزاران مالی و اطلاعاتی فرقه‌های صلیبی به ویژه فرقه شهسواران معبد عمل می‌کردند.

این فرقه‌های صلیبی که در جریان صلیبی شکل گرفتند و از ساختار نظامی دینی برخوردار بودند بعد از پایان جنگ‌های صلیبی فعالیت‌های خود را ادامه دادند، نقش بزرگی در پیدایش غرب جدید ایفا کردند بعد از اینکه مسلمانان به حکومت صلیبی‌ها در منطقه کنونی فلسطین به‌طور کامل پایان دادند و آنها را آخرین سنگرشان «قطعه عکا» بیرون کردند آنها فعالیت خود را ادامه دادند. یکی از فرقه‌های بزرگ صلیبی به نام شهسواران توتونی (آلمانی) جنگ صلیبی را برای مسیحی کردن اجباری قبائل اسلاو در شمال شرق اروپا ادامه داد که به تأسیس دولت بروس انجامید. یعنی استاد اعظم فرقه شهسواران توتونی پس از قلع و قمع و امحای کامل قبائل اسلاو بروسی به عنوان اولین حاکم مسیحی سرزمین بروسی‌ها منصوب شد و بعدها با جانشین او شاه پروس شدند. دولت پروس به تدریج سایر سرزمین‌های آلمانی‌نشین را تصرف

کرد و سرانجام در سال ۱۸۷۱ موجودیت دولت واحد آلمان را اعلام نمود فرقه مهم صلیبی دیگر که نقش بزرگی در تاریخ جدید اروپا و جهان ایفا کرد، فرقه شهسواران معبد است. سران این فرقه پیوند بسیار نزدیک با سران جوامع یهودی داشتند و به دلیل این پیوند، سازمان خود را به یک صرافی و تجارت خانه بزرگ تبدیل کردند و کارشان به فساد کشیده شد.

این فرقه بسیار مهم و مورد حمایت پای تا بدان حد فساد و غیرقابل تحمل شد که در اوائل قرن ۱۴ میلادی دو پادشاه خوشنام اروپا یعنی فلیپ چهارم فرانسه و ادوارد اول انگلستان به انحلال آن دست زدند و ژاک دموله استاد اعظم فرقه در فرانسه اعدام شد. به دلیل پیوندهای عمیق و عجیبی که میان فرقه شهسواران معبد و زرسالاران یهودی برقرار بود امروزه در طریقت‌های فرامانسوی ژاک دموله مورد احترام است و از او به عنوان «شهید و قدیس» یاد می‌شود.

همزمان با انحلال و قلع و قمع فرقه شهسواران معبد، دولت فرانسه و انگلستان صرافان و رباخواران یهودی مستقر در کشورهای خود را نیز اخراج کردند. بقایای فرقه شهسواران معبد به پرتغال گریختند و نام خود را به شهسواران مسیح تغییر دادند و فعالیت خود را در این سرزمین تداوم بخشیدند. از این دوران است که در شبه جزیره ایبری جنگ صلیبی در جبهه‌ای جدید اوج می‌گیرد و آن علیه مسلمانان اندلس است در این موج خشن و خونین ضداسلامی که سرانجام در سال ۱۴۹۲ به سقوط دولت غرانطه عنوان آخرین دولت مسلمان اندلس انجامید هم اعضای فرقه شهسواران مسیح و هم زرسالاران یهودی نقش بسیار مؤثر داشتند.

دو نمونه شهسواران توتونی و شهسواران معبد که عرض کردیم نشان می داد که آلمان‌ها و فرقه‌های صلیبی چه نقش بزرگی در ایجاد غرب جدید داشتند متأسفانه ما به تبعیت از تاریخ‌نگاری رسمی غرب عادت کردیم که همیشه درباره نقش رونسانس و روشنگری و انقلاب صنعتی و غیره و پیدایش تمدن جدید غرب سخن بگوئیم یعنی همان‌طور که مکتب خاصی در تاریخ‌نگاری جدید غرب به ما القاء کرده است پیدایش تمدن جدید غرب را یک فرآیند فرهنگی می‌دانیم که در آن عنصر عقلانیت و دانش شکوفایی فرهنگ و دانش و هنر نقش اصلی را داشت. همه واقعیت این نیست و نقش تعصبات دینی که حتی تا قرن نوزدهم در قالب

آموزه‌های صلیبی تجلی می‌یافت در پیدایش غرب جدید بسیار عظیم بوده است و در واقع نقش تعیین‌کننده داشته است این نکته‌ای است که ما را از آن غافلیم در این فرآیند زرسالاران یهودی به عنوان واسطه میان اروپای غربی و سرزمین‌های اسلامی نقش بسیار مهمی داشتند که به‌نظر من تعمداً تمامی ابعاد آن را معرفی نمی‌کند.

اصولاً بر تاریخ‌نگاری جدید دنیای غرب یک مکتب خاص غلبه دارد که آن را تاریخ‌نگاری رسمی غرب نامیده‌اند یعنی آن نوع نگاه به تاریخ که مورد تأیید و حمایت کانون‌های حاکمه و قدرتمند دنیای غرب است و در مدارس و دانشگاه‌ها هم تدریس می‌شود و بخشی از تاریخ‌نگاری آکادمیک را شکل می‌دهد.

ولی این همه تاریخ‌نگاری غرب نیست تحقیقاتی که این مکتب رسمی راکاملاً بی‌اعتبار می‌کند فروان است و خوشبختانه دنیای پژوهشی غرب از این نظر بسیار غنی است ولی ما عادت کردیم که همیشه روایت‌های رسمی و درسی را بیامیزیم ولی این مایه تأسف فروان است.[۱]

اسطوره‌سازی صهیونیسم

در راستای شکل دادن فرهنگ و روانشناسی سیاسی اجتماعی یهودیت جدید که منجر به موج مهاجرت یهودیان به آمریکای شمالی شد، استفاده کردن از جعل متون ضدیهودی (مانند پروتوکل‌ها که گذشت) و ترتیب دادن قتل‌عام‌های یهودیان روسیه بود که به پوگروم‌ها معروف است، و دقیقاً از درون این فضا بود که صهیونیسم جدید ظهور کرد.

اسطوره پوگروم‌ها

پوگروم واژه روسی است به معنی حمله و کشتار گروهی به وسیله گروه دیگر از سال ۱۸۸۱ در روسیه و شرق اروپا حوادث مرموزی شروع شد که راز آن تاکنون روشن نشده است. گروهی از درون جنگل‌ها، بخصوص در سرزمین اوکرائن، به یهودیان حمله می‌کردند، آن‌ها را می‌کشتند و سپس ناپدید می‌شدند و تلاش دولت روسیه برای کشف عاملین این

---

۱. پژوهه صهیونیت: ج ۲، ص ۳۴۵؛ شهبازی عبدالله، زرسالاران یهودی و پارسی: ج ۲، ص ۲۷۱.

جنایت‌ها نیز به جایی نرسید برخی از مؤرخین یهودی معاصر این قتل‌ها را به‌گروه‌های انقلابی نارونیک منسوب می‌کنند که درست نیست. استناد آنها تنها به یک اعلامیه از سازمان «نارود نایا» (اراده خلق) است که در آن دهقانان روسیه را به قیام علیه استثمارگران یهودی و تزار اشراف فرا خوانده بود. بهرحال بلافاصله تبلیغ بسیار گسترده‌ای در رسانه‌های اروپای غربی و آمریکا درباره این کشتارها شروع شد و شاخ برگ‌های فروانی به آن داده شده و موجی از همدردی عمومی به سود مظلومیت یهودیان ایجادکرد این موج چنان قوی بود که حتی نویسنده آزاده‌ای چون ویکتورهوگو را فریب داد و او طی عریضه‌ای به دولت روسیه خواستار عدالت و شفقت در حق یهودیان شد در تبلیغات آن زمان و در تاریخ‌نگاری کنونی یهود وانمود می‌شود که این کشتارها را عمال حکومت تراژدی انجام می‌دادند سندی برای اثبات این ادعا وجود ندارد و قراین نیز چیز دیگری را نشان می‌دهد این اصل روشن است.

و مؤرخین دانشگاه عبری اورشلیم نیز تأیید می‌کنند که این حوادث را یک کانون مرکزی و سازمان یافته و پنهان هدایت می‌کرده است.[۱]

قبلاً حکومت نیکلای اول را در روسیه سراغ داریم که با الیگارشی یهودی میانه‌ای نداشت ولی چنین حوادثی در آن زمان اتفاق نیفتاد. برعکس، این قتل‌ها درست در زمانی اتفاق افتادکه سرمایه‌داران بزرگ یهودی، مانند خانواده‌های گوینزبرگ پولیاکف، طی دهه ۱۸۷۰ نفوذ فروانی در روسیه پیداکرده بودند. این حوادث زمانی رخ دادکه بدهی دولت روسیه به خاندان یهودی روچیلد به مبلغ ۶۹ میلیون پوند استرلینگ رسیده بود. این مبلغ در قرن نوزدهم بسیار هنگفت بود و برابر با میلیاردها پوند امروزه است. به هر حال، هم اصل ماجرای «پوگروم‌ها» بسیار مرموز است و هم درباره ابعاد آن بسیار اغراق شده و می‌شود.

تعداد این «پوگروم‌ها» زیاد نبود و اصلاً اهمیتی نداشت که به خاطر آن میلیون‌ها نفر یهودی از زندگی در منطقه‌ای که دویست ـ سیصد سال در آن حضور داشتند چشم بپوشند و راهی سرزمین‌های جدید شوند. قطعاً، پوگروم‌ها نمی‌توانست علت مهاجرتی چنین وسیع باشد. بی‌شک، در پشت این حادثه سازمان مخفی نیرومندی قرار داشت که طبق یک برنامه دقیق

---

۱. پژوهه صهیونیت: ص ۴۶۸.

و با اهداف معین، یهودیان شرق اروپا را به سوی مهاجرت به غرب هدایت می‌کرد.

در این دوران بیش از چهار میلیون نفر یهودی در روسیه و شرق اروپا سکونت داشتند. توجه‌کنیم که این یهودیان سکنه بومی نبودند بلکه به‌طور عمده در قرن شانزدهم به اروپای شرقی و به خصوص به لهستان مهاجرت کرده بودند و این مهاجرت بخشی از پروژه ایجاد شبکه بین‌المللی را تشکیل می‌داد که با مهاجرت از شبه جزیره ایبری شکل گرفت.

آنها در زمانی به این منطقه رفتند که شرق اروپا اهمیت فروان داشت و انبار آذوقه اروپا محسوب می‌شد. این یهودیان مباشرین املاک اشراف لهستان و اوکرائین شدند و شریان حیات اقتصادی منطقه را به دست گرفتند و تا آنجا قدرت یافتند که در اواخر قرن نوزدهم مالک حدود یک میلیون و چهار صد هزار هکتار از اراضی مرغوب کشاورزی شرق اروپا بودند. آنها صرافان منطقه نیز بودند و شبکه وسیعی از میخانه‌ها و میهمانخانه ها را در تملک داشتند. تاریخ و ادبیات شرق اروپا سرشار است از وقایع و داستان‌هایی درباره فجایع و ستم مباشرین و صرافان یهودی علیه مردم این مناطق. عجیب اینجاست که «پوگروم‌ها» و موج مهاجرت بعد از آن، درست در زمانی اتفاق افتاد که تحولات اقتصادی شرق اروپا به سود یهودیان نبود. شورش‌های اشراف لهستان علیه روسیه سبب شده بود که بسیاری از آنها بگریزند و املاک‌شان مصادره یا مخروبه شود و مباشرین یهودی جایگاه سابق را در کشاورزی منطقه از دست بدهند. دولت روسیه محدودیت های شدید در راه فعالیت میخانه‌دارها و فروش مشروبات الکلی وضع کرده بود. آزادی سرف‌ها، یعنی تبدیل دهقانان از برده به رعیت نسبتاً آزاد سبب شده بود که یک قشر جدید مرفه در میان دهقانان ایجاد شود که در فعالیت‌های پولی و تجاری شاغل شدند و صرافان یهودی را از روستاها بیرون راندند. تمام این عوامل سبب شده بود که یهودیان از نظر اقتصادی به رکود برسند و امکانات گذشته را برای تکاثر ثروت نداشته باشند. لذا، آنها به دنبال بهانه‌ای بودند که شرق اروپا را تخلیه کنند و به سرزمین‌های از نظر اقتصادی شکوفا، به خصوص ایالات متحده که سرزمینی با منابع زرخیز و کاملاً بکر و جمعیت اندک و امکانات بالقوه بسیار عظیم، بروند (در نیمه دوم قرن نوزدهم نیروی انسانی در ایالات متحده آمریکا کفاف بهره‌برداری از این همه منابع سرشار را نمی‌داد در حدی که برای احداث خطوط راه آهن،

کمپانی‌ها و سرمایه‌داران بزرگی مانند: ادوارد هریمن از صدها هزار نفر کارگر چینی استفاده می‌کردند و آنها را، درست مانند بردگان، از کسانی چون لرد اینچکیب، بنیانگذار و اولین رئیس کمپانی کشتیرانی شبه جزیره و شرق (P & O) که بزرگترین شرکت کشتیرانی جهان در آن عصر بود می‌خریدند و به ایالات متحده آمریکا منتقل می‌نمودند. در این سرزمین یهودیانی مانند: یاکوب شیف واگوست بلموفت و غیره نبض اقتصاد و سیاست را به دست داشتند ولی تعداد اندک آنها متناسب با قدرت عظیم مالی و سیاسی‌شان نبود (طبعاً این مهاجرت انبوه میلیونی در شرایط عادی امکان نداشت و برای تحقق آن به همدلی افکار عمومی و دولت‌های غرب اروپا و ایالات متحده آمریکا نیاز بود وگرنه این انتقال عظیم جمعیتی واکنش شدید مردم بومی را برمی‌انگیخت. بنابراین، باید فضای تبلیغاتی مناسبی ایجاد می‌شد تا دولت‌های اروپای غربی و آمریکا و مردم این کشورها مهاجرت عظیم فوق را بپذیرند. «پوگروم‌ها» و تبلیغات و مظلوم نمایی‌های بعد از آن بهانه لازم برای این مهاجرت بود.

بلافاصله پس از این حوادث و زمینه‌سازی و تبلیغاتی، زرسالاران بزرگ یهودی، مانند بارون هرش و روچیلدها، مذاکره با مقامات روسیه را آغازکردند. بارون هرش با دولت روسیه به توافق رسید که ظرف ۲۵ سال ترتیب مهاجرت چهار میلیون یهودی را بدهد و براساس این توافق با سرمایه دو میلیون پوند سازمانی ایجاد شد به نام «اتحادیه مستعمراتی یهود» یا «ایکا». فهرست موسسین «ایکا» علاوه بر بارون هرش، اعضای برخی از بزرگ‌ترین خاندان‌های سالار یهودی معاصر هستند، یعنی خانواده‌های روچلید، کوهن، گلواسمیت، کاسل، موکاتا و ریناش. بعد از مرگ بارون هرش، بارون اوموندروچلید متولی این سازمان شد.

سپس بارون هرش با دولت آمریکا به مذاکره پرداخت. این مذاکره دو سال طول کشید و پس از بذل و بخشش فروان سرانجام دولت آمریکا تسلیم شد و «بنیاد خیریه بارون دو هرش» با اهداف اسکان یهودیان مهاجر در آمریکا در این کشور آغاز به کار کرد. به این ترتیب، اولین گروه مهاجرین یهودی راهی آمریکا و کانادا شدند.

در میان نخستین نسل مهاجرین یهودی فوق بنیانگذران صنعت سینمای آمریکا و هالیود قرار داشتند، لویی مایز، برادران شنگ، شموئل گلب فیش (ساموئل گلوین بعدی)، لوئیز زلینگ

برادران وارنر، سام اشپیگل، ال جانسون، اسرائیل بالین (ایروینگ برلین) و غیره. چنین بود که بر بستر جوسازی‌هایی که به بهانه «پوگروم‌ها» صورت گرفت، جنبش جدید صهوینیستی پدید شد. سازمان‌هایی مانند «هیبت زیون» (عشق صهیون) «بنی‌زیون» (اولاد صهیون) «اهوت زیون» (برادران صهیون) و غیره ایجاد شدند. این جنبش در مجموع به «هوری زیون» (عاشقان صهیون) معروف است.

در این فضا بود که رساله‌های متعددی درباره تأسیس دولت یهود در فلسطین منتشر شد. ناتان برنبئوم اصطلاح «صهیونیسم» را درست کرد و تئوریسین‌های سیاسی مانند: دکتر لئون پینسکر به فعالیت پرداختند. دکتر پینسکر در سال ۱۸۸۲ رساله‌ای منتشر کرد به‌نام «خود رهایی». او در این رساله گفت که «یهود آزاری» در «یهود ترسی» (جودافوبیا) ریشه دارد که یهودی را موجودی ماورا، انسان، چیزی مانند غول، می‌بیند. برای این‌که «جووافوبیا» از بین برود باید یهودیان کشور خاص خود را داشته باشند و به آنجا مهاجرت کنند. روح و جوهره این رساله «اقتدار دولت یهود» است. مثلاً پینسکر می‌گوید: «قدرت از آن کسانی است که اعمال قدرت می‌کنند». برنبائوم نیز رساله «نوزایی ملی در یهود» را نوشت و خواستار تشکیل کنگره جهانی یهودیان شد. و سرانجام این موج به هرتزل و کنگره صهیونیستی انجامید.

نتیجه‌این‌موج،مهاجرت وسیع یهودیان از شرق‌اروپا بود.ازسال ۱۸۸۱ (شروع پوگروم‌ها) تا سال ۱۹۱۴ میلادی بیش از دو و نیم میلیون نفر یهودی از شرق اروپا مهاجرت کردند. در این مهاجرت «صهیون» بهانه‌ای بیش نبود و این مهاجرت‌ها به‌طور عمده به ایالات متحده آمریکا صورت گرفت نه به فلسطین.

در واقع، هدف از ایجاد این مهاجرت تاریخی و سرنوشت‌ساز، اشغال کامل کشور ایالات متحده آمریکا از درون بود. عجیب نباید باشد که امروزه بشنوید که نیویوریک تایمز فاش کرده است که: آریل شارون، دیک چنی، دونالد رامسفلد، ریچارد مایزر و مقالات شبکه خبری فاکس نیوز طراحان اصلی سیاست‌های کلان آمریکا به‌شمار می‌روند. به نوشته نیویورک تایمز این شبکه شبح مانند سرنوشت حاکمیت آمریکا را بدست گرفته و هر جاکه منافع‌شان در چهار چوب لابی صهیونیسم ایجاب کند آمریکا را سوق می‌دهند. نیویورک تایمز خاطر نشان

کرد نخست وزیر رژیم صهیونیستی معاون رئیس جمهور آمریکا و وزیر دفاع این کشور قدرت اصلی ایالات متحده را تشکیل می‌دهند و سیاست خاورمیانه واشنگتن را آنها ترسیم می‌کنند (توجه کنیم که از ۵/۲ میلیون نفر یهودی مهاجر، حدود دو میلیون نفرشان به ایالات متحده آمریکا رفتند، ۳۵۰ هزار نفرشان به اروپای غربی، تعدادی به آرژانتین و سایر کشورها و تعداد بسیار کمی به فلسطین. این بی‌توجهی به سرزمین فلسطین را در گذشته مثلاً در موج بزرگ مهاجرت یهودیان شبه جزیره ایبری در قرن شانزدهم، نیز می‌توان دید که درست مانند جریان اخیر براساس «تئوری مظلومیت و آوارگی» و به بهانه دروغین انگیزیسیون صورت گرفت.

در آن زمان نیز در حالی‌که انبوه یهودیان مهاجر در کانون‌های اصلی تجاری حوزه مدیترانه و غرب اروپا مستقر شدند، از سواحل لبنان و شمال آفریقا تا اسلامبول و ازمیر و سالونیک تا بنادر هلند، آلمان، ایتالیا، فرانسه، بلژیک و خیل کثیری از آنها به لهستان و شرق اروپا رفتند، تنها گروه بسیار ناچیزی به فلسطین رفتند که به طور عمده خاخام‌های سالخورده یهودی بودند. در موج اخیر نیز همین گرایش مشاهده می‌شود.

این امر نشان می‌دهد که هدف، چنگ‌اندازی بر «فرصت‌های بکر اقتصادی» بود و «آرمان‌گرایی دینی» تنها پوششی بود برای اهداف دیگر. البته با موج اخیر «مسئله فلسطین» برخلاف گذشته اهمیت جدی یافته بود و به این دلیل «آرمان صهیون» تابعی از چنگ‌اندازی استعماری بر منطقه استراتژیک خاورمیانه و شمال آفریقا نیز به‌شمار می‌رفت. باکشف نفت این منطقه از اهمیت فوق‌العاده برخوردار شد و به تبع آن «آرمان ارض موعود» یا صهیونیسم، نیز جدی‌تر شد.

اسطوره هولوکاست و سیطره بر آمریکا

در مورد اسطوره هولوکاست مصاحبه‌ای ترتیب دادیم گامی به سوی آزادی با پرفسور فردریک توبن عضو مؤسسه تجدیدنظرطلبان تاریخ و استاد دانشگاه‌های استرالیا که به شرح ذیل است:

▣ آقای دکتر توبن بسیار خرسندیم از اینکه شما را در ایران، به ویژه در کنفرانس بین‌المللی انتفاضه ملاقات می‌کنیم، به عنوان اولین سؤال تقاضا می‌کنم بفرمایید به عنوان

یک اروپایی با مسائل خاورمیانه و خصوصاً مسئله فلسطین تا چه حد آشنا هستید؟

▣ خوشحال هستم که در این کنفرانس حضور دارم و این نشان دهنده آن است که همه چیز رو به بهبود است. در سال ۲۰۰۱ سمیناری توسط سازمان ملل بر علیه نژادپرستی در آفریقای جنوبی برگزار شد. در این کنفرانس اسرائیل به عنوان یک رژیم صهیونیستی محکوم شد و کلیه اعضای شرکت‌کننده در این کنفرانس اسرائیل و عملکردهایش را محکوم کردند و اسرائیل به عنوان سمبل صهیونیسم معرفی شد اما ۴ روز بعد حادثه ۱۱ سپتامبر در آمریکا اتفاق افتاد. این حادثه تمام آن چیزی که در کنفرانس تصویب شده بود به هم ریخت و ۴ روز بعد از یازدهم سپتامبر رئیس جمهوری آمریکا جرج بوش به اصطلاح تلاش برای برقراری دموکراسی و آزادی را شروع کرد. جرج بوش گفت هر کس که به آمریکا تعرض بکند تروریست است. بوش گفت دنیای اسلام دنیای تروریسم است.

▣ لطفاً در مورد قضیه هالوکست توضیحی بفرمایید.

▣ در واقع با تحقیقات و مطالعاتی که ما انجام دادیم متوجه شدیم هیچ قضیه حقیقی در مورد هولوکست وجود ندارد در واقع هیچ کشتاری بر علیه یهودیان در زمان جنگ دوم جهانی اتفاق نیفتاد و قتل عام صهیونیست‌ها در اتاق‌های گاز هرگز اتفاق نیفتاده است و ۶ میلیون یهودی مورد ادعای یهودیان در اروپا کشته نشده‌اند.

بحث در مورد کوره‌های آدم‌سوزی و اتاق‌های گاز که یکی از خطوط قرمز اروپاست و هیچ کس حق ندارد وارد این محدوده‌ها شود و بنده بخاطر همین سخنان به مدت هفت ماه در زندان آلمان بودم و کرسی استادی دانشگاه را در آنجا از دست دادم به‌طور خلاصه که براساس سه پایه تعریف کرده‌اند از ریشه دروغ است اول دستور نازی‌ها به کشتن، که در منابع و اسناد به هیچ وجه چنین دستوری وجود ندارد سلاح‌های کشتن که چنین سلاح‌هایی اصلاً کشف نشده است و سوم وجود ۶ میلیون یهودی است که اصلاً در آن زمان در اروپا ۶ میلیون یهودی وجود نداشته است.

▣ در نهایت آقای دکتر توبن: می‌خواهم بدانم که شما آینده انتفاضه و قیام مردم فلسطین را چگونه پیش‌بینی می‌کنی؟

▣ اسرائیل باید برود و فلسطین باید بماند. هیچ چیز دیگری وجود ندارد ممکن است این قضیه یک سال، دو سال پنجاه و یا طی صد سال دیگر اتفاق بیفتد. اما این اتفاق قطعاً رخ خواهد داد و مردم فلسطین به پیروزی خواهند رسید.

در ادامه اسطوره پوگروم‌ها که زرسالاران یهودی غرب نیاز داشتند که جمعیت انبوهی را از یهودیان به آمریکا بکشانند اسطوره هالوکاست که به این واسطه یهودیان را آواره و مظلوم نشان می‌دادند توجیه دیگری بود برای این موج عظیم مهاجرت. نتیجه این شد که در آستانه جنگ دوم جهانی، شهر نیویورک با ۱/۵ میلیون سکنه یهودی به بزرگ‌ترین و متراکم‌ترین مرکز یهودی جهان تبدیل شد و در ساختار جهانی یهودیان همان مقامی را یافت که بندر آمستردام در قرن هفدهم از آن برخوردار بود. در این زمان در شیکاگو ۳۵۰ هزار نفر، در فیلادلفیا ۱۷۵ هزار نفر و در لندن ۱۵۰ هزار نفر یهودی استقرار یافته بودند. حضور این جمعیت انبوه و بسیار ثروتمند به سرعت چهره فرهنگی و اجتماعی جامعه آمریکا را تغییر داد. یهودیان به همراه خود حرفه‌های سنتی خویش را نیز از روسیه و شرق اروپا به دنیای جدید منتقل کردند از جمله ایجاد شبکه گسترده تجارت مشروبات الکلی. یهودیان مهاجر اروپای شرقی بنیانگذاران تجارت وسیع مشروبات الکلی در آمریکا هستند، این تجارت به اوج خود رسید و حیات اجتماعی و فرهنگی جامعه آمریکا را به خطر انداخت که در سال ۱۹۳۳ دولت آمریکا فروش مشروبات الکلی ممنوع کرد. یک نمونه معروف ساموئل برونفمن یهودی است که در کانادا سکونت داشت و بزرگ‌ترین تولید کننده مشروبات الکلی و مواد مخدر برای بازار ایالات متحده آمریکا به‌شمار می‌رفت.

او برای توزیع کالاهای خود شبکه مخوفی در آمریکا ایجاد کرد که آرنولد روتیشتین یهودی آن را اداره می‌کرد و بعداً مه یرلانسکی یهودی ریاست این شبکه را به دست گرفت.

کمپانی برونفمن که سیگرام نام دارد، هنوز نیز فعال است و فروش سالیانه آن فقط از طریق مشروبات الکلی بیش از یک میلیارد دلار است. خانواده برومنفمن مالک کمپانی نفتی ـ تگزاس ـ پاسیفیک نیز هستند که از بزرگ‌ترین کمپانی‌های نفتی ایالات متحده است.

مجتمع مطبوعاتی «دوپونت» کانادا نیز متعلق به برونفمن‌ها است. بنابراین سازمانی

که به نام «مافیای آمریکا» معروف شده برخلاف تبلیغات هالیوود که فقط گانگسترهای ایتالیایی را نمایش می‌دهد، از بدو تأسیس ابزار الیگارشی یهودی بوده و هست. در تاریخنگاری آمریکا، روتشتین را به عنوان «بنیانگذار تبهکاری سازمان یافته» در این کشور معرفی می‌کنند. گانگسترهای معروفی مانند: واکسی گوردون جک دیاموند و... نوچه‌ها و دست‌پرورده‌های روتیشتین بودند و او در مطبوعات آمریکا به عنوان «سلطان دنیای پنهان» شهرت داشت. از مه‌یرلانسکی، شاگرد و جانشین روتشتین، نیز به عنوان رهبر «شبکه جرم و جنایت سازمان یافته» در آمریکا یاد می‌شود. او شبکه بسیار وسیعی از قمارخانه‌ها و فاحشه‌خانه‌ها را در کوبای قبل از کاسترو، با هاماس و ایالات متحده در اختیار داشت. او در تمامی عملیات جنایی قابل تصور، از سرقت مسلحانه و فروش مواد مخدر و قمار و فحشای سازمان یافته تا سرقت کودکان و باج‌گیری و تجاوز به عنف و غیره و غیره، دست داشت و به قتل بسیاری از سران باندهای خود سرو مستقل تبهکار در نیویورک و نیوجرسی دست زد. جالب است بدانید که در سال ۱۹۷۰ دولت آمریکا برای دستگیری لانسکی اقدام کرد. لانسکی به اسرائیل فرار کرد و پس از دو سال جنگ حقوقی با دولت آمریکا سرانجام به این کشور بازگشت، محاکمه و تبرئه شد.

یکی دیگر از رهبران مافیای آمریکا، ویلیام ساموئل رزنبرگ معروف به «بیلی رز» است که او نیز مانند لانسکی و لوچیانو و زیگل و غیره، یهودی بود. بیلی‌رز از وابستگان برنارد باروخ یهودی، رئیس کمیته صنایع جنگی دولت آمریکا بود و تمام کارهایش را در مشاوره با باروخ انجام می داد. بیلی رز از سال ۱۹۲۴ شبکه بسیار گسترده‌ای از فاحشه خانه‌ها و کلوپ‌های شبانه (نایت کلاب) تأسیس کرد. وی در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ به نمایش «شو» نیز اشتغال داشت. یکی از شوهای او فقط طی یک هفته یک صد هزار دلار آن زمان فروش کرد. بیلی‌رز از این طریق به یکی از میلیاردهای آمریکا بدل شد. او، در کنار لرد ساسون و برونفمن‌های کانادا و دیگران یکی از رهبران اصلی سندیکای جهانی تجارت مواد مخدر بود. بیلی‌رز در سوئیس بانکی تأسیس کرد به نام بانک بین‌المللی اعتباری و از این طریق پول‌های حاصل از فروش مواد مخدر را جابه جا می‌کرد و عملیات مالی خود را سامان می‌داد. این آقای بیلی‌رز در سال ۱۹۶۵ سفری به اسرائیل کرد و کلکسیون مجسمه‌های فلزی خود را که بیش از یک میلیون دلار ارزش داشت به این دولت اهداء نمود و به بن‌گورین نخست وزیر وقت اسرائیل گفت «این مجسمه‌ها را

ذوب کنید و برای جنگ با اعراب با آن فشنگ بسازید!».[۱]

این موج مهاجرت که با جنگ دوم جهانی تکمیل شد واقعاً به معنای اشغال کشور آمریکا بود. در همه عرصه‌های مهم جامعه آمریکا همین وضع ایجاد شد. به عنوان مثال هالیوود بر بنیاد همین موج و به وسیله یهودیان ایجاد شد که می‌توان از آن به عنوان سینمای صهیونیسم نام برد. منظور ما از سینمای صهیونیسم آن دسته از فیلم‌هایی هستند که مروج افکار صهیونیستی باشند. سینمای صهیونیستی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. قبل از سال ۱۹۴۸ و بعد از سال ۱۹۴۸ قبل از سال ۱۹۴۸ . این فیلم‌ها قسمتی در فلسطین و قسمتی دیگر در ایالات متحده آمریکا و اروپا تولید شدند از جمله کارگردانان و فیلم‌های مشهور در این رابطه را می‌توان فیلم و زندگانی یهود در سرزمین موعود به کارگردانی جاکوب بن دون را نام برد. وی را پدر سینمای صهیونیستی لقب دادند یا فیلم «سرزمین» به کارگردانی هملرا و امات این فیلم در مورد جوانی یهودی است که خود را از چنگال نازی‌ها نجات و به حق خود نمی‌رسد مگر در فلسطین. سینمای صهیونیسم بعد از سال ۱۹۴۸ ایفاکننده نقش عظیمی به خصوص در ایالات متحده شد. بسیاری از کارگردانان برجسته هالیوود یهودی بودند و از نسل همان یهودیان مهاجر.[۲]

مثلاً ساموئل گلودین، یکی از دو بنیانگذار کمپانی متر و گلدوین مایر از خویشاوندان مه‌یرلانسکی تبهکار بود.[۳] این هالیوود بود که بسیاری از ایستارهای اخلاقی را در آمریکا و دنیای جدید دگرگون کرد مثلاً اولین فیلم تاریخ سینما که در آن حریم اخلاق سنتی مسیحی شکسته شد «ماه، آبی است» نام دارد که در سال ۱۹۳۵ ساخته شد، در این فیلم برای اولین بار واژه‌هایی مانند «آبستن» و «باکره» به کار رفت از زمان تولید این فیلم فقط ۴۵ سال می‌گذرد.[۴] این فیلم را با فیلم‌های جدید مقایسه کنید و ببینید در این دوره کوتاه چه تغییر عظیم و حیرت‌انگیزی در نظام اخلاقی غرب و دنیای پس از هالیوود رخ داده است کارگردان، این فیلم یک یهودی به نام اتوپرمینگر است و کمپانی سازنده‌اش یونایتد آرتیست. این آقای پرمینگر

---

۱. پژوهه صهیونیت: ج ۱، ص ۱۶۵.
۲. موسوعه الیهود والیهدیه والصهیونیه: ج ۳، ص ۱۵۳.
۳. همان: ص ۱۸۶.
۴. پژوهه صهیونیت: ج ۲، ص ۳۵۶.

سه سال بعد فیلم «مردی با دست‌های طلایی» را عرضه کرد و در این فیلم یک «نماد» اخلاقی دیگر را شکست و برای اولین بار به نمایش اعتیاد به هروئین پرداخت. او در فیلم بعدش که در سال ۱۹۵۹ یعنی ۳۹ سال پیش عرضه شد، برای اولین بار صحنه تجاوز جنسی را به نمایش گذاشت.

فیلم بعدی او اکسودوس است که روایتی صهیونیستی و به شدت ناجوانمردانه از تأسیس دولت اسرائیل را ارائه می‌دهد. در رسانه‌های رادیویی و تلویزیونی نیز همین حکمفرماست. تقریباً تمامی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی آمریکا را یهودیان تأسیس کردند و مالکیت آن به ایشان تعلق دارد، از « رادیو آمریکا تا تلویزیون کلمبیا» (س.بی.اس). روبرت مردوخ، که به سلطان رسانه‌ها شهرت دارد نامی آشناست در واقع در طول تاریخ بشری هیچگاه سرزمینی مستعدتر از آمریکای شمالی برای شکوفایی و بروز تمامی استعدادهای نهفته الیگارشی یهودی وجود نداشته است. در واقع می‌توانیم بگوییم که یهودی‌ها به دلیل روحیه مادی و فرهنگ خاصی که داشتند برای اینکه ثروت بیشتری به دست بیاورند وارد حوزه‌های از نظر اخلاقی ممنوعه می‌شدند.

سینما اکنون به مثابه یک نهاد تبلیغی عظیم شناخته شده است، تبلیغات سینمایی به صورت فعلی را می‌توان چنین توصیف کرد: این تبلیغات در خصوص یهود سکوت می‌کند، یهودیان به جز در موقعیت‌ها و شرایطی فوق‌العاده مطلوب و دلپذیر بر پرده سینما ظاهر نمی‌شود اما این تبلیغات مذاهب دیگر را مورد تهاجم قرار می‌دهند.

یک خاخام یهودی جز در بهترین کسوت‌ها بر پرده سینما ظاهر نمی‌شود. اما از باب مثال روحانیون مسیحی به اشکال مختلف، از مضحکه گرفته تا بزهکار بد جلوه داده می‌شود.

روحانیت کاتولیک به سرعت علیه تضییع منزلت روحانی خویش واکنش نشان دادند در نتیجه خشم شدید آنان یهود عقب نشست. اکنون هرگز نمی‌بینید که یک کشیش کاتولیک بر پرده سینما تحقیر شود ولی روحانی پروتستان همچنان به صورت شخصی قد بلند، مبتلا به زکام، ریاکار و متظاهر که در کاریکاتورهای ضد مسیحی ترسیم می‌گردد بر پرده ظاهر می‌شود.

پدیده‌ای بنام صهیونیسم مسیحی

عبداحلیم قندیل سرپرست روزنامه العربی چاپ مصر در مصاحبه با شبکه خبری العربیه گفت گروهی از مقامات آمریکا و اسرائیل مانند سایه بوش را به هر سمت که بخواهند هدایت می‌کنند او افزود بوش اکنون آریل شارون را به مثابه پدر روحانی خود می‌داند و فرامین او را اجرا می‌کند. قندیل همچنین گفت این مقامات درصدد ایجاد نظریه‌ای تازه به نام صهیونیسم مسیحی هستند.

صهیونیسم مسیحی واژه‌ای است که برای شاخه افراطی پروتستان‌های آمریکایی به کار می‌رود. این گروه به خاطر حمایت از اسرائیل بدین نام مشهور شده‌اند. مقاله‌ای که در ذیل می‌آید نگاهی به نفوذ این گروه در ساختار سیاسی آمریکا دارد.

سرویس خارجی

«جرج بوش» پسر درکوران مبارزات انتخاباتی خود برای تصدی پست فرمانداری ایالت تگزاس گفت: «کسانی که به عیسی مسیح ایمان ندارند هرگز وارد بهشت نخواهند شد» درج این سخن در روزنامه‌های (آمریکا) اعتراض یهودیان را برانگیخت، به طوری که بوش مجبور شد به جمعیت یهودی «فرزندان برث» نامه بنویسد و سخنان خود را تصحیح کند «من معتقدم اگر می‌خواهم وارد بهشت شوم باید مسیحی باشم».

«بوش» در سال ۲۰۰۰ با پیروزی بر رقیب خود «جان مکلین» به عنوان نامزد حزب جمهوریخواه معرفی شد، پس از این ماجرا مشخص شد که «کشیش پت روبرتسون» رهبر ائتلاف راستگرایان مسیحی از جرج بوش حمایت کرده است. در حقیقت این واکنشی به «جان مکلین» چراکه وی در سال ۱۹۹۶ از نامزدی ژنرال «کالین پاول» در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا حمایت کرده بود البته پاول در اثر فشار راستگرایان مسیحی مجبور شده بود از نامزدی خود در این انتخابات صرف‌نظر کند. لذا به خاطر همین رویکرد عجیب به‌نظر نمی‌رسد که گروه «سرود مسیح» مراسم افتتاح کنفرانس ملی حزب جمهوریخواه را افتتاح کند و بوش را رسماً به عنوان نامزد ریاست جمهوری این حزب معرفی نماید، همچنین عجیب نیست که بوش در خلال این کنفرانس از پسر کشیش «بیل گراهام» (یکی از بنیانگذاران راستگرای

مسیحی) دعوت کند تا مراسم دعای برکت را انجام دهد، در اینجا باید بگویم راستگرایان محافظه کار از حامیان اسرائیل به‌شمار می‌روند، آنان معتقدند حمایت از اسرائیل براساس دستورات انجیل است که سرانجام آن به جنگ بزرگ آرماگدون؟ (و سلطنت هزار ساله مسیح) منتهی می‌شود.

اکنون بیشتر اعضای وابسته به این جریان، سمت‌های مهمی در دولت بوش دارند و سیاست‌های داخلی و خارجی امریکا تحت سیطره آنان می‌باشد. به هر حال باید گفت (صهیونیست‌ها توانسته‌اند در میان مسیحیان نفوذ کنند و با راستگرایان ایشان ائتلافی بوجود آورند و آنان را در راستای اهداف و منافع اسرائیل به خدمت گیرند). حال در اینجا این سؤال مطرح می‌شود، ماجرای راستگرایان مسیحی چیست؟ میزان نفوذ آنان در تصمیم‌گیری‌های دولت آمریکا چقدر است؟ اهداف سیاسی مهم ایشان کدام است؟ راستگرایان دینی نقشه خاورمیانه را ترسیم می‌کنند. به‌نظر می‌رسد این‌گونه سؤالات صرفاً به مسائل داخلی آمریکا مربوط می‌شود. لذا ضروری است که ما برای شناسایی ریشه‌های استنباط‌های نظری و اعتقادات دینی راست‌گرایان مسیحی با تانی و آرامش تاریخ آنها را مطالعه کنیم. چراکه امروز ترسیم نقشه خاورمیانه در دست این گروه قرار دارد و حتی اگر بگوییم بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر گروه فوق برترسیم نقشه نوین جهان حاکم شدند، سخن اغراق آمیزی نگفته‌ایم. چراکه امروز شاهد هستیم آمریکا به‌طور یک جانبه به اداره کردن (بحران و مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی) در اقصی نقاط جهان می‌پردازد.

آمریکا در قرن ۱۶ میلادی توسط مهاجرین پروتستان (اروپایی) بنیانگذاری شده و همزمان با این مسئله جریان راستگرایان مسیحی نیز متولد گشت. لذا مذهب و کلیسای راستگرایان مسیحی در سرزمین جدید حاکم شد و بر بیشتر مناطقی که پیروان این جریان تا قرن هجدهم میلادی در آنجاها سکونت داشتند، سیطره پیدا کرد. بعد از آن، ایالات متحده شاهد مهاجرت گروه انبوهی از مسیحیان کاتولیک بود. این مسئله موجب شد تا کلیسای پروتستان از این واهمه پیدا کند که کلیسای کاتولیک رهبری دینی مردم را بدست گیرد و امتیازاتی که تاکنون در برابر دولت بدست آورده بود از بین ببرد و بدین رقیب کلیسای پروتستان شود. لذا قضیه

جدایی دین از سیاست را مطرح کرد. به طوری که توانست در سال ۱۷۸۹ اولین تعداد را در قانون اساسی آمریکا بوجود آورد و جدایی دین از سیاست را به مرحله اجراگذارد. در این ماده قانونی آمده است: «کنگره» هیچ قانونی در ارتباط با نهادینه کردن یا ممانعت از فعالیت‌های دینی تصویب نخواهد کرد.

مدت زمانی از ایجاد این تعدیل نگذشته بود که پروتستان‌ها یک ماده الحاقی با این مضمون به قانون اساسی این کشور اضافه کردند: «آزادی بیان دینی حق تمام ادیان است». باگذشت زمان و تغییر در جامعه و جهان، ایالات متحده آمریکا توانست باکمک این مهاجرین جدید یک ساختار نیروند اقتصادی و نظامی برای خودش بنیان‌گذارد و سپس دایره نفوذش را به خارج از مرزهای امریکاگسترش دهد. در نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مهاجرین پروتستان احساس کردند جامعه‌ای که ساخته‌اند ثروتمند است و با دیگر جوامع متفاوت می‌باشد. این احساس به آنان تأثیر منفی گذاشت. چراکه تصورکردند از دیگر ملت‌ها برترند و می‌توانند بر آنها تسلط پیداکنند. خطرناک‌تر از این مسئله اندیشه برتری طلبی است که در داخل راستگرایان مسیحی آمریکا بوجود آمد و به ظهورگروهی موسوم به تندروهای پروتستان منجر شد.

این گروه معتقد است آمریکا بخاطر برتری که دارد باید برکل جهان حاکم شود و این تفکر پایه‌ای برای توسعه امپراتوری شد. به هر حال به دنبال پایان یافتن جنگ دوم جهانی، چندگروه امریکایی با هدف سازماندهی مجدد خود در جامعه تحت نظارت و پوشش کلیسای پروتستان به بازسازی و شکافتن پوسته قدیمی خود دست زدند. آنها اقدام به تشکیل ائتلاف‌ها، سازمان‌ها، جمعیت‌ها و هیأت‌های چندی در چارچوب جامعه مدنی کردند مثل «سازمان اکثریت اخلاقی»، «ائتلاف انجیلی ملی» و ده‌ها سازمان و ائتلاف‌های دیگر. پس از آنکه این جمعیت‌ها، سازمان‌ها و هیأت‌ها از مرحله تنظیم و بنیانگذاری ائتلاف‌ها گذشتند، شروع به گسترش نفوذ خود در سراسر جامعه آمریکا بویژه در بخش‌های رسانه‌ای، فرهنگی و سیاسی کردند. آنها در تبلیغات انتخابی سرمایه گذاری کردند وکار خود را محدود به نامزدهای پروتستان نکردند بلکه این فعالیت نامزدهای لائیک و یهود... را نیز دربرگرفت. با این حال آنها

رعایت اصول مذهب پروتستان را نیز می‌کردند. نفوذ صهیونیسم در راستگرایان مسیحی درباره چگونگی گسترش راستگرایان مسیحی در جامعه مدنی آمریکا باید بگویم این گروه با کمک و ائتلاف لابی صهیونیستی در جامعه آمریکا رشد و نمو کرد. چراکه لابی صهیونیستی دارای کارشناسان بزرگ برجسته‌ای در سازماندهی هیأت‌ها، مؤسسات و جمعیت‌های مدنی بود.

لابی صهیونیستی به خوبی می‌توانست در راه تأمین منافع، فشار واردکند. این موضوعات سرانجام به ظهور جریانی قوی و نیرومند در داخل مذهب پروتستان منجر شد که به‌نام «صهیونیسم مسیحی» شناخته می‌شود. اکنون رهبری این جریان در آمریکا به عهده کشیش «پت روبروتسون» است. جریان فوق در آمریکا تحت عنوان «ائتلاف مسیحی» شناخته می‌شود که یک میلیون نفر عضو دارد. کشیش «پت روبرتسون» یک امپراتوری را اداره می‌کردند که بر مؤسسات بزرگ رسانه‌ای همچون شبکه خبری «فاکس نیوز»، «ان بی.سی» و «سی.ان.ان» تسلط دارد. مهمترین عقاید صهیونیسم مسیحی بر ۳ محور استوار است:

اول، ایمان به بازگشت حضرت مسیح علیه‌السلام و این بازگشت مشروط به برپایی دولت اسرائیل است.

دوم، تشکیل دولت اسرائیل و برپایی این دولت محقق نخواهد شد مگر با بازگشت یهودیان به فلسطین.

سوم، اینکه تنها شریعت خدا تورات است و این دین باید در فلسطین درباره یهودیان اجرا شود. چراکه آنان ملت برگزیده خداوند هستند.

در اینجا باید گفت که موضوعات فوق نقش اساسی در اعلامیه «بالفور» تشکیل دولت اسرائیل، مهاجرت یهودیان به فلسطین و حمایت وکمک به دولت تل‌آویو در چارچوب قوانین بین‌المللی داشت. فعالیت جریان صهیونیسم مسیحی با به قدرت رسیدن «رونالدریگان» رئیس جمهور اسبق آمریکا در سال ۱۹۸۰ اوج گرفت.

در دهه ۸۰ قرن بیستم بود که راستگرایان دینی و سیاسی باهم در آمیختند... این در حالی بود که ریگان به جریان راستگرایان سیاسی محافظه‌کار تمایل داشت و فردی متدین نبود.

با این حال ریگان راستگرایان مذهبی را به عنوان اسلحه مهم در جنگ سرد مورد استفاده

قرار داد. ریگان در آن زمان به شوروی «امپراتوری شر» لقب داده و این درست برخلاف سیاست همگرایی بود که ریچارد نیکسون رئیس جمهور اسبق آمریکا در دهه ۷۰ میلادی آن را در پیش گرفته بود.

در زمان ریاست جمهوری کلینتون نفوذ این جریان به‌طور آشکار نبود. اما در همین دوران بود که جریان مذکور توانست قانون مذهبی را در آمریکا به تصویب برساند. این قانون به دولت واشنگتن اجازه می‌دهد. تا در امور کشورهای جهان براساس مذهب مداخله کند. سپس قانون مذکور به عنوان راهنمایی درآمد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت و آن به یکی از اصول اساسی سیاست خارجی آمریکا تبدیل شد.

وقتی که بوش مجدداً متولد شد: «جورج بوش پسر» یکی از راست‌گرایان مذهبی آمریکا به‌شمار می‌رود. بوش قبلاً فردی دور از خدا بود. اما صبح یکی از روزهای سال ۱۹۹۵ به‌طور ناگهانی در خود احساسی را کشف می‌کند که باید به سوی خدا بازگردد این مسئله براساس تغییرات مذهب پروتستان «تجدد» نامیده می‌شود. یعنی بوش تبدیل به شخص دیگری شده و از نو متولد گشته و اکنون فردی متدین است براساس این معنا می‌توان گفت این اولین باری است که در تاریخ آمریکا یک فرد راستگرای دینی مسئولیت اداره حکومت این کشور را به عهده می‌گیرد و این جریان در بیشتر وزرات‌خانه‌های دولت بوش سیطره دارد و ساختار نظام دولت بوش را تشکیل می‌دهد این به غیر از آن است که معاون رئیس جمهور، وزیر دفاع، وزیر دادگستری و معاون وزیر دفاع آمریکا به این جریان وابستگی دارند. ذکر این نکته در این جا خالی از لطف نیست چنانچه مسلمانان بخواهند طلسم سیاست‌های خارجی آمریکا را بشکنند باید به‌طور کامل با نظرات و اعتقادات راستگرایان آمریکا آشنایی داشته باشند چرا که این جریان بر تمام ساختار سیاسی دولت بوش حاکمیت دارد به هر حال آشنایی با دیدگاههای دینی و فکری (این جریان) مانند عصای سحرآمیزی برای شکستن طلسم سیاست‌های خارجی دولت آمریکاست.

چه بسا آشنایی با اندیشه (جنبش تدبیری) که یکی از مهمترین و خطرناک‌ترین جنبش‌های اصولگرای صهیونیسم مسیحی است که ما را در درک و فهم اعتقادات دینی و نظری

ده‌ها سازمان و جنبش دیگر صهیونیسم مسیحی کفایت کند.

در اینجا مناسب است یادآوری کنم که «رونالد ریگان» رئیس جمهور اسبق آمریکا به این جنبش وابسته بود. خاطر نشان می‌شود جنبش تدبیر با تشکیل دولت اسرائیل در آمریکا شکل گرفت و در اواسط دهه ۸۰ میلادی بیش از ۴۰ میلیون آمریکایی در آن عضویت داشتند و اکنون بر تعداد زیادی از وسائل ارتباط جمعی آمریکا سیطره دارد و ایستگاه‌های تلویزیون ماهواره‌ای مخصوص را نیز در تملک خود دارد. البته مقامات بلند پایه کاخ سفید، شورای امنیت ملی بخش تصمیم‌گیری سیاسی وزرات خارجه و نظامیان متخصص در درگیری‌های اعراب و اسرائیل در این شبکه‌های تلویزیونی مشارکت دارند. این جنبش معتقد است که خداوند در کتاب مقدس خود به‌طور واضح خبرهایی را درباره چگونگی تدبیر خود در جهان هستی و سرانجام آن بیان کرده است. همانند برپایی دولت اسرائیل و بازگشت یهودیان به آن، سپس حمله دشمنان خدا به اسرائیل و شعله‌ور شدن جنگ اتمی «آرماگدون» (دشمنان اسرائیل)، روسیه و اعراب هستند یا به عبارت دقیق‌تر کمونیست‌ها و مسلمانان می‌باشند. جنگ هسته‌ای ویرانی‌های بسیار و میلیون‌ها کشته به جای می‌گذارد.

پس از این رخ‌دادها حضرت مسیح ظهور می‌کند تا پیروان خود را از آتشی که گرفتار آنند نجات بخشند. این همان چیزی است که یهودیان به آن ایمان دارند. سپس صلح و آرامش درحکومت حضرت مسیح استقرار می‌یابد. این حکومت هزار سال در زیر آسمان و روی این زمین جدید ادامه پیدا خواهد کرد.

همچنین اعضای وابسته به جریان جنبش تدبیری «مثل بقیه جنبش‌ها و سازمان‌های راستگرای دینی و صهیونیستی» براین نکته اعتقاد دارند که تشکیل دولت یهودی در سرزمین فلسطین نشانه نزدیک شدن ظهور حضرت مسیح علیه‌السلام است و تا زمانی که یهود به‌طور کامل بر فلسطین تسلط پیدا نکرده و قدس به عنوان پایتخت آنان به شمار نیامده است ظهور حضرت مسیح علیه‌السلام به تاخیر خواهد افتاد. البته پیش از ظهور حضرت مسیح علیه‌السلام جنگ اتمی میان اسرائیل و دشمنان واقع می‌شود تعداد بی‌شماری زندگی خود را در این جنگ از دست می‌دهند و این آخرین جنگ روی زمین خواهد بود.

شاید این اعتقاد برای ما بیان می‌کند که چرا آمریکا اصرار به مسلح کردن اسرائیل به سلاح‌های پیشرفته و اعطای فن‌آوری جدید و حمایت همه جانبه از اقدامات آن در سرزمین‌های فلسطینی و خارج از آن دارد و براساس اندیشه‌های صهیونیسم مسیحی ـ آمریکا آمادگی تحقق این پیشگویی‌ها و ضمانت پیروزی اسرائیل بر دشمنانش در این جنگ ویرانگر را دارد.

این اصطلاح در اصل همان «هرمجدون» است که اشاره به نام تپه‌ای با همین عنوان دارد.[۱]

حماسه یاران قدس

از روایات چنین بر می‌آید که بزرگترین جنگ‌های سفیانی نبرد بزرگ فتح فلسطین و جنگ با حضرت مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه) است که یهودیان و رومیان در این نبرد سفیانی از وی پشتیبانی می‌کنند و قائله باکشته شدن سفیانی و پیروزی حضرت حجت (عجل‌الله تعالی فرجه) و آزادی فلسطین و ورود آن حضرت به قدس پایان می‌پذیرد.

الله اکبر جرت تتردد — والقدس شاخصه المآذن تشهد
یوم اطلقها الفتی — عبرت الی ام الشهید تزعزد
قالت لها ثارتنالما تزل — یبراس ثورتنا یخی و یوتد

«ندای الله اکبر طنین‌افکن و بر زبان‌ها جاری شد. گلدسته‌های بلند قدس نیز این پیام را سر دادند روزی که این جوان برومند آوای الله اکبر را سر داد این پیام به مادر شهید رسید و او نیز هلهله کرد به او گفت انتقام ما همواره مشعل پر فروغ و نورانی انقلابمان است».

مقدمه فصل دوم

اشغال سرزمین فلسطین و بنیانگذاری رژیم غاصب صهیونیستی به شکل ناگهانی،

---

۱. پیشگوئی‌های آخرالزمان ـ موعود عصر: ۱۳۸۲ / کیهان ۴۲۲۵.

مطمئناً همانطور که در بخش پیشین گذشت در نتیجه بیانیه تـقسیم فـلسطین در سـال ۱۹۴۸ نبوده است بلکه زائیده نقشه شیطانی وکهنه‌ای بوده که نظام سلسله جهانی ابزار تحقق آن را در صهیونیسم به‌گونه سیاسی یافته بود.

اما چه شدکه صهیونیسم جهانی که ائتلاف قدرت‌های سلطه‌گر جهانی تشکیل شده بود فلسطین را برای تشکیل حکومت انتخاب نمود. صهیونیسم پس از سیطره بر منابع اقتصادی سیاسی اروپا و آمریکا طی قرن‌های ۱۶ به بعد مـتوجه مـنابع سـرشار اقـتصادی و مـوقعیت استراتژیکی فوق‌العاده خاورمیانه شد.

اما این منطقه به علت حضور یکپارچه دولت عرب مسلمان و نگاهی که اسلام به حضور کفار (به معنای عام) در سرزمین‌هایش داشت و مشکل همیشگی ایجاد موج مهاجرت یهودیان به منطقه موانع را برای صهیونیسم چند برابر کرد اما به وجود آمدن جنگ جهانی اول که نهایت آن منتهی به تجزیه حکومت عثمانی شد و طی پیمان سایس ـ پیکو در سال ۱۹۱۶ استان‌های عربی و تشکیل کشورهای مختلف با موضع‌گیری‌های سیاسی مختلف حکمرانان که صهیونیسم از جنایت بعضی از سران نهایت استفاده راکرد صهیونیسم چون نمی‌توانست مثل اروپا با وجود آوردن تز دولت در دولت یا مثل آمریکاکه به راحتی بر تمام منابع اقتصادی و سیاسی دست یافته بود بر منطقه دست یابد نیاز به دولتی و سرزمینی پیداکرد تا از لحاظ دیپلماتیک گشایشی مرزها هدف خود را عملی کند.

از آنجاکه سرزمینی به نام فلسطین که در جنوب غربی شام یعنی در غرب قاره آسیا، در ساحل شرقی دریای مدیترانه و در تقاطع سه قاره بزرگ آسیا، اروپا و آفریقا واقع شده بود و باگشایش کانال سوئز بر اهمیت آنجا افزوده شده بود و نفت وکشورهای عرب برای رسیدن به اروپا و آمریکا وکشتی‌های حمل کالاهای اروپایی برای فروش آنها در بازارهای جهان عرب از آنجا می‌گذشت از لحاظ موقعیت استراتژیک بهترین گـزینه بـرای صـهیونیسم از جـهت اقتصادی بود.

همچنین از لحاظ نظامی تجارب نشان داده‌که سرنوشت مصر و سرزمین‌های شام به‌طور دائم با سرنوشت فلسطین در ارتباط است و دفاع از مصر و سرزمین شام از فلسطین شروع می‌شود

پس همیشه می‌توانست فلسطین مقدمه‌ای برای کشورهای عرب مجاور باشد و این نیز فاکتوری بزرگ برای حضور دولت صهیونیستی در سرزمین فلسطین باشد.

از طرفی دیگر به علت پیشینه فرهنگی این سرزمین از قرن‌ها پیش و حضور پیغمبران مختلف در قدس و وجود تپه صهیون که نماد دولت یهودی است (به علت حکومت حضرت داود در آن منطقه) در آنجا مشکل اسطوره‌سازی برای ایجاد موج مهاجرت یهودیان و انحراف افکار بین‌المللی به راحتی حل می‌شد.

بنابراین صهیونیسم با حمایت دولت انگلستان طی یکسری روابط دیپلماتیک پا به منطقه گذاشت و تا به امروز در راستای دستیابی به اهدافش از هیچ کوشش سیاسی فرهنگی اقتصادی و تروریستی تحت عنوان اسرائیل برای دست یابی به منطقه فروگذاری نکرده است.

اما اینجا از تاریخچه حضور صهیونیسم و تشکیل حکومت غاصب اسرائیل می‌گذریم و بحث را به اینجا می‌کشانیم که با تمام تدابیری که صهیونیسم مبانی برای حضورش در این منطقه اندیشید همه قوایش را بکار گرفت تا بتواند اهداف شومش را به منصه ظهور برساند. جوانانی پیدا شدند که با دستانی خالی و با دلی پر امید و عشق به وطن و اسلام بر قلب این سفاکان حمله برده‌اند و تمام معادلات دنیوی آنها را با معادلاتی اخروی برهم زده‌اند و رو به سوی پیروزی حرکت می‌کنند.

انتفاضه فلسطین

هنگامی که انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی‌ﷺ در سال ۱۹۷۹ م / ۱۳۵۷ هـ شکل گرفت، ناحوم گولدمن، یکی از مؤسسان کنفرانس جهانی و از بزرگ‌ترین حامیان برپایی وطن ملی یهود در فلسطین، و رئیس وقت صندوق یهود، در کتاب مهم خود تحت عنوان اسرائیل به کجا می‌رود، نوشت:

«این جزیره یهودی در اقیانوس عربی اطراف خود از بین خواهد رفت و شانس آن خیلی محدود خواهد بود».

در ابتدا کمتر کسی به این تحلیل و پیشگویی وی توجه کرد، اما با پیروزی و حمایت

انقلاب اسلامی ایران از نهضت مردم فلسطین، و آغاز انتفاضه در سرزمین‌های اشغالی این نظر به واقعیت تبدیل شد که جزیره مزبور (یهودی) از بین خواهد رفت، اما نه در میان اقیانوس عربی پیرامون خود. بلکه در میان امواج پر تلاطم انقلاب اسلامی که از شرق شروع شده است و دامنه‌ی آن فلسطین اشغالی را نیز فرا خواهد گرفت.

انتفاضه،[۱] یا قیام فراگیر فلسطین اشغالی، یا آن جبهه به نام انقلاب مساجد یا معجزه‌ی قرن بیستم نامیده شده، اولین جهاد مردم فلسطین بر ضد رژیم صهیونیستی اسرائیل نیست و طبیعتاً آخرین آن نیز نخواهد بود. بلکه حرکتی مردمی و حلقه‌ی بارزی است از سلسله و زنجیره‌ی جهاد تاریخی مردم فلسطین، که از سال ۱۹۴۸ ، به اتحاد و روش‌های گوناگون، در قالب‌های حزبی و گروهی و حرکت‌های مردمی و یا اعتصاب جریان داشته است. به‌طور کلی نمی‌توان انتفاضه را از تاریخ فلسطین و مبارزه با دشمن صهیونیستی جدا کرد. مبارزه‌ای که از زمان سلطه‌ی استعمار انگلیس براین سرزمین شروع شد، و با تشکیل دولت اسرائیل ادامه یافت، و با تشکیل جنبش‌های مقاومت فلسطینی از سال ۱۹۶۵ ، قالب و شکل حزبی و گروهی به خود گرفت. تا این‌که جزیان‌های سیاسی مدعی فلسطینی، به دلایل گوناگون، از مرکزیت مبارزه با رژیم صهیونیستی خارج شدند، و روز به روز مشعل مبارزه با این رژیم، رو به افول و خاموشی گرائید. اما در مقابل آن، انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی﵀ با وارد کردن اسلام به صحنه‌ی مبارزاتی مردم فلسطین، به کالبد و جسم نیمه جان نهضت فلسطین که رو به سردی گرائیده بود جانی دوباره بخشید. در نتیجه، دوباره آتش زیر خاکستر انقلاب فلسطین شعله‌ور شد، و در انتفاضه دسامبر ۱۹۸۷ میلادی تبلور یافت.

انتفاضه‌ی فلسطین، صرف‌نظر از عوامل متعدد شکل‌گیری آن، بدون هیچ وابستگی گروهی یا سازماندهی قبلی جریان‌های سیاسی مقاومت وابسته به دولت‌های عربی و با الهام از انقلاب اسلامی ایران به منصه ظهور نشانیده شد و وجه تسمیه انقلاب مساجد را به خود اختصاص داد. از آن‌جا که این قیام، بزرگ‌ترین دستاورد و پیامد تجربه‌ی نهضت فلسطین در

---

۱. انتفاضه از نفض گرفته شده و به معنای لبریز شدن و سررفتن مظروف از داخل ظرف است، به همین لحاظ به قیام مردمی و سراسری در سرزمین‌های اشغالی فلسطین که فراگیر شد، و همه گروه‌های مردمی را دربرگرفت، انتفاضه اطلاق می‌شود.

ظرف سال‌های مبارزه، به ویژه از سال ۱۹۴۸ م تاکنون است، ضروری است به منظور شناخت بهتر و درک عمیق‌تر ماهیت و بازتاب و پیام‌های آن، مسائل زیر را به‌طورگذرا و مختصر بررسی کنیم:

الف) عوامل مؤثر در پیدایی انتفاضه فلسطین.

ب) اقدامات سرکوبگرانه اسرائیل در انتفاضه.

ج) نیروهای شرکت‌کننده در انتفاضه.

د) دستاوردها و پیامدهای انتفاضه.

عوامل مؤثر در پیدایی انتفاضه

انتفاضه‌ی فلسطین را نمی‌توان تابع علت واحدی دانست، و یا پیدایی وگسترش آن را در چندین علت خلاصه‌کرد. بلکه شروع این قیام فراگیر و استمرار آن، بدون شک تابع علل و عوامل متعددی در ابعاد محلی منطقه‌ای و جهانی است‌که به مهم ترین آنها اشاره می‌شود:

۱ـ عوامل فلسطینی

به نتیجه نرسیدن مبارزات پیشین گروه‌های فلسطین در طی مبارزات‌که در شکل‌ها و قالب‌های گوناگون و متعدد سیاسی چپ و غیرمذهبی شکل‌گرفته بود، نه تنها پیروزی ملت فلسطین ضداشغالگری صهیونیسم را به ارمغان نیاورد، بلکه موجب اختلاف بین طبقات گوناگون فلسطینی و ناکامی فلسطینیان در برابر رژیم صهیونیستی شد. این‌گروه‌ها، علاوه براختلاف‌هایی که با یکدیگر داشتند، مبارزه خود بر ضد رژیم صهیونیستی را در خارج از سرزمین‌های اشغالی فلسطین سازماندهی کردند، آن هم به صورت محدود، غیرمستمر و مقطعی. این گروه‌ها و سازمان‌های مقاومت پایگاههایی در کشورهای همجوار فلسطین اشغالی مثل سوریه، مصر، اردن لبنان و حتی دیگرکشورهای عربی همچون عراق، لیبی و الجزایر داشتند و لذا مجبور بودند سیاست‌های خود را با سیاست‌های رژیم عربی همسو و هماهنگ‌کنند. در این صورت، مبارزه با رژیم اشغالگر قدس، منوط به رضا و توافق این رژیم‌ها بود. در حالی‌که برخی از این

رژیم‌ها به سبب ماهیت استبدادی و سر سپردگی به قدرت‌های استعماری غربی، و بعضی دیگر به علت ترس از انتقام اسرائیل، و تعدادی نیز به دلیل نگرانی از تأثیر فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و نظامی مبارزاتی متناسب با فلسطین بر جامعه و مردم خود، سعی می‌کنند تا الگو و شیوه‌ی مبارزاتی متناسب با وضع خود را بر فلسطینی‌ها تحمیل کنند.

اختلاف‌های گروهی و تفرقه نیز عامل دیگری بود که گریبانگیر مقاومت فلسطین تا پیش از انتفاضه بود. زیرا هر یک از کشورهای عربی، پس از این که در سال ۱۹۶۷ م جنبش مقاومت فلسطین را خطری برای خود احساس کردند، اقدام به ایجاد و یا تقویت جناح‌ها و افراد وابسته به خود در سازمان آزادی‌بخش فلسطین کردند. یعنی هرکدام، جناحی در داخل مقاومت فلسطین تشکیل دادند، که اولین هدف و ماموریت آن، حفظ منافع کشور مورد نظر خود در مسئله فلسطین بود. این اختلاف‌ها و جناح‌بندی‌ها در داخل مقاومت فلسطین، پدیده‌ای شوم و مسموم برای مبارزات ضد صهیونیستی فلسطینی‌ها بود، زیرا در بعضی موارد، اختلاف‌ها آن قدر عمیق و گسترده شد که از انشعاب و تحزب و گروه گرایی بالاتر رفت، و حتی به درگیری مسلحانه و تصفیه‌های خونین میان آن‌ها انجامید.

در بعد مبارزه با رژیم صهیونیستی نیز فلسطینی‌ها تا پیش از انتفاضه نه تنها نتوانستند پیشرفت و تحولی داشته باشند، بلکه در مقایسه با مبارزات سال‌های اولیه‌ی پس از اشغال فلسطین (۱۹۴۸) نیز فاصله بیشتری تا پیروزی و تشکیل کشور مستقل فلسطینی پیدا کردند. در جنگ‌های عرب و اسرائیل، در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ میلادی، کشورهای عربی، علی‌رغم برتری نیرویی، نتوانستند به موفقیت چشم‌گیری دست یابند، هر سال که از اشغال فلسطین می‌گذشت، مبارزه با رژیم اشغالگر قدس از شکل و محتوی نظامی خارج می‌شد، و بیشتر جنبه سیاسی و دیپلماسی پیدا می‌کرد. به نحوی که فلسطینی‌ها در برخورد با اسرائیل دو گام به عقب و یک گام به جلو می‌گذاشتند. تا آنجا که فلسطینی‌های ساکن سرزمین‌های اشغالی، دچار احساس سرخوردگی عمیق شدند و تصمیم گرفتند که به جای دل‌بستن به نیروهای سازمان آزادی بخش فلسطین و ارتش کشورهای عربی، در فکر چاره‌ای دیگر باشند.

آن‌ها شاهد انحطاط و فروپاشی مبارزات سازمانی، سیاسی و دیپلماسی عرب‌ها، در برابر

تقویت سلطه اسرائیلی‌ها بر سرنوشت و سرزمین خود و احداث مداوم شهرک‌های مهاجرنشین یهودی می‌شدند. لذا به فکر ایجاد حرکتی وسیع و مردمی و غیروابسته بر ضد اسرائیل در داخل سرزمین‌های اشغالی فلسطین افتادند.

۲ ـ عوامل منطقه‌ای

الف) انقلاب اسلامی ایران: پس از اینکه مردم فلسطین، تجربه‌های تلخ رهبران سیاسی خود را پشت سر گذاشتند، و هیچ روزنه‌ی امیدی در داخل افق و آرزوهای آن‌ها هویدا نشد، انقلاب اسلامی ایران شکوفا شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ هـ ش به رهبری حضرت امام خمینی‌ﷺ، انوار مقدس آن بر منطقه تابید و مراحل رکود و تاریکی و یاس و ناامیدی را از صحنه فلسطین زدود. انقلاب اسلامی ایران از آغاز، شعار آزادی قدس شریف و فلسطین را از چنگال رژیم اشغالگر قدس و فرزند نامشروع نظام سلطه جهانی، سرداد. امام خمینی‌ﷺ مسلمانان جهان را به بسیج تمام توان و امکانات خود برای رویارویی با صهیونیسم غاصب دعوت کرد، و شعار نابودی اسرائیل را سرلوحه فعالیت‌های مسلمانان قرار داد.

جمهوری اسلامی ایران نیز به تبعیت از رهبر و بنیانگذار خود، اولین سفارت فلسطین در جهان را در تهران بازگشایی کرد. مدتی از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نگذشت که موج اسلام‌خواهی درکشورهای مسلمان منطقه شروع شد. نسل جوان فلسطینی که از مبارزات صوری و غیراصولی سازمان‌ها وگروه‌های فلسطینی، در قالب‌های سوسیالیسم و مارکسیسم و ملی‌گرایی عربی مأیوس و ناامید شده بودند، روح انقلابی حاکم بر ایران را لمس کردند. به تدریج با مطرح شدن ایدئولوژی اسلام از ناحیه انقلاب ایران در برخورد با مشکلات جهان اسلام، به ویژه مسئله فلسطین، تصور جدیدی در اذهان پیدا شد. که در آن، نشانه‌های انقلاب و سرکشی و طغیان بر ضد اشغالگران آشکار بود.

اما این مرتبه طغیان و قیام مردم فلسطین جدی‌تر نمایان شد و از بحث و سازش با اسرائیل در آن خبری نبود. آن‌ها راه خلأ موجود در صحنه‌ی مبارزاتی در فلسطین را یافتند و به سوی مذهب روی آوردند. لذا، گرایش به اسلام در نسل جدید فلسطینی وگسترش نشانه‌های آگاهی

و ظلم ستیزی. که با دین حنیف الهی تطابق داشت، شروع شد و نقش گروه‌ها و احزاب ملی و چپ‌گرا روز به روز در داخل فلسطین اشغالی کمرنگ و ماهیت واقعی آنها مشخص شد.

این روحیه به سرعت در ضمیر انسانی و روان گروه‌های مختلف مردم فلسطین در شهرهای غزه، الخلیل، طولکرم و بیت‌اللحم که در زیر فشار سر نیزه اسرائیلی‌ها قرار داشت، شاهد شکوفایی تفکر جدیدی شد که از انقلاب اسلامی ایران و بنیانگذار آن حضرت امام خمینی‌ﷺ الهام می‌گرفت و بر کلیه‌ی اندیشه‌های سیاسی و سازش کارانه‌ی چپ و راست خط بطلان می‌کشید. با احیای این تفکر در فلسطین، مبارزات سیاسی سازمانی وگروهی خارج از مناطق اشغالی روبه افول نهاد و اولین آثار انتفاضه فلسطین در سال ۱۹۸۷ هویدا شد.

ب) مقاومت اسلامی لبنان: بحث در مورد انتفاضه‌ی فلسطین به طور ناخودآگاه ذهن انسان را متوجه عوامل و پارامترهای دیگری در بعد منطقه‌ای آن می‌کند، که بدون شک اولین محور آن لبنان و به طور دقیق مقاومت اسلامی است. پس از اشغال جنوب لبنان و تسلط صهیونیست‌ها بر آن، در سال ۱۹۸۲ مقاومت اسلامی لبنان، به حق ـ در خلال مقاومت مسلحانه‌ی مردمی خود در جنوب لبنان در برابر اسرائیل اشغالگر ـ نمونه پویا و زنده‌ای از حرکتی جهادی و انقلابی را به نمایش گذاشت.

پس از تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان در این سال، و شکست طرح‌های سازشکارانه سیاسی ـ نظامی رهبران سیاسی سازمان آزادی‌بخش فلسطین و پس از آشکار شدن ماهیت دولت‌های سازشکار عرب، مقاومت اسلامی که پا به صحنه‌ی سیاست و عرصه کارزار با صهیونیست‌ها گذاشته بود نقطه عطف جدیدی در کشمکش‌های عرب‌ها و اسرائیل به وجود آورد، که دارای اصالت و ماهیت اسلامی بود. مقاومت اسلامی لبنان با تمسک به همین خط و روش توانست طرح صهیونیست‌ها را در لبنان به شکست بکشاند و نیروهای متجاوز و متجاسر آن را مجبور به عقب‌نشینی از این کشور کند.[۱]

حرکت‌های چشم‌گیر و جهادی مقاومت اسلامی در تمام جهان اسلام منعکس و آثار آن به خوبی در فلسطین اشغالی آشکار شد. جوانان فلسطینی که شاهد عملیات متهورانه و استشهادی

---

۱. صفا تاج مجید، انتفاضه، کیهان: ۱۴۶۶۲، ۱۳۷۱/۱۰/۵ ش.

مقاومت اسلامی بودند وضع خود را در مناطق اشغالی فلسطین و با وضع مسلمانان جنوب لبنان مقایسه کردند. آنها دریافتند روحیه‌ای که در جنبش انقلابی نیز کارساز و موثر باشد و پیروزی بر دشمن در یک منطقه و جبهه محدود نیست و امکان پیروزی در جای دیگری وجود دارد.

با این روش مقاومت اسلامی لبنان روحیه جهادی و مبارزات ضد صهیونیستی در داخل فلسطین از نو برانگیخته شد. آنان توانستند اعتقاد به خداوند و اعتماد به نفس و انگیزه‌های مقاومت و انقلاب را در دل کلیه‌ی طبقات فلسطینی در برابر اسرائیل زنده کنند. آغاز دوم انتفاضه مسجدالاقصی پس از اقدام شارون جنایتکار در ورود به حرم شریف قدس با حمایت ۲۰۰۰ سرباز صهیونیست اتفاق افتاد در این انتفاضه تا اول تیرماه ۱۳۸۲ بیش از ۲۵۲۷ فلسطینی به شهادت رسیده و بیش از ۶۰ هزار نفر مجروح شده‌اند. ضمناً دراین انتفاضه تا این تاریخ ۷۶۸ اسرائیلی به هلاکت رسیده‌اند.[۱]

به این ترتیب، ملت مسلمان فلسطین با بهره‌گیری از انقلاب اسلامی ایران و مقاومت اسلامی لبنان مصمم شد تا با اعتقاد به اسلام و برخورداری از روحیه انقلابی، مرحله جدیدی را برای مبارزات رهایی‌بخش خود ترسیم کند. آن‌ها درک کردند که دامنه انقلاب اسلامی به یک محدوده جغرافیایی منحصر نیست و شعاع آن فراتر رفته است و به زودی تمام دنیای اسلام را در برمی‌گیرد. انقلابی که عظمت اسلام را نمایان کرده و امت اسلامی را از مرحله‌ی ذلت و خواری و خضوع در مقابل استکبار و عوامل دست نشانده‌اش به مدارج پیروزی و رهایی و استقلال می رساند.

ج) خیانت بعضی از سران عرب: ملت مظلوم فلسطین از همان هنگامی که کشورشان با تبانی و توافق کشورهای استعمارگر، تحت قیومیت و سلطه‌ی انگلیس قرارگرفت اولین ضربات تازیانه‌های ظلم و تجاوز را بر پیکر خود احساس کرد. با تشکیل دولت اسرائیل به کمک استعمار انگلیس و با تبانی سران خیانتکار عرب ملت فلسطین کاسه زهر محرومیت و جدایی از سرزمین اجدادی خود را سرکشید. از آن زمان به بعد در زیر سلطه‌ی رژیم صهیونیستی به زندگی برزخی خود ادامه داد.

---

۱. پایداری فلسطین از نگاه تاریخ و سرزمین: ص ۲۹.

هر روز که از زمان اشغال فلسطین می‌گذشت بر درد و رنج آنان افزوده می‌شد. زیرا از یک سو رژیم صهیونیستی با خشونت ترور جنایت و دیپلماسی پنهان و اشکار خود در صحنه‌ی جهانی و منطقه‌ای سعی در تحکیم سلطه‌ی خود بر فلسطین اشغالی و کسب موقعیت برتر در منطقه داشت، و از سوی دیگر، برخی کشورهای عربی، به ویژه مصر به سوی سازش با رژیم صهیونیستی و فراموش کردن تاریخ و تمدن و مبارزات ملت فلسطین گام برداشتند.

در بین کشورهای عربی، سادات، رئیس جمهور مصر، قرداد ننگین کمپ دیوید را با رژیم صهیونیستی امضاکرد. وی علاوه برخارج کردن بزرگترین و پر جمعیت‌ترین کشور عربی از خط کشمکش عربی ـ اسرائیلی، ضربه شکننده‌ای بر پیکر فلسطین واردکرد، و تمام آرمان‌ها و آرزوهای مردم فلسطین راکه چشم امید به ارتش آن کشور دوخته بودند، نقش برآب کرد. لذا، آنان به این نتیجه رسیدند که: «کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من». به این دلیل:

«فعالیت جوانان مسلمان فلسطینی پس از شکست کشورهای عربی در جنگ ۱۹۶۷ و رویکرد آن‌ها به سازش با اسرائیل، شکل انفرادی و سازمان یافته به خود گرفت. جهاد بر ضداسرائیل، از سوی جوانان شهادت‌طلب آغاز شد و در کرانه غربی و نواره غزه، از سال ۱۹۸۵ ، عملیات فردی علیه صهیونیست‌ها در شهرهای اشغالی فلسطین رو به افزایش نهاد، و قیام پراکنده، مثل پرتاب سنگ علیه ارتش اسرائیل بعضی از خیابان‌ها را فراگرفت».

۳ ـ سرکوب و شکنجه فلسطینیان

رژیم صهیونیستی همواره در راستای اهداف تجاوزکارانه و توسعه طلبانه ی خود، به سرکوب فلسطینیان در کرانه غربی و نور غزه اقدام کرده است. این اقدامات، در دوره ی بین سال‌های ۱۹۶۷ ـ ۱۹۸۷ از شدت بیشتری برخوردار شد.

به ویژه با اقداماتی ضد بشری نظیر: کشتار جوانان، زندانی کردن آن‌ها بدون تحقیق، بازداشت و اقامت اجباری افراد، انهدام منازل، بیرون راندن عرب‌ها، جلوگیری از ورود فلسطینیان به وطن‌شان، بستن مؤسسه‌های آموزشی و اجتماعی و تحمیل مالیات‌های سنگین

بر مردم، جلوگیری از احداث منازل مسکونی و ساختمان‌ها در روستاها، به وجود آوردن مشکل‌های اقتصادی بر فلسطینیان و... در این راستا، حکومت اسرائیل بیش از هزار منزل مسکونی را منهدم کرد، و چندین روستا را به بهانه‌ی مسائل امنیتی و توسعه‌ی خیابان‌ها به‌طور کامل از بین برد. رژیم صهیونیستی همچنین در مدت بیست سال (۱۹۸۷ ـ ۱۹۶۷) بر ۵۲ درصد از زمین‌های کرانه غربی، و ۳۳ درصد از زمین‌های نوار غزه استیلا یافت، و تعداد مستعمره‌های یهودی‌نشین فقط در کرانه غربی، به بیش از ۱۴۹ مستعمره، و شمار ساکنان آن‌ها به بیش از ۶۵ هزار تن بالغ شد.

رژیم صهیونیستی همچنین برخی از مراکز مقدس مسلمانان و مسیحیان را مورد تعرض قرار داد، که تظاهرات اعتراض‌آمیز وسیعی علیه آن به وجود آمد. از جمله‌ی این اقدامات تعرض‌آمیز و تجاوزکارانه، می‌توان آتش زدن منبر صلاح الدین ایوبی در مسجد الاقصی، در ۸/۲۱/ ۱۹۶۹ که تظاهرات گسترده‌ای از مسجد الاقصی علیه صهیونیست‌ها شروع شد. هجوم ارتش اسرائیل به حرم مسجد الاقصی و تیراندازی به سوی نمازگزاران در صحن مسجد، که ده‌ها تن مجروح شدند، و نیز تلاش صهیونیست‌ها برای انفجار و انهدام مسجد الاقصی، و نیز تلاش آنها برای انهدام مسجد به وسیله هواپیماهای بمب افکن. تجاوزات دیگری نیز در تاریخ یازدهم آوریل ۱۹۸۲ از سوی ارتش اسرائیل به این مسجد انجام گرفت، که عده‌ای از نمازگزاران به شهادت رسیدند و ده‌ها تن نیز زخمی شدند. اقدامات وحشیانه و سرکوبگرانه‌ی رژیم صهیونیستی علیه فلسطینیان و اماکن مقدس اسلامی و مسیحی فلسطین، همچنان، علی رغم محکومیت جهانی آن، ادامه یافته است.

۴ ـ عوامل جهانی و بین‌المللی

حمایت‌های بی‌دریغ و مستمر قدرت‌های جهانی به ویژه آمریکا از رژیم صهیونیستی، در مجامع گوناگون جهانی، به خصوص در سازمان ملل متحد، و نیز نشستن برخی از کشورهای عربی به پشت میز مذاکره با اسرائیل، سبب شد تا به مرور زمان، رژیم صهیونیستی از انزوای سیاسی در صحنه‌ی جهانی و بین‌المللی و نیز تحریم‌های سازمان ملل خارج شود. نیز با بسیاری از کشورهای

آفریقایی روابط دیپلماتیک برقرار کند، و از تحریم‌های اقتصادی عرب‌ها رهایی یابد. تا آن‌جاکه موفق شد بخش عظیمی از یهودیان (فالاشه) اتیوشی را به سرزمین اشغالی فلسطین انتقال، و آن‌ها را در شهرک‌های یهودی‌نشین اسکان دهد.

از سوی دیگر سیاستی راکه گورباچف (آخرین رئیس جمهوری شوروی سابق) از زمان به دست‌گیری قدرت در سال ۱۹۸۵، تحت عنوان پروسترویکا و گلاسنوست دنبال کرد، به روند انتقال گسترده‌ی یهودیان شوروی به اسرائیل شدت بخشید. سقوط کمونیسم در اروپای شرقی و فروپاشی اردوگاه شرق که تا دیروز از حامیان حقوق فلسطینیان بود، و نیز برهم خوردن توازن قوا به نفع غرب که از حامیان اسرائیل بود، موجب شد تاکشورهای کمونیستی و سوسیالیستی که از زیر چتر شوروی رها شده بودند، برای رهایی از مشکلات داخلی و معضلات اقتصادی که از نظام کمونیستی به آن‌ها به ارث رسیده بود، به برقراری روابط دیپلماتیک با اسرائیل روی آوردند. لهستان، مجارستان و چک اسلواکی، در ابتدا، و سپس بلغارستان، پس از ۲۳ سال قطع رابطه با اسرائیل، مجدداً روابط سیاسی خود را با این رژیم از سرگرفتند.

این رویدادها به دنبال فروپاشی بلوک شرق و روی‌آوری به سوی برقراری روابط دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی، به قدری در صحنه‌ی داخلی و جبهه‌ی مبارزاتی فلسطینیان تأثیر منفی گذاشت که برخی گروه‌های عضو جنبش مقاومت فلسطین نتوانستند نگرانی و موضع انفعالی و ناامیدانه‌ی خود را پنهان کنند. نماینده‌ی سازمان آزادی‌بخش فلسطین در فرانسه (ابراهیم الصوص)، در مصاحبه با مجله هفتگی با ساچ، در آوریل ۱۹۹۰ اظهار داشت:

«تجدید روابط دیپلماتیک بین کشورهای اروپایی شرقی و اسرائیل ممکن است به صلح (!) کمک کند».

وی همچنین اضافه کرد:

«کنار گذاشتن اسرائیل به این معناست که کسی نتواند برآن تأثیر بگذارد و یا اسرائیلی‌ها را به برقراری صلح تشویق کند».

حوادث و رویدادهای مذکور و چندین مسئله مشابه دیگر در صحنه‌ی جهانی و بین‌المللی، نه تنها فلسطینی‌ها را به باز پس‌گیری سرزمین‌شان از دست رژیم اشغالگر قدس امیدوار نکرد، بلکه به تقویت اسرائیل نیز کمک، و رویای چندین ساله‌ی آنها را نیز نقش برآب

کرد. فلسطینیان نتوانستند با کمک مجامع بین‌المللی و قدرت‌های جهانی، از جمله سازمان ملل متحد، حتی به کوچکترین خواسته‌ی خود که طرح تقسیم فلسطین بود، دست یابند. لذا، مردم دریافتند که جز اتکال به نیروی لایزال الهی و استفاده از مسلسل‌های متکی بر ایمان، هیچ کس به جز خودشان نمی‌تواند دفتر سرنوشت فلسطین را ورق بزنند.[۱]

در کنار عواملی که ذکر شد، عوامل دیگری نیز در شروع انتفاضه تأثیر داشت. از جمله‌ی آنها می‌توان عوامل زیر را نام برد:

۱ ـ برخی از جوانان جنبش اسلامی که از زندان مرکزی غزه گریخته بودند، به دست نیروهای نظامی اسرائیل به شهادت رسیدند. تشییع جنازه‌ی آنها منجر به حرکت و قیام اعتراض‌آمیز علیه سلطه‌گران صهیونیستی شد.

۲ ـ عملیات نفوذ و فرود عده‌ای از مجاهدان فلسطینی به وسیله‌ی هواپیماهای بدون موتور گلایدر (کایت)، به یکی از پادگان‌های ارتش رژیم صهیونیستی در شمال اسرائیل و درگیری شدید با نیروهای صهیونیستی که طی آن عده‌ای از صهیونیست‌ها کشته شدند و دو نفر از مجاهدان نیز به شهادت رسیدند. این عملیات توانست احساسات ملت فلسطین را در همه جا برانگیزد و آنها را به مبارزه‌ی جدی با رژیم صهیونیستی مصمم کند.

اقدامات سرکوبگرانه اسرائیل در انتفاضه

پس از شروع انتفاضه در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، رژیم صهیونیستی بر شدت تحرکات و اقدامات سرکوبگرانه و امنیتی خود علیه مردم فلسطین افزود. اسرائیل با تمام توان با اعمال فشار بر مبارزان مسلمان فلسطینی و تشدید اقدامات سرکوبگرانه‌ی خود نظیر دستگیری، شکنجه، قتل و کشتار انقلابیون و سرقت اموال و تخریب منازل و محله‌های تجاری آن‌ها برای سرکوب انتفاضه و یا حداقل جلوگیری از آثار و تبعات منفی آن تلاش کرد. ظرف سال‌های اول انتفاضه عده دستگیر شدگان بسیار زیاد و آزار و اذیت و شکنجه‌ی زندانیان فلسطینی در تمام بازداشتگاه‌ها و زندان‌های اسرائیل امری عادی و جاری شد.

---

۱. ماجرای فلسطین و اسرائیل: ص ۶۶.

ارتش رژیم صهیونیستی اقدام به ضرب و جرح زنان و کودکان و پیگیری و دستگیری و شکنجه‌ی آنها کرد. آنها به وسیله بمب‌دودزا و گازاشک‌آور به مساجد و نمازگزاران حمله کردند. جوانان را به قتل رسانیدند، اطفال را ربودند و دانشگاه‌ها و مدارس و موسسات آموزشی را تعطیل کردند.

الف ـ عقوبت‌های دسته جمعی از طریق تبدیل زمین‌های فلسطین اشغالی به زندان‌های بزرگ، منبع عبور و مرور افراد، لوازم و اثاثیه منزل و نابودی مواد تدارکاتی و غذایی در هنگام عملیات تفتیش، سرپا نگه داشتن فلسطینی‌ها به مدت زیاد در صحرا و بیابان و قرار دادن آن‌ها در سرمای شدید زمستان و یا زیر اشعه‌ی خورشید (آفتاب) در فصل تابستان و حتی بدون هیچ‌گونه استثنا و تفاوتی هتک حرمت به علمای دینی و اماکن و مراکز عبادی و مذهبی مسلمانان.

ب ـ بیرون راندن و تبعید فلسطینیان از سرزمین آبا و اجدادی خود. تا حدی که عده‌ی افراد تبعید شده به خارج از فلسطین از زمان انتفاضه به بیش از ۶۳ تن رسیده است. با احتساب ۱۱ تن دیگر که حکم تبعید درباره‌ی آن‌ها صادر شده است، شمار کسانی که از سال ۱۹۶۷ تاکنون با این شیوه به خارج از فلسطین تبعید شده‌اند به ۳ هزار تن رسیده است.

افزون بر موارد یاد شده‌ی بالا، اقدامات سرکوبگرانه اسرائیل تاکنون با روش‌ها و شیوه‌های گوناگون انجام گرفته است. بیشترین فشار بر روی افرادو عناصر شرکت کننده در انتفاضه بوده است که تبعات منفی شایان توجهی برای انتفاضه است. این اقدامات عبارتند از:

۱ ـ لغو شناسنامه‌های اسرائیلی فلسطینی‌ها و اخراج افرادی که اقدام به پرتاب سنگ می‌کنند یا با سلاح سرد به اسرائیلی‌ها حمله می‌کنند و یا در شورش های شهری و انتفاضه دستگیر می‌شوند.

۲ ـ تعیین مجازات به مدت یک سال برای هرکسی که به سازمان ترابری و حمل و نقل عمومی خسارت وارد و یا به سربازان اسرائیلی و صهیونیست‌ها اهانت و توهین کند.

۳ ـ جلوگیری از اشتغال به کار افرادی که در انتفاضه شرکت می‌کنند.

۴ ـ تعیین مراکز و مؤسسه‌های آموزشی به‌منظور استفاده از آن‌ها در عملیات تخریبی و سرکوبگرانه علیه انتفاضه.

۵ ـ انحلال بیشتر مؤسسه‌های فلسطینی به ویژه در شرق بیت‌المقدس و همچنین انحلال انجمن‌های دانشجویی و ممنوعیت هرگونه فعالیت سیاسی در این مؤسسه‌ها و برخوردهای غیرانسانی با آن‌ها و اخراج کارمندان اداره‌ها و استادان دانشگاه‌ها که در انتفاضه شرکت می‌کنند.

۶ ـ تشدید و مراقبت‌های فیزیکی از زندان و اعمال سیاست سرکوب زندانیان.

۷ ـ اخراج برخی از افراد که در مقابله تبادل اسرا آزاد شده‌اند.

۸ ـ اخراج کارکنان شهرداری‌ها که انتفاضه همکاری دارند.

۹ ـ اجرای قوانین جدید احداث ساختمان در سرزمین‌های اشغالی به صورتی که طبق آن عرب‌های ساکن سرزمین‌های اشغالی، قادر به احداث واحدهای جدید مسکونی برای خود نیستند.

۱۰ ـ انهدام منازل و ساختمان‌ها و حتی مزارع زیتون که در داخل آن‌ها سنگ یا بطری آتش‌زا به سوی اسرائیلی‌ها پرتاب شده است.

۱۱ ـ مصادره اتومبیل‌هایی که در فعالیت‌هایی انتفاضه به کار گرفته می‌شود.

نیروهای شرکت‌کننده در انتفاضه

پس از شروع انتفاضه فلسطین، منابع رسمی اسرائیل و نیز رونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا، در اظهارات خود، برای کاستن از اهمیت قیام مردم مسلمان فلسطین شرکت‌کنندگان در انتفاضه را مشتی آشوبگر و تحریک شده از جانب خارجی‌ها خواندند، تا صفت زودگذر به آن بدهند. اما حقیقت امر نشان داد اکه اسلام‌گرایان فلسطینی و گروه‌های داخلی فلسطین اشغالی، و نیز اتحادیه‌ها و کمیته‌های جدید مردمی، هر یک در حد توانایی خود، در بسیج مردم مسلمان فلسطین علیه رژیم صهیونیستی نقش داشته‌اند. رونی جیلد در روزنامه اسرائیلی یدیعوت احارنوت رهبری داخلی انتفاضه را به نام کمیته ملی واحد در امور انتفاضه در مناطق اشغالی یاد کرد، و به ائتلاف نمایندگان هیئت‌ها و جناح های مختلف که زیر نظر ساف کار می‌کنند توصیف کرد. اما به مرور زمان مشخص شد که گروه‌های اسلامی فلسطین به ویژه جنبش حماس و جهاد اسلامی فلسطین، در انتفاضه نقش بارزی دارند و فرماندهی متحد انتفاضه که بوق‌های

تبلیغاتی از آن یاد می‌کردند، در برگیرنده‌ی گروه‌های ملی و کمونیستی مثل (فتح، جبهه ملی جبهه دموکراتیک و حزب کمونیست فلسطین) است، که تأثیرگذاری و نفوذ آنها را در انتفاضه کمتر از اسلام‌گراهاست.[۱]

البته نقش تشکل‌های جدیدی راکه پس از شروع انتفاضه ظاهر شدند، و یا به تعبیری انتفاضه آن‌ها را به وجود آورد و به هیچ تشکل سیاسی وابستگی ندارند، نباید ناچیز شمرد. این تشکل‌های خودجوش، فعالیت‌های مشخصی در انتفاضه، مانند انتقال مجروحین به بیمارستان، اهدای خون به مجروحین، کمک مالی به افراد خسارت دیده در انتفاضه و غیره انجام می‌دهند. در این زمینه، یهوشواع بورات، استاد دانشگاه عبری قدس می‌گوید:

«موج اعتراض موجود بر ضداسرائیل موجب شد تا به جز خود به کس دیگر و یا جریان دیگری اعتماد نداشته باشند. زیرا در چنین وضعیتی امکان رشد نسلی از رهبران جوان فلسطینی که در چارچوب سازمان‌های فلسطینی قدیم، به ویژه سابق عمل نمایند، در مناطق وجود دارد. اما این‌ها تابع مقررات ساف و تأثیرپذیر از آن نیستند، بلکه با اقدامات خود در داخل اسرائیل (سرزمین های اشغالی) بر دیگران (ساف) تاثیر خواهد داشت».

جنبش‌ها و جریان‌های اسلامی از نظر تشکیلاتی و سیاسی در انتفاضه فعال هستند، و در مقایسه با دیگر گروه‌ها، از ویژگی ممتازی برخوردارند. روزنامه واشنگتن‌تایمز با انتشار گزارش ویژه‌ای در مورد فعالیت اسلام‌گراها در انتفاضه، در تاریخ پنجم فروردین ۱۳۷۱ نوشت:

«نیروی قدرتمندی اسلام رفته رفته بر تمام شوون زندگی فلسطینیان مقیم مناطق اشغالی سایه می‌افکند».

به نوشته‌ی این روزنامه، فلسطینی‌ها این روزها از دستورهای اسلام بیش از سازمان آزادی بخش فلسطین پیروی می‌کنند. این گزارش همچنین اضافه می‌کند:

«شعارهایی که این روزها بیشتر بر در و دیوارهای این مناطق به چشم

---

۱. انصار الثورة الاسلامیه انتفاضه: ج ۲، ص ۲۷، ۱۹۹۰.

می‌خورد، به جانبداری از جنبش حماس و جنبش آزادی و جنبش جهاد اسلامی است. بسیاری از فلسطینی‌ها معتقدند سازمان آزادی‌بخش فلسطین و ملی‌گراها، عملاً از قدرتی، که داشته‌اند سوء استفاده کرده‌اند، و عملکرد نمایندگان و عوامل ساف در مناطق اشغالی را مورد انتقاد قرار داده‌اند».

اسرائیلی‌ها سعی کرده‌اند تا به نحو مقتضی، از ارتباط جریان‌های اسلامی فلسطین با دیگر گروه‌های اسلامی کشورهای دیگر، و تأثیر انتفاضه در کشورهای عربی، به منظور ارعاب آن کشورها، استفاده کنند و ترس کشورهای عربی را برانگیزانند و نظر آن‌ها را برای سرکوبی نیروهای اصولگرای اسلامی فلسطین جلب کنند.

جریان‌های اسلامی فلسطین، هر چند دارای تأثیرهای نسبتاً زیادی در داخل سرزمین‌های اشغالی فلسطین هستند، و پایگاه عمده‌ای در میان مردم مسلمان فلسطین دارند، اما دیگر گروه‌ها و تشکل‌های مستقل فلسطینی، هر یک درخصوص خط‌مشی سیاسی و توانایی‌های بالفعل خود در داخل فلسطین، در بعضی اقشار نفوذ داشته، و از طریق آنها توانسته‌اند حضور خود را ـ هر چند اندک ـ در انتفاضه نشان دهند.

بنابراین، حضور هر یک از گروه‌های سیاسی و اجتماعی موجود در سرزمین‌های اشغالی، و میزان نفوذ نیروهای شرکت‌کننده در انتفاضه، به هیچ وجه یکسان نیست. از آن جاکه این قیام حرکتی خودجوش و مردمی است نمی‌توان آن را در یک گروه و جریان خاص محصور کرد، بلکه قیامی است که پس از شروع، گروه‌های سیاسی و مذهبی و اجتماعی فلسطین را به‌دنبال خود کشید، و آن‌ها دوشادوش مردم مسلمان فلسطین در انتفاضه شرکت کردند، لکن نقش این گروه‌ها و مشارکت آن‌ها در انتفاضه، براساس میزان نفوذشان در مناطق اشغالی فلسطین است.

دست‌آوردها و پیامدهای انتفاضه

انتفاضه پس از گذشت چندین سال از عمر خود در فلسطین، هر چند دارای فراز و نشیب‌هایی بوده است، و گاهی بر اثر بروز حوادث و رویدادهایی کاهش و یا زمانی نیز شتاب گرفته

و پیشرفت تصاعدی پیدا کرده است، اما تا کنون مهم‌ترین و بزرگ‌ترین قیام فلسطین به‌شمار آمده است. به قول اسرائیلی‌ها: «انتفاضه طولانی‌ترین و خشن‌ترین قیام ملی فلسطینی‌هاست» که سرزمین‌های اشغالی شاهد آن بوده است. به ویژه در این سال جدید که علاوه بر ضربات مهلکی که بر پیکر اسرائیل وارد کرده، توانسته است دستاوردها و نتایج مهمی در صحنه‌های داخلی منطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشد، و بسیاری از طرح‌های منطقه‌ای و جهانی سازش با رژیم اشغالگر قدس را نقش برآب کند یا به شکست بکشاند.

در زیر به مهم‌ترین دستاوردهای انتفاضه اشاره می‌شود:

۱ ـ محکومیت جهانی اقدامات سرکوبگرانه رژیم صهیونیستی انتفاضه با تقدیم شهدای بسیار و تحمل بدترین و وحشیانه‌ترین خشونت‌ها و سرکوب به دست صهیونیست‌ها، که بیشتر رسانه‌های گروهی جهان شاهد آن بوده‌اند، نشان داد که مردم فلسطین تنها با خون‌جوشان خویش به موجودیت خود در این گرداب‌های توطئه و بی‌غیرتی‌های قومی، ادامه می‌دهند و حیات و بقای خود را تضمین می‌کنند. همچنین، هاله‌ای از مظلومیت را به دور فلسطینی‌ها پیچیده به گونه‌ای که نه تنها در مجامع بین‌المللی جهانی و کشورهای اسلامی، اقدامات سرکوبگرانه اسرائیل محکوم شده است، بلکه موج حمایت مردم مسلمان منطقه را از ملت مظلوم فلسطین را برانگیخته، و بسیاری از دولت‌ها در حمایت از انتفاضه، و یا حداقل محکوم کردن سیاست سرکوبگرانه و تروریستی اسرائیل به دنبال خود کشیده است. حتی توانسته است که در بین یهودیان و احزاب و گروه‌های صهیونیستی اختلاف ایجاد کند و احزاب میانه‌رو و دست چپی اسرائیلی را که مخالف سیاست‌های توسعه‌طلبانه دولت حاکم بوده‌اند، در صحنه‌ی سیاسی اسرائیل برای مخالفت با آن مصمم‌تر کند.

۲ ـ خارج شدن رهبری مبارزه ضدصهیونیستی از دست رهبران سیاسی سازشکار فلسطینی انتفاضه با کسب تجربیات پنجاه سال گذشته، مبارزه با اسرائیل را برای پایان دادن به سلطه‌ی آن بر فلسطین اشغالی، از قالب‌های گروهی و دیپلماسی خارج کرد، و خط‌مشی مبارزه را دست رهبران سیاسی مذهبی و جریان‌های اسلامی و مردمی در داخل فلسطین انتقال دهد. این رهبری جدید، امروزه، در بسیاری از رویدادهای سیاسی فلسطین حضور دارد،

و با عملکردها و مواضع انقلابی خویش، در عمل برخی از سازمان‌های مقاومت فلسطین را به دنبال خود کشیده است. نمونه‌ی بارز این حرکت را می‌توان در پیروی گروه‌ها و سازمان فلسطینی از انتفاضه مبنی بر تحریک و محکوم کردن کنفرانس صلح خاورمیانه، و مذاکرات صلح رهبری سازمان آزادی‌بخش فلسطین با رژیم صهیونیستی برشمرد.

۳ ـ قوت بخشیدن به ریشه‌های انتفاضه و انقلاب در دل مردم مسلمان منطقه انتفاضه، به سبب مستقل، خودجوش، مردمی و اسلامی، به‌عنوان تنها راه‌رهایی از چنگال صهیونیسم است. انتفاضه، به دلیل این که فقط به مردم متکی بود، بدون پذیرش هرگونه انقیاد و نفوذ رژیم‌های عربی منطقه، با قوت تمام به راه خود ادامه داد، و پرتو و دامنه‌ی آن به سایر کشورهای عربی امتداد یافت، و کل منطقه را تحت تأثیر قرار داد انتفاضه ریشه‌های انقلاب را در دل مردم مسلمان منطقه قوت بخشید، و باعث شد گرایش به اسلام و اتکای به نفس در مردم این کشورها زنده شود و جوشش مستمر آن، رژیم‌های عربی سازشکار را نیز با مشکلات و بحران‌های داخلی ناشی از گرایش‌های اسلامی مردم آن‌ها مواجه کرد.

۴ ـ شکست طرح‌های ذلت بار سازش با رژیم صهیونیستی تشدید انتفاضه در سرتاسر فلسطین اشغالی، و سیر تصاعدی حرکت‌های ضدصهیونیستی، از سوی فلسطینی‌ها، در عمل طرح‌ها و حرکت‌های محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای سازش با اسرائیل را با شکست مواجه کرد. رژیم صهیونیستی و حامی آن آمریکا چنان مستاصل شدند که کوچک‌ترین پیشرفتی در محدود کردن انتفاضه و جلوگیری از اسلام‌خواهی آن نداشتند. انتفاضه ثابت کرد که صهیونیسم و امپریالیسم جهانخوار و ارتجاع عرب و سازشکاران فلسطینی، جزء تفکیک ناشدنی از یک پیکرند، و در منطقه مشترکی از سرنوشت قرار دارند. به همین دلیل، همه‌ی این جریان‌ها و رژیم‌ها، حتی برای دستیابی به یک توافق کلی و منطقه‌ای در مذاکرات صلح عرب‌ها و اسرائیل که با شرکت کشورهای عربی منطقه و فلسطینی‌های وابسته به خط سازش با اسرائیل در مادرید، واشنگتن، لندن و اسلو تشکیل شد، توفیقی به دست نیاورند. دلیل این مسئله را جورج بوش رئیس جمهور وقت آمریکا صراحتاً اعلام داشت. او قیام اسلامی در فلسطین را سبب اصلی شکست مذاکرات صلح دانست و از اسرائیل خواست تا برای کسب موافقت عرب‌ها و همچنین

دسترسی به صلح، انتفاضه را بیش از پیش مهارکند. اسحاق رابین، نخست وزیر مقتول رژیم صهیونیستی نیز همزمان با شروع دور هفتم مذاکرات عرب‌ها و اسرائیل، درگفت‌وگو با مجله فرانسوی ربان لوموند، برسرکوبی انتفاضه تأکید کرد و اظهار داشت دولتش با تمام امکانات نظامی به مقابله با فلسطینی‌ها خواهد پرداخت.

۵ ـ ایجاد وحدت و هماهنگی مبارزاتی بین گروه‌های مختلف فلسطین بر ضدرژیم صهیونیستی انتفاضه توانست مناطق سه‌گانه فلسطین اشغالی را تحت شعار استقلال ملی وحدت بخشند، وکرانه غربی، نوار غزه و سرزمین‌های اشغالی ۱۹۴۸ را تبدیل به پیکر واحد در برابر اسرائیل کند. این وحدت، برای اولین بار در تاریخ مبارزاتی فلسطین از سال ۱۹۴۸ شکل گرفت. در سال‌های اولیه‌ی اشغال فلسطین و سال‌های ۱۹۶۷ ـ ۱۹۶۹ ، مقاومت چشم‌گیری مشاهده نمی‌شد، مگر یک مجموعه عملیات فردی در مناطق دورافتاده. در نیمه‌ی اول دهه‌ی ۱۹۷۰ نیز جنبش سیاسی ملی درکرانه غربی فعال شد، ولی چنین حرکت‌هایی در دو منطقه دیگر فلسطین اشغالی صورت گرفت. سال ۱۹۸۰ به پایان نرسیده بود که جنبش اسلامی در سرزمین‌های اشغالی ۱۹۴۸، گامی به سوی عملیات مسلحانه بر ضد نهادهای اقتصادی رژیم صهیونیستی برداشت. اما انتفاضه، خواهان انقلاب همه جانبه و همگانی فلسطین در تمام سرزمین‌های اشغالی شد، و یک انسجام و وحدت اجتماعی در سرتاسر فلسطین اشغالی به وجود آورد. به این ترتیب، انتفاضه بر کلیه‌ی طرفداران نزاع وکشمکش بی‌ثمر در صحنه‌ی داخلی فلسطین غلبه یافت، و حرکت‌های ضد صهیونیستی در همه‌ی مناطق فلسطین را انسجام بخشید. همه‌ی گروه‌های جامعه، اعم از دانشجویان وکشاورزان و بارزگانان وکودکان، در صفی واحد در برابر اسرائیل قرارگرفتند و شعار آزادی فلسطین از بحر تا نهر (شرق تا غرب) و از راس ناقوره تا غزه[۱] (شمال تا جنوب فلسطین) را در سرتاسر منطقه سر دادند.

آن‌ها برای همگان روشن کردند که مبارزه با اسرائیل نه تنها بر سر مرز و حدود جغرافیایی فلسطین است، بلکه مبارزه‌ای است برای بقا، که اصل وجود رژیم صهیونیستی را مورد سؤال قرار می‌دهد و خواستار نابودی آن به طورکامل است.

---

۱. من البحر الی النهر و من رأس الناقوره الی غزه اصطلاحی است که برای تمامیت سرزمین فلسطین بکار برده می‌شود.

۶ ـ شکست دستگاه‌های امنیتی و نظامی اسرائیل در خاموش کردن انتفاضه رژیم صهیونیستی، تمامی دستگاه‌های اطلاعاتی، امنیتی و نظامی خود را برای شکست انتفاضه و خاموش کردن آتش آن بسیج کرد. آن‌ها از هیچ اقدامی در این راه، حتی زندانی کردن، کشتار، شکنجه کوتاهی نکردند. اما در پایان بخشیدن به انتفاضه و یا حداقل آرام کردن آن، با شکست مواجه شدند. در صورتی که در سال‌های گذشته، با توهم و خیال تفوق کامل و حتمی بر عرب‌ها و شکست‌ناپذیری ارتش خود، زندگی می‌کردند. ولی پس ازگذشت پنج سال از شروع انتفاضه، ناتوانی خود را در مهار و خاموش کردن آتش آن اعلام کرده‌اند. در این زمینه، ژنرال دان‌شمرون، رئیس ستاد ارتش اسرائیل، ضمن اشاره به ناکامی درکنترل انتفاضه، اعلام کرد:

«حجم نیروهای اسرائیلی در نوار غزه، به دنبال آشوب‌ها سه برابر حجم زمان عادی خود شده، و بسیار بیشتر از حجم نیرویی است که در سال ۱۹۶۷ نوار غزه و کرانه غربی را اشغال کرد».

اسحاق رابین نخست وزیر مقتول رژیم صهیونیستی نیز پس از حمله‌ی شهادت طلبانه یکی از جوانان انقلابی و مسلمان فلسطینی به یک اتوبوس حامل صهیونیست ها، در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، که به تلافی کشتار وحشیانه‌ی نمازگزاران حرم ابراهیم علیه‌السلام انجام گرفت، علناً تصریح کرد:

«اسرائیل تاکنون بیشترین ضربات را از انتفاضه خورده است».

زیرا انتفاضه بر ارتش و دستگاه‌های امنیتی و نظامی اسرائیل نبردی را تحمیل کرد که آمادگی ورود به آن را نداشت، و به یک جنگ فرسایشی و قیامی طولانی مدت تبدیل شد. این رژیم در تنگنایی قرار گرفت که حتی کودکان و جوانان فلسطینی، که زمانی نام اسرائیل در درون بزرگان آن‌ها رعب و وحشت ایجاد می‌کرد، به آسانی توانستند در برابر دشمن اسرائیلی قرار بگیرند، و از اسلحه‌ی آنان نترسند. به این ترتیب بسیاری از اصول و پایه‌های حاکمیت اسرائیل مورد تهدید قرارگرفت، و حامیان آن مجبور شدند تا خطر انتفاضه را به تعویق یا تأخیر اندازند. لذا، تلاش کردند تا قبل از دست‌یابی انتفاضه به پیروزی، آن را تحت کنترل خود درآورند.

۷ـ به شکست کشاندن طرح‌های صلح و سازش با رژیم صهیونیستی انتفاضه توانست این اصل را مسجل و معین کند که در هیچ یک از طرح‌ها و برنامه‌های ساخته و پرداخته دست غرب و کشورهای عربی مرتجع و وابسته، که به صلح و سازش با اسرائیل منجر می‌شود، وارد نخواهند شد. نیز هیچ یک از کشورهای عربی و حتی فلسطینی‌های سازشکار داخل سرزمین‌های اشغالی نیز استحقاق آن را ندارند که به نمایندگی از فلسطینی‌ها، در طرح‌های صلح و سازش و حرکت‌های سیاسی محلی و منطقه‌ای شرکت کنند، و سخنگوی آن‌ها وارد در مذاکرات شوند. به مردم تحت ستم جهان نیز تفهیم کرد که برای دسترسی به حقوق مشروع خود، باید از مسلسل‌های متکی بر ایمان استفاده کرد.

۸ ـ مواجه شدن رژیم صهیونیستی با بحران و رکود شدید اقتصادی بر اثر انتفاضه و اعتصاب کارگران فلسطینی، تولید کارخانه‌ها، علاوه بر کاهش میزان فروش و درآمد آن، به لحاظ اتخاذ سیاست تحریم کالاهای اسرائیلی از سوی فلسطینی‌ها و حتی مردم جنوب لبنان، کاهش چشمگیری داشت، و خسارت‌های زیادی به اقتصاد صنعتی اسرائیل وارد آمد:

«در خلال یک ماه، معادل ۸۰ میلیون شیکل برای کارگاه‌های بیست و پنجگانه اسرائیل خسارت دربرداشته است».

در این زمینه، یکی از نمایندگان کارخانه‌های اسرائیل گفته است:

«در اثر غیبت کارگران عرب، خسارت‌هایی که در یک ماه به صنایع اسرائیل وارد شده است، در حدود ۳۳۰ هزار دلار است».

او اشاره کرد که ۲۵ کارخانه در زیردست اوست، که در حدود ۵۳ میلیون دلار خسارت دیده‌اند. دلیل آن، فروش نرفتن تولیدات داخلی اسرائیل در فلسطین بوده است.

«در بخش کشاورزی نیز اقتصاد اسرائیل در دوران انتفاضه شاهد رکود بی‌سابقه‌ای بود، و میلیون‌ها دلار خسارت به آن وارد شد. فقط در یک روز اعتصاب کارگران فلسطینی در زمین‌های کشاورزی، که در تاریخ ۱۹۸۷/۱۲/۲۱ در سرزمین‌های اشغالی ۱۹۴۸ انجام گرفت، خسارتی بالغ بر ۱۲ میلیون شیکل بر اقتصاد اسرائیل وارد شد».

در بخش شهرسازی و مسکن نیز به این علت که کارگران فلسطینی تقریباً ۷۲ درصد کل نیروی کارگری این بخش را تشکیل می‌دهند، اعتصاب آن‌ها موجب شد تا:

«خسارت‌های این بخش در هر ماه به ۴۰ تا ۵۰ میلیون دلار برسد».

انتفاضه در بخش جهانگردی نیز تأثیر بسیار منفی گذاشت. جهانگردان و توریست‌های اروپایی، برای حفظ جان خود، از ورود به فلسطین اشغالی و سیر و سیاحت در این کشور و زیارت امکنه مقدسه آن پرهیز کردند. به این وسیله، خسارت زیادی به این بخش که «هر سال رقمی ۱/۳ میلیارد دلار درآمد داشت» وارد آمد.

دست‌آوردهای انتفاضه‌ی فلسطین ثابت کرد که انتفاضه و رهبری آن، الهام‌گرفته از روح اسلامی در داخل فلسطین است. نیروهای رسمی سیاسی و احزاب و گروه‌های ملی فلسطینی سعی داشتند انتفاضه را در مسیر طرح‌های مسالمت‌آمیز قرار دهند یا از آن به عنوان عامل تطبیق و مذاکرات صلح و سازش با رژیم صهیونیستی استفاده کند. در صورتی که انتفاضه آن چنان شکل گرفت و به فعالیت خود ادامه داد که راه را بر روی هرگونه طرح های سیاسی مسالمت‌جویانه و سازشکارانه بست. روزنامه‌نگاران صهیونیستی، در همان سال‌های اول شروع انتفاضه، به این مسئله اعتراض کردند و اظهار داشتند:

«فعالیت‌ها به حسب ظاهر دور از انتظار است، و محل آن هم همین‌طور. اردن و سازمان آزادی‌بخش فلسطین هیچ یک نمی‌توانند بر حوادث و رویدادها تسلط داشته باشند. روند حوادث به گونه‌ای است که در بسیاری از موارد با تعلیمات داده شده از خارج در تضاد است. اظهارات در خارج، خواستار پیوستن به قطعنامه‌هایی است که در این‌جا صورت گرفته و درباره زمین است. درحالی که تظاهرکنندگان خواستار نابودی کامل رژیم اسرائیل هستند».

انتفاضه با تکیه بر اسلام و شعار الله اکبر، و استفاده از کم‌ترین امکانات ممکن در مبارزه علیه رژیم صهیونیستی، برای مردم خود آن چنان موفقیت و موقعیت‌های ویژه‌ای به دست آورد که کشورهای عربی در پنج دهه مبارزه سیاسی و حتی گاهی نظامی، و گروه‌ها و سازمان‌های مقاومت فلسطینی، ظرف ده‌ها سال مبارزه‌ی مسلحانه و عملیات چریکی و تخریبی علیه اسرائیل و حامیان آن در جهان، نتوانستند به دست آورند.

دکتر منیر شفیق استاد برجسته فلسطینی بود که در حال حاضر در دانشگاه‌های اردن به تدریس مشغول است وی در گفت‌وگوی اختصاصی به تشریح دیدگاه‌های خود پیرامون موضوعات مرتبط با فلسطین و انتفاضه پرداخت در ادامه بخش‌هایی از این گفت‌وگو را می‌خوانید.

▣ آقای دکتر منیر شفیق! از حضور جنابعالی در ایران خوشحالیم و در این فرصت مقتنم به عنوان اولین پرسش تقاضا می‌کنم دیدگاه خود را درباره انتفاضه دوم مردم فلسطین و انتفاضه اول بفرمائید و اینکه چه دست‌آوردهایی را به همراه داشته است؟

● به نظر من تفاوت عمده انتفاضه اول مردم فلسطین با انتفاضه دوم این است که انتفاضه دوم یک حرکت بین‌المللی بوده است. همچنین اختلاف دیگر انتفاضه دوم با انتفاضه اول این است که در انتفاضه اول اتحاد به معنای واقعی و عالی وجود نداشت اما در انتفاضه دوم اتحاد لازم برای مبارزه وجود دارد ضمن آن که فرماندهی در انتفاضه دوم قوی‌تر و منسجم‌تر شده و ضمن آن باید گفت انتفاضه دوم است که جهان اسلام و حتی در سطح بین‌المللی، نیروهای مبارز فلسطینی بیشتر شناخته و از حرکت‌های شهادت طلبانه آنها برای مبارزه با رژیم صهیونیستی آگاهی به دست آمده است همچنین باید گفت انتفاضه دوم توانست گروه‌های مختلف فلسطینی را هماهنگ کرده و در مبارزه به کار گیرد، کاری که انتفاضه اول نتوانست از عهده آن برآید، در واقع می‌توان گفت مقاومت‌های مسلحانه نسبت به سابق بیشتر شده و گروه‌های مبارز منسجم‌تر شده‌اند.

▣ لطفاً تحلیل خود را درباره توجه افکار عمومی جهان نسبت به انتفاضه بفرمائید؟

● انتفاضه دوم موجب شد که مردم فلسطین متوجه ترفندهای اسرائیل شوند که در قبل از آن کمتر به این ترفندهای اسرائیل به مردم وارد می‌آمد و مردمی که در ارودگاه‌ها مقاومت کمی از خود نشان می‌دادند مقاومت‌شان در حال حاضر بسیار بیشتر شده است از جمله در اردوگاه جنین که مقاومت بسیار مشهود است و من فکر می‌کنم در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای بسیار منسجم‌تر از گذشته شده و در واقع صدای انتفاضه اول این‌گونه نبود در یک کلام می‌توانم بگویم غیرتی که مردم در انتفاضه دوم به کار بردند ستودنی است و این مسئله موجب وحشت زیاد

آمریکا از گروه‌های فلسطینی شده است در حالی که در انتفاضه اول آمریکا وحشت زیادی از قیام‌های مردم فلسطین نداشت الان شاهد هستیم که حتی در غرب نیز تظاهراتی علیه آمریکا به خاطر حمایت این کشور از صهیونیسم صورت گرفته با مبارزه‌ای که طی چند سال گذشته و از طریق انتفاضه دوم صورت گرفته است برابری می‌کند و حتی می‌توان گفت تأثیر بیشتری نیز نسبت به مبارزات پنجاه ساله اخیر داشته است و انتفاضه دوم موجب شده که اشغالگری رژیم صهیونیستی که همیشه استمرار داشته است با مشکل مواجه گردد و در بخشی از نواحی مجبور به عقب‌نشینی شود و این نکته مهمی است زیرا همان‌طوری که رژیم صهیونیستی برخلاف مقررات اسلو عمل کرد هیچگاه به مقررات و تعهدات بین‌المللی پایبند نیست.

▣ موقعیت فعلی رژیم صهیونیستی در برابر گسترش انتفاضه دوم را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟

● به نظر من مزیت دوم این است که ماهیت رژیم به دنیا نشان داد و حتی برخی از آقایانی که در کشورهای عربی نسبت به ماهیت صلح‌طلبی رژیم صهیونیستی شک و تردید داشتند به اهداف غیرصلح طلبانه و اشغالگرانه رژیم صهیونیستی پی‌بردند و در واقع مشخص شد که صلح‌طلبی اسرائیل در واقع اشغال کل فلسطین است و می‌خواهند اراضی خود را در کل فلسطین توسعه دهند و به همین خاطر نیز رعب و وحشت زیادی را در فلسطین ایجاد کردند من فکر می‌کنم هدف آمریکا و اسرائیل این است که سوریه و عراق و حتی ایران را که با اسرائیل متحد نمی‌شود با اسرائیل متحد کند تا منافع این رژیم را به رسمیت بشناسند.

▣ پیش‌بینی شما از آینده قیام مردم فلسطین برای احقاق حقوق حقه‌شان چیست؟

● اتفاقات خوبی در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و در تمامی مراحل جریان مبارزه با مردم فلسطین اتفاق افتاده است و الآن میلیون‌ها نفر در دنیا اخبار مربوط به هجوم بی‌رحمانه اسرائیل علیه مردم بی‌دفاع فلسطین را می‌شنوند و دنبال می‌کنند و اگر مردم ممالک اسلامی کمک کند، مطمئناً قیام زودتر به نتیجه می‌رسد و امکان دارد که حتی ارتش صهیونیستی را متلاشی کرده و یا وادار به عقب‌نشینی بدون قید و شرط کنند، مانند همان مسئله که در جنوب لبنان اتفاق افتاد و رژیم صهیونیستی وادار به عقب‌نشینی شد.

▣ نقش روشن‌فکران و نخبگان فکری و دانشجویان جوامع اسلامی در شناسان مبارزه مردم فلسطین چیست؟

● به نظر من نقش اصلی را در حمایت از انتفاضه روشن‌فکران و به ویژه دانشجویان جهان اسلام ایفا می‌کند، و نه تنها در مبارزه با مردم فلسطین بلکه در تمامی مبارزات جهانی نیز این نقش برجسته را دانشجویان و نخبگان برعهده دارند، در واقع دانشجویان دختر و پسر با روحیه شهادت‌طلبی که دارند نقش مهمی را در این زمینه ایفا می‌کنند.

▣ به عنوان آخرین سؤال نقش سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی را در حمایت از انتفاضه مردم فلسطین چگونه ارزیابی می‌کنید؟

● باید گفت که منافع نامشروع اسرائیل و آمریکا به همدیگر گره خورده است و این مسئله منحصر به زمان قبلی نیست و در تمامی دوره‌های قبلی نیز این چنین بوده است و بنابراین خیلی دور از انتظار نیست که سازمان‌های بین‌المللی نقش خوبی را در این زمینه ایفا نکرده باشند. حتی می‌توان گفت با نفوذ عمده‌ای که صهیونیست‌ها در مجلس آمریکا دارند طبیعی است که آمریکا مجبور به حمایت از این رژیم باشند و در واقع اگر این حمایت از طرف آمریکا صورت نگیرد بقای پارلمان آمریکا نیز با مشکل مواجه خواهد بود.

منابع

۱ ـ صفا تاج، مجید، ماجرای فلسطین و اسرائیل، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ .

۲ ـ الموسوعه الفلسطینیه غزه، ۱۹۸۴ م .

۳ ـ پایداری فلسطین از نگاه تاریخ و سرزمین، دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین.

۴ ـ الموسوعه الیهود و الیهودیه و الصهیونیه، ۱۹۹۸ ، سوریه.

۵ ـ نویهض عجاج، پروتوکل‌های دانشوران صهیون، موسسه چاپ آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱ .

۶ ـ زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، عبدالله شهبازی، ج اول، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۷ .

۷ ـ زرسالاران یهودی و پارسی، جلد دوم.

۸ ـ پژوهه صهیونیت، مرکز مطالعات فلسطین، ج اول، ۱۳۷۶ .

۹ ـ پژوهه صهیونیت، ج دوم، ۱۳۸۱ .

۱۰ ـ خلاصه مقالات همایش بین‌المللی انتفاضه گامی به سوی آزادی، دبیرخانه کنفرانس حمایت از انتفاضه، ۱۳۸۲ .

۱۱ ـ صفا تاج، مجید، انتفاضه، کیهان ۱۳۷۵/۱۰/۵ شماره ۱۴۶۶۱ .

۱۲ ـ انصار الثوره الاسلامیه فی فلسطین انتفاضه، ج ۲ ، ۱۹۹۰ .

۱۳ ـ صهیونیسم مسیحی، عمرو سلمان، موسسه کیهان، ۱۳۸۲ .

۱۴ ـ زرسالاران یهود و صهیونیسم، همشهری ۲۴ دی ۱۳۷۷ ، شماره ۱۷۴۲ .

۱۵ ـ مصاحبه با پرفسور توبن، کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه.

۱۶ ـ مصاحبه با دکتر منیر شفیق.

هولوکاست افسانه یا حقیقت؟!

▣ عصمت‌اله بهاروند

مقدمه

یهودیان هماره در طول تاریخ با مشکلاتی فراوان روبرو بوده‌اند. چه، زمان بنی‌اسرائیل و در زمان پیامبر خودشان، حضرت موسی، چه بعد از آن، جهان‌شمولی و یک‌دستی اسلام و مسیحیت را نداشته‌اند. تحریف آموزه‌ها و عقاید اصیل و الهی حضرت موسی در روش و عقیده یهودیان، مسئله‌ای مهم است که کمتر در خور تشکیک است و تلمود و عهد قدیم و فرمان‌های دهگانه (الواح) و جز آن، همه مملو از عقایدی است که در نگاه امروزی کمتر انسانی و عقلانی به نظر می‌رسد! از جمله دعایی منسوب به موسی که می‌گوید:

«متبارک است خدایی که مرا یهودی خلق کرد، مرا یک زن نیافرید و مرا بی‌سواد به وجود نیاورد».

جدا از این مسئله، برخورد آنان با مسیحیان و مسلمانان نیز در طول تاریخ مناسب نبوده است؛ آنان به آزار و اذیت فراوان در بارهٔ عیسی مسیح و پیروان او روی آوردند و به عقیدهٔ مسیحیان، همین یهودیان او راکشتند و هنوز هم مسیحیان افراطی، یهودیان را به بازگشت مسیح تهدید می‌کنند! نبی ما محمد ﷺ نیز کم از یهودیان رنج و محنت تحمل نکرد! در قرآن نیز مذمت کمی از یهودیان نشده است و به هر حال در طول تاریخ، یهودیان سابقه درخشانی نداشته‌اند. براین مبنا شمار آنان نیز اندک بوده است و هرگز شایان قیاس با ادیان جهانی دیگر

نیست؛ اما علی‌رغم این مسئله، از یک سو یهودیان در علم و دانش و ثروت، به نسبت رشد چشم‌گیری داشته‌اند، اندیشمندان بزرگ جهانی، فلاسفه، و بنگاه‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری بزرگی در جهان، یهودی و متعلق به یهود هستند. از دیگر سو عقیده یهودیان مبتنی بر این که قوم برگزیده و مقدس و از نسل ابراهیم هستند و خدا آنان را برگزیده است، موجب شده که در نظر و عمل، نقشی مهم در امروز جهان داشته باشند. خصوصاً بعد از بنیان صهیونیسم که به‌دست یهودیان افراطی از دهۀ ۴۰ میلادی شکل گرفت، یهودیان به فکر تشکیل کشور مستقل، آزادی، اتحاد و پایان دادن به مشکلات و مصائب تاریخی خود افتاده‌اند که این امر در سال ۱۹۴۷ م با خروج انگلستان از منطقۀ فلسطین صورت گرفت. آن زمان که قسمتی از منطقه به یهودیان و قسمتی به مسلمانان داده شد و بیت‌المقدس نیز تحت نظارت سازمان ملل قرار گرفت؛ و بر همین مبنا در ۱۴ می ۱۹۴۸ م کشور مستقل اسرائیل به پایتختی تل آویو اعلام موجودیت کرد و به سرعت توسط کشورهای غربی، اِمریکا و ایران به رسمیت شناخته شد.

در این مقاله سعی شده است که ضمن روشن ساختن واژۀ هولوکاست و ریشه‌های آن، استفاده‌های ایدئولوژیک که از این واقعه توسط موافقان آن صورت گرفته، مانند ادعای یهودیان مبنی بر تعلق سرزمین فلسطین به آنان، که ریشه آن واقعۀ تاریخی دارد، مطرح کرده و سپس در قسمت نتیجه‌گیری دیدگاه‌های نویسنده مقاله را دربارۀ این واقعه بیان کرده است.

تاریخ معاصر جهان از جنگ جهانی اول تاکنون به سبب ظهور قدرت‌های جهانی پس از این دو جنگ فراگیر جهانی، در قرون ۲۰ و ۲۱ و افزایش کشمکش این قدرت‌ها با یکدیگر در قیاس با دهه‌ها و حتی سال‌های گذشته، تحریفات بیشتری داشته است. بسیاری از وقایع سیاسی اتفاق افتاده در این دو قرن نیز به‌دست قدرت‌های بزرگ و سلطۀ آنان یا مسکوت گذاشته شد یا بیش از حد بزرگ نشان داده شده است.

یکی از وقایع تاریخی که در خلال جنگ جهانی دوم (= ۱۹۳۹ م) اتفاق افتاد و بخشی از شئون زندگی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جوامع اروپایی و اِمریکایی را از همان واپسین روزهای پایان جنگ تحت تأثیر قرار داد، واقعه تاریخی معروف به «هولوکاست» است.

این واژه که از سوی یهودی‌ها به عنوان مدرک جرم مبنی بر یهودی ستیزی آلمانی‌ها

منتشر شده، باعث طرح دیدگاه‌های متفاوتی از جمله منجر به اختلاف میان طرفداران این این‌گونه دیدگاه‌ها شده است. هولوکاست که به کشته شدن یهودی‌ها در کوره‌های آدم‌سوزی و همچنین خفه شدن در اتاق‌های بسته با گازهای سمی به‌دست آلمانی‌ها اشاره دارد، مدعی است که در جنگ جهانی دوم شش میلیون تن، و به گفتهٔ بعضی از رسانه‌ها مانند فیلم شب مه حدود ۹ میلیون تن یهودی به دست آلمان هیتلری (نازیسم) کشته شده‌اند. روزنامه‌ها و مقالات متعددی این قضیه را تایید کرده و آن را تبلیغ می‌کردند تا وسیله‌ای برای مظلوم‌نمایی دولت اسرائیل و گرفتن غرامت از آلمان به صورت حربه‌ای اقتصادی و سیاسی باشد. لذا بعد از جنگ جهانی دوم با این‌که سراسر دنیا در این جنگ شرکت کرده بودند و از هر کشوری افراد بسیاری کشته شده بودند، ولی فقط دولت اسرائیل توانست غرامت کشته شده‌های خود را از آلمان دریافت کند که این دریافت غرامت تا سال ۲۰۳۰ میلادی نیز ادامه یافت. هر چند هولوکاست را صهیونیست‌ها در قالب موضوعی دینی و رویداد تاریخی قلمداد کرده‌اند، اما این رویداد برای غیر یهودیان موضوعی تاریخی است. در این مقاله از این‌که دستگاه‌های تبلیغی و رسانه‌ای، نویسندگان و حتی سیاستمداران غربی چیزی دربارهٔ افسانه هولوکاست نمی‌گویند و مجامع غربی برخلاف شعار آزادی بیان خود به کسی اجازه تشکیک در این افسانه را نمی‌دهند ابراز تعجب و تأسف شده است.

باعث تأسف است که عده‌ای در دنیای امروز به اسم آزادی بیان و اندیشه به خود اجازه می‌دهند با باورها و اعتقادات بیش از یک میلیارد مسلمان بازی کنند و به ساحت مقدس پیامبر اکرم ﷺ اهانت کنند، اما با چرخشی صد و هشتاد درجه‌ای اجازه نمی‌دهند کسی آزادانه دربارهٔ افسانه‌ای که صحت آن مخدوش است، تشکیک کند. با اشاره به برخی محاکماتی که به همین علت برضد برخی دانشمندان غربی برپا می‌شود می‌توان گفت که دمکراسی غربی صرفاً با منافع اقتصادی و سیاسی تفسیر و تعبیر می‌شود، هر کس مختار است و حق دارد به نام آزادی به ارزش‌های دیگران بتازد، اما هیچ کس حق ندارد سخنی تردیدآمیز دربارهٔ آدم‌سوزی و نسل‌کشی خیالی نازیسم مطرح کند. به دیدگاه‌ها و تفکرات «روژه گارودی» اندیشمند فرانسوی اشاره می‌شود که گفته است:

«هیچ فرقی بین اعتقادات صهیونیسم و نازیسم نیست هر دوی آنها بر توسعه‌طلبی نامحدود نظامی استوارند».

همچنین از قول «روژه گارودی»، نازیسم با تفکر نژادپرستانه درصدد جهانگشایی بود صهیونیسم نیز با بهانه و داعیهٔ آدم‌سوزی و نسل‌کشی یهودیان درصدد توجیه حضور غاصبانه خود در سرزمین‌های فلسطین است.

در واقع با مهر «فوق‌العاده ممنوع» دربارهٔ افسانهٔ هولوکاست اجازه نمی‌دهند حتی کسی آن افسانه را بازخوانی کند، مبادا دروغ و خدعه آنها حتی با درصدی بسیار محدود آشکار شود. صهیونیسم امروز از انسان‌های فقیر فلسطینی و اسلحهٔ فقیرانه‌تر آنان (یعنی سنگ) می‌ترسد تا مبادا داود سان بر هیمنه و سیطرهٔ جالوت‌گونه آنان فائق آیند.

آنان امروز از سایهٔ هر اقدام استشهادی واهمه داشته و رعشه بر اندامشان می‌افتد. اسرائیل امروز به روشنی می‌داند که اگر افسانهٔ هولوکاست برملا شود، بزرگترین حربه و مستمسک آنان ـ از ابتدا تاکنون ـ برای هرگونه اشغالگری و تداوم وحشیانه‌ترین اقدامات‌شان از دست می‌رود. افسانهٔ هولوکاست سلاح اساسی و درجه یک صهیونیسم است که با استفاده از آن و حربهٔ تبلیغات، اشغالگری خود و نیز رفتارهای وحشیانه خویش را با فلسطینیان توجیه می‌کند. همان توجیهی که نیم قرن است موضوع کتاب‌های درسی و دانشگاهی و چکیدهٔ هر نمایش و تئاتر بوده است.

یهود و صهیونیسم بیم آن دارند که روزی این سلاح و حربه را از دست بدهند و جامعهٔ جهانی با پوچی و بی‌اساس بودن این حربه دیگر وجود ایشان را برنتابد. آنان از دستان فقیرانهٔ کودکان فلسطینی هراسناکند همچنان که از دستان نویسندگانی که جز قلم صلاح دیگری ندارند می‌ترسند.

به راستی چه رابطه‌ای بین واقعهٔ هولوکاست و تأمین شرایط لازم برای تشکیل و بقای دولت اسرائیل بوده است؟

در سال گذشته مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌ای تصویب کرد که براساس آن ۲۷ ژانویه را روز جهانی «هولوکاست» نام‌گذاری کرد.

این قطعنامه تا روز سه‌شنبه اول نوامبر سال ۲۰۰۵ م از سوی مجمع عمومی و بالابی‌گری اسرائیل، «جان داندروف» سفیر اسبق اِمریکا در سازمان ملل، و «تام لنتوس» سناتور یهودی اِمریکایی و همچنین گروه‌های یهودی به اتفاق آرا به تصویب رسید، که از پشتیبانی ۱۰۴ کشور برخوردار بود.

این قطعنامه هرگونه تجدیدنظر در این موضوع را که از آن به انکار هولوکاست یاد می‌کنند رد می‌کند و کشورها را تشویق می‌کند تا برنامه‌های آموزشی دربارهٔ هولوکاست را توسعه دهند. با تأیید مجدد اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر که بیان می‌دارد هر کس بدون هیچ نوع تمایزی نظیر نژاد، مذهب یا دیگر وضعیت، مستحق داشتن حقوق و آزادی‌های موضوعه در آن است.

تصویب این قطعنامه در حالی در سازمان ملل صورت گرفت که بسیاری از مورخانی که ابعاد گوناگون این واقعه را زیر سؤال برده بودند، در زندان به سر می‌برند. شنیدن این خبر از سوی روشن‌فکران جهان و کسانی که به آزادی تحقیق و تفحص، اعتقادی راسخ داشتند، مأیوس ساخت.

صرف‌نظر از بسیاری از ادعاها در بارهٔ هولوکاست، تجدید نظرطلبان خاطر نشان می‌سازند که داستان هولوکاست کاملاً تغییر کرده و بسیاری از ادعاها درخصوص کشتار (یهودیان) ارزش و اعتبار خود را از دست داده است؛ به عنوان مثال، زمانی گفته می‌شد که آلمانی‌ها یهودیان اردوگاه داخائو ی، بوخنوالد و سایر اردوگاه‌های کار اجباری را در آلمان باگاز مسموم کرده‌اند؛ اما ثابت شد که این بخشی از داستان کشتار (یهودیان) آن‌قدر بی‌اساس است که سی سال پیش نیز از بررسی آن صرف نظر شد، در زمان حاضر هیچ یک از مورخان برجسته، داستان‌های مربوط به وجود «اردوه گاه‌های مرگ» در دولت گذشته آلمان رایش را تأیید نمی‌کنند. حتی مرکز سایمون ویزنتال که مأمور کشف هویت افسران متحدین است نیز این مطلب را تصدیق کرده که:

«هیچ اردوگاه مرگی در کشور آلمان وجود نداشته است».

در محاکمه استثنایی دادگاه نورنبرگ در سال‌های ۱۹۴۶ ـ ۱۹۴۵ م و ظرف دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم اردوگاه آشویتس (بخصوص آشویتس بیرکنائو و مجدانک ـ لوبلین)

عموماً به‌عنوان مهمترین «اردوگاه‌های مرگ» قلمداد شد و متفقین در نورنبرگ ادعا کردند که آلمانی‌ها چهار میلیون انسان را در آشویتس و ۱/۵ میلیون دیگر را در مجدانک به قتل رسانده‌اند، اما هم‌اکنون هیچ مورخ معروفی این آمار و ارقام را قبول ندارد. به علاوه، در سال‌های اخیر، مدارک بسیار چشمگیری در دسترس قرار گرفته‌اند که براساس آنها نمی‌توان اتهامات مربوط به کشتار تودهٔ یهودیان در این اردوگاه‌ها را به سادگی پذیرفت، برای مثال، در عکس‌های مفصلی که به طور تصادفی در سال ۱۹۴۴ م (بنابر ادعاها اوج دوران انقراض و نابودی) توسط هواپیماهای شناسایی از اردوگاه آشویتس ـ بیرکنائو گرفته شده، هیچ اثری از انبوه اجساد، دود ناشی از سوختن اجساد و یا تودهٔ یهودیان در انتظار مرگ مشاهده نمی‌شود. در صورتی که بنابر اظهارات، اگر آشویتس مرکز یک کشتار عظیم بوده باید در این عکس‌ها به طور واضح مشاهده می‌شد.

ضمناً در زمان حاضر همه ما می‌دانیم که اعترافات پس از جنگ «رودلف هس» فرمانده آشویتس به عنوان بخشی مهم از داستان کشتار هولوکاست، زیر شکنجه صورت گرفته است. اعترافاتی که شش میلیون نامقدس از آن نشأت گرفته است.

یکی از حربه‌های مهم صهیونیست‌ها برای توجیه سیاست‌های وحشیانهٔ خویش، جعل افسانه‌ها و اسطوره‌هایی از جمله هولوکاست است. این واقعه ادعایی بیشتر به ارتش هیتلر نسبت داده می‌شود؛ در صورتی که عالمان تاریخ ارتباط وثیق هیتلر از این موضوع راگوشزد کرده‌اند.

«هانا آرنت» دانشمند یهودی و «هاینس هوهنه» روزنانه‌نگار آلمانی به ارتباط‌های گرم آلمان هیتلری و حزب ناسیونال سوسیالیسم او و صهیونیست‌ها اقرار می‌کنند. شواهد گوناگونی براین ارتباط وجود دارد، از جمله:

ـ انعقاد قرارداد «هاوا» راکه تسهیلات لازم جهت مهاجرت یهودیان به فلسطین را از راه انتقال سرمایه‌شان با صدور کالاهای آلمانی فراهم می‌کرد.

ـ همکاری گروه صهیونیستی بتار با نازی‌ها.

ـ در قرارداد هاوا در سال ۱۹۳۳ م جانب نازی‌ها راگرفتند و مانع از اعمال تحریم اقتصادی برضدّ آن‌ها شدند.

ـ مهاجرت گستردهٔ یهودیان آلمان از طریق کمیتهٔ رستگاری که مردی به نام کاستنر مسئولیت آن را برعهده داشت و در قبال آن خدماتی به نازی‌ها عرضه می‌کرد.

گرفتن غرامت از آلمان از ۱۹۵۲ م و ادامه آن تا سال ۲۰۰۲ م بابت این قتل عام ادعایی. این غرامت چنان برای اسرائیل حیاتی بود که بنگورین، گرفتن آنن را معجزه‌ای در حد ایجاد دولت صهیونیستی می‌داند.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

«دولت آلمان صد و پنجاه میلیارد مارک به عنوان خسارت به یهودی‌ها داد، اما خسارت یهودیان از آلمان هنوز تمام نشده است، باز هم خسارت طلبکارند و باید به آن‌ها داده شود؛ آن‌چه یهودی‌ها با آلمان کردند، کم و بیش با برخی از کشورهای اروپایی دیگر مثل اتریش، سوئیس، فرانسه و حتی چند سال قبل با واتیکان نیز انجام دادند. همه باید خسارت بپردازند، این خسارت تمام شدنی نیست. در بعد روانی، اسرائیلی‌ها فعالیت‌های بسیار مهمی دارند. همهٔ سیاست‌مداران، خبرنگاران، روشن‌فکران، کارگزاران و نخبگان غرب باید در مقابل بنای یادبود کوره‌های آدم‌سوزی سر تعظیم فرود بیاورند. یعنی داستانی که اصل صحت آن معلوم نیست، مورد تأکید قرار گیرد و خود را بدهکار آن داستان قلمداد کنند. این‌ها روش‌هایی است که در تبلیغ دارند و همه معطوف به مظلوم نمایی است. این افسانه در کنار اتهام یهودستیزی به منتقدان آن کمک شایانی به توجیه ستم‌های صهیونیسم در جهان می‌کند».

پرفسور «نورمن فینکلشتاین» یهودی هم در کتاب صنعت یهودی‌سوزی به سوء استفاده از این داستان تصنعی و بحث یهودستیزی پرداخته است. پژوهش‌گران رقم واقعی کشته‌شدگان یهودی جنگ دوم جهانی راکم‌تر از دویست هزار تن می‌دانند که در مقایسه با پنجاه میلیون کشته در جنگ جهانی که مسیحی و مسلمان و بودایی و غیره بودند، قابل اعتنا نیست.

اخیراً با تلاش لابی‌های صهیونیستی در سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای گوناگون

قوانینی تصویب شده است که کسی حق اظهارنظر دربارهٔ این اسطوره‌ها! را ندارد.

قانون دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو حق اظهار نظر اندیشمندان دربارهٔ محاکمه‌های دادگاه‌های سران نازیسم را از همه می‌گیرد.

در فرانسه قانون «فابیوس ـ گسو» به صورتی ظالمانه حق آزاداندیشی و تأمل دربارهٔ جعل تاریخ به دست صهیونیست‌ها را سلب می‌کند. انجمن بین‌المللی وکلا و حقوقدان‌های یهودی در کنفرانسی به سال ۱۹۹۸ م در سالوینک خواستار وضع قوانین ضد تجدید نظرطلبی در تاریخ شده و خواسته‌اند کشورهایی که قوانین مشابهی ندارند، آن را تصویب کنند. حامیان هولوکاست از بحث و گفت‌وگوهای عقلائی اجتناب می‌کنند و معتقدند که باید باور کنیم زیر سؤال بردن این مسئلهٔ عملی ارتدادی است و مرتدین باید تنبیه شوند.

امروزه هولوکاست در غرب تبدیل به باور جزمی و قطعی شده است حال آن‌که در سراسر دنیا کسانی هستند که کشته می‌شوند و کسی به آنها اهمیتی نمی‌دهد، بر همین اساس مدیر بنیاد کانادایی آزادی بیان می‌گوید:

«هولوکاست داستانی خودخواهانه‌ای است که به منافع اقتصادی و سیاسی صهیونیست‌ها کمک می‌کند؛ هالیوود به‌طور گسترده‌ای به‌دست صهیونیست‌ها کنترل می‌شود و آنان فیلمهای بی‌شماری دربارهٔ هولوکاست به جامعه عرضه می‌کنند، اما برای مثال رنج دیگران مانند پاک‌سازی قومی ۱۶ میلیون آلمانی از اروپای شرقی در سال‌های ۱۹۴۸ ـ ۱۹۴۴ م را نادیده می‌گیرند».

وی همچنین در این باره که چرا تجدید نظرطلبان از گفت‌وگو دربارهٔ هولوکاست منع شده‌اند و چرا با کسانی که در این باره اظهارنظر می‌کنند مانند مرتدین برخورد می‌شود، چنین اظهارنظر می‌کند:

«مذهب هولوکاست به هدف کنترل مردم خدمت می‌کند و مصونیت مهمی را برای اسرائیل فراهم می‌آورد به طوری‌که نمی‌توان از آن انتقاد کرد و به یهودیان اجازه می‌دهد تا رفتار ویژه‌ای در بسیاری از کشورهای غربی

داشته باشند. همچنین این پدیده به یهودیان در غرب اجازه می‌دهد در حالی که خودشان را یک اقلیت تحت تعقیب به تصویر می‌کشند، کنترل نامناسبی بر رسانه‌ها و اقتصاد داشته باشند. زیر سؤال بردن هولوکاست مزایا و موضع قدرتمند صهیونیست‌ها را که در بسیاری از کشورهای غربی از آن برخوردارند، قطع خواهد کرد. بنابراین هر کسی که در این باره بحث کند و یا ابعادی از داستان هولوکاست را زیر سؤال ببرد باید ساکت شود».

مظلومیت یهود از مهم‌ترین سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و هنری امروز در تمدن جهودزدهٔ غرب است. همان‌گونه که مسلمانان در طول تاریخ، شهیدان مظلوم خود را دارند و از حماسه آفرینی‌های عظیم ایشان نیرو می‌گیرند، یهودیان نیز برای خود «هولوکاست» ـ یعنی ماجرای کذب قتل عام شش میلیون یهودی در اتاق‌های گاز و سوزاندنشان در کوره‌های آدم سوزی ـ را ساخته‌اند!

کارکرد هولوکاست به جهات سیاسی و فرهنگی شبیه‌سازی شده‌ای این چنین است، با این فرق اساسی که هولوکاست آن‌گونه که یهودیان صهیونیستی چون «اسپلبرگ» در فیلم «فهرست شیندلر» روایت می‌کند، یکسره دروغین و تحریف شده است.

سؤال مهم این است که آیا پدیده‌ای به‌نام هولوکاست وجود خارجی دارد، یا این‌که ساختهٔ ذهن کسانی است که آن را وسیله‌ای برای سلطه‌گری و اشغالگری به بهانه مظلومیت خود قرار دادند؟

آنچه مسلم است این پدیده حتی اگر حقیقت باشد در بارهٔ ابعاد آن اغراق شده است و اغراق در ابعاد آن توجیهی برای اشغال سرزمین فلسطین توسط یهودیان بوده است.

نتیجه

پدیدهٔ هولوکاست با این همه بزرگ‌نمایی بیشتر به افسانه شبیه است تا واقعیت، اگر چه این پدیده با اسناد و مدارک و شواهد اثبات شود، اما در بارهٔ آن چند نکته مهم مطرح است:

اوّلاً تمامی کشته‌شدگان یهودی نبوده‌اند، و عدهٔ چشم‌گیری از اسلاوها، کولی‌ها، معلولان، همجنس گراها، کمونیست‌ها و غیره که یهودی نیز نبوده‌اند، کشته شده‌اند. ثانیاً شمار کشته‌شدگان مبهم است و غالباً کسانی که در این مسئله شک کرده‌اند نیز به کشته شدن ۱ تا ۱/۵ میلیون تن در واقعهٔ هولوکاست اذعان دارند. ثالثاً نکتهٔ مهم‌تر سوءاستفاده صهیونیست‌ها و مظلوم‌نمایی اسرائیل از این واقعه است که گهگاه براین اساس برای خود حقوقی قائل می‌شوند؛ اما فارغ از این مسئلهٔ کشته شدن حتی یک تن بی‌جهت و بدون هرگناهی، امری حیوانی است، چه برسد شکنجه، عریان کردن، کشتن توسط گاز و سوزاندن صدها هزار انسان، مرد، زن، کودک، پیر، جوان و غیره آن‌هم به دست انسان، اشرف مخلوقات خدا!

اسرائیل و صهیونیست‌ها ضمن این که واقعهٔ دردناک هولوکاست را برای خود مصادره کرده‌اند، در پنجاه سال گذشته از آن استفاده‌های فراوانی برده‌اند؛ یکی از توجیهات مهاجرت به منطقه خاورمیانه (اسرائیل) همین موضوع بوده است. آنان که در این سال‌ها خود حقوق بشر را با وقاحت تمام زیر پا گذاشته‌اند، همواره از موضوع هولوکاست دم می‌زنند.

فصل پنجم

مسجد و جهانی شدن

جایگاه «مساجد» در:
عصر «جهانی شدن»

▣ سید محمدرضا طالبیان

مقدمه

«جهانی شدن» (Globalization) اصطلاحی ناظر به یک واقعیت عینی و خارجی است که در آن حیثیت فاعلی و ارزشی، مدنظر نیست. به دیگر سخن، بحث پیرامون پدیده یا وضعیتی است که آدمیان اینک و در دهه‌های اخیر، با آن مواجه بوده و آن را در حال تحقق می‌بینند. در مقابل، «جهانی‌سازی» (Globalizing) اصطلاحی ناظر به حیثیت فاعلی و ارزشی پدیده یا وضعیت جهانی شدن است و به تعبیر روشن‌تر: حاکی از یک ایدئولوژی و یک برنامه هدفمند برای جهانشمول کردن پاره‌ای از امور.

این نوشتار ابتدا به تبیین مقولهٔ جهانی شدن می‌پردازد، سپس از جهانی‌سازی و راست و ناراست بودن آن سخن می‌گوید، آنگاه در باب نقش و جایگاه مساجد در عصر جهانی‌سازی و کارکردهای مؤثر آن، سخن خواهیم گفت.

بخش اول
جهانی شدن: مبانی، مؤلفه‌ها و پیامدها

جهانی شدن

جهانی شدن فرآیندی است در ارتباط با چهار حوزه:

۱ ـ حوزه فنی: در این حوزه، از وقوع و شکل‌گیری «انقلاب صنعتی و علمی سوم» سخن به میان می‌آید. «انقلاب صنعتی و علمی اول» از نیمهٔ قرن ۱۶ تا پایان قرن ۱۷ شکل گرفت که در طی آن، پیشرفت‌های قابل توجه و چشم‌گیری در زمینه‌های مهندسی، کشاورزی، پزشکی و جنگ به وجود آمد. «انقلاب صنعتی و علمی دوم»، در نیمهٔ قرن نوزدهم زخ داد و موجب دگرگونی در عرصهٔ توزیع و ارتباط و نیز تولید دیدگاههای علمی بدیع و اساسی گردید. در «انقلاب صنعتی و علمی سوم»، ما با انقلابی در عرصهٔ ارتباطات و فناوری اطلاعات مواجه هستیم. در این مرحله، «نظام جهانی اطلاعات» (World Information Order) از چند طریق شکل می‌گیرد:

الف ـ ارتباطات کامپیوتری و تلفنی.

ب ـ ارتباطات ماهواره‌ای.

ج ـ شبکه‌های بدون مرزی تلویزیونی و رادیویی.

علاوه بر موارد مزبور، توسعهٔ صنعت حمل و نقل هم در این میان نقش‌آفرین است. مجموعهٔ این عوامل یاد شده، سبب برچیده شدن عنصر «زمان و مکان» و جغرافیا در ارتباطات شده است. از این ویژگی به «افشردگی مکانی» و «باطل شدن جغرافیا» نیز تعبیر می‌کنند. در چنین شرایطی است که آدمیان احساس می‌کنند در «دهکده‌ای جهانی» به سر می‌برند.

۲ ـ حوزهٔ اقتصاد: در جهانی شدن اقتصاد، شاهد افول و تضعیف «اقتصاد کینزی» هستیم. براساس اقتصاد کینزی، که در مقابل اقتصاد کلاسیک است، دست نامرئی بازار به تعدیل چرخهٔ اقتصادی می‌پردازد و دولت نباید در این چرخه دخالت داشته باشد. از آن‌رو که اقتصاد کلاسیک

نتوانست رفاه اقتصادی به بار آورد و به شکاف طبقاتی انجامید،کینز، قائل به نقش و دخالت دولت در اقتصاد برای حل بحران پیشین گردید اما اینک و با جهانی شدن اقتصاد، حاکمیت و دخالت دولت در اقتصاد ملی تضعیف می‌شود و در مقابل، آنچه برجسته و تقویت می‌گردد نقش شرکت‌های چند ملیتی است که وطن و ملیت خاصی نداشته و به دنبال تولید ارزان‌تر و با صرفه‌تر می‌باشند. این شرکت‌ها از محدودیت قوانین سیاسی و حقوقی ملی تا حد زیادی رهایی می‌یابند. اینجاست که اقتصاد ملی کم‌رنگ می‌شود. در چنین فضایی، سازمان تجارت جهانی (WTO) به وجود آمد که نمادی برای جهانی شدن اقتصاد است.

۳ـ حوزهٔ سیاست: در حوزهٔ سیاست، شاهد پیدایی و بسط وگسترش روز افزون نهادهای سیاسی بین‌المللی و یا مؤثر در سیاست بین‌الملل هستیم. سازمان ملل، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و مؤسسات بین‌المللی متعدد مدافع آموزی همچون حقوق بشر و محیط‌زیست، عرصه را بر سیاست ملی تنگ کرده و رابطهٔ دولت ـ ملت را دچار چالش‌های متعدد نموده‌اند. بدین معنا که گاه تصمیمات حاکمیت، در محدودهٔ ملی، در تضاد با دریافت‌ها و رهیافت‌های چنین نهادها و مؤسساتی قرار می‌گیرد،گاه یک تصمیم قضایی، مخالف حقوق بشر شمرده می‌شود وگاه یک تصمیم اقتصادی دولت، با مخالفت سازمان‌های مدافع محیط زیست روبه‌رو می‌گردد که اقتدار سیاسی دولت را با چالش مواجه می‌کند.

۴ـ حوزهٔ فرهنگ: در حوزهٔ فرهنگ، شاهد تقارب و به تعبیر دقیق‌تر، انتقال فرهنگ‌ها هستیم. در این انتقال و ترابط، فرهنگ با تمامی اجزا و ارکان خود، همچون دین، آداب، رسوم و باورها انتقال پیدا کرده و گسترش می‌یابد. نهادهای فرهنگی ـ حقوقی بین‌المللی همچون مؤسسات پاسبان حقوق بشر، نمادی از جهانی شدن در عرصهٔ فرهنگ هستند.

جهانی شدن یک برنامه یا یک پدیدهٔ طبیعی؟

بحث مهمی که در اینجا مطرح است آنست که آیا با یک پدیدهٔ طبیعی با نام جهانی شدن روبروییم یا با یک برنامهٔ طراحی شده و هدفمند؟ برخی معتقدند آنچه آن را جهانی شدن

می‌نامیم مولود طبیعی و جبری پاره‌ای علل و عوامل فنی و تکنولوژیک است، اما در مقابل، برخی دیگر برآنند که این وضعیت، برنامه‌ای طراحی شده و هدفدار برای تحقق اهداف و امیال غرب است که در این راستا از تعبیراتی همچون «آمریکایی‌سازی جهان» یا «غربی‌سازی جهان» استفاده می‌شود. به‌نظر می‌رسد هریک از دیدگاه‌ها بازتاب وجهی از واقعیت اند. از سوی دیگر، «انقلاب ارتباط و اطلاعاتی» و فراگیر شدن وسایل ارتباط جمعی و زوال مرزهای جغرافیایی و مرگ زمان و مکان، مولود طبیعی رشد خیره کنندهٔ دانش فنی و تکنولوژی است، جهانی شدن بدین معنا، امری طبیعی جلوه می‌کند. همچنین باید گفت از آن‌رو که این وسایل پیشرفتهٔ ارتباط جمعی، در دامن کشورهای غرتی متولد شده و رشد کرده‌اند، می‌توانند عاملی برای انتقال آنچه این کشورها طراحی می‌کنند باشند و اهداف غرب را محقق سازند. چنین وضعیتی، اکنون در مسئله جهانی شدن حاکم بوده و ما در واقع با «جهانی‌سازی» مواجهیم.

در اینکه غرب، در مسئلهٔ جهانی شدن، چه چیزی را به دیگران تحمیل می‌کند دو دیدگاه مطرح است:

دیدگاه اول: برخی معتقدند در جهانی شدن، آنچه به دیگران منتقل می‌شود «مدرنیسم» (Modernism) است. مطابق این دیدگاه، مدرنیسم که ذاتاً ماهیتی هژمونیک دارد تسری می‌یابد و به آخرین مرحلهٔ تجلی و تکامل خود می‌رسد.

دیدگاه دوم: مطابق این دیدگاه، جهانی شدن در ارتباط اساسی با پست مدرنیسم (Post_Modernism) است. سر برآوردن دیدگاه‌ها و اندیشه‌های جدید در عرصه‌های گوناگون، تسلط و غلبه و یک‌پارچگی مدرنیسم را ستانده و جهان را دچار تکثر می‌کند. «کیت نش»، از مدافعان دیدگاه دوم است. به‌نظر می‌رسد نظریهٔ دوم، چندان مطابق با واقعیت نباشد، زیرا:

اولاً، پست مدرنیسم، دست‌کم طبق پاره‌ای نگرش‌ها، نقدی از درون تمدن غرب است. پست مدرنیسم، حکایت نارسایی مدرنیسم و البته در چارچوب اندیشه غربی است و از این‌رو امتداد مدرنیسم است نه دوران و وضعیتی مستقل از آن.

ثانیاً، حتی اگر در روند جهانی شدن، اندیشه‌ها و فرهنگ‌های دیگر هم رخ بنمایانند، غلبه همچنان با مدرنیسم است. این امر دربارهٔ فرهنگ و تمدن‌های غیراسلامی به دلایل ذیل صادق است:

۱ ـ ضعف در محتوای فرهنگ‌ها.

۲ ـ ضعف در روز آمد بودن فرهنگ‌ها.

۳ ـ ضعف در ناحیه وسایل ارتباطی و فنی که منجر به ضعف در فرم (Form) می‌شود.

در بارهٔ فرهنگ و تمدن اسلامی، قطعاً مورد اول صادق نیست، ولی مورد دوم به معنای ضعف فعالیت مسلمانان در روز آمدکردن فرهنگ اسلامی (= حفظ محتوا + زبان و فرم جدید) و نیز مورد سوم صادق می‌باشد.

اکنون به پاره‌ای از عناصر اساسی مدرنیسم می‌پردازیم تا دریابیم که با جهانی شدن، پارهٔ دیگر جهان چه هدیه‌ای از غرب دریافت می‌کند:

عناصر اساسی مدرنیسم

۱ ـ عقل‌گرایی (Rationalism)

انسان مدرن، با تکیه بر عقل ابزاری، راه جدیدی برای زندگی خودگشود. عقل ابزاری، عقلی است که به درک جهان اطراف و روابط میان پدیده‌ها پرداخته و نتایج بدست آمده را بصورت قواعدی تنظیم می‌کند. چنین عقل، بیشتر کارآیی عملی دارد و به انسان امروز، امکان تغییر جهان به سوی وضع مطلوب و زندگی بهتر و راحت‌تر، در راستای لذایذ غریزی را می‌دهد. این عقل، با اندیشهٔ دینی و معارف وحیانی ارتباطی نداشته و از آن گریزان است. انسان مدرن، باکنارگذاشتن عقل شهودی، که وجه فارق دوران پیشا مدرن از دوران مدرن بود و می‌توانست در زمینهٔ مفاهیم وحیانی و حقایق کلی هستی کاوش کند، راه و عرصه را برای عقل ابزاری گشود.

۲ ـ اومانیسم (انسان‌گروی) (Humanism)

در دیدگاه مدرن، انسان، محور و کانون هستی است و اصالت دارد. توانایی‌های ذهنی و ادراکی و علمی او برای ادارهٔ زندگی‌اش کفایت می‌کنند. در دیدگاه صنعتی، انسان گر چه شرافت و کرامت دارد، اما این شرافت و کرامت، از طریق بندگی و عبودیت حاصل می‌شود، انسان رها و گسیخته از عبودیت، انسان شریفی نیست. در مقابل، انسان جدید بر استقلال خود و کرامت‌های ذاتی خود و حاکمیت خود بر تدبیر آمورش تأکید کرد و امر و فعلی صادر از جایی فراتر از خود را نپذیرفت. در دوران ما قبل مدرن، کانون هستی «خداوند» بود و ارزش هر چیز، وابسته به‌خواست و تمایل او گشت.

۳ ـ سکولاریسم (جداانگاری دین و دنیا)

سکولاریسم، فرآیندی است که طی آن، وجدان دینی، فعالیت‌های دینی و نهادهای دینی، اعتبار و اهمیت اجتماعی خود را از دست می‌دهند و این بدان معناست که دین در عملکرد نظام اجتماعی به حاشیه رانده می‌شود و کارکردهای اساسی در عملکرد جامعه، با خارج شدن از زیر نفوذ و نظارت عواملی که اختصاصاً به امر ماوراء طبیعی عنایت دارند عقلانی می‌گردند. امروزه، دین در غرب، از او مرتبت نفوذ فراگیری و حتی تعیین کنند و سرنوشت‌سازی که روزگاری از آن برخوردار بود، سقوط کرده و صرفاً به یک بخش از نظم اجتماعی تبدیل گردیده است.

۴ ـ آزادی

انسان مدرن، خود را در ساحت اندیشه، بیان و عمل، آزاد و رها می‌بیند. او در اجتماع آزاد است تا هرگونه که می‌خواهد زندگی و رفتار کند. آزادی او هیچ قیدی ندارد به جز آزادی و رضایت دیگران. تنها زمانی که آزادی دیگران برهم خورد، آزادی محدود می‌شود و گرنه آدمی، اولاً و بالذات هیچ منع و محدودیتی، حتی منع و محدودیت دینی و الهی را نمی‌پذیرد، چراکه عرصهٔ

اجتماعی، عرصهٔ حقوق آدمی است و این حقوق را آدمیان خود وضع می‌کنند نه خداوند کس دیگری. به دیگر سخن، در عرصهٔ حیات جمعی و زندگی اجتماعی، مبنای رفتار آدمیان توافقات خود آنان است نه تکالیف دینی. از این‌رو، در جوامع غربی، اموری همچون همجنس‌بازی مشروع و قانونی می‌شود.

بحران‌های دامنگیر جوامع مدرن

۱ ـ بحران معرفتی: انسان مدرن، از زمان کانت به بعد، میان خود و جهان واقع، فاصله‌ای پر نشدنی می‌بیند. راه شناخت حقیقت اشیا به روی انسان مدرن بسته است و او با عینک ذهن خود، جهان را می‌بیند و می‌سازد. این جهان، جهان اوست نه جهان واقعی. از اینجا ریشه‌های شک‌گرایی انسان جدید متولد شد. از دیگر سو، نتیجهٔ مطالعات هرمنوتیکی نشان می‌داد که هیچ فهم ناب و کاملی از یک متن فرا چنگ نخواهد آمد. در معرفت‌شناسی، صدق به «انسجام با دیگر نظریه‌ها» تعریف شد ونه به «مطابقت با واقع»؛ مبناگروی حریفی به نام «انسجام‌گروی» یافته. نظریه‌های علوم تجربی با مشکل عدم قطعیت مواجه شدند و قصهٔ تغذیهٔ آنان از علل و عوامل غیر معرفتی بر زبان افتاد. در این میان، نظریه‌های علوم تجربی، شتاب آلود جای خود را به دیگری می‌دادند و این انسان مدرن بود که روزافزون دچار بحران معرفت و عدم اطمینان و شک و تردید می‌شد.

۲ ـ بحران اخلاقی: در دوران مدرن، مکاتبی همچون نسبی‌گرایی، سودگروی و لذت‌گروی در فلسفهٔ اخلاق پدیدار شدند که دست‌کم در برخی شقوق خود (مثل لذت‌گرایی یا سودگروی تعدیل نایافته) به مشکلات اخلاقی جوامع غربی و ناهنجاری‌های اجتماعی منجر شدند و یا در گسترش آنها نقش داشتند. چنانکه ذکر گردید، مطابق با اصل آزادی و نیز اومانیسم، انسان غربی، دست خود را برای ارضای بی‌حد و حصر و لجام‌گسیختهٔ شهوات و امیال نفسانی گشوده دید و این چنین شد که امروزه غرب گرفتار بحران معنویت و اخلاق است. غرب، امروزه با معضلات بزرگی همچون خشونت‌های خیابانی، مصرف بسیار گستردهٔ مشروبات الکلی و مواد مخدر، داروهای توهم‌زا، آزار جنسی و هم‌جنس‌بازی رو به روست. یکی از علل گسترش

مشکلات اخلاقی، توسعه و پیشرفت وسایل ارتباطی و فناوری اطلاعات است. شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای و سایت‌های اینترنتی، در این زمینه، نقشی اساسی دارند. از آثار چنین وضعیتی در جوامع غربی، فروپاشی جایگاه و منزلت خانواده، افزایش مردان و زنان بی‌همسر و یا طلاق‌گرفته و فزونی عشق‌های خارج از ازدواج است.

۳ ـ بحران‌روانی: اضطراب و استرس، بیماری قرن و بیماری دوران مدرن است. اروپایی‌ها، خود واژهٔ «عصر اضطراب» را برای توصیف قرن بیستم برگزیده‌اند. شکل خاص اضطراب در قرن حاضر، مولود «بی‌معنایی» و «پوچی و بی‌اهمیتی» است؛ بی‌معایی و پوچی زندگی و بی‌هویتی انسان. جهان جدید، کانون معنوی و معنا بخش زندگی خود راگم کرده است. انسان جدید، ابتدا، خدا راکنار زد تا با عقل خود، خود را آرام و قرار دهد، اما دیری نپایید که دانست کنار رفتن خدا از صحنهٔ زندگی، نه تنها آرام و قرار نمی‌دهد، بلکه اضطراب و تشویش می‌آفریند؛ چنانکه «نیچه» می‌گوید: «خدا مرده است»؛ یعنی در دورانِ جدید، حضور خدا در زندگی انسان از بین رفته است. چنین است که در غرب امروز، بشر به پوچی رسیده، از ورزش و سینما همچون دین‌های جدید تقدیر می‌کند و خود را به آنها می‌آوزد.

بخش دوم
کارکردهای مساجد و نقش آنها در عصر جهانی شدن

مسجد و تکثیر اندیشه دینی

همچنان‌که گفتیم در عصر جهانی شدن، جهان غرب می‌کوشد تا «مدرنیسم» را به نیمهٔ دیگر جهان تحمیل کند و ذهن و ضمیر انسان‌های سویهٔ دیگر زمین را با زینت و زیورهای فریبندهٔ آن تسخیر کند. برای مقابله با چنین امری، مساجد می‌توانند کانون‌هایی برای ارائه اندیشه دینی، در مقابل اندیشهٔ غربی باشند. به دیگر سخن، مساجد می‌توانند از ظرفیت‌های خود سود جسته و اندیشهٔ قدسی و الهی که زلال و پاک و شفاف است را به مسلمانان و علی‌الخصوص جوانان

مسلمان عرضه‌کنند و در مقابل مدرنیسم که ره‌آورد مغرب زمین است و سمت و سویی با وحی و معارف قدسی و اندیشه‌های الهی ندارد بایستد.

مسجد و زدودن شبهات فکری

جهان غرب می‌کوشد با بیانی سیل‌آسا و انبوه شبهات فکری، اندیشهٔ جوان مسلمان را نسبت به علایق دینی و اعتقادات مذهبی خود سست‌کند و به تـدریج از او فـردی لاقـید بسـازد. چنین فردی، دیگر نخواهد توانست در خدمت انقلاب اسلامی و اهداف عالیهٔ آن بکوشد و سودای پیشرفت دینی و دنیوی در سر داشته باشد. مساجد علاوه بر راهکار تکثیر اندیشه دینی، می‌توانند در این عرصه، کانونی برای دفع شبهات جدید فکری و القائات دنیای مدرن باشند و به جوانان، راه حل صحیح مشکلات فکری را عرضه دارند و آنان را در برابر این هجمهٔ شدید، بیمه نمایند. بدین‌سان، مساجد در سیمای کانون مقابله با «شبیخون فرهنگی» عرض اندام‌کرده و جلوه‌گر می‌شوند.

مسجد و بهداشت‌روانی

بهداشت‌روانی، در جهان جدید مسئلهٔ پر اهمیت و دشواری است. چنان‌که آوردیم یکی از معضلات و مشکلات دنیای معاصر، مسئلهٔ بحران‌های روحی و روانی است تا بدانجاکه عصر جدید را «عصر اضطراب» می‌نامند. دنیای غرب، توأم با تحمیل فرهنگ خود به دیگر جوامع بشری، بیماری دوران مدرن یعنی اضطراب را هم مخفیانه و پوشیده بدانان انـتقال مـی‌دهد. در اینجا هم مساجد می‌توانند نقش فعالی ایفاکنند و در تطهیر ذهنی و روانی و بهداشت‌روانی فردکمک شایانی ارائه نمایند. این امر از طریق برنامه‌های عبادی همچون دعا، نماز، راز و نیاز و نیایش و عزاداری که در مساج انجام می‌گیرد، محقق خواهد شد. نـیکوست تـا در ایـنجا به یک مسئله جالب توجه اشاره‌کنیم و آن تأثیر سبک معماری اسلامی مساجد در روح و روان و بهداشت روانی افراد است.

«ویلیام جیمز» در کتاب «دین و روان» می‌گوید:

«اجازه می‌خواهم که در اینجا نظری به ساختمان‌های معابد انداخته و ببینم که در بکار بردن زیبایی‌ها در ساختمان‌های بعضی از معابد همان نیاز و احتیاجی ملاحظه شده است که در نهاد و سرشت آدمی وجود دارد. روحیه‌هایی از مردم هست که به سادگی بسیار علاقمند بوده و به بی‌آلایشی زندگی داخلی خود اهمیت بسزایی می‌دهند. در مقابل، مردم دیگری هستند که به زرق و برق و جلال و جبروت اهمیت می‌گذارند... یک روحیه‌ای که به جاه و جلال اهمیت فراوان می‌دهد از یک معبد ساده و بی‌آلایش خوشش نمی‌آید. او به یک سازمانِ روحانیتی نیازمند است که پر ابهت و جلال بوده و یک مقام با عظمتی در رأس آن قرار گرفته باشد... اینها در مقابل یک معبد پر عظمتی که سر به آسمان برافراشته و در آن صدای تکبیر و الله اکبر با لحن مخصوصی طنین‌انداز باشد، عظمت و قدوسیت خداوند را بیشتر و بهتر درک می‌کنند».[۱]

سید حسین نصر «جوان مسلمان و دنیای متجدد» می‌نویسد:

«شاهکارهای بزرگ هنر اسلامی، همچون مساجد جامع قرطبه در اسپانیا، قیروان در تونس و ابن‌طولون در قاهره یا نظایر دیگر آنها در این سوتر شرق جهان اسلام، مثل بناها و مساجد استانبول و مخصوصاً اصفهان و سمرقند، نه تنها جلوه‌هایی از روح وحی اسلامی را باز تابانده است، بلکه اصلاً طنین جان و جوهر همان روح است و به یک معنا، روشن‌ترین و عینی‌ترین پاسخ رابه این سؤال می‌دهد که: «اسلام چیست؟». این بناها: برخی از مهم‌ترین جنبه‌های پیام اسلام را در هماهنگی و تناسب و صفا و روشنی و آرامش خود متبلور ساخته است».[۲]

---

۱ . ویلیام جیمز، دین و روان، ترجمهٔ مهدی قائنی، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی: ص ۱۵۰ و ۱۵۱ .

۲ . سید حسین نصر، جوان مسلمان و دنیای متجدد، ترجمهٔ مرتضی اسعدی، انتشارات طرح نو: ص ۱۴۸ و ۱۴۹ .

مسجد و اندیشه «مهدویت»

مساجد می‌توانند کانونی نقش آفرین و اساسی برای گسترش و تعمیق اندیشه مهدویت و به سخن روشن‌تر جهانی‌سازی مهدوی (عج) باشند. در اندیشه شیعی، مهدی موعود (عج)، روزگاری، دعوت جهانی خود را آغاز خواهد کرد و حکومتی جهانی به پا خواهد نمود و اندیشه الهی و وحیانی شیعی را در سراسر گیتی خواهد گستراند. بنابراین، شیعه معتقد به جهانی‌سازی مهدوی (عج) است. این اندیشه، نقطهٔ مقابل جهانی‌سازی غربی است که از زلال وحی به دور است و بر مبانی فرهنگ و تمدن غرب استوار است، می‌باشد. شیعه می‌تواند از اندیشهٔ مهدویت سود جسته و آن را به جهانیان عرضه داشته و دل‌های افسرده و دردمند سراسر عالم را امیدوار سازد و بدانان بفهماند که چنان نیست که اندیشهٔ غالب، اندیشه غرب و جهان کفر باشد. برای نیل به چنین هدفی، باید از مساجد یاری گرفت تا ابتدا خود اندیشه مهدویت در میان شیعیان به تعمیق و رشد و بالندگی برسد و زمینهٔ صدور آن فراهم گردد.

مسجد و مسئله بازیابی هویت

یکی از فرق‌های دوران ما قبل مدرن و جهان سنتی با دوران مدرن اینست که در دوران ما قبل مدرن، جهان و اشیای پیرامون آدمی، ساده و غیرپیچیده بودند. این اشیا نشانه‌ها و آیت خداوند بود. آدمی با نظر به آنها، به یاد خداوند می‌افتاد و یا آنکه به تأمل در خود و هستی خود و شناخت حقایق نفس خود کشانده می‌شد، به دیگر زبان، جهان چنان دیده می‌شد که گویی محضر و تجلی‌گاه خداوند است. فرآورده‌های علمی و فنی بشر در آن دوران هم واجد چنین وصفی بودند یعنی انسان با دیدن آنها یا به خدا و یا به نفس خود (به عنوان مقدمه‌ای برای رجوع به خدا) ارجاع داده می‌شد و چنین است که در معماری سنتی مساجد، مفاهیم دینی خودنمایی می‌کند. اما در جهان مدرن، جهان و اشیای پیرامون آدمیان، پیچیده شدند و جامد سادگی را بدر کردند، بشر بجای آنکه به تفسیر طبیعت بنشیند، به تغییر او پرداخت و دنیایی عجیب و پر زرق و برق با انواع و اقسام محصولات تکنولوژی مدرن پدید آورد. در این دنیا، اشیا دیگر آیت و وجه الله نبودند. آدمی با نظر به اشیای پیرامون و مکان‌های اطراف خود، به خدا یا نفس خود، ارجاع داده

نمی‌شود. به دیگر سخن، دنیای مدرن دنیایی است که در آن محصولاتی که پدید می‌آیند و مکان‌هایی که ساخته می‌شوند، ناشی از نفسانیت بشرند. چیزی که چنین باشد آیت خداوند نخواهد بود. بنابراین، بشر در دنیای مدرن، با نظر به اشیای پیرامون خود، دیگر به خود و خدا باز نمی‌گردد و هویت و چیستی حقیقی خود را بازیابی نمی‌کند بلکه در همان اشیای ظلمانی و نفسانی فرو می‌رود. اما در همین دنیای مدرن، اشیا و مکان‌های سنتی و دینی که رنگ خدا به خود گرفته‌اند، می‌توانند بشر را به خود یا خدا، ارجاع دهند. مسجد یکی از همین مکان‌هاست. مسجد مکانی است که بشر امروز هویت خود را در آن باز می‌یابد. در مساجد، این مؤلفهٔ بازگشتی (بازگشت به خود و خدا) به خوبی و به زیبایی تمام جلوه‌گر و آشکار است. معماری مساجد، نوای دلنواز و قدسی اذان که از مناره‌ها به گوش می‌رسد، نماز جماعتی که در مساجد برپا می‌شود، نیایش‌ها، دعاها و عزاداری‌هایی که در مساجد انجام می‌گیرد همگی عواملی مؤثر در رجوع انسان به خود و خدای خود است.

تأملی در احیای نقش مساجد
به اقتضای تحولات عصر جدید

▣ دکتر علی معموری

آیین‌ها و مراسم مذهبی یکی از عناصر و مقولات جدایی‌ناپذیر همه دیانت‌های آسمانی و بشری است. شعائر در نقش مجموعه سنت‌های اجتماعی با مفهوم نمادین دینی یا بشری نه تنها در شاکله و اسکلت ادیان و مذاهب حضوری جدی و فعال دارند که در نهادهای اجتماعی دیگر نیز به چشم می‌خورند. در واقع تمام اشکال و انواع آداب و رسوم، زیر مجموعه شعائر به‌حساب می‌آیند. این مجموعه ارزش‌ها و سنت‌های دینی، حقوقی، اخلاقی و... با کارکرد تنظیم و جهت‌دهی به رفتارها و اندیشه‌های عمومی، نقش مهمی در تمام فعالیت‌های اجتماعی انسان ایفا می‌کنند. از این روی شعایر دینی از نقش و اهمیت ویژه‌ای در نظام اعتقادی ادیان برخوردارند. شعایر دینی از نگاه مردم‌شناسی فرهنگی به دو کارکرد پیوسته به هم می‌پردازند: از یک سو موجب احیا و نشاط دوباره تصورات مذهبی شده و از سوی دیگ احساس بازگشت به ریشه‌ها و اصول را تقویت می‌کنند. شعایر در نقش بعد عملی عبادات به عنوان مجموعه رفتارهایی در ارتباط با پرستش خداوند تلقی می‌شوند که از حالت تقدس برخوردار بوده و در بسیاری از اعمال عبادی به صورت خضوع و کرنش در برابر خداوند به چشم می‌خورند. شعایر دینی در بسیاری موارد با مجموعه روابط اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی آمیخته گشته و کارکردهایی چند منظوره می‌یابند. در همین راستا دین اسلام به شعایر در عرصه حیات

دینی و اجتماعی بشر، اهمیت بسزایی داده و آنها را سمبلی بر عبادت، تقوا و نیکوکاری قرار داده است. آیه ۳۲ حج در این باره می‌گوید: هرکس شعایر الهی را بزرگ دارد پس آن نشانه تقوای دل‌هاست. در اسلام، مهم‌ترین واجبات و فرایض دینی مانند: نماز، روزه، حج و جهاد در ارتباطی عمیق با شعایر قرار داشته و حتی شعایر اسلامی در روابط عمومی و روزمره جامعه مانند: تولی فرزندان، آداب ازدواج، مرگ و حتی خواب و بیداری حضوری جدی و مستمر دارند.

هر دیانتی به‌طور طبیعی برای نهادینه‌کردن فرایند عمل به شعایر مذهبی سعی در تأسیس قطبی ویژه می‌نماید که نام عمومی آن معبد است. نهاد مسجد در نقش تنها معبد اصیل اسلامی از نگاه دانش دین‌شناسی تطبیقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا فرمان و آیین‌نامه تأسیس بنای این معبد برخلاف بسیاری دیگر از ادیان به‌طور صریح در خود قرآن آمده است. بااین حال و علی رغم جایگاه و موقعیت بنیادین و مستحکم این نهاد دینی در قرآن و سنت با شگفتی بسیار شاه پیدایش و شکل‌گیری مجموعه نهادهای مذهبی دیگر درکنار مسجد و به عنوان مکمل نقش آن هستیم که در بسیاری موارد در نقش رقیب آن در می‌آمدند. خانقاه، تکیه و حسینیه نمونه‌های روشنی از این دست نهادهای جانبی هستند. به راستی چه می‌شود که برخی در انجام مراسم دینی و عبادی خود در مسجد احساس تنگی نموده و به بیرون از آن کشیده می‌شوند؟ آیا مسجدی که در سنت نبوی محل هرگونه تجمع مسلمانان ولو در ظاهر بی‌ارتباط با مسایل عبادی طراحی شده گنجایش و ظرفیت اعمال عبادی این دسته افراد ـ صرف‌نظر از گونه‌های انحرافی آن ـ را ندارد و یا تعریف و کارکرد مسجد در فرهنگ اسلامی تغییر کرده و به نوعی محدود گشته است؟

گسترش ارتباطات در عصر جدید و پیدایش رقبای بسیار متنوع و متکثر در برابر نهاد مسجد، نقد و بررسی مجدد برخی عوامل محدودکننده نهاد مسجد را بیش از پیش ضروری گردانیده است. در واقع یا باید خزیدن و کناره‌گرفتن این نهاد دینی را از متن روابط اجتماعی پذیرفته و به کارکرد محدود آن در انجام پاره‌ای اعمال عبادی رضایت دهیم و یا باگشودن درهای آن به روی اقشار مختلف، امکان رفع نیازهای بیشتر و متنوع‌تری درون آن فراهم آوریم. در همین راستا توجه خوانندگان محترم را به برخی از عوامل محدودکننده مسجد جلب نموده

و در عین حال تأکید می‌نمایم که هدف از ذکر این موارد تنها جلب توجه و گشودن زمینه بحث و گفت‌وگو در این باره بوده و به هیچ وجه درصدد انتقاد و یا انکار حکمی شرعی نیستم.

۱ ـ تنوع حاضران

در مساجد معمولاً تیپ خاصی از مردم و حتی گاه تیپ ویژه‌ای از متدینان و نه همه آنها حاضر می‌شوند که عدم حضور بسیاری از آنها نه از روی بی‌تفاوتی که به دلیل وجود برخی محدودیت‌های فرهنگی می‌باشد که مانع پذیرفته شدن آنها در میان مسجدیان است. در واقع بسیاری از مساجد عملاً به نوعی پاتوق برای طبقه‌ای از مردم بدل شده که ناخودآگاه دیگر طبقات جامعه را به تعریف جایگزین‌های دیگری برای مسجد وا می‌دارد. مسجد به منزله خانه خدا باید پناهگاهی مطمئن و ایمن برای همه بندگان او باشد ولو برخی از آنها در زمره اهل‌معصیت تلقی شده و حتی آثار آن بر چهره و شمایل آنان آشکار باشد. البته روشن است که زمینه باز و آزاد برای حضور این دسته نباید به تأیید رفتار آنها بیانجامد؛ اما آنها نیز به عنوان بندگان خداوند حق حضور در خانه او و شرکت در شعایر مذهبی را دارند؛ همان‌گونه که انسان‌ها از منظر دین اسلام در هرحال و در هر زمان و مکان اجازه دارند با خدای خود مستقیم و بی‌پرده سخن گویند.

﴿ قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللهِ إِنَّ اللهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً... وَأَنِيبُوا إِلَى رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ ﴾.[1]

بنابراین هر انسانی هرگاه اراده کند که در جمع مؤمنان با خدای خود گفت‌وگو نموده و یا حتی از روی کنجکاوی قصد اطلاع یافتن از آداب و شعایر مسجدیان داشته باشد باید بتواند با آزادی تمام و بدون نگرانی از واکنش اهل مسجد به خواسته خود نایل شود. جالب توجه آن‌که در برخی اماکن مذهبی، قوانینی برای ممانعت از حضور برخی افراد تدوین شده و حتی همه اقشار متدینان نیز حق حضور در آن اماکن را ندارند؛ از باب مثال می‌توان از زیارتگاه‌ها نام برد که معمولاً ورود بانوان بدون چادر حتی در صورت برخورداری از پوشش کاملاً اسلامی ممنوع است.

---

۱. زمر: ۵۳ ـ ۵۴.

۲ ـ حضور غیرمسلمانان

امروزه در عصر ارتباطات و در واکنش به پدیده جهانی‌سازی فرهنگی، متولیان همه ادیان و مکاتب سعی دارند از حداکثر امکانات و ابزارهای موجود برای حفظ موقعیت خود و رقابت با رقیبان استفاده نمایند و آیین و مذهب خویش را در معرض دید و اطلاع همگان به‌منظور جلب توجه و گرایش آنها قرار دهند؛ این در حالی است که یک غیرمسلمان بنا به برخی آرای فقهی نجس ظاهری تلقی شده و در نتیجه حق حضور در مساجد و آگاهی یافتن و چه بسا شرکت نمودن در آیین مذهبی مسلمانان را ندارد. نکته قابل توجه آن‌که چنین حکمی در عموم ادیان جهان از جمله مسیحیت و یهود و... وجود نداشته و افراد وابسته به ادیان دیگر می‌توانند به راحتی در مراسم مذهبی آنها شرکت نموده و از آن اطلاع کسب کرده و حتی از آن فیلم و عکس تهیه کنند؛ امری که حتی برای مسلمانان نیز در برخی اماکن مذهبی همچون حرم مطهر امامان شیعه فراهم نبوده و نوعی بی‌احترامی تلقی می‌شود. لازم به ذکر است که اهل کتاب از میان غیر مسلمانان بنا به فتوای تعداد قابل توجهی از فقهای گذشته و امروز پاک تلقی شده حتی دیگر گونه‌های کافران نیز به فتوای برخی فقهای معاصر پاک می‌باشند که این مسئله می‌تواند راهکاری برای حل این مشکل پدید آورد. جالب توجه آن‌که کافران عصر پیامبر برای شنیدن کلام الهی و آگاهی از اسلام معمولاً در مسجد به حضور ایشان رسیده و با آن حضرت بـه گـفت‌وگو مـی‌نشستند که در بسیاری موارد به اسلام آوردن آنها می‌انجامید. امروزه این محدودیت در برخی مساجد کشورهای غربی نیز برداشته شده و غیرمسلمانان نیز در کنار مسلمانان می‌توانند در آیین‌های اسلامی شرکت جسته که رودررویی مسلمانان آن کشورها با واقعیات عصر جدید در پیدایش این امر تأثیرگذار بوده است.

۳ ـ حضور بانوان

در مساجد معمولاً بانوان نقشی حاشیه‌ای و طفیلی ایفا نموده و دخالت مستقیم در تصمیمات مربوط به مسجد و انجام مراسم‌های مذهبی ندارند و حتی در نقشه بنای مساجد نیز آنها را در گوشه‌ای دنج و زاویه‌ای کور و دلگیر وا می‌نهند. گویا بیشتر نقشی شبیه به یک تماشاگر برای آنها

در نظرگرفته می‌شود. البته بدیهی است که این مسئله از علل و عوامل تاریخی و فرهنگی ناشی شده و چه بسا در بسیاری موارد به طور ناخودآگاه از سوی متولیان مساجد سر می‌زند؛ از جمله می‌توان به وجود پاره‌ای روایات بررسی نشده‌ای اشاره نمود که حضور بانوان را در مساجد چندان ضروری نشمرده و مسجد آنها همان خانه‌شان تلقی شده است. علاوه براین ممنوعیت حضور بانوان در ایام عادت زنانه خود عامل دیگری در بیرون نمودن نیمی از افراد جامعه از متن شعایر مسجدی به حساب می‌آید و بدین‌سان تقریباً هر خانمی در حدود یک سوم از دوران زندگی خود از حضور در مساجد و شرکت در مراسم مذهبی و فرهنگی آنها به جز نمازکه از آن معاف شمرده شده است محروم است. راه حل ساده و ابتدایی این مشکل که به طور محدود در برخی مساجد اتخاذ شده آن است که بخش ویژه بانوان خارج از محدوده وقف مسجد در نظر گرفته شود؛ اما به هر روی این مانع از آن نمی‌شود که مسئله مذکور مورد بحث مجدد فقهی قرار گیرد.

۴ ـ تنوع فعالیت‌ها

در مساجد معمولاً به انجام برخی مراسم عبادی خاص بسنده شده و تنوع کارکردی چندانی در آنها به چشم نمی‌خورد که این مسئله به‌طور طبیعی از جاذبه مساجد برای بسیاری از افراد جامعه کاسته و حتی برخی متدینان را برای ذکر نمونه تاریخی آن می‌توان از حسینیه‌ها و تکایا نام برد.

۵ ـ امام جماعت

امام مسجد علاوه بر نقش عبادی از جایگاهی اجتماعی برخوردار بوده و نقش ایجاد ارتباط باگروه‌های مختلف جامعه را برعهده دارد. بنابراین نمی‌توان به حداقل شروط فقهی در انتخاب امام جماعت بسنده نمود و به ویژگی‌های اجتماعی و حتی شکل ظاهری او توجه نداشت. امام مسجد باید از روحیه‌ای بانشاط و فعال و جاذبه‌های شخصیتی ویژه‌ای برخوردار باشد تا بتواند نقش ارتباطی خود را با مخاطبان متنوع حاضر در مسجد به خوبی ایفا نماید. گاه ویژگی‌های امام جماعت به اقتضای محل مأموریت و نوع مخاطبان تغییر کرده و حالتی نسبی

می‌یابد؛ مثلاً در دانشگاه‌ها مناسب است که امام جماعت خود از تحصیلات دانشگاهی و تجربه دانشجویی برخوردار باشد و یا در اماکن ویژه بانوان مناسب است که امام جماعت خود نیز از میان خانم‌ها انتخاب شود و حتی گاه ممکن است تعیین یک شخصیت غیر معمم و یا حتی غیرروحانی مناسب‌تر باشد که در این‌گونه موارد نباید پاره‌ای تعصبات صنفی را بر مصالح اسلامی ترجیح داد.

۶ ـ اداره شورایی

امروزه همه نهادهای اجتماعی به سوی نوعی دموکراسی در شیوه اداره و تصمیم‌گیری حرکت می‌کنند. مساجد نیز از این قاعده مستثنی نبوده و لذا در بسیاری مساجد شاهد شکل‌گیری هیئت مدیره به جای متولی که درگذشته صاحب اختیار و همه‌کاره مسجد به شمار می‌رفت، هستیم. اما نکته قابل توجه آن‌که در انتخاب هیئت مدیره بیشتر به جنبه‌های اقتصادی و یا سنی افراد توجه شده و معیارهای مهم دیگر مورد غفلت قرار می‌گیرند. به علاوه انتخاب هیئت مدیره معمولاً از سوی برخی افراد با نفوذ صورت‌گرفته و به ندرت از عموم مسجدیان اظهار نظر خواسته می‌شود. در واقع این مسئله نیز تا حد زیادی ناشی از نبود فرهنگ مشارکت عمومی و اهمیت ندادن افراد به نقش و جایگاه مسجد ناشی می‌شود و لذا هرگاه تصمیم نابجایی از سوی متولیان مسجد دیده می‌شود افراد ترجیح می‌دهند به جای دخالت در امور و اظهارنظر، خود راکنارکشیده و از شرکت در مراسم‌ها وگاه حتی حضور در نماز خودداری ورزند.

موارد مذکور در این مختصر تنها نمونه‌هایی بارز و روشن از چالش‌های فراوری نهاد مسجد در عصر حاضر می‌باشند که امیدواریم بتواند زمینه این‌گونه مباحث را رد میان متولیان امور مساجد و به ویژه نشریه وزین مسجد باز نموده و رونقی تازه و تحرکی پویا به این نهاد مقدس دینی بخشد.

نقش و جایگاه مساجد
در
فرآیند توسعه وجهانی شدن

▣ دکتر سید حمید حسینی

چکیده

دوران کنونی ما را پدیده‌هایی چون «توسعه» و «جهانی شدن» (Globalization) از دیگر دوره‌های تاریخ زندگی بشر ممتاز و متمایز کرده است، «جهانی شدن» از موضوعاتی است که در دهه پایانی قرن بیستم، بسیاری از جریانات و پدیده‌های جوامع بشری را تحت‌الشعاع قرار داده و در نتیجه به موضوع وبحث روز تبدیل شده است.

پدیده‌های پیچیده‌ای که اگرچه آشکارترین و مهم‌ترین شکل ظهور و بروز آن تاکنون بیشتر در جنبه‌های اقتصادی بوده است، اما دارای گستره‌ی وسیعی از سیاست و اقتصاد گرفته تا فرهنگ و آموزش و دین و اخلاق و نیز رفتارهای اجتماعی وحتی فردی را، از سویی در برمی‌گیرد و از سوی دیگر در آنها اثرگذار است.

از آنجاکه دغدغه اساسی بسیاری از جوامع کنونی بشر معاصر پیوستن و همسو شدن با «جهانی شدن» و «توسعه» است ، چگونگی، شیوه، ابزار و ساز وکار آن پرسش جدی فراروی گرایش‌ها، نگرش‌ها، بینش‌ها، و اندیشمندان و دانشمندان است.

در جوامع مسلمان مسجد در واقع قلب تپنده حیات اسلام، دارای جایگاه ویژه و اثرگذار وکانون و محور فعالیت‌های جامعه اسلامی است. آنچه اکنون به عنوان «معبد» در دیگر ادیان مطرح است، ارتباطی عمیق و ریشه‌دار با جامعه و مسائل اجتماعی ندارد. اما مسجد در ارتباط با مسائل اساسی و بنیادین جامعه، نهادی مؤثر و دارای جایگاه است.

مسجد هرچند یک واحد اجتماعی کوچک، ولی نماد یک جامعه اسلامی و نمونه عینی حاکمیت ارزش‌های اسلامی است. از آنجاکه مساجد در خط‌دهی و هدایت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نقش غیر قابل‌انکاری د ارند ، ضروریست که در پروسه «توسعه» و «جهانی شدن» نقش مساجد و بایسته‌های آن درکشور اسلامی بدقت مورد بررسی قرارگیرد.

در شرایط کنونی «توسعه» و «جهانی شدن» و عصر انفجار اطلاعات، دیگر نمی‌توان در مساجد فقط به تلاوت آیات کریمه و نقل روایتی از معصومین، توصیه‌ای اخلاقی و احیاناً مشکلات مسجد و یا اهالی محله بسنده‌کرد و بهره‌وری مساجد را به این حد محدود ومتوقف ساخت.

مساجد باید بتوانند با رویکرد و رهیافت جدید وکاملاً هدفمند نمازگزاران را با وضعیت کنونی جهان و روند جهانی شدن، اهداف ، خوبی‌ها و معایب آن آشناکنند و مسجدی‌ها باید بیش از هر زمان دیگر در جهان‌کنونی به «حکومت جهانی و دولت‌کریمه» بیندیشند.

توسعه

برای توسعه (development) تعریف‌های‌گوناگونی ارائه شده‌که این امر ناشی از تفاوت دیدگاه‌ها، مفروضات، چارچوب‌های نظری و زوایای دید نسبت به این مسئله است. برخی از این تعاریف عبارت اند از:

یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم در جامعه‌شناسی، توسعه است و در لغت به معنای خروج از لفاف است و لفاف همان جامعه سنتی و فرهنگ و ارزش‌های مربوط به آن است‌که جوامع برای متجدد شدن باید از این مرحله سنتی خارج شوند و در نتیجه، توسعه مقوله ارزشی و چند بعدی

و کیفی است که شامل توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌باشد.[۱]

فریدمن می‌گوید:

«توسعه یک روند خلاق و نوآور در جهت ایجاد تغییرات زیربنایی، در سیستم اجتماعی است».[۲]

توسعه، فرآیندی است که تولید با استفاده از ابزارهای پیش رفته‌ی جدید، از وضعیت سنتی به روش نوین، متحول گردیده، انسان‌ها تخصص و مهارت لازم و فرهنگ مناسب با توسعه را کسب کرده و روند انباشت و به‌کارگیری سرمایه در جامعه، همراه با مدیریتی کارا و با ثبات تحقق یافته باشد.[۳]

توسعه، به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و یا انسانی‌تر است... برای درک معنای درونی توسعه باید حداقل سه ارزش اصلی به‌عنوان پایه فکری و رهنمود عملی درنظر گرفته شود. این ارزش‌های اصلی عبارت‌اند از: معاش زندگی، اعتماد به نفس و آزادی که نمایانگر هدف‌های مشترکی هستند که به وسیله تمام افراد و جوامع دنبال می‌شود.[۴]

توسعه، به فراگردی گفته می‌شود که در آن جامعه از وضع نامطلوبی به وضع مطلوبی متحول می‌شود. این فراگرد تمامی نهادهای جامعه را در برمی‌گیرد و ماهیت آن اساساً آن است که توان و ظرفیت بالقوه جامعه به صورت بالفعل درمی‌آید؛ به عبارت دیگر، در فرآیند توسعه استعدادهای سازماندهی جامعه از هر جهت بارور و شکوفا می‌شود، چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی.[۵]

توسعه، بهینه‌سازی در استفاده از نیروهای بالقوه مادی و انسانی یک اجتماع است.[۶]

---

۱. مژگان حق‌خواه، توسعه فرهنگی در جامعه ایرانی: ایسجا ۱۳۸۲/۱۲/۲.

۲. مرتضی قره‌باغیان، رشد و توسعه: ج ۱، ص ۷.

۳. حسین عظیمی، مدارهای توسعه نیافتنی در اقتصاد ایران: ص ۱۷۶ ـ ۱۷۷.

۴. عباس حاج فتحعلی‌ها، توسعه تکنولوژی: ص ۹ به نقل از: مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی: (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۳).

۵. همان: ص ۱۰ به نقل از: علی اسدی، توسعه برجاده تکنولوژی می‌تازد، مجله تدبیر: شماره ۳، مرداد ۱۳۶۹.

۶. محمود سریع القلم، اصول ثابت توسعه، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی: شماره ۲۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۹.

در همه این تعاریف، مفهوم ایجاد شرایط مناسب برای افراد و جوامع در کلیه وجوه انسانی موردنظر است. بنابراین، ضمن پذیرفتن اختلاف، تعاریف از این جهت مکمل یکدیگر بوده و متناقض نیستند.

«جهانی شدن»

برای فرآیند جهانی شدن تعاریف متفاوتی ارائه شده که به مهمترین آنها اشاره می‌شود:

«جهانی شدن (Globalization) درهم آمیزی‌اقتصاد، جامعه‌شناسی، سیاست، فرهنگ و رفتارها از طریق نفی مرزها و حذف پیوستگی‌های ملی و اقدام‌های دولتی است».[۱]

حقیقت تکامل سرمایه‌داری در پرتو سلطه کشورهای مرکز و حاکمیت نظم نابرابر جهانی است.[۲] جهانی شدن یعنی یکسان‌سازی و یا مشابه کردن دنیا به طرق گوناگون چون توسعه‌ی ماهواره‌ها، گسترش رایانه‌ها، افزایش رسانه‌ها، به ویژه ازدیاد کانال‌های تلویزیونی.[۳] جهانی شدن، پدیده‌ای چند بعدی است، از این رو، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و... را دربرمی‌گیرد و با تحقق آن، مرزهای ملی از بین رفته و یا کم‌رنگ می‌شود؛ کشورها نقش گذشته‌ی خود را از دست می‌دهند و به جای قوانین داخلی، قوانین بین‌المللی بر کشورها حاکم می‌گردد.[۴] جهانی شدن، فرایندی اجتماعی است که در آن، قیدوبندهای جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی و... برروابط انسانی سایه افکنده، از بین می‌رود. البته اگرچه جهانی شدن یک روند سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و... است، اما پیش از همه، روندی اقتصادی است.[۵] گسترش فرهنگ اروپایی از طریق مهاجرت، استعمار و تقلید فرهنگی به سراسر کره‌ی زمین است.[۶] تداوم حرکت

---

۱. مجله الواحه: ش ۱۶، ص ۱۵۳.
۲. جیمز روزناو، دینامیسم شناخت.
۳. نظام جهانی، سیاست و فرهنگ: ص ۳۴.
۴. فرهنگ رجایی، پدیده جهانی شدن؛ وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی: ص ۴۰.
۵. جهانی شدن و فرهنگ: ص ۲۸.
۶. جهانی شدن و تحولات استراتژیک در مدیریت و سازمان: ص ۲۴ ـ ۳۳؛ عصر اطلاعات، ج ۱، ص ۱۳۰.

سرمایه‌داری که پس از پایان جنگ سرد، رویای تسلط بر عالم را در سر می‌پروراند.[۱] تلاش برای گسترش جهانی الگوهای آمریکاست.[۲] تصویری ترسناک از یک بازار عنان‌گسیخته و پایان نوسازی به سبک ملی و دینی است که می‌رود تمام شالوده‌های سیاسی و اجتماعی ملت‌ها و دولت‌ها را از هم بگسلد.[۳] دخالت در امور داخلی دولت‌های جهان سوم وکنارگذاشتن ممانعت هرگونه قانونی که مانع تجارت آزاد از سوی شرکت‌های چند ملیتی است، بدون آنکه ثبات اجتماعی و حاکمیت این دولت‌ها را در نظر بگیرد.[۴] و سرانجام تن دادن جهانیان به فرهنگ، مفاهیم، زبان و اخلاق یا بی‌اخلاقی آمریکایی است.[۵]

مقدمه

امروزه دنیا، شاهد توسعه، تحوّلات و دگرگونی‌های گسترده و شگفت‌آوری، در عرصه اقتصاد، ارتباطات، فرهنگ، سیاست، معاهدات و امور بین‌الملل، در راستای «توسعه» و «جهانی شدن» است. چنانکه شاهد هستیم تحوّل و تکامل در ابزار و شیوه‌های ارتباطات آشکارا می‌تواند در انهدام و برداشته شدن حد و مرزهای اجتماعی، تأثیر گذاشته؛ همبستگی و یک‌پارچگی بیشتری را موجب گردد.

شهید مطهری در بحث از «آینده جامعه‌ها» معتقد است: جامعه‌ها و تمدن‌ها و فرهنگ‌ها و به سوی یگانه شدن، متحدالشکل شدن و در نهایت امر در یکدیگر ادغام شدن سیر می‌کنند.[۶]

اکنون یکی از نظریات مهم در عرصه بین‌الملل، «توسعه» و «جهانی شدن» است، حتی می‌توان گفت این نظریه‌ها بلامنازع هستد.

پدیده ـ جهانی شدن ـ رویدادی ناگهانی و جدید نیست؛ بلکه فرایندیست که از قرن‌ها

---

۱. مانوئل کاستلز، عصر اطلاعات: ج ۱، ص ۱۳۰.
۲. جهان رها شده: ص ۶.
۳. جهانی شدن باکدام هدف؟: ص ۸۴.
۴. غربی‌سازی جهان: ص ۱۱۰.
۵. فصلنامه مطالعات راهبردی: ش ۳، ص ۲۸۶ ـ ۲۸۵.
۶. تعلیم و تربیت در اسلام: ص ۱۴۶ ـ ۱۵۳.

پیش به شکل‌های مختلف وجود داشته و اکنون سرعت آن بیشتر شده است.[۱]

توسعه ارتباطات جهانی، به واسطه پیشرفت‌های فنّی، افزایش نهادهای سیاسی، اقتصادی و تجاری بین‌المللی، پیدایش سازمان‌های صنعتی و مالی چند ملیتی و افزایش قدرت بازارهای ارزی، به عنوان اجزای اصلی فرایند جهانی شدن است.

شالوده افکار و اندیشه‌های سیاسی، سمت و سوی تعهّدات و تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی، ماهیت برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها، ادبیات و فرهنگ غالب جوامع، جهت‌گیری سرمایه‌گذاری و خدمات اعتباری و مالی، شبکه ارتباطات و انفورماتیک و... به تدریج، براساس «توسعه» و «جهانی شدن» شکل می‌گیرد و پیوستگی و یکپارچگی میان آنها بیشتر می‌شود.

«جهانی شدن» در بعد فرهنگی سعی در اشاعه فرهنگی جهانی شده به فرهنگی‌های سنتی، ملّی و محلّی دارد. در این راستا هویت‌های فرهنگی که دین یکی از عناصر سیاسی آن در هر جامعه است، مورد تعرض قرار می‌گیرد. این تعرض با اشاعه سکولاریزم به عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگ جهانی صورت می‌گیرد و نوعی فشار جهت استحاله مذهب به عنوان جزئی از فرآیند سقوط سنت ایجاد می‌گردد.

برهمین اساس است که بیشترین مقاومت در مقابل جهانی شدن از سوی مذاهب بزرگ شرق مانند اسلام، هندوئیسم و آیین کنفوسیوس صورت گرفته است؛ پیروان این مذاهب «جهانی شدن» را یک پروژه غربی در جهت جهانی‌سازی سکولاریزه غربی در نظر می‌گیرند.

از آنجاکه در اسلام مساجد کانون انس و الفت مسلمانان و عامل نیرومندی در همبستگی و اتحاد مسلمانان جهان است، جایگاه، اهمیت اجتماعی و فرهنگی آن را در موضوع «توسعه و جهانی شدن» نمی‌توان نادیده گرفت.

نوشتار پیش رو در پی یافتن پاسخ این سؤال است که مساجد چه جایگاه و نقشی در

---

۱. تأسیس سازمان ملل متحد ۱۹۴۵ ـ انتشار نظریه دهکده جهانی مارشال مک لوهان ۱۰۶۵ ـ انتشار نظریه موج سوم آلوین تافلر ۱۹۷۸ پایان جنگ سرد ۱۹۸۹ ـ اتحاد پولی یازده کشور اروپایی ۱۹۹۸ ـ گسترش روزافزون سازمان‌ها و اتحادیه‌های اقتصادی (نظیر آسه آن، نفتا و اکو ـ ادغام بازارهای مالی، ادغام بانک‌های بزرگ جهان، تأسیس گات و در پی آن سازمان تجارت جهانی در ۱۹۹۵.

فرآیند توسعه همه جانبه و جهانی شدن دارند و رویکرد جدید مسلمانان به مساجد در فرآیند توسعه و جهانی شدن چگونه باید باشد.

نظریه‌ی «جهانی شدن»

«جهانی شدن» (Globalization) از موضوعات مهم روزگار حاضر است که در عرصه‌های مختلفی همچون اقتصاد، فرهنگ، سیاست، دین، اخلاق و... مطرح شده است. مهم‌ترین دغدغه انسان امروز، مسئله «توسعه» و «جهانی شدن» در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است.

«جهانی شدن» ابتدا در هیأت نظریه‌ای اقتصادی رخ نمود؛ اما اینک اکثریت قریب به اتفاق جوامع بشری، از تسری این امر در سایر حوزه‌ها حتی حوزه‌های فرهنگی ـ مذهبی آگاهند.

کاربرد اصطلاح «جهانی شدن» به دو کتاب برمی‌گردد که در سال هزار و نهصد و هفتاد میلادی انتشار یافت. کتاب نخست «جنگ و صلح در دهکده‌ی جهانی» تألیف مارشال مک‌لوهان که بر نقش پیشرفت وسائل ارتباطی در تبدیل دنیا به دهکده‌ی واحد جهانی متمرکز بود و کتاب بر ژینسکی، مسئول سابق شورای امنیت ملّی آمریکا در دوران ریاست جمهوری ریگان بود که درباره‌ی نقشی بود که آمریکا می‌بایست برای رهبری جهان و ارائه‌ی نمونه‌ی جامع مدرنسیم به عهده می‌گرفت.[۱]

امروزه «جهانی شدن» به صورت مفهوم و اصلی در آمده است که تقریباً در همه حوزه‌های علمی، سیاسی،؟اقتصادی، فکری، فلسفی و دینی، مورد بحث و گفت‌وگو و یا چالش و مناقشه است و با آن که عمر آن ـ به منزله یک تئوری یا نظریه ـ چندان زیاد نیست از چنان گسترشی برخوردار شده که به مثابه محوری برای تبیین و تفسیر مفاهیم و پدیده‌های گوناگون، خود را بر مجامع و محافل مختلف فکری و عملی مسلط ساخته است.

اصطلاح «جهانی شدن» در گذشته به عنوان یک اصطلاح جدّی و جا افتاده علمی، کمتر مورد توجّه و کاربرد بود و به طور عمده از اواسط دهه ۱۹۸۰ به عنوان یک اصطلاح علمی،

---

۱. جهانی شدن فرهنگ و سیاست، دکتر سید علی اصغر کاظمی.

مورد استفاده قرار گرفت. به نظر رابرتسون مفاهیم جهانی شدن، بیشتر پس از انتشار کتاب مارشال مک‌لوهان تحت‌عنوان ـ اکتشافاتی در ارتباطات ـ در سال ۱۹۶۰ مورد وجّه واقع شد (نظریه دهکده جهانی).[۱]

البته همه نظریه‌پردازان و نویسندگان، یکسان نمی‌اندیشند و هر کدام از زاویه خاصی به موضوع «جهانی شدن» می‌نگرند. هم‌اکنون در مورد این مفهوم، اتفاق نظر چندانی وجود ندارد و تعابیر و برداشت‌های متفاوتی از آن ارائه می‌شود؛ لذا برخی از صاحب‌نظران مدعی‌اند که اصطلاح «جهانی شدن» اصطلاحی مبهم و ناشفاف است.

در این راستا، عبارات و مفاهیم جهانی‌گرایی، جهانی بودن، جهان‌گستری، جهانی‌سازی، دهکده جهانی، نظم نوین جهانی، جهان واحد، جهان رها شده، جهان‌شمولی، اتحاد بزرگ، سامان جهانی، جهان وطنی، همگرایی فرهنگی جهانی، نجات کره زمین، جهانی کردن، صحنه جهانی و... مطرح شده است که در نهایت می توان گفت:

«جهانی شدن» به این معنا است که تحوّلی در جهان جریان دارد و نشانگر فرآیندی است که در آن اقتصاد، فرهنگ، سیاست و کارگزاران این امور، جهانی می‌شوند و در عرصه جهانی ظهور و بروز می‌یابند، جهانی شدن نشانگر یک تحوّل اجتماعی گسترده و فرآیندی است که بنیاد جامعه را تغییر داده، یک تحوّل تاریخی به وجود می‌آورد.[۲]

مسجد همواره درکنارکارکرد عبادی و معنوی خود، کانون اثرگذار و تعیین‌کننده سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در جامعه کشورهای مسلمان و حتی در بین سایر ملیت‌ها نیز بوده است.

---

۱. دهکده جهانی، نظریه مک‌لوهان.

۲. به‌نظر می‌رسد در این رابطه با سه وجه مهم، اساسی و گاهی متمایز از هم، روبه‌رو هستیم که به اشتباه یا تسامح، به هر عنوان جهانی شدن اطلاق می‌گردد:

۱ ـ روند و پروسه جهانی شدن (فرایندی طبیعی و تدریجی Globalization).

۲ ـ پروژه و برنامه جهانی کردن (غربی‌سازی Westernization).

۳ ـ پروژه جهانی‌سازی (آمریکایی‌سازی globalism = Americnization).

جهانی شدن برایجاد جهانی با ارزش‌های مشترک و احترام به مبانی فرهنگی دیگران و جهانی‌سازی بر ساخت جهانی با ارزش‌ها و هنجارهای مشترک و خالی از هرگونه تفاوت و تمایز در همه عرصه‌های تأکید می‌کند. جهانی کردن درصدد تسلّط اقتصادی و فرهنگی برکل جهان و بهره‌برداری از آن به نفع نظام سرمایه‌داری غربی است.

اینک مساجد باید آماده باشند تا بیش از آنچه تاکنون بوده است در سطح جهانی و شرایط جدید توسعه و جهانی شدن، حضور بسیار گسترده‌تر، قوی‌تر و تعیین‌کننده‌تری داشته باشند. در شرایط جدید نگرش به جهان، مسئولان و متولیان مساجد دیگر نباید محله‌ای، شهری و حتی کشوری بیندیشند، چه اینکه آموزه‌های دینی ما هم مبتنی بر توسعه همه جانبه مسلمانان و جهانی‌اندیشی است.

مساجد، توسعه وجهانی شدن

چنان‌که گفته شد امروزه پدیده‌های «توسعه و جهانی شدن»، اموری فراگیر، گسترش یابنده، پیچیده و دارای آثار و پیامدهای گوناگون در زندگی بشری است؛ به طوری که شرایط زندگی انسان‌ها را در بیشتر جنبه‌های آن حتی در ابعاد اخلاقی و معنوی، دستخوش دگرگونی‌های ژرف کرده است.

از این‌رو نمی‌توان «جهانی شدن» را در توسعه همه جانبه، نوآوری‌ها و انطباق‌های فرهنگی نادیده گرفت و یا توسعه همه جانبه را در فرآیند جهانی شدن نادیده انگاشت و نسبت به آن بی‌تفاوت بود. بلکه می‌توان با بیانی ساده، همه‌کس فهم در مساجد چارچوب‌های علمی و نظری آن را ارائه و اقشار مختلف مردم را با پی آمدهای مثبت و منفی آنها آشنا نمود.

همچنین به علّت این‌که در پس پرده این روند، عوامل و افکارمتعدّد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی قرار دارند؛ باید به دقت و هوشمندانه آنها را مورد بررسی و تحلیل و به روشنگری اذهان عموم مردم پرداخت از آنجاکه روشن است که برخی از مبانی، اهداف، ویژگی‌ها، آثار و پیامدهای «توسعه» و «جهانی شدن»، تفاوت و تباین اساسی با مبانی و اهداف شریعت مطهر دارد، نقش مساجد در ساماندهی، روشن‌گری و هدایت‌گری توده‌های مردم لزوم واهمیت ویژه‌ای نسبت به‌گذشته خواهد داشت.

بی‌دلیل نیست که کسی مانند روژه گارودی، مسجد را آئینه اسلام می‌داند و آن را عنوان کتابش قرار داده است و مارسل بوازار اسلام‌شناس سویسی راجع به نقش نیرومند مسجد در فرهنگ، اقتصاد، سیاست و وحدت مسلمانان چنین می‌نویسد:

«مسجد عامل نیرومندی در همبستگی و اتحاد مسلمانان جهان است و اهمیت اجتماعی و فرهنگی آن را از این بابت نمی‌توان نادیده گرفت، مخصوصاً در روزگار معاصر که مسلمانان شور و حرارت صدر اسلام را دگربار از خود نشان می‌دهند، مساجد به صورت مراکز تربیت روحانی و پایگاه جنبش امت مسلمانان نسبت به ستمگران و سلطه‌جویان درآمده است و به تدریج مساجد موقعیت سالهای نخستین ظهور اسلام را به دست آورده‌اند».[۱]

کریستین نفاح در مقاله خود: «مسجد کانون فعالیت جامعه اسلامی» می‌نویسد:

«مساجد به مثابه مرکز ارتباطی نهادهای اجتماعی، مثل بیمارستان‌ها، آسایشگاه‌ها، نوانخانه‌ها و دانشگاه‌ها و مدارس عمل می‌کند، اما استقرار این مساجد در مرکز شهر که با احاطه شدن به وسیله بازار و صنعتگران متعدد کانون اصلی شکل‌گیری جمعیت شهری است، گواهی است بر ضرورت و نقش عمومی آنان و هماهنگی این پدیده با تمام جوامع اسلامی جهان».[۲]

بنابراین نه‌تنها باید موضع ما مسلمانان در قبال روند «توسعه» و «جهانی شدن»، روشن باشد بلکه باید به جایگاه، نقش، سهم و اثرگذاری در آن بیندیشم. سوال اصلی ما باید این باشد که چه کنیم که محاسن و فواید این فرآیند را بدست آوریم و پی‌آمدهای منفی آن در امان باشیم.

هدف و مبنای اصلی «جهانگستری» استکباری و نه «جهانی شدن» سودجویی و تأمین منفعت بیشتر برای دولت‌های بزرگ، شرکت‌ها و نهادهای فرا ملّی و... و نیز برتری‌طلبی و سلطه‌جویی قدرت‌هایی چون ایالات متحده است و احتمالا آنچه درروند فرآیند «جهانی شدن» وجود ندارد و یا نمود ضعیفی دارد، تلاش برای تأمین نیازهای اساسی معنوی جهانیان، چون برابری، عدالت، معنویت، اخلاق، رفاه همه جانبه و... است؛ برعکس در سایه

---

۱. اسلام در جهان امروز، مارسل بوازار: ص ۱۰۱ و ۱۰۲.
۲. پیام یونسکو، آذر ۱۳۶۹، ش ۲۴۲، سال ۲۲، ص ۳۵.

آنها جهان اینک با اباحی‌گری و بحران معنویت، هویت و اخلاق رو به رو است؛ بلکه بحران ناامنی، فقر، بهره کشی و نابرابری نیز به طور فزاینده‌ای گسترش می یابد.

این در حالی است که نقش مساجد در جوامع مسلمان بسط و گسترش و تعمیق ذکر خدا، معنویت و عواطف، عدالت، اخلاق، تحکیم بنیاد روابط انسان‌ها بویژه در درون خانواده، احترام متقابل خصوصاً احترام به بزرگترها و مانند اینهاست بنابر این روشن است که رویارویی این دو موج در آینده باز هم بیشتر خواهد.

از آنجاکه موج منفی «جهانی شدن» روز به روز، بلکه لحظه‌به‌لحظه در حال تقویت کردن خود با تجهیز و تکمیل ابزار، بویژه ابزار رسانه‌ای است، باید دید موج مثبت و مقابل آن‌که خواستگاهش عمدتاً در مساجد است چگونه خواهد توانست در همراهی با آن اثرات منفی آن را خنثی کند و همچنان مردمان را به پاکی و اخلاق و عدالت فرا بخواند.

گسترش فعالیت‌های ضدّارزشی و فرهنگی در فرآیند «توسعه و جهانی شدن» مورد علاقه شدید سران و دولتمردان کشورهای غربی است.

اگر این فرآیند در جامعه‌ی بشری بویژه جامعه‌ی اسلامی توام با توسعه و گسترش ارزش‌های غیراسلامی و تحریف شده و کاذب باشد بی‌تردید با اهداف مسجد که توسعه ارزش‌های انسانی، دینی و الهیست مغایر است و باید از آن اجتناب نمود، زیرا در چنین حالتی دیگر انسان به عنوان مخلوق عالی و خداجو مطرح نخواهد بود و در هر نوع توسعه بازگشت به ارزش‌های اسلامی، معنوی، روحی و حیاتی باید یکی از اهداف تعیین کننده آن باشد.

مساجد و دولت کریمه ی جهانی

اگرچه ممکن است گفته شود نظریه‌های «توسعه» و «جهانی شدن» خواستگاهی غربی دارد، اما بطور قطع نظریه‌ی دولت کریمه‌ی جهانی متعلق به اسلام و مسلمانان است که در آموزه‌های دینی، قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام به آن اشاره شده است. بنابراین آثار و پیامدهای «توسعه» و «جهانی شدن» بر حیات دینی؛ آینده‌ی ادیان، پویایی انتظارات از دین، حکومت‌های دینی؛ قلمروهای دین، گفت‌وگوی ادیان؛ بنیادگرایی، دین‌های محدود و دین‌های جهانی؛

حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجّل‌اللّه‌تعالی‌فرجه‌الشّریف) قابل بررسی است.

سؤال اینست که اگر «توسعه» و «جهانی شدن»، همان حرکت بسوی حکومت جهانی حضرت مهدی (عجّل‌اللّه‌تعالی‌فرجه‌الشّریف) است، اگر فرآیند «توسعه» و «جهانی شدن» اساسا ربطی با آن ندارد، و اگر «توسعه» و «جهانی شدن» با آن حکومت عدل جهانی حضرت مهدی (عجّل‌اللّه‌تعالی‌فرجه‌الشّریف) وجه اشتراک و امتیازاتی دارد، مساجد در تمامی این حالات چه وظیفه‌ای دارند؟

چنان‌که می‌دانیم در اسلام، بویژه در مکتب تشیّع، توجّه به آینده و تشکیل حکومت واحد جهانی براساسی قسط و عدل تحت رهبری امام معصوم، جایگاه خاصّی دارد. تا چند دهه پیش اگردرباره «حکومت جهانی» سخن به میان می‌آمد، درک و فهم و پذیرش آن برای عموم مردم، سنگین و آگاهی و دانش آنان در این باره، محدود بود و بحث درباره «حکومت جهانی مهدی موعود (عجّل‌اللّه‌تعالی‌فرجه‌الشّریف)» و زمینه‌سازی برای پذیرش و باور داشت آن، مشکل به نظر می‌رسید.

اما اینک به راحتی می‌توان، در صحن عمومی مساجددر این باره وویژگی‌های «دولت کریمه‌ی جهانی»، و ابعاد جهانی آن و ارتباط آن با توسعه وجهانی شدن صحبت کرد و از حقانیت و درستی آن دفاع نمود.

به تعبیر دیگر اکنون در شرایط کنونی «توسعه» و «جهانی شدن» و عصر انفجار اطلاعات، دیگر نمی‌توان در مساجد فقط به تلاوت آیات کریمه و نقل روایتی از معصومین علیهم‌السلام و احیاناً مشکلات مسجد و یا اهالی محله بسنده کرد و بهره‌وری مساجد را تا این حد محدود ومتوقف ساخت.

قدر مسلم توسعه بی‌قید و بدون حد و مرز و جهانی شدن به هر شکل از حیث داشتن ابعاد و اشکال مختلف و مبهم و پیامدهای سوء، نمی‌تواند وجه مشترکی با حکومت جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام داشته باشد؛ چنانکه مشاهده می‌کنیم «توسعه» و «جهانی کردن» رها از مرزها و قوانین الهی دنیا را در ورطه انحراف، جنگ، ناکامی و اباحی‌گری قرار داده است و پیامدها و آثار نامطلوب و ناگواری با خود به همراه دارد که هیچ یک در حکومت جهانی

حضرت مهدی علیه السلام وجود ندارد، هر چند پاره‌ای از ویژگی‌ها ی توسعه و جهانی شدن و نشانه‌های آن، با بعضی از ویژگی‌های حکومت آن حضرت مشابهت دارد، بعنوان مثال گسترش سریع ارتباطات و نزدیکی جوامع به یکدیگر، امکان گفت‌وگو و تبادل آرا و افکار، استفاده مردم جهان از آخرین اخبار و یافته‌های علمی و پزشکی، تعامل و همفکری در مورد مسائل سیاسی (جنگ، صلح و...) جهان، بالا رفتن سطح سواد و معلومات، جهانی شدن فنّ‌آوری و صنعت و... برخی از وجوه مثبت و قابل قبول جهانی شدن است که مدل کامل و مطلوب آنها در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام وجود خواهد داشت.

وقتی جامعه بشری به مرحله‌ای از رشد و شکوفایی علمی، صنعتی و فکری می‌رسد که در آن نیاز شدیدی به اتحاد و نزدیکی احساس شده و بشر در بیشتر جنبه‌های زندگی، رفتارها و گفتارهای فرا ملّی و جهانی از خود بروز می‌دهد؛ در این صورت می‌توان از مساجد بطور مؤثری در توجه دادن افکار عمومی به حکومت دولت کریمه بهره گرفت وتئوری «تشکیل دولت کریمه جهانی» را به جهانیان ارائه داد و نکات مثبت و ارزنده آن را بیان نمود.

در مسجد، این پایگاه اعتقادی مسلمین است که باید تبیین شود که حکومت واحد جهانی اسلامی، تحت رهبری افراد صالح و وارسته و شخصیّت‌های برجسته‌ی دینی که معصوم از خطا و یا تالی تِلوِ معصوم‌اند، ایجاد می‌شود وخدا و احکام خدا تعالیم اسلامی محور و برای اداره ی جامعه‌ی جهانی کافی است ودر حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام دین اسلام، تنها دین حاکم بر جهان و قرآن، محور زندگی بشر قرار خواهد بود.

در مساجد و درکنار اقامه نماز باید افکار عمومی به این نکته جلب شود که توسعه در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام بر محورهای اخلاقی، اجتماعی، امنیّتی استوار است و توسعه‌ی علمی، قسط و عدل از ویژگی‌های بارز حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است.

و نیز در مساجد باید تبیین شود که حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجّل اللّه تعالی فرجه‌الشّریف) علاوه بر آنکه مشروعیّت خود را از خدا دارد، بر مبنای حاکمیّت عقل است و از افراد فاسق و فاجر و کافر، در آن حکومت اثری نیست و خواسته‌های بشر در هنگام حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام الهی خواهد بود.

مساجد باید بتوانند نمازگزاران را با وضعیت کنونی جهان و روند جهانی شدن، اهداف، خوبی‌ها و معایب آن آشناکنند و مسجدی‌ها بیش از هر زمان دیگر نیازمندندکه در جهان کنونی بیاموزند که نه محله‌ای، نه شهری، نه استانی، نه کشوری، بلکه «جهانی» اندیشیده و قضایا و رخداهای آن و اهداف آشکار و پنهان استکبار جهانی و دشمنان دین را بدرستی تحلیل کرده، از سطحی انگاری، زودباوری و نیرنگ دشمنان برحذر و هوشیار باشند و این موضوع اگر از مسئولیت‌ها و ماموریت‌های جدید مساجد نباشد قطعا از مهمترین آنها است.

اگر بپذیریم که مساجد محل فراهم آمدن «احیاء الله» است و واژه‌ی مسجد غیر از معنای خاصی که دارد مفهوم دیگری هم دارد، آنگاه با «بینشی جهانی» در این عبارت حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام دقت کنیم، به یافته‌های تازه‌ای در باب «توسعه و جهانی شدن» خواهیم رسید، آن حضرت علیه‌السلام فرمودند:

«**الدنیا مسجد احباء الله**».

«دنیا «مسجد» دوستان خداست...».[۱]

نتیجه

«توسعه و جهانی شدن» به مثابه بحثی معرفتی، شامل مفاهیمی است که در آن و ملزومات آن، اختلاف نظر وجود دارد. در این باب، مباحث انتزاعی و آکادمیک و مباحث سیاسی و فرهنگی بسیاری درگرفته و تقسیمات متعددی هم درآن واقع شده است و در نهایت به صورت یکی از مهمترین دغدغه های انسان امروز برای حرکت از وضع موجود به سمت وضع مطلوب در آمده است.

احتمالاً آنچه در روند فرآیند «جهانی شدن» و «توسعه»کم‌اهمیت است و یا نمود ضعیفی دارد، تلاش برای تأمین نیازهای اساسی معنوی جهانیان، چون برابری، عدالت، معنویت، اخلاق، و... است ، از این‌رو باید موضع ما مسلمانان در قبال روند توسعه و جهانی شدن، روشن باشد، بلکه باید به جایگاه، نقش، سهم و میزان اثرگذاری در آن بیندیشم و این روشنگری

---

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار: شماره ۱۳۱ ، ص ۴۹۳ .

از رویکردهای بسیار مهم و جدی مساجد در شرایط کنونی است.

اسلام به عنوان یک دین جهانی، نه تنها با جهانی شدن مخالفتی ندارد، بلکه می‌تواند ارمغان‌های مهمی به جهان بشریت ارائه دهد، به شرط آنکه ندای عدالت خواهی، صلح طلبی، خردورزی و آزادی‌خواهی اسلامی، در طنین هیاهوی مستکبران خشونت طلب و تهاجم فرهنگی آنان گم نشود، بنابراین مساجد خواه و ناخواه باید آماده باشند تا نقش و تأثیری بسیار گسترده‌تر و اثرگذارتر، بیش از آنچه تاکنون داشته‌اند، نه فقط در جوامع مسلمان، بلکه در سطح جهانی و شرایط جدید توسعه و جهانی شدن، در مدیریت و هدایت جامعه واقشار مختلف مسلمانان در زمینه «توسعه و جهانی شدن» داشته باشند.

طبیعی است که برای تحقق این امر راهکارها و رهیافت‌هایی لازم است که طرح آنها از حوصله‌ی این نوشتار خارج است و باید بطور مستقل به آنها پرداخته شود.

منابع و مآخذ

۱ ـ آکسفورد، باری، نظام جهانی سیاست و فرهنگ، ترجمه‌ی حمیرا مشیرزاده، دفترمطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۸ .

۲ – ایران‌زاده، سلیمان، جهانی شدن و تحولات استراتژیک در مدیریت و سازمان، مرکز آموزش دولتی، تهران، ۱۳۸۰ .

۳ ـ تاملیسون، جان، جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱ .

۴ ـ جمعی از سخنرانان، گفتمان مهدویت، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۱ .

۵ ـ حاج فتحعلی‌ها، عباس، توسعه تکنولوژی، تهران، انتشارات دانشگاه، علامه طباطبایی، ۱۳۷۲ .

۶ ـ رجایی، فرهنگ، پدیده جهانی شدن؛ وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، آگاه، تهران، ۱۳۸۰ .

۷ ـ رفیع، جلال، فرهنگ مهاجم، فرهنگ مولد، چاپ اول: تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳ .

۸ ـ سریع القلم، محمود، عقل و توسعه یافتگی، چاپ اول: نشر سفید، ۱۳۷۲ .

۹ ـ سوئیزی، پل و دیگران، جهانی شدن باکدام هدف؟، ترجمه ناصر زرافشان، آگاه، تهران، ۱۳۸۱ .

۱۰ ـ صبح صالح، شرح نهج‌البلاغه، انتشارات دارالهجره، قم، بی‌تا.

۱۱ ـ کاستلز، مانوئل، عصر اطلاعات، ترجمه علی قلیان و افشین خاکباز، طرح نو، تهران، ۱۳۸۰ .

۱۲ ـ مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا .

۱۳ ـ منصوری، جواد، فرهنگ استقلال و توسعه، تهران، وزارت امورخارجه، موسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۴ .

۱۴ ـ هانتیگتون، ساموئل، سامان سیاسی و جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علم، ۱۳۷۰ .